و کدار سو ده بفاه دنیم به کاردبار دنارا بیدویم به دان را سوم به کاردبار دنارا بیدویم به دان را سوم به این است وبك فني بكركور باف وبك وي رين نقرر المبكر كار ريت ي که ده به تبدرب الو در د بمقصور نوامه رسي ندسوده سنتا دم بهمدکس کمه فنی اندو در بهان فن از من ۱ و لی دمن در بهموان اللِّي ام از بهما على سَه وه مِنها و ويم مجده مبرد بانندونا زجاعت اداعجه طان الا) جربا فت كه اول زيمه ى شنافت فقاته بالجزناريج مفديم ا وعي المسلم

الن المرابعة المرابع فارغ البال و فدوي زا د وآسو ده حال که در و اکر سب آ نقاب انجلاي مصالمات ورتى نبدكان ديش قال فراست فدويار كفار ختل مدونقا ضارط فاني كه بكامتاد ويول انجاوز نره و و و و کړک ن مواوت ن دي عيال والله وايشان ازا نه حال ليت رسان مروس ، ي عبال الما في الآن عال لين الما أنه عال المائية واليان المائه عال المنظم المائه واليان المائه عال المنظم المائه والمنظم المنظم ا بريد مدون من مددي جا والمو آوا والموالي المريد و من من مددي جا والمواران جري المراد ا زرم ورسی بیران این استفا فراندا که ایجا بسنیدی کوازدندان درافوای رنا نشیج منت بسیردنیب من من المراد المرد المراد المراد المراد المرد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المر Contraction of The state of the s Resultantial Color المان المان

المبرع إلى إرباني الأبرب وظاهر ادنى وحب مولى اربيد ادلى The state of the s م برس سراع ال بي خواسم بروفهول لكن الما يتي المراع ال بي خواسم بروفهول لكن المراع معرم في المع المراع ال بي المراع معرم في المع المراع المراء مرع را ما عابنی باید وابن را نها بنی نیت سعدی اعتمان می این از ما عابی باید وابن را نها بنی نیت سعدی اعتمان می این می از می ا النيخاي بركار ارزابنداي شور بايدست بدس، اين كاركار وودنه و با في بها نه سووه بقال و بنج سبي كوربت مبرود الريز المراز الإراز المراز المراز الغرار المراز المراز المراز المراز المراز المراز الغرار المراز المر بخطابه ف برسد مركاه كورنج كه از آلاب زكه بالبت مرام الرسوب من المراق ال طابه ف برسد بره ه مرب و مقام منج بن كذب عراو بوس و مقام براز فروغ مدار و بكراب ما جميد ف في منط برك فروغ مدار و بكراب ما جميد فروغ بيا بدو و مناه برد خمير و دو و مناه برد خمير و دو و مناه برد خمير و دو و مناه برد فروغ بيا بدو و مربا با مقري المرب و دو مناه برد فروغ بيا بدو و مربا با مقري المرب و دو مناه برد فروغ بيا بدو و مناه برد فروغ بيا بدو و مناه برد فروغ بيا بدو و مناه برد و مناه برد فروغ بيا بدو و مناه برد فروغ ب المارن المحامد المارين

مترنب بال بهرحال وال بذير د و كال و ونت انتقال سب يخا ند تلبر ا المام و الجلال كبرا يربت كدوات او ورجب وكبراي او ت ديم و بشر عا جزا وتمتره عجز نبرد و منافی الذ مرجا که عجز آمه کرنا زکس کمایه د اران انرز انرز النحود خودرا برایه داران ازخود قیاس کرده کسی را جز نشارد المراد الرخود الم كراية ما وفت البلاسب لا ي مدات كرو ومسوسية بالردو براه ه که زانه بی منیزی کمبرآبد چون و ها می سر برور بری از دل ندا آ العديكاميمو وودوي راتاني بنر رحين وركارا عنية المدارد ومال مدرا ر نوی . روی به ایمزات نو دنی جاه و کمن کرداها د ما آماری در دارانه کارال آلایی ارباب سرصورت در پیروی ين المنوم منه و وانتفام مهامها لم زني كزيند ، است و اورا سيجيل مستعما خيري در فن ات كري و فوفيه وسم درما مد فهمي مها رتيه وارم خيا بنس ازین حذبن دبهات کمی از ار رایان این د بازمسبرومن! حزم و ند

Mistribion Missing the wind with the word with افرند ما م بلد از در بران شرها وعفلاً وعزما غير مكن المورد المور المان المران على المراك المرا

بعفر کهمیا زمیدازبرکررزی وافسر و کی ر ونشتيكه ويكرجانيه تسو وفنصية فننه جونالان عبيدالاحس درزمان بندي طبع زاد رسيج سوري بي منيم كه سنب يُركشف الانعباراز بسرائة زبا دات يام مايت بدرقلیل هشیار در زا هٔ کسفیر ا و رادو اكريسندخاط طوآبه بايه نفز ت و صدافت کراهابرالازاهاب 🛊 🗧

ال روردار سازه المرادات المراد برا من المام المسوده منعت وبرا من ما بدر الم من المان الم معبت وتنا دانی الم منافعات و المنافعات و المنافعا وانه در دفه المقل دا در و سب عد رر ر النبه ط ده و دو تصت و و و المراد الم المراد الم المراد المرد المرد المرد المراد المراد المرد ا البه طردة وذكفي الرافني كومد على ص روالم المراف الم

عية وليسرد من نند بكرة دركذ، سررآر وسين كمبن اغضينونيد مي منو وو المناوين أومار الأباغ رو د نغافیل مشکلی نبت کآسان نغو د + مردباید المرابل المرا وو+ وكمسلكم تسوده بها ه شتم مبداند إ مي رسالي كرمصير رمة مصيين اسال فية تهنبا مذبيضها بيئه مرغان علاذ برد_{يا} بنساخ طوطياكن ول بنیا در بت ویت نارکش صدرق سط خطاکش ملکه ج مان جز و از لم نایان و لم آن بیررینه چون کرد. په ریسه در و ا مش خوشر لذهدف وروكو بمرسرة امتن السطامان وررقا می بود *یے گفیے* سے لختی ر دار دل کدر دمر کو رمیسیم+من مات ماره ورنسه بهرفطاء أبنه اذجتمة اسيوال كوي

ایرگرم به و بر ای از الحفال صغر و گریش این فار قرار نسیا منا از الحفال صغر و گریش این فار قرار نسیا منا الحفال صغر و گریش این فار قرار نسیا منا الحفال صغر و گریش این فارد منا این فارد منا در منا و فارد من in the state of th مراه من الما من المراد و المرا ر دراه ون قالترميكا اص برجان بود زيرات بي المراب المراب المرجان بود زيرات المرب المراب المرب ا برطرح مکون مذا حقد شد و به قرر ۱۷ ماری در بیشر آمد بس آن برخردا نوجم بدر از این می رست و می این می رست و می این می در از از این می در از از این می در از این می در از این می در از از این می در از این این می در از والمدنية الرجد وزارة عربيها لكر وزير كال النبارة است و المال النبارة المال النبارة المال النبارة المال النبارة المال النبارة المال النبارة المال

الما المنوله بهي ففيد كيك بضرح دار با قبت قابلت سرند ني كركبرندوارا المنافعة والمنازية ا، جيه و عامه ندار م خلفت فابر بيرب سرخيدكه عالم درين لمه ه خوانه دو د كين مدلم انبقدرز ياضي وال سما فم و از كو ايد بو داكثر بهزيسة ال غلام ك^{ارتقار} علم ومستعدا ومذاوند ورنه حق ضدات زئت مرز كانه ازمبلنج وه و وحدروبيا موار ليمينسان مادان ومتفاخ امدو مجذات متعير جربذه منوزكر فأركلال ونخارة م جرخر *سایند طلکم مد*و دیاا بحر متالبنی آله الا مجال سو دره نبی ه و دوم غور *رسیاج وال* وفضلا وخركمري النب كاربيت عطي خالي از اجري نبيت ونخو المرود بسااعات رات استان نا طی آبر کاه که این کمیرین نیز سردن این کرده است ارتیجیت م ایسیا المرامتك فالبغلم وبالتحص تزبا بنضيت كمتضع واربا فيضط

رنا و و ملا رسوت زار د سی بی ان برده در یا ه کر اور ان و قار م رسون زارد به بی ان برد. در باه مرکاد کرد و ن و قار این می از بی مرکاد کرد و ن و قار این می از بی می از بی می عرفی زخود کم از عرفه مید کسیر می برد قب از بن می د بود المجد کم می فه است. برزید بی می می می از بی می می از این به طور کفاف میکر داکال فیفند نقاط عب الدارث ه می رسید. برطور کفاف میکردالحال میفند تعالی عب الداری و بردایجد کم می فی المی این می در بردایجد کم می فی المی این می در بردایجد کم می فی الداری و بردایجد می برد بردای المی الداری و بردای المی در بردای المی می میزند دارد در در بردای در برد من دورز من معدد من عبد الدارث و من مراز براز نفا المن و المرد و و ت مون كنم البرية و ت مراز براز نفا المن مع اللباس و اكر در با رج مون كنم و ت مبنو و المرد و و ت موز و ت مبنو و المرد و و ت مراز و و ت مبنو و ت مبنو و ت مبنو و و ت مبنو و ت ا لله منه منه اول اول وسروسه منه المنه ال

اولی مهنه واکرچنین نیز نباست مفعایقه مِنت میدکر بار برای جاب ز د نورها ^ر حوف خوابم آمدا نیقدر *تنگیف نیز رمخلص حبندان* و شوار نیمنت *لیکن* اول پک مائ ازان مستوره عفات خروربت قد مرمخبه فر این ومالأز كارخود ومت بردارمدنياه ه و السلام حسر البّمام رقيع الو داد مقدًا ي الم خان الم مَسود ومنجام منال دارم كوكسني كردس كردد ونه مزال ال تن كردسي كردم فارخ ازمع درجا وراحنيم بففا ممزيك في أمنت كنزوفاد بخاكار مرحبذكم محسد وكوال نيم سمحه منداين وآل نيم كاسرم فالرعب كت بنار و؛ طنم كوفتارها كومصا حرام لوسساً طير امر يومارم كياب جرمعانسي د ريل حوالام وم صارًا ابن م جان رهبنغ وانجه مي غيد مي منير خو درا عز زيت ارم أ ذيل م فم توكيز سو د منجاو كربوخ عالمريخ صاروزتها كو الرم الاكرمين والكركرم او في إلى التي د فراد ۱ بندگا خود را بطاریا آبیفت ار فرنود . د فرمود ه توسکواله میس نقسله : ۰ Marie State Control of the Control o

المرد در المراب المرافي المرافي المرد المر المرافح المرافع المراف موزه جان کرارست و درمن از جوش جوارت باز د الفرزبان رفیزه این رفیزه برا نفاحت افزاید همون می از جوش جوارت باز د الفرزبان رفیزها نفیزه بریدا علام فراند این بریدا می بریدا علام فراند این بریدا می بریدا علام فراند این بریدا در این بریدا می بریدا علام فراند این بریدا در این بریدا می بریدا می بریدا علام فراند این بریدا در این بریدا می ب مان افراید سوده و به و کست می و سرگاه بسیدن و به در نبولا برا و رعز رالقار است از ان می سیدن و می میدن و بسیدن و می در نبولا برا و رعز رالقار این از ان می در نبولا برا و رعز رالقار این از این می در بیدا و در دور ونمو ده اند سرحند کر این امرالاین مفتان خان بنو دلیکن تدانجیت این از این امرالاین مفتان خان بنو دلیکن تدانجیت این از این امرالاین مفتان خان بنو دلیکن تدانجیت این از این امرالاین مفتان خان بنود این از این امرالاین مفتان خان از این امرالاین این از این امرالاین از این این این از این

سطح اضاف کراهات ک_{ر دی}را برات مرح دخ رمی ب د و دا دمسرت دانهاج در داد. خوش دونت اخش دي سه منود البد كاررا وتشاود باً + ارْ مَرْمارِیا کو د حِرستره دم دار خیالیها که در د برا فرامننم دحنس حابكم معلوم دوكسنان بلمر بكمالت حسرمنا دخ يوأنجان منده ام منيداننده ام تسسم مجدا ازدرم ونيو مَا يُجَالِجُهُمْ الْمُحْدِينَ مِنْ الْمُحْدِينَ الْمُعِلَيْنَا الْمُعِينَ الْمُحْدِينَ الْمُحْدِينَ الْمُحْدِينَ الْمُعْد رت کی فرو د و حالیاً *را بائے اقتص*ار واخیا

ایای اسم و کار در با د ه آمرن جمیدا د شوار چرس زم که از بیخ نور از می از می که از بیخ نور از افسوس برار افسوس می خرد از می که از می بید از می کار بردن آبی افسوس برار افسوس می خرد از می کار بردن آبی افسوس برار افسوس می خرد می ار معنی غر منرفب و موسنی غرمز صدقا در آیره را کر دید اکراز فرد از از فرد اکراز فرد اک اینمت از و بار سر فراز فرا بند عبد ورز از صربها جه میش آمد باید و بدان از قدر از از در از از در از از در از در دوا دا در در از در می بین از می میش آمد باید و بدخی بیدون این میش آمد باید و بدخی بیدون این میش آمد باید و بدخی ع د الحام على مرده ما ي مسيم لك في من المنها و ه رري المنازي كم خور الما يا من المنها و ه رري المنازي كم خور الما يا من المنها من المنها المنازي كم خور الما يا منها المنازي المنازي و مر روز نوير صحت المنازي المناز

Androp is Charles ت نهیج مرضی ندادم لیکن میار ام مینواز کرچبری مخرر م و حایث روه ت مزاج او اعدّال منح فشك^ا د و و دراندك م وكركون مينو درت ،امد تعالى فرميت كوازينج برنخ نفاحت ياسروا للافت برت إبمائكاه حافر شده تلافي ايام كذمشته خوام زنور لىل الست كوارا كومل كامل واند و ناقص با عض خواند نا عكسر آن اكثر كر ا في را ننا حبّان المه جراين منبيف كه ابن سنت كل مركة اكل مرا وروه المه انج ابن فضل فر دي برآور ده اندو افاكم ال راجز و كال داند در تحصل آن م خورد ه آن رخوردار را باید کوپ لک بین ملایافند: مو د هٔ منظمی و تنم مطان فدوی^{ی و دو} قدوی میلم مقد و دواز اخیارات ى تشده كو آمدات } رايجان رفية ودر ما مدن } و يا بركشتن إزا تنا

and the contract of the contra من لمرى كم هاف برو طنوليت وارا مهمى هم درماد المناسطة الم and the state of t بالد وحودسوي أن كرايد وبسب لحاظ الفا فرعبارت نا منطوع المار المراد الماران والمندسودة من يجم إرك يدن ولكم في البرمات ان دو الكيس كفلياللقدار بایند اسوده سی جم بر از مربه ترین می طرافت بعظ نا برماسب می از مربه ترین می طرافت بعظ نا برماسب می از مربه ترین می طرافت بعظ نا برماسب می ایرا می می از در دارمایسنفور عین قصور سو ده می نیستم ایرا می کوشتر از در دارمایسنفور عین قصور سو ده می نیستم ایرا می کاری نید و زا ده نقر یا فیت می ایران در ایرا ارد ارانفال الم تقرب اكمت حياى نبده داوه تقريا فيت المراد فاراب في نبده داوه تقريا فيت المراد في المرد في المراد في المراد في المراد في المرد في المراد في المراد في المراد في المراد في ا

في الله المرو دحاليه الجدكه دربابيت الراوسه من بر مسس من المراكم المفدوراز الفاط أنه الله المرسيد بهبت بسرسائ از لفط الن مبدت مجمعني فوميد اكديكم المفدوراز الفاط نسهم دورا ندوري مرمقدمه تقديم لمتيدان وبرائج لمتيد تجديد لعظ ومعنيآتم لیکن در پئی نغت نرو دومحت و رهٔ اہل نابن از دسبت نه به و چسفان لنذكره دراندک تغیر و بندیا كهن الو وا نایه داین و قتی بند كرم ف كه و بستقد بین محفوظ ومبيش ورد ، مناخرين بلحوط استدوجهان كار د كمبدف كرايد خصرصًا عالقو حكام كروفت لاحظ لِهنان خود را صاحبيك تبدا ودامذ كه دربن يوفع رآين کاومه و اروقیت کرنید ورسا وات کرنید لیکن اول سنداد محاط بنینه و کالآدابی:

ازیمد بردار و و در را افدا کمدر فرورت نخص کر ورت و کا در کارازار الم افران در افران از الم افران در افران در افران در افران برا می در در افران در افران برا به برد در در افران معنی بوسی میوه دارا از غرسوه و دارع زست وجوات - بر معنی میوه دارا و نیم میران می میرود این بر میران می میران معبول زا زهبوان به تمبر الم و فيض فا بمبت جادر المعبول زا زهبوان به تمبر المراد معبول دا در در اندبون و انترف الني نائه و انترف الني نائه و انترف الني نائه و النوال دا در و النوال سندوبا به که روع مجنر کند کرمفی کردو نه مبتراه ارسر سر وسنوم بفی ای افضی الکلام قبل عرف و ال دام بیل سخن مختص و مضبوط فی الکلام قبل عرف و الکلام قبل الکفی و الکلام قبل الکفی و الکلام قبل الکفی و الکلام الکلام

ار سے برکت ناکن بندری جازا دجوے زیرعادت مفرت ایک ر د و ق نخر به وا تعب انفدر کا قبرت زیاد ه داغ یاستی دمه سو د پهټونهم سې پذان خې محفداران لېسد عن بېه زنت و اجواي کا رقا رة ركزيد م أن ن ومكو ، امذ بعر خر نبر كالحرامي سب نم كواند فدرز نحوا روسح واليقيجا قبت ألرغابت شو دكما ل زرار مبت بابنده ارنبد فرخرم بالمجار وكا ابن محت ر عين وعين وخ والسنديمة إدرا عرود ورما وترقي در وكت بيها بشفول موطف ابتدسوده سيلم رتوتي فتاجي ناص اليذلانه الأله به کامیا کردم کما بودند دوادا بحال زروید یک فورامیدوارد در مان و کومان تخطی را جرام د کسرمکویند و به مهر عذر از ا جرای کارکن روسی

به فتر می زنم: بالفعل دربن افله این شهراز ندیم الایام دارالانسلام خرارالانسلام المارین الله می در به با این شهراز ندیم الایام دارالانسلام خراری الماره با می در به بازی و در درب الماره و اعتصاری المی در الماره و اعتصاری المی در الماره و اعتصاری المی در الماره و این کریمه و اعتصاری المی در الماره معوط وارزات العرف الركي الركب وفمونداز جودار حاص فوابث المستحدة وتستا مورائي من زوران الله الفراد و و في في رفيق إو و السلام والاكرام سؤوه المستحد المعالم والاكرام سؤوه المستحد المعالم والاكرام سؤوه المستحد المعالم والاكرام سؤوه المستحد والمستحد المستحد المستحد والمستحد المستحد المستحد والمستحد المستحد ال مند و منه م ورد فی النال والبنون فقید ارب سر حت النال النال و البنون فقید ارب سر حت النال النال و البنون فقید ارب سر حت النال و البنون فقید از النال و البنون فقید از النال و البنون و و رکوست و منال و البنون و منال و البنون و منال و راب و و را و راب ارخواسی مدر شری تا رشوی و در البال و در البنال و در البن

ا المراق ان به الرئاس المراق المراق المستجمع المراق المستجمع المراق المستجمع المستجمع المستجمع المستجمع المراق المستجمع المراق المستجمع المراق المستجمع المراق المستجمع المراق المستجمع المراق المستجمع المستجمع المراق المستجمع المستجمع المستحمد ر المارا الموادر المراد الموادر المراد الموادر المراد المواد المراد الموادر المرادر الموادر المرادر الموادر ا ورنانات المامي الزقا العدشالي لقامم ووت بنايا ورنبانات افتار مصايب وناكون نميت ارم فذوبات بررمبين ن المعتربيج برخود كوا دانييازيك إدران كال على الديس لعين ست بدرًا لفين ناير وابن اكو در مضرب نشو وسفر كند سفرين ويتعجي المحصودت سقرمهت ليكن وسيلز ظفر الخامضة وكارنية انبرو مرا دارز حديث رسول الا عدو مها الما المراد ب نفط المولاد الما المراد ب نفط المواد الما المراد ب نفط المواد المراد الما المراد ب نفط المواد المراد ب نفط المواد المراد ا البن اطلبوالهم وتؤكال ماله بين بين علم موف بت جب إلا على عرب الم The Start of the S

ر في فدرو ننرت تاينه و خدات ! سرف ز في فدرو ننرت تاينه و خدات ! ن المركزات را مد تعالی از كلفت وك فت كرونس ارضا. صوماً در نیون که باک نیم دارهٔ این می می در در در در این الما این می س رواره درم ران منازه ایم نده کیا فني سنوم را نباي بنس + مسودة رينت مع بوري لففر فري ففيرا اين الم فرززي نيوت كواللك لللك الذي موعنى كل شني قدر در كاروب سكداز تقصير تفدير قفير نبا ف رباشد كدا رصنس بطان المنظم الم وراورد نبي نوع آوم باشيد كها د شاه دين ناه بي ستنباه صليقه العدا وكرانيهم نيت سم عن منت ننبر طبكه عالم است اس اس ورصداق العارو مرين يا في به يخضافضول ومفقول جمه المعقول و رننده الرح وال^ط سب يا في به يخضافضول ومفقول جمه المعقول و رننده الرح والأ ون المن كرطب كمماج اليه على التعالية البيارة مرم و درآوت خور) به لکن سراد المعقول فله م المنقول طاوست مرم و درآوت خور) أنه عاكم الكاست، يل محكوم عملص فقد عرور أيم فكوخودرا ممداد

موده المتدويخ رضمر منراريا فتان رابه چرزاء و چها غام و دا در رورش آن از و کرام عی میاشد بمچنه را م المسته وسراسينكره والكشيزا بدل منوا مدويج آ دا زمراز عي كربات عز تشل فرآيه و بعض ملا زعد ارزبورخوش سسوب متيي والذالحه مبيبوالنشمن ميج مبرر كدازيني فرعالنرف هر و وعرف نوز کرفت بل و دکر رزایل موده ره روري سر كار ذهري الاقتدار ست كمايياء ما و المجماوترفا

ي واي بر طور لم بروبر ني وايد ازالس سان وايد از سرده برواي ال رسي يو برافرا خد سمسره دبن بردان ومنس بغير على الدعليوس المحت ويوم ال من المان من المان من و كم خلا عن راكان من كورات و و عايمان الموسيد المعنى الموسيد المعنى الموسيد الموسيد الموسيد الموسيد الموسيد الموسيد المولد سر لا بيرا صلى ناك را فريد سريم رس در در ال فرائد المان خود كه خلاط مر زیز كان فرانی اند وجرانا که تفی ایسے الولد سر لا بیدا صل نبک را فرع سم نبک ندجاب مولوی ها علیه الحمد كه محمو دالی قبت آزدار فا كاران از م كر تفي اليالة سرلابيه اصل ببار حين و الماقت المراء المائة المرح والماقت الدوار فالمخلوي في أنه المرجي المائة المرجي المائة المرجي المائة المراجي المائة المراجي المائة المراجي المائة المراجي المائة المراجي ا الرحمة كم عمو دان قبت أزدار فأ مخلوى أنه بقات ما متماند چنين صف مدر مراس الماري وفات ما وي توم كون كر من المعرف بها. قاب و من على الله عفووارم ني المالان الرواز و المرابع الله و الد و الموق عامي برسا من والله عفووارم ني المالان الرواز و المرابع المالان الرواز و المرابع المالان الرواز و المالان وأحوكارنا جاركت بطررر سولون وموده ماعت أخران بادائد ونيزمين تصررابارا العدائيكم درازي عمر كمرقي درجات ر د ذي كلا محت يون واصلا مسه رسطه دو جَامُنْهُ مِنْ مِن مِن الكِشِيمَ وَخِيفِي سِنهِ الوالي بِيدِيرًا ن عِيامِت بَمِنْ مِنْ ب راهراد سلاطر کم خلافه ان مجازی اند کمیفیت متعلقان خود نایان بااید وتعاشا نامدها ومود يهت و درقران مجد فرمو د و آوغًا عاستَخيك م يتُ عَبِي كِمَ عليه الصلوة والرّسلم كده الدعار هج العيا) ة لهذا مرتع عُصُ بافتكال بسط مرايات طرفي أر دانجكه ورياه منارك مفان ارتصوف مطن نقرب ولادت كودرغاء عاصى يدمعا هى بطهور وسيسانح يَ وَمِهِ الزَّلَ عِمِلَ أَمْنَ وَرَكِم كُرُوهِ وَالْرَفِيدُ وَمُعَارِي، إِي جِرِيْدُ افْنَا دِعَالِهِ كَتَّبِيْمُ وَيَارِ خِيْرِيْمُنِيهُ مُحْفِيحًا مِوزِلِكُ الْأَوْلَةُ مَا حَرْرِي

المريكون و نيز المت المقيما بروم وظرفها بردي كار آور و م وعاسك كن آآف بابد وباران خارد بيرم د ازا با ا بناهٔ و بهقب ان رفت و ارتعال او جر کرفت گفت محنت بارنیا اومخما كاستدام از واسب بهمال باران تطبعه بعرود در زرا منتها مناه والم وانسان ما زرواز سال و مال برنسي را خرب ميداني كي ماران مبطلب و ومل المن ماري المن المالية الحاصية واولات عطارات سيروم بتراكات المرسة واولات عطارات سيروم بتراكات المرسة والمراكات المرسة والمرسة وا المريال الموراني حسب كروميش مسيود كالبست و كم صادق الإهاب و المراق المر عدار صدفها ي حصول على مرت آيات صوري وتراران غرار آرزدي رف المالم بن المرار آرزدي رف المنالم بن المرار آرزدي وتراران مرار آرزدي رف المنالم بن المرار آرزدي وتراران مرار آرزدي وتراران مرار آرزدي وتراران مرار آرزدي وتراران مراران المراران ا ع و ال و در ب رور و المان و ميا سرعوامع بيسع بيسع المورد الراد المراد و المان و ميا سرع و المع المورد الراد و المان و موالي من المراد و المرد و ا The state of the s

مراتب تخلوا بالخلاق العدار بهمة لات مي تهنيداين عاصي دويسر دار اتبًا وعوْحييع تقصرت محفرة كمهته نفايات ربّولانه ازبسيارتك كرده ملى فيك المان المراع له معلقات بميسونية عند خاط في ادان الت درياب الي الوجزو كسي كزوار د + ظلكم مدو ديا بحرمة الني وَالدالامجا تسور وزرم ((المال) المردنيا بهمانیز کردیت اور دو او بهمه آشفت و بود و آرامسکی در برخرو زان زربا د تي اخراجات پرېن ن و د م که وز بيچې قبه مه ظه سلېغ د و کتي انغام فرمو دعجب آبکه زما د ه رّ جرال کشیم کراکبی این عو ضراال کاه دارمِراً ارا) و قت داکر مرف کنم کجا امحال در درستی امورات متنو ام مرجه که این کارمیر سرورت ليكن ارباب معنى دانجعيقت ربرسيدن خرور كرراي في

المود و مند از و فور نتاط و منعول ابن ط ابن مزدنه مازه و المناط و منعول ابن ط ابن مزدنه مازه و المناط و منعول ابن ط ابن مزدنه مازه و مرائد المناط و منعول ابن ط المناط ابن مزدنه مازه و مرائد المناط مدرسم ار و ورت ط و مشمول ابنیاط این مزدنه کازه و میروسی می میری این از در زبایز راسها در این میروسی می میری این از در زبایز راسها در این منابع و جوزگریم اعنی از در زبایز راسها در این منابع و بخون می در بن منابع و بخون و بخون و در بن منابع و بخون و بن منابع و بخون و ب برسیم اللت از این ارصندی سربرز ده ازبن جربیتر و نوسته کراها بطارا ایم اللت از این ارصندی سنه برز ده ازبن جربیتر و نوسته کراها بطارا از آنید و بده و حسن مدت و بندنت را دید ریا در و ه د کا ورسایه والدین کی رسال و با دور کر دورا و با وج عرطیبی دوروهٔ البادید ا

ىاب^{دا} قطارم د المصاررا كريم سبعها بم سنى « يەخاط فاط خ ت بنا دان تليفه و تحفيف المحرور دروزت شو د ا مقصود طون م صلاً مد و دل درسو دا و ای ارسلام والاكموا م مي نفط برخر ضرب الملفانو دخرسه مراتبيس في ركخت عبر المير مخلع أيزخاكر معلومت وراكترعلوم خصوطاً

مندر مال ومان . - - بر مار و الحب بل ما زم نعده آس عبمت مرده سرد و المرد من الرد المرد ال ك قيل و بحر و منه مواعل الموع كا و و منه بنيا المائية المائية

وجم مان وساعي كارسراح جان قصو مؤاف دامان مسودة و وارد ست پدتا بنداز کارکین پدوکیزمقصو دیبست کبد در وز مخلص نجانهٔ حدالها دی صا رفية بودم طا قامت نند ها يمار و جير محمد ار حاب ورفارة ومتى قاب دروبواي بالشندجر وارمذ وخود منفس فغبس قدم كخر فرابنداي يا مري وبن مين مين كحربت تنب انت ونارا يصال الى المطوب افرب ورياة مواد النِرْ الرماسية. و انذ مراه وارند زباه ه چه تقدیع و پرسو د برمیز دسم برض کا النازعالى فالذائكم ورسه لافق حدارباب كرم نذه المريكم م جالد ولنه فطريكهآباد واجدا دمن بمهارباب سم كنستنه اندسواكي نمرل عطاجه زابيرمان -بساء قيات الصالحات رصفيه كالأات مثل لاب و مراويزه - با بر کات نیز حیث و مبشهه برخانجد مسارک زا نیا ریش وی وعزه راز خزاز عاره رحت دنو د ه مه فراز ومتا زحتهٔ الدفه دي نيرکهٔ ن و رکیاه آیان دسم م خواسنگاری دا عرصهٔ مورکه منی ارتصوب عظم ۵ در د و بار کوشش کوار کن بند ه بو د آ یو فت جنار ں کمراز طرف ٹانی نقا ضا شید رہت بکارباج پرشنے کی ریدہ وجوکارارم Tos. Curried En instruction Sugar.

ابن دستر العلى من از كوربن الرواز نصور به كي افتد با ارت با ي افتد با ارت با ي و المنظم المنظ ما حسب مرحمه روزر علی این مسل البیما عست با بنه والده است مرحمه روزر علی این ما حسب مرود رعل نام مهم ما حب زاد کالی از بریکوی از می ان از می ان از در کالی از بریکوی از در کالی از بریکوی بریکوی از بریکوی از بریکوی بریکوی از بریکوی بر ارنبها في فوردن كم جاكفته اكر د لط ما شدخط ي ما شد به كف الجدرت في الماليان الماليا

The strike منوا دم اومعلوم بمن ن کرد و و آینه _ه رسجه اجرای کار و ار د<mark>سومیا</mark> جودت بيفرآ بدآري سه امر وسنح كففة الشدة عيب ومنرش كنفية المشد بمسؤوة عام خاکمزین و حتی به و مروحنی مدون روست و عبالت راه در و آدا م نی باد وورسيكا كامتنيذ والذمحت وركخ لبعارويه وكوشده الدورانجاخان خودكه درسوا شكار وستبره إيمها وزو دبايركه وبرنسبانه دور وقتي ازاوق عرع زيخ ولا بفيد مع بن أبيع بك منسادرا بایند کم اُدکم ساعت و مثب درباز دیدّان آستنمال د بسوی آن روسیے مند تا صدي كدمره افتاه واست ازوست رودو ول صبار أنيائياي طلب وتباتنس نية و وزما و ه "قب لِ علام و مرام كا مهاد تتسو د فيهم ن زمان الی آلان افزالیش قدر قدمان منتور نظر فیفیل فز کردایست مم يْ جُونَا فِيْ وَوَقِينَ بِروروه عذرنه الإنوعية ذليل قدم عداد مذ نت کریم اگر عرضی دو د حاوارد واکر بنرا سوّ د رجا دار دوخی کرارسه کا د فين آنا د مؤرثب كفاف فيكند و تنكي جان ميكندازا ضافه سيرفرازي بايد مَنْ إِنْ كُو بِالْفِرْبِ كِلِمالاً عَلَى مُورِازً بَاوَكُمُ الْوَرْمُورِيُ مَازُوْرِهُورِي ر مرخوري: مسوده ومرم درخرات اوعان ما كرآ فرر كارجا بال

الله كار كروفن ور رسيده كه نامان كا. لی سعی وزد در مطرب خوربوی طالب دو د تعالم جناب فصل فی منازید می وزد در مطرب خوربوی طالب دو د تعالم جناب فصل فی منازید می در در مطرب خوربوی طالب دو د تعالم جناب فصل فی منازید می در در در این را تعدیق و کیل را بیما ه می برم و از دیوان منافی کی ند ... اطلاع کروه مکان فالی کا بده عدیم و فار عفظ بز کرفنه در از این می فالی کا بده عدیم و فار عفظ بز کرفنه در از این می فایم و کالیم و کالیم کالیم و کالیم کال می نایم و به لام مسود ه بنفتم سرخید فورد می سو ی بی باز از مام مسود ه بنای می باید کرد می باید کار می باید کار این میشارس سکت سستم دسن سستم مجی سف براین کفتار عدد و ه در بین از این کفتار می از این می از این کمی در بی از این مطلب بر فر قدر ان سب یم یکی از این کمی از این کمی از این کمی از این کمی کرد بی از این کمی کرد بی کمی از این کمی کرد بی کرد بی کار این کمی کرد بی کر

يجك كرد و قرار كر درين تقيّر محله لا كم از مه و فيطرت بخر دمني كسيندا فيا و هرو كرامام جوا إ النالم المورندكد دانيدها يباحزه دورا يرشير خاين ربنهون شدكه منشت مزل ارتيمارفته كج الرا الروادي المراق ال ن الفران مقرن خود را در ساك أنه وله كتيدو كامراني وعب انعاق را حب ر اللاز المورت وبدآرا دي نبكت كرده على خلك سود المنم كلام ضرالانام كم ا خرالگلام آجنین علام میرمدانشه بصب و رکان بخت الحباین : ^ازنبی ^{نا}ات که در ابدوه ل دا غنیره ارکه فته و خاطر را جون بوی کل از خور فقه کرواین مفوت عجب تشفى افروخت كه خومن مّا بق وّال كمير سوخت ادامي كوالعاوت طبية إ ین *بت که ورحیٰدین مخالعت آب و مو*ابموا ففت مبدل شود *در در کوشنگی* این محل خطر نمیت حکم بعیاج که د ه اند وخواص الانتسایروی کارادرده والتَّهُ السِيْحُرِ الْحَقَّ مْبِيرِّتْ راتْ بِخَبْشُ مِل وَجَرِ ورز مُستورِّتُهُ مُنْ مِرون

بعداین ولمت انی اسمینی مکون وانی رعینی رو نو و افلاص برنان فی سود و روی می به مند برخد از مها جوت بلی ندلیکن در الجو کر سود و روی می به مند برخد از مها جوت بلی ندلیکن در الجو کر سود و روی می به می ب به مرد المرد المراب المرد و عامنو البدات را المد لقالم مود و المرد و المرد و المرد و المرد و المرد و عامنو البدات را المد لقالم المرد و عامنو البدات را المد لقالم المرد و ال ب سال بعد و عا منوابند ان رالد نقاله ان مرود دانی روب به آندیار کومر مرا در رکن رخوابند وید و ایند وید و از در کن رخوابند وید و این مرود در این میجدان مرود در این میکدان میکد الدعاى و وسمان عبوه روب معلى المرائع ابن نبخا عزل لا كرسفرلهم مرجنه لايت المرائع ابن نبخا عزل لا كرسفرلهم مرجنه لايت المرائع المرائع والمحت كرستره ميكانه مع آشنا ميت المرائع ورحم مراز ول وصفي أبه قابل ومنحل ميت لايم المرائع المرائع والمرائع والمرائع المرائع والمرائع المرائع الم برین دوستان سوده زبان فامه مح مراز دل وصفی نامه قابل و حل یس والاگرام متوه و جهارم کی از سهارا و تعالی ن مقب القرنب از فافن فرار در منصب بنده المراز بر منصب بنده المراز بر منصب بنده المراز بر منصب بنده این می از می برگاه کر او سے خواج کرکد رم اول قلب ن رازیم الاز ارازیم الازیم ا المبنبور كي ربي لبيان ا دَتِي كَعِبْنِهِ سِس مِنْ مِنِيد در سرنقصا ئِي كُرُنْسِيْدَ در بهم سو دُنْسْنِيند در بن قرنان ارزوت آن دباروات كه خانةً ان كرم هوش آج به آسروت ما آنش كرفت وم تمات ابيت رايكر بسوخت وببا درفت اين كم طرفورين حدمركرنه بصفر لطيف أن خلافه عملا المفن بمركن لاين ا مربسیدا زا درکنس ل حاموضهٔ وانش ریخ د بدا فرد خنه کرومدلکی آد مالاً تنآب شو و يامنيت كه معرز با نه اکش مهت بنجه نمي تواند ز د پسرور فيموريًّ ەكتىيىمنوكىيلىم توك بىمىلىر : جەزان كفت ادلى سىلىدىكى سالىدارك دادات وجرولقعانات فرايد مو دؤميوم سها زنون ول نوستم زوك دوك Contraction of the second الى رابت وبرًا في بيرك القيامة بنه مراه زند كا في زند كا في إ دوستان كر وكنت و حظة برس بی جاود ایی صحبت یاران پرست اور دن صاب خش سکو پرسه بهارعمر عافات دو مسندار است: چرخفر خط برداز عمر جاودان تهما: الدانی ا سنت بیمین ساز بیمین ساز ایمین جاوداني جاوداني صحبت ياران بدست اور دن صابب خوش سكؤيد ب وس سبؤیت مان معیدی سند. افزاق داتی این زمانهٔ اجاع دا رستمن وا نفضال طبعی اواتصال را بنجکن ب ان صحت را بریم زو که آن بکانهٔ زمانه را بصیری خانه سیریسی مالهٔ بخود می دا در سیرین به این می در می در این با در البیری خانه ا من معلی طبعی اواتصال با نیجی از می ان با در الفی از در الفی از با الفی این آغاز از در الفی این الفی این آغاز از در الفی این آغاز الفی آغاز ا ور نظر وکر کون وازوار فکي ا کم خون و د کرانکه مدینوای فی اکر کنرکتر The Contract of the Contract o The City of Street The contraction of the second Chiالملك خور مشبدالد و به تينع خيك محمد محى الدنيخا ن بها در ما ذالت شرفة ب ا قبالهم و ا قار ا جلالهم حورت ر ما منا و مامد كربركت ال نیوع طبیع نام و مفیول خاط خاص و عام کرود و بهرکراا ن

ريبيوة بمسه الأثر يمن وهميرة والمراجم س کور و تذبیر برید و بیت از وفر اوات دیک وزاکرت بريوه وينسيه بالأرو تبقت دور أبرتن مت أوي ديوويت الناضي تضام ومنتفة مايوه تمرد وتغني تحواظه عنيكم وكمناثة وتأخفنا يو بتعيين وريرته بيزم بسرته والعبرا أليب المنعومن كمرتث فدراره غان ترين متحدد يجرم بيترتين يَّرِينِ أَوْلِينَا مِنْ وَحَلِّى أَنْ فَرَالِينَا كَيْنَا وَعِلْمِنَا مِنْ الْمِنْ وَمِنْ الْمِنْ يَرِينِ الْمِنْ وَمِنْ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ مِنْ وَمِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ عَلَيْهِ ا Elegis in فاستدام فأنكر عين إحواظه مجابي وبالمها فرخة والأ ر سر سوجود به و فرخه و المساور المساو The state of the s TO CLEY CONTRACTOR OF THE PARTY The Start of the S 1950 Jan

Co Jale Myy Clay Shollale als المرتبر في المراد المرا والمنابعة المرابعة ال المناز الفراف المناز ال A Solving المواقع المرابع المحاربي المحارفين المرابع المراب الرفي التأليانية TO SPION

The state of the s المنابعة المنابعة Tr. Odo Orion Jyl jy إلى إلى الم المدافعونعالى واولاده وادام صفاتاور قوم افغال زمن وكر موسى زيس محوركا ي محد عدالرحيم الأدم سركارنا مداراتها مسيته وانف مرار حني وعلي اسر حميعام فارسسي وعربي ميرسسباد علي عفى المدعنه سيداور المحرة برابين The Charles Constitution of the Constitution o الري أرزين والم Craffe C. Che Gir .Clarica

نگر. درده درده عصر نتست آمو دين عاد إوان أكتمنعن عن الاته صفي وسا وسر نظام الملك مير محبوطنيان بهادراه وت ن زمامكان أنج مباه قلك الركاه رونق الكشبيعت الكر ر تضفت طراز بواب قرار لامراا قید ارالملک اقدار الدولین جك كرزشيدالدين فابها در واست اجلالهم يواكي كناب مفيد عام علم إنها مناه الما مناه المانية ال أرعي بن سبى سنيدالدين فل ابتدار ا وال يس رابوكان بندودكن عي أانتر طال تمت النعات وتصنفات سي تاليف وتصنف نناع وحيدا خُوش فكر وضاحت بيان بلاغت نت ن مى وره "والنارووريا كاشف المار المواورة في المار والمرابع المرابع المرا فارسي واقف جبيع علوم عربي جامع معفول ومنفول فارغ التحصير قروع المول رسابل شهر دمخق مربل وجو مركت ينده و قابق فلينفي لاند و تعاليق عابدة مفامين والفي وركورة ومقا صدعقا يدستما ورجرالبيئة والن و اعط كلام فرالانهم سوطن حدراه وكهن مولوي محقل المام طالبال المراب المرا النابان المالية المالي Jak J. Julie J. Jak M. Sandillist

المرابع المرا The strings The street of th تنبير لمبران S. S. S. ا^{خب}نونونونونونور. البينة فيطريض وياليس الديم المبين وبزل وليوسي حربيا وركورز كلئة نام امي نواتبصف طاه نفالم المستمولان مالانتيام فعل اسمين من ا<u>ئے عاربي بين</u> · لمنة ووب فواتم نفام اللك نفام على ان مها ويسترم تنظيم والكر و كالمر العالم ر؛ عام مدار على العارض من المرافض المام على المام المرسة مريمة مريمة المرافق TOOLY CAN WALL Chooping Constitution TOUNGE TO SEALL The Control of the Co The Color of the C ·· ClyCii ·· ··· Up

The Judy Sex. To CK E COM (C) ليام الحري هنول خط لار د گوریز ص 4.07 المراب ال Willy John Bridge B 311/11/11/12/19 14. 16/02 Cald 1/2 16, 15/2.

John Street Par Jang Jin 8 13 الجنبي لم ين لا ين الم من و فنان الجيمان. 198 لفل من مشكلف حما بها درمهم لارد كور زخل حما بها در-P. Oppieter المه نادر Collace The state of the s Se Carrier Services "Oly Spice to CILY Trick

T. C. W. W. C. Sell Mills in the state of th The state of the s Tien الماج من مان موجه المح المان والمان والم The State of the state of the يدركورز فراهم الورند تتراعما فيعلمهم بانتن الحادم لاز وليرزون في اللك صفياه ما وراورس كا ر من مناس تهائي والدار و كلا و لفل العض عطوط والانها مراول عبدين صلاب جالهادك 76 p ما مر حروانا کردوم ن این ال باده هدایم این " (2 de la constante de la co فلل فريمير لي الما أم ال いたがらいるができたい المان الربن اوب الجابان م مواكات لما م الحراري ولم كرك الرك ما . معال ولم وكر سوانجات المراطي كري ختمت حاكتم مرسل ورسفر و المن منج نولان بي الحق لا ب الله المالية ا of the state of th Children St. 41) p. 2. 12.

· Visi Tought the said المُن وَالْمُن الْمُنْ الم المراجع المحاص هر فرنس مار المراد مراد من مراد المورد د گرستنجولا مورمسه کارعظت دار کینی بها در بین ا در ربا دی خامدان مهارم رنجستان در در مین از در با دی خاند از کینی بها در بین ا استهازامه لاروكورز جرال هابيها ورملكام فوج كشبي اقرال اكزري لازة لامور بطبوعه ال شرايط حدثاً مصليح ويابس سركارنا واراكر ري اوروالي البرويكي تروريات لاد د کورز جل مرفزی اد د کمف منا بها در اور مهادیاً دابسیسی کم میولا مزط عام ۱ Veg Classification of the Control of بدنا مه مهاد اجر کا کیشکه و سرکارنا دار اکرری مرح سر معرفه و المرابي المحافظة و و فرولي المحافظة المحا in the state of th ما موطن الخلية ووزر من منا الموردين أورت عي الارد أورت عي الارد IN INCOMENTAL OF THE PROPERTY The Constitution of the Co The Strain training Transituding The Color of the C . Z.

المجدارة المائي أبراء The Contract of the Contract o مَ مِدِ مِرِفِهِ ١٢ جَوْرِي ٢٠ إِنَّهُ البَّارِةِ سِي البَّارِةِ الْمِنْ الْمِيْلُولِي الْمِنْ الْمِنْلِيلِيلِيِيْلِيلِيِيْلِيِلِيلِيْلِيلِيلِيِيْلِيلِيلِيلِيِيْلِيلِي المنال بن عراف المرايك ب برارالدوله بها در کی فلعه کونگیده کو غیرے وقعہ ا 0401216 المرونة المرو ن کے اور اربی نیبخرل کماشن ها جو مرکبین اللہ سے محداکبرہ کے الزرقتر نيابنسيء وقر عادت فرحب فرسط المرجل المن في المراد الم بن سر مرد المرجورالانا ابنے قیدیون کو اور جیور دنیاد دست محط ا حدور آاس کے کورور جورالانا ابنے قیدیون کو اور جیور دنیاد دست محط ا مران!ب مروز می این ایندار کرو مایات فتح لامور و مست ان کرسطان اینوان!ب میمون میربیا زمین ابتدار کرو مایات فتح لامور و مست ان کرسطان اینوان!ب ومرعبها مفهاين الكرري ومدارا مني مكورة اه اريل مع ١٩ ١٠

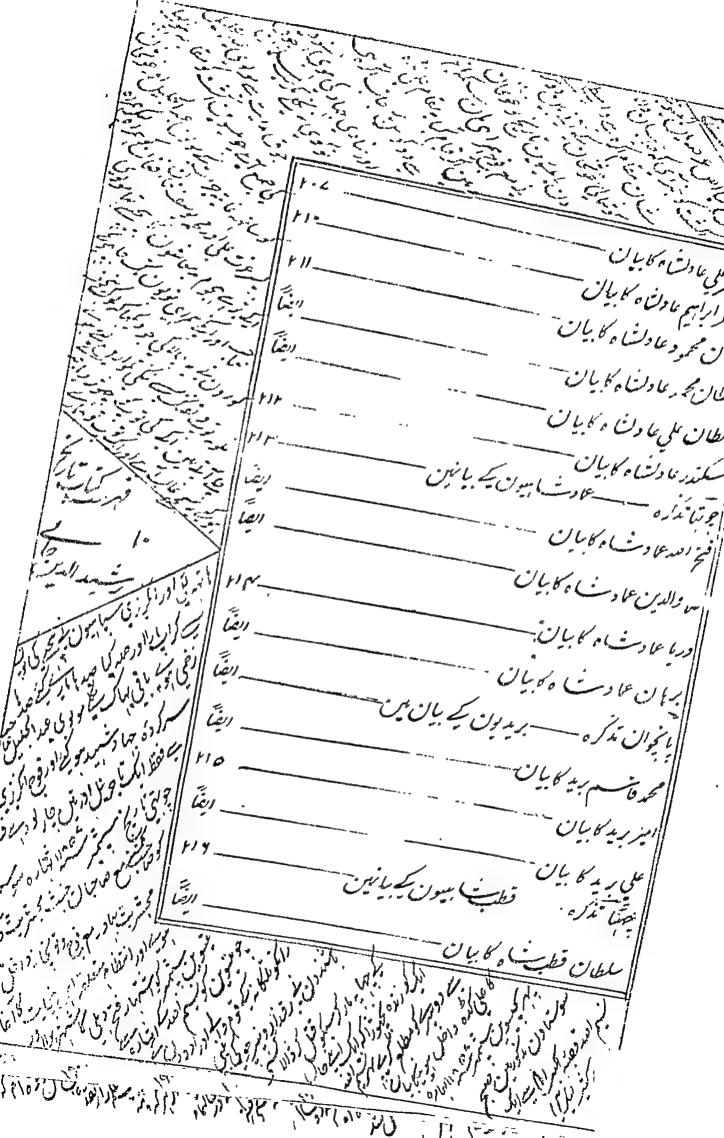
in in the state of <u>pr</u>ovly, المرسور البران يوريك رار وانذرام حاكم كورت فران كرزي ع ول عِكَمِي لاد كورز ع العدر مهم ورسية بها در سيماب عبد كوفمار كريه مرنج فورهوز لار مراج فورهوز لار مری فصر خاندان مو کاریکم بیان بن انوجي مسنيدسيكا باين ile state in the state of the s جنجوي كابيان ریان مجن جامي كانيان عون بيف فوات كور و توزه ركور زول ترك در درب بيا كواليا CIL SIE عمون أسبار لار كورز الن براح المادر Classic Town of the CL الايل المالي CU CUE

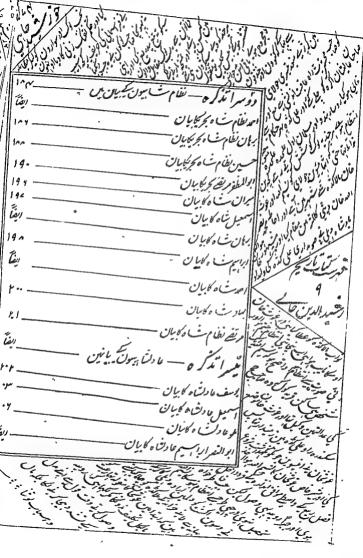
THE WAY WE WAY r. Clarke lot Cut City that على المراد الرازي الم اعاً فلاعد علون ظال وكور زعا . بهاد ورس المعلى المارة المراب المواجعة المحاجمة المحا المراع تربي المان ارد مرائی است معرفی اور در اور اور سوالی در در دا در در معرفی می است معرفی اور در اور در اور در معرفی می است معرفی اور در اور در اور در اور در الما المراكع مودور ميوقايع كانت في مقارف ب على اورسوائي اومورا و مكر حكر كالان مقام كورا. اردات ا عراه اورسا کوشی افران افرزان می ای اور ماکیور می اهم علا عدمان عبدما منه اجراد در افران المرزى Name of the second seco

1.30° (. ن عالم كرباد ف م مم يحوب دارسكالم بيم بار رز. انخبره دان کوزار بان ر نر خلا بردو و کلای منبر تیسا اگرزی م ين المجان المراد ما*ت (نوکلفِرکِ* والدوارنا فركار مدول فهرمت عالك مقبوضه مركار باو قاركمني بها دراخل وجدر عينحانء ونها درجيب اور انك فرزء مطوز ين اور واخل بو أفكر مقبوضه ف مركور كا سركار أمدار كمني بها در مين ذكرحدر ملنجال أيكسه مطابق حارتما. وكر فيكم يليد افران اكرزي حيده عليفان أيك عوف بعادر حيسي مطاق جابحا In Classic Comments وأحكها بيدافرال وكزري ويوسطك يسرحيدز عينى نايك وجب جارجا م عا مر مرن اور امر موس عدان در کار فرنستن شرايط ارد مورد ساعم عسو ۲۷۰ in Gine فلا فنه خط لاد د كور زوار في وحب بها در مسمى مبولسسه طال Che rui

سے اب مدرخات عیسائی ن کی ریار مدو د کن ایس سے دار حدیثانی ن رسان اور متبوساهان سرخان وصوا ورمردار امریشهٔ اوربای خیک اولی مال ور و نسبها در می بردار قوم سیکرافی سیاب سرکا رامدار انگرزیها در مین اور تفصیل انجا و سرکارین طبین دوان ولترار نواب نظام اللكريها وروالي حيدراما و وكن اورسر كارعطت ونار كمن بهاوراور موان اول مافلت قوم رعمون تي بالنامن جافل مدك المواج المربي الربي المربي عنوان دوم قرم الخرز ون سيربان ين المح إم بفرالين واع المريابي ور ورو دنجاران ولندر مع قوم فرانس ووناً در ورو دنجاران ولندر مع قوم فرانس درود افران انزري عرد عندا مدني صفي عاكم كوات تخطي عها كنوا و نساه ورض الجنوري مسرع - 44 م ابجهان إدعاه آمي به الناليل كالمان مع الم عَلَيْهِ اللَّهِ وَلَوْمِ وَلَهُ وَلَوْمِ اللَّهِ وَلَوْمِ وَلَهُ وَلَوْمِ اللَّهِ وَلَوْمِ وَلَهُ وَلَوْمِ وَلَهُ وَلَوْمِ وَلَهُ وَلَوْمِ وَلَهُ وَلَهُ وَلَوْمِ وَلَوْمِ وَلَهُ وَلَوْمِ وَلَهُ وَلَوْمِ وَلَهُ وَلَهُ وَلَوْمِ وَلَهُ وَلَوْمِ وَلَهُ وَلَوْمِ وَلَهُ وَلَوْمِ وَلَوْمِ وَلَوْمِ وَلَوْمِ وَلَوْمِ وَلَوْمِ وَلَهُ وَلَوْمِ وَلَوْمِ وَلَوْمِ وَلَوْمِ وَلَوْمِ وَلَوْمِ وَلَوْمِ وَلَهُ وَلَوْمِ وَلِي إِنَّ فَالْمُؤْمِلُ وَلِي إِنَّ فَالْمُؤْمِلُ وَلِي إِنَّ فِي اللَّهِ وَلَهُ وَلَهُ وَلَهُ وَلَهُ وَلَهُ وَلَهُ وَلَهُ وَلِيدًا لِمُواللَّهُ وَلَوْمِ وَلَهُ وَلَوْمِ وَلَهُ وَلِهُ وَلِي إِنَّهُ وَلِي إِنَّهُ وَلِي إِنَّ فَالْمُؤْمِلُ وَلِلْمُ وَلَّهُ وَلَهُ وَلِهُ وَلَهُ وَلَهُ وَلِهُ وَلَهُ وَلِهُ وَلَهُ وَلَّهُ وَلَهُ وَلَهُ وَلِهُ وَلَهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلَهُ وَلَّهُ وَلَهُ وَلَهُ وَلَهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلَهُ وَلِهُ وَلَّهُ وَلَهُ وَلَهُ وَلَهُ وَلَهُ وَلَهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلَهُ وَلَّهُ وَلَهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلَّهُ وَلَّهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلَّهُ وَلِهُ وَلَّهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلَّهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلَّهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلَّهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلَّهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلَّالِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلَّهُ وَلَّهُ لِلْمُؤْمِلُ وَلِهُ لِلْمُ لِلَّهُ وَلِهُ وَلِهُ وَلَّهُ وَلَّهُ لِلّهُ وَلِهُ وَلَّهُ وَلّهُ وَلَّهُ وَلَّهُ وَلِهُ وَلِهُ لِلْمُؤْمِلُوا لِمُؤْمِلًا لِمُؤْمِلًا لِمُؤْمِلًا لِلْمُؤْمِلُوا لِلّهِ لِلْمُؤْمِلُومُ لِلْمُؤْمِلُومُ لِللْمُؤْمِلِ لِلْمُؤْمِلُولِهِ لِلْمُؤْمِلُومُ لِللّهِ لِلّهِ لِلّهِ لِلّهِ لِلْمُؤْمِلُ لِلْمُؤْمِلُومُ لِللّهِ لِلْمُؤْمِلُومُ لِللْمُؤْمِلُومُ لِللّهِ لِلْمُؤْمِلُومُ لِلّهِ لِلْمُؤْمِلُومُ لِلّهِ لِلْمُؤْمِلُومُ لِلّهِ لِلْمُؤْمِلُومُ لِلْمُؤْمِلُومُ لِلْمُؤْمِلُومُ لِلّهِ لِلْمِلْمُ لِلْمُؤْمِلُومُ لِلْمُؤْمِلُومُ لِلّهُ لِلْمُؤْمِلُومُ لِل In a () V. de aller par se بغير العراقي الميال ما المال ا 26/020 CP. 1/25 3/11/6, 3520 186, 1/3/1/2

مرا و فتر حکام فتله کیا با بین نام زکید اس سام سیسون با عبوی الدسکی شوفیزه باقديم كيا جديه بهزهم بمستقلال مون الغبرذي ستقلال تعالهٔ اول ____ اکتر اور بکسنت استان الاستقلال و مبارا برکشس می کا احوال-لمندر ذوالقرنين كالحال البرتموركا احوال نكام سندها ورتبطه كااحال ن ن کے حکام کا احوال كابل كا احوال الو*ب بكه حكام كااح*ال in in يخاله يكريهم كااوال Children of the control of the contr

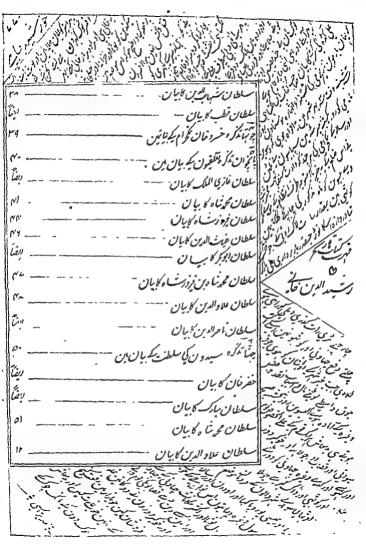




بدي ن زورت وسني بان المان احتاديمي كافان المطان عدد والديث بي كامات فَارِ الْمِيْنِ فِي الْمِيْرِينِ الْمِيْرِينِ الْمِيْرِينِ الْمِيْرِينِ الْمِيْرِينِ الْمِيْرِينِ الْمِيْرِينِ المعان معيون عاميني الم ورف والمريمي والا طان محملاً ومهني كامان بلطان محودت ونسي إيان بطال احدث من الميان سامان علادين. سامان علادين. ت دول سمني كا بان 1600 1000 118 118 118 118 118 118 118 118

يروفر بإرت إن دكن روروبان يحمولان

عيرالدين محديها يوزيا دنياه كاب نوان مذكره بثما نون كي حكوست محيمه بإنهن سنسرخان كابيان فرور سناه كابيان [K.O. 1210.020, 18/187. 111. 180.13



دولرا تذكره ملطان تسبها الديكن مالن Lail rg ملطال موالدين بهرام على بيان علاوالدين عابيا عات ملطان الدين كإيان ملطان مولدر كبقيا وكابان نین کرده نمیسرا تدکره سلطان جلالدين كابيان. -علا والدين كارمانن The Control of the Co W.

Solvings. داج فوريك 13.05 كالال

ن الله إمال كابال ورسته كأيان اح و لد سوسر کاریا ن براع الداميك منافيان مكربيان بن بال Service of the servic

Joseph John Strains 3/1 کیے ورنا کے بیان بن اجتني كابان اور اسيك بي روان كإيان الفياً

رو برار برنها ل برون ا ينالم إلى الماري المراك المراكزين الله المراجع ا

ك عمل قررآبداز براديكو وارا ستدبو مذوئن المافح الور بالردالذي كادت مروؤا تزخروا وتسهوو تغزنها كردجود ووصاحاكم وائحا) وافزايش طرايه معدق شمدادي البيجانطة الرب تب الجداد. كرمصال وود والمليغ ما دروه البح ر رون و خرجی در خرجی از ایران در دود قت بازم اند ار مدانیم در مواده از مجار البريونسه خوالمان خرتيا دنسته بايصال فإق والأسرم الكامون الملكاء إجراعه إبصرا مير کلزارعولي في مروش کلفه اين م بمحد وشبدالدنبي بها ورعر فلد العالم متعالي اليف رمنتی خوش فکر فشاحت بیان بلاعیه نتان مما_د از

ية بالمتوصلي أنها عدا والقا ب کر سیخاید ه وانتفاعی بان نمیرسدوندارنی کمار مفیرج واردگا بنفاع معارج علم ف ننوکر ننجه راز د ما دروا واکنا درد سے عظیم استیا بنفاع معارج علم ف ننوکر شخصر راز د ما دروا واکنا درد سے عظیم استیا م يك ازعوام وغواص الصالناس الشامئية ربور منابغه ه لين المين الي ومرفع ال ى يەزىرىكادانغېرەدنىن خونىلى خوخىرىيانى ئىندىمىتىلىدىن دۇر مەخرىلىدىن يست هنيفرنه انهاه اربال راسته الذيان م السيسه من أي دائما الأسول الوات كالوات كالوات كالوات كالوات الموات المو المتعذر بودن منبح النان بإ قبال النبغة عبدري رتب بياكلي ذيكم في وحفظ لوازم واعديت ويكنا ولي ابن استر المتراضين ورعاب خوابط نصف قربت وسوالهم المرار المكنى اكرراما روخاص کال صن وخوشای کردیدار این که اید رست عظمت و نام آورجی فواید دانتفاعاد

्रिंग्युं स्ट्रीश्रह्णे । بال بي المراق المراق المراق المراق المراق المراق المراق عن وقر المراق ا برقدر کوارند یک بدو کا فی و حرف کرده به و مذبر املی مذبر اکن امنی وار مجصول کا ابد در مقد دارند و موجود قراری بنسة وارته بالمين ان وترسنكروجهان واحتائه مدل طهوراً وه وفيعز بقير من كم مهتداراً توالمكان دربة عدم افعال مرجوزه مراوركم أودلاس فبذوصكي مورت ورام مراوركير بالخ نام دار د نظر ربین و با سورد ما ته آنین معدلت تفیم در در مین نصفته قربن مجدر مردا سبحاكم زنها وربنر براور و لقوارها برق ورجة ترنبت و كوحتمت و كالور او نفقت اورا كواز اوا واعد، لبدن فدرد انی وحس میرونه را کارکینی افر زیما در دمحبت ولی با دوبت وزیت بر کار موصوفه . ور نوده اوطوف مراه رموعوف قبول تُرَبِّمَند شِينا مجا وموقع بو د و رفار و روبه درم و فواتا رمه فی الحقیقت کا دمره در کارون ختل آ برجب فوایش عنبارگان منبر آن موجود النظوف بن مركاد مقورة وصل ديموعنين مندره بنا مها و كلب A STORY OF THE PARTY OF THE PAR

مناين را تل بوسا ان رفرند ن المان الن المعطية المارة المدفرار بردكة وسيرائ مذال الروالا من المبان الين بالعطية المبارة المدفرار بردكة وسيرائ مذال الروالا فرا خاطفاً زُيورة مواره الوات طوفرط بقر البقرائي ووكر عي اعانييم عي و فيول خاط في الريورة مواره الوات المواقية فير والماديا علاوالواليك بهاد ورود بى رانسىت و جلالىت و مراند مىت بوند فى الدول مومل. بى رانسارى عن المراز مقولي ومعاني المرمجوزه بعيز وجهة راري المائم ر میکا کو اُن غیره و ملا خطونو دن نقاعیٰ میا میروم بهاورپوهوفی میکا کو اُن غیره و ملا خطونو فلمت ومدكامه دري

كلوازنذه اركمير وخت عطت وزرنذ الورايت جنمة ناكانا كأوري الصالك عماكته جناعة مشيدة اعدكاري رباج مناج اجرزي كارجوماج مرندي كالاكركتورا ودري شيؤ واقلم متحافردزا *فرورورکرون* تامر دانشه و فرنگ عبر میسوم ادشا درشه برشره فره والبت وارارانی صولًا في وأواط بدولامه اربع ورخة كافقة ما يرك و دكون من وي ن وفاع الوارم غوب الناظران كامل حيارت اذرو في الطت رعايك ولايت وُرْسِّس و جزار الرَّرِ الإمل ابن وبار و مسران عصول آكمي رضّة وانين وشانت أدارة أبين سلاطين السرزين على تحصوص انصباطا وفنع مصاوقتك وخاق وتبات دقيا ووسه والفنة واتفاق كرور نفاد فبقيمتها سال مرأب مالات بني وزياب ن رود فضايل بريت خسائل والتحصيرة وكارم رمضة وكاز الماحان ننرار كاوكا وأداركه ورتهذب فرابطابات وسرواري وتكب د ابطيحها في وسي من في بت تضفة اذاخال وافرون ركبهه وافوه جبهوز فمررو دراطاف واكتاف اين فارتاح دواق لمبت بتبا دودجان ازسا يهما ذات مورف يتبهوم تسبيرخاط لادوم فخابراا بحك مراهای المار برادیام وَلَادُهُ الله الله برادیام وَلَادُهُ الله الله برادیام وَلَادُهُ الله الله برادیام وَلَادُهُ الله برادیام وَلایام ر د الادت وابالت مر د الدت وابالت مر در الدين من المنظمة من المن المنظمة من المن المنطورة من المن المنطورة من المنطورة من المنطورة من المنطورة من المن المنطورة من المنطورة من المنطورة من المنطورة مو المن المن المن الما الماطورة مو الما الما الماطورة مو الماع الم الماع الم الماع الماع الم الماع الماع الم a Josephankertil Se Carining A King Stranger

معلقه ولابت حب البروسية اه دو د کو کار و مار فرما والرنجوسرين جرسراي واين وخطرنان ولأمي واستام ورالفرام كارتا برول بحضوح الحاميد جرائسة ونبة وربن ومار مدتها ركاسة اطلاء كم رسده امدحها تخرا وننز كماحق مطله اند ں بوحی الب الري وري سأوالي روزا نهن به المرازة मिल्ड दे हुं हुं हुं जे

لدخلوش نبتة دفتفاعة در اتهام کان برد می عوامض فیر در در اخوابی میا دارس در داردوام ويمكل أك تواريخت اذجا والرفطيع فيزر وذكرنج الزوائي خو رئيسيان بي المحتور لوراكتم مهم نافرادتاً، دوز بردرلار كما ولايت الغركاه ومقيقاك وورمني كارداني اراكتر صوابط دروابط اير مؤلتيمياركوان أدليكن جون محذرزج م وانسطاع اموردیت او تطبوكر وفلم بنده ودرا باخليفان عالينتال ورتب الكادوريه يلي بيت داجلان خاط نشار بإدنياه ولاكار التؤكر وولا في الورفيا يُنْ وَهِنْ عِلَى مِبَالِ المحاد طرفين ومغررفاست عبا دو امنت بلادمهت فوافيريا وشاببي ومهنقاسة أنبرس

بتيقيرالدوكي مرة رشركي كريتي وسب قايان ورعاقل بالهيو يسن طرمري لط فرأنا غربيم للرناي ليصر ويركم اوررف مبدرنجان جميا آيراورعد طابروبا برموا ميدنعاك ناكواس انحااكي كم موجد المت من فلق ا عقرانا نظام المائير تظام علتما ل إ The state of the s 1978

كالزارتها جوكرو فبالسررا أمسروم وَ إِنَّ أَمِنِ مِنْ رَضِيدُ كِمُ لِمِنْ أَرْمِهِمْ اللَّهِ عَلَيْهِ الْمُرْمِمَا وَكُلُّوا لِللَّهِ ورنسد و عرب اوروسول اطلاع النورا الملاق الوفوز الرود المجالية بنجوا دافرا باسركاري كي عوقر غررموي بوهالجا بعرالارية عرفركارنيا مروساد كاشهرن بحومة فرقا و المركزة ز انتشب کریکم مها کرنیت که داور کوفوایی بین بیچیم جیت که جومان بهای فرانسزگا وتحايز نهايشي وينياسك بي برسكراً أو بموضام ويحان مبالبنااه ومبخه أوفيدا بونا خ د فرمائے دیم انجیر^{ا نا}ک ط رق مي بارد بموكره رالاك بقاماونه ליתונים בינוף

المنتهاراي الهوال ورمار جائزه بتياريخ خوال كيار ورسننه الزين كر مناور التي يما دربار الي يرن بعد غروس و طوير مع عرض كر لار در ينه مجيماً و فرا باسماب مبري رواعي وريدي الرياسة المريد والمي المريد ال علیه خالی موی به اوراس می برین مقرر با بامون خور بیرو قرار کرنها ریوانی کت دو برین مقرر با مون خور بیرو قرار کرنها ریوان کاری کت دو مِنْبِن جِارِشِي بِيُصَعِيمِ مِن بُولِي مُنْجِنْ وَمِنْ الْمِنْ بِي مِنْ الْمِنْ فِي مِنْ الْمِنْ فِي مِنْ الْم مِنْبِينَ جِالْمِنِينَ بِي مِنْ بِولِي مُنْجِنْ وَمِنْ الْمِنْ فِي الْمِنْ فِي الْمِنْ فِي الْمِنْ فِي الْمِنْ بار دکور زجرال حلا در الا بهوالی و بسراها ما دیان سرگارکری بن بهراور سرجایا مراکز در در این به به از در بسراها ما دیان سرگارکری بن بهراور سرجایا بجب بین در علی ل بولخاب مفدا مین رکار عالیک بایی ساعی بور کامیرط علی اور خیا ناج ان دوماً محسیرها با اور طوی ان برس مراه را میس می ساعی در و اور میسیطر طبی ورسیدان می را در در در دار دار مرکار عالمین اور اندر می ایران می بادر اندر می ایران می بادر اندر می ایران می ایران می بادر اندر از در از Silvariation

ومذابان منتحب مركزته كا جانوها ونكي كمهما وسال حفرك آرد کی کرجت نین مضون و از گاداهدیجارگذابی فرج بیجات عام والبرائع والمعابت وكابدر كالزني نوعا بذكراكم ميفاللك وودهيق جهان رو المرابع المرابع المروز لا مغفور ه جرمهاري ملي كو آيم نيتي ميندون طلاع ايساني اين عذر كما خود بيزور نًا) صاجرًا و دع في بوار دو در نرارد در مني مني دا مجيد دليا شاور برنزار در د افتر كرد بريف ين أيل التي بي محيد منهم الميكا واده ويواينة أينا موسكرا به

اناده تراسمكام درف دارس فلده طرف برفره ارتار مرامز بمي كارند بال كرم دارا المرامز بي كارند بال كرم دارا المرامز بي كارند بال كرم دارا المرامز بي كارند بال كرم المرامز بي كارند بالمرامز بي كرم داري المرامز بي كارمز المرامز بي كارمز المرامز بي كارمز المرامز بي كارمز المرامز بي كرم بي كارمز المرامز بي كرم عوالمريدة ونبر مورسال الوالا فدرخ الدكرديد وخط و مرادر مرور مورسة بست من ريم وورب المراديد والمراديد والمرديد وغط و مراور المراديد والمراديد والم ع الدارة عاي اوارة كورسك مندرة الدارة الوالا وتراز فوج بسري سينه وقت حرور كارسكارا لعالما الماليات الدارة الوالا وتراز فوج بسري سينه معزاً مدوميع المرازة والمالا وقت المرازة والمستحد المرازة والمرازة والمالية المرازة والمالية المالية الم من موارد من الماري و فروي من كر روابط وفقة وارتباط كوازما مقد مفها من المريدة اع و ها و سبب المراب المراب و رأید و جاری حوامد و در سبب در و دایا جمعیت او الم این از این برا و در این می اید و در سبب در و در این می از در این می این از در این می ای ركنوال ورو كارتسامه رسفور مركي بهجا و يع تفريق في منفود مرور و فور بيور المال المراد بركروال براه نميقه بداك واسط عديد بهريد بوريد و تركور براه سرت المال المراد المراد براه المراد و تركور براه سرت المراد و تركور براه المراد و تركور براه المراد و تركور براه المراد و تركور براد و تركور 14.0 1610,0 Air Maria III, 1821, 1861, Audin M.

Walter Strain The County of فرودي البيخ تقيمن كم جوامك كاميوف كليما برتاب اطلاع سوكم كموكراً مل ا فرايحكما ولتابن الملاح موليني تنزطه بجيرح الكينيا ديدان خروآ قبال كما كركير حضت سوكورو ر منت و الميرس و تراما در ديوا اورام زيرت دمرتر او نياني اره کي ايم منت المجاهد ولم فوقي المردادية عصرات والبيام كالدد الدركور زرات مادكمة الإرسد بعا دراز الموح فركوا مكا مون ساتو افي البروسوين اينج دخان الماركي لله ووزيكي ناط مومة اوتين^{وع} ميرض كلتقر تتيرج بعلقات غونه يرمفر دريته كينة تيما ورمنني ركشيب مدخأرنه ر سیارد ا طراع خود من به او در سی رسته بها در مراسی ا دسینی دادا مری سواد کرنے ان وقع خوالداد بناس نتاية مهري لاردكور زحل ما يسركوكندنا لقا جو لطه لاروح

سراج للأسكر بلوف بما ووكرو يُرقي آنجه بين سالي داي تبياكر لبالدراد الم ويت عاما ورراج زغربها درك كملائت كم تمن مها ورمود الي المرود ميكسترها كالفيان في كارتوا بالركامة إنناسوه وكهان وتستريخ واضع وكرجيف والأمركورا ولب بالأفار المرجدين والماق والمرافي والمرافي تقدمين الهواكرممكوا بياور مدداخل موقيم زويؤستوب كمنا راطهاء سيتية بها وكيا دموج منصنبه ليكورتا والرئيم الدكى حالارضا وأرماط وسيامي م مالارخر كوواسط و افي در الم ترند ريت ركود اسط مربع ري الأو دورسيا مرظ رها بدولت كي أريك كرف ان ومينا جا أكرية مقدمه الخي بران وي غراع عبد ن الوجان لوحال بي موافقت كرد كهي بي وسيات را ول بي كونل عالية high distrib يني مورسته و بهي الناكيركو الن يوايي بِينْ رَوْدُ بِيمَا أَنْ عَلَى عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللّ مِنْ رَوْدُ بِيمَا أَنْ عِلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ ع مِنْ مِنْ رَوْدُ بِيمَا أَنْ عِلْمَا اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّ الفي مقروك عين المراق المان الوتعاب خود مود في ونعي يروا MOLODONE ME M. M.

ريحاورج آرز وبئن كحول رام مرام کی دونون سیم بیاری الأسراج للك ئِي نيرنجي: عدرا لا منون بسكا بساخدة تبناسكي لار ي ليُرجد أي ديوا در سداور فا قام قدال الم كاورود الركارصة والدوي مراح الماكيان الماكوا ترالا ف طوف مي راج ريدر بهار رامن رام

بي اسكا ان ديهات بكم محاصل سال الباكن و - فروار الفاف بلاي خي الحامر كارد والمدر أصفير في الم عانفياً ني مير سيطرح كا عذر نه لا و اور اومين مو بعاور. واحبي ساور خلف مفوصه مع مدو د رجو تعلقاً كم علاقه نطأ ، مي برا برا الرافة مموله بن تحقیف بود ممقدور د و مرار سوار اور بایج ارب ک میشد کوی ل س ا در صنح مبوکه جب عرض کی نِف برمضمون سردرما رئیره کرسنایاا و رعبارت کی تام کی مدر رالها می کا زن کار مین میراد رسیان مدار تقفیل کرد و باین تاریخ کا جائی جهزان مدار تقفیل کرد و باین تاریخ کا جائی جهزا الفرمندنيين كرور الميقام رعاد تين بتمامري سركانبسط لفظ دركاري جائد لفظ دري البيخاه بركني أبيتم فلم اصلاح باي بنوز كورا مهمد تباديا اور كور المر رست مسط سي انيا كا غذ مهري كندرنا وه د إص مركار دو لمدار توامن بعد حصورطرف را. مور درآیکه از منهاری دیوانی پرت نخواه فوج اگر زی کی را رسوی بمونی او بر مارکسک می کیون تی تنهاری دامای آردر برا می کیون تی تنهاری دامای آردر برا رااد کوین کردیه ان اورامالا الكوائية المستخدد مهارين

فا در سروه وفرزندل تخمسه الا مرازما در امرکسراه در سراح الما کساور عض مكى اوليكنشني كارعطت جار الإري حاخريني رور رمجا ثها مدجد بدتار مولا مه به خود منه خاص مهرانبی نبت فرای وکارع خارار ک وسد ع بن مركزه ي من قردر دكم متر وفريخ غواكر داخا حصور فيقر كم تورك مديم ي نشامه إنا مي وال ويؤال رأي أي بالغام برندكان عالي كي نس روش مالتي متريستور ميخ منی مرحند که بن ارز کرکر سکونیا و سنته می^{راما در}ی مایا لواورز موقلا صمضمون تتها مصدرا وارمور شعان في الماره المبتم تيري ارة موزين عيسومالا محروركي ركارنطارك جالبيلاك فأست أحراج To the first the second of the

و بي اسكا ان ديبات يكم محاص بيدسا ابهال ياكرين ور ووكريك الفاق بركي خيج اسكاسركار دواندرآه مزورت م انفيا في من سيطرح كا عذر نه لاو م ومرام من حديما رفيق مفوضه عدو ورجولعك كمعلاقه نطأت براينير بموكم بمقدورد ومرارسوارا ورامي اربد ِضِيِّى نِهِ بِمِصْمُونِ سِرْرِهِ أَرْزُهُ كُرْسِنَا إِلَّهِ وَعِيارِتِ كَيْ مَامُ لمقام برعبارتنين تتنامري سهركانسط لفط دركار كي عايم لعظ دركا يُ أَيْنَهُ قَلْمِ اصْلِحَ ﴾ ينوركوراً مهدنيا ديا اور كوكردا كرسند ېور د وايکه ار مهارې د يواني مين ننځ اه فوجا کوري کې رارمه وځي موني و پيالوا ر کفتر نا ما بر فعامین سائے اور ایکے ایکررسی کیون تی تنہاری وامای اس حرم جر المفرنجان ما يهركوليك اكريه مهارااد الحرين كرديته مويدوي ع مل المي لي مسيخة كرنعيان توصل. بوليه كم آبيكه ديوان اورا الكارونتي رد ديية آديارين يي م السلط بيمينه طوعًا اوركر بالخويل طاكي فركي ورنه كما حية - جو لک آکے در ررفراً كم بالفرض كررو ديس تخير موت توتم كي كريد كونا جانوها بيريم المي عوضين ماكت المارية المارية Vinv. velid

المرابع المرا र्गे रेने रेने रेने وى كر فال الوصاب أيصاد وباديا . هدر وورزا عمر الا برامادرام مراور م عوفو على اورايكم نبی را رعطت ار ایرزی عامر بنی رور ویخ وأرتظ والملكان وأ 1. 1. 2. 10. 10 دانی نبت فرای درگر عطه شار که چا مه خصف بن مرکز دی سن از در که میز اور کی الله يوارد الله المورد على مورية المورية المورد د فت مرکز کلفد اگر زی کورنج امام مرمدگان تالی می روش این بیزیمر بیزیمر دکام می الما الأوار والمركبي بم مرجدًا كم من المركبي المرجد المرج فاوالي كولمولا وروابوقلا مرمقمول تبايره المُنظم مورهارمون في المالية المرابع ا المرابع المارة وزير المراه والمرادية CA. E Constitution of the Cons بر برنج پرنج Cian.

اديا بررسولا ماغاتدولس واخرموك أتتو كرني راحمت المراشي كوكئي اور حراما در وواور حلك اسكاجوات للأ ر و ورس و محصر کا بونا برآجی المرابع المراب يى حيدر الم و ها ميكونا يربين حب ا جائيك يسوالحواب سيكا كيراور سي معام وين ما ريح به حواب ما كولتي كوم كه اور رينط علي Bru An War III. M.

مُعَدِّمَةً مِنْ مِن مِن مِن اللهِ المُراكِم مِن اللهِ اللهِ زنائغي صلىدار يبي فقط ماسر خاط الكي قبر الكياجا بالجيس إلى عطوا آيا آور مویی دوسر و زمیکم نظام اما دامر کرس و زن این گرور بوکرمو د مکرنیان داد ن . كەدىنىڭ خود مود داعية دوعد كېات بهزندين سور آينه د كومب برخنيدا موسکونالام : البولم برفعه عرصني كم اكو حفرت الخاصور وخرك برطاح كابهي وزا كزينط وكلب مركاء الخاتير البك كوبهي قبآن نين فرايداب إن امنيه كما جرامنيات خود فرائم كم تم نهيرك يكون ينب واباكه وي دورك و مدين كوباريان من برا تزارات المريد ويرام والم مِن مُ عا واورانبين مجاكم غوا كافير وكادمه إناكراً وخرور سألاماما دراموكميركا درميان أاورفيصدا سنقدمه كاحوساته تسمال الجلام المج كظ مواا درويم يكن م كملااكور رامتها مراعكوخ دبية وكمير ريا ادر التي تق مريح لملك وندامطي خودكي فانية فيكارة الجكيدا ونهادنا فازأ دماوضه ويطيمهن : C.

ركرتيك مقابع الخارسية ص بیرنم ع مانی محضرت کارت و درست میکن حبیب بلکسیم سیر د برکا و کارکن ریار الم ربضة والسيكاور كام كورار في جانبي وربط خور بنو قرات المين بيم الكابهي الآد غير منسري الريج سعيان كح وتسريف ليكئ رسيط بهادرايك يطنم وتوفرسيم يطراورب ت المياق الماق كابيان كيفيعد ال حوظ مندكا حالم كا تباليلاغ كيئه اوربيت أيئر سي اس مقد منافق المعالمة

يحاورهم كوسافي رقم كامنط رمنين أو ية برنكن م امروت بينه صلاح أوثورت كريك كنيك كرنجي التعلق بيت برنكون م امروت بينه صلاح أوثورت كريك كنيك كرنجي التعلق أعركبا جالمبيرا ورخرابي وزاكروت وكراغوم بالمحاشرى تاس طرحكا سألجرا مِد خودانبي جائية ون والمي مِنقدمر مِناً. سخت او بِعلاج يونتر الأمرام) ورام م م فرزوا حارد دربار ورش فیشد شرک اسل سر در بهت کلمار يون فرفت بها دُرُم بيارتناه كريد ديهاد دخامخت لمبريمي مفاي ك وخركمة رمها در بخربي ما في المرابع

كالدرشيون فت رمهاراً تيكني الرحط عرفيكي بالبم موقو فركر دستي الباله القايام كورث ئدم کومکیان وص فم كا تفاضًا كُرِيْهِ الني قيضهن كركتي موتد اكنويه بار

المونان والمالي المالي التين عيه كارواد ا ونو وكاتفافعان بي حطيفه بوارين وآبي تفكون في وكار نفراء كالجنابة دراع رستاجي يثوير مهموا قدار اللاكاميان أبي كيراج كمه مرهار الدما مرجعه يسترك سي بي وتناجي يثوير مهموا قدار اللاكاميان والميني كيراج كمه مرهار الدما مرجعه يسترك سي بي كاركي تنوأه مين المسوقومضا يقرنهن كرتنوا وستجنث كيا ئىيى ئىرىنى جۇنىغۇل ئىرىنى جۇنىيى ئىلىم ئىچىنى جۇنىغۇل ئىرىنىيى جۇنىيى ل مطابقط حفر کی دارسیم كم مسكر تبراسوفت تهاري موار 10% بي في ره مين دكهاه ويومياً راجي كعان او ما

رنخ اوالدكى روشيت علافردان وله ولسن ها مع وسي اورام ال كارد والرب عد اللها د اوافة فيتديها وريذيع الطليب لأكري عواق فوجود عوشروه لخيرًا ورب البعار أو عام للكرة تقالم كارعلت واريم بين كي البحاور أينده كوتفاح موقوف المرامي وريد وي فاريخ كاونده المنظمة المرابعة المر 14.016/020 ALIVE

بصاوركوي جارتيس الأموالكا ليرز مبابانات كأمذي لوباد واکارتبنامه د کملایته او مفتون ایج مطار بادر تدبیت در ه و آر سامن اروز شبنس الدبن كرنان وطاح ربار اجتور بوارسخ تغيم أدراك ودبار دري والمادا ما ذرمهي رياست اورسوال للكربيا دربرجا فرار نرونه تنا مدروز وصور برؤرك براي اور بتر لاكرو وك در مبتر كراته اور و بن عد ادلمي مردخل أبان فرابعاه رجا دخض كومه بن مركضة كافيصاركم ويتعامن إدرامية لى جائلى المناوكة كونلى الرص وسراس تنوا وكنفت كم ياسير بط جنبي كاسع صُعِيدا ورت ن بواكرين خود مرة فرام اكرم فك فقاعوا و يم مقدم بن لبا جاستي مو ريضة مين كر ويت اور مرورت جار للاكن بالفيد بجواديم بين

کم بخوفر وعلی وم کم بخوفر وعلی وم ارمین خانجران بها هامه رحاص عربی میر میرین بازیر این میرما جدید بازیران بهای میرما جدید بازیران بهاری برای بر الوصوت اوالي مريك الرولتدار المورانين وركي جهان كم مركار دوار بركا و با جار الكرار سند رست رست المسار والتدار سنوانين المرابي بهان كم سركار دوار بهو كا و بال مايي بر ورجي وربيان سياه في كام رفق مورا وربط كرند سايسكر تحضف اكر حود را بالخرار مين اور مارين الميني والميني الميني یر بوخوزب بر سرم سرا کمینها در مین مول در اند مطابع میر بوخوزب بی مرسرا رکمینها در می مول در آند مطابع الله المراجعة المراجع Jack Children State

يالميكيم من ماكوا كمين والكان أماوق لأتواوم نفد دييه جارتيها وسين الركنتا مروان واستنيث المركنة لِلْهُ صَبِّن مِنْ جِيْدِولِهِ إِلَّهِ مِنْ مِنْ مِنْ مِنْ مِنْ إِلَيْهِ إِلَيْهِ إِلَيْهِ مِنْ الْمُرْمِدِهِ ا ويلط بيءوت بومل كيزم يرتبد رأة ما معك ادركي روش كاذكرز أرب ك balant. ير ميركم نيدوت ال مورة كاسوكسوركي في خراه و واركيم يولا و دالفعل جه واراله , وال ين برحور أون كي كوماري توام أن منه والوابيد بيت الما يوم بيت الما ومن المناسبة الماري من وطر معروض سراج اللكيما وركوجوا بمروش مويح تبيرطلب فرايك اليه الأفثادكم ا من كه على جائي البناء ترته مصبوط كل لدواد ربقايا بهي إيخ متب الم يعيثي بميرست لنا لأوكملاينغ اوب كيركو يانجوز بوي بنهين ترسررج الماك بها درنية حفورس عرنبي كي

ن كرن رنت حديد ورنه واسبط دريافت ايكي بي لكها مراج اللكرين درنيه كرك تفاضا سر رايع المواع وي اورووالسبط مح المعامال دا تبورول سجما لكه تدميرين خودرًا ي و وخوله بند كي ب خيام بسار بذيك خوسرام الماكل درند بون کی حبورت صالم بن غربی کوری متن ه مهم برراضی سویک در تا اسلام برا درصالح بن غربی کورواز کوشی کئی سرکارعا بی سے دو بمولی واسط اسلام به اورصالح بن غربی کورواز کوشی کئی سرکارعا بی سے دو بمولی واسط عكه عراه موع المه مك موليه أورط فريس فتح جنده طوال مي وكول مقررا ما تماس فلام واد المهام وعوت كابها وكرك التحوام يا آيا بمرد د رض بويد د يو انحافه عاص من ما مضراروالم شهدار كها ورط علىغهاليش كرنيه ليكر مرحيد كنروه راضي والوبج وسيكمتعن سفهدار الموركي وبالخراج سالورد إرس كردكها كهاكم تمهار واسيط لكرياته ابني دا دكو بهونجو كلياوا لها دیکھ اس رو محمد طواکرے دروز قبور خان ما رہا کا کا سار شدسے سویے لیکن کے بہوا صعراتون المرفلكي بديضك وه دوي ودكو دم ومرية تيرير التر بومعطار مورو في ترامها وكالرم موالورها موها وما والمرام الميتكا يجي للمرزغ التفتيكي افردوا كوكوي ويسرا وربابي دعاغ بوندك وشير بها دند مقديم تنواه مکنومز کی ادل خود نه فرایسه که تمهاری رابعا با کی سبیل چار مینه مین سوی اونده

ار پرب. وینظادره براوه به مهر برخ هاینی کرفی هار برخشاند رمینگهاری را میسرد ياد فوايك اورانين ارف او نواييا دورواني كالياد وربيا إكر رمام ار دود دو ابواده و به به دونی میکها ندوی او ماتی جوری ایک نیزی و ایک بی کرا و ا المواد المراب المواد ا مرام مختلفه مراي بياد ، وه و ترب سيسس ۱۱۱ ت ، احراق سيس ريب ريب المراي مختلفه مراي المراي ال ع و فره بها در معایت بواده رغالت کریم کو تبی کو بیط کینے اور جندر در زمید رمر المال ﴾ په ادرميه ان و نو ن لونفا نمالي جومري فت چيد ارواڙي کي تيجه اس خن پارٽر از ارسان مان نىفىدارلەجدر درنول كەرخى ئىلىلىلىدۇ دەم بىن كىلى بولۇرىيى ال على في قبل ملوم كرويك ليل مرسكره الما مَا مَنْ الرَّمَا أَنْ الْمَا الْمُنْ الْمُرَارِدِ الْمُنْ الْمُرَارِدِ ديل اركونات الربيعي بخطا كارات وقت دروازه كلرور و لاكراكم دي كارت المدورها

چې رسوا وريځ و تعرب انبي ربان که کړ ايلاي اسيکا صياطه و بير روفه إمان حيار كها مم أكر علوم بهي في ولهاري أيذ من تسمير الكرابا ورك والت برق إلى وروا میر به دری و ربید کرنای از ایران در اور که بی دارا کرنتے جار اوال مربی میران بیران از میران اور ایران ا رمين بذكاماً كما طلاع كي كني خوديد مسبكي مع سراح الوكران ورقراً بهملا ورما موكه ورئا بداعرا واطرفعر رضم عافساتكم ردى تو برحضوريه تورندارا أمرا أب ومبواكم مالكت كي استقسار كي نسس حكم خلاكا موام مربع للكربها دراورهان عالية مددان الزري برآئي تنهاى بركنليان لوصاله بها درمة خواط لارد متصور رنورند كالعامنا لي نه ليكرو احل وشكياء علاقه اميرالدوله وسيم بمرصور في الم و صربها در البراي بوجي كوم راج الماليف جومندول سالدس الوق و عم تم نه کیون والیسکے کر ای رکوش بها در نیوعض کی که وه بناری و مد والدكي بين مم كوررنقد جاسيها فأسياه كاشديد ال

چېاپه کې کې کام ايلوايي کړي چوحصور ريورمين مذکان عالي*رک*

والماء وها كوكر تدك كالمدرى وال كى تقريب رسن موي و كوكسفاف از دارى دعوت من وي كي الروادي سكدرابادي جدة وتديين وبراعرك كمرسي ولات يهراكه ي وود كا ساله لين ركد ملي كرمار عبت سي الناررا وكوي ها يل في ذيا وي الريم المينيا. يهونيكوان عرب سراع لها رجيدوانون بنها سوات دفعيا كيرمايا وركيدرواجراسكي المي حركيب النميعلقال مهاجن بركور كيرجوا مان المهورتين تبارجلاتب بهي دوراثه ينسقلقان مركوركو كإكرت برس كمآت وراني قيدين ركها صابح وسور حراشي عرون كرفت كرب كمر درني سراد فروض حل بها در كوواسط طداب ميوب ما مدوما م يسي كهلايا اور فعا ور الله المور في الماله المور ور الله ما توريد من سراح المالين وركو رقو لكها كراسي كي بات اپسي يوي بهتريد كرهادارك ميد ورزاسكاف وكترامو كالوركمة حسين كالامع حبيب شهرين اكتهاميو الحوليما ليكالو الكاليادة عوم كو الواكر بهت سجما ما يرك أن يفاق خسرام الماكان الرام ورسية ورسية المراكان المركان المر ما مُورد المركور را المركور ا المارة ا والمرابعة المرابعة ال 14.0 1810.00 S. 11. 12. 13. 13. 10. 50 1:12

المرابع المراب رعبت آزاري سباه نافران بدار کې رو زا ما بحوالط ركا كوسكيلها بجبون المبيرات ولمبن حاكم مزمواا وراب جويية الكوادا دبن بكوابد بركارعط ية اركبني وركيكئي ركوشكدار كينه سوزكيمها عن بان كِيا جا البحك برّ أخِب غور كاجور ولجد ملاء فاضاره میکنمین موته کجهسودی مین ایک نبین بین = عرض زیک به ن ایسے کو نفع ودنين فظركه ية النام ركيك زاوح والآية بندورت كريج ملكر فكا محتد ينزبني بي وض كاتفا ما وفراى كوالفعل اريرة بوكاوركاا زلنه يحام موديسية ويناكركون ېم سو د کرېږي الم

تقريب وبينر سوي ويملو كمنعنقان الروازي وعرت ميكوي طرميني و کان په طرميني و کان په الدمين المأرعيت يواكنا راه وي عايل و يهويجه ال عرطي سراع لا كاجنجانوك مثابوات وفعا كرما وركيرواجرا ملي حو كريسا المعين في التي مهاجن مركور كرجوا ما ن البهور تبي تيار جلاته ورمو كالرشهين كما آسا درانع قيومن ركما حام حورمي حراسي عوان سارد لوطن حسر بها در كوواسيط طلب سول ما مرسام ميه كبلاما اور ها و رقولكم كراسي كي ات الهي وي كالوكمة حريب كالعجيب سهرين السياميون ليجاليكا الله المراع عوم كومواكر بهت عجبا ما يرك ما يذا وسرام الماكار الرفاظ ورفي ورواك المالية المراء واسط مقبال روانه و كرسوالح امام الظي كري كرتل عان كو ص ٧.3 33 J. 3.7 120 161010 11/2 1/6 1/6 1/2 1/3

J. Andrika. المراد المرد المراد المرد المراد المرد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المر باسواور حوزوي ن ه از رعبت آزاري سباه مافزان ردار کې رد زافزون سياد د کوي ارکوش کوار مه کيا کې که ؞؞ۄٳڔڮؠڹٵۅڔڲڮٷؠٳڔٷڝؙؙۮٳڔڮؿٷڔڮؿؠڮٳؠڹۯڡڹڟٳۅٳٷۣۼ نى بىمان كا جانابىك بآخِب خوركا جررولى كاعف داركىنى دركى التاجيك نى بىمان كا جانابىك بآخِب خوركا جررولى كاعف داركى بالتاجيك النام ! يركي نفر بريت ورنبن نظریدان اور کیکوارش و بان نیسی سی عبدرا مرفعی بين وأزبر والله كاسياره كرطف تحضيا فررك ستوجه مؤانة في مدعا حط كر ديون تعا ب*اشخ دفرای ک*الفدا *جاری ک*یم جي بورسية ميغالم يونا ووس هي م سودي مي البداد ألكارات كو نيكا و رخ ب كيطونه حدثيرة عام و آيك جسكا بالضفص يسيح كمفلك مي ماران اعرى كان فروخ البعاك فنح جيدا زُوازي أبس جو رشيدالا با زار كوفهي كالماكر وركهوا با نت تقاضاكيك بحاوب كوساموكات كمرا الورانيا فرفع موكاري والمامجة امر مع المدكور جا فا آور فو راحاكم ب بسيكي يون اعوداس مين كدوكر دو لويضح مفدكر تو بهرورور ويكاجد مكورا فيروس يادر إيار فع الخالين جرار بالريز اورك The state of the s

. .

the distribution of the المكن فيا صافحة برسي ورجوي وكراهكام فروري الدوروني والما روات كم ارما جامل كاورتم لارد كورزجل على بهادر كم خطا كورانا بلية الأي The state of the s Jis yo 12. かのというのかいいいいいから

AND PROPERTY. يكذار توكيا وم كروط وحال كالإحدارا كالحرر زحز الماوركوق را كوفت ماي كيدارزوي واحي ماده زريسدًا يا يحلب كا والصور لور المراقب ماي كيدارزوي واحي ماده زريسدًا يا يحلب كا والصور لور المراق ا بالدروه وكي ركار تارعل وريان من بيديد روا بخ بروي بيسكن برشادل بغادرهان مع برون و ناوران المعان مع برون و فودان وركي زول على وفول أسن كي وف كور زول تفايد كور الم الدوم المراق المراق المراق المراق ورق من ما درم الرسين من من المراق الم عافريوس اورا لذات كورزجزل عمل بها رسيع فأمطل فعي جرهم ويو بناس جاعكم المهار والأصفه ريورين ما بومون عركا كورزم بحدي يسجما وابن كالنيك ته تبغض بسراج الملكاة ورنيسوها كرباتها سمندمري فوف كمنفت بم ورصوركي لافات من كسرجات المروازي من مروالوزراه وكالوفلاد في . جايد الرواسط البت لينك دات ميكوني كويخ اور وووس ما رسيده وال عاجها وبرادوم كي بقن كي اورة وال اورعطوال وكرو الهم كورخص كما د إلى أرور و المي كما اور جينة وفت بيج الص به في كديب اكد كي دليس لو الحياة وليك

يم كيد مكنها حب مراح الماك في ايك تيم مرارنه نيه ا ور احكام كرديا إحكام كرديا نتيمرايك دوسي باره رقعو كرا. ؛ نىرىيىرى^{دى} باطلاع موي تا امرمضا ف طرف حضوركمة للمطيح البراكيني يتيجب وي سرم الملك كانام لية كاسلام باسر واوو The Sales of the S

وصيح اسرجهة كرتم حدمت مفاقة سيعرو فأ بهائي وال ضاكي درمير شائي فوقط بها ديكم ر إيكاآيامراح الملكمين وركوم بيور ن نقط و اختیج کرجه بعراح للك بادى فروره بيد دن سير توكيد تنيه مني بي كلهدر سنها

تى ئىدىنى قىلىنى ھالىكا در خرم كىلى ئىر كاردولى دار كالى يى فرزى م بارموره بيم من اخرين عبر ن است در كا مرمو كي مراح الماكر بها دريذ اس قيد كو منه المراح الماكر بها دريذ اس قيد كو ده کریکے حصور میں کدرا مام سے حصور لیے ما ہ رہیج الاول کی وین ماری ان الرا الروكتركوه وربع كاجركي وفردو الرناموجها اليحافي بن الميم الن مهاجرك المرزود والمعالم المربي المعالم المربي المعالم المربي المر لرفعامیه کرد کارنویل تاریخ رسم الما بی کی اگرماه اما در موسیم یو کرده و در در نتیما تمالاه دوارد وبلطان بيد بي بيان بيران وفي اول اللك التما بيوس المرام و مركوري اورد في وفي رفيال اور كيم نفذه الليرسا ووالا مداولهما م ينه ما ركوك كوتني كو بهو مريده الملك والركوك كوتني كوبهو مريده الماسي ولوليد بمرجم مراد غلام محدرها باس ولوليد بمرجم مراد الماسية المرجم مراد الماسية المراد مانی مواری آنی فی میکی می از کرد اعراضی مین دومین اور بیرط می نین ماجادی فدا بيام الماراه مغيان مين فلون كريس بر ومضور طرح ومكينا وربعة جندروز المالة الميم المورن مين الموري المارية الله الميم الموري المرب المارية المربي ا مُعِينِهِ الْ حَوْدِ لِوا فِي لِيسَاءً بِيهِ إِلَى الْمِيرِ حَيْدٍ فِي الْمِيرِ الْمِيرِ الْمِيرِ الْمِيرِ الْمُعِيرِ الْمُعِيمِ الْمُعِلِي الْمُعِيمِ الْمُعِلِمِ الْمُعِيمِ الْمُعِيمِ الْمُعِيمِ الْمُعِلِمِ ا نِيَّا الْمِيْنِ لِهَا ورفحار السَّيْنِ فَالْمُورُ الْمُنْ الْمِي عَرِيرِهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ اللَّهِ الم اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّ

المرابعة ال المرابعة ال چاہے فا موصوف فجار ارت کردی و مهی تولی المنافع المرابع المعروب والمنافع والمنافع والمنافع والمنافع المنافع ال ٳۥٛؠؙڵۜڔؙ؞ڔ؈ ٳ؞ٛؠڵڔۻڮؙ؈ڒڽٵ ٳ والتع دوات بوعيد ومؤلع مأمواه دواس دابسة مغير فرفوك فوا (گرِنون کابغوان فی سن البغوان فی ایس عالم ا اللائن برميلي سأركم فلدكو لكنده بيدمكر اكرحمت والمراك س وبرشع ن بيدمه جنون كومنجا حيكة المراد كبينين مرسويه البين وين أربح سراج المايئ درحافر دربار سوكرد وخررن

جريني كذارتنكي اسطرجيرتو محدسي نهن موسك تنجن وما يحكيم كربا كرنابها ومحت البياني كرمالفعاط كالنومي دينااورا فرازا مالكهوالبنا بعدائي روليخون كركيم وبنااورا رلنيا خود قربا سراج الملافيا مي رقيبين للجميع ع كي تبروب كا دمه كويس ح جيكم مورية سارة فارتي حود باستايرون ارائ فلام نفي خان كوعول رز الملاكم ورت كالتيالي ر مواکه لاباکه میمراج الملک کو دروان کرند میں ہے کیدیں ہے۔ ُ عا صل كا م انها مئيوين كوبها درمو البيم كويا و فراكرايك. بيني الماس كي عنايت كي او رنيابت ^ديواني سيم ب مرح به به برجوع بوسی اور مذرین تهنبت کی گذرامین خانج فیطهٔ تا رئیر مرفراری است بردی بر مرفراری است برخوانی افراند و بر مرفراری است برخوانی افراند و بر مرفراول است بر مرفوطی نا فراند و لدیما در آفار کرمت برباز برجه مؤراول شنه جربار خور و فرشت نه ما کرمت برباز بربه مؤراول شنه جربار خور و فرشت نه ما کرمت برباز بربیر موراول شنه جربار خور و فرشت نه ما کرمت برباز بربیر موراول شنه برباز بربیر و فرشت نه ما کرمت برباز بربیر بربیر برباز بربیر برباز بربیر برباز بربیر برباز بربیر بربی كريمتار فوالالتك طرف فالبيك رجوع بوي ورندين تهنبت كي كدرانين خانج فطعة ارتج سرفراري حصورت ومض كني رورجوا كورنرخ الأروا الرسين المراقع في المراجع ما بدولت اوراحه از فرخرس کا رعطت مدار کمینی ما در سکر بندولیت کا درمانیا کی میرنب را مانیا کی در اراک می کرن کور برد جلداداكرد نيادر ريسون و بهي مديدت دريج مات عديون بيون و بي فقط مين المراج المر

برار كار خركونا دوم أكيد قبام دوا كيتر كل سرم تهدر إخواج فرم عركي الأمحرة لي غير مطوع مو المرتبات التي كوارعطف وادكو في تخدما صور كما يه الط ط بحرى لل أوان فدر كانتدى عا

الورسرال الماديكوام رنيح رسبح المتأثمركه باره سأتنجوي ار کان دوجود عافم را راور تام آ دمی لده محم ورت برقا در بیج لها وروسيزت بها درست الماق ي ودرباريني وه کو این کوا لى نوايىش بىزىرسىتە مەيدادر. كى نوايىش بىزىن بىز ھا . در بهول جونكرف ومكر وفية كَ رُسِّنَد صَلِّع بِهِ إِلَى الصَّورِيِّلِو كَهُمُ وَإِلَيْ ل منبته صلع آبا کونی بنی اور پس مندرج رتع بهاوره ماره ويذب بن الجد جل رسته بهادر ال فرايع بن کنانبرسداورال کار ساری رود بیم व्युक्त के जिल्ला के किया है। जिल्ला के किया المجالية المرابعة الم 1 THO IS ON THE WAY TO BE A LICH

روز كدر كليا، رئون بروي ريزله عالم يل ورزي وليا كم مردو وفر فري عاد سِنتْ بها ديغ برل كيلول عوم كي يوج علم الدوكور فرج ل ما الموات اليركا وال وأمهابيته بواياك كليئوديه كوجه الميقي بن وحروبا كرماري وليستسبوكس بها درنو کدار بنر کی مجید ارباب مورنت بند فرم که بران به كيتي بن كمرة الر به فا مرند دوان اوراد ا فرض بور قباصبر به کی کارش کین اورب سر و *ضد که دامیطایس میشر کستا کا* وللكث نيرميفة يحرك ولابن محداللك ومغورا وبرشيا وللفك فيومونو Rose of the

ى رىنىچار بوت بىرىيرا ئىندىكەراگەرام كىنىس مىلچار رىنداسى ھەيىر . جوغل القدار اللك بها درمكر د اخل كونتي تهوكا و راتها رموين ارنح ا ه مذكي صور فيفوكم

ومقدة ب رمين ذاي اليه بين إنخ رحيث فالورجه ركشان



KARU . بين! كخ رحمة אומסוגא וויי.

بحاكئي روزين خارا بمركه مربها ونعربهي فيتست بذائيته متحفاجا بيرحضور كر مورغه معروضوا كا ا الخن كر رميكا رمويم بسرة الميسالة را المجنس ساكا رسيم استح صاب ح ادلت كار إلى ترجين كارمان ف أي رمان في أركى عا جووفا عرصها جفدرا ف كريم كرزهما . آيت حوكمه اوسوف الارامي عابت كي اور و بان بهي و ريك كفيكوم عدي ريت كي سي او (41:

א לפנסונף 11-

. صاحبکوطارک حوار صاف راک روز لليمورك عيدرابا سيروا ذموص كم ضعيفه في الرسيط وقت اي كتهدائكا فليم حربين جوروائج الواي موي تتي وه State Contracts بت عجيب الكرصالها بي بدائح الارتبار مومن في الى أبنيرس وكرسوا كالمام اللم كرى ترل فوز رض بها ورسفر فأركو يوشور لمنط لاروا تكافد حظارط عبسوي مين مطابو يركنه الم المريج النهيج كي معادت وحيد الأنمخ ركد اوراب مبدع افريخوم الهاره سي التجالم عبيوي إن مطابق عن إر ه سي كيون بري ماه وزمر و مرجي مومیماور شاه باره سجیب تا تری این که ان رورون کورز کاکمنه لار دستر لار بر و سیب درسیم المرابع المراب رجیجند ولعل میگاری موقوف اور راجیر را بخت عهده برانج منوب میگورسرام المالم موردا وكرا ورس صفور رست حابس فرايا ورس الداره ميات Kool Kranky Julie K الملك خود و وي سير اور ربح رد مجت معطل عبده دار المهاجي بور متواليم عبر للأ قرض بت تنوا ومسيا وكتنحت كيم محرو ولتدار والطي الماكيها در بيس اور الما المجنب المجارية المراجا المراجا أجربين أسيد ستبرل قررز صاب كوفهي في والبيط تبديل آب ويوالي كر in the second المان 12.011年18年18年18年18年18年18年18年1

مابط كينهي خوا وأيلوبوار خالو كالرحمين فووسامفر وصورتيم يحوي عاونه ربا نهركا كريتين افسوس لس أواركا سركاه وكرنوع بهاوركواس امرس عام بنها كرداحة بان لائعُ اور حمت ردا و كو وكول

نظام عموما إن دوستسركارع فمت دار كمن كا در كعبمت فوش واسوي مین تئین موا ما که استرتنا می رت مرکور کی جرمبی پر دارون می خاصا و می خامی بها در حویمن سالی و لیعهدانگوفتول بنی مون در ر و تام دیمتے بین که رست از بین مطافر اپنے از دیک ان فریکی و شرفرار آداد مرابع از دیک ان که رست از بین مطافر این از دیک ان فریکی و شرفرار آداد سركر وكولخارات اوربها يكمحوامة all Agents S. C. 140 161010 ASSING

المبهن ما يحكوم علت طرفداري منتي وروكم وكور الصدور من لف وكالمالك التديم محكام مخلور لفرنع كارعده ومايك الادحاب بهادر فعورت ينن وما الكه ويتعبوط بقدت فقراما والر سأركه تناود ويود مَعَ عَلَيْهِ أَن اور مي مقوله مل كا ير الناسة وفيالان ادمُن عادينم من واضي الان عادرآو

چود سوین کار بیماه صدفه کی روز جهار نبد داخر کونتی بلد وحید را او بیمویا و نبول عبد استن ورم اورا الرين من الدين الدين الدين الدين الدين الدين الدين الموراه وست نيرا جيد وقول شريار وقا اندرت رئي مركاره ولتدارنظامه كيون للها مح برمارس من من ورسياه نعايدي المتحارية والمارس من المراد ولتدارنظامه كالدمي بشره كي ما ريه منكم الله المعرف المراد المارس من المارس من المراد المارس من المارس من المراد المارس من ال واسط نعبه معدول وراطف بايره مهامه مالك فيروشه حضوركم الموج منك نه اليمه كي رويكي ي ر در بعداه کا دفای در ساد کرد اسطاه ماه ماهی سرکار موصوف که دفاکی از است می دوان در از در ساه مرکز است می مواد کام لیر بعداه کا که دفای بد ساد کرد از كام لين معهدا حوكر كد د فاركي من سواس ليم كم بخامه بين طارويد الفافي كيرم حال كارو كم ازر المصحب المستالية الم اورسواا كي الوف الماسد : حيل اس جيب المستالية المستالي ورسولات الغريما وأوال من على وراورو لقل بهاديكه عوجوكوا بهي الفريد ونورها يمنتر جواربان آوا بيخ انيابني طف اور حارب انه كذمت وحال بي مهدر المرابية ا مين كه عرف فيل من في على اور صاحبان كوته جولهم المراض سيد مروس بيد النام المراس المراس المراس المراس المراس الم لها درية منه ي كي طرف دري كي صاحبان كونهي في صدر مين كلها و ما شد النخص في في النما في صبا سراه انه دا و بيغو مان سينالش لكهي بس شني مي رواف المراس موسا ورنترف الدنيخال وكالت سيرو نوف اورسد المري منتر وايزميا نوس كي حوامات المراج الم

الغارة المغارة الباريس المراجي وي محال وراح أوكسك خائر يتنامة والدين،

والمسر معنوى علية مسم الأره وأولة ورب المنوسة راويدت روبال ويتم محواور كا مرولي ألف المنافق المسائل وولمدر آصفك عكوم مانعلهات التي ونعد إراط كلور كون اوس كي و يون الارتبر صرار آرنه کو به مع فاری گاه می کنده اورز ماله دور نجیمندی عال و قلعه آسیر اس واقع مار آرنه کاری مان گاه می کنده اورز ماله دور نجیمندی عال که و قلعه آسیرا می اقعیار ارسته آن این بی حکومت د ایمی ورک و بین کی این اواست بوق تعاب در آنه آنه این بین حکومت د ایمی ورک و بین کی این اواست بوق تعاب مركارعطت مادكمن لهادكو حواسط واخيعوكم الزوق حساسي وورسكم وند فدرك وضع موك الفتأ كام حقوق ور فاج سازات مير الا الم

Kining it or the state of th خود در میکنند سیان کرکیاد در دار می آناد اور اما مسیم جایا میداد در الله و اور تهوري مي مهراني كما ورسوا منارية اعتباري مطبقا محم طورين آلارونس المنتباب بينيا كالميتين بوالبك كيمه بالجائج نع ليك فوو تمقم فأنا فاخط والمياز مرتنم إرخية والما ين جوات المسكن وي وي التي المركم الما يوجود التي المناه والوق تقرسود وسر و الما ما الما بدوانيكالار وكورزخوا بمشكرها بدينه با كرخانماراً آبادور واعدًا منو فريمونخ دليمانم في موضّ بحوا مُرَّب عواسية ولم المرحمة مكالم للدهما يحوموم واسم مدوروا يأ بي جر كا زا ، يي ك

ام سے مافل درنجا ہا عارفانہ کریتے ہواب بین ہوائ س سکر ندوستا کا ما سرم سے مافل درنجا ہا عارفانہ کریتے ہواب بین ہوائ نتهی نیکو. فیول کرلااحرامی کاربین دکیم، نلسرلاک رتو سایات رجا زركها ورناركي يمكانا أخرع مرني زياد ولنتم فاكنالدروايك موقوف ويؤاه بريان لطانيال وكارونمواسط اور في تقد ربيع على كار وأي كالايت زير ، وله يعم ل كريت عقاونيا مِندُ كانسر بركتم من من الله نيا رَبِي ما بيار في الرسيانية مِرْسِ الرادكي حِ في الحالِ تَعْفَضُ مِن رِنْتُ أَنْ مَن بِنَ الْمُعْفِي عِلْمُ وَمِنْ مِنْ الْمُعْمِيلُ وَمِن فاعتصا صعورين بالمرمد كيالشرك باوراما وبمهالان الأكيت المرتب يت بن ترفي ورزيه ما يندي حرائيد ريمزارعطم عِنسل كمتريث عهدة براي مؤنجا ونها كيضيه وشوا وقول منزولي نا زمند كي. للمذاء فالخررس كاحتر الامكان واموشر كخرير اوراكن والأمياع خرميل رند شامفارسی بنیغ کی بریمه کار کرواسیطے ترقی اس کاسے موفسوسی إسرت كان المرصف توجاد را مراح المحاري عالم من تست كرا بلي سراك بها رؤ ياز مغالف اس ما مها رئیس اسط خوزری موسی براس ما زمند ما السے رہا عجانيات وروكارين كرقارة أوركالي عداكا جامجاجه جاانوروس در فيست

يمو و فرك كارود الكامتر و في بيرونوار بو كالمرونول بوان بي اور <u>حالط</u> درغه مربح بالدريم وقوم الصدر بعض المشاراتيا نیں جو بی طار اپنے مالک ورستان مرکاردوا رع بی به اسلامتی برخ اسوفت محصول اعتباط کار به اور فرومیّ بازمندد وليسترفعاا وبميز تورنعين تاوي دمالم وعمايعا درقياك ما بي بينت بخير موت كو ميلاويد الماليط الموطاع الموطاع الموطاع الموطاع الموطاع الموطاع الموطاع الموطاع الموطاع

المي المحال وروز الرزي مورسون في الم في حكومت أور وحيث منه المرساد من ووال بيل . ن المالية الرية المرين منى الفي والمريد لما تماسوسية ومر الروكور زها بها دمي يتناكا ميت راجم حدواع كي اورا متري معرب مت لكرار الخدي 型工程, 7,31,31

الرو معقود والفي وكم صروب الل الم يسانية الأوالي مستخوداً معقود والفي وكم مسروب الل الم يسانية الأوالي مستخوداً المربن تقعال مرة وعطبة وألتح المي أجابج الوست فعذ بأرمر سايل ه في الملك المربع معال مرقا رم والمربع من المربع بيريب بير ورب من من المربع ال براد ابنی را وعفسته دار محمد و از این موجه در در این موجه براد در این از در در بها المراجع المراج جورور مركار نظام بقر بهجوائه اور الهاكراسير اكر نقطاك كارنظا والكرائيا در كابروة واطلام ر منظم و مرام و گلها در اجازی منظم موجود داد کیا اورلارد ها منظم منظم لفا بعني فر حمّه خاص يقي و تروا له قربيط و ترويك بنا ادريه عا أجا يزكم بينارسنا. موضِّ بهائي او آخرهد بريد الي ما بزرت كورسفارت المريالي وين دكروالي المام اللي يُوكِّلُ مُنْ مِنْ بِهَا دِسِفِرِيغُ أُورِ بِعِيضِي حَسَابِلِ أَبِيْضُ مِنْ الدِّورِ مُنْ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ كُنِقْ بِي عَلَى مُدْمِعُكُف صَ إِلَا مُراسِي لار كورونيول

سرگرم دی مردت عرات در برمکن مومد اگری سخصر سوال خالمي ربات أصفير البيع تئير. درميان لاولوب عي محفيفه خرج «احراعاً اوراجي» في ئاصاوا داي ننخاه مبياه وغيره كيربهوكر بغرط طاينته السيط تهايك شرطوفا داري وركمك اورسركرمي كي بحوالا فلابر رمنت حرين رثير الماليا و المحبت الرايام بن مام تعلقدارون و بلوا رعدم تعدي وطارعا مايير. تاكريت عاة والا فرما و حكم وباكه دارالقفاين رحه كرين اورايك المراد والمسلطات كم ل على بها ورك ير

رولول فحاربية وارك NJ. مر مي المراقع المين المنظمة المراقع ا لاِ افراك كوركم بي في مرجح بالجورة بي المرجم المركم بالمراعة بي المركم المراعة المراجع المراجع المراجع المراجع فلالد کار کا بی خط عاربات کارنظ باست فنی کاربردار وار کی مبتدر کور بی فاطرین را سرکرات: فديطالود منسده زسكام واسط كمدور ويركي المريخ رالاركا بدور دفارعال رساح لأورة فزار فلمارى تتنبي كالرار المحارا كارغان وكيت مركار دولهماز كالصيغ كاروا نظر دعلی اسی جرت کی اجرکو معات مرکارا معول بارگیالور مول طلب فرار مصوری ا بِوَرِيْ إِلَى أَمْ مِنْ إِلَى أَمْ مِنْ إِلَى أَمْ مِنْ إِلَى مِنْهِ مِنْ إِلَى مِنْهِ مِنْ إِلَى مُنْهِ مِن لم بائد غرط مراني م ديارات مادرر إوطالق محسن کش نخ برات بن ما ما ماری اوراس خرب

خرجو 4.9 List ale -The state of the s الخارائي أي اور ساي كو اوزاونا م اوال کررول المنافق المحادث المراد مرمانو 187 Who will have المُن المُن المُن المُرْدِينَ المُعِينَ المُرْدِينَ ال 13.7% 1.7.15. 1.79.b. J.

واليفادد كورز في وركولك كوفت ارفوها ركبت رأيتا برقب رقف ارعل <u>ظِرَة مِي إِسِي</u> وَكُورِان بِوجَاله بِحرور البين فرارين كم كم عاصل وفي باس صرب ذکر منی براور اس^{سے} کیا و *اکر مکا ونب عارتی کی ہو کینی بھی جو و*زیدہ اللهاكوش وارمراز فرامة المرأا وأ لا م مي لدرو أنصا كے خورا بمتير بركراو حروسبا وتعشدي مساوال لندله كي سركار دوليدر آصفه فالفياً حكميت ابغ

له ایکر تعبیت ایکی ملحده غرر کی اور ۲ ورارمين وسانته عاكروارو المنتل طالا اعلنجال ونجبري سأبمرار النعوسورر واسطيني ن نين عوركمان كولداندرون كيا المرنايع البرى عارمر دارته ريوس من ورباي الحاصل ما مغر قاون مساه الزري رتارمو در ما طرايع پورات مراروح ميساد اسط اعانت و کمک که امور موساحا کې کې کې ن مين يم دويلاش اورايك له رب سودرون كالمح مياه م Miles of St. St. St. Selling.

,₹ يوان از تحاورنا والخاليع 6 فنست سره رع وارا بن المان ور

بها در کے بیج دفتر دوم اس کتاب کی زا برجید کرکہ آخر ج اکرزی کا اب بولین بها رہے مهبت رام محبب فحراى عوام مجاس مراري جمعيت كارزارا ورهيمسنخان حميعد اورع في بهاد رفافه المجهورة كم شخور مين نابراعانت كمك فحيه حاكم زي شركم شاكم على لاروز لي حرمين ربرته مصنوصًا تلعيظ وبال وربقول ليم بمرصة موضع أركانون رجي صلاتجال بلورنيه خرسراري طانفناني كي اوربست ركي آدمي نفي كام آييز اوروالدنامرين ركيب يم اوركا. نها وركو تېس البس تها نورې نېر اربيع که تيرونني که لا روس موضو نيان سراله بي ونتوک که الكان دولت تربيا براسة محدصلا تبحان مبادر بمي مربوب ب البيده وفايين كا فأنه مبايخ دبي شدار رساي كي سركار كمينها درب ما درمزكي مبري و النداز أبري المراد المراد المراد المراد المراد والمراد المراد والمراد المراد والمراد وال انفان روس المنظم في من المرساي في من المرسية المنظم والمن ورسون ورسون ورسون المنظم ال ان و المراد المراد و المرد و ال مَا اللَّهُ اللَّا اللَّهُ اللَّا اللَّهُ اللَّهُ اللَّا اللَّهُ اللَّا اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ الللَّهُ اللّل Pio 2171 Single Parishing

يحدر كيدمار أخاج في رويها ورودلام مازي والموالي مواه الفاق الدوافو كواني موافق مرمزع زا در کوشنی کری رفام

يحيفه رسنه الركاسين منظری سیر سراع رو بهی ها بیما جا بیمارای ایماری بن کرنا هر خوارای ایماری بن کرنا هر خوارای ایماری بن کرنا هر خوارای ایماری بین کرنا هر خوارای ایماری بین کرنا هر خوارای ایماری ای ني يي دولت پي کي حوي دولت پي کي حوي دولت رعا كرفار د كورزد ت جرراً المرامورك و الفيح مح كم سفرندا بن حب می میرانیخ ساله کرکن می الفته تهی در خل اور میران و کارفایی ا سیمطران میران میران می الفته تهی در خل واقع میران و کور مورکارفایی رسوفت ابروا با گار د کورنر ها بها در اور د الني فأفريس توركيا اوركن ره اوام WITH WITH

و ردواتدار*ت نهایت بور*فیقه بت وندزمان ساك دي نناكره و فقر ه خِين كرروية فأري في بدركي اكثر غوريا، حامّ ماكن إليه ت دو نم كي صميت بن وثيره و غرود كو اپنے فرارش كريك اسقدادلات يس طائمة اول لا ما تنزولي محلا بالطيع بوكر كلام

بهونيائي خلاصم صنول ومستاء يزلار وكور يحرل ثعابها دا المراح والمراج والرائد المركم والمائن عوب تدويط والمامريط المامريط المام بها در کسو بین کال و رغوار بیر بینهال شیاد سطویا شبه بهی بینی بارتیما در امرو بوانیم وافعا موصوطي اوركوي منتخب سيوانقاك بميزها مواليهم ميرراع اللنليف كوز ديك وكور زول ها المريموج المحالات والدولة المركاء وربيد بها كن رطيع آيل مردا المركم با ورالدوله بي في الدولة المراكم الموريموج المرداع وربار كور حيان مرفعي الدولة المرداع وربار كور خيان موقعي المراكم والمدين المربيموج المراكد والمراكد والمركد والمراكد والمركد و ر آسندها الرموال بسيط مع طبيعة أورالدوله كي رخواسته بوي لور بحثار وروامو ما خواستان المواليان المارين المواليان المرادين المواليان المو حيدرالاكي وبيعود صيح موليد ودالدوري الماكن يالحي سركار دولندارك بيرم عرز والووال سركارد ولنداني برحندكه حاسنة نتها مو رفوا الورة مئيوين اريام شاا فهار يسجان كومطاب اره مدنس مح ایکنیامدار نقیم ملک رومان فورسیکندر عا دیما و ارواران کررا کراکه ای شا مفهون الأخران كريستر عي سير بيها كررافي به اورعالكما واديكما كم والكرسدية الوسدا المنابع المين اول في الماير ناين سمجين جومارسيم البورسيب ورويان دي اور الدرورية المالية ا من من مون ومارت والبوركم فراي يتي حمعت مركار وريظا م اللكه ١٠ دري يي

البيان لل ن ررا وزیرند ایز انتفار انفاق و در کار دیدارایگر رماری جوام کی موی ربار می زنی کی بیکن دوسام دل را شداله كالوركز فإرنت ינקנונו לות מעלום על ול על יפו والموالحات وموس ارتدار م مي الأالمار وم

,Ĉ,

وتهري اور موضع سيس كرداسيط مو دويا حمصة بر مون مواضع الكرا لورتعافه كمني أوروبها وا قور المنظما بي ورياتم وبهات من الكولت اوركم كريم في قصور بركه كراني و و كالميت من وضوين اليا الهما سواتهار وروكي قصاف اونهو في اور جدوبها جومت خبولي حج مبدراا ور استا مينيهان ونون ريانبارورمبدرا ملين بين اينال سركار كمتي الم سيرو ادرواسط رنع و کال کے ساحار و دموی سونا عارا کی ری ورواسط س اسر رس کی مدتین صالب ن رشد که رند کا محال می عابی ن اور حسر فرضنی ور رکس و غیره بین آج سیاس مدمکنانی اور کی نمیسری كه و وراقه المال من كون كه وراق المال كالم ربرا سي ناينه جوج دمري مازونكاتما ايكل بحك جيميته لاكرونيل

450 كى بى از دىزارى الدينة المراجعة المراجعة مرين المرين وي المرين وي المرين ا المرين المري لفاع على مادر كمك ظركم في ارب نار مرار و فيام اقدا ر رواح مینفندي ^{کا} بينه انذت رد بان وركهوي بيون بالانفاق الكيلمونون بين بير فوامل^{ا فلاط}ار الور بين المركز می رکاریس کورافی وال فی دک ایر در افراد می رکاریس کورافی وال فی دک ایر در افراد المجانية وروم المرازية وريارا اروم زماد دری کی کرمیدا تهراریاد دانیدارسواری بهرماوضیر سومی . يمولووك كافرارا ي نبين معوم كميهان مراد دعبت يمولووك كافرارا ي نبين معوم كميهان مراد دعبت ات کی مونی مواد که تهربیه نوسو فرار کی می کی وراث

و من علی است المراب ال مين ع*اری انگارمدان بن او یکی اقرادط فیسے کمنی بنا وریک حبقدر که فوج سواسم نع*اد ا بن المناس الونيا

كالمن روي المراك مع مراك م مرادایک موسولات عملم میرها. مردين بهزر طله طوت صور مرار مرا توقر بسدها ، طوت الله بنی کوکنه نبی میشده انهین وی بنی نابت رئیستدر مادر معقد کرکی آب کتی الاسی بنی کوکنه نبی میشده انهین وی بنی نابت رئیستدر مادر مامی ا الور احتندولو كوكر مرس التي المواصلية اورفقات مرص مو مرد در المالي المعنى من المعنى در مرافع والمالي در واسط مدات دولاتن وال المراجة سوارال يوردون يك ماردوالي منا صوريا ارود ارس نواورشا سروانوعیو مین فرجا دیا سریان مورونی کاورا استار سروی نواورشا سراین از عمیو مین فرجا دیا به سریان میراند. بهان دفي حيال المسوارية خلاصهمون الما المام المون المان المتنارة الما ي رموه دوربيان دوي هميسي معني المعربي معاوي الواصل بالموسي المواليين. الترسيد والرفعار و محيسوي مطابق العموسي معاوي الموالين الموالين الموالين الموالين الموالين الموالين الموالين الموالي مرى مطرح واقال تريين و ويلاش با د كان ورايك عبت سواري ي رويد الماري ال 16/010 0 18/18 1/11 1/2/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3/11 1/3 1: 1. Ohm

مسیورزون *میزنف*ام علی يريب بوط مع ايوال اورفنصرتها رمع علاقهرا الله الري ولولود النيج Jet 319 700 with the town to wift this thou روائني کري يا جوسوني موافقه مِوزِت مِن مال كِي

بيمال ارجاري رنيكي التهي كيسه حصورتمون ديا تن مسها وتعلندي في زكيا كرين فيول ورا المبنت جبسة حال وربياتن ان كاح ح طرف كان ب ندامان علم كسترروت سوسر رويل سے دولاک انسرزار جارسو کیسر رو دیان زما و مواا ور رط فی فرسی و راسی رحدرای مالا المين أو فسة اخراج اليطرز البوه موااورتا م كازدي وإسيط بتواه بمكرد كاركيز عصب ومركور كم أن عظموران الحانجا كرره وكندس وكالفيل كرا التن الا من المكانية فَ سِرَه بِحِي لِي كُورِ لِا مِنْ يَا لِحَيْ مُولِمِنْ وَرَوْ الْمُولِمُولِمُ مِنْ منت برنا برمهم يتور سان كي درميش في يا مواسط كه فراج سرب في المن المراق المنافي المنافي المنافي عدرانا على عدرانا المرزي واسط منافي المرزي المنافي المرزي والمنافي المرزي المنافي المرزي المرزي المرزي المنافي المرزي المر مير والخاوط الوزي رامور والمامند السابع في المراقع المراد ا سباه الرَّرِي موجمعية الالبيط كالمُ حدرًا السير وونه موج بعد حدال و قبال مركب في بني رو ول أو مان إلى ونا عا ن امنی داریسی خکر کرک^ره ماراکی لیستر پیرس مرشک سر حرار دا د يالت مومي اليه حصد اخل مركار آصفيه كامواا وربه تنامه لقوليا مثيوين ون اور الله ما الله الله المرابع معالم المرابع المراب جولاي فرنسة استراسي في ومط بن مجاريوا مار وسيج في البي القيت والكر المركم إِلَا وَهُمْ إِنْ يَوْلِا دُوْ يَخْرِيكِ فِي إِلَا الْمُارِدُ الزري خوال درس المراه براس ما اوركول دروك و من اوردس يم رسيد المراي المر الزري خول رئيس اورانبريل على اوركونل درواز في عن اوركر في المركر ا المتبدر أن والمروالا فالرؤين mula evint The state of the s

عفوا غين مرفائ إرادا فيروك وراسفر ما الراكزي فواسح رطاق چەدە برار ئىلاد رويونرلىغى جوياكىزىر كۆكۈنى^ت كاھرىكىل بەرىغىلىلىراك يترمن بواخ دنية ما فرا بامنو كوخنوغ ومهبترش اسراء اللها لوسطائل نبيرين ەسىمەنى بورى ايىنىا مەرە بەرىراكەجىكا ملاھىيىغى ئىياسىيىلىنىگەر. دىسىمەنى بورىي ايىنىيا مەرە بەرىراكەجىكا ملاھىيىغىرى بىلىنىيىلىنى ئىللىرى ئىللىرى بىلىنى ممطلح تبت قرح كمني وركي واخاره أبركي كبال خشة خامخت حييا سطور ڭاقى مطاران يىرام بان رايىرار كەن رايىيا دور پوچالىن ن بورۇپىيى موظارلان ومركا رنيةت يروفان كم باستعلقه المنظمة بابدر كهر أخطوط علميه بنه آيكا أورفر درط فين أوكيا طلاع مركي مطارياً. ما رب إركر حتمة خامط وسي كورز مولي ها الأدريك دربار حقودين الجي قرار إي مطار لودا کا د کی که ریسے دسیان مرکار بیگے قام ہری جمیت اپیر صال در کئی مطالب

ا مقاب صلاح اندلتر كراح قبل عبر كاط ف كتر لديك المرور وتعلي الماري الماحمور تداود وتفته دبيرا ورجوتب لاكل المبيد سال الم حواتم او برونی اور گرنول و ترمه لینه کار پردار و ناخ و اسیرا و رئیبرالمالی في^{طا} تَنْ الْرَزِي والسِيطِ مِحا فطنة المُكمَّ مَارُم رُكَامِعِ بِينَ سِيْمِيدِ رِكُم وفيةً مِتُولِ مَرْ اللهِ يَظِ المواسِطِ كُولار دِكُورِ رَحْ اللهِ وَرَا فَا يَرْتُنِي الْرَادِي كَلَا مِعْظُورُ الْ الخصوركتراب واجمت كركم داخل حبدابا وموصل والمتاولج كالاوم كى دخوا كارس بنرلاتىن مۇررطوفرگا درزا د تى فرچ كرزىرىي كارنان كارور كارنبوزىياتر ا من المركز المركز المركزية في ما وتدها جراد ما عاليجا و كلفرو عن الا يضع ما مراويد المركزية بذكان على رخ و كايمر في الكرزي كي معروض مبرعالم الدرطاموي الترتب واز فرخ مو بهراند معلوم کرکد برگئے اور ها جراده عالیجاه ای گرف رمز آنا سور کمون کري ساه ولين کا مرکوه جو و اسط لا نه عما خراده سختے ابیمری کار د مارنگ فی الی صلب بها در کورٹر اقلیم بند ہو کہ و لاب لیم صرفه و دارخ بها ن می دوانه موار تسویر ماریسی

جيك طورين ۽ ٻن او بيني مدين ندجي اين السطة رزن كايدكيري وتورو وم بوك روط ف بعينه جزسي وافقة بذيرابي ايوكيا م اللي كري كرما ولهم كرك ترك حما سيطاول فروله *إ* ي *هنا بينة الفي كري كور خيتا ركركي الش*دا سرومبي نع عبوي مطابي شساراً. ور وکن موسط اور آفزاه رمیم آنانی مراثبه مین مرفا . کمتها نیر را زسته وزب کی عاص واخيرم كواول تهدين نلقها سوه فيسيع بدخ كمسيبور دوباتن اكرزي صوريوا روب م وتر بغربی خصوص بری نذید فوج اکوزی رنا ز دیک ب رواس من بدورند فرل ني اسواسط كرحاناتها ركة رشه كى اكر روش ان مترحوز بالأزي الكيابي هويماستره سيحيا نوعيسوي بين

في المالية الم وقارنوارنط م اللكيا دري جوز in a service of the s Seikentick of the service of the ser الاستان المعنى المانين The said of the sa

3:01/3/2000 ز دبراد را والغزم حب جمعیت اور صل الزوكاكي وركم بميالي بالجان رجمة المره واع دات م كم مفية وسطيح ستصال مولا أأديم يرض بالمواشرة سنوكو عبيهي مطاق رتق وراكم ورقالية أو فلماكون و وسيجود كريمكم بي مبرس على كوني ويلى ورم قوالجومين بسيسة الركب المركان الوه ا فالحصح شمنه خالع ن منا براتك ملار وكاولا بيعضور لأكر حقيقت عال بي الطلاء دي برخد كرسلط

بمعمول بنهامه يحراك سين الزروالاسي موا خال رضائليوستركي صونهوى اورال سوسلط كاحتك الرغانية أواكا رارمت كراسكا ورجا لتن كر مافر فريد ري مالماك ورسك كرجر في دو كارتوك كارسوروانه كرمنين ناما تهوكا ماحرفت كمه خوجمعة تحريخت كروزب سنة ورايك اللي مرايك للركا ووس كور بار بسر مندها ورايكا با معرب المارس والم سرواران الزراورمر منورك مكر متبوساطان ريورش كي خوشك وي مت سے وكر طرف يح لوراتفاق سے آور ملتہ کے ایک موکرم اسلومنی استعمالیت کا مولاور ملک مكام محافدي مقفه رقر مدرسواا ورحوار والومل المراد المراد المراجع والمراس بمول كالمح حضورة تعرف طابق شنالا ماره سوست المرتج in the second of the second Seike Williams وفارنوالط م المالك دركي حوت والم الور تاليل ويعدن المرافل ارمان من سره سبح المسويم بالطاقي 18.

عارا ورقائم التول أخل بآ المالية في المالية دلبراد را والعزم حل جمعیت اور صل الزويخاليا وركم ممييكي لياخان رجبتا بذوكر انواع ودق مركم رميسة وسط بنصال مولايك يو روم الراس مرد عيوي مطاق رحمة وراط كورز حيك وراكانة أوالماي وسيجود كرسكما بيرمين والمركم في ويدور بقور كم مي سندك المركبة المركبة المركبة اللوه الملكي حتمت خامع ن جنا براكم ماير

يرت ع في عنى ريدا ورا قرارط فت مركار كمتي ما وسميم اكرسوال سقدرفا كزي درمان دو نورية نورمبرتط وعني بهاوراه رندت پرونال بحي زاع كتري موخود د طربق مند رفصد كري اس صورتين في اب معموم اقوار فرات مي سي سي مي الما مي الموردين ی فرنگاروروروت را مولا فرار سرافارا کرری دو فصار کم می الما ال قبول کرنیکا آمام تهنیای له جو درب مارد ولتمذارتك م المكريما في راوعظمة رّنا ركمني بها وراور كار مشوانيد في يروما بوي مير كال ورورور اوراكر ام ورمار بونه نقل تتنا مة تعالى مكاركمني بهاد نور بشرنظاء غلبي بها وخوشهام اعارت سكرما م سوار صوحط كارتواس وتعل

المورين الرقبل أوا بلوني ميس بونا كرمد

ماع في عن ريداورا قد ركاركتني بها وسفركمه اكرسه كري اورمان دونورت نورمبريط اعلى بما دراد رندت پرونان مخراع كتري موحود طربق منب رفيد كري اس صورتين في اب معدوم اقرار فراغ دير كم سم يسيم كالزيكا ورورت رباس كوارسراه راكرى وفعدكركي ملآ وقبول كريكان المكرميان راورعطهت وبالمعنيها و بوه مین کال ور ورور می اور اکر ایا وربار بور نقل متنا مه تعدی سرکار ارنواكسوعها ولايت تار ייישיני לייייי.

ile. جي برسيعي رفسك ذرون زمت موكك ارنگرایش مطابق سر ۱۴ دار دستان جرنگ با مورش این کیسی محمد بی سرک دار دستان جرنگ با مورش بارخصة المني حانب كلكة شر من المرادة ن بى مانىم مقام مېرېمۇم باكد ماكستور كاينے تبدير كرا سوفي بها

يعلى زابل ويكل ريار لا ألحرس مي ساده مولكها مي وريم والسفة كومطالوا على كاردران كار مراب و المراب استومها و برائم و من المحل و المحل و المحل و المحل المحمد و بحرار بل معمول الماستي على المحال المحال المحال ال المعمر الموال المحل و المحل و المحل و المحال المحلفة الذي منكواك فعمر برزوز و المحال المحال المحال المحال المح النيك في را مري المري المن المري على المري على المري على المري الموادي الموادي المري المر المن علولان مراق و الكاره ساليا وي كا اكسون ما كو دارو حرايا روعا المن الاياران والمن الماران والمن الماران وا

في مفدا والدولا القرباني سِتر مكر يكي شاريحيده مو اوراني من الميسمة من المي و و فودناد با منها جاتسان كي زيج لنذ على المكاركي برتهامية زنسون في فرور سوطانالورو رطرفه وتبوه يكي مواكل كرمها وكمناآ كوس بنين درج سيح خورخ فرايكر كومي رولنا ترامرده رسولايا سروان ايك وارموها يكاكي من سرسية وكرساخ ر نه به کی افزایص ب و این کرمد و مرائع دایش منظور انداز خیر کارتمالاً ك به وام أو رود موادا في موكم يقر رويز كوار أورث الكليم محكا لى يورق وسرة الذكار ويد إطلاء ورف م اللك ب تو کم خطا کور زورک بها در کی کنوز کا ماکنون این قبصر من او کوا مواسط كدؤانظ ماللك صفحاه بها وروكو ونبدوها يأوزي وكراكها يميان رنسه وآيده كرجزاركم والدورار كردة وعدا شراسوني سياسوي طابق الكياره وترما وجوكي الكاصيان م في بردوهان مركم تها عنائج فلاصة الكاصيان م في بردوهان مركم تها عنائج فلاصة النفائي ماكد للى كماروكم

موی با ری او رف برق بوا د و نارموالی اسامی ایک میفراگر ری صورین بد کان کرانا اوراطهار ماكما حوديا مخط محل كروا إاور رادرياس ليفي الممنديم كونبار رفعاس كم ورادا الان موزيب د ورسط كان منظم حضور مذبهت الرام كانها مرحبه كرام عن مردارا الرابيا المنظ لك الخوالا وترعم أستراسي علوي مطابق أو الدي و صوف موي بقائح في بالم ا و کدا نیر نهی خونسید علیات کا تهاموا فعر پر داران کرزون کی فیسیسی ایکی و ای ما کرسوالا ایر کدایی می می می ایران کا تهاموا فعر پر داران کرزون کی فیسیسی ایکی و ایران کا تمام لا لا تر تم لنور الا ما لطون تعدر أبير ما ير التقديم في كاماج اي دوكم مع ما درات النحوا ه وگرا نوین خصت کر دمن به عمله ماریخ نهار جیجیت رکه کیکرز طبیکها و ام انجاب سا مسركارعظمت مدركيني بها درفيفيدان بلدة مكوريه فرك فيرال الكرزة في منهو الموت فيالير

ليكوح قرأ محيطنتي والاجا ورعا إمعانيه كرسكيا على ساندافران المرزدي توبك كي دكر الدور حرم فرمواريم اخرجا تبحب مبتراولي حصب سفيركورز حسط درسمراها أيفالأر واح الدودان واور كورز في وريك كدرا أثب تيرا تنها مشري ما كارئات والاجا ار خروري كي تروي اريداران علاي الثالي ريوكيكسي تريي فت مواكيم يودو فكالصر مضمول بساه رسوم وزر في يح الاكها في كالمح موري الماري شران الزن يكرانا ورت لاكدر ولوك أن صور مايرتا ورمبون كوسي جوزيه يران الأروي دويلة متعب كالبيسنطام المار منااور خيج الخيسفر كاذمه مركار دولنا ن كالماعتوبي بالمولت وليغ ريسولاني وليسركن م حبية اوزونجا أواز ا وقين وغره اندين بتأبلي سيسكواوين براخبار ظلنة استراسم جهترع والار وس الله يسي بوي عجملي بذركم سر دارند كور رف مدراح كولكما اورك للكة كواطلاع دي مجر واسيطيه عكم عبا ورمواكر بركيف ولهبول الواحيا ندوي ظام العامل ورمير بالمن كدافي واوركى فعالي كرين إسيد فرايسون كونال وين رِبْتُ الْجَائِكِ قَيضَارُ لَيْكَ لِا كَنْوْرْ جَاكِيرًا تَيْ سِيرِهِ مِلْكِيرُه ومِ الْحَالَا

المرابع و الاستاد المدلان عالمي الصفارية المراجع مهم للكركا الجام و ما مرابلكركا الجام و ما مرابلكركا المراجع المرابلة المراجع المراجع المرابلة المراجع المراجع المرابلة المراجع المراجع المرابلة المراجع الم بن برسه ۱۱ رست میاند کرد ایران کورننی کلورانی کاروانی الرزوکا این المرزوکا این المرزوکا این المرزوکا این المرز الرست می می ایران المرکور دورانها مهندکار تا امنیور با رخی و درگی بیست میسید بسید بیست میسید بیست میسید بیست می استراست عبوی الله میران المرکور دورانها میشمون کا کها دراا مردورانها میران المها دراا مردورانها میراند دو و مرکار کدیم با برند از ایران المرکوری است میران کا کها دراا سبون به ه ومرای این مرای به می استیمون کا کها حلا معتصرات استیمون که استیمون که استیمون که استیمون که می استیمون که می استیمون که می استیمون که می استیمون که در در کارون کا در در کارون کار ور دون کی جمت الی زی واسیط برخی اور برا مرسور الا جهاد می استان المراز ع فوج الکراده میدود به فوج ته کامر امر جدکه و در ایستان بایس تورید با در در این مواجر از میدود به فوج به این می کراری به کرید رصت جات صورت از این مواجر از این از این از این مواجر این مواجر از این مواجر این مواجر از این مواجر

ا بين منجوعا. ابين منجد علم رمحيار مالورخل واواحكاسي آصفياة إيرنفام عنمان بادرندام الالكصلابت كم وقول دا قرارا كورا دريخ اسفور دي هايي ويداكر و مدني بي تي او لول غيره كي جنفرف أيان صفيكي تها عاصل ا مرئاک کی طوف دون کا اور کو قدما وار

لمطان واوالأن أسمركوا مین آو کری دفیصله میطیم کاختها ردیران رونان و مان مراحب سیم اور ما همجین ا ري و يجري انتفانيونفا مو آنج رواز بوئين اور الجرا غاز علامار مترسج اي نروع الما اتباره يون عبروي اسالين زرت في المالي كالم مود الي خانج دمدر الخوز عبا مرصوري سوا کر کرائے سی میں ہری ہوتا مذاہ و فر بذاہمی کمیں جم کرنا ہم بندہ جو جراعما أويحاجه فاحصر وأنكر كحفه اربه فكرو غر كاكركا تيمنا البالير إلى وسركا رمير كافرة توالط م الملك صفيا بها درا درمري عطن فيا كمني بها دركيم مع خلا صُرُحال تهمأ مخاش تعدار وكلاروالازار ونقل زحمة بعص خطوط واضي موكري عد مغريا اصفي وبها درك امكر زحيا يحب كم نظمت المراق مند بير بالا ندكور موي اروكندن بهي يتررا ب بارتجارته مادرووار دبيما ورخدتين زبس ممدوح عايفرق واخلام كذرانيد المراب في المراب المارية ميرس ورميس واري اركات كي الورالديني الموعايت في بست اكر زعلا المرابع المراب

ما ولم فوراً صلى ما وزين يتحدان كريكس وأر بتة د كور زجه امل و رندار الى اورصفد رفن يريما ميكوه فتذري أو احرابي واحداث بِرِي بَهِ بِهِ بِهِ يَهِي طِلْمِي بِهِي عِلِي السِيِّعِيُّ لِيكِرِهِ لااجازت وكم المِطَّام بِسِوْر كُوف الفنايج كالإن جوكواكنز فدي طوفاه التي تتي سركفاره ي ويزعزت وأروس يرنيستها دوباكه زيبركائه بأريس كمجيم وريضة وفءا والمينه بالمراطع تتجام علاهم ووزن كالدارلوان كي خلفة خصومًا سودار وغيره اوبار در برنج في حظراً مدر زفت مال وسي تحارت ويدو ووت كربن على بدا لقياس منكه مراكمه تنا وموحوم عهدام يريط بق بيجيينه بتمارد يا كمارونادي بوي علاقه نشا لي دجه ويمكرومت مينوليانكو بال الان مركار مقربتي اور بطرزانكي اي نبي اللهمساه انيدانيه نعال برخ ي و باي استفام توكمني مواسر فك باركهي جايكي دي وارك فتر فعا داد كيش و جار إرزوياد الركيمين منان لاز

يمنكم أبيطح كالمتبهار دبكولار وتناف وناك واحبة يميا يابيعالينع مقامول كوروارموئين اوراكم أغاز علايار بمتريج اور سروع اً اسلام نزرت ترکی کی براد العاجانچ در در تحور ما اسلام العاد العاجانچ در در تا اسلام العاد ما العاد العادم ا الكر عفه ارب فكرز ظر كاكركيا بيهمثا بارسانير لي تحا در كاربر مبر كا ويو to sind distributed in المرازين المرازين

البخت الم ووالر بالوياني 104.464

سى يالى ئاردى يومل على وطنوركا يا اسى لورابي ادولت الميتية وحول لريمة النهار وسحب ليس عيسري لأدوب رسين بين وزي مین بسیال کرزی سی طرف کورنه فی مسالتر می نا را تقام نین در سرکرم مهای او داد این الم حرار الكيم دوم لا روتها مني نبيج في المرسلوم لا زحير المرابي في الماري المرابي الماري المرابي الم الموالنحال مورمين مومبوسقواللم أعظم الاحيار مرطبوع بمينا بنريج وربيّان عراية ئيرفاص صنور نيفرم وجمزته الكرم عظم رقب العربط النافر فالإرت بنريل والدروار ل العربط العربي العربط العربط العربط العربط العربط العربي العربي العربي العربي العربي العربي العربي العربي العرب لهوسي كورز مخرا بها ورما خراعظ ماللرمح وسير كميني كزربها درمع لع كمنورندس والته ول عج جراله وكر الع لكنواط كالماليتيا يدوله ما بلج و بلي القاراني الفرنية و المرام المرام و بي المرام و بي بيرس و بي المال المتحقال المردان الفراد و بي القاراني الفرنية و المردانية بلی زوان کورا بلی وایس کرنامگی نیال و رکمسٹران میبور نیسی منتظم ا ورانپر نون فقط واسیط مفات مجارت مرکارکمینی در سکوا مور پین سوالان

أيدانية وانهوما مونواخره فادرابكم حرمسجاع اللكي بوي آبير ويسي ويصني والكلج ربائ توزين مفا برمار المشرار فلمر فرونكو ووتني تأثي يمنيء اللكوجيز إليالبشنجاع الملك موكوايا ادربخ ويزمة الركما فيصيط لينامل مرابا بكرموروشها علافيك المكافية معالية برددرو وابيط ويمتركن كأودكوموض عطافها رجيفه اكلفتنة واسطآنيده كجهلوالااورست كا زريره وثركا ومقية مصراك وفيته بالدبل فتة قرار ديني تقدا وفيرشه كيا الج بندى ان كم سكادرا كم كا ارب الحرك زرك ومنوسي مساكله جوزك وت يكي يوز فهري برك كيف مل واليط مي وارد كواسفدرود في سے لئے تنا وائن کر خواسے ماد رہ فقا قصل مہدا داللہ الحالیٰ ووزر اعظ والد دکور ا جا مائن کر رہ ندم خطاب سے جو فی زمان زندہ دموج دیس یہ بیجانا جامی د دنوان يرتها حكومت بين فا والحاكا بين وكتورية والصبت بمركزة ردد کوبر در کا فر مان ردای و عطانی کا وجو 1.3 Est 63/1-11.00

المراده ما بون مجر بفدد كرنا الموسر كالمرفور منجان فاتوادر هاها دق فرار با بالله المستحدين بنت المحرارة ما بون مجرون كالمراه ما كرد المراد و المدرار عبد كراد المستحدين بنت المراد و المراد المعاملة و المراد و المراد المعاملة و المراد و المرد و المراد و المرد و الم سكربادرسي بالطال فا محرخان و چارف برطف على التي مسهر و بازي الماري و با جارسي برسار رسال بالمراس برسال بالمراس برسال بالمراس از ورکارستانی سے مقابان دوجار موافی جویز کو فرسے لطف علی ان میں مدارین تی مقابان دوجار موافی جویز کر درسے لطف علی ان میں مدارین تی مقابان دوجار و کارمین آباد کار رابت كها كروبان معرف بي ميريد من بيريد و لوا فاحت مه و لوا فاحت مه و كال من بيد بيري المريد المريد و المريد الم عمود المريد عالم كريا ورسيسي على المريد على المريد المريد و المريد المريد و المريد المريد المريد و المريد المريد و مقام را دل بندی بن اگراق مقول کی مفتی دار می روز را می در در این از در در این از در از در این در این در از در از در از در از در از در از در ا

يُ ورنگيوين رياك بي اسم اي دياتنا براو موالع دوان كبارءين ارتح اكنت كي ثفشاع المهارة يواكلوا ا الشوال المراه والتحريث بجويط موض بوربث بورجو المرسى عاليكوريش واقع بخو ومين لا شرك كي يسولا ي كي كييفت جو برالما سر حالليا لاد كورز بزل مانيم يه برزول كم إورم

المارن بالكرزي بمبوين د اخل يو روار دوريد.

الموري بي المراز و ال . وند کرنس را اور روندس فابرتفا موروج كالجورناك طاه إبريش ثانتهاره وأزال و المعالم المع والانا الخرزي مصرطانه جارس كندكورانما المحرروانه وكور عيواج أكورزان وكوركومع حامستانسيوس فاجترك يواضي والمورجة أفاردا والكشخف متر اكتوركوجهي دكركموزي بصكاويا ادراب ن ي ال تكر توزاج بدا بيسورن تارنح فله ستعيد كاه ركه والك

ازی موی تهی کلواد امدازی شروع موی اور میراکنی راا ورلفت امدرس و وز صار گراوندگار و این میراد می اور میراکنی را خرالا مورین مولی جمعیت اکرزی مر عارسوسی آن رو در نجاور و بال مرد وزخی آن واست با از با : خرلا بوربین ببونجی جمعیت اگرزی مرجا رسوسان کن رد وزی ورو بال مرر فرخه کار واحد آیا بااور ایران ایران با در ایران با ایران ایران با ایران ایران با بهان لامورماريل كند فتور كابند ما كر كركاراه منتى مهاراني صمر كاا دركباك شكر توسيا والاوركلا المكسوارا طلاع بي درني مركوري قتل فيران عبوي المدرك م أركة بسرميا الي الدراج المرادي المدروري المدرك المرادي ا بلخفیرنیک بعد ایال بر رازمد کورف اور رائی راز بلید اونس سونکارام اور استی اونس سونکارام اور استی اور استی اور ا علم بیانسی کا موالعلائب کربه می و نیم کم وقت تا م مفید سار می بیان کربرا ایجیر و اور در این خدانو ا نهجور رست نکالگرمارسر کورواند کردین میسوس حبوری کسند، ۱۱ آمار ه سرایجا لدعوی بارسان خارجا مجورت كالكربار مروانه كردير فا مرون خوري كشمة النهار ومدانج ليعنوي بالمنال خرابا المناز ومران النهار ومدانج المعنوي بالمنال خرابا ومروز و مروز المناز ومروز المعنوي بالمنال خرابا ومروز المعنوي المنال المروز المرو بروی کی فیوالی روان و در آمامواا در و با سے لامور در بیموایا کیا اور این برسی است و در آمامواا در و با سے لامور در بیموایا کیا اور این برسی است و در این برسی است و در برسی است و در برسی است و در برسی از در برسی است و در برسی از در برسی است و در برسی از در برسی اور از برسی از در برسی ا رزی کمیوان در اصل وکرروار نه وزیرا با مواا در و با سے ما موروسجوا یا کیا اورا غیرونیا سكن دونيد كرف رسيد كرف رسيد و اسركران بها سوفطول الدون و اسركران بها سوفطول الدون و اسركران بها سوفطول الدون و اسركران بها سوفرون و اسركران بها سوفرون و استخدار و اس

فيضة الم المرسمة في كا دماكم الواس الحكيم عرض بالشيكرا والميطور ألج ت وريكي وكوكر تركب اورب المع زكورا كم و أا ورباء ن بي بن درستها ديشة ال ترب يورين كذا أيجا ورسن لا تربي المراح الم دارا که کرزدی تهریس میسیدان در صوری فرکر در دو تیمانو اکرردید م دارای کرزدی تهریسی میسیدان در صوری فرکر در دو تیمانو اکرردید م ن وتورير كانهاد الي جركة ه واسيط قيض كي يوسيكا مركيا كالكها يحريب بعب مرد ه والإ والمسراي كي وس مندمنا وكيه يتركاد و فوج مهاده مادم ي فران الأروك ويسا بن جمعية واسط عاند يه فركوكر دوانري أو يحق اليك فنم الع مالد شريع واحد كريكي د اخار دارلا مورموااس. الع مالد شريع واحد كريكي د اخار دارلا مورموااس. فير برار وفيه كياكي ا يرواد الشيكدا وروبوات دنيا أتبرا ورخلفه نوراله

ما ونصان رعا با که میمان عبور فوه با کرنی از مرکا بهر دنیا او کاد خدم کاراگرزی اولیس زیمانی که در می مادام و ص وقع في دريد كالوش عور وتري مل ما المرس المواهد للأرسكا بأرس مهاد المرص والما المراسكا المراسك والمين وريد والماس والمنس على من المراه ويعدمها والمرت كالمراهي على الماسكة المراهي ال الكرزي و فرحيت مهارة والمواور مهارا كلارست كالمواد المراكزي والطريق والطريق والمراكزي والمركزي والمراكزي والمراكزي والمراكزي والمراكزي والمراكزي والمراكزي والمراكزي والمراكزي والمراكزي و مورمین کو بی کین الرسی بدین میں بنید و بر مداخلت مونی علاقیهٔ سر کاربن سب به بیست و از با الراق الماری بین الر ورنع نکر میکن نز و بهم رعایا بر کاربن که در ایک ته بنیا مه و سوین ارتبی کشارات با از با الراز الراز الراز الراز الراز الماری می مقط می امرین ایران الراز البورادري جاكر معلى الراجر ميت معلى اور المراج مين الما اور كلاب كردواته اور سيومين المراد المراجع ال

الخارة المراجع ادرة كادر بدين عام في المرابد دي يكي ودا بي معي ومكانته م كركم يسور عهد مهارم ومستنك كا درباتوا ه وعره جاي حاویکا آور نوا پرسیا موزول وام دا مریکا بریایی تقدیمیه طاش بندکه را که بنش را داد. ما ڹؙ^ۯڹۯٷڵڶؙۯڶڰۯڹ سيسكين بإ درني منوسواره مرارسوا كمي كال سايكهان موكي اوسيس او دكرا جاتب برقيعا حب مَا كونت مر كار اكرزي اور وقر كفرورت زباد ، كرني مبيا ، كي بوي سركار اكرزي اطلاء ديمانكي بدمنوري إلى بريديا وزاريي موي اوجه مانل والكابرسيا وبقدتين FIE WOOD ركه ياكي تستم مهار ونموض بقي تاما فرالإن كمهان جرمقا مرروه كأف يربركارا كزي كردينكا دوه طابراستدن من مركز بيوس الدي ادرا . خِلْسِيلُونِينَ اللّهُ أَبِينَةِ بِنِي بِسَرِ مِنْ إِبِينِ مِنْ الْمِينَاءُ مِنْ الْمُحاكِمُ وسوم كِل ما مشمول والمدسم بمثر م مثر كورا و دراك نس مقام تنس كويت معدد و بوسيان دراك الم مرمراه داکر می میم کانتیمها کون بوکه و ارسی از بازار کانتی ا مور کرا مرمراه داکر کرم میم کانتیمها کون بوکه و ارسی فرا یابار سهایی ا مور کر ا در بچسول با که فا می که ژان مید د صول مراد ا کرزی مراه بدادیا خرج مدد لاموركودا جاديكا ورج درم سمايمان علاقدلاموراورمان وركم وافدي س كومروكارنسين وم كاركار اكوز كي باير حاطمة علاة ليا نې يا ولا كاك كمه بريخ مو تورنه طوا طلاع د بي ياموند كيكم يونه وارمو كي نو كاد د وارا الله و براک من او دکتری و در او کرد مطاوم رانی کردیک رویس کا سرا داکور فی دو او ادارو کی * 18 18 CS-18°

مار مرد ما درم حند شرايط و كر و روم عندا كرد رستري روما محاب وي اورمهاد ما درم حند شرايط و كر و روم عندا كرد رستري روما يردارا مهان كالهوك وتساوي أورا المحاج كالتدين طابق سورياري لاول المراه مي ا ملوفيان كالماراكرنيكا ووالا ووالا L'ES CARE ال ال واور و الراسي المراسي المراسية المعالما وور مهاليا و رظ اول رابط وموافق فياس كار امكر رئي ورهما م وليست كوالي للمواور ور ما شور المعلى دور مربوطر سے دو : مربهار الله مربور الله ور الله ورائع لاتصاق ركا بن مام مل اسط وسلط واقع بن الماصوردياد كي زوبال بالسدوب زكتي سوم مام علاقه كوستاني وغره جوابين سياسك ورائم وعم على فلول اور كام حقوقول مارة موطوب الم مهارم ر كاراكرزي علاه ما عال وتر الورزي المت معارف معترد من ن اللكا والدي

ول صفح بين العلادي - ارتفاء يريم باني بن دوب كرك و فلكم معود بالهار المواس كوندى فأندى فأن المحادث كالمواسط يرير حضورات الاركور زجل التي اليكيم والي موالي ميرير حضورات الاركور زجل التي اليكيم والي موالي من في من ي موري كمر ع فرور بيد الله ما في ومود كالمالا بركومة فري الابدرس المنح فردري كالاجتناب الى تارد كور زجرك تى درا، كيمقام تصويري عاوران في معد كى دورد

تعافر الكاكرمدية بهت يفهما مر بدای کم وی ل موکرد می ملات کمر طلب کار مین بدای کم وی ل موکرد می ملات کمر طلب مي يئوبن الهذكور المرين من الركسية و منها واخل لا بورموا اور تا م صحبت بر رورنه كر درما ورسط ف ما منهوس أرني و مركور كى رئور ساله اورسر والرسكم والتي كوي الساله يندوس الرازي في الحراب المرابي المري واسطال العالم التي موا بدوال ملك بالأفيط بالرابادرانها مينوس كوبيرواسط فالكردانس بوراي ترزاورور تفامد عركر مل مواا ورطرفيس كوله عليه لكا در زاك ي موني رسي خركا رمسار كاسرا غرار بها درانای ورربت در به ستایین فروک در ضربه وکران ک ناشکی لا به در را کا ما ريخ را كرزي بي ميدا موكم صوركرني جاسي ور راد كوافيط للها كوم مطية لاموركي التي الم كالراور حدموا خوانان بت ركفت منارسي مرجم حب الكرون و واللا رم كالا ڪهون رحور ڪتا تم يُه اعلي مدو مكر نياس عرصه پين اکتيبه ويا و تصفير جو

i Kielen i و الما كالمون عندون بلدان و الموري ال الله الريك المون المراج في المركب الريك المرافع المري المراج المريك المراج المريك المريك المريك المريك المراج ا الله المريك المرون المراج في المركب المراج الم مراح من المستون المست مورد المرابع ا طایفه ارسی محمد کارف نریم براید مارکن کراران رياف كو الدور من مرد مورك و بارها بالم يار ادريد و يفريد ران موسال مورس كادروا و كارد و دى اول كروك والمراسط مخلفه مُورِدو مِن اول مُرار الم ضطركو في التي كرم خوفده اورم والمرة عدين الجزنية في قلودم كوكلالار مول الناء سار حوال والبرو وساه الريسين منوكر واكوترى الفريج السن في صدركودا ما زيا وسي المراس المراب المرا المراب ال لٍّ ذِيرٍ بِهِ فِي

بهادر كوناجاري واسط محايد ماكن خفاظت عابا أوسرادسي عبد كنون ورملاز وازو التي عود من ندمرات كا مرم في في زين على عالى العاد أنا بي كم علا ورب لا موعواسط المرابية الم بررس دار من المراد المرزي الم ارس م علی المراد المرا Sal Contraction of the State of اعال وبدون الرئيس مرطرح كي خفا الني رئوس موي وكر در موز سلام ندي و رفرايمي المنظم محمله اعال كوبد محيك وربانيد كالسطور المستاح عاتب بهران وزبط بيرانيرتنامو معول شربان موکا م زخلا ایداد است عن مهاوی وی روس مرکار اگرزین الاین جواوردونو افت با میک علاقی ترکت مون اکر ضرفوایی برنزاز الدون ا مرکار اگرزین الاین جواوردونو افت با میک ما میکا اور خورعایا میکاد کردی از میل از از ایران از میلی از از ایران ا

وعاء كراماد فرح في وروفاري بار أبس ورومادي عرزاج بيرياقة نبي كروداد وكالاعام وطارات وكردار الراس كواقت الطني والجامة في إلى المضاء في المكاداد والمحادد الله بروی ناکی برکرموا کی فرج نکوری منطوری و مادلامور آ لياعث نوك فيحكه تف دكا ودكيومة والادره كمركم والج دراران توركو والمرتبي كالمرزي مذاك تبالاروا لأفراره مركا لكاجار لاروك ليروما وأت فوج غير عدد كاكر ودائي ويدال

ن درزو دفع العلى آدياس بوصين بجالك المول افواه عام موى كدارا د ه اسرار الرروكا واسطالت لاسرك فوعلت كابراويرما في طريو ءِ قريدًا منظم مع المعمول أبي راس حراور دور العلم الدرد أبي معامل مردوعرة ينانفاز كالماش كركم تاري ان خاك شروع اوراها ما دن جوثه بنرد مع جاري سروة تعاسكها ينس برارسوار أوربتن كيتولي نه كالفرقراريا يا ادر وتب بيرتزاريدل ورفيق موارون کی سے نو کی خطرف و رپور کے روا نہ ہوا نیزیب تورا وراور مشار بھی وج^{ال} نیجا نیجادی ع موس من فرح لم كام واود السنام ورساسيا ررول ما بها در جوسا احد م کشیما را مراسی و ل میرو لرموم مدیم غيف الي المحمل المكور زحر لا بها وسكام وطلب لارىدة لا مورطوع بربوس وميروس ومروسي دااتهار منار إ جائج أن المارة توسوس بر الزري درمهاد الرنج يسلمها در كهاكما ورتبه طهر انحا دور رقالعن فاست احترا رِ خلوم الحالي كامتبي نبي المراكزري نسبت مي جانبوان مناوم الكالي كامتبي نبي المراكزري نسبت مي جانبوان وصو المحوظ جلافا آما كر تورسته بوقع عهارا بنیرسندها در میماستدر برعیانی روانتظامی وس وصور بارسی مری که نواکورز رخراها در کو ا علاسکون این و اسطے صافحت صرو دفایس الأزي مح تدابيرت مراي ربن اور و مراسي مطا ن المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة ا

تحدم ليجا كرتبهاه بارانها سربيت ها بويول ورفيع والوكوكة لكين ادرة ملان جرام سكركو في والرفيط كي وفي للم رقبي كمركز وتيت اننزلز الباركة اوررانفة كر فالمن من والمروع والمان س المرده عهد من من مناكب عادة وتنامان كاركما بعادرة قل الم امنى زېږې زېږې نوړېږې الله المنط الرحدام وليكيك ارش ليني وبت روفي الدونية في الم المن مدري بنابع تبن ادرية الروزيسلطنط ورمودر في مسيركوسالاراعاج معيديكا ، فوميسيرية الفارة . بنر مهندین کا اسطه کا قرار کا اواد کا اور م ي وم بيال دركي كوجوراف ر بهي ينيت و مّا *رايع كرين* و راوت ليوم ب آفسان فر^ك رئيسي ينيت و مّا رايع كرين و راوت ليوم ب آفسان فر^ك د بياد روم وي كور زخرل ما در خواسط خرى ومناط كي . مي سركه و مناطق در كوم وي كور زخرل ما در خواسط خرى ومناط كي . مي سركه و ماره الحوكد در نولا والامور اين كمال أنسفا مي موري كالمي أنسل موري الم

عكور وارته الاور سير الكركالاكرور وارته الاموركم لدتياد بر کا کویر مین کور بیر منجد رانی اور دیم دلیمین که حوالاً مذیع و رازی نیمیزا ي بيرجود مرسمكه به مقالة مفيضه كالمسيم كيوتسروا و رسنبها را ورروم كروغر المسيم مر او حدد دورندی و باکن روداد کا قصطول طویل ای صلی است کرندم کو ورست این کا ری ۱ و رو مرکو ایا جوارسکدا و رسیس کرند مرحمد کو دو اسیط و ندموی که این خاند می در این کارد می این کارد می داد. بابين روارات صليموكني كالمسيكراني أكرطاء ورنه نه واسط وزازت الم فط جارے لا موریات ریکر مبرحمولوجلا کی اورجو ایرسنگروزم تنفل والسنم ریال ا در برار است وكم الاورراني وتنتيط ملا فاستى جو كرمين تعظيم كرم حربت الم رامال وأمرغه فيرف الومع حرسكم تنورا - فوه خاله كرجه اطلاء المركى موسرا برعايا صلي موجاء فوامر مكرند مرحد كرجا باصلي موجا وا

ال ويد دور عاكروي موجيد كل ولي وتوسوما وناجروم واكرنية النبطائ مبرط بن سرخيدك نيك تؤج ديمي اورد منى بهواكم كلاستك كورة ر المعرفة فرح فالصر كي نظر كرنه المدوام وكن به که درمیان اکر لا مورسے عمر کوکی اور فعا میں فرر راہم طركانفلا تواكرجوار سكربها ي الي كاحوا وي ولسنكرني كميرك ورجوالاستهاج كمورا

سلام موي اورجامو فوولكما يحاسر حالك تقرما الخيرارا وي ربكي اورعدا كا The Children of the Control of the C ي جو و همو كده ي واسط سيك مقررا ي ورا تورر سواكه به امر نعاب اله يراب كميكريني الله من كوسوا جوا بروسه وفي أسولا ندى رقط الركم الله اورفط موه ورالاس حصور سرسانه ور طرف على البنت ما مهار الا مورموات ما ما ال دا عبد كر سنست المهمارات والرائم المحالية في المحالية المعالية من المعطور من المعالية الموامد رفية وى تى دىمان ئىكى كوط فى مولى مى مى المعنى دىمان دى درى كون مودي مردما رجمنية مندوز مين كركا قاركما قاه در مان يكولان قد كروااور وه نرارها عصربين مدصركم مركا سندراني خناكنورجو فلعيدي موركم رباكرتي تهيكم الإبن الربية البعائب كالب كروسطور نبوا تبضراكم يسعام كيا المنح واللط لي الحار ها نی مور چار نویان عومه نه فار کورار آی کی بندر اکنوطر از کی دی در دون بدوانون و م بوك اوروسان كداس المراه السني يطفر

المرينية كبارته المريني المريني ا درار کو بنا کو اکر میں مرون أيكم مطيع ومنفا وستآبيدارا ويه ية منسهور مي منوري راجر كاريك الروراني خير كوري مياه فليال الم وينهوي مرفيد دماشه أيا فرسركم كولكها مهاكه وين ملاسطة بسيركم كي يدمقا مرمكركم ين كرونها كمر كِفا فسنه يك شِرِم لِمُنهر رحداً ورجوالا ركا المُسيدُ مِنْ وَزَرِم عَلَو كُلُ وَالْمَن بالخ ون ككنية وقون زوي ن عدا كابوة رياسين خوا كدريان سالم كا ي شيركم

من كرفيا الم مراكس مراكب المالية وكرانا وبال مكم المالية المنظمة المالية المال مرف المن عاف كي ولان من على الور لا في شرك كالمواحد المرا مرا المرادة و الما يما المرادة ومي ركي اور عمدا المرادة ومي المرادة ومي ركي اور عمدا المرادة ومي ركي اور عمدا المرادة ومي والمرادة والمردة والمرادة والمرادة والمرادة والمرادة والمرادة والمرادة والمردة والمراد Control Control من المراج المرا في على المن المعاد المع والمراج المعلى خالج في المراج یاتی ربان میکروطرف مولی صورت بیداموی در مون و در می استار کارسی استار کارسی استار کارسی استار کارسی استار کارسی در استار کارسی کارسی در استار کارسی در استار کارسی در استار کارسی در استار کارسی کارسی در استار کارسی کارسی در استار کارسی ک الم المراب المرا ردمارهم ني سندوز بين كوكن ركوك شاه در مين يا يجولان فيد كو الور وه المرارفوا عصرين برصيك مرا سعداني فالكنورمو فلعابي مورد الارتياني تركيا المراي الإبن م زين الدورا ا بدنكن كال كروسطور بولسان المراسي مي المحاص الحار عانی مور جار رفیان جو من خور کندر روی کی این را کوطر مرکی دی دورون می داندا الماس اراكونس فروال من على الما فالم وموالين فروات لميغاد المولاد وربان كماس الم نابستي فيضر كما و فلا بولاد

علیان المال می از این المال می اور جوادم اور المال می المورد می المورد می المورد می المورد می المورد می المورد درمت رابر کا رئیسٹراوررانی خبر کور ين كرونها كمر بخلاف بهي ميزم كم منهر برعوا وربوا وربي الميسيا منه المرق فلوم الأامنزه در در در در در بالخ ون أكنت وقون بداي خدا كابوة ريا بسير خراً دريا ريساري آي تبسر كمرية

فهامي رام روزود ما المستركي المان الماديم ورسيان موسى ورغزر كركتا المايية بهي يايا مرار دوار ومان کند داسط خودداری ایمان سورا مرار دوار و مان کند داسط خودداری ایمان سورای ایمان سورای ایمان سورای می ایمان سورای ایمان سورای ایمان سورای ا روك ما زن عاما وفت مواويد و وريد در مالي و وويد من المن المسلم والبعائم الأوروبال المن الموالية والمال الموالية مركورا ورجانونها ل ساكي شور الكريم و مساكم و ومقد قالدالا ور فوالكا و الكار مراع المراح ميات وافع موكم ريت طافونهال مكركه وبيا شكيرة بعيد وزوارت مركار كاميات وافع موكم ريت طافونهال مكركه وبيا شكيرة بعيد وزوارت مدری الورطسول و دران وی الیم تعین ویسفده اسوی ورا مدیم کی شهر در دارور طسول و دران وی الیم تعین ویسفده اسوی ور دوا ورسط ملے تحریکی سخد کروه علی فراح تمدالعلاج ما یادور ای زیمی و نورس عاليس عدوين فأغربوا جب كومه برواسط فلكي ليحالونها السكمين ا امریک و ت در از ه گانستوه اور مین می زونهال امریک و ت در اور در از ه گانستوه اور مین می زونهال ين موزار وزاد بني عني عند الدارين المنين بورراح كلاب كم جرر ديف كانها وه توسيق مواا ورزنها ل المارية المارية المارية المارية المارية المارية الصربانهون و كاس مركو بونيده دركه اوراً ودكور كخف 1070

المحمولان الرابية والمحادث النبين دفسية سناله برباء سيطاكر لا موري وتى رام دربري مكر دروا مرجو زاليس كوم كاليد ورزخول صبربها ورافس كادرب فراربايا ول او اكثر رسنده كوران در در در در المان ميد بدر فرود كا المران المراز ال به افدار آنا که جون کا که کارگراس کم اور فیرسنگرها حرا دید ارز در آند با با تعیاد - زنج مهار در کارگرسنگر کو جانش را با اور دمیان سنگر کو در بر که کار دانا تها در فیاس (المُ كَصَلَمْ فِواسِطٍ } كُونَ فاقدَ وزرِي مسهوات بِصح م:

Charles And Mandage and Children of the Control of the Contr Constitution of the state of th The sold of the so مر ما المراق ال من المراجعة المام و المعنى را الم الم و الرم إن ع در ان مر بر المراه المراد ال In the state of th The state of the s in the state of th Miles Contract

والح النااورة تيدوم فيرروان محاجدها ومين وره غارمكا كرجوا يكنفا كانام ويحي كااواه أب جربنهاي وبالضكرور وغدو بزي بخسيصكم كالأكيف وج در کون رنجت کرما نا کو سیکر کشور کا ان مرک ما مالانع يوكاء وانعتر بوانهر سينداحد مالك منعي درسركا رواددااد اوردهای عالمی - گزار کا که زیارت خور کی دونورد داری کی تفری

الفارة مي عبوبين والماري المراج موري المراج المراج موري المراج ال مرابع المرابع و المساحدة الماري المار مرده می درای می مردد می می درای درای درای می درای می درای می درای می درای می درای درای درای درای می د مرد المركب من المرد الم من المركام الورسال المراب الم المان ال المان ال م مان رفع با مندس المان with the last of the same

. وربه منظمات وادما ومیر اورجه بلاد که اص بیوریکه و کورکیهین موی الداست لا دعو^ی ب دنجه مير فرند رسينه كو خول في الهذا مسياه الخرزي زرهم كرن الغروني ما يحت منا

سروارمع ريك اذا كمحدير سيسكوام ايك فيراثا ذكر وونرار ما ينوسوار كا مروارموك تتعرف نهاا ورموى للسنه رنخب ويوكم مقا بدمين وجو كذه كارج بها برجواه ماميري Constant of the second of the مجت ريو برقو كني أني موء و محسر رسيك ما تا بن نايوق بهرا لاك على جيوزگما سي دو برتيم مهاستواد استيم اورا گدخرر به مور مهاستر مهور کاوس سا سنهرق برتعام بدر سولا وررسول كرحوا بروام كزمن مصرت كرا مبيرتها دي مي مساله المرابي يسوبين جنذاولي كرره كي زكي كانتي مشملع شراس بالكراكي زكا بدارا المار الخبيت سنكر ركعاده وصو سني عارض حبيك البيت مارمواهي ورالرك وكاتما والامرهان لكوالك كلهمالي رسي وكرمهم كمكر سي المت رداميها منفى تعريفت وإحاكم حركند كامرا وروج ورجواج حائين مرر مواوه عاشرتا والشح مام ماراق موكية مهامكم ما جور مورة ومكبي يك ترفانع وتسور موكمان تهدا كال مهدان وراه والم والمراح والماوري كمواد مروه مروان ما ملى وقى وخرور فراس ملى وقال الموران والموران والموران والموران والموران والموران والم مبركان ديكي حراسكم الشيار وسوي فاعسوى منامين س كي عربين ما رجوكر موا ومسكر كامال وترزمن سأره فت فت وت مائر مكم المارس تها اور ينب سا فحا فخاراه زخانه كي حوي بدائخ سال كم جريخية متامزه ربركي مواه خوكار بوااسهم بيموت ولدا ورشاه البرالي موالورزان كخت الحق معطفت برهوس كم يتي منبراسي أوع

المالية ں اور عورت اطفال غرہ جو المراين والماري ج رورنه کی خاک لوا مورك مقالي حاا بروز ليفره بالفنك مواكفركواردي ميزجه خالط بناء عوار لوكرفاركر لها ووحفرر م بعن أبها فورشيش كوا فرائع مقرب مع بواييكي كار ميث الأ يمن مِدِمَكُ إِس قَوْمِ كُولُ مِعْوَالِدِ بِيرَوْمِا رَضِحَ كُم مِدادرتَا مِكَ احْدِثُ والدالِي الى قىدارت باردىي من أيا در رشة جر سرتم افذار بريخ تهدة ما بي بت وشكوك اورسجان بن خواجرعا به اورزين خال كوما كإم وراورسند كاكياره بالمنوبي فوجه الأركية الان بتي بعرسكه وكمين ي دينونك اور ركتي احمياً ر الن يخلمنا سراسي نبرمسر كلف مردريد انقال يربر

رزي ويرادي معدر الرفدة فعورو بريموي اوروان يعانين كريد تولارون معروبل بنواد كه المع معت منوساك والبيط بمن المراح دان بهيد السريق برواسيا عبور المسالية المراح والبيط بمن المراح والمراح والم من بواد لهم بن ورسه دن جزئ من برا فرم او از او خرا و کمندانجه فی اور استان اور استان اور استان اور استان اور ا الا من صف ایم ده و طوف کفرند موسی برزی می مراکه برای بر بویر باین موروی باین موروی این این می موروی باید و اور را نمایی برید که ده علی من خوا که بای بهت خوانما در رای بر اور در این بر اور در این بر اور در این بر اور در ای مرد و طرف المرسمة من المراسمة على المراسمة المر بين بيدن من المراق الم روک بین بستورد در روی به در کنری رسید اور اس قیم کو این محل ا المحمد المرمي برع ما فا في بيان ما الم ریت لا بور اور مشارت مسلم دور رو این مشارود در لا بهری با ان یه می با در اور مشارت مسلم دور در این مشارد کا بند که این می به در این می W. E. B. S. W. S. C. S.

فاريه فعاس كو زخبي وباجر ل حصابها بال يت سكروالي لا موركا وكالبيمة كاتين كرى حلال مواكرسندا ورجب بمطرودا ورسسوبوا كااوريث دري استمرتبهي من بطني اور ومنسره الوَّره ألكَ ورسيّا أخبّن مِنْ شمر آلو بالْ بی داول نیزی با وتر ان او جرون کی مرازی مکر دو سبی هر^{یا .} ي راي فواص بره دسول لز رازر بعد دريا يد بناسكا ارتيا ببن لارُو كورند خبل من بها در كلكة يفرمه عبال والحفال ليمرود مستحر حل ردبالور افر إن سيا . الخرزي نيرتفا م مؤرك م زُكُ طِفْ فِروز بِر كِي علف عَالَ كِي بِمِهُ عِنْد بِ To Wild Cold

الماكة أبحت بدستوا وبسطنت وفي بوطيتها على طفية طالحاوري منظر بهر منعصا كوداسط منسال وكوك وكوشال الفاح على حصائل دوري اور الما المهي عراه جا واوسوفت منتي كما يغله جود آما تصابي من مم يا يحب الين بعرا آبانورغد ووش سرم قاموس می موتوب کوسند کرو صولی او نظرات می اکنها آبانورغد ووش سرمی قاموس می موتوب کوسند کرو صولی او نظرات می اکنها غريف مولاته ومدس الم ملت الورمراو المرسال على فروش المراء المان على فروش المراء المرسال على فروش الم المن زوردي عول محران عروالم العرائي على المرافي المراف المتى بيدوس المرائي ال المن لق بولار بي المراجع فال سوات من ایک فعان آیا دور که که از میکون معول دو توانی سرر لیما کرنترا دنیا مو الميكي بهت اجها ويشع لكرروانه موا واقعى عب كركما تها ديك الميكي ويت ليكر علاكم سرا المنظمة المنطقة المراد المالي المراد المالية المراد المالية المراد المالية المراد المالية المراد المالية المراد ال المراكر دما راسته ورد كا قروى تباحود محورند موكية الخالسكيم كلا مركم الراكم وراكا و كالورس المالية المنتبر لا فوطي و أراب المانية المرريا آدمي ارد اللهون روميون كال و تن سيكرون عور بن والورايع يَرُّلُ مِن خِرَلَ صِلْ الْنَ سِكُود و شِي كُمْرا كُواكِرا مِن رَكِما حِرَكُمْ مِسْرًا بِنَ رَكُما عِ مرحل كما كالملاه بافي لا ما جو زوا برزى زى زين وصلى اي Ti. Civi.

ره محارمیده و کیمیریشه ولنطق بقع براه منتي وكورتيم أكر ميزل الك جرا مَا الله المراكب الموقع منا وكالورفان نبرين فالسي فيدويخا عال ارسوارة نواشهن ديمامول الموخوج «واي دراباليك حبب بمراه/ ويجيا . « در د ان مکرمون برادر د بیگر د آب نون مجد عربین کنزار ان سیاری ا د علب بزادا كو روامة بوسط جراف س تيب كي مي ادربي بي ان قد ونهن بترق في بلتن المراجمة جهاد فررقيد بكرود ومراسته يعجد برمحد المرخان وادموكياتنا

(وا دو كا اورايك ط مال ترسى كامر دار قوم براد كلي الروا ماك ا المين اكرتمني ابني مرحدت فيدبو كخوجا والوجها داران مجه فسل وكانؤوها رسم اورميال وا نبرین و و کا باسم کرموی در ان ارک این مرار عزی مرجه رط زند بر مجال ارت افران تتكريبه درون ربياز واسكم كمن ن متهوئين ما داكوي بغل سي خل ويساورهم جلتي موي المك كو برنم الواد المهدان بين ملت كموعف بهم كوري الوي بيما كري المواد والم من كرا كمطوف كو جرم فر فرال المستحال من المرتب المرابي المرتب ا مقابل كي المستبرك برجرا دي الي ج ق بوله المير بيراب بنه كي مركز كري اور من را در ایم بیر را رین ورد م سر کری عزی این این این می گریاند ، کرایکه آیداور کردن ارتباد جرب التي المراب الم المراب ال العلمون معامل كراكم اوروه مرسورا بيداوركونان مراركم بهرس دارنداواز دو جرت مسالم و مورق فر كية اور مهرى الطاعول بركم من اورون كنيكي وارا الما المحاليمة المواق قب بكة اور المهري الجاعول بن من الاورس بير الما المواق المراق ا

النظري إلى المجال والمجار المراد د مارون روز این ار این مرحقا) دا دان ای انترور در از در وبعارت مكريجا كرنته ربيرا فغانون بنيري اكرار وادموادي موارم إعلاه رميم ويقروقه دافل ترس فرومو المالج محدقان كالتزار الومتراسيرتف فالمتمريك زماني تم بر کرنبرون کوکره مزوکش کا د دم پر ایما ماابکے ی دون بین قرم کابل میزایی إلى الدرمواروطيا موار دار كاورسواكيا توامها وسراكوكمني امارة

The transfer of the state of th ر به وجه به باس ورجه از بالم نوري و فران الم بران و بران الم بران من برده المراد برت بنی دو بن شاه کاراینی و از گیام بین داش جیلیاه الروی بیاد بر نداند و جد حرری عارید. بر به و کی کی جینه بال دورس نظرانیم را مکم یکی ماشن کمیس مرکزین و دیگر قلب بوان و دیستر آن از ایران ایران براس بر به و کی کی جینه بال دورس نظرانیم را مکم یکی ماشن کمیس مرکزین و دیگر قلب بوان و دیستر آن از ایران از در ایران بربهم في كي سبته الفران من الفران من الفران المراد ادِيم الراد من المرادي المحادث المحادث المراد المحادث المحا معي بوسوريد. دوان بين برق وزر المرافع بي ال

روت امر کواک ی برم می فارت می افر در اسموی عد^ک آجين مين ميني الميني المين إِنِي فَا بِلَ مِهِ المالية المالية رورج The Continue of the Continue o ا به رون ا

المارا والمردر والمرادر والمردر من بالی بالی بالک بولیده و برای بالک بولیده و برای بالدی با الور فلا مراج المبيكم وارسده و المبيكم وارسو و المبيكم و ال

النافزية. (3) (1) لولال رداع قراء 11:1 13, 14 ئع في توالم

المن تهاملا والع عالمير بم روا و کرفسات استحامی بدار سرات ريع مراد عرفه ويوالو مالو اه اوزی کویا کر گنا منه فتح فان وزركي على روم عدر

igy Milling in the

الماراما المبيركي بلاوغ اورجها بيها أس الماراء كربر بلود مركزا معوض ما رخالا معما ورام اورو بالمعالية على المعالية على المعادرة والمعالية المعالية المعادرة والموامة و كارَ حرارة وسمولي المعارم و الورارا و ولي كم رسيا و في كور موره و المراك وركد المركب الم ر الارجرار وسرور المراب المراب المراب المراب المراب المرب ا الوست ميليان ورماال و بغرة جما وي بهور ريط بين يو بخو بني مياه كو ايط جار دريا جو بين ادنت و مجيكا نظر برسيا مي را ميان ادريا و بين ادريا و المان ایم ارا دی ما تبدرار کا بازخوان الباراری این این این ا A Signification of the series The Land of the la

المرازة وأواني المرام الكوف أن موانه الجرار آدمي بد وبداكر سط بر بخارد و وزير خالي / وا الميم فى الاطهان بوده المربوط لم وربيغره آيار الأامل كالوالى زجامال غارا الملاع منواد ويخب ماري أنها بينو المي يخطيطا لين جود في ولم المرور الصري على وران علم في ا ع نداری در از کار عوادر ابنه كامير شعوار موادريهي اضيوكه اسط فدنا راويؤكول وجار كادالوت مَعَ مِونِ إِلَى مِنْ مِنْ مِنْ مِنْ الْمِنْ فَا الْمِلِيَّةِ مِنْ مِونِ لِمِنْ مِنْ الْمِنْ مِنْ مِنْ الْمِنْ فَالْمِنْ الْمِنْ الْمِنْ الْمِنْ الْمِنْ الْمِنْ الْمِنْ الْم مرادي رجزه آيمد عامر نظاور معايد كانتراده بنموته و تسريل ميا الردولار لاورسان سباه أفرى بكني ازكه ذا جدا اور زارا المرموم الوك تين موى اوركا الفقام مهم كاروان فام برا در اور اورانكو مِرْ حَالَ فِي بَتِي كُرُ غُونِيرِ وَحِهَارِ بِمَا رِبِيلِ مِيرِ وَوَلِيلِ لِبَيْنِ وَوَالْمِنْ الْمُعِلِّى مِرْ حَالَ فِي بَتِي كُرُ غُونِيرِ وَحِهَارِ بِمَا رِبِيلِ مِيرِ وَوِلِيلِ لِبَيْنِ وَوَالْمِنْ الْمُعْلِمِين بهازین برایس ج مولين اورنسه كالإن الاحصاك وراك

ا ي ب محدا كرمان قبل موار بويد كما من حديد ارون مده بل موبیک بگریمه تا رفع به کو وانسیط دغا نگریمیا د ما اور خود میرسیات الميدانين شطراكه والبوائمانس حب كواكر جرفتني وبن لا نفر كفريض برعاب البابا اليان اور معان اعما وكرا موكر انبين مروس تباكم من مي ايك بدر البي ميدوار و عاباري كراي دوسوار تربير موتد راسط كيرب الميكر الميكرين الميكر مجا و في ا ا دربل جربی اصطرار کمریے بیکورہ اس تربی ایک درجی اور اس بیکارکر شریعے محدار درباره به بن المعلم الركبرية بموده ن بن ، من المعلم المعل رفال المائم ما المائم وربي من المائم وربي المائم وربي المائم والمائم و المرابع المراب باليك اوركانت من ما توسي من المراد و مرايا الميانية و الميانية و الميانية و الميانية و الميانية و الميانية و ا مرايا الميانية و المراد يما بعراز الميانية و الميانية "Asias." (19th.8; Sold

بر خواده و دورون المرابع المر ريد و كان العقالة مي الرفال ي مدم و كادراك والفرائي فيضي فاراكم كي علم وفان ويمورنه والمراز المروم والمريرا ر من من المروبي ها أيدن المريت عاط كارسود الواقعة له ين من الروبي ها أيدوا كريست عاط كارسود الواقعة مراد من سے الحلام ي بدال وكي اور زي على الم ناد دولرم بدين الم البلام الدينة ميرسيس الم مموالدين الرياسة مركة المان المصطاعات بيسوكاكم والرامروفال والبري كيمروفاته وروز كرومير كان من المها كراب المراد وي المراد المراد المراد المراد وي المراد ا من المنظمة الم مرادریای ندا مودور این با میدود می ارومیت رکو کافی این دو کالزان مارال در فرق سينودوي مورانية تهاري بي الرارنهاي المرارنهاي المرار م مؤت بورا معرض مندا مردی فرری برد المیان عاصد و Missing de 181. (व्यक्तार अतिमा 1. Ac 20 13 1/2 16

العال اركزي جو فذي مردارا ورمردار دار و نها الميكاري اوروفيكي يرمخط البرائجواني ضرلتي لازم بردن برخواري بقرين حورا حال ورما سنرسي ابنعابية الموبالاتفاق كن تأسيس ميموليا اوركبلايا كم مع الركزي ورونها خرط غربين ما م علم بيونيط مرا إلى كو يطا ورجب م كبط لو سوي بيراس بويكا كي نجليا كن شن صل مواوركو المارا فراكي رحصة كي نبس النهوك مرداري المبيره كي قبول كي ورجبت عار نانحا ب المسيح ت مبنه کالرنال در د رنبیله رومال و عضر ایک عان د دانین بقدر مرتبه ^دبیما در د المنابع المنابع المراز والمراز Sept. Media

Time by John John Princip, 40 jus بالزاز المراج Lymin die الريان المان المالية عدماركسي والتي الماران المارك الماعدة لأنوا بالمرتب المرتب ر المرابعة المرابعة الموافع المرابع المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة ال المرابعة ال ينمر كي وفي النامية معده مي المعطيفان كيد معدولهان دوسون الميده مي الم والنوارا بروان فالمان المان المام والمارة والمالية والمالية والمالية المالية المال ن درون ما دروی محال و بیرون ما ما ما ما ما ما ما از در محال و میرون از ما ما از از ما ما ا بركوم والانتخاص ويراد المالية ا ما ما المراس ال مرد کاه و ناد العالمان المان المستان المستان می شدند و و مستان کار در مرد در الورت مرد وی به المرد المورد رد مون در المراز المرا مراز محام محاهد مرور برمار مروزه و المام و المام المراد و ا مريد ريد جريد و ريار در مريار بديون موريار بديد المريد المريد و دريد كار مريد ريد جريد و رياد و درم بريار بديد المريد و دريد كار المريد و دريد كار المريد و دريد كار المريد و دريد كار الله المان رادرزده ورك محد مان بنت به در آدی نارونت الی التر التر البتهان رادرزده و درك محد مان بنت به در آدی نارونت الی الت ادر كورًا عِنْ دَكِي دِيا بَهَاده لور آئے دوبا في اور خال شيخال مواسفوا الموقع والمعديد أو كالراك بها ي أمرال تمال كالم اودو أي الم Mind Sub Son January

الفان اركزي عبر فذيم مردارا ورمردار راد ونها اليكر كركيا وروفعلى برمخل این ایکوائی خرامنی لازم به درنس برخرار می بند مین حرز اها ل ورخان زن اینما كوبالاتفاق كناش فالمبس محوليا اوركبلا اكم مع مارزي وروز بالرحا عرار المع علم بيه كيا مرا بي كل يضا ورجب م كباط سوي بيراس مويكا كيم نيايا كن من حف سواورا المارا ف كركيم رحصت كي نيس النهوا بغر داري المرجه ه كي خول ا ورجهت حار نانحال بغراك المرسي متِهمنِه لِطَالَرْمُنَالُ وَرِ و مِنْعَالِمُ رومَالِح عِنْجِيرِالِكِ عَانِ دِوْلِيْنِ كِي عَدِرِرْتِهِ دِينَا ورد ين الرارية بي المحرول المرار وزراد في منطري موسد المي البية عاليس زاراً وي المعالم الرارة وي المعالم المرارة وي المعالم المواد المراد المرد المرد المرد المرد المرد المراد المرد المرد المرد المرد المرد المرد المرد المرد بلكر مين الرويتي بيجره ل ورتبي ومتول كي منات كي افعانان كوم تاك التعالف

44 المان أو انوارام. יייים מייני مذان كرندر معدور بعال دوم إيكرور له وتنمان معرك إيلوم مكان كود ام كاور أطواق جماد في كمحند في ا ادرباكر واح ق ا دی ادیساکی از کا در جانزے موجاد ا ى ئارادە بورونام كىزىدداكو بىرا ئىياجون ئ وجرتيد ولكود ومرجارك بحوار مها ورائد والمت ر بسط مردوز دوره موا تهاجها ولي وله بالركار مقادر كد بن كه انتوا للوشيان راه رزاده وركت عمد خال بهت بعادر آ دعي نامروف آ برزا بن دكما ي ديا تهاده اور اسك دوبها ي اورخال شينوال مردار بهائي تمراله تجان كهار اكوادرو أبي رخج في معالمة بن أوكارابا

و الربوان فيرسان المراس يا دوي مروي مروارو المروان في المارية المروار المروار المروار المروار المروار المروار المروار المروار المروار ا والرام المراق المالية المراق ا بدان میمن راب از این میمن راب از در این از در در این از در در این از در در از در این از در در از در ا

.(1) ·09111 مامور كيفرني داي و بعد الوجوم الروج مامرية مامور كيفرني دايي لافران ما مراد المام المراد المام المراد ال محموصفورخان بهادر خورجار المعر يرب علارً معلارً معلى منظم معلور معلور معلور معلار معلور של בשנים באת נוכנים ر اعلى الرابط دو شرك المالاي بي زمي ديد آصل شراده بي واسط عان مي نيكه بها كا دروار فالم William Cation of Ship fair into men تعدورًا وغدورال لوت لايمشي من من كررات ورعالين وروك Silve sperder coll Contraction of the second

المين بن لنو مارو ان حيب و تي رضيت انكي نوم فيار كريم كومتمال علي علي عاليك ىپىتىز ئىرىغىي زوېر ولايتى خراكى باغىيىلىيى دورايى ئايتى دارى مۇرىيىلىيىلى دەرايكى ئايتى بارىمىدى مەسىرىيى ئىرىمىيىلى ئايلىلى ئا می از بندومنان روانه کی اوریک حکوما کرمیدا زوا ور مشار تیزن کی نیسه کرید میری جاگ جرفت به خالرام آم کوس به وی دور و فرای و د کابا کو تو بوک نوژ^ا عارّی نبهان رفیانی بهارّون بن سریت سرسیمام رته کولیان ار شن نوویین رسیا در کورون کی پلتن بلت کرمیریت کے میں ^{الا}تریا تر على كاناكم وه أوين ورهكم فرا وين و أبله كوجلين كما بن حد راكم الم املی اور بلاش کو ایس کهلا با که نم انگر ده کر تیزین والول⁻ المرين فريان المرين الم عار خورنے بے تیزین کی کڈیپی^ر کی اور غارون ا

The state of the s The children of the same ایمنولرین کا ایمنولرین کاراژ فیلون در آ معرد الرزي اور دوطاق اور دور سدوا المبروق بكادار العليم المراك بي فيدر مراري معية وونيا والاسادة ربير اسفد فوج كفات كي هوا في زاد جمعية المرزي مذرسة المرحلي ويعالمات لادرخاو بالخانة والاح والعماج بتريك فيا بقريخ اورانباره داسط سيام دولاک استان وانبر عظم بقريخ اورانباره داسط سيام دولاک ا بطادتاه كالأ ر تعظم الاک مرسوم کهادس مردرد- ماف مطاب جونوج بندوشان کوجلهٔ بهل کوجید کند جانبات باز مطابعهٔ عذوبیات در قریب بندوشان کوجلهٔ بهل کوجید کند جانبات باز مطابعهٔ عذوبیات ع يدويد أن بنداع اصار ميانوكا من الأ م ميم سوي كيد ازونيد ورّه كالم عالى بمدين بن الدرمطولي بے دلوا دو نکا ویے اعتبار^ا · Carel

رمع كال كززيد مع عال المفال درا و مناك اليكالس رسمان البرع تركين *كية بيور*سول دقعورة لدېيانه ښو و ټارنجه کې لښان متبياع کې بو د وېک رتبي د رام ره کې ر المعار والمرابي والمرو البروع ت وقري طار كالمرد بلي والبرابا دو كابنور والداما . ولا عبودا المرادان المردان عقصه ولا کی سرنامو کلکه کومپونیا لار دخیا در طاور جالبیسرار رو دفت کر دبیرا ورکینی Market Ma والمراز المراز ا ى جميت كى آيى مويى اينه بهي ايما مقا بدي ا خركار ماراكي آب المورز والمرابع المرابع المراب البخرار المتعادلي ilyh,

ا آبند برای می این از از ا از این از ای A Signification of the significant of the significa المرابع المرا المرين ال شركيجي دم يل وارت جوانيا كريسا در بط ويمان فرزر ول دروا ورزاد كول للكاريا مهاكه بال مجيه بالرثيد ورايده بي زغي مو آخر لاركوم كوماك منك

ر مونکا اراده بدنیا میرا ایک لمها نه کریکه رور در ورجه كان كزيد مع عبال اطفال دوال مناك بتمان البرق تزلن كرية بورسول وقصورة لدېيانه ښو و ټاښتنې کورکان و ښواع کې بو د و پاکس تر و رام رس کې ر على ما بين والمرام البرم والربوع ت وقريط طالبيا مرد بلي والبرام ، دو كابنور والهاما . والم مروراً كي براه والحار ومي بين الروعي بين براه والم براه والم المراه والما المراه والمراه والم عقسو دِبالم کی سرتامو کلکه کولیرونیا لار حصا در طاور جالیه مزارر و د فت کر د نیرا ورکنی The state of the s ومن المناسبة يى جميت كيئ آي مويي كينه نبي إجهامفا بدي اخراط رماراكي آيت و در رك البخرار برنينا والراجر جانبارا اورا مكان مر بطران ركما ي مهروو Will with

المرابع المرا A. J. J. J. المراس ا المعلى المراب المحروب المعلى المراب المحروب المراب المحروب المراب المحروب المراب المحروب المراب المحروب المراب المحروب المراب ا ۱۹ ازی بندن از از از از از از از از از در در از المي والكي كومن كان والمناج عرفياً كور المركوب علا ديدا وخروا اوروكن فن ج مع وكدي ورك كماكم أجك م في بانه ارتب اكوري المصغ توارني اوركب اونذكر ببركري ايردور

ك يك وفيات كيانوستوم مواكم وه قيد مير مراران اكز روك بين جيارها الرجريط ا بين دوت محد خال كي بالم تر الم الكونيد ومردان كي رول المالي المرابية الم ا من واسط مخصر علوم انزري رت تهااور نير سور وفي الدر كار نا مدار اكوري سي ميما تي لتي بين رواته مودورت محرط^{ان} طونجاراً في يا كوخال مردر ميكر في أردوا ديا لكر عبال ا انبین فرسی رکهاا در مزار و از دیم سیم کران خرج اورا خراجات کریما درجارها یا بااور ویا نجاراید بعب فرار درست میان بیشت میان بیشتری براید بیشتری براید بیشتری براید بیشتری براید بیشترین برا میان بیرای براید میان بیشترین براید میان بیرای براید بیرای براید بیرای براید بیرای براید براید براید براید برا نهبارار بین بهروایا او رساد یکی که جو کوی کی کابدله بدی کرمیم سرواک د ایی هاکم بیانیانسبرانی میفر کاکهوریج بنار پوکن و بخره آیا ده کریک کئی مرارطال ایجا مرارطال بیانیا لم حون عربضا مدعنه بركماناً م كابهونا بعاق فيمت الحرالية المية واسيط برح دين اوكار كرمان المنابلة المنابعة المنابعة ت محد خان کوروانهٔ کابل فرایا و اخریمو که جرورت محر خان . ور دوکر فرزند بهتی اوای قدیم رفت و بخره الو ایمراس می ایمرمر تورمة المن والمراجع المراجع م بین از دها د و چارمو آ د می ا در بهی نزار بنویر به خرمو کایل در به Lings of the state Carried States of the Control of the The city of the city The state of the s المجارية المراجعة المراجعة

Assay Tilly on العدامة المريدان والمراق المرا الإندنية بالأباد أيابة بالأباء الدن بمن المجوادين في كوك فعار كواور باونا وإس اليفيله أيفا دفنا وبذا مدون كرجد اجدا مذا يهر الله الله المراكزة الما الما الله المتي الريسة المركية وه معن متبها كروداز ٠ ٤ ١٤٠٤: نوري ١٤٠٤: نوري أبيدا ورقا فله مين تل مش كرينه بكرة وكرة فاريشي من كه لي ديمانين وكلاين Charles In E. E. C. F. 26 F. 3. 19.

· c. x lo حب *در دان سے دلی^ت کیا*ؤمعلوم مہوا کہ و ہ قید می*ر مشاران اکر پردائے ہی*ن میں اور مِين روت عي خال بلغ كورًا به الكروشيد ومردارا الكرروائع الاموا به السط كم جوال مِيّـ المن واسط محصل علوم الكرزي رت تها ورنوب و في المار كارنا دار اكرزي بی برد. بی بین در در نه مورورت موران طافسیار آ قبا مرکم خال مرکور میکرفتار أبير بخرسي ركهاا وربزار ولوبي يعي جركمزال خوج اورا خواج بي ربيحا ورجار عا بااورو لا نجارا بربعد واروت محد عاملات می را محراکبرها کم با دی که جو کوی ملی کا مدله مدی کرمیر النارار المرابعة المرابعة المرابعة المنابع المجار المرتابة 公式が変 المراجع 195 W. J. W יי אט יודי זי XA

To see the little Me الخبي والمتعارض المتعارض المتع العبالملوننبدل بزرى زيرا الدن بيان بي وي. ربياوراونا وإس اليفيلا آية إدفنا وبذالكونون كرجداجدا فيا يًا عَلَمْ مِنْ سِيمِ مَارْشُر كِي اور دارْمِي كُونْ فَهِ مِنْ رمين ما ش كرنيه لِكُونًا لا بمثني مذكها ووست محرجان لا تهمدخان نهاجرنومة ا إلب كوشيخص بر وعود كمهاج كمروه مخض أما ور Con Mer,

ر المراق المنابع المناب المن المالية ا 3. 18. 18. in the second se The state of the s かい الم المالية ال できない。 भिन्ह में ते के जे हैं में ती हैं हैं हैं हैं . Signal Control of the State of .7

State of the state المرفق المراق المرفق المربيس بيسه الربها كابادت و بي المربع كابادت و بي المربع الربها كابادت و بي المربع ا اله المراق ا إداسط فافت رواز كااورك كالمدون كولزلدة وديم فين ورواك الماليونية بالرأ ألونية وراية اذكون مالانس كالدوب كالمعد تؤاوت ولا يطاع بعلم لدن مجمل ۱۱ () المجادي المرواسط ماقب روار ما الرويد المرويد المرويد كرويد كرويد كرويد المرويد المروي إني بدورة ميزنان أيك فله بني بسارتر كي درداري كوفعار بيكة ستكام مخلصه من بديد بورد ورسي كرون الله باريد بوري كي يا درست مي الاستار المراد الم ب در داملون ال کرند یکوفوند بسی در در می واید یدا دین اس فاملو ب در داملون اس کرند یکوفوند بسی در در می دان ناموزی اس کا ده کیا بروگر بی می می از در می می اور می در می در ایس کرند در ایس کرند در ایس کرده می اور می در ایس کرند در ایس کرده می اور می در ایس کرده می در ایس کرده می اور می در ایس کرده می اور می در ایس کرده می در ایس کرده می اور می در ایس کرده می رسته مان اس فامله بن المراق ا in the state of th Mary Jan Jan

مردون و مان الماري و مراز من على الماري المراي المري المراي المر The Contract of the Contract o م الله المراد الم المراد الم المراد الم المراد المرد المر المحليظ ولا نكانها حيد مزال كم ميني كورًا اوربهت تعظم سالكي عما كي ورنفدوا رض عبره بساكسي دو المعالمة المالك ميني كورًا اوربهت تعظم سالكي عما كي ورنفدوا رض عبره بساكسي دو اندویا و افعامت کی دانی چیدر کور سواید فایدول سرام بده و بهای دهای استان ماید کورکی نظر اندویا طرح است کی دانی چیدر کورکوسو در مواید فایدول سرسرام بده و بهای دهای دهای استان ماید کورکی نظر المان المراس المرابي المربي الم مرار المراب من مرد الله مراس من المرابي والمرابي المرابي المرابي والمرابي والمرابي والمرابي المرابي المرابي والمرابي وا امع ما مرضقون كوخلوت ديا اورا حوال حيوز ديند كا بلكا بوجها دولت محرها عرض سركروك الرزول عابت ركي شارشواء كوكايل كي تخت رشبلا بكويلة الم المن بناه برا المراج در والمان بأرا المنات بي التيه فارن في كه البيد تحت سيكه والعالى جا معاوروه ا التي المراز المر ميدلكن طايت مردادا الزرون كي أنا تها به راكي جو كمرم ال المرابع دور بالمائي المرابع ال کے بی مہر عرور پھیا ہے توفف الماري المراب والمرابط الماري المرابط الماري المرابط وكالدووجو كمركا كرفان طافرتا اسرة

The sales of the sales المرام ومعنون المرابي من المعنى الله المعنى البرت من مطر بدر به المعنى الماس من من المعنى المعنى من من من المعنى المعنى المعنى المعن المعنى ال وت يم الفرندر كها دو أكم كوفوه كي حكوم وعرفا بعر جمارة يمس وي بني يوسون مقراء ي بني كم كماش مع سيدا الكوري تارشي للمكار اربر بالمرقبة وعلن فوثو في بن ر او بخشیرتان دبه صلب مع میسی استنه او در آرون ار میراد او ایران از در ایران استار او ایران استار ایران از در در او بخشیرتان دبه صلب مع میسیسی استان از در ایران مرميد دره فركى دارم مداخالا برك واسطى بقرقنا مى دالده خرافاعا أفره را الوفها المراد المراد الميد المراد المواد الموفها الموفها الموفها الموفها الموفها الموفها الموفها الموفها الم رادرباد*ت کیکریند میس^و آدیر ایش موافی ش*نزاده بود ه خبر را میلات و خواج رادرباد می*کریند میس^و آدیر ایش این شنزاده بود* ه خبر را میلاد می ى رائي الكروز داخل كابل سية موكندان خالى نادوست محدة الوراعي كرخان اول بي كارتيز بيميا د شاه ند تحت برهوس فرا يا كمانن ها اوركندربس هاريا اول بي كارتيز بيميا د شاه ند تحت برهوس فرا يا كمانن ها الوركندربس ها نخ در مها دنجني على بن من اورميوان من رغور حدافران الرويك ازرين نخ بي در مها ونجني على بن من اورميوان من رغور حدافران الرويك لذرأ مين اوشار ويستران والمعت فاخر مصر محراب مرؤادي اوزمرية موارغام محفظ اورابن مدخان لوكن اورجد الدخان مكنى اورخان فالص فيره سردادان فرلهش ماره فرارها شاسته وبغلام فايسبول عزين كمفاقة برفراز وتماريج كأنن ماستفافاه الدواد كوفلت وزرز كادوابا عضت كالك

منبى بى اكر المحق سيا واطل كليترموي اورتسكا يورايين سبع مورايك كااراده كيا بوريم الكمقام بهاكرف ا دبرنا م مجيسوس كاميدان بحكم ب كوزنت بيت وراثية مدات الدرائي الماليول الورسيرة وكرا داد اد المراد الديار المراد تنام نتب تغيراتي تلاندولم كي جن اورصيمة م زمايه طريقه احبيا كي حتى كم المشيع ا جوق و قرائين ، وسيطي لدركر مركا ب كو سرل و ا بروا بروا بيري ا وربهي حويمتويا ورعله وغره جو حكما كوسطورو مطابوا فراسم كرف او ال كرميك ورُه بولال والفارق في الميك ما تدم الكرك ي عربواك إلى ما منه و کا کیے بہتی بیور بن کذر کرفند ہار کو جلے قرم سے اکمان اور پردا جا و غیر میں میں ہے۔ و کا کیے بہتی بیور بن کذر کرفند ہار کو جلے قرم سے اکمان کا ان ورپر دل جا وغیر میں میں ہیں ہے۔ ركي فلو كركو علي كيا وروي رسي كالأمارارا البي فيرآنا إورع رسي ركها وما ن على أيا أركي فوج مبني مركزد ختیرا ده صفر تا کو که قدنا رسی می تخب جیون که طرف یک داسی می المرابر من الري المرابر وليخ فلومام وكي جدر درزاي رسي حركا وكلسر اكاكر دروا يوك كليس كار الكرامية فوح اكرزي كم المور المرداري الماء ووارج إ A Secretary of the second seco

الموادر المرابع الوسرواري المرتب المرت واره ارج نی را ا ای را از این و اور يهم ركس أكرانفا فالحافيات

فيرانيما ترسيكان تحدكذرا فالهوال ابندا بنيسي ماسلامي كي نومين علين وال ليخ بهرك موركو آيم كن تن صلح ما لا دون أربي عو كذهاها اكر زكوها بيت ما ومايا ليزه آحدتناه دِراني كيامنفورتني اورفنامين حرافيب كمهاورام رونسفران التي الن وصل تهم كراكوز صرفيك ن ورقع ببي كالماليت موروتي رفام كرالاوف ر المسكم در مر خران من موجود المسلم و المسلم اور الدر من بسيم من مناسان كالعرومية لل إن المولاي الدووية والمرار والمنام العانا وكما المرادي فرا الروع بدا واوروا باله الما المولان مي سوي بين ما رجا بيدات من الروع برسيد المرس المراد المرد المراد المرد المراد المراد المراد الم أورسيوال على فتر الخرائ منوانين سوارم وكردرايات ميدان فردوي افواج ارت ي دراكز رسي دور مرسي ميروندا و كربهان به فويتا ، قرا

وكأبن فاج سكراعظ فاروكورزي

وندكو ليح رام كنوز شريب كمنسواي توايات راها بنون إلى البيم النبي كما ال تحقد كذر الما الهوائ البيمة النبيع ما ملاجي كي نومين علين ولا ال يع بهرك موركو آيم كان من من عالما عن الاماريان اربي جو كدهاها الزركوها بيتا فهايا يره آحدتناه وراني كامنطورتني اورقياس حراكميكم اوراميردون كالحازه عروما التي الن وصوفهم كواكرز صرفيك عا ورقع بعاركا والخب موره تي رفا مركا اورفي وركان و كون المركود المراد و ا أورميوالظ في الزير تنبو فين سوارم وكردرا ساء مسول ورميط ور ميدال فرود کوه افواج ارتاي ورا کزريج رورز موت بور حنداه کيرمان سرفويتا مو يع و اخل برعدنوا بها وانحال موسم اورو بال

Se de la constitución de la cons ريد بعي وريد عين مان فقرغ الدين ما مودانه بيّ الدوق ا اه دوسرون کداورانگفردم ال بعو بخدازی وزندگی او زنونتی نام رضت کی اور تشا ويادد كان م و مراعل دركورزن بدريك نيداد ني ادريان

ر المراج من المراي خرو مواسوموداب مع قواز نيك اور تلوار لوار عام الم ا فرمر کو بدر بنج مارب جرین به خراس اگر زمین بهنجی پیرک تها میکل نواز فرروی در در کو بدر بنج مارب جرین به خراس اگر زمین بهنجی پیرک تها میکل نواز فرود در کار به به مان برمای و را سوارا و رسار ه بطائی لمفارند میری ورک جورت سورسا و رسان کنی بلا الله جان برمای و را سوارا و رسار ه بطائی لمفارند میری ورک جورت سورسا و رسان کارند می ا كا مواروغره تونكاكي كير روسير طل قد رنيه أبيدا وربيت ماريكي ناه ونها كالمامي ا منامرسونی کو بر آب اورایک به مین نوارس میا نویز با دارها دیود مکو کمیانوی میا با دارای از از این از از این ا اسال مرسولی کری بر آب اورایک به مین نوارس میا نویز با دارها دیود مکو کمیانوی میا با دارای از این از این از این ارائه والم المنظر وروه نها حبور رو وسرته م معالم الموالم الورقدة المرافعة ا ر و سلے کی تصویر لکہ واکر ندت کو ہمجوا دی ورغلام رسول مع دیون جیا بیٹر محرروا کرتے ار و سلے کی تصویر لکہ واکر ندت کو ہمجوا ارديك مكارقف اباكيك بعذ واستجاب المانه واستطمتعنفا الجان محبوس فراخورمرته رايك مورك اور درسوره يل بوارهٔ مدارها كي تحويا ي وريد به واضيح استمين عان ا ما بن عبدالفا درها قديم مذكا با د تا مي در المحال و كريم بن المرابع المر م صور موا شر المار و المسلم مي ميده و بهي صبط موك مرحند كرمبد دو كلم

الر il Birth وزرتف مالدولط مالاكلاد بط سوا اجرائے آیا اور صدر گائی ما . الرکھا يريد فادين كادر فام رسول فان مصحف مصالحت في بان كي ادر كي زنيفه واسواماه والراب المات بهي وم فبافت اورخرابط معانداری ." كالم تبرداذى كواس إدفا مرتب والمراس والزري واسط ملافات فان ماور برايد ارخان دبوان نيروه ال ناايك غدشكار كو دنم بین کولد کا جو ہوای سرمة النامو قرف ورد مال صلح کا ج

مر نهر الرار توقف مونا تو القلام عطني طنبورين الاس من من خرل وزرها المسائل المراد والمراد والمرد و النكيب وارد مغمورة ميراً المرمو وي ملحفيت محفود بن بندكا نطا بكوفر مي منهار المست نه مبوت راجه حيد ولعا كو والبيط عبار نيدو كرند بكران دكي المعاراج وربار رما كرما كرموا استه اورمه حبیت در صافراری عالوالین کا اور لاوز زخامی کا ما ما اور لاوز از خامی کا ما ما ما اور لادار الروا سط عمام و على أر الدويها ور رواه مين بها در مؤاليني برجر مر در داره دو سركار در بجاس نبرآ دمجوابيده عافرته كرمه ومغبري كرير ببركوي كزيرا فل تبو بابالر وعارر والجآ فلعري جابيخا بوكراك ومرحسك كي ورائع بساتح كارته بمرك وفت محرها سربي كردوات المركورة اورفتي الم بني تعلق المراه من المراد المرا لهي ساركو لي منت بين وروه لهي ولي فمت اوركو نهير بتصور كا حكم فقط أما بحر أوراد المالي الدوري المالية المراد ا تهاري الإرام والراج الموران المراه ورواز و ا ا حبه آربیان رسته مین و ان بری رسکے کسیطرم کی ا ذبت نو کی برخو د کرمشکواکراتا برأك بوالياب موكا وفت مواطبط

3,73 The state of the s م المود عي المان المرز. المان المرز الم إعافر وبارخامين بالدولها ويومون كارني تقاويشوال ر مربع و مروعا فدم و وقت فروز من امن والمراليدوا المرمير فو ميموعا فدم و وقت فروز من امن المراكيدوا مانو وركاب الدارنين عا ويرسمبرع العررصار الدولة البرانين ليهي مبخنجون لينام مدوك فيت فرآية اُفِي لِي جِيرِ فِي أَوْلِي اللهِ الله را نها در المارد و ما بي المتسروع عارد فعال يعداً را نها درياسيد المعدد ما بي المتسروع المزاع إلى دور بيل المراهدو وكرم تم عيرادرومها والمترفض أزسان طبدروسا ورازاكي ويرتبع وركبيكسي نبرموارم وكرحوفا خبزا بغي شابعث فرات تص يراريخت داخت فيانني عائي الملك بغوار عن خفيد آرونند مراسل ي نهادار يواريخت داخت فيانني عالي الملك بغوار عن خفيد آرونند مراسل ي نهادار دوروا: قول دير فقط سوالجوارنيا في مجريم فيقريس كي در كرفت وخشه يهيماسين لي وكران دير فقط سوالجوارنيا في مجريم فيقريس كي در كرفت وخشه يهيماسين الم عرفيه والبرنول كالهجامية مِن بِينَ اللَّهِ مِن اللَّهِ مِن اللَّهِ الللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ الل ي غريم يف غرض اصراب ي كونه بني كوني تولي الته المحريض على عند منافقة مهادمكون كم سوع اوراؤا وعوام " بحك خروج اور الارك باحق كم يوخده كي عِنْ مَنْدِيًا في عَلْم الْمُرْزِي الْوَ

ررًا دمج و^{ري} بمفيت صفورين نزكا نعا اسمه اورمه حمیت درج عیارین عالوالینه علی اورلاولواز جامی ا كوواسط محاحره هويلى بازرالدويها وكرروار كيفيها ورمواله في برحوسكر ورواره وو سرفان بجاس ننهآ دمجوابده عامرتي ورننبز وكرير ببركوي كوجهاف بويا بالروصار ورسو فلوك عابنا موكها ويروسكالي وراقع معاتفا رسيرك وفت محرعا سراي كرديوار مرکورد اورفع باید خان جنبے کیے سعه اندوم شنع کرتید رسخود ہی ذکھ علم انداز خوا منطر کو زما مزمر من موسع آمیم برسی جود ارعیاد دربن عایفان جست میم ایر اگرانیم لوگون کوتنا دینم اور نبار ایل دکواد برتر اور زیبر ضدمی و برد کروم کی کراپ لېي سار کو پي نفت بين ورده لېي ولي نفت او د کېرنسير بحضور کا حکم فقطات کې آن او د کېرنسير بحضور کا حکم فقطات کې ونا عبية بيان ريترين وان بهي رسك سيطهم كا دب نوي نه خود كرستي ال بالمسين موكا ونسبوا عطيف كازاه The second secon

الوار في المراجعة م المولم في الم ومن لوي موعلية بم ومقعة وروز أن بو فالم ا در الرمار طام في رمين عراك زرمار الدولة الرار من طام في رمين عراك زرمار الدولة يربسي متر بحودل لينه مربول في فت فرآية ميرا يربسي متر بحودل لينه مربول في اُفِيلِ جرِنوْنِيَ الريانِ ومِرِنوْنِيَّ زَا يُّن مِن المُعالِمةِ مِن الْمِنْ الْمُنْ الْمُنْ الْمُنْ الْمُنْ الْمُنْ الْمُنْ الْمُنْ الْمُنْ الْمُنْ الْمُ يُرِّا مِنْ الْمُنْ ال الناع: أو دور تك بنزالدو وكرح تم عرفي ودومها دونمزيف فرسان جدوم وي ارباد تبرا وكبي برسوارم كرجوفا نبين بفسايعت وانعت ر برادر در است نیانی مانی میکی مقرار مفرخفید آروند مراسل کی نهای در این ست داخت فیانی میکی مقرار مفرخفید آروند مراسل کی نهای والجواب في مو كم يقية سركي وركوف وسند يميل عرفيه والبكرنول كالمي الميضاف بن بين المالية كمالك ي مير ار ار المار ال المار ا فادري وكره فركم عوكم تيما ر مرف غرض اس اس کی انهای وی زارت می می است. در مرف غرض اصل است کی انهای وی زارت می می است. مهادمكون كم موع اوراق وعوام " بي خوج ادر مادیکه ناحتی که دستیده کی بیش بندتیانی عذم اکریکاری مادیک ناحتی که دستیده کی بیش بندتیانی عذم اکریکاری

كهي ابت مواكه اه وروري من الماره سي بين عمو ميو مواد بالاول ما المراد المارة المراد ا بتويخ مهارج على من رمو اورابنين عنه رديا كو تعبير الافت مرانول كيريا نهر ال المدادا كرزيك واضع موكومكام كرنواك قوم فاغنه بين وي الميكي نبية ايكرندكان بادَ تنا و دَما يسي بهي دُيسَم وكم بفرقبر بورط م الماكم ورطائب ويكايا مني متوصل كار اومًا را التي الله المالي المالية المالية والمالية والمالية ورطائب ويكايا مني متوصلات كار اومًا والم الملا يقر مع منعدا يك لاكر و إسالا فه وش و باليا بنيك حديد على عرف و تيم الم نیوسط برمه ورمد کورگا موابیر رجوع طور گار اید مدار مدوی کی رفعوی بین سر کا رمو صور می ادم. میکنیک نیلم دیا نی بهرنی مین شخواه میا هسین کریم در کار کوارا کمینی با در کاکرا بسرا يام كارنواب غلام رسول خان كوارنا حكومت إن كي على خان موصو حديات اكدلاك نواز با تدمیماری دکار نزیک میکی کوید کئی جس میکم بنولیته اور کی راسوا فرالویس رجو ده کهندی باروت اکتما کی اورت ه دلنجال فام ایک رو پیلی کو که وه اوا نو دجوانور سمای رم ركا رفواب مبازر الدوله بها وررا درهيق مضور نوروالي حبد آما و كانها نوكر ركنكر عاس المرادة والمواقع المرادة

افريل. بريز الريان المراجع المندة عابا في المنت راية جارية ولل نيط ور درومها رط دينمتر يعقب ترسبان عبدر وساا الحرب Ko ئ بسرموارم وكرجو فاشير اينيمت وملكم بفوا ببفر خفه TEL Jil للاش مندوثاني فارماكر ري وافي

دادهاری سی بدرایان نیکردام داد مالای والورای صرفی اور افاره این می اور افاره الرای می اور افاره الرای می اور افاری می اور افاری الورای می اور افزار این می می اور افزار این می اور افزار این می می این می در اور این می در اور این می در اور این می در این می در اور این در این می در اور این می در اور این در این می در اور این می در این می در اور این می در این می در این می در اور این می در این در این می در این ري يو بدايك نه كدره داد بالكروالورا، صلوبه مهاداح يو الماري التي المراد الكروالوراي مع المراد الكروالوراي مع المراد الكروالوراي مع المراد الكروالي مع المراد الكروالي مع المراد الله مع المراد الكروالي مع المراد الله المراد المراد المراد الله المراد المراد الله المراد المراد الله المراد المرد سار به ما مورو بی مورد بی مورد بی مورد مهارام بی می برای می بی از به اور ای می بی بی از به اور ای می بی بی بی ا ار بی بی سرکارا کوری سرم در بی باکررانی ما میم کوالیاریو جنا بی ده استرکر بیری از بی ای بی بی بی بی بی بی بی ب بررون مر الماره مي بين عبوبين طان مراه الموالية المرادة المرا ب مع در مو اورابه بن احب رواكي مورال بيرال بيرال بيرال بيرال بيراكي باندين موسيد و المراد ال المدارا كرزيك واصع موكومكام كرنول قوم افاضد بين بيت الميان بين بيت الميان المرادا كرزيك واصع موكومكام كرنول قوم افاضد بين بيت الميان المرادا كرزيك والميان المرادا المرزيك والميان المرادا والمرزيك الميان الميان الميان الميان والميان والميان والميان والميان والميان والميان والميان الميان ا بالدارا كرزيك واصع مورسوس مرافظ م المالل درطانوا ويحاليا سخد منوصلا سرسته المراد المراد المراد المراد المراد وطانوا والمالل درطانوا ويجاليا منوصلا سرسته المراد والمراد والمر اللاصر معدایک لاک درت مرا ایر دروع طرف را بد مدار مدوج کینے ای بین برس را می ایک بال این از در این از این از ا پیرونالل بسرای بر ایم ایمیا و مسین کریم در کار کوارا کمینی بها در کا کماب موانواه سر عظامدر از این از از این ا پیروناللی بسرای بر ایمی ایمی این کی ملی مان برضو مهد مین از در کیا که در کار این از این از این از این از این ا وسلطان در ما وروز گورگا بوابر وجه و ال کوران کمیدی با در کا کراب موافواه شرعطیت از در این این با در کا کران در ما کران در کران در ما کران در کران عوده کمند ی بادوت اکن کی اورت ه و لیجان نام ایک رو پیلی کو کم وه اوا نو د واوای ایک باد و کارنده کارنده کارنده این باده کارنده کارنده

The Control of the Control الدول عرب الرابية المرابية في المرابية حاخرورما رضا ممطخ والدولة ين وي المان مرادي مرعانه بروصل زوزر بن ابرزاد مسلط ي مرعانه بروصل زور بن البرزار كراداده على المرفية وريق ۇىبلى دېرۇنىزا ئارىلىدىنى دارىمۇنى زار بروينه كوكيريسي مبرنبي ولي لينع مربدوك نبت فوايد و المريد والمادوليا سيدالكوراغا بي المتسروع عارزون غاما يركر حرآج تي تفاور دومها وفرين ين زينان طار دومها وما زياكي يّب دوكبيكسي نيرسوادم وكبوغانين البغ شائين وانديّ يرار مينت دامند فيامنيا ي عالى الله بقرار من خيد آرد نندر الله ي نهادا دوروانير. پر ديرنفطرسوالجورنباني جو كم مخفق كي در كرفت نوشيك بيسال يور انير. عرفيه ذاكب نول يهم سيحا مخت الم ين بي نياية كوايد كيرين كركوي دستاورانا شأم فادري وكرج شركب وكرتيه بوفراص اس کی انتی کری نزل کت برکینوملر جادهٔ مقربهاد مكون كم بوط اوراؤا ، عوام " مى خوج اور Carley ...

يى ئىي سركارا كررى كي قرار ياكوراني ما مبركواليارد بدين ار نهان معلوم كوكهاك مين الرحبوري تروي الأتها. البيل مي المراكبي المراكبي الرحبوري تروي الأتها. ار الميانيات مواكره و فروري شيره الماره سي ين عبو ميري المارة المارة المارة المارة المارة المارة الم مهاراح ص محنا رمو اورابنین احت ردیار دا كرزيك دافع موكاه كام ولا كاقومانا

ولويلي المركبين المرابع ﴿ إِلَّهُ اللَّهِ عَالَمُهُ كِمَالِ يَطِيعُ وَمِ فَعِيمَاتُ عَلَيْهِ وَكِي أُورِدُورَا يروسط فلاند فأ اضلاح كام مامل المراس أندني عراس كركون في عدفوري رسيا ه كي تواه دغي كوركوانها و هاكود كي زياده افلاح الرياص و وماراح اوراكه موقة مهد بصيرا رفض كاكر دين جهاره واسطيسية تصرف ورا وراتفا وراد افعي لا المرار المراوين وروز أن المرادي ال مرور وروال ما ورفعاله ملافعات المان المان المان المرارات المرارات المرارات والمورد المار مولكم المركز المراب في وردكو وعدودكم والدواصل محور وقيفيا ما ر نود است. مهارام همینی مشخت کومزای را در کسالا بورا در مورو کردین م ج رطو کیا دید کی بخوارد دارد در او در ایر اور جد برقی بور کوستان میکندون شند افعار ایر می رطوکیا و در کی بخوارد در در در ایر کارون برقی بور کوستان میکندون شند افعار ایر يين لى ولم بدار و الصورك ماوين والمع أنما حك مباريد كواني ودورا ان من من ما ما مان ما دند موه من المرتبط أن من ما ما مان مان مورد المعلام وسيدت بها دركيرا ومن كاربند موه مين المرتبط أن ما ما مان مان مورد درج بن دس مهاریی مایی می رست خریک فرن مکر در دیدی سرواز مربع بن دس مهاری مایی می به لونت سركار اكوزي كرا وردي دهماريج سنديادر وكرعا عزو ن ما دن بونی شرط دواز دسمین عیدنا مدی تضدیق کا دکر ہے اسلم علیم کا نیٹ میں معاون بونی شرط دواز دسمین عیدنا مدی تضدیق کا دکر ہے اسلم Control of the state of the sta Established States Elicity of the state of the sta

بمويد مهاراه حكوحي رابو المخاريكا حاصل لخية ما ينورو بهامورو نحا ريجيكم فباين مختاركارا ورراني مطبيكم الزيز ارى نىي سركارا كرنري سے برزر في كرداني ما صبركواليار مرجنا بي ده الله كرمسيري الرابع لندين رئين معلوم كم كهاك بين الصحبوري نرق الآنهار سي عبو به الورانطية المية البت بواكه اه فروري سنه الماره سي بين عبو مين مطابي تبهرها دي الاول ما المرابيرة الموع مهاراح من معارمو اورابنین احب ردیای تعبرالافت کولی با نابی ما بأمدارا كأرزيك واضطع كومطام كرنوائح قوم فاغنه بين وي ويا كالم بندائم بدكان وَمُنَاهُ ﴿ مِنْ سِي مِنْ وَنِيكُم وَ مُن تَفُوفِينِ فِولِظُمْ اللَّكِ وَرَكَانِا مِخْدِمِتُوصِلُ كَارِهُ وَفَا رَمْهُ } لا يُنْدِ مَصَّمَعُوا بِكُ لاكُرْ و إِسَالاً مْ وَسِّ رِبِالهِ الْهُ الْمِثْلُ صَارِعا بِي الْمُحْدِ وَمِيْرِ و بيع Silver March The state of the s . Sign

(بليلي المنافعة المنا المارتوني المرتوني إداكياجاة ورزنلاني فلكم اخلاع كامحاص كالدوبي ك يرك

بري چورد ايزان نيکرد در در داو بالا مواد در اي مواد مهداج کو و بادو بالا در اي مواد ا الميابت مواكها ه و دري من الناره من ين عبو مين ملائت موادي الاول النارة المنارة البيط ماريخ الماريخ المارية ال با مدارا کر رسید واسی برد و نظیم الدارا و رطان میدایا سی میسوصد می در این از الدارا به الدارا این الدارا و میداد در الدار مدور علی این از الدارا مدور می میسید ایک در الدارا مدور می میسید ایک در الدارا مدور می میسید ایک در الدارا مدور می میسید این از الدارا مدور می میسید این الدارا مدور می میسید این الدارا مدور میسید این الدارا مدور میسید این الدارا مدور میسید این الدارا میسید النباه وتبريزه والمالية الوائز الهرسي كسي دكان كريس سيكي كويه كان مك مكو بنواية اوركي راسوا مرالوار بندي باروت اكنّ كي دورت ه ولنجات نام ايك روبيل كوكه وه اوالم وجرا Service Miles of the service of the باررالدوله بها دررا درصيفي حضور نوروالي حيدرا ما وكاتها نوكرركم الماري ال النايالم الزيالي الموالزيال اه فام زنی آثر زنوان ام فای آن The state of the s

والمولكم المراجع الماجات مع تعرز تبازان عالك يجال يكيده م في التنت فياد وكيما وكي اور درام. ريان وهر منتبة أن أن أن من أن وي المان المان المان المان أن المان أن المان ا لدواسط فلاند فك افعلاح كامحاص كالرس لدني جواس الركيانية وسيا وي تواه ميز كم بورالانبار ولاكتوبي زاده فلاع توري وماداع كا الانة الرسروين أورهال والمرابع عوده روز برادار ما ورخون نه وما الفلاء كامن المارية المارد المارون المرارد اگرد. پانچرده ادا برکله به گوگر در از کران رو دا که دیداد کار دا در اعزام داکور رفیصط ما ا مونيود الشدة مها راج ما يسي المناف الإرزار أن الماد وزياده مورد كردين م وغود الشدة مها راج ما يسي منها أن الإرزار الإرزار الماد وراده مورد كردين م ج رط کھیا ہے۔ کی آور دوم دوم دکیا کہ اورج بعرفی ہو آ کو سال میں دور سنتم افعال کا لى ولم عبار بي وكالم الصوريك ماوين بيك أنما من مها رب كالمنام وورا مدر وردنت بها در کیم اروین کارند سوه برن ورنظرتهم این فا موایان میرا اسلام رسیدت بها در کیم اروین کارند سوه برن ورنظرتهم این فا موایان میرا ر ماری ماری مانیک در خرک نیزین مکرد بین مورای روی بین درم مهاری مانیک در خرک نیزین مکرد بین ماری معاون ہونی شرط وواز د ہمین عبدنا مدی تضدیق کا ذکر ہے ۔! The Control of the Co Windson The State of the State

مع مدارات نے رام راو الکی والورا اصل امونے مهارات کو حی او تھا در مع مبدارات نے کے رام راو الکی والورا اصل امونے مہارات کی وال ما من الماروسي موروني رجي ميان من الماركارا ورداني منام نه ما من المروسي موروني رجي من منابع الماركارا ورداني منام نه ي سركا داكم ري يروان ما تبركوران يون بخرده الندار المرافع المران من مركهان بن المحضوري شفيد المرابط المرافع الم مها معادر الاید عمنورای الارواسالانوش در ایکا فیکنش در علی عرف در ما الاید عمنورای الارواسالانوش در ایکا فیکنش در علی عرف در ما المنولك بريد وركورة مولير روع طوكر الدرار مدوع كبيات بريد وري بريد كارموموند والم عرف المراد المر الما والرع المان المرابع معروا مي مري من سي او ما وسين رسه ويه ه ريوادا جي النظام الم الله المريد المري مِرْ الْمِنْ الْمُرْتِينَ وَلَيْ الْمِنْ الْمِنْ الْمِنْ الْمِنْ الْمِنْ الْمِنْ الْمِنْ الْمِنْ الْمِنْ الْمِ المُنْ الْمِنْ عرب المرابع ا عادی دارد المراس المراس می بنواید اور الدارد المراسوافرانداد. المراس داری می کویدگئی از می بنواید اور کاراسوافرانداد. الله عارون اكن كاورت ولنجان ام ايك روبيكوكه وه اوانو ده اوال بازالدوله الاوردادري حضور بوروالي حدراما وكانها نوكركما Jail Market Miles Control of the Con Jake College State of the State المان الران الرابي الرا

يؤان مرام والدر مراص بادر طاق بادر المادر والمراد والمراد والمراد مراد م روکی تعین الطرعیدهٔ کی بارسوی اورتیسوی مهاج طاق کرین در کی تعین الطرعیدهٔ کی بارسوی اورتیسوی مهاج طاق کرین وجرونفرى جدة كركفرام مادن إدراكر مشاراتها وعده كرين تومياراج يسحما ليس و مدين معيد كوال رك داسط خاسك تار وكي ادر مورث على جرندي تي رې چې موي ادر کورز خول مل به دراجي د يو عود کي نکو نه که آرويداد ير البيارة بيرت ليرصوبين الكيفة بناراس ضون كا مهارا في طيالم. يركن البيارة بيرت ليرصوبين الكيفة بناراس ضون كا مهارا في طيالم. مارلاد دكورزالو- براص بهاورفوج اكرزى عدريس ماراج يطيابدي فرانط عهود ليفادرقام الميني رياست كوانكي واخل جويا باريح كراكم اورخويد لكماكه باحدامه اتها عوس كومنؤرك ما

the state of the s ای موری واورد بال فی فوج روب دين خبك بررامونوان The state of the s كري جرويدريا بازر بر لین دیایا Jed China Pare to bist. المالية المالي The state of the s Alexis J.Jr.

حکی دو بندادا ده کدا ع هما . هم بندادا وه کدا النابله وروا لي ترورية مركوري من الما كرما ورسوين *ريخ اكت كي المسك*ة النها. ولا بين ابى الجانبي فلم بذكرام مع ل معض فقرات بخرو مي ريارد كورز خرا ما رورنبولاً والإربين ما إحمة وكل موا كار روار مو في صواا ورا ما م ملاع داراندا فتهر . ح

را المح والموارد الما الماره ي من عبوس الموارا المارة الما من مرسى ترسيم العاره مي تعليم علوي المرابوا اوراكي ل ويناريج المرابوا اوراكي ل ويناريج المرابي المراب ن الا منظم و الما من المون الروا من المون المومتوي سدارس من و الميساون عن المورس بي رفية بها در الرود الله درار و الله و ا عل المصلح رقع اللها مرجد كرم المراد و المارد المارد و المراد و المرد و الم دورمورن والبرست برمون المراج بوس به المحلي والمحالية الملاح وكم الاداري المراد المرادي فالمرادي في في من مهارا في من سياري من المرادي من المرادي

ويون رئيسي بن جانبااورو يا بي ما و كي تشبير حانب اد مده و كيسر كلفاريج كا و كي ويون رئيسي بن جانبااور و يا بي ما و كي تشبير حانب وحوال لوخو د عام دونين ج افي رياس ضرف او دو المراك زجل صلى درمان مواليا مواليا مواليا مواليا مواليا مواليا مواليا مواليا مواليا بن كواب دارن عدا وغير المنع وعيد أو يوار لفا عي مقدا أبين الماليان كتر من كواب دارن عدا وغير المنع وعير أنه والمياليان على الماليان الماليان الماليان الماليان الماليان الماليان المال ر دو کو با بنیجه مهار مربی بین و خود اختیاری و کیارا دیکانشی ر مرد چوکر با بنیجه مهار مربی بین و خود اختیارا دیکانشی لأستجر القدائب المركز والفارة تنس عددي الأكامين الزيدي علاالية چ کاو فاو ناعنو تما درد در در نیانی کا بندگرواد یا اور آو کوفعل کوار دا وه کام عِنَ ٱلوديهِ كَامِشًا دِارْسَتْ مِادِرْنِي وَلِي الْوَيْرِ كُورْتِي الْيُصَارِيُونِ عِنْ آلوديهِ كَامِشًا دِارْسِتْ مِادِرْنِي وَلِي الْوَيْرِ كَامِرِنِيْنِ وَلِي الْمُصَارِّيِيْنِيْنِ مراكي را بن الميذ كراور كوكون خيرى كالمريم سراني (م وع والمص الماض ي رام ى دان انتصر رك بوكوك إنهاد تنائل سوال. وين انتهار رك بوكوك إنهاد تنائل سوال. وين اريخ سادي بوي اورتر بون كو انعة بارس كالبخين لارد كورز جرائص بادر فيسيد الناره سي لح ایک در در کود ال در ایم از کا ایک

الماران في حرف دان الزروك من كرك في كي بدون فلي بن كميا من داجوا النهين فرقع بوي ورعا فاكربسك ي ورضي جوكرد ولعت را مسترصل فران English States البوساكي فدا ركي نوغ و حدد كتبا نباحتي حدد النبي منيا كي أي در عن موي ي او صاخبان كرزنه يبيشروه تيربهب عوس وانها اورخفيه الإخلاقي عاندكم اتها اوروا رى مدوكرونا لكر الحام بالاركوندند فرك جدها موة بران الميت الرشرك والمولاق اركوا فرااكي ووبيكر يواتفاع يوسي از العين ريك سنين قضا كي بمعد و سطفي سي مجدورك حوقا مم موالا علاجراني بياماي صبر بلور بيت مرس العراق المحام المعام ال تطفي الطفي سي جنورك حوقائم مفام بولولا علاجراني بياباي صبر لطورنا المرام ال لعِذَا مَيْ اللَّهِ كَرَامُونِ مِنْ مِنْ كُوسِيَّةُ وَكُونِيْ مِنْ أَوْمُ وَمِنْ أَوْمُونِ لِلَّهِ المِعْمَدُونِ

ومن حركما اورسواكه رت تحکام اور پایداری رہے کی کو پمہم نرمہنی فرال كرروال ومحرر والكاتها والك فاراكردوك فاستر وداو شفكر بنالما برجها د Bis يرمزر

درجرخا لامته غامام واقتدارها صاكرنيكي دما غيين لقيم تيم ب جويلاش كم فري يور استربهر في كي متي ا ډر موسوير وبله نيا يي م بإد و توبين رفيان اكرزكي و البن مو مين جيبن كنير آجر كا راجي يرمز الفلا مروسان در او در رسد به وسنده بورا بدین صور این ما مرای اورهم الميكالك عيدنا مدلها كالرحيط اعت فاح والاركادور في ما الميكم والميكم والميكم The Cristian سراي وليان الزرار موالفي كالمتوان عين الماكر الوك النور و المولاد عا ما كويد يك المع المع يوكره ولت والمستر على فرال المروي سرنه كي فدارك تعفره حددكت نهاحتي مبدر فينس في الحالي دينس موي عيان إصاخان كزنها سيتردد ليربهة عوس وانها و وحيد الرجلا فالمان كما تهااورة اليصنب وتبي رمي تيراور جرادعية وله إفسان كريدن حص كاراد وبحاكها بماكم مين تهارى مدوكرونا لكرخ عام را الاركوزيس وكم عدما مومة اور مند مندس مران افعیت ارتباعی را مولاند ارکوافر ااگر رواسی سی المنه النهار المار الما الطفي الطفي سي مجدورك حوقائم مقام وولا علاجراني بيالي صب بطوراب سران والما المعراق الم

وبالإعسويين مركياه ورسواكس وولسة وشيكس وجرآن وأوك حدرتهن مجا مرطني عورت مختلام اورا والركاري كي كويم بيني رجيدك مها دي نديجا رُونِحَانِهَا كُورِ دِيدًا لِمِرْتِيا وَتَعْرِيعِيدَا لِنَّا عَلَى وَالْحَالِمِوعِيْنِهِ وَوَالْمَنِي مُدَرُّكِ بندسكس فاكرا تبادوده وال كزرون وفي والمحررة المحرك أمااه والكك المبتد معدد اد د کردوگی بات شرد داد پر میناند نیا ایرمها دی سیری کوی شاکوری این وكامي تعاسط مترس في صوراً واندوم ام بنامها وي كويت عامانداد يدا مروة راو عوم التونين ليديكوار فدرات كاتباد وبتروي كالواب مقاع در کاموارانون فرفت کی دو راه کی شد کری دیکان دکرد دهر با یا درخود مقام ع در کاموارانون فرفت کی دو برمى دادك كماكى تى سىدى يان ارتفكين باز آنين دي وي روت راوي و مل لها موكرا بدارسلطن بن ىي بىن بركاك خاندان كوزى تخليف سنعا كى دكر الحاطل بينى كندها بهُ وَمِنَال قَلِي بِن وه زارْ شروع بواكر بهوكر دي كيابكر

The second of th مندسية برونان السيط المان ومواوناني المجورة المناور مندسية برونان السيط المان ومواوناني المجورة المناورة الم مان دافع کابری ایم در داره برسیا بی رسازاد در ا مع فاران والروائع مع العرب المرابع الم على جارت الدوسيات ونبر بيني كي دي ترافيع به جور اع في كم علا جور The Contract of the Contract o ر برکنا کردور و صور عین اور اس کی بینی الا اور ایک نیوندی رور فوجا در برکنا کردور و صور کی عینی اور اس کا کالا اور ایک کی دور و مینیا على دريا مياريم م الوري في الميارة عبديرة ويماروا على دريا مياريم م الوري في الميارة عبديرة ويمارة الميان الميارة الميان الميارة الميان الميارة الميان الميارة ا الري إن كري المريد الم ادى وكركه كرا كوالك واركما وركان وكال في ما زارًا على مقدرا موكر بها ادی وکررکه که کوایک و کار این کهای جوافدارهها دعی بندسیوحاصل موانها، باره بروان با تسروع با اور به سیسی مالی برگاری نصر نموانها می شوانها می شوانها می شوانها می بادر در این این این این این ا مراد المواور المراب المي المي المي المن الما يوف من الما يوف مناسية فقط مها دي سنستر زيني كا كار الصليح والاور ودرت والون كي كوال تعلي منى ش ركاه مكروا نها ورصالا ع جنام عنا بقرنوليس نهر بهامحا من نام ما صل ما كل طاري از ارجم و صريح بركه لا دين اورخوانه بن منوالهي بالمويل ورعلام في البرك بحوراً أو بحاراً والماركة مراد المراد الم منیک نامی المعارس من عیسو مین جوده بور کی مجتمع فیج بسر عالمها في ما ي كه اس روزي رج ده بور اور او دي بور كازوراور دا وسول

المنافظة بر بو ای خلار از مهار میسد: ي طيراول بريزوريكا فقارو وربيكا دطوفهاته بخابنافغ خ النام النام النام روه بندائح تام رُزو مإرا لنواحرب الدورروط ما ون واصلى ندوستان نهاواضح موكم القداريد

اخر و يويكن افري الرحب إدري المحمد ولت إدال الصحير المحمد الم المحمد المعرف المعرف المعرف المعرف المعرف المعرف ينككرا الوكلي ويتبونني فن فدتورا وحي فها مند مهر المراف المن المن المن المراف المرافي المرافي المرافي المرافي المرافي المرافي المرافي المرافي المرافي ا المرو المرافي المن المن المنظم المرافي المروس المرافي اليالسوري وبرهم نبديه وأشفون من علق أرام الرية بناك والدالي موسوله والماليون المراجع الموادي المالية المراجع الموادي المراجع المراجع المراجع المراجع ال الرية بناك والدالي موسوله وريية ليدون الراجع الموادي المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع ا الله المراز الم المران والإياج الانبي بيدين أورد ورالي الميت ورايا

ن را وموارا كوكور ميطارين 100.10 القي جاني بني تي يرويس الحري جوانبار الطاعارون مرواوا بمروات التي ين كياباكا روف بنام خالوفا الأرب باد والريط وفيط خراط المرام ع وادد كورزها وبغداني واسط دوائي كمردون كالماكري كالمزنين طادا والدولو يركو فيورية والم م مدور براولتين مقاربو ما دروال فا ووال روزون بن عدام الم ولاده الور الموضور ألا تعديد كالكالما جاكدالكان والمحتاج فالوراسفه ومسيامه كي زيرعكوسته الديني خواير ببتاً إلى واوسِيا وآريسة اوركا خانه وسِت افقا فيسري فصاحاً راال سندسية كيتا ن بنجاني كأوم بسكتي معلفاراد مكتابي يود يسيكاسان ولرد ومي مارئ سيكري كي احتيار كي درعلاقة بالاج لنوكان كي فاخريف كالوديدها يكفر دارى دارى فراز دارست المرفي ت سوما برادر دونه جومال ایشا دار in

ر جونت راومونگررا در الاین کاسی راد کا که ده مین خود اور آ دمی مضبوط نهااتمانیز The state of the s المنكي عربين كياسوار والم مثلاا ورناكيور بين أرّمسياه كي كميزت كي و بان ركبوي مرف المراد إِرْ كُوْدِكُرْدِيا وَاصْرِيمُ كُلِبِدِجِنَدُ وَوَقِدْ سِي مَكُلِ بِمَا كَا وَرِنَا كِمُوا رَكُمُوا بِيْرِ جِمَا مِا حَلَاكِمَا وَرُو إِنْ من من بروسدالماس بجاری سروار نوکور کیواور ترو وه براکران کورت الاور دان است است المسال این می الماس کی الماس کی الماس کورت الاور دان الماس کی می الماس کی الماس کورت الاور دان الماس کی الماس کورت الاور دان کارتر الماس کورت الماس کورت کارتر الماس کورت کارتر اور این کارتر الماس کورت کارتر کارت را ومفتول كم مم واي ورحمرهان وكوبخيان خواك كي حوال ديره كاما يحرجب وريعطي الا بهرآي حبونت را وما ورنجية براييز، كرارك اكد وطارجوا فرا الزيني مقايم وكالتكويسية الميارك فضور كم بالرس لوكونسطيل كريم الدوريرج دارالمق اينم نباكونها نباآيا ادر كاستناور بورية كا دراده او کی میس سواروسی کار کهاک کیالوز حموت رائی مهد خی در فروزی کر در اعلی مرکزه ر ور رشک تنظیا یا در مقل والیت از جمک کا بنور مرسند میا سے کئے بسر بو کا برآ) و با ک Principles of the Principle of the Princ روله در اوله در اوله در کامل که اور برد وسامین جاریر باب سره بی خروش از با این به از در این به در کامل که دو بس الک میواریدا و می جمعیت فراسم کریم تا میران از در این به A William Williams

7.5 ار ار برای برای برای برای از در این از در المنافزة المرزوج المايين المراج المايين المراج المايين المراج المراج المراج المراج المراج المراج المراج المراج بورآ خرنقيد م الله بن مجيا ورائع كالمرويان دُيرِرنُهُ صلى ارمقر مو ري فصاخاندان مولكر كيم سيانين ريفاً سن خرف دفيه عرمند تدارك كرياك ىدوكبورونى فركر كإمراد كى اختاركى بسردوسوس مي اور پکينه نزوبا رجاكير سي قرار اي و اضح موکرجه پيني شاه ماکير په فرناليس پ رماد وماكم اوم بس جك كرك في اى الافراد بين The State of the s Market Williams 3.5 The state of the s به دولن مل 31.

مي الميكر تي من معدارب ل الموكر رام تر تنها يدسول و تروار كي وغرب ال ر دار اون کزر و الم مین مین فقد اس عارکه رکه وی الان کو قرار و این کرکی و سا دخیر را ا الميا خائجه الله ويوال و والله على قائم الما ورا من عيت خروري كي محالي ورووي كالحجار الم عرصة والنهاسي بريس فضائي الماضاركيت بيركن ولاولدار وخرك لاردكورز من وريال الما المرسمين والمقاري مقابع ودووجد تروه بها وناريا بالمان المالية ماوار کی میداور مور مورس و فی ای اور این کما میدان مارا می این ت كر زور بداكر اضار الي البولما مي الم الله الله التي الم وعيجنام بصابط بورمن خروج كبانها اوره وسودو ملااور تهاال كوك ركع بين خرار در مردت من المجدد الما خده المورض علا قدار در كولكما و المراد المولكما و المراد المولكما و المراد المورد المراد المراد المورد المراد ال Control of the contro مَّارِهِ وَهُ هُرِّهُ وَإِنْهُ الْمِنْ وَالْمُعَالِمُ الْمُعَالِمُ الْمُعَالِمُ الْمُعَالِمُ الْمُعَالِمُ وَا

متدوي إلى والرابط عبة آبه مي اورويس افسيان بين الده حيدرا البي الميمور الميمور الميمور الميمور الميمور الميمور الميمور الميمور ا ميرسان البيري دورد الركي آب و ما كومي روانها به منديث الكوري، اراً مراس المي واسط ميلة والحارث ورما ما الجمالي معد الكردي طوف المركمان به والركس مندور بها المرج مقام بي تين كاج المنعبود إلى يوسك فران م عيد مرود بال او أندكر فا مرات فطوف كي ورعلى العباع الت مررسة قارتمامقا الن ازى در دومار كنرى بن حابج فروري فارغ مراما البيت يتي درض يارموكئي لورمورها لأند ع تساح وأفعت بسي مدا السائل سے اس مران دون کوسلامتی میں میں ا الرسينة بهادر اس عله جانا ابني فصلة والله جان مجني تكل موكي را على المرهائي والمواهل أرهام كاتوالا وراي المي الم ist Minister.

To the property of the second Tool Birthing to have المنصا لكما درنا راسمام

الصيوبر كالرواني ونبق مرعود ركذرا ركبوع في كالتي حائة برمتيها وروق للكي بت ای اروادی اور با میارم بعض معوره اسل معلقة ركارعالى زوالك وراصفي مالي عام اليه لدوين واحاركها سرايلي ا معاصل وبها مزوره والما والما كوارول بالما ورورها عاص المرام ليم البرمقون والمنظم المنابي كالما اورا كالمراب بدكاته بي ركان النوع بين وزيسوا والمرزول مقا مر كريها كا ورفام كاور والتي صواعد ع صدين تق مروال وافراجها رمنك و فروي مهوجي عاجز موكه فالمان وركالفرفين الزوال عجرا وتلريدا وسركار دولميدا ستركر كي عبينة فليل سي البورين فأت فيولي اورتصال لديم الأنفاواسط كونتي فران الخريروالي معرري اوربيد فيزيسي بدئ مذكورين فوت موارنيالي راوام الدرج بن ركم وي با يكور و با كيف مركم لطف بي بالارج كوسموم كيازة اسى . بي الدرج بي بي الدرج بي بي الدرج بي بي الدرج بي بالارجم بتاركموجي في كاجلتين يرسوا جوكها برده كورتما دا درع الجبري كموكرا إي

د كون كو تام مروك كرفيار ألم مراكم رِيا ، زكمك روكول وكملا في وبنا بروان كي اور بندكا مدا فَى الوابِيمُ بَمَاتِ عِنْ صِلْحِ كِي وَرِهَا يُأْخِرِهِ وَبِيمُ الْمَالِجِ. اورِم Partie Contraction ن قتل موا وادمد علم الصرك في حراد أهم ااوا

أمدارنا ل أيان من وافع خام فول والكاس كم عبا كرت كا وركم فا را درعبو اا درایا ولی منگی نه رحمت می منظر کریک احد کر کویمبیجد ما اور لیز با مسینه کوری مزارد منظ د مونا كونسية كراور ا قرار رام مسام كوم بازار مقابيح قليسولا وركاكيست او قرد اركر اوارك الميصار جانداأور فلوج والاستخ جريمطي كالمبط فالمانة بن وال كرزونكا براا عال خداً د مبول ري متاجز و کردام ط صلح اندراو حبونت کو استخر دارا کام ار منظ در محربر کرده بی اور این ریز کورند نا مدر فو شرندا مینوای د کمر لفرند افزاد است. ایم ها. در محربر دو کمیری اور بی ریزگورند نا مدر فو شرندا مینوای د کمر لفرند افزاد است. والبيط المروااوركمانا كم في نبراسية والميك المدمو الوركوي ملك والبيط المدريركم تجوزكر في ورز كركسين ويه وينابر وسيت مرمد وكو ؟ مطنجان ما المرت على عنواليكه حصوريل والركي ا وربو حص ببكن كمان بو وين وي ما الماره مي الماره عبويين مل إلى وسيسالاه المراد المراد المراقي مو الفراق مو الفراور من المراد المرد المراد المراد المرد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد . طنور مین ای درصلی تهری در این رو پی ایا نه دانسط مدد مانسر ایراو پیرا با بالراكيم حربه ورنيبينوا كومع متعلقان أبيح بتورين جو يرمت كا وندول المربن وادا ورزكم واغ طونه با وسي عدامو / ما كانبرا ما يوني الما

لمة النجروز كاركز كل او ال پار-لادا الرروز لادا الرروز مياه مان كي

الكروان موا وال وكر فرالل مها وكر المراس الاور فيوا والله براملا والااليان ت الماري مي مول مرار ده اس جنيت كن نها من نها وكروي ول كم تدري أبيد الزامي مرا الزري ريز اوراي فرن وي الدين الريال المريق الرمض الرمض الرمض الرواني م كردالبا اور تبوالع مرداً طرف كباوركر زم مسلم كو عاكر المربعة خاصته كي بيروان المربعة الموادية الموادية المربعة الموادية الما ود اور به مولا بور واحل من ب سيرس به المراني المريد الم المريد الم يه وفر فضي بنو فولد كريون مرسى مسافيا يركادره كا وكل النوسي ما وكل المان والرووك وكران أيال تعالى من المان ال الموري الحوري راه ي حميه الزنزي وكما تاورناكا به واسط ند كوركم مول كم بنور فأيرك علقه عال كالوراب مع ناكله كم وه انوراركا ردادتها

وازيم ماكالتي بن اسرف و ان بن سرآدي ني اورد و زين جوانا باينه اين لک کوادرويشا 3 ان برقان دار رکسا ٌ فَهَا كِي هَ^{نِكِ عَ}لُم الرجنَّا كَلَمْهَا وَكُوكِ إِلِي إِلْمَارِينِ مِي وَكُمْ مِنْهِمَ مِا وَمِنْهِ طِيرِح و د كا وُ ياه كيها كي اوتكوائر رئات قد كا كوكليا. بطے ککے سے رواز کن وہ مہی راک اور اس م ہوکا

الزكاسي الجيادانهر طارلاكروف لباة دنياا ورتين تراريا بكا لكر معوز درما سو أأبيكا وركئي عبورا الوعمل مواا ورببت فعلود رميان ي شرط حرار المكرين وخيك كارنا قبول إوردا ليك جا كالسي لوا يا رست بها ورسيك وجها توكملايا اور داسيط روف وبدول الوسردي ما د التوريث التهار و سيمن عليف سياه ورتيري تدبير كردي و كليا و الزري كومان مان تبي محامره كياسهم يهوكيون كاركي رقي تطور تي تعامره المرايا حكام محلم اورك كرنبوا كا خرمي بوااورسيا ه الأزي و مبيي بن مترق و مبيي ل مع من وربر ل مرجمان ع صوت المحد الطريق المرزي و رسم يا ويرس يا ويرس بالمرزي المرزي ا المنازية المنازية المنازية الموالية المرابعة الم الله:

بالهردوم رال ويصمون سيابي قررمي أمكاوما، وبارداً. 5/6/3/5 الزئ يمير 37.70% لازدكورزجه

يفكاجروه البك توكرين المجود مخاردا لطاع الماكا دركم وكعليا من الماريس تهربن وربطت كي سردار خانف العبرل بويني بالمران دوركا است تے اور تبوالے المی کر دیکہتے مہاراہے کیا کا فرکو ہارتا ہیں۔ میں در کر کا زمیر جو بید صدا ابرونجی مانکا وجوا كم نسط كيا كما الوجي كو كل جوامرها وو إنه بليت بين كم مركا فردل منه جومراو تما إسك النبري رئيسة و موصى يذكها تم كي كا و ارط موركم و مكيا كافر الريس اودوا بوكي علادة موليم ما والم Contraction of the Contraction o اليخ اورو التي جمعيت المراه كار خوالم مركو اداره و بهضرت الورد الفرزة مراه ورد ال شریک اور مالفان ورو و ایا با در در میزد رس مراری حمیت او با بین ماکار دور درجا د نیکار استاری لم من واسبط بنید مبد وظ منظر بن علازیه اور منبولاً مجلف من عایضاً در منبولاً مخارجاً کراماً منابع المرام عنوراً کراماً القوري بودنه كردياد وركام سبياه كوانبي مهياكيا رسيدنت بها درند بهي صعبت الزريا مراهر وغيره مي طريخ اسدم بنواند با م كا كربين سب طرح بي تمهار العليع ومنعا دسو مَ يَكُولَ مَا لَ جَكَ بِالْمُ هُ وَمِنْ مُؤْدِ مِنْ مُؤْدِ مِنْ الْمِنْ لِلْمُ اللَّهِ اللَّلْمَ اللَّهِ اللّ المحواعة ونهبن جربيب لار كورز خب بن در لكبير والمعربي ويجامعبد الرفعان والم عوض من كم قلور ريم أط من بهرا ولا يمكول بو اور صعبت جليل الديم من الكوار الما الموالي الموالي الموالي نيزيمتورا ورئني تفايح كملابهجواتيه لكما بحج از اسكا مرتب نهواله فركارف ديرًا ورزاين على الناره سى بندره عبو بين والبيط عبك بنداره موسوا و الرضاع المارك الم

وكمك بروارنا وإمياا جائزا وواعدادا مركار فاطلا قانون برزيم مع الأمير ووس (مرا) بشخف في جداً أُنجب كودان بقام من ميكن بروادها أبغوي فري مهدوي تبالعن سيوا واور ميستسران عربيج حوعوت وارفاره والأ يين

ين نيدا در الرائد المان الرائد المان المرائد ا معادة دروس ريت والم بغاون مسيم منديا تبها بدر كامر دع و"درون كالم اس مع م رستوا الراع ادر منوا به من مسر معی دان ما دارس ما کار بردر کرد را بر مند است. ما برس می رستوم در و داورس لاد دکورزمها در کار بندا که شد میا در کلدا و رسته به در نداد از می سود. ما برستوم در و داورس لاد دکورزمها در کار بندا که شد میا در کلدا و رسته به در نداد از می سود. الالمة ذكات خدار والمرادي عام المرادي عام المراد والمراد والمر عام وان والعام الماج الماج عاداي عن مراكم بع مب الربال الرب الماء الله المالية نيرو قراب سيخ المراج في مدور في المراج في مع من المراج المار المراج في المر رب افت اراج و مدور شامل صب ماک مور وار لطام الاکر با درجاد ورد المالی الرک با درجاد ورده المالی الرک با درجاد ورد المالی الرک با درجاد و با در علان محالات محالات و المان المالات المعالدة المع

ي وكارخال كال الرَّاوْتِها كِلَّهُ رج رج رك المياكان بورانا ماكان عزا تفا رعديما زدوافل بوكم المشائم وقت بالأكماك وهير كالدانا والم ر موس میدون این برخ اورارک بی اندور نظام ا این از برس میدون برخ برخ اورارک بی اندور نظام ا الدرك دونون برب غطف وركع جدم مسانان غيرب و دو و نوان دور الدر ك دونون برب غطف اوركع جدم مسانان غيرب ر از ایم این توژک طوین این صبت میں مون کی انگیر این توژک طوین این این بنت بادنه فرااج او کولکها که ترک فلیسی خر در ا وادوكي والبنالادكورزصا ودكاك ب رمیدت بها در کا ماکل

كي سكر كوكل اور مها واور بالوحي جوج بي منول بي مردار اورادا ولت ابئي تهيده اسط مزريك طل اورتكانت وتودكي بها وكوز د كماسة مع آب کے کوقید کرنے ہوئی ما دیدکی اکرنے رام را صد فبول ميه توبه برمع وكرنه جيك اورسم المونيك منونه مسكرا بنه زديك مح زمانیها و کی رسته بها در سی کلاما که این زمانی فلوست از محموس از ماری اور مارصاری ا به دمر که اگروه و با سی تحل جاری توکیس بوکایا و بان میشد کر کوفیته بریا کرمیے توکون جواب کیا بات به جیا مین کتابهون سو اور مرجب مکم دار در در است بها در میم سکوه الم برم کرد و و کرونه مین کلایه کولکم تارن لات کو زخص بها درسه کر المبتر خنا موسی اس فت توبها و انهر کر آباد دربسر كررها كرمر معينه كم طرفي مي بيكن كوي الت فاطرين كويرا رَايَ الْحِرَالِ فِي الله وجب على الله حب ميكه الرَّجيع مونيه للا اور ميدنت بها دريفه مهيَّم ا رد او كولكما كمرم موية طرف الكردون مواور معاومي كمها المونم ابني فا ويذكو عماقة الفيكوشر وتفكر سي موكي بسريا جراوت بمرح وكوجوا بكر يولرون في بواطا ورجمامي بهاى كواس نزد مكر مسدت بها درك بهي الرفعيد اص عدمه كاجا ارسد جب مهي دسي جور رياكه زيكو مبيوا رويسر كيه لفكونسين بمت عبنوانية ومنام كافيول او^ر يو سال کو ز کاليدن نه رکه دوانه کامی مرکور نه جا کا معد کا دو

Salate Salate Live Michigan البورية أي أي أن الم Wind Williams bi (univa) بالمالي المالية لئآئ ير. امااورآم ده مي ا ندي ورك مي مدينان مر بهانبانها بغرا

يط وزي رور في رميد تساه رويده آيا بالكريد تا الماد وروي المياتهم يت كوركا وبركوفعا كروايا ولمجيد تمرين رسي معلوم بحرق منتي شيكا مور إا ورعامو المحتمد العدا واوك كما احرا ومضطر الحال وكريشروب تما فقط الكي من منه كريل ويا وا وجدايه بوال خرز كالكورك أيدب والكخوف المحوف البيابوارسك بالدرسكوا أدوراني عَن مِن الله في كي اور دلاسا و كرمطير الورن واكودا سط درماريم الميها ورب كلام الم والم والطفع كفادم أيمين فاجراد فدعات فراج كابعات كامنعد برواسيطاس مرد أيد للهار با يراويدان والي يك كذرها في حيول الرك كرم له م سواي كروس في البيطا كوخون مولي وكركر كوب في معدم كانور المنه قانوا المي الله وحواري موجه و روان من الدو كورو من المراك ولا والله و المراك من المرك من المراك من المراك من المراك من الم الموكا الع صف فو الرنيوال يتنواه داروني بنواكر و امكي مهكو قد من و اوا خرع تنفيسا كي مجعير ورود بهي كواكم منتواك رييف بدر كم منيط بير شوري كر واي يسر ب كر منواكا عالجة سيمار وفاين ازاا دريسات بها ورؤملوم وانسرو كملاسي كم ينين مجبون عوال كيرا عب كون سياه اني الشي كرريم مو ماري عبيت مي مرازي دي جلك تباري وفرنين بتريري زكر كوفيد اركم بجادد اور اداده فاسدي ايما أوينه الفروام والمراوالم المراء والمواج والمراج الما المراج المرا

اوربيد فراء د إل موازم الاورهوت كملاياكه مهارأته تحاركودام بدداده وكأكفا دمرني مرحذك فراه كاحذركما يوكده فت موعرة أمينيا مارا دوستن فيفاد مراجل يميد وتخانه بي اور فيد قراع بر أجادرا وفاكر ذالا صينعل ورمنوكنظ وبمستسب عن ودرزك فالموأ يخا والكابني كم جيرك معلوم كال كالمويك كأزاد مورسي وشمى أي م تبارام اوركا وجي ميغر مرك جأ كيف او دُالا مرك طرح كم ينا لكا ول بالدروز وليس امرك ر من المراد المراجة ا ن ان يَاكِدِيكُ كُومِ وِفَ ادر اود مر و يكي اور في الربال اليكن و كالنظ و بيده و ان روى من زيد بدونه والأخوا في نواه الورك و والكر من كا ورجة من مزاوج كما كم فالواكم ورواد أكم ي اور د اللا يكا د بركور ورو دو الكرفور يكن كار يواكر باحث فتاكي

اس با مد خط لکما کوما مام واله وروات لکه بان برای سی سیزین بینو افسال این فرزه ركى مزده بالارزام طوس درسط اد است ب المع موروال مرا كامير المع عجال برا واكاليوا The state of the s وكبار كارداكم زيابهي كوح ك واضح موكه عشق الماسكومهنجاويا لتري زوحه اليكتكاوا سیکهای کرارتم دیوا مو معور کرانی را فی بن ستوانکه سازی للين إوراكي ورزيا وين كذكا ويثر بدفات قبواللي است كبيد يريسر بينواكا نياسوالين سرى بهركيرسوال جور تكما وركما ومركوبهي فيد وسويية سواجب متوانات كي يوجات طور مدر ورك كوج كوارك موكم كالمرجعي عاورت بدائه كلكا وسراس أكرا مه سربور کی بو جا کو ملکم میں تم بھی حلوقها ری کہی حرا رحا صواتم و کی اور روزي كورورنه كروكوني ومرتدك اسكامان لااورتيه مول والميم مسايوم المي راري مركما در الميار المياري المي

يمان المان حاله الميم رو

والمراب وراب المرابي ا . خان در الما المروق و المرادة المراد منه من ما ما ما والدورسيا ونه مل وران مور؛ منكى لازم بى سم كيروي المار بعدادي نباده مو الديديل المخرار لاین رمیدنت می سر که کها مینواا در که کا کوار د و نواز نیم سرب ا قرار د اتن کها رس المرتبان والمرابع المرابع المرابع المرابع المرابع

الخرا i 5 Wyll Fie of ٠, يرز 4.0 -

مان من من المورون الم ان المراب المرا الورسيان بو كوجك الوري مرسد. وكيل مجواله على جائيدا وربيعه بدأه حلا تصريب المحرال المراكزي بعد المراكزي بالموارد المحرال المح الكرري برار كاد الرئيس مع مور اور لك مصعبه اور الاكراء بو ودراس وراس المرائي اور من ميدوري المرائي الم

(زاریه اوزن (زاریه اوزن : 3561100.11 العنبر فنببرا ر رئول داسطانفان خالفرا الر الخرابي والمناور بدا م ويكفل إس حكتي رورنه كجا عا كز ندبياكوا والخط راد كميره كوككها كوتيني يمين با المفرية وندر والمرافدة ركص دائا اتفاق زآماد داكليم بن ترومتن نيرانيه لك بهرماد وحوارث م اي مناع د مدر الورميوري واللي كودنيكم من تماريا يواع البيد نعين العرام كالوكات بعربا بنوركو حاجا ويحيلاروكم ريد زايتي در دكورز داني مي دريد كوكار و الي مي جوادراد [إحدام بر مواديالك

المرابلة ال ردان عندا معدود المارد المرادند من المان الدوادد المبيعة على المارد على مساوري المارد على المساوري المارد المر المعرف المرادة المردولية المردولية على المردولية المورد المرادية المردولية لمقاعد فيولوم في ننا فود اجراب مع (يسيم اور الن فوض فرا كم مرتبه مين من التيم بالناعبو يمان بيوسط وكو دربال اوقيا وبالدرينة الديم كوفاع كواب وعروبوق بين بيراد كا جميسة الحرزي و كر دائي ورسي الحرب وسي مراي حرفي و در بيسيا الم جومه أيبار في المورك ورميت وكله ويوليا المريه يوروز وال المراسي مرير تشكمت ولتط خيم كزور وزيك درج كوارو بنام بصتر بكريا كردانا ورافي يع معاور يمنعور المع والمراء كرنت الراسي مرز والمال وان والنام المالية بماكم من جان الأزول له من ال عوم نوايو النوج كو الأروك مب وزا ورات روس رار نها في الحال في وسي ركول ويدويد كرن كبون طوفية الجال كون وريدي

Maria Mais. John College Way Birming of the state of the sta ن فرحاراً الريار الرسانداتفار إدر Townson Start and The in the state of th مادرسط انحامها على و ان كرا در مصادر و كم من دار سب شخر كردا ، مولا نه ما ارت رواى كونو كالوسوي للفك فلومات سي كالبيبي أواوركر A Signification of the state of Cr. Chair

ياه بن ازان ارزان معالى لـ زال دار مراور المعالى موس فراد المعالى المراور المعالى الموادر المعالى المراور المعالى الموادر الموادر الموادر المعالى الموادر المو ن مديعة الكروميكا كالكرود ولندار كا و فعد رخوار كا ما رئان كرنه الكي كالرم وفي المان كرنه الكي كالرم وفي المان كرنه الكي المرافق المان كرنه الكي كالرم وفي المان كرنه المان كرنه المان كرنه المراف المان المراف الم A COLUMN TO THE PROPERTY OF TH حدرآباد موسے اور بی مسرخ وی اسے سرکارین بین شکر منجاب مدیت کا بجالاتے میں تینے أنا ينزنوب موااور سندما كرس فرخ اول كرزي اورسياه مندي تنمدها كران متواسية is must sind division in بيوافا بوين الح أما لورهم محكوم كاهام برجاري موابيرا برع كامون بن طوم Sund Spind port - July 181 جارها مري رابين ما ملاقة افران الكرزي مردارا مرقب وكرر است اجرا واوريا كولتها فران كزران عجاما دوما اوزاكمبورين واضح موكر مبدو كأورته عام الأيرول محادكا ريكريات وشري موكاكو احدار يدمسنه باليم حسدريا موااور والط اس ركم بارزاع صعب زام كركم بونا يكه طرف رورنه جوامًا مِتَواكُو الْعِ قَبِينَ عِنْ لارْيَ المرابع معتداً عراب بوائد المراب المر

والتعليمة وكأر والمراق يع وكا كالمصور هو بينا داور كالدينات والدولة المرتبر وأني وألي المريخ والريفدي عداد كا فلومرارك والكرمقي للزام علا بما ويركم مازي وندكي والسطايارا وأداب الم ي بند من واي دوراواكدل ولك والراتا والراتات ماما وكري لوام المعرف كلا وروه ني ما برافي كم لي ما والتي مو ومين رمى الركياب الأكه هدرا كالحكر رمنهي اورو مين جال آكي كفل كي ت برا كيفلاد اقدمواا در تجرز من طركم المر مراد المرش وال تصرفه اني الني مروج سوا يا دمواد

معول به مع می الدمهموم مواا ور وه خفید مشر الله کی به بیمان نها خدا ما بعد فرستا از معنی الدمهموم مواا ور وه خفید مشر الله کی به بیمان نها خدا ما برخ به الله کی به فیما این می از این مرفوان می موزد که به بیمان نها خدا می موزد که به بیمان نها خدا می موزد که به بیمان نها خدا می موزد که به بیمان نها می موزد که به بیمان می موزد که به بیمان که بیمان می موزد که به بیمان که بیمان می موزد که بیمان که بی بر ارس العالم المرابط المواد المراد من المراد المراد المرابط المراد المرابط المراد المرابط المراد المرد المراد المرد المراد المرد على رقع موشری نود کرموی مطوالدی کلی ایران و اواز درالده را برای دی برای از ایران و برای از ایران ایران از ایرا

يار الما يا ه وين ايق دوبراند ويرا كارونهم وركان فيكاكن عاكا كرم مواادرة موااور کم دو صوائح ام طبعی موا

مری ار دانان مند د علی آمین می کرد. میز ای نهیم بوی جانج نعیما وال ایسان می ایسان می ایسان می ایسان می ایسان می مارک کام نتواا در بم بهوند دا در نم مورک در مرسند سال جانبی نامی ایسان می به در می سند می باید می ایسان می باشد مربواا درم بهون دا ورنم مو کروس سندس مال عابی نفیما والان است می بواند و می بیاری می بیاری می بیاری می بیان می رندی بی در رای می در داری می باز کرن می فرد را به بیان عابی بی بین بین می بین بی بین بین بین بین بین بین بین م در تا بی بین می می برای داری بین می بین مدینه عالم اور ترک مین بر کسی بین اصطلاب رود من عوم ته الميان المحرالي من المعرفية عالم اور المراك على الموري الميراك المراك ا من من بعين الروع من درا من من من الدور و الما الدور الما الدور الما الدور الما المراد الما المراد المرد المراد المرد المرد المرد المرد المرد رخي سير و قالم مما شرعيم من و فرس و تبارز، و جي ركب تروادي المدور و قال المرابي و من الرابي المرابي المرابي و المرابي و من المرابي و المربي و المراب مع و وسر و فالع مركا سرب برس المردة بندخه الاستفلاسوائي ومود البرائية المرائية المر المان مان المان ا ن از آلیان مند دعلی این حی که ربت مینوایی نمیدم بولی خانجی مفصا اوال التی این مینوا می التی از التی است و اور احارک کام بنواا و در به بوند دا و ربم می کروس سندرسی ما ان جا به کن برخین از اربی این برخین از در از از از برخی رزی بی بود برط نقط بخو راها کیم سخا بمان کرنی موز خور با بر خواند می در در از اصور از این این برخین با با بر در ایسا در از ایسا بر از ایسا به در از ایسا برخین با باین دارط این در ایسا برخین با باین داریط این دارط این دارط این دارسا این برخین با باین دارسا این برخین با باین دارسا این برخین با باین دارسا وروس من المحالية الم من دم من المان ترافع المان ترافع المام ورقائد المار المان المام الماروع المام المان الموادر المان الموادر المان المان الموادر المان ر مربع المحال دراق مداکية در بعض مع الوال ليكا كه بين ما الم المرز الما المرز الما المرز وسموسطالي اورادر توسي المحالي المحالي المراه در النارسون اورون که مسروی بول ها میرانی الامن این از بین از بین می دورد از اور النام این از از این النام این از از این النام ين و و المال المالية ا انا بغروبين فيتاركل ولمت عرشه كامير بهنونجاه وربية مركوره بيندغه بالاستعمال و بي مرستان المراد ولمت عرشه كامير بهنونجاه وربية مركوره بيندغه بالاستعمال و بي مرستان المراد ولم المراد ولم المراد ولم المراد والمراد والمرد والمراد والمرد

And Market Marke ماسرك بمباه فبدر مواجطا در المراج النبيار بر المرابع ال فالماريخ برجدكم اسوق وردريا كل ا) " منا ما ار دنعما عط فلدكوال ركا قومركتم

الى المان سدوي الدين في كريت بنواي نهم الاي خال المان وروب سروب المراق المرا معربه علم اور الما المراح الما المراح الما المراح الما المراح ال مندم كارصدق وكذب ورا مي نوك عاصي ري الذه يعهدا جوامركه كلته يل يخرب الناط المستان الناط المستان الناط المستان الموام المدين المراد الناط المستان الموام المدين الدام المدين الدام المدين الدام المدين الدام المدين الدام المدين المراد الناط المستوي من الدام المدين الروام المدين الموام الموام الموام الموام الموام الموام المدين الموام عرال بربون اوروبا كرسموي يوكل جواليه الإراب وكارك با جاديا الربية عمده روبي كالمربون اوروبا كرسمون المعامر والمعامر والم اجر دان برمون اورویا که سموعی بوگام جوانی ایا از ایسا با از ایسا می ما دیا تا دریا تا در پیده ضده نیا در ایسا مع وسوسكو و قالع مما شرعير من في أرا ، و بي ربه برره و المالية المالي موبه بي مداران راج رهيم من كاتاريخ محارين بترايا اورواسيط ندي بربه بيد. معاران فال كندرا قبال كيدرها مي ابندها ي بيرها بمراه او روسياند كالتي كي حدرا الماليان فال كندرا قبال كيدرها مي المرايد المرا Strain Control of the Control of the

The state of the s U. Tring Je in Just 182 ماريكة

رظ كويسجاد بان وزام الك مرا الله المرامين من الرس ركهوكون ما المراكب الرامين من الرس ركهوكون ما المالي من الموسى كند والم كركوميون. المالي المراسالي من المرسى المرس الما كالأفراء المواقع المدال المراكم والراع مديدة وموار الريئ سام ارتياكن ما ريان الريا اکرد و ن که کورند یا جی سند یک سردگ در صفر می کاری سندیکی ساکرد و ن که که کورند یا جی سندیکی سبردگ در مادر در اور صفر می کاری سندیکی يطريع كالمدكو آجادول براركر وم كوواسط المرابع الأدام الميداده الميداده الميدادة الميد وردده ما استال ما مورندرصون کورت المن المراق الم

المنابع أمارا والمعاربين يداين رادي جونة فقرم كالبيح كتبي بونمه كوركا निर्देश होती विद्रातित رِّنَهُ اس طَحَالَ بِيْرِ خُوار كومولاد آباد صَلَّى كَلِمُ لَفَظْ مِتْوَاقَ لَمْعَيْكُ وَالْمَاوِكُ مَا مِنْ ا مرمنو و نیار د لاد فی مرسد در ایرا يور وان كم وربين بي اي البركية المرابة ؠٵڬۄڗٷڹۺؙڔؿۼٳؾۺؠؙۏٳڶ۩ڮۯۮڶڮۄۼٵۄۮ؞ڰڰٶڰ راداره المراد ا ب المرود بركونا ومناورك مع ويرو والمرصد وم وكرون بي تويد ما ندو . ن سردادان اکرده بزعدانه استفريتي فخط بخ يع جائم يسطي بن كوزو كربيراد ناكرون المراد كارى دوراكم وكان ي كان المراد الم مرار المال كاكررت في موالة بزرستي بن فا بن الم يَي أَمْ الله وكال كاكرون في موالة بزرستي بن فا بن الم ريكي عارد ا جاريس زرروي بي بينركه كو دينا فيول اورهز نبي عارد ا جاريس زرروي وأورآ في والكارفها خديرادس بينشكا دابل فودكي وواسط Merid SAL

مردوي الازمنوركي مواليدكي عولم كرد مادوراني عبر كا غذ كلد ما آورال والاجام أو بن ما ل المرزول على إلى ما بركا ويوسال طور الأورسول ب ار المراع المرام المراق في تعقيل في دفر دوم ين موجيعي عالم يرادة المراد الع المراه المراق في تعقيل في دفر دوم ين موجيعي عالم يرادة المراد الع المراد الع من المرام و من دروه مراه را المراب المراب المرابع الم St. Williams ر ۱ بیانا مون می بین کمیم فرق ساق عبارتیا آور هم نیمه و بال حوالین ال معرف ا مون می بین کمیم فرق ساق عبارتیا بین الم ادریخ کاسنوات ہو ہے۔ ہوں میان زیوارہا دالانتروز فراک بی سندی تی خروا الدو چركه عدد و فرستان دونون من تكويميان الرست المرابي عامجا عا نظا بو ا من بطروی در مطابعی کا عادی و کوشکهای فرانگرر اسروار ا و اس بطروی در مطابعی کا عادی کا حادثا و کوشکهای فرانگرر اسروار ا و راعان ركها تهدرا ويوحل مناسم فوت مي كم موى المر و والرا وتبول كني روز سيد د منوند رمع تنير آيد كوركها تهرا وكيابهت عنيم طا ا ورضوات ال ار می دورون کرکے بورد نامی مینام کے کونا دور رنسا کو مصا وطر سرونے کے رقاه بها درها رقط المال الما والرئي و إن الروايي المعرف المارية والرئي و إن الروايي المروايي الزند عرف نيدو مول محامره منه ومصاركا كري لكها بحك منها م نبرد سرفيد كروا الدان كريم كرا و در زنف كومار ما يكن دوسر مسردارا ميا والزري علم افعے کی اور وہاں سے جانب سی جو قریب بنی کے ہی جانب کا مور اُہ مدکور Child Control of the ZIII. 18.11.18.1.

وداميط وافسيكم الورفوا إلدو فوج فتكافيك مزا فداه جودا دركن تهردا وبردوم سردارال مي شل ترك ادرا بزايك درار الكراد فانوعى ادراكم في في كرائي بده حدر على في تنك أكر الاف رركم بن ك روح دباره كاكوكيم سعد صبال لفساكا موابد موال وداكو تراخي والمخافير فرلاً يَدَّرُونِي مِيمَادُرُيُّي مِرضَع مِي مالك مَفْتُوهِ كِي رَبْ رِدار موكرفع ي بص، د موداد جوام وارك بقرداد جاكو اينه جومي ركس بنا زر *كركم أ*م لينايذت روبان مفرك واخير موكه باجراه اورمور وتغرفورا

المراعن الاي إدفاع المنه إنا حيث الرائل المراع عيد كانها فقراد والحال سرمور الا جراونام المنهوران حل كون مجرار دار الا جمعة كامها فقاد دامل المنهورات الما منه والما المنهورات المنه المنهورات المنه المنهورات المنه المنهورات المنه المنهورات المنه المنهورات المنه المنهور المنهو ر رو اعتار الما المحال و و المحال المحال و المحال المحال الما المحال ال من در در المنظم المن المنظمة المن المنظمة الم المي دروي بي رسرا كاري درويه ورا دروي الم و دروي جوابها ي و به من المي الما المي المراد المي المراد جا ده اصياري واضح موكمها لا مي نوار فيم الملكت اور نوار آصفي ه بها درما ي سد.
الي مارت مي ري بي رور نفي المينوين ديفيري كوار الكي المين المينوين ديفيري كوار الكي المين المين المينوين ديفيري كوار المين المينوين ديفيري كوار المين المينوين ديفيري المين ا

ول دولكس غين كومدون سورجم كيرجورها هير العارك بالمحمر كم فخالفت يسيحا دالا واحر عنمال ינאנום לל ופנעום ان لا مل کی اور

عرورال بريمن اوراعلا ورامعاره مي استار طوار والتي مطارطام العالي ما بروراء الم والدر إذا أبي ماكير كريك أحوى رعاد و بعا مل عنه م كام والسيك فين بلتي من د د لعات عيا ، حرها يوان مبايورورومارك عياره بوخ كتروته كالراماور ولتر بوما كا تها در در کی این کرما م کا انوی تها در ده ما جنی در رقا صواعي بيدريم في دي منطب الرق كم ميو مالير المسلم كارت اون وي وطن موري تها دورسدين نفائ يئ دواراسي يي يوج د تبين بيت طاك ها أيا اورشر برمادالو وادالمقر تبرايا بهرر فيتر رفيتم الويا استلامواكم عاليوضي اجتابي آيك قبضين كيَّة كوكر كالما العب بوت د الا بله بغیص ما در رای نیافه خد کریکه داه زنی در با ی خبر را ه زنی خبر کالیا لبيئة فبيعا دنا في المدمكال يم بني فالدكري لوت والم سوت فلدمكال بين عالمك ويشا مذاول المعبوت كوبالاتفاق برالامرات مان صور وند دار كالم داسيط در مح امورزايا بعد جونت کو حضور بن طعب اور راه جیت کم کویک ی جائد یه ما مزد کیا میدورو در ام جزیر الله عمة كوزيم بما كرميج كي اوراما جائي وراحلا هواكي ما دِت مع عو تعقِر كركي بيخمراري مقول عليا الماسم الفاعات كالوزجي والرك سبها يوبهي المذبابطي بحاعد المان نروركان خود بادناه واسط تبیم تنبیم تنب اه موصور اسل و به صلی تنم ی کم مور د در کی نور د در محصول محالا Marie Service of the service of the

برا در دورش کی بریجائی کویا را برای مین مون می آنی اولاً میرا بني الي موم كا كرجه كار و دكرتها حوال مواصيه رواد دوکن موکر میشان و کار کا اصابی چیز رزیکے جا دور کا عرفہ ركى درا دكا وكا والتصريف من ميك المادر كوسركوكي ا روكوركها دراني ديوفري على كاركا اوراكت مادع ورموي ده دونو منورك جا دريك كما ركرونين لاز رنفاع ا بتاجي وبرطرى وكد د مال رائع حاما خام انبي تتي يت دي بي نفام ما در الرئاما صركرا درم نفا م أمادوا بذيك فرط الطاف فرزا كأوركم فواح إناج

ما عر الدارود الكرام ال وارال كوفيح اوراولا ووسروا ي راكد مري الخداك محوار دررمو ورلفيا بادناكي كود وعق في رمرا بسكراو رماكسكم بدراماك والكيرسكم علاولمن موكه طرفة كراس كم منصل رنداكم بنبيارا الي مهن المست ورجاني موسن كوت مها صورتها بالمرسم مركر مي كي حب ايد ما در از در از ، خالک موروس نتے وروانتی تعند کریک را میت بر الاو ترفیدنیا singolius bestie! روارالا اور کی وج مری المرابع المراب بيتي بين ادرسار كايت كوبريسي تومنل كاين ك د لو كوبون مركزا وكرفيرتني أور ميض مورض ببان براوراه الله المرسارده با دامسطرية رزا كانبين عكم درمان أسيرا دررا مكرمينه واسط بین اور و جر شعیه که و نسله کی به به کم باب نے اسکے ایک و خریر 说

ياه (طابي ما يود انه كردا بذالفا مداكن ومركها كم بفولا الاارت رمز الكيك سريزام توفدوي وفرزا أطريح ناهان بتيرطرح ويريحة بستشنثة اءاتهاره فأ و توليه او داوت وي بوار مفر كر دي اورتام ا برزا دون اور وو ك والحونا زالعة فلوطح عاكبرو فتطب وذي خطا كبويه وميت بره نا وسيسعد بر دیشنش^{را} نهار هسوانچ عبوی بر*ل* ارة مواد اخ مو كرزي زي ژابال زاج 15,150L لغوربن آبن سرجند كو ايكرز وكريط يىن يېرن G. Visica Tiliza ن من مکها کو اور برادين Cally Signer William Constitution of the Constitution of th No. Williams of rapidity.

من در برای در برای در برای در برای در برای در این در برای در این در برای در ب من بسر بان دولت بران باز اور المان المراد و دولة در بريسي من ترف النواز وجبرة الموري المراس الموري المورية والتي الموري الموري الموري الموري الموري المراس الموري ال بورج طرف دا مریخ او بین آن او احین آنا به خروحت از سربی افران افر ا حدرج مع مين كري واسي . مع فري كري مي الأماري الحرال الكرزي ميدال الارس ولت المعان مقول كا آخر سنداله بين ستيمال إلى برغلا محسين منج فيها المواد المرادية المرادي

بلومين كزياداني تعاوت كروات كون بالم وي المراد برّا داما كين لطا كود كما دو بدرد بي فكرميت نيكي مزل روض بدلم



عزجا نيجادا دكما تكورنيك وناموموا ويغرت وحاكمني ونويت فداكركم الوانس محرا جدركو بنارميل مفركياس و نه مبنی کی مها در *وریکه واح بر تا مبوع کا در میلا* یا غیر اگرزی فوج کا رہے روکا ہوا تما بواں اور دوکیشر جوا ين فران كزرون حد كركم الحوط الماوي



عب كالمراد وارد كومين كويرك مرا مناكم باد كانباك دربارين ما كريجا بسكومنظور كهوا در شركورال بذرا ودمنطو ن جارو لی دافعه بر مرکز ما مدادا کورمین داخل در اکل بر آندیسی این میتر رجار دالی دافعه بر مرکز ما مدادا کورمین داخل در اکل بادرية وفي دو دو م المراق المي الموق بالما كالم موفية من المحامل الموالي الميني كوة مولون عن الما الموق المينية المراق الما الم م ار بندن کی متر دوم کر مزاح معنان دکورالط ان منا رفت او طاقه منازی کردان ما اور دومی ار بندن کی متر دوم کرمزاح معنان دکورالط ان منازی مار دروس المارور الماران الماري والمراد المارور المراد ال ن ورخ ل رحر ما دغه و را كونة رآميد اورفيوسلط درود ي المصلح موربا برسال ا والطاعوات والميكاس وكورات كمنا وعادعت والمراكا الأبر جهان فرك من خرزن في ماكي اوراكر كونه نيم كاروكر تروام المروك والخريس جهان فرك من خرزن في ماكي اوراكر كونه نيم كاروكر من والمروك ما عامی ارون می میرین سیاران کوم کی لبان دین ادر جوز کی کون خوای عامی ارون میرین میرین کوم کی لبان دین ادر جوز کی کون در منية كي ادركيفي م بسي كما ما بس خود مبرساليا واسط دفع . منية كي ادركيف م بسي كما ما بس خود مبرساليا واسط دفع . The Contraction of the Contracti المرين أرين المريدة Single State of the State of th كمادركي كالختارة July Children

من المراق المرا الم نابران اليفيا فلا عدا مر اليوسيان اليوسيان و كورتها الديم و المراد اليوسيان اليوسيان اليوسيان اليوسيان الم ر الحاركية المرابية المرابية المرابية المرابية وريون الب و في المرابية الم المعنی جو مرجمان ایس مید ب این کر و میدایا کر و میدای جورت و این ایس میت اگرزی جورت و این این این این این این ا مونی تقی مرکزی میں جول جیب عمور نی سر صرم می انبر مین درای اورت کی لفو یکوند مواقع این این این این این این این این تقی مرکزی میں جول جیب عمور نی سر صرم می انبر مین درای اورت کی لفو یکوند مواقع این این این این این این این ا

مران وزي اراوا م المراك كرام الأرق المراك الرام المراك المراكم المرا ا على آرك كلما بي مستال الدورزما بداكا في مون دارود ا على آرك كلما بي مستال الدورزما بداكا في ما من دارود وركادفيك كوم كدرا فاد كورت الادر كوريد بروي المالفا ضيون مالار دكورزواز لي صا ار اور اور استار عدمی و زی اس اور اور استار اور استار عدمی و زیران استار عدمی و زیران استان اور استان اور استا مار زیر در اور اور استار عدمی و زیران استان اور اس بوزجود ساميك بي كالتيمعرفر ويما بروا والمراد وتمازكمه اورياعا بالبحض كالمضايقة البص ككنه سي والطلاع ربيع خرور لمهاري اورمها ريينجك بموكي اور شعاف ر آی سے مدم موس آرمی فارد کورزم لطال أى وكورر مهادر نداورا كخطون البطح

مرصف العبل المالم در اور منظم كم المار و اور في الم قدم من المحاوي المواقي المعادي المرافع المالم وراور من الم الموري من المحاوي المرافع المالم وراور منوا كم في المرافع المرافع و المراف وكام محلي بيان كبادوركك جائي ورسياه يى دروك ي دكات د كوريخ اور دو رسي مراد وراي المخيع كم فاع اوردور مسمئ وبوركورالير من عزام مناسط ليه آيتا وركاب عله حدري من حوزي اوالله ابنين بالمرابع المرابع المرا المرابع المراب مرتبه رومينكم يك كدا بوايك يونيونورنام سالا ر فوم و السيس أناكا لاسدوا ين مردس نديس زيك مل سكامًا اورس مل التي تواور يد سكوجاب وي افرال الكرزون كوا زنيام فالبيون عميم بسيضوت فبابين ننك بدام الموجوكم ال دورون مسركارين معطيين سركارنوالف ماللكها درا درمسركار كميني مها دريين عهود ومواقيق ب دا بطرفدة وصفاكا خواست كم موسيكا بنا صلاح يستير اللك وربرما لم بها درمرد و المريدان مركار مروسك الريان المراكات الماكية المراكات الماكية المراكات المر

رمايد فهوالورايك بع مايد فهوالورايك بع مارِين ما مينيك خري العرب المساقة وني يوايين الإرن ما مينيك خري العرب المساقة وني يوايين رد لادر اول كرمه جادد كرارتها جفد كم سوط جافروني يترا كم البعل وم برانعال إ ر از نیسونریان م^{ن ب}یکن خارخه و که جدف که «دول کیک و بن میاز کوفوانی» معرار نیسونریان م^{ن ب}یکن خارخه و که میشوند في منظم الملا من كي وي الدوه الا على موكر افزال الشيصية المعلم الله ي رَمَا مُذَرِينُوا لِيسُرُّي عَلَى أَنْ فَلَهِ الْسِيرِيلِ فِي كِيرِ الْبِيرِيلِ فِي الْمِرِيلِ لَا رَوَالَّ ي رَمَا مُذَرِينُوا لِيسُرُّي عَلَى أَنْ فَلَهِ السِيرِيلِ فَيْ يَكِيدُ الْبِيرِيلِ فِي الْمِرِيلِ لَا رَوَالَ مادر بری برای وصف یی مدم دوان در در کراین داسیط علمور در العظم مادر بری برای وصف یی مدم والمركادوكادواكسويك درون كالمريد الدور فطرير كناج وكرفول كم ادر عديا موفول فلاصفصول وازمامه مبثو سأطان وسركا زنكستمل تترا عرفه دما جائز كا فرال ندروان م الله بها در-The city of the state of the st in your de

المن المراد الما المراد المرا بر در ما روساند را والمراق المراق ال المو معرف مرجند كرواليها وفع كرية وفرل تي المواقع الم منور مرخد کروان الله و دخه کرد خوان الله الله و الله الله و الله الله و الماركي المراجع المراج

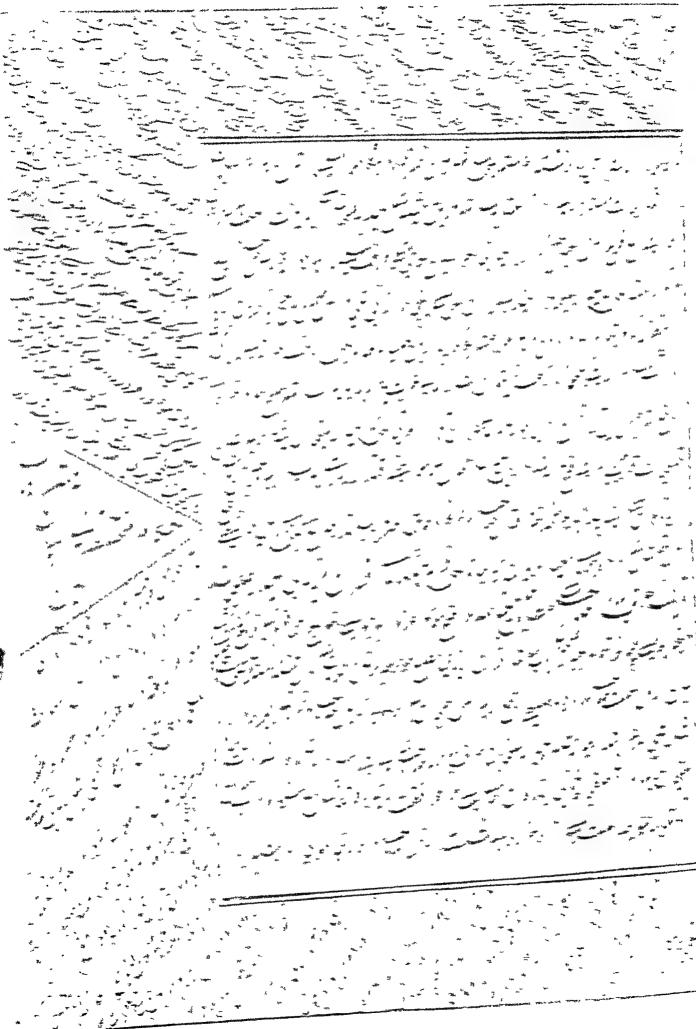
لحص مفاطر متوسلطان دي بإيه اكزم بع دولت بنبوه من مرا دق ورّاً صفال اورعبي خماها ارزاياجي را" ولكما فراست ويك وتا رقام كرا ب بار واسيط سوال و بوك رواز كروا درايك في تلعظ ميك بالز كرردار كاجرل متيب Capital Land 135 C. T. C.

الملاع أن ورسمة الران كوري المران أو المرائع للموال المالية المالية المالية المالية المالية المالية المرائع ال مها به اوران غربدال المراكم ا ب سرسی می می سیمی میری بندر می سیمی میراک طور نیم از بالی از این از از این این سیمی میراک طور نیم میراک اور این این سیمی از از این این سیمیا و جواز غراقی این سیمیا و جواز خراقی این سیمیا و جواز غراقی این سیمیا و جواز غراقی این سیمیا و جواز غراقی این سیمیا و جواز خراقی این سیمیا و جواز غراقی این سیمیا و جواز غراقی این سیمیا و جواز خراقی خراقی این سیمیا و جواز خراقی این سیمیا و جواز خراقی خراقی این سیمیا و جواز خراقی خراز خراقی خرا The state of the s اینیار مبیر حزبا ی کیا در موضع مر نورمز کور بعضا مرکز کرای کرتیانی این دی کرتهام جسیت اگرزی شان رجاري قوم يو المراك و المراك ا ومن المركب المرك Collins of the second of the s

يحما بالرحمن بن جدر علما بدروح الم^{ن و}المالية المالية وَكُمُ لِنَهُ لِللَّهِ عِنْ جِهِ مِنْ رِكارِكِ بِنُواكا تِهاردارَ وسربكسي عبوبهر برتزوطهر لمكن كاوالول ركون هجي مقابا والسرو فعساه الكوزي تبا وركوت مطابئ مبند وبركم نهام كم خارم مح مقل أبليه اه ارج بن مبدرها أربحي والنيول جدرهالی کی آیرا دردار کدنور و غیره ا فران اکرری میں لیتے ہویے جورِیکھق حدرهای وب بسرسا و ذا مِسْ کِوْ جا عت مونف پر حدکرنا پر ادا ده محدوملی کانه غراج مومی الیه کااندر اوّا نین بین مرکز ۱ عذال سب*ے روکر د*ان مولا و مِن أَنْهَا لِ كِيالاش كومور رعليمان كي شهر كلار مهن ا يرز مود بالاجي داه نيدا خياروا قع ميدرفيلي كاسكر ا ق م فلع موا جو نکه أمه كار كم

نْمُ اسْمَرَاسِ انْبِيرَ عُورِبِكِيِّ اللهِ وَبِي صِدِ اللهِ وَإِلَيْ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهُ اللَّهِ اللَّ ا و آین اور کورزجزل زده می حال در کورد با می می مردیجا کی مارش ای ناز برمیما از کورز جرمها اليفيعا معالى المرابيرة وعمر كالران وسي منه والاعبدا مواص المالا ورفاح المراجة فيما المن محموظي المحالية المروميد على أرام و ورجد وعلى الرود وسال خراج المحوام المي عال بررما معنى عوركم المرمن بن بيج ربات وطول كي صورت نفاق كي علود بن أي عيد على بابك واب تدمسترد كرفي تعارفية ابنع منول مو السرسون مريد والمالية والموافقة وا مروت اور کی و قرون مجد محالات بر را اور دیا ان محوار نه در جوار نیمت اورا هیمهای الله اور دیا ان محوار نه در جوار نیمت اورا هیمهای الله اور دیا ان محوار نه در جوار نیمت اورا هیمهای الله اور دیا از مور می کوس از مرفع و کری طرف از این می از در از در این می از در د راها فو الفاضيين ويد به الرود م كوسانه خير وكري طي الورسية المرابية المالية المرابية المرابي

امان ماكر بخار آدا بأكر نا حضرا ارىيا قران كۆرۈسى جۇراليا درمقى كىچەند البجنل كم في والم وردا بيط ككم أيماه رميدوللي المرغ محامر وقلو كاحيد ب والمرافظ م على الها در بذكال نياتين ومطله موكرجه كا ماميا والات لأروك ورم اغترج صفاكا بنحكام إياا دربندر منئي لرك

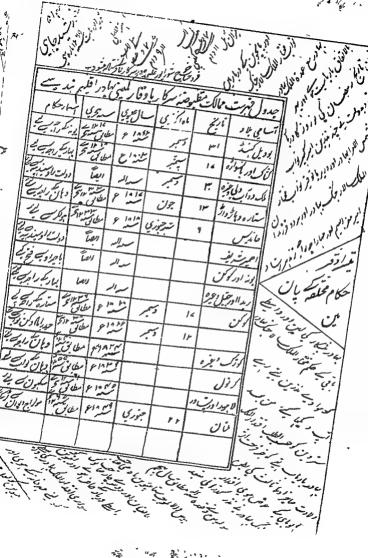


واجدام ما وكيو وطوح يرعلوا كي وجيع والدوبا وت الالي مسركور غان موسوچ بن اگر ان اور میلا کی مولی دادی اور شهر ترکورلیان موزاس امر کو عوضه رراتها كو برونايس زلن وكو راور و كالبركار ويكه نفاق الوراط طوفاري الدوينروا موسي آمو كاربًا رجد اوزوم كأروكي اريكي اور مير وللركو قيد مواا ورقام بركانت يوا منوفي ." الله الله ميوكيه اعاط تعرف جديد عن كالركام و كم الرفاحير. دولتمان برونس كي دولزون لبي. الا الله ميوكيه اعاط تعرف جديد عن كي لوكت و كم الرفاحير. دولتمان برونس كي دولزون لبي. برستورجد ديمة اور قريدا وافتداكا فنطمت على فيهار برفض مؤاليكا ميكا الباقية فلطما م كم أخ مؤديك در م كرابر فول كم منا منا درالا م كنيف عبد عليا مكار جروفوي إناك اور عنن منا ررز وحواس انا كاحقد بويغور مرومنده وغره محلات كرسانقاً ساينه وْجِدَارْي كُوْمِيكِ مَنْ يَنِي دِرْ يُزِيًّا دَرْعِيرِ فَرِيْنِ مِنْ مِنْ مِنْ مِنْ مِنْ مِنْ مِنْ يغ بك بقيرا بيغ فاول كريك اور أبا خال مرقد كا والسب بدف او بنا

الصح كار آدنو در توكر دكر كر دوس كالم الموسي واسط زرم معلى واين بكاده واللها بحمواني عزم الجزم وريحت حذروز من من وممران وسمقران موكن رونيدا فقدار يرميدر علنجال كمر شاكر كيروا سيطكم في في موالة ك نيداروني اندكان و د و دواسط او تا وكي آبهوي صدرعات كواف وكي طلاء متي ت ينه بومين خراً مدتوم مركوري سيان فاصليم روز مواا ورلط بق لي قوار سيحا ما طبقة عرب الزار ومطنبول عمام وفي ورد كالم مركم الما والمكر وفي الم طرف ملكاور كي أورما وكوانني مرحها رطوف والم كرك خود كورس مبدا بتر منابدليا اور فتح تصرف على بها درم وي شاك وبلاك المستعوات الرسية الركيبية لاركيبيار ما صفور ندرا مركز مراد نسان وي اور فرك إورض احوال نيامو خربين بلايا رانيه كلام حدر غلي منكونوالير مج مرمت على القدر ديواكي مياي ماي دايا يد مخلع موني كم مرحد رعلى سفح وكي ع كنارونيم فبصه تقرقيص رجم موموسيك فأركم تينا جند روزين مستر دكئے انہيں وان بين ورب يذرا در بذكان عاليا عيروالف الملك صنعا أناني صب عدل واد والي حدرا بالسك مرحدر دفيل بمي واسط تنجر ظور تبرواكي كملا ماكم بهم ينه سكو تمبين ويا المبير إس وكمواور ال وابع. ما را وا كما صبط كر لوحس الا يا ابط عان مركورند مصارم كورك

The state of the s رم موفّ على مهر كا الأكرب بي منها فراغ أمر كاراته المعاددة بقائلة والمعالمة يدرعلي كايدوفط سيب مغزاليه كي برويجاب أغم منحور مرفرارة ا طليق جار رحيامه واضح وكوند حد رغبي فأسما سره والنابخ ب بم دیکی ایم زرم و بیکار سیکی اور آ والمرشع الن مؤالية في مرجع الوركي جاري بن سركه مواله ت د انمی ره کرمبت میت فانو ظريح مبوران روز والمندرد ما وببت. ظريح مبوران روز والمندرد ما وببت. مُوَّارُكُارِهِ الرَكِيِّ الْطِيْفِ عِلَّةِ كِيمُ مَثْوِلِ مِوْفِفَ الْمَالِسِصْمِ لِيمِّى فِيَّالِ مُوَّارُكُارِهِ الرَكِيِّ الْطِيْفِ عِلَيْةِ كِيمُ مَثْوِلِ مِوفِفَ الْمَالِسِصْمِ لِيمِّى فِيالِّ وميرن ماخرم و کا کرکیایی جائے ہی ہوالٹا رہا ، مرتبے کا بار ہومالیہ كوايك زاربا ده آنيو موات واسط دفع كوه ذكوركم دوات ور الم ورعابي المواول و في المراس المراسي ما في المراس المراسي المراس المراسي المراس المراسي المراس المراس المراسي المراس المراس المراسي المراس المراسي المراس المراسي المراس الم ير اس معرف الشام البن راد رصد مطبعاً ير اس معرف الشام البن راد رصد مطبعاً فأنون فن وكورك ذهن وي بن تضاي حدر علنيان نه تا سياً م Car Mary Charles تروسي عبين عبر Topico de la companya A State of the Sta The state of the s

Ling Williams Grand States The Contract of the Contract o المانخدين لاديكر رونخا الوال حرف مي كرد في كرد في المحربة الديم وين أن المال الملاع بعالي الملاع المعالي الملاع المعالي الملاع المعالي الملاع المعالي الملاع يخ نرونر بتيوسلط كيميانين اور د اخل مو ما مل مقبو ضرع الورسر المعنى بها و بزك قل باب بيخ الان الحيال مبروعال مني أن يكنيز الما مقام الودواش المعال والمامين من المحر المورية على الودان من المحري المعالم المرابع المراب بعوار و وموار او بنرازیا ده بی کی چرکتر در ایر و اسم ام فراح محمد از ما بازی می امواسط ا العبينيان المراد و الماس ما والاراكي في الماس و الماس المعرف المراق ا ستين با بدريا من المارية و المراقع روا جو بي والري المن المراب من المراب على المراب ا جوی وای کرک فی طرح می راید کا بر ارسی با روی بر روی بر روی بر را بر کا بر ارسی با روی بر روی بر را بر کا بر ارسی با روی بر روی بر را بر کا بر ارسی با روی بر روی بر را بر کا بر از بر کرد را بر کرد روی بر بر کرد روی



Colie de Colons The state of the s The state of the s Crain Contract of the Contract - William Will The Contract of the Contract o The state of the s The state of the s The state of the s Les Constitution of the second El Men مدول فيربت عالمته وصدم والووقار Col. do اهمى مهم! أكزت 1 1 y. Wi مهيوالم + # ا و حي p\$ Sok 11 Vis امعين 16 يمنبر سرالير 10 - 1 200 P 1697 ارچ ایس 16 و 1299 جولا ي 19 بالير مي دروغره العا P.0 اوريارى القيا £(1) 13 مسيدال UD. 71 ر در اداما ۱۹ ا ۱۹ مطل بوسم برنو منگ بوسم برنو ţ. 11/1/1

ورنحفظ المركم لأاكه مارسوفيه لی کار اور محفاید می وولاک منی بهادرکر آیے مبسر نایہ سے نعل _{کی ہ} بھی رجد د ل*کے*

بجاع الدولي مرحندوا ميط مفا وجونفا ورلك بني كهلا بالكور وتاميا منج را المرك ا ر المارك ما موركر فبه كوار الورس الدولي من وكيا وقع نتي المرد وكري مودٍ را قرار سماع دار مها كي طرف كريمة كياد مقام مردّ الوكسة كي تي خوالا مزورك الدولم الداراً كي دام بريك ما (وروز كاد سفكون كرزوك البرايا وريخ مكررة خاك بهي فيد ار وها كا بهروبال جذم را بكر كاندر بونيده والرفق وارزيسا وش موكوا مصالح ا وال الم الزراس سي بهر عن مواد دراد و الز فرننبر بنارين سركا درنادير الزرون مغي ما درست ترخال اورترونا في الركوم و والكينه تواه افران كزو كانها يا اور طرف أفعامتها ل ين وبينوك عِلاكِ وبين الدين الدين الدين الما تبالغ The state of the state of the المقدر على كوروارة كوكرة أيطرف حراه Selicity of the selicity of th أمكت واسط فدكاكم لهفت كي وعد اللاق المواراً كوائن ها ومول المراجع المراج ما *منگ کیا کرو*نو کرنا کھیا۔ المجرور في المراجع الم Work of the Control o الزندان الردنيا

To have the state of the state Party Sound of the Party of ا منبع فالمعلم في المنابع الم Care in the said المران من المران رويايي

المردان کی نیاد دی ایران المرادی المردان کی الایس که داولون و کا دارود المردان کی المرد مر بربر سرن درج و در الأوليق المرائيل التي المرائيل المرائيل التي المرائيل التي المرائيل التي المرائيل التي المرائيل التي المرائيل المرائيل المرائيل المرائيل المرائيل المرائيل التي المرائيل التي المرائيل التي المرائيل المر ر درواز در درای از می ا باوخاه مراه بارتغي من فيه موارخت برمنها با تما مهم جوان مريد . موافق وستورئي قربي انبي المرين مان موسيد بهت رسيج المريب موسيد بهندم خان المهمون في سحمله ميموميا

المارة والمعالمة والمارة والمارة وركرنل عيد دونونا ي أريخ جولاي مراله بن الت كو مرب اور مران خوا لجا برادموي واضح موكه ميران بست مفاكم اورسترسيدكان كاتناجودبال مان اسكابوا يين لِي كِلِي كُوسْمِيورِي لِيركم نيل عِلْمِ مَرُكُونَةٌ كُلُمْهُ كِي طُوفْ لِمِر Cost Suis The Company ه كاجفوغان برموا ميرمحه فاسه خان داما دهيغرغال نيه أ Political Constitution of the Constitution of برخرتني درنمؤا وبكرب فواساه رت دينوكا أذارتها كسين بهي فرق أكيا اس عره ياريخ اورسياه الأزى كوكار Cin Concincial أترته دوشهم الدوله كوفردار كلمة بوالسية مرمة وفال كوموو ل ورمير محدة تكال بالدين حوية وارتبرايا محدفامسطان يمكيمت The Marie of the State of the S

المعان فالمعالمة في المعالمة ا المواد في المعالم الموادية الم المناس والمرابع المرابع المراب دِمَّاه بِمِي لَكِهِ بِيَّ مِعْرِهِ. داري بِج ندوبها راو دِيْسِ غلام كوف ، عارباله يكنياه المياند ه خونزی که اور فلویت مع و ۱ ما دست نامزاد م کردار ديثه محقفحال كونام كلما حيطنان تها اداده كرنه بيفرض كوشنرا ده كياه ليا أا ين مّنه كوآبيني مرمي موطوط كوجوعوم موسياه الجاري . Till Out BOOK

ران بول بول بول بول من من من من بول من من من بول المال بالمالين أي مالكان الماليات Jan Commission Color مرلدلتنا فرور بوسر مجتنون فيدور الساسي سيسم معارموا وركزا كليف علي الاكتا الماكيرة ما طرحة رموم اريك ما م ما يجانهارك المدين ري موي الدر وقت واسطياعا يكرم عووتهين كالعراس ي المدين الدين مرك يسرم مكورت مي ويدي م وإدرمواج الموجركوب برتها جاكزا حق رفه الا والفي موكه بندكان فداكوبرج مرج بنفن حرت روادا بناريك الله وي وقل زياد و المراجع مير تعد هجو ما ن فار برن برت الميام تعليف يجي كم ويوافعات بميت فوبل بن وركت وين أتوكه رجيب طرا في اور علم مرحوي الوريران إك السطران في تابع والعقابي سور داراترا الدين اوراجون ي دس الدوندين او على معرانديكه موقع تت مشباع الدولدي استاب بين منباع الدوندنية محد فلنجال كوارب كما كرابيها م فداره و منجاله كالرادات والدينا بين منهاري المرادي المالية الم معور واداله اليدا ودراج ن يك الفاق كريم عن تشريخ المكال ادرم أن عربان الما

تصريح الموكونانس رواك كوتي مبترك كركيا اليد كالب آيد . الما نوا بن موارياكم محيك معلو إكر مرحون مجرك ي مونيه والبندين غال والماد مير كارح والمواجر المين المار مردار والماما يستي طااور ميكنغ شرد بالراع ناداين فمرشجا الدوله وأريد وزر حاكم حربة اودة كوكلهاكم مراج الدواركوم حوفان اركرتب فام مفام واسئ بذعبت وأنسركي واسط اعات يركيرووان

الدول الدول المراك المرك المراك المراك المراك المراك المراك المراك المراك المراك المر مه در الرف الم يرك معهوا المراك الوالم المراك المر روادور مع في من المحال المراب المحال المراب المحال المراب المحال من واحل من المراد والمن المراد اور اور است در است در این از در این الدوار المراد ا و ما المرحفوفان كوسر حبد كم قل بين أسيكم الما المان المراقة المان المرحفوفان كوسر حبد كم قل بين أسيكم المان المراقة ال م من کے زخم کاریے الدر رحوفان نے سروج الدولد کو یا تہدی بسانان زندا کے زخم کاریے ير به الميل وكروي ت وارياي من الم J. W. W. J. S. Lind. الل المراد الراد المراد المال المال

Part Spire المورد المورد المراجع المرزيز مربع الدني بيسنا ولا ربيك خوا والروس ما في الربي وم نيزون كديما كدير الفت المراد مربع الدني بيسنا ولا ربيك خوا والروس ما في الربي وم نيزون كديما كدير الفت المراد ر مي مدار ماني كن جراكم ويورنا و مرفعار مي موال عرفه عند الأرهام الم ن ران يه قبرل اورا كم عبداً سرمج جنفطات وروفعي المالي او بعض الراميج. ران الرودية قبرل الاوراكم عبداً سرمج جنفطات وروفعي الم والن مراح الدي المراوك لي في الراطف الميالي سورك الطيف معا بر سورك المراد و في في الراطف الميالي سورك المراطف المواد الزران كون وكروندا وكم فرف واسط خاصر الدود كه دود كم دوراك الم كانتم ني جوزكم ابت ادامي كلك كا دناك الماسودو آج كسر جا رينے كا عرصه والمين ادردوسر - كوليس جراري ينمن بين الموافع ظروي مود الفالديا كا نا مين ب الى نين دوي سے رائي و و اسط موال دور کے مرعم دوال راور ب الى نين دوي سے رائي و و ے ریں بید جریکا الدونمان رور دوال اور مروائ فی ور اور موس ال سردار الرکومی و دوسرات کرانی کاک کم طف مالی کرانی و تعمل مذکر داس عرصہ بن بالی فیل مراقی کرانی کاک کم طف مالی کرانی و تعمل مذکر داس عرصہ بن بالی فیل مراقی دربار بنهفت زدمك كونل كليف تتب يم بيني دور كرنل عاب مركور تع ف رود كم اي جامع كو كم موضع باني دا بيا اور كوه كافوان المود المود

من المراد المرد المراد المرد المراد المرد مراه المراق الم من الروس الموادية من الموادية المنظم من الدار الديم المرادة كر كليف بكي مورة الويان المنظم من الديم المرادة كر كليف المرادة كر كليف بكي مورة الويان المرادة كر كليف المرادة كر كليف المرادة كر الم من رناین روی از این به اور از این از این به این می سیم میان کرد و بید این به اور مورو وار این او به این به ای به این به این به این به این به این فرق این فرق این به این ب ري ربايها رج. الم يخترين و دار في لاغه امون سري ربي الم يكله و ما رفي لاغه امون سري الميكله و ما الميكالا بنا الميكالية و ما الميكالية و من الميكلة مسهولان الأوال يكرمنا فراريا فرحيض واند وأوفو بدوك ريز كليفري الله و فر ما من الرون من المرون المرود الله والم والله والله والله والله والله والله والله والله المرود الله

اور ولذنر دائع مارلاك بايخ فرارروك اور فرانسبو ل نيه تبن لاك على يج فرار رويي بایخ دوز مید نافی بید مسروج الدوله ی عفا در شن ان تین فراک کی کرمیکه البه وروا ديع مي بدر داي ميكاد لولذر دن سرط ازيد اور والريسيم رورز برسرابه بعوليه لندل سيسارى وظركا وحطب ما وايك فسرو وزاركي ورميماه والكوار مذبرتناني بتع و وسيط تبذيكم روونه مواا ور بغول تض مستر و المرابادور و بان كرا كليف هذا السي المرابي مركد شنه الم 1990 - 90 11 بان کی واضع وکر ہوکوٹ ہو م ہے قابم کرند کو بٹی کا دیکھ کوٹیل کلیف میں اوراد ط والس من مع معبد دراك موادجها في وريا كي روي فلواين جواك فريزونك الكنايك وس كوس بريوال زميداورو بالنامي المياس مسمي سري لادل المجذباس ببولوبااورايك للحراء لإديج فهول سبين جالبدياكه نامرتها راو منحض خدم ا الدوله كي كذوا ميناكم جوابي جال لي ؟ تبد د مويا جوا جوا كوكا كر في كليف من يسم

ال در بالسري كاربار بركا اوروال مربط دوله طولكم يكررد امر بواميتر دريم في حريب كروان تهي كنا كركيم من برك لكن كويه فاير هنهواآ خرير مركو دفلوين مسلا وانني تحصوا وريدت رائمونام عورة ابيرنسون رببوار كركي دوار كرديا صبه كي يوبها مربيطار ولدكا فلور الاكت وميند مرداد قلوم بي اكنيتون موار بوكرا بكر ميمير بين يل ففط قلو عمر برستارا ا خيد ا دي باي ركع تبريج روز راج الدوني ببرط اي او دفلو على اي لا المام كر كايس برارد د فق جواباي دېرانه ايما بنه آيا او دايک سويميالي آ د ي مع ستر مولي کويا موكبين واحالدوله واخل معار بوكر مبتر مذكور كوروبر و بوايا اورنا بردر إستخابن المن من بين أنا يوكره وهوام وكتبابها بير فركور جيك مور إسرار العوله واستخبي المن من بين أنا يوكره وهوام وكتبابها بير فركور جيكا مور إسرار العوله واستخبي المنابع المال المالية المالية المعادة المانيان الم

The state of the s الْمُأَمِّينَ وَمُرْمِينًا مِنْ مُرْمِينًا مُنْ الْمُرْمِينَ مُرْمِينًا لِمُنْ الْمُرْمِينَ الْمُرْمِينَ الْمُ المراج والمراج والمراء والمراج والمراج والمراج والمراج والمراج والمراج والمراج والمراء ماكه املاح ملز كله يكي موديي يطنأ ن مُلَكُاوًا مِم كِنْدِيدِ بِينْ كِلابِسِي مِنْرُ وزاك بنین بین تم خاط صع رموین نیه در زوار برا با پی خدق بو دوای نقط آ چے دلات بین جرآی ہو کوفیا بین جائے اور فراند Walter Confession Est Comment مارا نا و بو حاد کابتر به بر که ایکرزون کومیال م تأوكيس في نياوين اورسيا ه راج مما كو عكر ما كدما م معصوريا كو آديك اور بعث مَامَّة براديمُ وإنْ جاكراكِرْ دون كوكال يَهِيِّ دافع بهوكم الكرز كو^ح أيك كوشي بأكريكم ماليس مهبين والرقيه بتيره وربيالميه جوان سبابي بيربس Ser Will Consider لنكز فراسم مواه وموراج الدوله شمروع الموجوان كوخو دمع عبست فاسه داريرآ بالدومنيزكر ر خفیری کها که کله کو کلیوکم برج مصار د غیره دیا کے کیب کراوین میتروا The Charles of the season of t San Contraction of the Contracti EGG LOB GET W

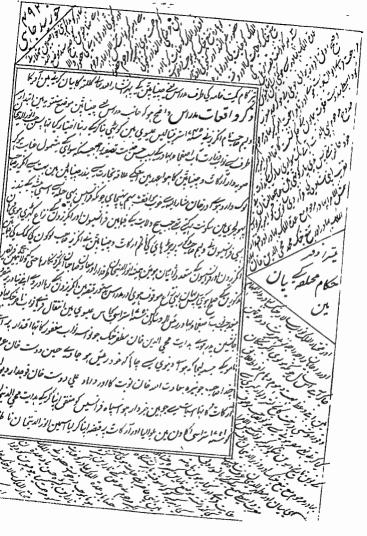
اور المراد المراد والدور الورك المراد المرد المرد المراد المرد المر به سه با مادر المرافر المرافر مي المرافر المرافي المر مر برروان تر من المربوني و المربوني و المربون المربون المربون المربون المربون المربون المربون المربون المربون المربوني المربون المربوني المربوني المربون المربوني المربوني المربون المربوني والمورد المربون المربون المربوني المربون ع در علی اور المار اور المراد فراد و فرای المار میان المار ملكان بديد. الزون بين الكريون بين الكريون بين الكرون و المراق ال المواج كمناظ مركورلا ولد بناسراج الدوله توكيم على عائين عدفا مدا بنيركام وا راحيس مل المنازل المركز الدوله توكيم المواج كمناظ مركورلا ولد بناسراج الدوله توكيم المواج كمناظ مركورلا ولد بناسراج الدوله توجيع المواج الموجود الموج المركز والمركز والمركز

رطوف معهد عان تحرجه كالورب كاكويم يسمايه كو ديمه بن كومريم وتهاوي كمني هاري كمني هويها ن بح الحج ال وكرات برئا و كرميد اورايين يخوم ونيوس دوم مستمي برطلم كرا ادر بكاه نه اداد الأسوم م

بررس والالميف من الحافظ بين بندون كالي باي المناسبة الحافظ بين بالمالية المناسبة المناسبة المناسبة المناسبة المناطقة ال ر بدن برس در در المرمول كاران في الزناس كاران في من در در المراس المراب المراب المراب المراب المراب المراب الم منظر ربيع لكن كليا و حريث في من و في عال مدود كان برسيسي فالي كرداليا لوزوان المراب ال زراک بنین رنداب بورس در بنی فرس و فع جاکر دور کاف تدرسیرسی هایی رود بیاس در در بر به در در با منظر در بیان با در با در بیان با در بیان با در با در بیان با در با د شكر رسيسين عياقه من جيري أول من من فالدوارو إنحار كبالورست سري المراب ا به بلري تصليط و ميام به ميديد من آخري روانس قامه كد فوراو رفاعيت دين الماد ال ستراس آنها وال معيولاي من في كولا بسر مستواله بنه و كري البار و مع هذا من المار المارة المارة المارة المارة ال الا من مركور المورة المركور المورة و المورة و كالمرمة المارة و المورة ال

أهمه كوكولا يكرين ترست ككربود بابون اوريا تبابون ريده ديد اين كال جريفان بي وارد المريز ا اليقيمياه دولغبيزا فبانزر بملى واكبا ذريكايا اوريه ارنه كلياب العامة بونيكم الفرقد أدباء وكردابيط كك محديثا بكرام وي 74. Stan 1.45. 1. 15. 11. 1. 1 العبدال بليدر عدينا اور الدفي توري ورك دوراده ودريد ورقر فه اوريجي- جارا دجا لي الإلكية الترميقية ليعاس كن فرامن كي مستر لا رنس شاكه الموزون مكر بدار و وكفتر ائرى اور مورت ف دې سري مهين يک عي الله کومه کا حضر بيد کات د الاد د ولا مند «ارهبها مي جامير بيما وبركريس لا ش كوم كي اوت كي كر دنين ما نه ، كر كليون آي ليربهوانيا اورسركوب حيزون كإكوكوية تبغا اودميرته لايئه فرانسركي فارمبه للجاليده ده ملانف ادامين لاج رجب برطفه احراس كو تجاليور سيط فاء م كما بهزوانيد بصادر محدعنیان کی مصبها ه اگرزِی اُدای بو یکی یار فرانیسس غامبه تشیعه ارمندر بری اوراک را برک می برد کارا برادد وادد اور تبریمی شرکیا ا فاحتى كو تختاف استراس جمان كمد كما مركم مر ايس اكر نه وكريفا وار دريك تجايز بطا ارخ مفای*ریا موجه بنغ کم جز* آبی دلایت بین فیامین ذاکسیون ادر کرزدن *یک* و کې پس خلاتب اد د د مال بې ل^الې مووّ نه ې د د بلک آسو د . مو کراپ ماکر Shan leinig ... ري دندج رغيث 24/201

معن ن براند الله المران الموادر المران الموادر المران الموادر المران الموادر المران الموادر المران الموادر الم المران المران الموادر المعنى الرفادية في المعنى ا المعنى ردار والأرق البيط مارت البنيان المراق ال المراق والمراق المراق ا الردون ويراوي المراق ال الرود ال وحريا علي الماست م حرموت سياس الماست م المواد المراد الماست الماست المواد المراد الماست المواد المراد المرد المراد المرد المراد المرد ا ميلات الارتوان المورد و الموالي بندر حب من الميلو الميلات التاريخ الميلود الميلات الميلود الميلود الميلود المو مع كنان الورد و الميلود المرابعة ال



المال والماك مريندرا أرجه ما والمحالمون و بريادرا لوابية كي صالمت المعالم المحالمة المحال ماران و مولئه بنها با كريم مين به دولر و الماران الم بوران الم بو ور مادر المراسلة عاري موعم ورا الم محصول اليسكم كاروبيه ليوين حبارم سالارار كوت رون في كار آمران بيت ال ماراتا . كابي و على مواي جين ماراز و في المراز و في ا واطلقا بورسكوماركيه كلمة كوبيع ديفين الركيعة ونداوين مكرنات و الله المواد كواون مع كومفة من فين ول كم يكم علود تو جرم نتوسم بركمن الم William Strain S على كل الخارجي عراه وكلا مركو الكرا كغز بالمين حيث بعا مزيع با وتباه كا درك فونى والزيالم إبيك الفافي ندائيك الدوم أجدار ويكاي سین نانیان یه در نو *ل چی بسیب*ال ایرکر حیدی به امر معطل و با بیداداکین دوا بخاركي و، ونغية وكاب مراركم

المرادي مالي المرادي المرادية والمحادات وا به دوم ی عبار حیا و دومود کو منداد پر واسط را مدکار این منین مانا اورها خرمت این بازی می مده مده محق و لاین مذرکور نها در کو این از کرانی از کرانی اور کلایه اور این می مده مده محق و لاین مذرکور نها که اول کا دول کر در این کرانی در کو و این را نه کراویس مهار در این که اور کلایه اور این که در کرانی کا موری که در نازاد و بغروا و که اول که اول که در کرد در دان فواجه موکور کوبست در با در که در می در این که در کا می مالود که می می در این که در کا می می در این که در که در کار در این که در که در کار در کار در کار در کار که در کار در کار که در کار کار که در کار در کار که در که در کار که در کار که در که در کار که در کار که در کار که در که ر من رویوم المراد من من من من المواد من من المواد المواد من الموا برسال والم من المراد من المراد على المراد على المراد المر جوانبطى وان اكر جمع موسب المجاف في بهان سياستان في مغرباً و ما براده وسيسان المراده وسيسان المراده وسيسان المراده وسيسان المركة المراده وسيسان المركة المركة والمرادة وسيسان المركة المركة والمرادة وسيسان المركة المركة والمركة والم Service of the servic

ورقعد موزئ ورفي كاسريت عاليكرعابت والإلبيس الرجم يتامع ميتم محصول تجارال المزرى المزرى الرزيام والبيه بسال محصا ده زنیا جائم حصر داختی اور دان رساافت اراب کاردارگارگار بية اجرعار من من يا من الماني عن البياسية المثلا بيروابط ادر موری فعر کل میکر اجارت جا جل درست روید نیا قبول کری نامیر کردند ما اکلیا ح ر د دا مان کشر اختیار کم فرح کم نوجه کی اوزاط بخاله خالف سی سکر عرمائه ما سيسونا في بن قيرا درجا ندا كرمن جود اسبول يومني بني اورجهج سي رخوى دندار وكورك أفر وكرك الصيدي والباكرة بعد فررموك كودة يجيسي خاط حواد مهنعات متو كيكيب تن ينون كتبي در له نا ريضافت ايرا بيدادا وي مي خاط حواد مهنعات متو كيكيب تن ينون كتبي در له نا ريضافت ايرا بيدادا م من المراد و معلم المراد المراد المراد المراد و معلم المراد المراد المراد المراد المراد و معلم المراد المراد و معلم المراد المراد و معلم المراد المراد و معلم المراد المراد و معلم المرد و معلم المراد و معلم المر وزندمي مفطف ويقكو البغ واسط نبدولت صورنبك وبدار ادول سكر صعب سكين ودنه كِنْ تَابْرُاده هِ فِي أَرِّعْ غِيمْ مِي حَلْ كِي كُلِي سِيعِيمُ مِنْ مِنْ مِنْ وَتَ بِيدَ النِّي الْمَرْ الْأَوْمُ وَلَيْكُمْ ية وكوقول ديكرها بالورز فيداري ريد تورمال ركما بركيف أكم فنه وف Merchanist and was

مركلي بهركترة ه بواد البارين جود رميان موكلي ورود رائي از وم بارد كرتليف مريما كياليا موكلي بهركترة ه بواد البارين جود رميان موكلي ورود رائي از وم بارد كرتليف مريما كياليا صاحب فنرل كما اور جاركه القراطا كرا يزور و ب برن بادر عنا كربالفوا عاكم بخال في خون عادن مكرب اكبلا المرات ه و وراكب المالا المرات المر اركاس ضمرنان سجفونال نيم وكمناكهورة الجزرواس خابي موكر بهجيل تدسكار موكرتا وال الميني ما در كا جوخت كي بن ما ور ال عالم عاسونياً في ميل مول بي بعد من ميكار موانا الما الميني ما در كا جوخت كي بن ما ور الم عالم عاسونياً في من كالمولاد وركم طوع و الميم المنافع المونياً في من المرد المنافع المونياً في من كالمولاد وركم طوع و الميم المنافع المنافع المنافع المرد المنافع المناف ير حوال كيا بهره بالرسي كو أبيدار مردكي عائم حصر كواينها سي اليا او دمب حسا أم المرزكوا المورية طوف ردرية كياتا منصوات الميك صلاح موجات كير. مبيت هذا صوم داريخالم كورا الله عن المرائي فو كاربر حعوفا بيذنا مراكم كربير فالرعا مح طائل اور فاكر مقية العلب الركزيزا دعيوي على تراك الي مي عوضي كلى اور عدلي تميار دوي ان الدواكر ميكي موافق معراكي برواني تجارت كي موادر نا بر ضاط تا ايك قلوم كي الإنها المراك و المحالي المراك و المحالي المراك و المحالية المحا انو دعيوي مل بن تراكيره ميون بيحري مير داخل و تاتي براا وراكيرون بيول مرزي الاما

المنازن بأراد المنازن المرازان L. Viringini je بالربي فأربض بدادان كرنه ماكه صربذ ب Experience (1912) دِل کھ روانہ کی مورخ مرکز الصدر کانیاسی جانگ میں ما کا رآی موی متی لوال اورا) F. P. Chi له ملا the Elita ، بن اس د فر بهي *تنگ نيخايون يذكها ي مبعد* يهيلي جلاكا بل كإله في أف كركي بهت ما اناركاب كا جلا وإ سبابي لوك برابي جاك مرسط نام وركيا كل موآ دي أغلاث بوابكم يُكَارِهِ مِنْ عِلَى حَبِّ الدِّهِ مِنَا كُوبا دِف و دِين بِنَّا هِ مِنْ دَارِ مِنَالِهِ رِدِبِتِ Bishing and Const Biddings of the state of the st المرام المراجع January 100 Qui Gro of Change Col

ردر معاده الموادر الم برساس ما مواكم وارب من الرب عواس ما مركوه والما والمركوب والتقالم المنطقة فالنالي المنطقة فالنالية المنطقة في برجه مان المركز بناله والمراورة و بديس برجه على المركز بالكار المركز بناله والمركز وانیمت برم اداس معرف مراوروب یه و ما کم کیاله نیه صعب روایه ی بصورت موی کرفیل و صول این جو ما کم کیاله نیه صعب روایه ی بصورت موی کرفیل و صول این جو ما کم کیاله نیه صعب روایه ی بصورت کو کرفیل کو کم را برای که این می از این می این الماكم ما الماكم الماكم عنام عيابين بن جهو عي يسي بس كوس المالية المال

Triving to the state of the sta المولية المراق والمراق المراق ١٠٠٠ رئيم بيهوثر دوجنا بخدجه إلارث وجنو كروكم ق مویا درمینه بسنه کاکر دنین ماینگر دُالا بند بسرها ی طاعس موی ادرجرکه طوبس بن يرس ول كفارينسي كوله صور صي دركية ادركها عصب عارج ال ایج دلایت مکی خاه برکزین و فرانی لک مرجارس دوم مک کا حین دی ادرجیز بنا وربندي بندرسبن كاعطا زايا ككررجارك وم بغروب بنركبني بها در كوخا المبي اور نجاله ابن اكرز مرسل كيك بارام تام مور فريكارته بوسن بيرش لا سولام ں سی یا وہوی سے زائدادر کی بیٹ عالم کیوا رفع کی معموما

وتعن في بري المان دور علم في المراد على ما الركا و جه المام في عن المناس من ما در و و او سور و الكر من و النان و النان و و و و و النان و ا ر مرد در المراب المراب المراب المراب المراب المراب المراب المرابي الم سنتر المحكي سني بوئي عاكم نياه شوخ من و كوروا بي دي كم جوكوي سوا مبياه ببيسه سبور.

الميسة وسي بوئي عاكم نياه شوخ من بوله بولوي دي كم جوكوي سوا مبياه ببيسه سبور.

الميسة وسي بوئي عاكم نياه شوخ بولي بالمه كالور جابي الحراجي في بالميسة الميسة الميس يترس المراب الم ى طلع كي و بال المولا سواليس قرد المرضة المين فلات كوداي دعاد ين وعاد ين المراب المرا المصاري والميطاء بركم في وفي ما كالمتريد ولي ما كالمتريد ولي مدرين المالية الم

The Contraction of the Contracti ^{رے ای}ں الکبر کرمنا ہے کہ کم جو حاک_{ی م}ر کتا ہوا ک_{ر ز}ول کو وهبر لوظاروا والمركز فواخت أبها الأكافي كاكرر المرجدعو Special Control of the State of غفالموا ورضع جواا در مدرسورين الرانبي وألي اندور The same of the land of the la مفهان کوملاکی کِراسوقه کی کتبان موداد ان اکزر دی ایپ ارس المجمع في إن يواا وربيل محت ملطنت برويا نبط فابم بوامتعا فب مبيكي دور مربد جا كيريا ديناه الم فهزان بذ کابی نتقال جودا و کوشا براه کا ایجهال فیزا زوای اقلیم ند کی ذرا ما کابیتیک وحرت بين مادغاه كي بيار بوي على يفرمور إد ال بيكر د ادا بين -مِيَّ ﴾ فابرَن بنوافراج تبيمال إدماه كالبيري ألغت مدري كم (دباركويفوض كي كمجال با وبندسورت بالكه الأزي على والخر المين مد جمل كي طله بو يَالْتُ والله مَنْ علاج بري كيت صحف عاصل مَرِي مزيعة منزادي كارورا وا عرض بيزاً بوي يوفض دف منه على والحرر وكورايا ادرعل كاخروع كاادرمول مي التناجمان مداور فحرراريخ عالمكيري اور موحبك الخريري السولاس جبنه يتنبع بي عالم

اد از خوارت این از دوان کی مواکر کی تو می اور مده اور حمار دغیر و کی سود کریس تعنان المنظرة ويوت وكوسمجها اوروز بطاب المهدا كأشهر مرونج بن الزروي تجارت الماراة والناني والتي باكرن ورسية من رويسيكوا محدود اكرين مفايعه نيريس عرصوين وا المستوحب بولد بادت وطل الدركا مقرم والسولان بارعام من وكيار بي بيني بدن وسي وكيم Like the state of ياروندواري بهان طاح ارين اوغاه بيان و ايارون اي اوان ا المراكز المراك

وكوري وتضرور باربر طالبليت وخركي مسترتس غرامونت تنهراده كياباه ليكون ويستوط وسيركناه الخاركمنا مركاة كادريه كوكان مفرغان كالأفركيا وأ فرماية وغبارا وعلواح الإعاد كالهدوماتجان وزرجوعا فرصفت تعراشون رخ كالرمطاب على ميد عود كولا عاصط بين أوين وبيت تنصيعي وتا بينوال جا ر بی دخامند بوارسی اه ایرجی میمنون کوشد اسودسی^{لو} سربی دخامند بوارسی اه ایرجی میمنون کوشد اسودسی^{لو} يمين ديك البريع والمتحسير إنمادا عرقية فلم بندكومكم والكن وه خاصطريع والم يستدكادور بروسخط ورمنوي ما ومرام يرمن يستوم مطارع اس ضمن بي تحفي خدات مِن اركان دولت اورها تبحان درْرِ اورشندر وشابحان وليعدك ار ایک اور حمد عامر ال مار کما ، کو مهموری سیکے مداور معاول اندار واما مالا Hipor State of the second seco

المسهم مبشر دلفث إن ته سيني مبئر يرزرك او نارف كي تباري كي اول دو العقارها لنبدزي واليهي ازيدوا بسر مركوريدويا بسينامريس كأركو وصفورين جائم فراونها و الكرامية منا بين غروكا عرام في المعمد أيدمة ما مركى مع المدول أو المحارد المادريد فال كالم المهملية والمراكز المراساه تلاسكر ذوالفقار خال والدوالم المرابع المرا وكوام لا النورانفل في وار وعورة مرت بهيماك ما سيجاد و دو الفقارة المليك لطان مِسْرُ كُوا فَلِا عَ كِي مِسْرُ لِهُ وَ وَلِي وَ إِلَى كُلُوا وَ لَكُوا وَ وَكُورِ أَوْ الْوَرْمُونِ مِنْ الْبِورِ رِمِسْمِرْادِهُ مِرورِبِ الاقات كي جو كمروي شويم فرنس ميم دكوش لها شركصال مواسته إدر وموس المبور لى اوتها ه التوت إحميران تتم مِيرَ ما كورند برا بنوري الوکی دو الفقار خان کی کدادمش کی بسس کر دجو بیموس خون کو ن كا برسيطاً براد ومحمول دا بدار كا انبين ما در المحارة والعقار فا والمحارة والعقار في المحارة والمحارة والمح William British of the filter of S. W. S. W.

The siring ring of the state of المرونونون المرون الزبر رنته برد ده كوال كوال ميره بن سواكري شروع كؤاور دن ديكوميم كم اكر رهيم- وكون كو عاج كرديا آج كانري بي حكامة ربن سها كمرادته بيكم عرضي كيات ومطلع موكربت حنامواد ورفوا ياكم إ ه مّاه کرد دا درا کمونماند وترانایه دنوتمان البين سوال داعت هاه مير ادشاه کي *کويکه* به طونسه ابنه كان دوزول نهجهان وليحدثني ويعدو الفقارخان ام ايك ام Chi. Constitution of the second Car. Acid History distriction To the state of th The County of th The state of the s

ستايج اوس الصقبت الي كم موموس ا جوال بها زیم کرون کو سود اگر او کشتیونین بهرکر مشهر کولیجادین مزدوری اور نرخ النين برياية اوركبي ببرسه بن كي ومني المونغ جواجر كم منه برين وت بوال وابي. التومنة بحببها دات كوبناه موجاوين باغام آ د مي ميركم بالرسول لار مورسور العربي المان بي حافات بين كه كردوباره جوكنيّال آوين الجكيّان كمبر د كرد يوي نهجر حهاز الودريا برطيم الركاري لارتبار الورياكروا دوم اورج المحودلوا د المرائم وقد كيني كيابه مرجواك وه داه رني اختيار كرميكتيال بغربون کی اوت بوید بحرباد که حکی بیت بیتمور پریکی بین باشندسی و یا ریکی ساری نومين بواس المره والمن بواس بولدي في منظر المرادري وعيمان المراد المرد المراد المراد المراد المراد المرد المراد المرد بلاك ادري مسابعه و اس الره مين بواس الدكتي الوس كلاك ادردي و مقال المراد و المعال المراد و المعال المراد و المعال المراد و المراد المرا ن فرزار بالرسان وه نه خریر کربن و رخیت کی موجر رفع کر موجو او، The state of the s

Bell Market The state of the s ان دورون مح تونيان مرحفو خان صرمدادسورت بوالله استي خرو تو يركو اوركها كومضا سفان أبادر كن كتب المامين ملوكي الا تهاراال بلاقل بندرسور مرقا وكالحوي الغرنبوكا ورتمنع اغراته منها وا ૡ૽ૺૼૢ૽ૼઌ૽ૺઌ૽ૺઌ૽૱ૢ૽ૢૼઌઌ૽૾ૺઌૺ ل كم م كوفدار دكرون مي مواد في اس ويكاور كم مصوف يو كود الحاقة علااج زير وتحديدي يستة كرينوموه والمن لهاي اسوقت بارخوت بين بين عقارتير سنة ب لاركوات كالتامين صفي الماكم و فالتكواطلاع كي اور الماكم الكرار من اور مريح سونع بي تنظيم العلى فريقة كر مدا او قال بي ما اوراً ك رية كوكها وركيان يسترجيه والقالي أورقام والفوكي كتان وسته ما المتر من المروب عبد أو المرا و وعدم المراد وعدم ښېراد رښراخرطون بر آدي بارد كوشل الركيم كي ماك ادر سكي في ادر ما في درار الله بي ماك ادر سكي في ادر ما في درار الله بي ماك ادر سكي في ادر ما في درار الله بي ماك ادر سكي في ادر ما في درار الله بي ماك ادر سكي في ادر ما في درار الله بي ماك ادر سكي في ما ردار بذومود في خطاع م كا دي كو ديني كم ال تبارت كا باره براگر منج المعنى أرين المنطقة ومار ما الماري الاوالدونفي او به الراد الراد

The state of the s من كريورت عن آراية موريك دوان موكر مدليق على اس الا اوري الهذبي نفر كالن مى الدكوخ دار كما اورك كم فعال مركود كومينها كال صداون ود البنه بكر بندرسورت بن المنظمة المن ب ررب برباز الما المراب المرا من دوسون مرسون مرسون المراع الموسون المراع المراع مولد على المراع المرا ني برعارفا ديم جرير اور مي اور برمور مي اي بيان ي بيد لتن من جور اي اي اي بيد لتن من جور اي اي اي اي بيد لتن من جور اي اي اي بيد لتن من جور اي اي اي بيد لتن من جور اي اي بيد لتن من جور اي اي بيد بيد اي بي



بَرِّنْ مُنْ مِعِي كِي اورُبِهِ بِيَهِ بِهِ إِلَيْنِ فِي نَ يُرُوبِيدُ فَأَ وَيُرِبِي السِّنِي الْمِرْسِيمُ ا بَرْنْ مُنْ مِعِي كِي اورُبِهِ بِيهِ بِهِ إِلَيْنِ فِي نَ يُرُوبِيدُ فَأَ وَيُرْبِي السِّنِي الْمِرْسِيمُ منهابي رورتركيب ت ركي عاج مو كرنها سورت على بالادراكر و بين الرمينة بالأندس بديجة التكي يؤراي البواورند اوزاران ورمدا داورمد فيرمي مركرا كندكر يطايك فقط مبس اوركتهان فري ندميتانير بصنويها كزين سي بني واحال مبيترا كزيم بهت مبزان متاراه ب من را برب الديد المريدة ويم أولا مين المراكة والدور فرا وريد والوركا بوالمية موري سيني المرام كوداميط رَايم التي بهت عنست أا در صنب قبل الورغد منهن جهان عمارات المام بيفت بي تبايي اور تشرفت عروتي نوتي ن كدارش ي اوت بنه نقرك كوا و كا چو مكه عالور جهاندید دنها را مضمت موکیا یی براتین عرضی کرا دنیا در صامند مواد أبضائك كووابستن مبسلوا زكا كجدمه عاعا مل نهواتب ميتريا كزنيدا كغرير بيكرة الراد بالأنتيان رئيس مس عليها بعد جوجو بارياب إرجا كميريتي ال يكوليا الركها نهااور مرابك ي واسبط نه م حصول تما ميتر الزيك رشوت وغر بصلاك مدرا ئ وف ي مدر الزيك الخارة كومطلو يوم اس المركوبي ومسطرا المنعلى نجانا اور درك ما نغت كيم مواسط البيس كوالي بي بي كي دومها ي بنواند ب باكرمية المرودية الموري والايمن المراب معلى المرودية الم

المجران المجوور () Jack Bridge لنبول كاموكا متر اكز فانفرت فالأ زدد نوز ندر زکورین منا که مجها کینریا د شاه بغه اليم فيست^{ر مو} كومورتين اني طو**ر** الرائح بين برداد كرده فأكدا مطوف دیا کی دا ہے جا اثنا روا ہ جا اُن ہم کا طوفانین آکر دّے کی بسیسی آدیج اور - وكا ابقي وكرجره ميك بنع تا بي كما بين كاري رندرمورمة ليطح تفرتخا ل حاكم وإلخا بوكمه ركميّ ل ميسادانفت ركبّا تها الذرسيج أيف

سان درویل لویند به دار الاین بین لیفه در فاله در و با داوی ما فوی ما فر زمار می ارای دروی است است است است است ا میر در این بین میشیا بوکی در بلوی بسان این مورو دور و با در با ما کوی ما فر زمار می ارای دروی است است این است ا در این بروی می افز ارق فرج که او قد او ارائی بین بین می فر در در ارائی در در ارائی دروی این می این این می بین می می این می بین می این می بین الروناكو أرن وليزان الميرون وين المراه والمراه والمواقع والموافع والمواقع والمواقع والمراه والم والمرا المن عنام الورليفي ما والمعين المرابعين المرابعين المرابعين المرابعين المرابعين المرابعين المرابعين المرابعين المنت عنام الورليفي ما والمين المرابعين المرابعين المرابعين المرابعين المرابعين المرابعين المرابعين المرابعين المت من وراه راية ما وراية ما وي الما وي الله وي اللها وي اللها كم أي وموكس واللها والمروال روند كيا أو كوي الدين الورس نفالس بنديكه طايث وأور كور خدي ابنا وال المعالى المعال المعالى المعال المرسال كالمار الغير ولرجر بيال المراث متاسولات تعربن مقان غانيا وس مي من الله المارسون أو المن من الرزي المنامي المرزي

لومينيا اكروبوا بان حورستو دي طرفين كو والمال المالك عمر كك كروة وكمل دومرك فدا واخرموكم عيفرة ت اگرما د ٺ ه کا نبا داخل مواا ورکس رقوم المأدرة واورو على كي كومن ونركت وسيطان فركك مول ادروم بس مؤا وراین منیا مون ادر میشند که ارتفت ان کا پیمپ منت جوانگزری دال ا الحكم مطاني أمركو لياا ورمضمون مرقوم الصدر سبئاعه فركزا وخشاء بنا

ر نگیارین طرح مود اگری کی دالے مرجند کم برگستادر قیام بن اپنے اپنے ستی انگیارین طرح مود اگری کی دالے مرجند کم برگستادر قیام بن اپنے اپنے ستی لا الرياسة الركارعط بداركم ارور بنوال فامر كارجوع كرا وطف ماريكم لاورودا فران کرری سرخ بلاکرمی طرف ریس کان کاک می بسين انبي مرمقام ركب الكمابي لارترتها كي عابة الله يهي الماسولاسي الرسالكم المعالمي المساللة مراد بوند کرده می در در در دو اور می اور این این از می دارد کار بی در این از این این از این ب الراد و خد كوه مي و خدوس و دو هي بين روس و دمفدي زياده و فيلي غاه و بندار ه مرار بو مرسبي بر مدر س ب ب ب س م مرار بر مرسبي بر مرار بر مرا ري المي مطوط بي واروايا زريك السي حوالي كلما ي كان الوراو عبر رايا و النابية الموقا كونتي بالموطى آجه المعالية الوكال كوسحافا ع نباا ورام بمرست واستال والما النظافي والمجاي واجت كرمكم طوف البت بكي دواته برياا وربست بي بط شدا دی کی نیز کرد این از می موی اور باور با در بازی بر می اور باور بادی بر می اور باور بادی بر می اور بادی بر می اور بادی بر می بر The state of the s Control of the state of the sta The state of the s Willes Siller

.0F. تولموين أربع ثرثدها. لعبوي مطابق فثقوض وليا وبجري رعابا بفر كاركود ومشتص تبارز The state of the s تونی تداینه رکم د لا بر مرب ط اور هایت بین از مکر د ل ملا بار الوفون المرازي والمرازي المرازي أو روِّكُ فَي غَرِه مِن الرَّبِارِيُّا فِي كِيهِال كِيْ جِهِارِلِيَّا طِوفا فِي مِيكِيَّةٌ تَقْعَالَ رُلِيلِيِّ الويكانان بي جذبهارا اريخ خدار لطورجوم ترمر مأبوعه فالامحت جركا بخرق وكمنا بيركمفي مفسلاران فلم ترزق مال مح جاري كركيجا ون رئىدا مدامة ماسطى بقستون كروم م فوم فرانبرد د بارک و ول چرباره اراث ایند بریمان ر قرر دن جار مور به در من این داری مورجهای بنن ان مایا ی اور استامون در در در مایا ی اور استامون م زر مجی بن کاموادر کول اور کو بی اور کراکو بر برگر در ایس او کریا بیاد در دل ولخاطر الولاس الك بين والبخرج بيط الدولوكي طوف يجاود و أن بس لاز رکانی فیتار کریکا اطراخ جوانب کوروانهٔ بوید بهرشتان سولاسی بین نیا پر كونتى كِي قَوْالِي لِي أَرِكَا فَ عِنْ الرَّبِيتِيمِي زَبِنِ بِيَعْ فِيضِ مِن كِي اور دام

الريط جا كورز بروز على والمراورة على الارد الريالي الدينة المالعادية من من من من من من من من المرابي المرابي المرابي و المرابي و المرابي و الدالم المرابي المرابي و الدالم المرابي المرابي و الدالم المرابي المرابي المرابي و الدالم المرابي مرد و مرد و مرد المرد المراد الفرال الزون و المراك المرد ال المراز در المراز المرا الدوكيم الما المراه المراع المراه الم غِيره زنابية كي وكول المحال الموجيد والمحالة والمحالة والمحالة المركة منور والمركة المركة ال hogin de la companya أدآية اورد بال جذي عين كى تخارت كى بروكر في ورويدة مكاب لا كالكرد ب Selland Selland الموازة وأس ن از بدادر كر ما وه مر و مروز ه و فرالا اورو بال

ست مری اس و نوخوار مواد و تعویا لار نی این تر سی کا کال می تری و و ما وات دم ملانوان مجم ولبرموكر بيضي جهاز جلال الدين الحرمث وبادنيا ويماج بعنل الوالم كالم معلى كوزاد الدرمنه فالقه جابة بقه وفت والمحديم بدري يريب رابيك المريب مبلك كرداناير منتي موامن مي ترج الخرزي ادرم مي أيريلا ادام ع المنبوروسية لادا مني لم الاوندين كج اورسويس كرير تروير واكري محار اوربا John Street

من بازم والبري الارتباع والبون ويراب المحاليان به المهابية المحالية المحال أربي يبالمون بالمرمون بأكم فؤاء في المدود عوى طابق الدود الره جري عاكم بين و بالتكميم بين و ادام كومت به معور ب و در مساور كل معروف بيمني أفان الارام المرام لور ميرون ، كوني ميشرورون و بين المواق المو ورودا في وك بهاك الولى بن تبيع ادرويل فرندارون تراده وس يتعبيه

Maria Service لناكرا والمح وكمة بملاقليم إلى فركر كابره عال ديماب وكالن يا ورده برلا أمفيل شناوسي بحرق داعل بسالحومة واسلط رقمز ولخا مزاريب أتفا المنوع بالوضاء والمناف المراس والمحام ومستراك والماس ا بى بىن جىكى قونى بىدالى دى نبوائى مى دە بىدائى جىلىچى جىدار دىغى بىدرىغا دۆلاد. ار من المنظم المواد المنظم الموادية المراجية الموادية المراجية الموادية المراجية الموادية المراجية الموادية المراجية الموادية المراجية ال أبن جهار أور آئينا اورك بلونل مرام ببرائي الورجاية وقسة كومت كو و وسيط هنا طد كويتي يان سبايون بري چوڙ کيا بدواجمت اين عا کي يذ کا بدا کوٽ برگر مبني دِ ه لبالله مي اليفياد مود قريسيا مي خوب مقابد كيادورب الأدكم برمط في وربر) سباه برمنور متال کو اُن اور کهناه م ارباع کار نسو اور ایم کا وجی کا اربی کا اربی کا اربی کا اربی کا اربی کا ارب الله المركة والمداني وكالمعاني ابك طويتار كرسك وواحزتا م كارت نين فلفل وزنجيل بكامتنو كريمية سامري أباده رقضه بين أكّر كو عين رائ كرنس بوا إِجَابِهُ بِاللَّهِ بِنَا إِدِمَاهِ وَ الْحَكِيدِ بِعِد الْمِدِيمِينِ مِنْ قَالَ وَلِيلُومَا تَقُولُو وَأَوْرَبُ بت ألم كي اورجمارات إلى قولك مكونياه و ارْ وايتُ اوركم وركيميا و بي وابم

المراف ا المواني كو دار و و و المواني المواني المواني المواني من المواني الموا مر رساد موسود از ون المستاخ عود مولوگر فی المراز المستاخ عود مولوگر فی المراز المستاخ المراز المستاخ عود مولوگر فی المراز المستاخ عود مولوگر فی المراز المستاخ المراز المستاخ المراز المستاخ المراز ا اليون المركوبين كوبيا كوبه المحريين المركوبين السرائي جوين سيمانيان المن فركس كون اليت والديمي والمراب والم بدونها سبر ري مسكرخا موالور دراب شيخ كا قبل الله واليها روان و بوست المراب الم Livering to the second of the

مراد المراد الم Tools of the little percent Derrick Streets ر داکری بنے اپنے فرق میک لوگو کا اس بیشر کیا اپنی دا د وسمند کی جائی بی آنا کو از سى فيا فوعلوي على قرش و وسياع بحريك بانماار بطية بويدكم ا وَلَ وَكَانِينَ بِي يُولُ كُرِكَ مَنِهِ الْخِيرَ لِيَادِلابِ مافع كاحبر عظم كاادر كال فوش بها يس كباب مال

المان و فارين خوان مع بوكر منها مه وارا المرفط في من الإكسلا بمكر رساورسا المفدس علاقه بن اداب و برنسكه اور در نون و بمكه لوك ارسال عجر شركم في لاكرن المرابع ومراكبا نهوان و بمكري و ليسبر كوري وادرا فلي ندسي ادانجله لرنسا م بنيا بدي ادد دبال براكوري تب رهم كي مي نبي الكام الحال العالى الم ادن وركز الما المواد دبال المواد وبال براكوري تب رهم كي مي نبي الكام المواد وكا والمع والمواد وكا والمع والمود المواد والمود المود المواد والمود المود ال اری در این ادو زبان بی گرزی تیب رقعه بی سی ای این بیرانی بی بیرانی بی گرزی از بیرانی از بیرانی بیرانی بیرانی بی بیرانی ب طوفاني مو كرنبردن بعد بن بن بن المراح بالمحافظ بالمراح بن بن بالمراح وبافت است عام المراس و رسود الانتهر حبر الانتهر عبر الانتهار المراس المرب الم

ېي طربة باحاري بس ادرې تما يرکورتو فوت يو جا ده روست صنی آفتاب دین محدی حالی احد علیه والدر مسلم کا او تراریس يسي بدا در نور شن دين كونجنيه كله به كونجب تح اوراك بذكان فدري وساكك اكدون عبري كم تبي لامات كي اورطرم انبين مراسلات بهنيائية اوراليف قوب كريم بدورتة ولايت كولوث يمخ لاولولا سياه جاليهن والموار وغيره تقيه بذكيك نهدله كيزاد ومصور مركز شالفره وأياهيكم لارداني يمركن كي ليداكم ورجيه يوزاسلام كاخوب جيكا اوردين موي برتبار طونسية الم م بن رواح با با بدورد م و غرو تعرف بن ماريد أبت ارباب زائ بي رمون

وزين الكورافذين الام اورالك بن دباراوراين لضراور ال جبرت الكن لموضع منور مي كد مناوين آيندا درمام يرك در ارزا من ميندا تِ مِن رَبِي الرَّولِ مِن مِن مِنَا أورب بِن فِيرِه الصَّا كُومِ عِيالَا الْمُ وكمورك بدازان نها برنيام كى في يراكم مراضع الرقع اورور فقرا و رصد رمه اورالات الكوفراور أسكاوراور كالبركوت وغيره برسبور بتعميل بئن ومسلمان وكسركرم صلية مدون در در ارون کی اسر عکب بین فرما ده بوی و ربیبت موک عیبا شرم علی و ن والم در از بندر که ه اور دانل در صول دیخر مرکم بهای مذوسکام میما سر محسلال سز الميان كارمير دربامكه انبن الحاما دينع بتيا دراننين بونت لغي عدادند كرفتك كرفيا بمكتر منقفي موالب من نوري بين بسبت كي فلك خلار فعض دن مريب المارا عن ور نكال كالل أكد واردي و المجاوراداء ٥ بالمدمنع فلاح والكربح سواحل محرندك بعرجرج والقمات دعا بلات كم فيا بيس لاميون لع رسيل والى ظاهر موكا واحد كاشف السروا مقاله ووم بيح باب مداخلت عيما يتون كي ديار بنده دكن بين ت ذكرت مطال برجانوهوف إدرمردادان فرشه ادرمان جاك



المعلى ا والورد السيس مؤين لور البيني عن رفت مبي الا بها كم المروب بعد المروث المراد المرد المراد المرد المراد المراد المراد المرد المرد المرد المرد المرد ال الاو دوسوایک برس کومت اینی فائمیس بین می بری بر جدین ترقیم الدوی عدر رسی المان الما The state of the s

ي ما احده ي مور بجرده نفزاولادي مففرناه اعظرا وازاك م و فای را ادر ارد عوس عد به کیدنید میران دانه دی کرزداتی على والأيكر كردير الدان قرم وليرف نها دو كيد اصف رمين وسير مطرا ميكرة كار والإيكر كردير الدان قرم وليرف نها دو كيد اصف رمين وسير مطرا ميكرة ع م كامو المر يون در مكر يجين غان بيمان در عن وكرم ن عرف على أسود وروز كا راور فوش ان بنا اور فك راب عاز مود نبيطن شرمات موباسبين طونسته ادفاه كيكور کی رامو کی ہی بسر تفرفان تجوز سے ملطان آصفان کوائی کی خطاب في كا دا نها شند آنه سي بنه ان حواراً را ت ہے ابرمز کرسلطنت دبی خالب اورعطرابیا ام کاک ن على المعالم ورفوف البدار اور معند بن كودا تبطوسة تلونسوفر الموادة رونی بحف مور؛ مرکور کا مولار شدنه آفید سی بره بس سے موس برقالویے ر مِرْمَا وَكُمِيمُا مِ مِهَا مِ إِن بِورًا م كِي حفرت رِا ل الدين اوليادَة وَ

روس می در نسان در مطابع از این می می داد اور می می این می در در نسان می در در نسان می در در نسان می در از اور می می در از اور می می این می در از اور می می این می در از اور می می این می در از اور می می در این می در ا من المراد المرد المراد المرد من العالم المعالم الم ن المراق الم المراق ال مروس المراد المرد المرد المراد المرد الم من المراق المرا المان عرب مدين أو العال المراس المراس

(jaro) Cod فهابقه احك م نا ونني بهال ي ي كا و دورت النار كرديد: ب كومن ال كاله ي الدين جدر في الما يوران رايع الا ول وزين و أو ول التي الا و من أ ا من دونولا برصرور د تناه مرور من ادر مدنوادر برور کا که ده لا دار مناه الدوکتر الإباران وسيراع الإراري ويرب ويواده فرازدا كالفناركية في مؤالية هري موادية المالية المرابع المالية المرابع المالية المرابع المالية المرابع المالية المرابع المالية المرابع الم دام الره جديد اورمهان سراور سرواحية كراميا بيركام حيكنو را نام فاكروا واليخ ماكو مرسخ المركز المالي المريخ المري المرتب الخراجية م المريد المروي أمال المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع ا مرسخ المركز المراكز المراجع المري المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المر ريخ شده ۱۷ مرد النها وربه جلوسرفرا اوربيت ه موجوبيتا ه واحد على المريط بعورتا ايخ شده ۱۷ مرد النها ورب جلوسرفرا اوربيت ه موجوبيتا ه واحد على الم الا الاردي بنين بال الموس كوز فرنين ادرا في دكمه اوروه فوز زند وال من الحاصل صوراوده كالمكتركي فيه رس تعرف برسندندان رمان الملك اور صفة من الحاصل صوراوده كالمكتركي فيه رس تعرف برسندندان برمان الملك الورصفة مېرگلېنو بم رو في امال پرينت واک^{سلي}م بها وزاد رسیب امنیا راه دیجه طویدا باره سی نبیت کلتها می وقت ایر فأرب الدين معدرك دافل خارز ايكر كرور ستر فاكر مدي بداكر فديتم اور الت لم ومّدي عال کيم پنيٽ لاکر رو بي. پيٽوار جي ومول موقع بين کجا

الله كام و كم أن و معرف الماركار أو المن معلى كماركالمن موائده موام وه والمع وكم الماركالمن موائده موام وه والم أداركس فنظم اورنعاب محنية اوركمال والماتيم ومع فرسي منصوبي كزيزه بخرا تقدر موافئ تذرك منهی میاب بن می تنگ دورست سیات کی ماه رفت ارام سی منتیان حوا فضا و فدر کیشی موعد کرد رسه و ارسوس و و مازه کرمت کیا و اضع که عبد مات مهد و ارسوس و ما ده کرراند او ده مازد و ارسوس و ماده و مرسوس و مازد و ارسوس و جيا كامنروقاً دو اولمين كذرا مح كم م الله وركوم هدا دماج سه الهارور ورب المراق المراق المراق المراق المراق الم المراق ال امرطیل اور م جیات بر افرار سوم دانجاد و فاق مید به افران بر افران بر افران به افران بر افران به افران مسلطاني به على الرع بهمان به وي بي بير بيان أندر اور اخذ فران متنال كا جود استيمي المالان الم ساون و عصر مرد رسه است معد مرا مرد مرد المرد مرد المرد المر بنان در المان حداد بنام منظر فرايا من منظر فرايا و مارون فرم طلا دام و و منظر در المان و الما The second secon

ؙ ؙؙڒڹڋڵڋٳ ٳڒڮڹڛ_ڒڗڮ؈ يطائب ووموع وكمرازيق موتم كالوراين فاجورون فواراي وكملامذ كما مَنْ مِنْ الْمَارِينِ الْمَارِينِ الْمَارِينِ الْمَارِينِ الْمَارِينِ الْمَارِينِ الْمَارِينِ الْمَارِينِ الْم المارين الماري يرنان كاردان مورويان يمال كوينه الكرجود ارارم بخديك وايك ذار دوا . عارتی وزرعانیات کومنتی در اکرز میب و کمید بوت سر من میزاد برى كي مطلع وكوليد ليف كردن سي إسرآسيّا ورج آدموز المحص نوك جيم كي افرال عالميان الأزيم متعاني اورمنسون كوسكي جووكر مهيدان البرادين دياا درفوج مواردا ميط فارتبيكم دوا نركية وزر على ان المين و نترم بواآ خوالار و وجاد آ د عول بین طرف مختر بها کا اورنا ، حا في ورز جزل لارد مل بها در مندستك الدائد بدو أكدكا والبيط بولين اس ادارة لكبابس يج يفود إن بنروما في خون لدرعد م قصاص محاهر ، بن ارام سيم رُجِلُ لاردَّي بادريث مو مي البركو شهر كليمة بي مخت قيد كي مصب محفه الله بينوت الني لكها بيكم بنوزمكا فأته بين عال تنيع ميكه وه كرفل را نوام عقوب ورخي و

مر طرف موادن النافي من در بدا بوامدار المهام منه من احداد المهاد و المهادر المورات المعادر المورات ال بر ابت و در مرل ه روی از در کلکه بس دار د لکه بن موکر دا معطی میمکول در در بایا ارمب طرح مطار کا در دوان در این که طار با منویم میما بسیما در آهده الیوا در حارالدیم این میماند که اور دوان در این که دوامر حوم که دار موم این کنی کادد خوری کی کسیسر سرب رید . اگرزی اور اعاظ اترائه و دلت و دو کاه بر رستا دت علنی ان سکیکی اور سی اور ان دانی از در از دانی الماده بر مسال الماده از الماده از الماده بر الماده وتع كني ود خوردي ي ي كيات رك و زر عليها كوا مير كرمي ناد سركو بهي اديا بمسر جدافزان الروا عاط الرام وسر مراد المهام و المعالى فلف المعالى الموسى المعالى والموروب والمعالى الموروب المعالى المعالى المعالى فلفت المري سوده موي اورا عبر المعالى ا خوامی ای برد و را می ای در این در بر ایل در این ایک معروبه کی به می بیان می ایک می بید و را در این این ایک معروبه کی بیمی آبیان ایک معروبه کی بیمی آبی می بیمی ایک معروبه کی بیمی آبی می بیمی آبی می بیمی آبی ایک کابس مراور و پی بیان می المن المروا سط افرا ب تروز علني المراك الكركاس مزور و بي الاز فرات المراك الكرك المن مزور و بي الاز فرات المراك الكركاس مزور و بي الاز فرات المراك الكرك المراك ال

ر المراجع المر المراجع بان العالى سوديك والعلمية وركوران بتي وركام مجده فالجدية فالمالة المرابعة الم المرابعة المجافعة المرابعة ال يرصد نفتن كي طرح المست يني كربيزوان كي نفع كي طرونة رفة مم يسؤليك مِيْرِهِ اللَّهِ اللَّهِ الْمِيْرِينِ بِعِنْدِارِ سِي مِي اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَ مِيْرِهِ السَّمِرِيِّةِ : إِلَيْهِ نِ بِعِنْدِارِ سِي هِمِكَا : السِيرَةِ مِي كافت و و النِّ سِيرَكُ : أَسِيمُ و الرستانية صف و يوني كمرك وكون بعان بسيركية وست تحرير وست خادت كوزغبار: لا إسب كجيه زساندية عاديجا كيكي تو د آربها نلك الع مجية مين له اس كرين رايد المد مورت عوس محدد رادون وكا بي ويكي بروات اله المراجع المراجع ورا وال المراجع ورا وال المراجع ورا من المراكين ودلت بندوزر عليام كيك تعني شبكر من ودلتا يم مقام كارود الله المرادة الله المرادة الله المرادة الله ر تی رات دراذ ایک سوج بواکار برداز رایت دورجاعت افران کنلیتیم ا ر دودا الاختيار كودات بسي الكوسنوب الاختيار كردايي بات امرده كوبر كودي آجي بكر بعضي امورات بسي الكوسنوب الاختيار كردايي

معنون مغرواه ورئي موالبت مرحوف لفرند را زماه دبل الارسطف على الله المستحدة من در به در بیت ساز در افران الماره می افران الماره می افران الماره می به ان خوارا الماره می بید الماره الماره می بید الماره الماره می بید الماره ال من من المعاد المحاد ال ولعوات بن ، رس الموست كياب حيوم ورسيك حيام كا حوال وانعي موكر الكيام وانا مغرام الخالم خوام الموست كياب حيوم ورسيك حيام كا حوال وانعي موكر الكيام والما الخالم خوام الخالم خوام الخالم خوام الموسك من الموسك امل ت الفات الترق فو جرموا ملف ن فروز أن المها اول فر فداد حربور كا جوار مسدب - المان الترق فو جرموا ملف ن فروز أن المها اول فر فداد حربور كا جوار مسدب - المورد المراد ا أُقِلْ عَلَيْ اللهِ مِنْ اللهِ وَازُوا و يَا تَغِيرُ مِا بِسِمِ مِنْ اللهِ اللهِ مِنْ قَلِيلُ مِنْ قِ وش فعه يذ كما ل مد ال وداد يصامًا نيرس رس حيد ، مرب يا وناسي كالساحة المرتبري عوس كالرباع المستخدم المرتب المستخدم المرتب المستخدم المرتب المستخدم المرتب المستخدم المرتب المرتب المستخدم المرتب المر

it of the North March ૢૢૢૢૼૢૢૢૺઌ૽૽ૢઌ૽ૢ૽ઌૻઌ૽૽ૢઌ૽ૺઌ૿૽ ઌ૽ૹઌઌૣ૽ૹ૽ૣૹ૽ઌ૽૽ઌ૽૽ઌ૽૽ૹ૽૽ૹ૽૽ والبياؤكت وبليا مكا موادميز بين مين مايست كي بمي كه مزراجيد ومعلنه لهدارا 10 1/10 No. 19 يخ كركي خطيدة المريس ما يوليكم يؤسوا بالورم وجدر وزيكم نور وفعية خيرفا لأفنا ۱۹۶ نوسوار نیور و مهتند ای ارادر دس رس مکوت کریکراند! او سی ا مِن قَلْ بِوَا بِهِزَادِكِتْ الْ وَكُرْ ادْنَا وَبِوالْورْ وَدَّ بِسِنْ كُوسَتْ كِي بَتِي كُرُفُو ت نفوجود وربدانج من كرعملة وسيات برموول السب تەسكى دورىن كسەر جىيىپ ، موانوزسىلىن بىكى ئىن رىس ن يه بن فازي حارفي به كومغيدكيا و آمن بوكرسا لد کی زار ہوی اور عازی حک - غازي مشاه ملطان بوادوره رمرس رويا بے ہیں دار الطنت ہے لئے او نوسی کر ابن اور ہا لک عدم کا موج سنجا ورسي سباسين الرحيان غرسيص وسروما بركي فاعدار موالب طلت وموالور فلث در مسینے نورس کھومت ک_یسنبدھ اور دنسی کی افر بین ع وزوانه عادت من الرادي ويك الدو

ت وبرام ين الركزم وروان بدوت والانكوركيموي لرية والدت بريت منواعي ين بيدي ورورد بررسند مات سي يسايل المالي من ورسم ورخشوا بالركيودين الله النود بو غينه كوفي رهسته الدكية واج ديا مرت عنت كي ريستم زياد وسيل المنتوين م الوداء يسسلطان حيين جنسير بالندادس البس محروث وادربك ا مواا در وس رس ميس جين عني عكوت كي جو كنه عهد بين أسيك دات امصار و دا و بهت بهم موسم بن كنير بون دومسيدون مع جنك بوي آخر كارسادات فردي سي لمفال المسيسي لوفذاري أتني شاشن أثمه سحجارا وبن كرفنا ربنجه فيتخ نتستاج بيرام بن سلطال نون تعايدين فال مج بوليداس والقديمي فان مُركار ني مدت نورس ميكو ار د کر مورث ه خرور مواا ور نو متر ا د شای کی گسر بار د کر فیم شاه مرکزی كي ابندا فيتارين كي اورايب المرك عكران را بيرمحت و تبريب إركم بادناه د می کی فران فرا مختبر جوانس دفع کیاره بس کاره منے کیاره دان

المال فبناجل أفيض لامور وأب مي حاكم متقل رہے ليڪن ما ت سيحيس براكم ن د مان سه بنول کریم ام ابن بسوام دیجه د کها دور تو اف و که - و کرخودج کی کتے ہیں جستر فرار آ دمی سی سے سکی درل ا و ن کی بدان وب من در راج ما کم بنت کونل کریم ا لگین این مسندهکو کود و نونم نبا بسر طی دای موا دید سیکه احد رسم موابس فیخ علی رامید در این موا بد جيئة رستم على مريكم موالبس وال الخاصلوم نسواا ورعد بن فارمنا المعمر موقى ابل سلام سيصعله وكومت اود للنة و إلخا إلى مته مين ركن منا كه اراسم حال عى مردان فان الم وحاكم يذكر تبركم بهكوكم لااورده وتدبين سيكوان من موا

ربطان احرر مة ملطف كالمهار ه رس كرفاع علام ما مند برفار فا ه اولای بهره برمنس مطنت مواا در بعد منس رس ما لا مهم آرامه مواست بن ملده ما اسامام باربك ويذ عكومت افينار كي اوراش المهر ونايسين بالإل والدور بين فت والبين يرموالاور بس مين مين مركزم ور او دا در بالبسر كذر تناه مواا وراكها مي كروه لبريدم و قوض و د ميني برخوال بير موااور بهان اروس نه رسكن و درس ها بتريين كبير شيخ نه اه عمر كزرتاه بنه كما افضل وكرم ييم ... فتح فناه كانهام نده كومته به عبوس اوربد آبله میزید با تهریسه ارزین و صنبی کند. فروز تاه بن بذباخ ن صنتی نین رس کم بهت منقلال سے مکومت کی کیس طان محمو ما ه بعضي كتيم بين كه ده بسر فتح شاء كالتهاميل ن واو دخير بوكم زيك ك يد صبتي كم كو قال إ وارب الطومادة ملات مواجو كمر صبتي مرور مفاكر و بما كتل بجبا كاستقل والكها بحص سيرتين الانتج المناع كالمت المعانة الكها بحص سيران أدمي اروالي ليزريف كمه نية تزيا وسي بين بان الوقتل يسر سريف كي عفيدا علادالدین نیس نبه کمال سفادت اور عدل کے سما مین رس مک دادو د مسنس كرمكر روانه معمورة عقع كاموابس بفين ه وارت بخرف اضرع مدام بي من و نوسي رّنا ليس بين جام فت كا نوش السيك ان تحرو نيكا لي ستبلاما بالبس نوسى بنينا ليس مين ده علك تعرف بين نشيره افغان سح

لاها رخت واسرم زو فوم كالمار لهما المرسب أن سوطس بروعات الرحجود عالم كي محدالة بي محرفة والميت ِي بواور بد ميزي رموم *يك عورش*ال خِي قرم بين كي ماها مورسطي رريب هنت کي رجس مالديوع دف خوجي والورعهد دير سيح ميخار تعرف براه فعاه و ديگي فزل کون طرفسے با وتندہ و بایکے حاکم و ہار کا مقرر موا بنا دستا خشار کی تھوکہ خطیار کم ماكم بخاله كاموا دافع بوكر بدؤت تنوش كير بالمه فوالدول كالمنت رواكبهرام فالا الوسيد والجانسين ولي مغمت كو قتل كم كم سلطف كالبغرة المرا وروسي سطرا في ك بمطان علادالدير ينير ايك ل جندا ، حجبه ع جي الاسرائين بهور سطا بينسر الدين د لارس مبندا ه رس ملان شركة و قال رسيسه طان غبا الله ين فيه , *رس لبرس لطان له الطين غ*ه وش *رس البسب بطان شمس الدين غ*ويتن رس ل كالسونام نبدد كمروه وكرمشسر الدين ا في كابها عاكم جوااً رجر كا فرتها ليكري عج ج دِين اوربا ني س جدومعا مِكُوه تكبير مطبيع السلام نها مرتب لعشب في المات يحتم المحاظب علال الدين لويدرسسان بوكرالك أج وسروموا كنف موج محبت المربت دعمول كريم عليه لهلام كي مسكوميت بني وأنشأ أقبه مويين واعل فلدموين

ان ن من الروك اورانسي و مفان و عور و دران مان کی مبر درکی فعان و فعر بند توسکه او افتاله د بان کا این نام بسی کماکم نواع د نام و سیک را اور میک اور و بسیات به راس سیما بر میمد و مواه اینکا مد مبيد نام مر مجل كر منها و د منه المراجع في المراجع ر سند والو ي معلى موالته و كرمها در مدكور عاش دور مي كالمارات و الدار نام و مراه المامل و المراد ال م در المرازي ا ب روب من المان فلي فلاس رافعة من كالركمة وتمام كا اعوال واضع وكرام كالمواج المرام المان في المرام المان الدين فلي فلاس الدين في كوران وي بر تردين دندان برسيط لكا با درادوره ميد. بهنجي بني المينية بني من بنير ديا يوكون بله توريف كي دانت عاسدول ميك برسية باوسوه مكومت بها رمنكه و في كي مسكوعط كيا خسان سو المدرولة موالا ورسطوف جا كوسوف مكومت بها رمنكه و في كي مسكوعط كيا خسان سو المدرولة موالا ورسطوف جا كوسوف المورية المراد ال Control of the second of the s

The state of the s وكالبلطف كركم أبسدواميط منترعت يك دركد حل بواا ورمذر وبزارعورا يربهه يمي الجريم كغرن بزوك ارسير لبلادا انوصنيس مدد فجي بهره ادرم كي يشاغر واكرتية ت يدزة في باتن كي ابتدا يمي برناوي كي سين كم دور تبري وكذب بي مكوت مجرك كما لكم د الافران المراس من من من من من من وبا بنواد وركمه وخيسه كي مكتبري في منه و مملايا شنه نوسهٔ بنی بن جهان فایی و دواع کها میدسی مسطان با مواندین فلی مرددم سه کا منده مهمات برداد و بهینے کی رمیب ل *کریے* سا دنہ بدا دی *یکے باتیا* ہی کی لیسی کھان^ج ني ينرا جيّا فيات الدين مُركور كابوالقب سكا كرفا بهّا امواسط كركرا كواتي أبان بن وكوتم ورا وسطان توجهون كو ابنية ؟ دوكو فن سبنكين بكرفاب وكما أما عبدا البساج تتعلقه فوست نبرسكم بها درمث وكجواني آبا دور ما دسيد كو له فر العرف ان ممه د کوطون د زنجیر کرمیمه جا با نیر کوبهجا دیا برس طف اس کسار مجمّا يهلا لهبن كحرامته كجي منعقد كبير فنها فيسح المياس بن سنبسر خالا

المراد ا من من من في فالله من من المرافع م من التي كي برزني وزرود من من ما ورفع ما رفع كي من كي من كي بن المراور قام المرافع والما المرافع المرافع والم وزر درک کورون کی برخوان کرزی میسرون داور دوافع بیسین مقالهٔ درم برخوان کارون کی ایسان کارون کارون کارون کارون ک ال راورت ادريسي عا عامع كروزودوت محدغان بربوان عامرواز غال والاه وميذ غذتين ونجو وادرك ال محرّ فني خال غو الطور المراج الحاصة روا كا المركة الاوال وافع بركرون أنه المرجون ولول والله النائج المياسية المثل المالة الدراج المح وغر على الرفايت وت الله ال فرف النافي أنه المغرب الدوار ته دلاور فان غوري نه كروه اول فاظم عربُ م كوركا شاجر دون الناعان موسم المرات الما مادلادرعان دري عرف دره دون عرب دره عرب دره ما دره من المراف المر

ولسنيخ وسف فبكر دو فرنسي معطنت بيسا آي بي وول كوت كي بعدا يبرالخانه وميرة أفهرن برسكرادد خطير ابنونام كاكل 1. 4.6. 1.6. 14. رس ببرسلعا ن حمير ابن ملط قط للبير المناديام بي آدايه رسر ادر ع رس خان اين اد ورش الدين دار ديموار اي آدايه رسر ادر ع رسر كان اين اد ورش الدين دار ديموار مرزانا وحبين ادغون سيريس لهاهي لاطين وبإيكروا بهرجذ روز موي كو مهاداجه وتخبت سكيفه ملفرخان الفي دعوين مطاب سريم ماماره زاليس بيري يم براك مذه كاكِ تَهَا بِ مَاحِانِ عَالِمَانِ الْأَرْونِ ثِيرِ بِيْ سِيرِ عَوْدِ وَلِهِ مُلُوسِكِ لِمِيسِ عَفْ يدخ كسكول حالك محردسيه للرعطف هداد كمنى بهاوركا كيا جنائخ شرح سكيفا كمدود ال أبخان دادرتا كالأكا إحوال واحركه اميذا مابن جدا للدينه وفت مين

عبى ن كان الم ويجتر برسير بركر مرباني والورميون وسياني مركزداليفيدا جاني مكر مېزراغازي بېرېنيون د نېوالنيا دېرې د طف و ال برواو سې کا دراو سې کا در کام کارسېده نفرون کارې د يدكوالور بسرزاجاني مي ميشكم ها كرواكار مره ين ازين ميروري شرك مواسطي ي رسان هو Confide to عبی مبن اور آخر برگری زباره مجیا به رس که عرصین صب دکر موایا برسایت نفر ذبی آلام الحباستدا داني ملك سده بن عالم مسفل سع مند زايد كنزك وه ملك زرول سلاطيس اكثرى كادورب فلروين مسركارعطت مداد كميني بها دركيه بالمما كالمحيكا كالهج ال ومفع موجم ممان بب تديم شهر جادر سوائها تديا كي بطول دط مان ورا محنف بمرهم عجاج طالم بن يوسف تبه و بالت جزيراً و بن كار باكما بحريث خروسفا مادر اسفلال بهج بنجايا ورميدوب اسك ربطسهرا وكوطها أسطخال وكرانجت بربطها ورلقب نباسلطان فظه للدبن للنظام فركم^ا مدت دوله بين المسلكي سو لارس سكيتر بين كم د بإل تعالمي رمنون كي فرم سے اوام را جي بن لف انا کناكي كرنيے بتے بر توسطال بهي عل بن الإورسلطان حبر الكابسراك ل قط الدين مند مدرت الوناسي كادر حين لنكا عاكم موالنمسية نوسى مع من بن ميردات ه حين ارغ الني اس ولاب كوميرك

ليرابي علبقاكا والمجام سنده اورتهبط كالمحوال برمياة الا John State of the عدد بن دليدين جد اللاكم جوج طالم بن وسفي ترشيب مياسين افرار بيضيم مم م^اد دار مورن محدوث المربيطي والخاكيات الادرائي متدور إلى مورن محدوث المربيطي والخاكيات الادرائي متدور إلى الله الله التي تومن مؤه وأو كو البير يقو في التي التي تعريب برع جيم يتم النه بين مقام وتوركو أ اً غرری فی بهم طوه ارتبیج روانهٔ کرک فراه وانبیر و با کی مرافساته کی برنام الدین قبا جرار و ، ليصلطان مؤالون مام كمنا لشرة بيصريم فوبن سلم منطرا نبال ادرم ترس كر كا وال ويسيرين لهادر جربی مسلم چھسی بنبین وابل ژور کے مرکبا بندر ، نفر طبقہ بیسمہ کا نیون میک سے وري البغة تكن اولا درس مبنيديكم جانبية بين ادر جار نفر سواابيط فران فالتا البینی اِس بلتے بین کم عفر بین اکنے غوضکا م کاکمزنت رہ ایک بیدد *پریپایا* ما بهٔ ادراقبًا بهٔ ادر بقد ادمیر بذره فویکرای معوم بو تا بو کمن په وی دَا بَخِوْ مِنْدَ مِنْ وَي ثَبَات بِي وَبِينَ لِبِي مُنْجِي بِلِمَ بِنَ امِر دَو الوَن ار فون

المقاس فالكارمات كولاري ترانى المتاري والمقالك المتاريج في أور في المراجعة والمراجعة ، بيركون الموادي المستوالي الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية ال مواجه في من المعرف والموافرة في المراد والمراد الميان والمراب والمروق المرادي والمرات والمستالين الم

in the state of th دان ژي زائ ويل پيک And he pays to the لوه يك في بن اس كارزر من برب بي زخ مسكندر وآم كه وَفَر مَنْ بَا بَعْرَ كُلِي الْهِ جعت طوزاد النجم ميزاً واز _وكي اورو بان تأكر دارا كي متي ميم كرخدا يا بي كيا و بيررا_{ي يا} . بقود بهنجا تعاكم العي غراها كيم مبرد كملا إنبطت مجاري سلندفه عان ونمب كرجاب كى ماد دانى كى منطق كى مرسط شكى كار دوسال با بزندى متي ل ابعاد ان س بدايور ا ِ زَبَّاتِ وَالِي فَدِرِتْ ضَاكُما عِا سِي ادِلِسِ احداً مَدْ رِكا احوال رَحِبُ لِلْمَا فِن رِورِ رَحْم اسکانا و براور سسکاس قبر مین به اسکرده و فرد ارد امراد در و ۱۵ و می رسته زیمان سیکردا مبرك رمية مكر بمبو فحط اور وبا كاهام حلق إحد بر بهواا ور و حضابی بر جمع صامة اور اكم علی کیم وقوف ته مرکبا میزاد رفتات تیکنفیسه آشنه بکر دیب برکیته بون کر دید بن مانورون کی بي مجا به اور اجين دارالا مارت اسكا بها و كن اور او دار سادر نيك بهار كورت سوز عالك البيط زر كل بني ادرو وبت اندبت يضع ديلي ب كابل كرتبنون لایا په مینت بخیراور مبسته عایی رکهتا تها حاجت دود نتین خل اور کی سی ب*نته ایجا* ت ا دیخ علی کی الک کون کوئی عاداتی بی طبیقے نے اکر اسین

400 ولاين برد رفش ورف ترمين ورف المرابع والموق ورف و بيان و المرابع و المرابع و المرابع و المرابع و المرابع و المو ولا مول الاربيا و رفق الموارك والموق في والمعاول و المساعد و المرابع و المرابع و المرابع و المرابع و المرابع و الان وي المنظم ا محتران النادية المحرول أوزير وأليه المدرق تيت توق عليه متريم والأورد النفل ال بالصريمين والمرابي المرابي الأرافي والمان الماني والمرابي والمرابي في والأنظم منتور فالزار في حوف كي يا افران مُرَّد بِينَ دِست بِدِرِي مِنْ والمالِي والمركبة المعادر المراجعة المعادر المراجعة المعادر المراجعة المعادر المراجعة المعادر المراجعة المعادرة المعادرة والتصويم في وافق رمين ويركز المنظم في التناس في المراكز المن المنظم في المنظم في المنظم المنظم المنظم المنظم ا

الكيموغ وساه واسكا بناكا درعو جاري كابير 159 الكائل والحاكة مق ما كرست فد البيخ بويد ادرأ وق واركا واركي ورانبي مباري جذب اسطح وسه آخوالا مرا ورب بعجاكم ادره كالورك والمكافئة وكالمحرية ددون اِیْن بین انجامز آبین دین در جایان فالمود و فره المدين أو مدين المراب المال ا الادورا والما المراج ال المصارمحلقه الدولا ومتعدده بن الميليم و كران الدولي الدولي الإداري و المران و المران ا اورلفظات ي مستم اليفني كما يواد الما الدولا الرائد الما المرائد المرا المان و وجدون موادر مهمین دو مقالمین مرآ الراه (کرار الراه) از الراه The state of the s Million of the state of the sta Million of the state of the sta Million of the state of the sta



الدر قدد در در در المحالية الم اردام الماري الم المراد ا الموزيل المرابي المراب The state of the s in the state of th

المرابع المراب دوفرزر تذاك يعرض ماني كيرم بالانب والنما لمركب ومراركم ومرورها ومنسنه ي برك ارفت عرا كيا دن بركي بني شنه اصل يكر بيد ويسك دريك كدوا كي ا بايغ دوانت فال اد درا فيا ونائي مرك م. بايغ دوانت فال ادر درا فيا ونائي مرك م. الله الله CHECK CO.

رًا ده موك تنحوا مها مو كروميتيه لا لمن وغره مه اقر ارتضورا علا ي طره كريا سفران نبت كاكما مهارا حراما دبله ما غير بنم صور ر نور كي فت كي بفته عشر اكر يجا عي وعزي ا را روز رجة حفور على فرمها ومركورورو با و فرا يا حركه ايد كوي بروآم بن اين مي ي عايت كا در اسر تبييم كا ديا مهارة صبها در مجري اس كبرى كابيالا با در بروقع كوموافي ا مع المراج وخود كم حركال دكيما إنها فد كركال بدو واسط وفع خريك فيكا فوت ريت ريخ الموسط اوررها كي منورج كروع فري صوراني او جود ما فرا التي من عنه عضر مطاب بن من روافلعي د لانده و ميمادار ديمكريت ييسه خواس الراد والماد الله وليا جوكم بال قبال غرقوقرمها راجرا جرمندونعا بهادر كانظر دنين نقر وقط اس دبار كم كرمتن وج كمال بوسكاتها صيباكم تقرراً لأ طار بيخوا ي كما لمرا دول بررز في مدارج دام كا حوادها المان ر بن و رب المان البيت موافق التي الماريك تها معددا حركير با إلى معروبي بن سيح

المنياري فيتررسا دنفوفسك وثريرم بوآبديه وبمي مِقَعْبِتِي بِعزواً " امِها دكي كه مُنْخاس كالوق تنويهمّا دوك رويوه بالورمين كمح يطول مستعاره وبرجها جرمها رجم مها درفرا ون زدنعي كالدرم والمرقب موتفيكرني دارد والمكاكزاتيك وألها كهنفري Wight Brief ليراباره بدائر آليرك تركيس طاغها رابحاليح اكدن منحاس مِنْ جَنِهُ كَامِنْ مِنْ إِنْ مِنْ جَبْ جُورا ودم نايد تَوْرُكُم فَى مِرْفِيدُ مُنْ مِنْ الْمِنْ مِنْ ليبن يزبيجا اسوفت عاعمد إقرخاك في منسدي في المركز أب بال كريث كميمها واجها ورنؤكا إسركا فيلم كركيرب فراياكه وضع ودم كي يزدكم وكي موان يحافركس يه كمياً كندي ادريتور بمرج بميكر زيب أكم منزماني ولين في قول المسك وزيج كم عبى كمرين عالم رق الم يرور وسط ذكر كي نناتها ودم كي تاريوها في م نینے میں کی کدھرن روا ہی بربول *کرسے* افغال سے دوردہ ہوجائے میں واقعی میں سیسے بيجا بزادر حهاراتهم وركوفيا لأمراكيا فهابت نها أسيئة الإكمال شاست عرقه ال مغير مود دویات دروست می آید بنے البین دوست دکن اور دندات و دو اجب ما يقريم بيان The state of the s A Bridge Contra Tier Collinson Tal Chang

کیمیں بقیری سے پیسے طفیہ لیک جدہ بھیدہ لدیمین نظراً تقریمی ادستمار بغدا دانکا منجا کورہ رای سرکا ہے ودسوجوال نظرین اور دور دور کیسے کیرسید ہوئے تفک اندازی تفریم زا در ہواور كرن كواداكرده وبهين مهادر كرزية كواناكرك بنداني زفي دفي بربط خطار في عالم تعلقدار قلعدار به يحمد مين نفول فيص مرتب زدر الربات در الأنكيدي بي درجو كم وجوا الميامية عالم تعلقدار قلعدار به يحمد مين نفول فيص مرتب نبر در الربات ديدالا المحمد ي بي درجو كم وجوا الميامية Constanting langer بعدة الده كانت بيرونين مركب وكئي بير يونيت مراروك بهيج كاره برارير بصف والبني مرسط ادر مولد مقلد آلهم نهرار تو طازم مطرم بن سر کوچ و مازار پریت مهم کمزر د کهلایی دیترا و روشیر قصات ملاكك ححروسكم علل كالبح ملكير بهرعنوا مبهمي فيوالحا صل مزاح مهارات بها دركا ط فه غزا أي يميت تها بسين زفي مدارج كي مرود ك رويه كيرتني حي يختص المقدور عقد ركه كوسنسن كركيروة وافل في خطاصكر منصوبا با بالدرو دبدل بربه المتصار تقراد ربب اد في على موسي فعيله الاران بالجار فروه الدولوارمورون بها در مناسی در بررکها تها قاضی تو ال عاول می و در ما سر کمانیکر بیشتر اور مهابا المارنية البيانين وفيان بنايا الما درخي ركل مهي المع موكر مهار احربها وريخ مراج بهت بيركوريا العرانان العالم المعالمة المعا ققب بلاسياحا والبمب وكويرة كالترواز وإحدار لأكه لاكه والحصوصًا تتوارير كالوين المان مورا مورا كار المراز الم ورسكنون رنقيهم كيئاور موماين دبو مايرا آخر وفت خوربسوان م كاوراخ التا خياقا تر تخاص البات دال ركها تها و الصيم مركم هها را جربها ورامور ملكي اور الي سي نوارع مور ويعلق The state of the s المرابع المعالمة المرابع المرا

ishedines nest. المجال المرابعة المر المتعرف المتعرفية المتعرفة الم المناسبة والمنابعة المناسبة الميكينية المراق الميام المراق الميام المراق الميام المراق الميام الميام الميام الميام الميام الميام الميام الم منؤته نزل مخودوم ميدملت كي فرايك أم فلك على ام الدكويه ديد تقريب سي يكورا معانك وتطاووهم يابار بيناليس باجالي واجرعها وأكرهم يندونوا باورخطا عطافر وين واميط البف فليسككومه راج بها دريمك أبيد وفي افرا بويداد رث ببادينه بريانقاك إودواني مطل ادرمهاراجها وملحوطه عاكم مجلوم كالمافذ ترتبا واحنح بوكه السامين وجبين كوي سفت كالباجلا لمحكره وارحاري تبريض وستدوم عاولعاره باويار المربت بيے مفتر اور ما بي بن خصوصاً عوب كي رقبي كا مرا اللكالك برار محدًّا ابن خال م ايك تفس كي تويل بن ين ييايد

اورخط براع کی وربها در کا د له اگر چار نرارموارا ورجا ر نراربا ریدوا سیطرندوست فلع سده او روم وطريه وركني كوية وغير مركم بيسي عليوس روا فركي الركو و كميري بردام لكبيت دا م ابن في كرا م فايم مولا وردا غير وساني و بان طاكر مرفول كوا فدلاغ بور ميمة ما رضيعية واكم د شرار سوارا ورمد الكار وار تمانعلو اورمكورك ورجاد مو يسي لكركم بم تعليم كرنتواه بن لالم اكرزي كيوماي راج دولواما در العان المان مولهي مارك بوي كم عهد بن غلدارا مكاه مغفرت مزل محدر جاه وبها در محرب مرعاد بها المين المراب ال وبوان موسيد الإلا ما ره الكيس إن نغير ليسار كوتم دا دراج ا در ميكم مرها موانيهم لي الله المراد المراد المواد المراد المر الفعت مِلِمَارِي كل صعبت كالميتم وسي حضورا علاميكه ١١٠ مبتدسة اناكم الراج حند وقال افنان اورا فرکبان المانون بی اور درانی المادر كاربردازي بروات بالعوابها دركي راج بالكش بررائي بهواني داس جري المخالد للمراد و المراد الهايكوري ناباً واسط تدون موروز كي مفراكم أيا سطوف كرم موااور مد ميرين المرابع المجان المحافق المرابع كي جردوني مبرالملك بها دركو موي مواليم نيدي م امودا مالي اور ملكي را مراج من ي موقوف رکها اورّاب مطبین موکر نقط محرر پراکتها کرادر آسو ده ما دام انحبات خانه کتابت. الموالدة برابر برابي المالية المرابع ا William Children Colors Colors

وكالمني مندوي وكالمرون بيدوام كالاه وكردون المحاسر المروازة ناکی مرتبدادر که در کی وزرگست ادکار این این این می در احد می کارد به موراه می بالی در مصن دکور مید بدو در می اور این می نام های با می در ایر مورا الدوج مور ذكالفارة المورد الم لريدار بيرادر كوريدادرول ركاريدا وي موادر ليريدار بيرادر دركوريدادرول ركاريدا وي مواد المَّ وَالْمُورِينِ وَالْمُورِينِ وَالْمُورِينِ وَالْمُورِينِ وَالْمُورِينِ وَالْمُورِينِ وَالْمُورِينِ ر المراد ا امراً المربي من المراق المربي المراق المربي المراقي المراق المربي المراق المربي المراق المربي المراق المربي بناكيكم مكان كوبلة بمنفظ اكم فديمكاركا والازسوام بسنه صابكابيل بن والصريح باتبا بكروات ي ايدانادراه كوران فقرو كو دينة بريد فطع سافت كرا يستور العراما ، بَا بَائِنَى كِمُ مِنْ رَبِي رَجِهِ عَوْلَا كِلَ السَّلِي اللهِ مِلْكُ مِنْ الْمُعْلِمِينَ مِنْ اللهِ مِنْ ال م خردت رام هی کیاریاده موی ادر ا مدحل نه نیز مرتبکر لبندا کیکی مردت رام ها کیاریاده موی ادر ا لمطال مح بقلقتر ما عليه كاراج مل كو بواسبعد مؤله أن رورون مية ر و در کری بده کی سخون ترین سے بی سفوالیہ ید صفورے عرض ا در داري تعلق مروفي كي رام من كو دواي الفاماً ده يمام فعل الي تدارا جرما من مِي كِيد اوْدُ فِي عَدِي بِمِينِي يَ مِرْشِر اللهُ فِيرِوْدِي مِنْ مَدِيدَ مِرانِينِ فِلَّا مِن كِيد اوْدُ فِي عَدِي بِمِينِي يَ مِرْشِر اللهِ فِيروْدِي مِنْ مِنْ اللهِ اللهِ عَدِوْدِي مِنْ اللهِ عَدِي كده المرااوكودل كيسندا الصينيد والا مكركر Sily. Property of the State of the St المراج در الماريد PAN CONTRACTOR 0.00

المان در کهاف دووسی بینی سر چار و کنه ان از مرسید می بیان بین در بیکم و پروازی بین در بیکم و بیرازی بین بینی بیران بیران بینی بیران بینی بیران بینی بیران بیران بینی بیران بیر

وبالزائد ادراكم إركارا ويط بيج يستطاموا بحى فتهار المجا المعوقي ي في بالإسكالام كأبيال ضع بركم وقت كالكث على ة العنبالي وخرار المرابع مرس المرابع المرس المرابع المرس ا والربسه وكور والمعصوب وبابي ورومهر بالبشاد امرمز السمي والن خابك كوكومولوم نبين جادر جاب مدوح لي تبري مرتبير ادور (الله والدونيال المراز مراد مي الم يطيريحا سيج نغرين والمرارني بن ادركبهوكبو 51. p. JL صاجزاده اقتداراللك بها ورودم اقباله تكيهفة عسنة واقاستهي فراغيري بالتدويا برفتة درواز وكميجهوا ساع اكرام كالمارا فيدولعل للادركو مرایک حارث ما بی ناکی بھی وس زيمتي نود الاان والبسين بيكره والديرة المسيساني مستبرية الدوي عدد زم كالإل خانج الده أديج سيكا فا بعاً دا م ادور م ماغ بي محرج بي يوام المروسي المجرب سن عربي مير اور ما في ما ر بيدره كار بيدي يادي موري من اور اون روي أي ما في المريان عا في عال حضور د فوالله اور محلات وانخذه کے بزار ارولیک احراف راج نی 16.6.4. The state of the s Stall Million

أقاني حضوماً أكري امريه ما ن وسطى اراد و أميه على وربيرا و بهويد سبد اوري واوانين كي وَن مُكِرُ دوروي كذر كيا اورائني سيركونكيانت لانك مبني كا اورا مين الحرور مين سطيع ركواكر النبين ندكر ربن بتمول بهليان وجاميح اوركهولدين ويهربهرما يرسجال بعداس راوه ركيفيت الميكه و كمن ساعة ركه ي اورا كمان بهرا باغ خوش من بهوادك بن بهان كارا الأ د دمنوسط اور با سرائے بئی را اور کیا ، است رہی ہم عزا و را کنیے بسیے داسط ترث مرادع ک رغ _دور دغیر م^{حک}ینا رموی خانجها ده کار نخ ناکشخرها ه مرکور کارافر سی به خبست ایر جاره فورب متعمرالا مرانه او داسرز؛ مركب منه دولاكرف إصل بريد ذات الإامات عيراورا كالك معرابات المركال زین شا درخت کا بیخ دلنترو دیوار کبری کوینج دکرستی میزد کهزان فرش فرغیره اور د دلاکرت است. ازین شا درخت کا بیخ دلنترو دیوار کبری کوینج دکرستی میزد کهزان فرش ف غیره اور د دلاکرت است. ازار طربانج روبي تغربا خوامة عامرته سركار مدويجه حرزي بين المحق مديقه مركورا اكرب اس ملك بسكيت ني درممنا زيم رم ا فالبم سجيكي حضوصاً صحفيك اور بي بي وكولايت وال با وبر بها المرابي مال به دراني الخدوركم مع رسيدت بها درجو صا دراور وارد اس طيد پر سويد بين واسيط تغرير و ا المارين الماني ا ين أورسركار فيفرانا رنوارك مبدقواكهات عطابان طق دوغره بموجب جوه وبالمسير كيمحقه الميمن كالمري تابط في المعينان مج منيحا يراور دركمني وللمضاع مكان اورشيار خارجه مثل كارستون اورشيته ألاستادر market in N. W. J. W.

لاداخي وزون على لولاً جيه موكرا ورعوماً بقر سوكري بعد الميكرا بصدح بني فاحدراغ يرك تداه عام كم اكمانيارور ل اور من طوف البيط وكايم تحبير ولاقد او او ترجيم مراكات في في اي درواز واي انوجيم الاو رون بيوين ودروازه توسطا والكفرف بأركيمتكوي محكر يعفي جادري وربارازاكم وواركهم ودوشال حزب تين كان بجاوني كلي سوادان رساله وترتباء كهبي همنسكم دوازه بادار کم ایک شینید الام به اینسراس مهاسکان فردیما رمواد امنهام <u>نظر</u> الدخجا دوازه بادار کم ایک شینید الام به اینسراس مهاسکان فردیما رمواد امنهام <u>نظر</u> الدخجا جِينِهِ بِينَ كُانِ عارَاً إِنْ مِنْ عَلِيدُ وَمِنْ لِيرِومِانِ مِنْ مِنْ مِكِلِيدُ وَمِرَا إِنْ مَعَ فيركنج ودوازة أحدوننداسكا شرقر ويرطوف ودوازه عاليا ومنهركم بحالا يو قدرجهان ناميكم اورجاته جنوب بإسر قعرعا لبهكيبرون ويوار مصارمبدال وهر فوارة بيدود كاريكواس ومنع بركم سي كامكان من صيح كج فا مد براد رمادي غرثيت العجزب سيكي جادكات تنطيوان النيب تتوفيب فاصدر مماذي وديج وميليكي ودع بت وشفان فوان جال يكم م كودكر ما البي دو تركيم مكان بين جاينه والدكوبهت وكان سي كلانها ببرامين بكرده وامرشس ببي كرجاتا جى

The Control of the Co A Company of the Comp Service Constitution of the Constitution of th وراعدادي بن ما مع مها الحاكم المال والفي موكه برون فهرمت جنوب البانغرب يفي الرز دروارة وعلى الفي وفي دروازه دامنيان وسي ترزي بي يى مجاليك ميدان دلك اور حوا جافز ابهی که آبدار عبدین بودر منعزت مرن سبی ه - را به دار بین را دارین به عبدار در داری به به در داری به در داری به به در داری به در داری به در داری به به در داری به به در داری به به در داری به به در مِن فطه رِهِ عِي الْحَرِي مِن الْحِرَةِ مِن عَلَى الْمُرْسِينِ اللَّهِ اللَّهُ اللّ ظري كم والخاجاري بوظ بي تفصل براكسي بنائي بيدي اول ايك من ترريد المرابي المرا الموس من الموري المعنى الموس من المعنى المعنى الموس المعنى الموس المعنى الموس المعنى الموس المعنى المعنى الموس كردول فارتصان ناه و ه ما ريخ مسكوبه استا م يس مراطرالدين يكس رموابر واسكان المراد المال المراد المال المراد المال المراد المال المراد المال المراد ال

A ME COMMENT OF THE PROPERTY OF THE PARTY OF ره ، ۱۷۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ . ۱۲۷ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ۱۳۰ ، ن سال مقرور مور مور مور ما مروس اسماه من مهم مدر براست المراد و مراد و المراد و المراد و المراد و المراد و المراد و مراد و المراد و مراد و المراد و المراد و مراد و المراد و مراد و المراد و ال المان المعنون المراكم المرا المراق ا الباده المحالة المحالة المستمالة المياد الورمائية برجاء المرح كرا مقرك التنفيد مقد ورسك على سه و من المحالة الم المحالة المحا ر برم من الدولد والما المرابع بن الكردابن جد في ما و بس الدولد والمحافظ والمرابع بن من الدولد والمحافظ والمرابع بن الدول المرابع بن ورم ما در النج مرامول المن المنظل المن المنظل المن المنظل الما المراد النج مرامول المنظل المن من المورود و ال ار المار ال Constitution of the second of Sulland Sulland Be Carley Control of the Control of

النوية والرسان والرواز في المواز في سری وا دیمانیا و بان عالم جونز کی مین فرا رزن رجوز می بر مادیم با با ارتفار بر این می بر می بر مادیم با با ارتفار بر این می بر می ب - روسه بادر در المحالين المري المحالي في الموساكية على المري الموالية المري المري المري المري المري المري الموساكية المري الموساكية المري الموساكية المري الموساكية المري الم من روس من در ان من المعلى الموال من الموال من الموال المو الدار مكيا در مكي و و ماكي د المن من و دو النبي عليه الم كارتية في من من و در المهارة المن المراكية و و ماكي در النبي عليه الم كارتية في من الدور و النبي المراكية و المركية و المراكية و المراكية و المراكية و المركية و المراكية و المراكية و المراكية و المركية و المراكية و المركية اَرِيْ خَابُ عَرَامِ اللهِ عَلَى وَالْ عَلَى وَسَامِ لِي اللهِ وَسَامِ لِي اللهِ وَسَامِ لِي اللهِ ال غورد كا ناعر اس جارولا بنا رفي العدم عنه كامفروا بالورد فية رفية معه الفرد المراق المورد المراق المورد المعرف المورد المعرف المورد المعرف المورد المعرف المورد المعرف المورد المعرف المورد ال

E 1318 ومت المريد المريدة المريدة الموادين محرمت المن المن المنظم اورقی . رور بس و معدوده و المراد المرد المراد المراد المرد ا ر از این از دوريدي عامل محرف مور توريكي والبنيسية ويون فران الدينا ودوا ملي المرا والمار مقره بادرون دو تو فون فوندر و و بار مون الآن الم أنها يّن الرياد الرياد و كرعام في في حوز ي في ميد موفولندوري ميانيوند وخوار الاولياد الدورية اورعلون كي مقد لبك علم الدرمحدي ال الم يركز كو طواره امنا م يستصر عدمتكار بوركار شرك مارات رساده كالورفع كالحرار كالمرار كالمرار مقربا الس بر درم کو بی کاملرکت بر اور بیفی صدر کا علم بی او ایسان و کرعوش المان الم كون لا فرس وفي كروك والديمار والع والاعدان مولا بعاد من وجه ای وی این من ساز داران می وول ادار ندك كوا كماركى ما داكي كيد ني انس ونونه وْر و كِيالورك الدوب كالدنبين صرف على والمدين وجيد الوزايم الم مراد المراد الم مرده حال المراج الم المرده حالي المراج ا رد رواد اور موجود ما الله من مور مور الرارا كال اوسال المال المراسات State Carlotte Control of the Contro The state of the s

كى تتحلقىر بِأَعَالُولِمِي لِمُ المِيم لا خود كخو د في لي حِيم المركما عِركَه فا عده برجاليك الميلاق كيريآ ما براور ويوا المعين الوفرد كالم عان جيب كم الركوي مع مع مرتبه كو انوس في والااس عينه موره سيا عالا كله د منه مربد كورت بن ليس لفركر نيد يا مرا المجاستيد النباعليه التحديم للم كيرند كا ضرافو بالجونيا بالوريج أبي الطفاع صوعا والطيا المغل تلمير دبلا جا كزمر سخنسبركو جايا كرتيه بين و رمنتن الخية او رنيار بن كرتم مير اور تواسكان ايم الرقع الطرفانون منسكر رنبي وكرا مرراي مانقل برمبيا وقطت زوز فيجركو من ورستام ای برسوار بها که دفعاً دویا تی ست مولیاً دوجنا کی راه بی مردم میوکرنیان اعت تام مرامیم میں کخیت کم بی بیا مصرالفت درگی میقوارموی اور کی و الحاصی يام حب رين في المد تماع في اور وي رياد المام عبي المراد وي من المراد وي من المراد وي من المراد وي من المراد وي المراد وي من المراد وي المرد وي المرد وي المراد وي المراد وي المراد وي المرد وي المراد وي المر

क्रिके अपने प्रमाणिक يبوادان ليكتبغ فخيف بارك خورتا المجعفة الصائر رفيا لويكا عذ ي يول بيص وادوكر بن معنام الوداني ع النامسة. إن في كيرا كمراً بي المرابعة عرف بيص وادوكر بن معنام الوداني ع النامسة بالتي المرابعة كركم ومطور عم فواعدوني نفي اوربد جذه كالمريئ سيريادا ده وكوكا كيا جوكرف عود دکل اورکذراو فات می در یک و مرکفا فه آغا علىفه كال وكوكو مشرقره بركما ورتعار خانداور حانقاه ودعرو ادلادا قاي وكورني بين ا وربرعشره بن بندكار على بسيكرا دني آ دي مك و ي تبريح كربنود ابنه الفي معدورو التي تمل كم لكر Water Contraction of the Contrac

الألى يوادن كرفعنى ومرحوم نيادتا م كوبيرنيا والخامين أدوا عارمناركي عاربرا يكرادو الارتبع باي بندي عب كي جبات أن والارابي كومبركي كويذب العبل كهي الفنت ربيح بوالم تأبي بمرافع لأرو في كي تاريين عرف يويون وروازه ا Sit Spallering . بالمكتب بسط طابر سرنام اورانعاج كاراقي لمرجوجت بطجاء كرخا قوادرا وري بي بي بي المعلى المال من المحريث بي مح خود ال مروعي عليه وم كاسوم و بي بي بي المعلى المعل المالية المالي ن ديكرا ورمير مندل لكاكر لفظ العد كى صورت برعام بواكر بمنيه عبنه وم بن الساده السيك آداب ورسوم تونيت اس مبابيك اداكا جندسي به دستور عارب رياحب دور List of the state W. B.

الجارية إلى المالية

وانبدأ عكمت الإكهلام كالرفواعين يمنعك بهلاطاكم ستقا سررين وكرابي كوي كالمالان فبفدير بالاسوك بمياكم كوراا ورصاع ديوسوا وربتيا وال و و مغيد مراه الميم الهريب ماك ريك قييرزين فعال يقل والميس وميدال ملا المبقات كم تقرفين دو داك بان ملام مبتركة يا ورفعه بن بيجاك وسي بالعير بين مها بتحال كي عي مال مجروسيمورويكا موااور اربي تعرف كام آصفيه بحل المساد الركزاورد تهاسها مر بغابه سن نصمته بنا مواکروت آبا نا مرکها به ورکت و ارتجابی سنگروتوم به که وال سنكراش دنها مسيراه منورالعدركي واسطاري في مطوراوركه الوريم لازم وامورتي مسايا كران كها دان مهك رعا كريسة في وفونا في نها دينرا ذيزا دول وكرين كي موير فرقس مي اسي ليرز المينين واسط نفاري ل الرياس على سوام كوروا سدكار فاندور كان مداورداد! اورآفر رست براور ايرا جوري واربيخ مترعه زبان كزري بناب لكما يحربا بورتك برب عصى على نبيا دعليه اللم بت برنول را مذين ليور پيميرننا كافرد مورنين بي بين كريم و في ايمو يى بىرى ورفرى ئىكىرانىي ورخارا كى كالكوم ئى كالكوم نى اكتر ھور نىن جرت نىزاا درصنى تىر مۇل خا مان وكرتبا ي فله المسر قلوتهرآمانا ماكه ابرنينايا بخبائج اصل لفظ قلو آب امير به منتال در مردر دم *ورست بين فرنسيجي* يعني د والف ا درايس منظر آپ امير به منتال در مردر دم ورست بين فرنسيجي يعني د والف ا درايس منظر

نیض لاروا کار و فلعی می شکست دکر اور کنی رسود عام اس فرایی کار دا غرميغ مغا م فاه معدر كما داور و باك نام إدان دائع با بين معرضير والرام تعلق بين معام فاه مورد كما داور و باك نام إدان دائع با بين معرضير اور کونواده صوبوت پوشیده که ایل فی محدود الرینداد کا دار کا کروالا کرونین دادی جندها دورية اس دياركم جوفوا صوره مين في بين اويلوف معل^{ي اسيكم} تنغ وقطيري الروكم عنداللاليف ونوداور ف كدنته بمكتب لقبس كي جوج كم في زائا احداث إي بين او فبركيفيات يستبع عادي وكمرمعا مدرور وكابواق معلوم فرورجاكم فان ردان آینده کامو دکر شای قلعهٔ دولت کا دراهی کرم تيا داول خاكيا سوارام الإكا بسابسيس كأرنش دور د فيع وللى دبل كادر بغواير

مندان العاد المراجر و من عربي ما فريم للكنتي بن ريس كل بدانفراغ موافي عمل خود المسيط في المراف المر عبر سرائن المعرف المراد المعرف المراد المعرف المراد المعرف المراد المرد المراد المرد المراد المرد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد ا رورد كارسخن بإه فورنسد كاه عبل مين خرد كرنين وفاكرنس دوراندلس فدرانداز فروزروز وتب نواز دسنن سوزمت براد کردون و مّار و تب با زویسنها عت و نسیم الماريم المراد المرد المراد المرد المراد المرد المرد المرد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المرا د جات فروغ در دمان زیر ایجن فا ندان در ته الناچ همانیا نی زمنت اور کنفورستان رائيس ميدان جوات براس و من د نفاخ افضالد ولد مرسب و من المرائيل ا ماق رسّداده العسل من المراع بن نفرت و أيدرا با و عالن اسر من المراق و تراق المراع و ووس الدوله مرجها ني على نها ور ترم صف و كا في جهار ما ركا وزير الله الله المراد المراد الله المراد الله المراد المراد الله المراد المراد الله المراد الله المراد الله المراد الله المراد المرد المراد المراد المرد المراد المراد المراد المرد المرد المرد المرد المرد المرد

يرين شمين عدت والبيره في مين بصر وزود قدار بوي اورس انه راز الاز دان البحدون الي وم ريكي وبن منه ميكاري ويا أينا. ولز الاز دان البحدون الي وم ريكي وبن منه ميكاري ويا أينا. بالتن صرالعدورصدر ومدارت كالكس وعلى عربين مكل ادركا وإفلوك فرز خاف ب ابدا هر بخد براد کان دور کس اور نوجوان بر کرینیا در کا برینی است. ب ابدا هر بخد براد کان دور ترکس اور نوجوان بر کرینیا در کا برینی است. غداله رب معداري ولمعنون نبه لكرب نهب لارحبه مهدر كوجوان بن مرس بريوان إدرا تهذيبهم برطني فدالقياس الزنحبوي وحكم ضيط مواضح جهان يروربكم ما حركام يودينه وزيم كم سؤيد يكروادكوبي كم جليك كوس وهي بعاديثه البيرانة تمي ادرصورين بتوكل احفر فيفريف جاكو والارب حاكرانين بجوالم أتبيف ادريج روزجهار تستينه علم اللك عمد بدرالدنيان الإرخوان دوخه رضوال ميم برسيعا وه في سخ اللك اوراه موال بن اخارسي الباسعو واكه سنبراد بين كا وليك بعروز زعفل بوالسهين تقبل بعيف بنده نزاد اد بعجر ليففيه يمكن آدي ادر ميفدرو واب لف بويت لوراه و يحد كركز بال الكدرا مرسى لي مني مب بها ورسك رواز الارادوية مايرادكان عليفان بعايز اورورس الدوله ميمانكير عليمان مهاو

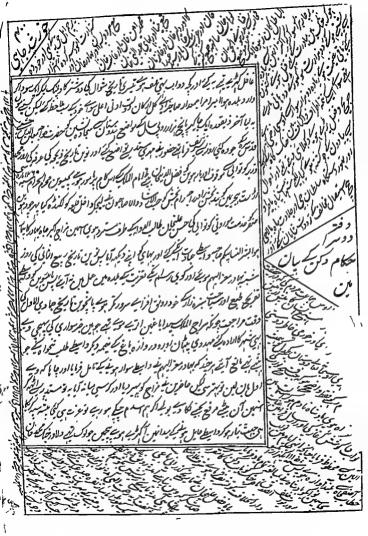
لفد اور حين و اسرفيان و اخاخ امريح دوراه رسي الا ول ي عد علام أدم واسط علمال كانها محاره ريا اور محبور بارتياه منه كي غرل فررز صلار نه ور ويورور أن ندل موسي ما تهوين المنط حاجه الاولى بيرحمبوادال ورافا في الركابكا درود الها در مكر دلكا مواا ورجه و تأريخ اه البركي روز دو مبركرن و حليا در بيا مجرل فرزر ميا درير داه لونهي ميئي اورىبدور و در مي مرضو كمركني دربار موسيه اورمردفت كفكونني ارميا وكنبت كي رسي اتخ الام خود مروست في قام اكا ول لاكر وبيكا فاك ارائخ مرصية الأل استواه الور تنواه الدرالقي الخراع وبهات اور قرص بن ويغره بن أ عاطرُ فنمروس أبيرم والم فاكتقاها كوروفت ميروفي بعا بجرسه بين تبايد بذا بركر ميم عاسب فا من روي بين المراز الم والرتقافيا كوروفت ميمر فيح بإنجائج مفعيا بال المحالة وغرين دفر سوم ميرا وكيا بث رتعا البين في المراد الوار المراد ا بهررة كررسه مباري كي مير فيفر الدين كلا ن برمغل عليمان بهرر الماله الدي مير فيفر الدين كلا ن برمغل عليمان بهرر الماله الدين الدين مير فيفر الدين كلا ن برمغل عليمان بهرر ألي المهاله الدين المورد الماله بها در فيربي المورد في ميري المورد الماله بها در فيربي الماله المورد المو Control of the Contro

والمعتبرة والمعتبرة والمعتبرة النارماه كولا يدوانغ كري ي جها الم يفياق بيجاك كدركها دوب بنسبنار وبالبونك بعارية واله فيدينونوم الفريخ ولرسط ورسم مرفوط إي تتوايك البص لينط ودندسك تبال ورعداد وكوكيتي تفالفاب واساكهما ومكهوك مهاجون كوحرلية أوسى نهاري توا وموا . مجرد كوك م معدد ومنه بنهان وغره وبان جا زب ويد بي زردوي تركيف وكواليط ككريكم دواه بوي ادرلير بخر الامرابها درابركم بركاح وين فوسيكي مركن لور مدوقين حيطا مة وركي يطي تسياسا قر ن کی ^{دور فی}صلم موکم این کلیا نی *کے حرا* کی کم صباحث میں ا

بخالف كالم ألم الما بالم الله بالم الله والركوكين وفع وفع وكد الي والبات وبذكر جا جاك المركبهم أبيت اوراه وجادى ولأني من كرور سي بيده ي عراف رج بالمرفخ في دا بدالكذكو بال وري مفط لم في محفه واسبط ورك سول المعدات رسيد من وركا كدرا والمعدور الري مرد و بين رسم كر ما رين جمعية عمر الامراماد كي موروكونه مكم ورطاه زي ورام المستحد المراماد والموالية والمرام والمناولية والمرام والمناولية والمرام والمناولية والمرام والمناولية والمرام والمناولية والمرام والمناولية ول الموعايث بما يسطوسكه وكالواسط طلبخواه كمواا وروجار يسرر روي روني على الأورق المرادر ويمار والماري المرادر Si Galiano de la como ا در ایک یک در بر بر برای را کار میشی اور در فرت کی مطالب مدعات در بستر کار می اور سرای ا در عبداران دور معبدارون دي ع رب کو فکر نبذنجي کې مخاصے کې نوی ایسے ایسے اور اکر سمیدا راج المائي درك طوف المي فيهاف كي أنه وسروز تربه كاج جار يا ويد ما فيم كرنا في راج المائي بياه بين اسرها بدواري كي دلير موكر جب كره جي بين الهاسوريات.
اورسفا كي بيه ابن الركين و دولت كين ما بان كرتمه بني اوروا سيط على مقدته اورجا الحينيي المائيل و دولت كين ما بان كرتمه بني اوروا سيط على مقدته اورجا الحينيي المائيل و دولت كين ما بان كرتمه بني اوروا سيط على مقدته اورجا الحينيين المواجدة Marin Williams

John Marie १ विशेष ين درار خورال للاع ديادرو مركزة مهربان بوكف كبلايت كربم فقط كتي بسراج الماكك تم سيامقار مبلنج وفدوا عدم بيالبين يوكني مفايقه مريح جانا مؤرك ئىنوراللا^{رد}ا در كوسارى سىنقى كى موي البين بثيرا دروي بهي نهايت مطيع ومنقا ركئي إرعا دت مكرك

رسلاار دغره الشيخت ركيي آخر كارتبار ميداك بجارون كوعو د انتراول ي مركز دار داره مين البراستكاريت ووع كبر آفرين كهاجا بئيرا انهير فأوجو د زخبي موجاته اوركر فريد كمي بنماه سم جويل رورد وسكوكون كوتبا دياه المان ويالها وروين كدياكها وريفيا كالمركز برا فرارا ^ي بديرامنيت مو بي واري كركواي جرم كو زيم ور ن بن در فره بهر کا تمانس توک بین نیس میان ار رسائهٔ اور جارز خی و دا نین مشرا لويون على المركز الورسوز في سورًا المور بنا في المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد الم كوريتم وكن أون وتراوار بي سي الميكي كام آيئه جو اكن اركروا كاندو بركري و والك درجوا راوي كاسترالا براما ورام كورك الكرطار الهام كروعي وكم وما اادائع ما يدفر الطريب ورفعره الورجيل كموريكم موسي ما يال المحالي خارجيكا لاردواي المسترين والمرفع والمرفع وفي كالمرفع وفيح مناره برجوا لمرأكر وله ماكير دارو بقرود البي بن فوزور الله الله الله ما مول اور دولا وفي كوري بي بوي يوي يوس ماج اللك بعادراسي كرين بيت ، سيه



Control of the contro مراد من المراد من المراد المرد المراد المراد المرد ا مر من مراه المروار المراد الم رون بن بيولالا (دروز بالاز في حمار المراب بن الولالا بنالان من بالمان المراب بنالان من بلولسان المراب المراب بنالان من بلولسان المراب المراب بنالان من بلولسان المراب الم من بذى موى أمر داره المراس ال Contraction of the second فالعربي رغراسي براجيه بإن نبيل وفال معرضورين فرا وموا فودند المضرة د واینداد زیب فرا اکترافعل سے دفن کر روا یکر کچر دنی موریکای سرفت و اینوال بینوریکروگیے Sie Brend Lichard Burker تفاعظه بعرار بالخرط رحبة وكونكونبيوكا أمسية كميروني كم وخرعية إعدب عابي حبدالج ين باردااورزر فرنسه مبنعاني مورها شالبآخوا و بن كرنسيفه لا وحتط برهام ب A CONTRACTOR OF THE PARTY OF TH سخسود كما المهيل خمت تقان ادوزن مركوركعنى عامراج المابيع ورصع غذاك دا أنشكر رديون بوست ادرنيد زمون أريخ رمضان كارتبرد الامترشي عوشه عالم عار و د في مجالاً أور وزند في المنظ البينة كم من فيزون في مناز بي مناز بوسم المؤن وزنجت بالمراك وتت د في الرود كوي كو في في جوي اكبير خانه بل كيد إلى بسي بركي ميز آ دمي جواب عل

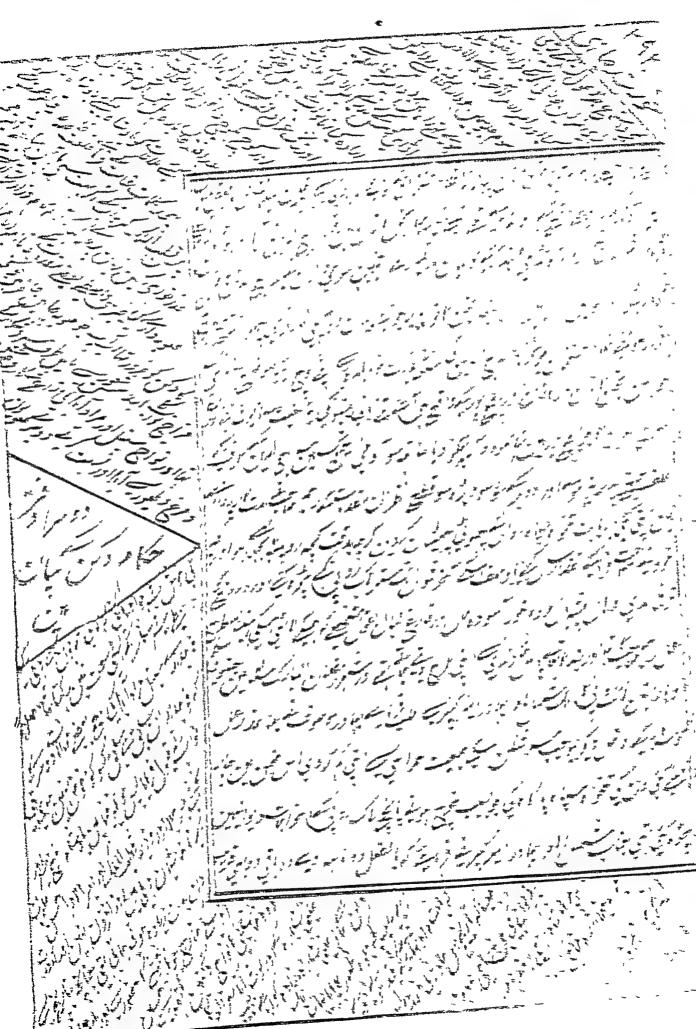
والمراد والمالية المالية المالية المعافظ المجارة والمحارثة ي منى رئيد وللكك كاعداد في دواني وابط مائة رئينية م الماركر دراي لهي الله فورناه أن أيام. لنزاليذتي وكجاحليا سنفاؤم يكتجوهم أمروه كانهاا وجعفدوكم وخف برسطح أباسوايا بأقي بواا در دار المهامي يستور معطار مبي برطنح الدول لير و أواريط والمواه كي رو أذركه ويمكر ومصرتع جود وي الله في دوز ديمنسة غمر الإوابياد إمركم

لريكاركا فرابوكا وروص بده كانبرا حدولم مار ادری مکرند کان تأمیم ترانا مراها در امرکسر بربهنی میافخست بادیکم عرف کی اورات مح را و اللي سطيراورد و الفل لمده موجو كمراسته د دلنجا مرب جنا المراجاه HUTEL STOP مهكر والتصبها فالوآسة لاحظ بهازي ورقع وغيره يكسه ورو بتديم مرحل سي منور تمري مراد وق لمثكار كالدكر نهاعنان غزممت كواسطرف منعظف كمااور المرافسة وأكنافسية مركيم برات ليرق اعدكولوسك ويكهركسا غوس ارتخاه مركوري دورا أخوى جمار سبدرانه بندر مراجی مبلیه دفت سی بها در کیم بند کال می میمود بردر بوارا این مراسی نبدر مرکور کرنسا برست بعراه کردیتر جوکوران در داری در از این مراسی براه کرد از در از براه از در از براه از در از براه از در از براه بدر مرح بلي در المركز ركة با برت بعد المراد بعد به سه المراد بعد به سه المراد بعد به المراد بعد به المراد بعد به المراد بعد به المرد و المراد بعد به المرد و المراد بعد به المرد و المرد المن المراجعة المراجع الميز فغوا ناسك : في في درواني كي متى ارتائدا مرموى الدكوميني ما ينصور فراك

صدم بست وکنا دریم کی ایم گوک کم نجود بزیت ان کم بروند در من. فشکار بریختر سازی و در این ا ره جدجهاراً وم كاروام مريك كرفيار يواخذه اور: بمردا كا ضبط مركار دونتدار برواً أتوع وشروي تشتاباه وسحيت بجرين كرك ويزعده اللك محروف النمائيا وإواف الك محدرتيه والنزيام ورردد عافراره سركا فإ أبركيرسر الكيما ويسيط مضا كمنظوا محيصة او والمرابع المرابع المالية عِنا بُنِي مِونا بِرَيْنَ وارد بده مِوَ مِنْ مِن مِنْ رِنِينَ مَنْ كُرِيمُ مُنْ لِمَا مِرْدُولِ مِلا أَنِي مُواجِمُومُ ورخ بصصيما درو بالتريئه ادرمرد دصاجراد كالسوصوف سيسانه كما لعظيم اودكوم يمكريط اورخيام بن بينج جاا ترمير من مد دوكتري ول دست واسيط خياضت يذيك خبركا ومين عاجرا دلخا زكوركمه آسيئه ادربا بي كمرسي دات بجي شركي فارخ موكآ عطظ جانروروكاه انبير مراحعت كي ادرعلى العباح كمنزر أنجيف مي آباد داد مراورووا دوي الا فقداره بان المادوكو في كاكركيا الفاق مواريخ الماراه يراني عد كاه يكس المت ورجذي وقفه كريكيهم وبالربيب وسواروسي وأربسه إميلا وكرمة مريني والتجانبي نيدانچيف ميد بهادراور لريم بها دركي ما قات موي ده تو داخل كو بلي مو عية وَأَكْرِسِوفَ وَالْيِطِ مِنْ إِلَى إِلَى عَا صِرِعَا مِن يَكَ بِمِرْدُ وِبِرُكُومُسُواجِ ي دِدا كي ير صور لا يوالوركي كوفي كو جاكر حاصب ما در مومو فسي

المن المراح ا المن المراح الم والمراح المراح ا مرد برای در این از این در در از این از ال ومين لجي ندر بيض المرابي قرالية والدنول المرابي وفن مرابط المحالية والمرابط المرابط المرابط والمرابط المرابط المراب مين الدون و في المين مير و بدارة بالدون و في الميكا و في الميكا و في الميكان و في الميكان و في الميكان و في ال منكر و في كور الله و فوا كسيب عيا خوام المنطق عن الميكم و قدرت و في و الماليكور الله و في الميكان و في الميكان المارية المراجع المراج

A the state of the Beigh Oster



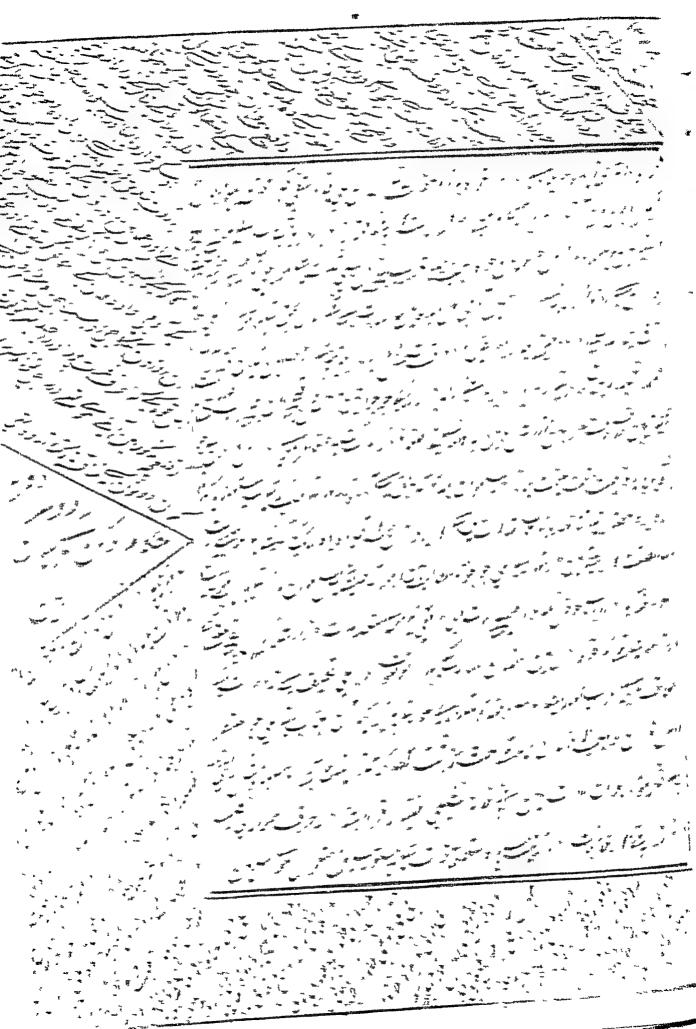
ون ولا ما والتي مرة كرند وروم ما الدوران وتر مكره أمريك المرأم منواكا المين ورزا بنروري Pringle tiling وتبكوه كالجوافر فيعافه كالمراشك بمشاجرا كالمريد ليجاددنا وبابجهاد ددموروا وأكر والله انبى وكريدا وربيدون وبين اركا ون ملاويكسياه بابزاروكم وين منظى كورن كالي بلى كالم حووك كم و التصيير كم عِداً الألا يَسْمِين الحي بالي الألى سوة بن موأد في ماكم يورو بيا وغره عے بور کی ام انک موض مين الرواقة مين الرواقة

الخزام والواري وموت معالدي مواليروكمي وكر و والتي من موسيط ل فاركر الوام والما البنيا بين بن دري د و آا بي دي كوي البيان و كوي البيان المنظم المان المنظم المن ع في دور ميد و ي مين مي مين كري كري المركي اوركيون ما دار بهترية بحوانين غاص كوداجها بندقوم مكور رواسط سخاص ع الباحق بساكم فيمريكا ودرو إجاب المجعن ددار موي وسير المنظار الراسي ليتنصن يمر ودركوة الاردر وكعيا مدين عي مدر اوابس كزالير لكوانبرك اورما م الما بنون رو و الدارم وي مركم لمريده بن الركه مع والمنت بي ريم بدود ويك ريدا الما جداادمي طرنين سكسفول جودع موسام كارتكي فيع المرموع بداسان المي المراكي في المراكي في المراكية الماليان المي المراكية اورايك على على ادمي كونوكو في العربي أورايك اورصوبه راريس على هندا في الحروادر مراري از احت الروي بذر موي المراي الماري منا مجدم الموات كي به المراي الماري منا المدين المراي المر

ا ال على عول الركيف والي مو مقديا مردو دفرتر كارما مواله عبوغ وغرومك المحدمة مراده وادام ويخاري ومكا وزاعي والميا ्रिकार्म विद्वार है بغلفجا سيطح فيصابان فيريجي اورهال متجوان ميوس واله اكى بصريتين خِدَة تعاص خِيرَ منطقال إن فا رَّضوها علاقداري واجه من كِير

رجو کئی مسدن اربطی سبیدرا به زندن اله ازش مایکه اول کنین میسه و بیمایا کا مان انبيم منيدرا اورائ فعل مرسند انتي عورت فرق كي نهي مديث بذرح كيا ديوز تري وراي الموان بركم بيواس كران رساد وتروي وغنيا المره جرب وسوا جرعلم العابي انني ذرب عاكز الطاف وكوكر اور في مناس نوب الاواكو جيكا والحريم در عيووروركم ورما ربايكا المصور بور مور موالدين ان به در ومت مي من منو تمر ل عندان و دارا الماك مي الدن مراد المصور برود محمد مي الدين المرود من من من من من من المعاد الماك مي مناسك الماك مي مناسك الماك المراد الماك مي المالي كريك المرف أماعين في المصابين في المعلى المرفي المروق واعلى المراجي عابت را المراجر زكر ما وكومر في سي ابند تو نيل منيكاري بكاه ومر فراز كريكه الماعت تعمر الا برامها در اميركي الموركيم أورجعه فه الدوله علام حيدر عان بها در كو نوب ورورند ارس اوائل مفرن جارخفا مرحمت نراع منها - سیکے ایمند پر گذات جود تعلقیات و علامیرا موتير من الراج روم مح مها درياس مهي ا وسيما ورسياليه عن مها ونهو دي علي كم فن لدي إياف بن بدطولي رئيق بن اورك كم في المركم براج عني را في بوالند كمها برائك Kingle State of the State of th معباج الأفلاكرد بن مبات فيساغور ن يم اليف كري تحقه مجلس الوات والمرابريم كيا غير بعر ممودا وراق رج يح كما بيخ ف يضمون بالاسكو وافع عبوكم را جرر م فح في بها درنيه بمح در مرتفيركيا وصف قريب كم تنت را في زياد تي عمارج اور كمي مدا فل ماك محروس كي وروار ، جودوعطا کا کھولدیا اور دام کو عاری ٹرمیے ٹرمیے دریا میک اوکر دکھے کی مواجوں کیا۔ اور درعطا کا کھولدیا اور دام کو عاری ٹرمیے ٹرمیے دریا میک اوکر دکھے کی مواجوں کیا۔ اور درا المرابعة الم

في ليما و ان وكون كابيرية المرجرة كااور وكمروب عادياه بالقراف كم تاويا إلى المكام أماريكم الواسي المناسع دن منامرد البيط رفع الالارد والمناس لبادرام كركوادفاح كودا دربهي س كلمدوكه بورس والمواقع في المرايد ונולונושונים واهد أمدين خابي رينت ما يرايل المرسك عا خودبار بوسيده وطامط و من موسك المراج المر وياله ببريخ برست كم نقل كسي لليفين نبين ي حرص مصطفار بالليكس علا بالمريح الي دوان والمرورية للداورام أت الاركوديون لذار كدرانيده كرتيبين اسرتهما ريام دفوا يخاورور ع رضي المح وي كودوا دركز اور متعاقبات كيم يوين اريخ متهزة المدر والمري والمحدد المرصت وي الافاركوه و ساری دی در کی کرید



مراکب مراکب و محار إلى ألي مقرير مواز و الكرين راد بالمراض الما مِات دراً بِيُ قَدِّ اللَّهُ مُحرَشِّعِيدِ الدِينَ في دراً إِدرَ اللهِ المعلى ما وجواكه بم يقدنها تام فل فيهاري ويلي بي بم توسيط كا حيّا دوا بورك انقصال ببالفليل تقدده وبيه و د خل بركا د كرداً بنده ، أكر جا بوكي وترست كي وصور فجريناً وركام لينامنيس ورسة بازد كنا بنين جريث جو اتبال

بالدال برحمه يركم القاورد ومبنول كي تنواهم منى الما فاط يورنم وسماكهم الام العاد ام كيرما وج و الرمولات وسيراه و الحري جرابي المواقع المربي فرول كرية المربع المربع المراغ المبيع والتمال مراج اللك في من الدنيان داروغه ماه اور اعلیان غره براد مارد بی بیرکم دوجانی بین که دبوانی کم طرح مرد بوا وربهردارالها المحرور المراح فرت بوقت صورت طرف المراحية بعاه و في فريك بوص كرى سري الماندان المراحية المراحية المراحية بعاه و في فريك بوص كرى سري الماندان المراحية المرا ويقرب المراق الم

الارجوار بهني ميلية آيي ويواكار على أورواكار ميكور أو ار المار ال ميك ما فرزيج ني مليسا بي مجراره رس كلم ومركز داتها ماج أبري بني روز الوازر B. F. Land I. C. B. C. L. March الاز کے لایان کے اور فرکندا فی کتے ہوئی رہیا میں اکم طرف وہ کے میرفوری مولی۔ ر واللايكس دي كير تصوّر في الكيالا سلام ولايد كالمواد الكيلاد أن يست اللير برتيفنا والتي ڟڔڒ؞ؙڮڒڔؽڒ؞ؚڹ ڰؙٷ؇ؙ؆ڒ؞ۼڗؠػڿ؞ؖ بازه ويرسخاني مواله ينم ارتمار فرا دوموالة فالوعمالة أدرسي ميركه أيرم يوكما موال المام ادراكم في الفقارا وربيا دركه مرسيج ادريرت كي اورّ الدين ديدا في بلوك في الكري ن کرد. وخور برغنرکی کارس و کرهایت این و عال تبی علد ال و شاطفالمااد را نهارش روا میلود. دورو برغنرکی خاک و کرهایت این و عال تبی علد ال كالمحور فيضف للبنا والمناشا ومعاونين اوملون أوزير والكاكم عاص حبرير باورتفاك بمك ن كيرور موكرت بارجدا ورمان كالمف عطر را بواكرة الده من بوري والمساوس فراجها ن واورو بالدكائية نين أن ادرخو كني غيار كي كس ركره وادارس أولماره يمسحانسين فغرون كي لكذكوب بين فأنه مؤر كيم بتي مبعه صلي وركيا مقطاء ورسية عقول مركارين ويركود ميون كاحراج كروالما اركاع سابقت ادراكو مغار كما إدا منكا بر بخربرون بده زر دوارا با محاسكها اس قد كار فرام بوي ني كرفرين كرارفاج مكرارز موكي تي : And Constitution of the Co Constitution of the second Brown of the Control of the Control

فنطا والقاب بمتوري رغو د كربيوغ عرض زيال فعراعي رساينه البذمورة ولارات باقتصا وطانفت حرواني منونه فوص رباني تب بالفار في الم و فور و جرمه لطالح الفاظمي حند زايد ران در وبسته يكويند كي نفر ندفا مر في اختصام ورنوديم بايد كهواسم مت تكرومباس ابن مراح بقياس ومكارما فرذن اذفياس بسردسة بر رساند ملخ للمعدويك مروات واريد تنفيسا كرر فردعى ورفوم أمره مج وبنط كرمت مطرافد ال مخروا بى ينسرف قبول موصول كت لازئه رسوج فدوست و صدق فا زا دي المزيدا) و على الدودم عواليفر رموضيت وارات النيام خو د محصور الما الورار المعمورة. و توجها خاص البت واقبال ازبن ال فدوست بمال خود روز افرزن ليرمقون زاندانتهي: اور بهي عاما جا كيراً لاراكيرك اطنت ففره مها بأه بلو اسيطے بند كانى كيروان ندا ہي فافرا ايمافي پر ه المار هم بالمباسي*ن ع* وله محرر فيع الدنبجال برنف لفن خود متو حرموكرا بك علم فيح البعر اليف ارباب ولا إلى أكل زبال كزري زبا فارسي بالعيدا وروايدندى في المرائع من المرائع الم A STANTED AND A STANTED A STANTED AND A STANTED AND A STANTED AND A STANTED AND A STAN J. Birling Single State

بعاد الركونكوي ووفريض كخوا فيدر سيارتها در الجيام مواق غوالك سنوا أورمرعا لم يُم فدمت ليك والأنفاد وربتر صاسط وندكى ما بتركما آخ شيئ فورجي فدو بهادر رقب کوعط کرکیم مناز قرار علیا کد مترچ دار موفر بیان من اما جویسی نبرای که فی فوط الطافر وجوش هاريس جواني اربخ ربيع الما في كي دو**رت بيم أي**ابار ه ييجب وعفعة يتمنون حاكمان مامعوفة بمغانسان ورفرز فابرالدولداور مر لى خمة اورد فامت مذكون اور أسو دكى فلاتى اورورسكى امرر

مركب ورود الان فرا موني والربيك في المراب والمراب المراب والمراب والمر وي كمرا عطار وتم صرم أورب سي والورجود وموت أريخ ريارعام يرصوب المرابع الوروخ المرابعة الموكنية المرابعة المرابعة والمرابعة والمرابعة المرابعة المر المان المستقل مرانيا ومن إديوالياني ويو كيسترين من من من مرينة بركتني غيات كي مرين الماك من وعرفتك الميك والمصافيكومون والمالي نغين مرني البينية والخي مفات بير فوالين البن مزالة يوسفونون والتي كوف يوسي كوف الله فروزي بيدارة المنظ كم فيرسره مواليت بالمياك وديت يعبي بيري العراق ويترا سينه عرفوكي سنر كرمسياني وكررز وسلا ورأيون مرمطي حو ديوسي كره ولا فرماني الما عَوْلَا لَى الْمُعْرِينِ اللَّهِ الللَّهِ اللَّهِ الللَّهِ الللللَّهِ الللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ الللَّهِ الللَّهِ الللَّهِ الللَّهِ الللَّهِ اللللَّهِ الل المربع الناكع دركانون والأزرا وتصبة بواكونتي وجيد كينا ودمسه إلى الكريا ويشبه تبام وسي إن ألا تركيه على بالرموز أه وتورك بسايع اللك بها ورؤ عكم مواكم تم المروم والوفية الإربي كي منا دي سوي كم مراه ركا يخي ي مؤاليهم لا نبويخ الحيك جوتيار موكر يبل غالمناً رب الله كى برب أيت مراج للأك بما در من البنية لو كون سيد الل كوال سيد رية فود مي الميره بن فريف في اورايام عنه و ميك اطبي ن ميك ذري بساف وريب إلار فالوغر بركم و والربار أوم و فيال إن مجد المنك عي موزك كود و ان كر فاية

ي ورز كالحالاك كي مويا وزا وتنت كل مهم كي منيا رمين كم دوالالدرفلام الفينيون كوالويلا والكواكا وفرسوه بركو كادابيط وأويك اموال وبمائكا تمالادكورز

من برات ماری واکرونی و این از این از این از این از این از از از از ی این از این از این از این از این از این از ا برد من من من من المعلى بر رس اور بامد مراج الدار الاعلام الاوست على الدور الانفعال المراج الداري المراج المر م من سب بن العديم مي المان المي من العرب الورمنور مي الموادر الفيلا المي الموادر الفيلا المي الموادر الفيلا المي الموادر المو مر ورسروداز عمل المراح The state of the s موكي غون اسي بدر موكا انتهي الجد منوب بي عليراً السمرالا وإمر المع مروض في خرد أنبي وارت دكرابهر بها درخت الهيم فيروا عمى وواك عابي كير مكمة بالبحريم مح درزاسوت ست بترفره با كم الفعال في كواموركر وبجر و سيد من وبه وربربر ...
ابني آيتًا ورلف كم العدال في الرواد والمرافع و بالمحدر شويد في غررسر فراز مكي جذائع في المراف المواد والمرافع والمرافع و بالمرافع و ب بني آيئة وزلفتر من المعادر عود يرومور من من المار محد رشيد الدنتي بها درو ديورية المار محدوفية الدني الماري المراد والقدار المار محدوث المار محدوث المار محدوث المار محدوث الماري المراد والمراد المراد والمراد والمرد

البوة فووكم فالمنان والمان ي ينظر تواولي وب بندكات نيه فافي لبده الخديم المرادي وأريا المرادية المرادة ا بدراوروا زخار زانبارًا ني مِنا إدركت فريس كالمقرة وكم رنسط والونهوا فيرح) دموکا آیده اکر میضمبادک

م منواك اورس بيما بيمانون بي درد بدارا محد وران شعرار الما وراوس فافرم وكوركون وكي كرا سندوا عام تونها جحرت براه كرمنوف وكم موى كوني تواري الواكو مود حرد ما منورادر وكون أبن بركواكا لات والااور محتر درداره من كومسير للدكوعظ بق من بغيلد بالسر عفري وفت المعلام مزعار مرتبه خوان کا شاء عیی نظر بر رو کونسط منت دخت کرد برت کریک کرد برای سازم برهمي المدر موكيك و بال جد نفره بيني موسح مع المون منه نوار وثع شاكر دو تدمي الديس رضي البن وونون مجروع اليسي فون بكنامواء كم مركوراسي موجع بمركع بنابوه غام ومام كا موا برجها د طرفسے كم كو مرزيج مؤكوريكم كر دار كهربا اور ا دراك كا دي بعيضي در ولمز ه لورا اور بیضے دیوارس کیا ندیماند کر در آئے برہ جورہ آ دمی مرد آپ کے مکانین جرام موجو ہے الرطة اليه الركت غام وارث عاني م نهزير تل بروان مج بوكر هيج وسالم على إورابرت ورزن ا E. W. Hilling St. الإيران المالية مرتها چونکم اسکی تفعانتی دموکه یس ایم بهی توکون کا بنه ارائی بسرزای نیم ماین برتورکی الله المالية ا مرزایذ بهی سروعی کولا کرده بار کو جرده کا ورسی دی وز کئی بیر سال افعار ۱۹ آخ کیر كِيُ وَرَاهِ مِاسِكُ فَلْ مِوالْحِينَ بِمِن بِهِ كُنِينَ مِنْ لِيَا لِيَكُامِهُمَا وَجِوالْ رَفَى وَرُكِيرٍ إِ AND CONTRACTOR OF THE PROPERTY OF THE PROPERTY

المعلق في مرفظ المرفي المرفي المرفي المرفي المرفي المرفي المرفظ المرفي المرفظ المولي المرفظ المولي المرفظ المولي ا بدين مِنْ لاسلام كالأكراء وكي ورندا مولا احفرت وإساف م وإرحيا أدها عف ورجة الرئمين لطول بقائه اورمو لوي موحب الورموري عبدالإ يسيح يتحادر فدس سره مع شرعيت نياه فافي لمد مستسيد ولا درعلي جلده لل الم جمع بوعيدين وبنداره ف جون مسطي كرم مرموا ورم مربوره بسطم

الله من المستوارة و الميان المستواري الميان المستوارة المن الميان الميا البي آلي كري الما ويوالي المنظمة المنظ شخوا د دانتها مرز د راقعه اقراد د استخدار تانيم کونه پهرنجا خود غوانه به اور په د غیرهٔ قد هذا کونو د فرایا تن از در سرا برز در کان بیسر بازینشد و به سرای به بیسر می در با بیسر می این بازد در این بازد در این بیسر می بيرا بيئيون ينظي مفعال كالباري ونتاقة معضع مردر توبيع وبينه فيكرت بتالبينا مم تمهليد وبرن بوا فراه دن كي تفواه وُيَرْ أنام دان في مديك م تهيئة أنجية الجديج النفويزي التالية ي مهم عي منه وي بنيا لبني المهم فيه الهي مرمين كرميني و افراد ول كي زميني بني خريسة في اين المسلطاني ع النوع الوقي التي البيطة المم يعد المهمي الرحيد المرتفوا و افراد وان كي وترميني في غيرية عبر المي الميانية ا مركز شيسة النبي المرابط الرميد خود بليوسيسهي: ان قبل كير آمية البيريد خديد الما براير عبد المرابط المرابط الموادي موشی اور و بان کی بنت فقیر کی جنا سے بلیسم سب نان ہمراہ رکا بستی بیرسے رکزیزشفیا اور ان کا باتا

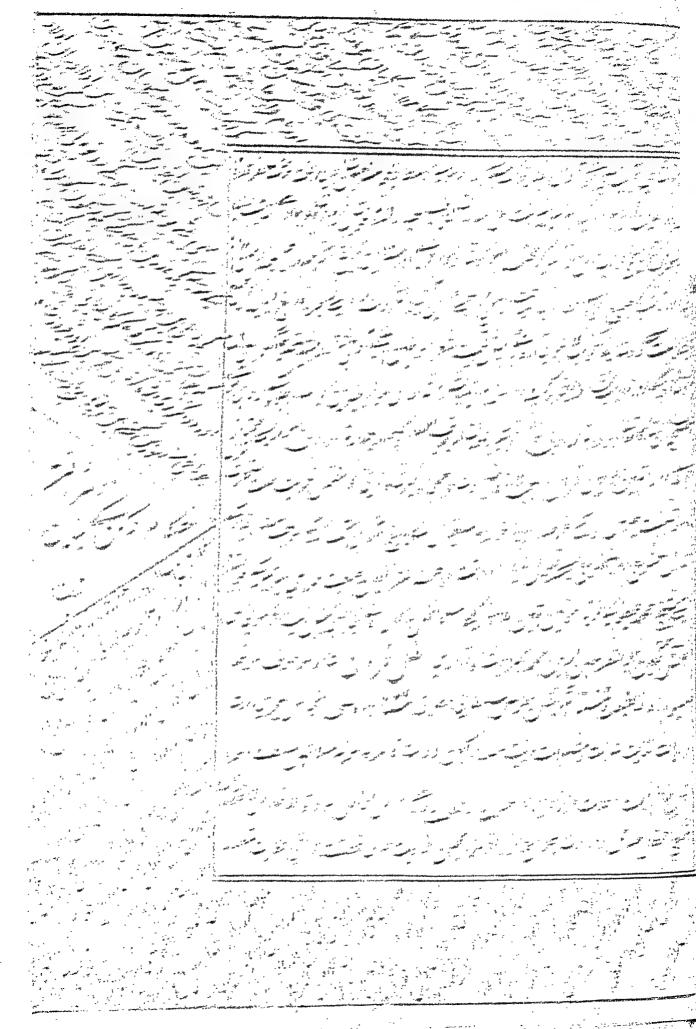
للك محدر فيد الذلي بها و رودا قيرار اللا محدر شيد الذبي اما و راصف فين يون كورون من في الما فرزر ما دُنْمُ دُورِ وَمِنْ الفَيْمِ نيردا برهاربدين فيمالارت دان وفرها رهيه الثيني سود اهار وسراسي يالاً والفح يومج ددوال بفرانج بكي يده برشنها داخوا جركنا عوام وخصين بعراج كم اذِه وام ي بِني زُ اسلامطن طهواين أَما مكه وْت رُق وَاد و موى كوصراليف ووارت ويؤاورتها فيرجوا كخيا كمان بدربتي فوراا وأبريخها ودازار دادكو نداك فوكوكا أكم ويفركها تبنان جعدار كوسوارا واسكي ملوفانه وروع كمركن اورجو مرؤاني انبامراكيف وكملاياجنا يرفزلا وحكردكم ادفهم كأصعبت الواكي يهي اداوري سي رخت موكة Alboro. رها لوما يون بذكان على كالبوافقط بسر مح يُم راج خدا ولي منارج كو

حنوركمال بدي بعدعدم الإ) كار روازي ان ع ولهوبن وتقعد سرالسربه لي تبي اوروك له البط تغطيم يسرو قدا وزهر كمري سوي اورسي تنيه النهرك إلى اورك برکا کردور La Contraction of the Contractio مدارق ال ويوره كوجوكو براه آيد بني فراغ ريرا كيك الفام د بكر دار يخ ادره مذراك كووترنع نے اور یک تور ہونا مونا الحا فرورنیا رانسطار داوان عام میں تو قصفے ایمان میں موجود مح ه بوش كي آيتر مصور ترا موكرا ول رفي بي بالكالي بعدائي سركي الله بها در كويا دو آجار ر مراعظة عنوني من كي ريد موالا مراسي النتريف فرا ابنے دولتی کو پیچے اورجاری وزار برجوسی جو کمرار بالیارت ار والمصبهوك مدرين نهيت مداي كدرايان جدرام فسنها دربهي ستوعه اورغرري ررته برایک املاق بنرآ میرادر ایمن واسط البف فلوسی ممال موکنو ارتی راج الله ريت وزر آصفياه : صبح الي داجها . راج الله بالمراد الم وفط بكوررا ر درارت اسك يارموك والمي عاسي خودنيه فرايا الفعل خرور يجب م كهلائيك نبه جا المعترس جماقي خانه

الكرنود و بناع الأركون المركز المناطقة المركز المناطقة المركز ال

روف في بور وسكارت اسكابك يو ويمضي نرعوي وزكره كسيم راركان ميسكمايا طوف ك مريب موروس موضو كيم النه بيعدة الملاحيد رفع الذيل بها داري والراردي. ي والم خدم ملات الدرك وم خيا فيها م اسكافيس سلام بدوريا و كا تاريخ فا يه فدااورا و حادي الاول علية الاوره والماسة مين نديت مبضة وباي كي سائن م تسركوتا شاميح في مت و كملاكمة معيم ارباب في فرربا بيكي التي ردانها كين اللهم احفان من بلاوالل بنا والأ²⁹ اس عرصه بن سراج الملك درني وسيدنت جزل فررز عظيب بها وري السبي وانقت به وه اسط تحصیل امرد بو اتی منز البهم کی سی پراملی اکرے اور الارک ريت جي با دركما مرصور بولكها كمرا يقط عبرتا بري الم لين إن دِوان الله موما راسي كموكو ورسي مرور ويت مرور وما من رفاد و ما الصور الله المراسطي عالي in a provide the

مان در بالروكاني فرزندونه يهمني مروزخنر عنيان بها درفتي حكسب لاداردفاه انفرزنه ما دخرندر کاه خواقی سبخده کر مرجعه دارجهان جهایا بسیمین رسومیت می دِيكِ الصوّع ادرمِين فورسوخ فدورِب نسّررهًا على يك مِرْسِيّا الوركردِ وارائي الفَّسَلّ ست يَّةِ واقبال مِنْ فِي بَدَيَجَ انْتِحَا^{لِي} مَتَّا مِلْنِ والورباطل بروّا مدارَ دعو روارَ ا عد النصوص نصلة بالزال و رواني زا دي ريث الارار ولبدة واعتبد البيحا ل مِنْ بو فرب بنده المركم ورسوائج عالم ممانت برم. المُنْ بو فرب بنده المركم ورسوائج عالم ممانت برم.



اندكه كوابنين وراركا فرزندكو خرصن فبوكر فأرم أوراك وبذكا تعاكم اراكم يركنكا دياا وراه ذبح مراكس ين بعدنا رميتين إيك وازغه ي كررعاد نبر رئيس كرعلاقه نباك معدانية ونبي عالب حك ه اخدار الهاكم <u>محربنه ال</u>دمنخان بها درفرز

ف زور مورد و المراسي ال والون و مراوز نفار مكر و اسطاد التي المراز و رون روز المراق من المراق المرا المراع المراء والمراء المراء والمراء والمرء والمراء والمرء والمرء والمرء والمراء والمراء والمراء والمراء والمراء والمراء والمر صب اور الما و المورد و المورد و المراد المراد و ال المورس المراق المورس المراق ا

ر بوین رسید الاول برخت میاه مین اقتدار الملاسم میرسنسیدالدینی بها و رسیوین رسید الاول برخت میاه مین اقتدار الملاسم میرسنسیدالدینی بها و كندرجاه بهادركم عرمح لدبرخان بها درع فت بالي تعاريد بوليوي ف مفيار اني ركه ركه يريغ وزاده كوابية منابده مركية اورايكل بنرافية رادربیا نی کولکاییزادرب فرایند که جورب که جادر زیرس لهر اور جوامر مینویکا مرادر بیا نی کولکاییزادرب ين جوكو آف موالده كي سية دون عليظ موكني بحسل كاز توكون كوماري سف وعاتي بيت ويشهر عادي لاول البيرين بمنفونغ وسبها ليسي بني وم الأولى البيرين وعاتي بيت ويشهر عادي لاول البيرين ي فرقه بن ديد برجي و مستره دوب كريان موسة بركوي وان ريد كذر كرجان ب جهان که دول سیمنانی اور بو جا ما کای کرنی اختیا رکتے اکیدن سلال کو توفیق جو دوجار براه وال كيك تاان رسن كالوف ليترجستي وسرق وم كالأورقام روانها المرك مل منه اطراق جوابكه اعات ميدووي شرعي كي كونا مد كارهم والدوكميا بحصر كركي وول فكوكو لورة الااوراسي كمرميه موكرا وال ما دري دي جيم أور دي السياح وكي تبي سيدكر عنفه اي و غرة صفر المصرياره المحلِّ بين أكيد وارّا راكلان مغرطف بين حو تريط ته از اورانب ترنصف النهار مبده کیه مرنی بوتی بنبی اور دانمی اسکی طرف

الورجناب مركبرتها ورقحت المهيم مح حاجرا وكال قوى اللقدار كهورون رم معظم الدليم محديد الديجا بهما ورجس الدولم حديد ال الديجا بها ورجل الدولم محرر و الدينجال: معظم الدليم محديد الديجا بهما ورجس الدولم حديد الانتجال الديجا بها ورجل الدولم محرر و الدينجال: ٔ مهراه نوتاه وطور زر کتر مبند مبرطاف مخدار من تقویمت وی کی مرجه و رمسبراج اللكراق رمهما راج بيند ولعل في صري عبري ولمعانين ونسام فين بيري وريرور ى در جورتبر كالرمبيا ه برنفريم يا در درنگر في او دروسي او رخوالي جيبيا كه اول اكور سواك سطور عان ا اور فراني المحادث ورادي معور الربي معور مرارع المراه م الماه من معام الرواد مرفع عال و المار الما السيط طلر خوام م ماكم و توريح الله منا درون افراع مها مراء ومناه مويدا مركم بها درك لطرير الأركال كمال مع وقراض في المعادة المعالم وقراض في المعام الأراف والمعام المعام الأراف والمعام المعام بي وغراد المراد والمراد المراد المراد والمراد والمرد والمراد والمرد وا با ويغر الله و المورس من وي وي البه من المورس من وي البه وي المورس من الله وي المورس من البه وي المورس من ركوافف الدوله ورجوس مرتبيس و فرا الملك فو الملك اور فوزندول ويحتر اللوال وربير بريس الملك في الملك اور فوزندول ويحتر اللوال وربير بريس الملك في الملك المورد والمال المرد الملك المرد الملك المورد والملك المرد الملك ا

باديكمواً قرميه اردةً عَوْ اوف مجادورُدْ ، وْم فَر كورْوْداً وْمَاءً ا من المرابع ا المرابع دِلان افريندي *نظير كيا* ورندر يوين رسي افعا سالله المورا ألماد بالكرور المراقة والمواطنة ويراو القاسم ميرالل مكتر مهرد قد ومضدار فرايتي برعالمها دركوكمال زينه ر دیا دیا دیا دیا سیم و کرهار ماریخ دیا

مر در مرمراد رسواله المراجي المراجي المركمان الور دالدين بنيرا المراد المرد المراد المراد المراد المراد ال من المراسي المراسي المراسية ا من من من من من المرتباع وقل من و مل من أو المنه الما يول و من المرتباط المن من و مل من المرتباط المن من و مل من المرتباط وقل من و مل من المرتباط وقل المرتباط وقل المرتباط و من المرتبا Significant of the second of t اور عدد الطار دورسم رس بر المرز في المرز في المرز في المرز في المرز في المرز في المرز الدين الدين المرز المرز المرز المرز في المرز النور جوميد الرواده وفرفاه مي والمريخ كا بجرد المي بها ديوهو اس المي ويروور به المراه المراه المراه المراه والم المراه والمراه والمرا النوزي مد الركاه اد جالات و نوراد يرقده مكه إلى مقط الدوله مر الدي المعمولا

ا و ز زر کدر انی منے مین که مورا Trivitation of ه دیر منابی مواله نیم ارتبار دار در درالانی ما تو مجالاً اور این میراید. ة رفصة النها يوصيلا ، ويه وفين دوملون درع وول أي السيحان جسس ادري كناري كا يزار موكرتنا رجلاه ربعال كث عطيريا مواكرمام لمده من مجرحه بنالاس خري يوايكط يتع ننغ زني اور خبخ كنفئ فعياري كبس مركوجد بارا وكارمن وكرروسيون كالخراج كروايا اورابك

فظا دالقاب برمتوريد رخو دكم بمو فرع فرمذ كال فدال على رساينده بو دنظر مقد م منكر و فدوالفرزير البذمور فالارات باقتضا وط تفط حرواني كم نونه فيوكا ربا في سب بالفاف ضطا موروتي مرر اد فوروج مسلطاني الفاظي حند دايد راك در صبيح يكوندكي له زمذها حرور في انتفها محرم و مروار د ورنود م باید کروران سن تکروسیاس این مراح بنیاس در کارم افردن از قباس مردست برک فدونشه سفیری مرنود م باید کروران م اساند ملخ كبعده يك صراف واريد تنفيسا كرو وعلى و فرقوع أمده مح و منظ كرم منطوا فدس المه بفرط تفضل خرواني بنبرف فبول موصول كت لازئه رسني فدويت و صدق كانداري المهما و على لدوره عواليفر روغيت وارارة النيام خو د محضورا طالينوراك الميمورة. و توبيها عام يرو واقبال اقرين طل فدورت تبال خود روزا فرون ليرمقود ن داندانتهي اوربر بهي ها با عليم ال الاراكيل اطنت ففره صاباه بدواسط بزكانية كيروان زايين غافرا ابهوافي يستريأب م الماره سر المياس عدة الدوله هجرر في الدنيان المار برغ لفن خدمتو جربورايك بعام ويون ي نهج البعر اليف البار الما أو المراح رفيج البعرة ليفت ارباب ولا إلا في كم ولا الكرزي زبا الن رسي الله يما ورفوان بذكا ف مديج ر مودیت در این دام بالایت دی می مفر داور در بان رود به می تروی می مفر داور در بان در در بان می تروی می مفر داور در بان در در بان می تروی می مفر در در بان می تروی می مفر در در بان می تروی می مورد در در می توری می تروی می

هرفه عظالا فلن قرميح اللواء بالارات والاستحال برأ اميان دود التوركا في فرزند ورَبِّه بن خراك ريبيان بونه مطفوا لها كيف سلفت آمنجاه مرور صفرع لمخال بها ورفيخ خاكس لا باروفا داديستم والوارسلوزا رسمهٔ انفرا مذمه و مربع الله موجه و الميمان ويها بات مسمران مربع المربع المربع المربع المربع المربع المربع الم محتوي كالصة خطرادرثية فورسوخ فدوبة فرستروها فالمرتب مبركيا الوزكر والدبن تفعل إِنْ اللهَ مِن يَهِ وَاقِهَا لِهِ مَا مِي بَعَهَ أَنْ يَعَافُ مِنْ عَلِيْتِ وَلِوْدِيكِ الْمِنْ مِوا مَا وَمِو إِنْ اللهِ مِن يَهِ وَاقِهَا لِهِ مَا مِي بَعَهَا أَنْ يَعَافُ مِنْ أَعِلْتِ مِلْ وَلِوْدِيكِ مِنْ اللَّهِ مِن الط الخصوص فَصِلًا بِللهَابِ حرواتي أرادي ورقة الامارة وفيدة واعتبر بابنا بالم فِيْرِ الْمِنْ مِنْ مِنْ وَلَا كِيْرِ مِوْرِسَانِده اللهُ ورسوانِ عَالم عَلَىٰ سِيرَّتِ الدَّالِ وَا فضول كزرصن غايزادم

رسرنه بنت على معرف اللي موير الذو يو فريد و ماه بها ور ر ولهوين ورخ وارف في أفرأ مور محت البهم كوت دكام فريج اورستريت اربخ د كمومها را ميد ولعان [-ي روزن كر جميعي الرياعظام كي ضب الصريح حيطاني باكتراد كونعام ين عرفارنج البالي المعلم كيئ بهت دوت له كمول لل تبوتي دوم بين فتمت نتوا موض بيكي وخياكر دوني حواكم المي اوْتْ هِ مِنْ مَنْ الرَّالِينِ وْوَعْرُهُ كُو طِلْوْرُولْ مِرْا كُلْسِرُ كَانَا وَالنَّ مُونَّا عُبُولِ كُورسوه عَلَوْهُ وَوَيْحَا اسي لندكاها دو دومرار دود افعي كركيه رادر موسو الصدر كوجهار جها رمرار رود اسوار معمار ا و الميار و الفير و بونين فران و الرالا ذي المران و البرت و اليرت و المين المرت و المين المرت و المنفوت اورنعنبت عبوس نورك عرصدورا باخو دينه منقبال سكاما ع كنم الي كم كركير، ما ك خنوج اور ضويع كروي ورر - ين المان على كري بي برر بري المان المان المان على بي بي برر بري المان المان المان المان على بي بي برر بري المان ا ربات نرت توکن و سهامت و شد در در در قام الحاص مودة الا فلام الفاق المراد المرد المراد المراد المراد المراد

جوكه منان نرتبة اوردراني كالعبدي موسرور أن المراج ال ئارىغى ئى دادى درزون

الدروكم الساسر بلاتن واوره مح سازو سال الكرري موجودا ورمته وآين نارو اسط اقلیز ال کیم تنوا ما ده اتبین بهی عذر از برشی مواتب مجور نظری که اید ن بهرنی برق تو بهون کارمی نقر بهی بحال بن گرفسر بهای طرفیک برنا طایل در ن ليام يوف نير سرادل كيا لين تيم ليخسر موكر أميمًا ورديم جوال على مخبل بريد. المام يوف المرابع المراب عين الرامن على كوملا بهرك أن مصرار كامام رمامور مبورا كو في مار والم ورماء والمام رمام ورميد المام ورميد المام والمورسي مر المان ميك مود هر المدارع بها در مذبا لنو مو لروناع مي هر في خال الماري مي الماري مي الماري مي الماري مي الم نور عبی کی بلاتن مرکور ه براه الرکید تخویل به فراز کردی و مینی جند و میکه برجوان این ا الاور تنوا الردروازه برسي ليجاني موقوف كرديم وربير يح يي ربهي نوكري لينده من ره بخيف روبي روبي روبيار المجدد ولي كوبه ينها يقيم لين بين المراد المرد المرد المراد المرد المراد المرد المرد المرد المرد المرد المر صلىلاته ه تبخير كمرتب رو بالبيل كرار نبقت كرمير للكاور محاصل ملك بهي كم يوار محدما موارضا المندي المراق المندي المنظمة المن المنتجادي مهاراً بعيد المن المندي المنتجاد المندي المنتجاد ميشا وريفي بتي اور كونت كلهواكر بهجودي مهاراهم جندوس نيمان هر وسائل المالية ا البات المساله فرز ترسانا المراب المراب المجيم على أورها درب من ما مراكد ولت عام أو دلت عام أو دلت عام أو درك مرس من المراكد المراكد المراكد المراكد ولت عام أو دلت المراكد Wickey and with

يا ورنه مدا كوكسته أكراً لفي دن *كرمنه كما كا دوبرس ط فعر بيرا جو كمد*خابت البني لطال نج مورز اركح ادمذكي عداخري جاز شبيكم دن كلمر كرجاب ر در الا فل اورد مع اورب الله وم سبير توشير توبكر شلفت عيدر اي اي الا فل اورد مع الروب الله وم سبير توشير توبكر شلفت عيدر ا در المرابع المالية مربغات كلفري من في معدا حرجاد الاول الم يحاروه وكراكوت

أنهى در سبو بخی می سراستر فلیدر اراد کری فروی و لمعات بین فرون زما الورايام وليالي ين منحه كيرجود رباركه مشبا ندرور جاركا تيا افراط راك رناك وكزت البيع بلائق عب مزراجا مزيكه اكهار كيابها ورسن بألات وق البيطينية بكره محفزا ال الي تهي وريوا بخس إربار في وابعان كي مصبين تعاوره از كجارت بالجي واورج موصوف كا دليذر مرحوال بسيري كليب الميان واراله صباكر داسا ديدا فية رمنسيدالانجان بها در کي ښايد ه کريکي پتي قند کر رجا کرواميط د پکن<u>ټر زکن</u> اِ د کلکا تخليجا غان اور ترنين تحت روا كنول فانوس ورطمطان تنهازي وميم منهم فردا فردا TO THE STATE OF TH ل زام شیمارزگس فراسم و کرمنتا بده بینے نمایتے بیکه دوستا دوستان مرحت تازه اور مدازه میکم بیرے انہیں وال بین فیل بیجدیموجر بیسے معقار فد ابره سکه نورا فروز یکی مربرط Livide of the Strain of the St المراق ال يكاحبن دلاورباوشا وبنسة غفرانك ويتصال جوميرون دبيج كوناس معدة الدومي المراقة ال lidas in distribution of the ظاهبان در در ان مراج میم وامیط موانوری در با کر بحرب بیست و بحور میراد در کوست این مراج میم وامیوا موانوری در با کر بحرب بیست و بحور میراد ان مراج می در مورد ان مراج می مراج می از برخت و افغ میراد در در میراد در میران از میران Joseph Joseph 13 C. 3.3.

ورزون ایز دام این داراه مراج ادر در ایک و ر درجار مرا ربود ارد علماه دنفار ه ادرخواب ما مرجع 35 (5) ورغلام فجدار وارت فدم دفن كوابيرا فدارتكا المناون المناو مي ابررادي اورمفدارادرا الفرخط اليم مطابي ما وه مارود الكي كدفدائي جن فدوكام الزيفرة مال ه الله المرافي المرافي المرافي المرافي المرفي

من المن المراق من المراق المن المراق مرية مرية المواقع الم ب ب ب ب ب من عنوا من في در آرا و رورت الربي فرزان في ريا و رورت الربي و يربي المراد و يورت المراد و يورت المراد و يورت الربي و يربي و المرك ويقرون من وضعه الدائم من كروا منط والمسطون المرابع والتي والتي والتي والتي والتي المرك ويقرون المنظم الم المرصور اللا يمثر الفي المعروب الن ومن من من من من المرابع والمي والتي والتي والتي والمرابع المنظم المرابع والمنظم المرابع والمنظم المنظم المن الموستون في المراكب والمرواء والل المراكب والفي والدول قطي الدولة فالميون المراكبة المراكبة المراكبة المراكبة مطفرالدوله الأقر الإدابيا وركوام كرخل لن ترادي تعب للسندرال والأوطاق المرابع والتنافي والتنافية النباها ورفترالان يرق ودارا ووورة ون المسلكم المرفع المساح المالية الورمير المان الديما برار سفيط تست الدولان ومحر مرر الديمان بها درتو

المالية الملاع يري المحارات فرداں نے ح مكال براسط باآحزالا مرمها داج خيدوس نع آ تهزاداد ولجين حبرندبهجوا باتركبي *ا* ن رس جوا ديست اور ك Ce soich

The state of the s من روج ن بي مسون الواروك و با في رحب كما م فيرك و كار العربي الما و المراد المواد المعربية الما المواد الم رسرد اور سندن الدر الدر الدر المادة عن ولوك المردة بولاد بربين الراسة الدر الدر سندن المراسة المرادة المرادة الموادة المرادة من الراس مركا را در المنام المارور المارور المارور المركا و المركا المركا المركا المركا المركا المركا المركا و المركا ال بالنام به برنام با در ارفی با مسیو کا در ما تر برایک با در این برایک با در این با در ان الريوري من در موان المراسية ما در موان الريون المراسية المراسي رفار کرکیا اسکورمان می دوج بین برگیانی برگسان بوسان با به برا برندان برگسان با برای بر برگرای برگسان برگسان بر به با در برخ برخ ایرا را برخ برخ برگر تعد ارول در جوکی از ارد بازن کرنا کرفت بدی از برگران از برگران برگران برگ جهان بی ی برخ مرجی به سی اروی شرک او برگران برگ برگران برگ AND THE RESERVENCE OF THE PARTY OF THE PARTY

نبر التف يفيل والما جدمت زنين اور التي لوك ورا ودين بوم ويزا أروأ الألال المرمن ف لعنه بحرور سنوس في او رفع والمان ا الركان الركان ((العمالَ ليده ، أو براه دارا بمنظم من درنيات مرئ ديرنان ته كام بالدبور رو ، ت کی اویز ک به مواد کورسیدی بردیم با کیفه در در بخردار زردار رسی ترکورز انجایی بن اور کارت^{یم} کوارد الاسنام سواريكي زلانع مفرزقها



الربر أنابنا أسوي עהאי ייליום וליבון

مهضا كوامها كبي جميع ورزا ورنجلات بي طاين بيضاكر امرى نته إور سروي 13 رما تتفاط فرما باكم كجرها سبة نهين بهارينا وي يوي مني رسطوعا محوا م برسته هی بروخ وی مخت رجوس کی زاور برده وافع مورد امام متلاهٔ م ابرسته هی برده خراه می مخت بعوس ایسان برده وافع مورد امام متلاهٔ والمريكا الرسطي المرتها بالباطبية وخدرت بول بيدموه فروسل ر مرون ہو تھ دیوا و مباتا رسکر یا د غمیا برستور میزالملک بہا در نے بہی غیبت بین مہارات پندولوا بھا وہا المان والما دروه وفي في المراعظت والركبني بها دري ملاق اللي حركان وبدانقالي الم معطف كي البرط ه بها دركوكو للربي ايني با وفراكر واسط البف فلوسكما ودم الحيات والما المرب ילילונים לילילים לינינים לינינים לילילים

No. يُحَاكِمُ كُلِّي مَام مِعْتِ الْحَادِ طَلِي رِا مَبِيارِ الْمِيَّانِ وَلَوْكُمْ مِنْ فتكر الماح يلك في المورنيك وتستواركر عوموالرك ليرث تقالي بدرار فوم

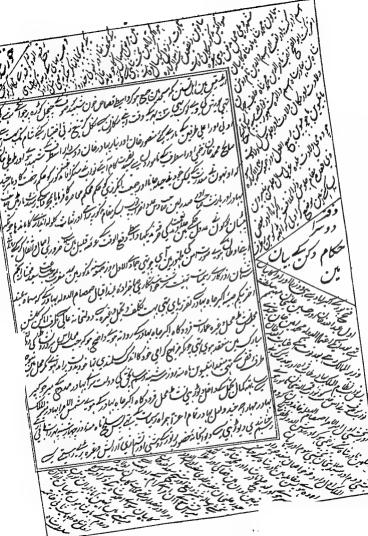
عنی بها *در آنه حارادیا* ن جارا يم علم تورونو وزيم حبر الم مصر نورجها ل يكردورجانا جائيكم جا النسايم عند مرة بيم عام توريخ منسل ميم عن نورجها ل يكردورجانا جائيكم جا النسايم عند مرة اورفا وربيمين مض^ي وتكبر ناع الدوله مرور مضن عنبي بها دارور صع بلسك ليم عظم مرحوم بين ورغفو النب ميكاوزا ملی ایما در رح افد سرے بیا برورم می میں میں اور بخت افروز بکم اور میرم دعلیمان بہا فُ كم ي رفعت الن يكم ي اورا في احرا جدا كانه بي وربيج أجله كم تا دما أ عل النبايكم مصر مورا و در ميكم حتمه النب ميكم مصركين معد وا الْحُرِّةِ فِي رُوْدِيةِ الْمِرْدِيةِ الْمِرْدِيةِ الْمُرْدِيةِ الْمُرْدِيقِيقِ الْمُرْدِيةِ الْمُرْدِيقِ الْمُرْدِيقِيقِ الْمُرْدِيقِ الْمُرْدِيقِق واله وله بها در فلد احد طله ميم موي بين منائجه مذكور موكا اورغفور الميم اورنو dist. المنابع المرابع المراب in distribution Edin

م ن ي مي مي المين الم بي يور تعبق مي سياه مركار بالاروكي كروا وفعل در خيت ارتبال فتر يكوا وم موركا وفي الركري وي نزيار عل بدكي فرين كو صاصل بحادث ورها

الماني للمار المواهد المرابية المرايدة والمراج المراج المنافق المالية المالي المان المرابع المراب Jonies Williams

فأولم أرابي Living in the state of the stat Applying Policy All بناد المارج منطبلك عبر البلانم الدان المراق المنظم المن المنظم المن المنظم المنظ ا فرد آن مو المعادل و المعادل المعادل الماراد المادر المعادل الماراد المادر ال بردوا فاعنهٔ و توروسی متعلقال البیرمنا طوافیان میخره (باق عبال م بن مارس وكذا بخارية ال دم كيد عذر باأب ونفسفوالهما وطوع اورجدتك وبهلائي وبأر

بلتصنور بر نورکس ما نه نا اور استم مهتر را مرکز کشیار ی در دونی و بخره هاصله و ته بوسر بلان الريم المريم معرطي كي والريم وسكود ال بقرباي تبي دروس وريم ورد دورد ورد مورد ورد مورد ورد مورد ورد مورد و الم ، مغید فرد د کاه براکرها ه بیما درگی زعن ایک ما نقی رئیسا قیامو دی بود و در او در ما دور می می اور در او در می ا ووسران مون الردوه ويرضر الله البياد اور سرالما المادين درلور مهاراً محمد ولوران الرجواري دولت براه رکارت با بخول میم روز در نبه وقت عورونا ه خوسرکاه نباراد آریج رنبی رسوار مراس ور خواصی خبر الملکان دولتی از فراغ و سی راغتی فران خوادر دیال کو د د کا هیم البرها و برادر کی هاکم مزدایک جرم روزی کی برای میزونی کرگری مفعل فرگار در کونجی کی وردر روزی این میزونی کی در در روزی کی این در در رو در به اوری واقعی می موجود ایک می بوانها و مقط موال در این از در این این از در این این از در این این از در این این از در این Service Transfer of the service of t The state of the s The state of the s



المروايل الماري المراقب المراق ر الوندمان العلام الم رفال ديا اور د لي رافي النبيل وكي اورها جوار بي المناس عدد الم والد، والم المراب المرا اد الرقاه الرواه المراد و على الرقاد الرقاد الرقاد المرقاء الرقاد الرقا المراه المراه المراد والمراه المراه را مراه الرواه المراد و الرواي المرواه المرواي المروا المراني على دارات كومه و فروز بي اورتاج من والده تراه كاكرها بهروز الله مارول كراني على دارات كومه و فروز بي اورتاج من والده تراه كاكرها بهروز الله على المراد الله تعلق المراد ا

المي كم واغد دم مح م وبيع الأول ربيج الماكوم فريغيره وبني سي طول م ، وأن مور إورُفا وترقرك أورلاكم تشريخ أض بعداماً تنهيم فيقو دال بار الميروم لي بني ما ريس الأكوليات جارت موضيط كما الورنسك لذيدا ور ر وری سوی سینه بر برا در انجاری ای ل می دادر زبایت را می اثرون و و موم الحوام كي تين وان بك الميم من جن الطيعيد والحديث العدالية.

بك بنادت البرسم إلى هوالدارها و مرمول طلاح را مرندول منوبه بالمرور كوملوين دربان موكري ي كالمقيمة على يومال مماك بنوي ا الما بي كني صنى كم قادر عليما كو طبيع مهارا ميندون كو عامل كر اليد الدولي عليه المرابط و الدولية على معلما الم دار المع ورسولو و قد الورس فا يي دولاو ما يقى علي ترسما بول شيم الموالد الدارسية . الروسية الموالية الروسية . يوم الم ان کوکر ده این از قرار سینی مقراور ملازم در تینایخرانگ مع اینی پهی ما به از و کردن ا ر معنفرد المحار عالم موسم المعنور الله و رحمت اور عامر والديان ان رو واصله العلقائي مدونكا الموسيط مره في المحوسريان و والدين ما ما المان ال بادر فرا ایماک مفایقر انبین بهان طوالوسی کا در داند، ماریکا با در این از این از این از این از این از این از ای درجو کیم مرف نظ نها مرفار و کیمها رفاا ورد در کار را اور کی در کارک کریم ما ترف سوک المجان الدين المراد والمرود والمراد والمرود والمراد والمراد والمراد والمراد والمراد والمرد وا علم اور این بولی اس موشدیان نمام زندگی اور اس می را در این می اور ان می اور ان می اور این باز این از این اور ان می از ان می اور ان می اور ان می اور ان می از ان می از ان می اور ان می از ان می ا ا بن المادرية المرابع ا Washing of the solution of the المجال المجال المجالة 379/19

موجاله صطر وا درانهین طرک^{یک} واهلات می نهیر دراس محدفة وكم فان مرفوم كرواً مورارالم

کم عاصل مرد د اغل مرکار کرویه مر زوالدنان مرکز مرکز مرد الرسائع الروس الرسائع المرسائع الرسائع الرس لملاع كيرج بجنون إبارتم لمدوا بالطاراة ار به جود مان تهر راند. و دا به جود مان تهر ماما وغره جهود کر جار آن ادراه م إبن داغو جررا فے موضع وا فال حو طازمی ارمی ماصل پراحرصا یہ میاور تو اول ہور وہا اور فال حو طازمی اور کی ماصل پر احراصا یہ میاور کا ا الموار دات كي دربذر وسوار علازم كيا توري ارج اه شبال كي رواند والد المتفال فروين كوسله ادوً ما ريخ كاليامل بق قا قريم كما برجمت حق برستاد البادرية ولاكرروبيكا ملك اضلاع رار مرور عجالا رور وطور از كافر المورة و جرفال ما م الازم كو اين باركزيكروانية

Surre Stylick لا علاج مرون ما زريدا صي براه رکامجینه فیج حافال مج زمدا فلام سم وال كنصاورتنا نقركي اور

لي عِنْ وَيُ كُرُ مِنْ إِنْ مِنْ وَكُونِ مِنْ لِكُونِ مِنْ لِي مِنْ لِي مِنْ لِي مِنْ لِي مِنْ لِي مُنْ لِي مُن مير المفضة تمثر اورايك ر دونرار رويف اورايك لها الروال آي المي اورايك المراد المي المي المي المي الم فلوينا كركوسادوت فركا عكر سوم للهابي مرشك مدينا الميا وشرك اول علدها موالك الأرلان كي ورمد من في في مواديا ورتها بمار صلابتمان نيه تكورانجام كاررداري ابني موقوم في البيسالي بيه بمرا المان صوروالا من المان المان علم المان المان ا بندمنیا دمین را می از را می در این در این از در این از منابع دمین در این از مرى دين حال حداري فلك د لين بنه عرا موراس منى قىلىك ۋرالكى بارى كارعىلى ملاركىنى باركالورق

س. شیابی در مرسیم مرجم صلاتی بها در مارونه. لقريش ركونوالدكور وأكئ فيزمن فيان يخرزني عر محرد کي دس به زموكس قدوندا وارزنب طارن كالهاكد وكمط ول زوك

ن نبله کا ه را فی کولود کسیالی می را و درخی از در میب بین سفرندا کی نر کلیده ان دبها و قص و عبره محمد الا و سركرم اور بر «مور دعايت و دافر دل م عمد معاتب ابدار درسم عرفتي A the own to a few son a series بنگرفتان بها در کم مندم در دامیران بازیر شاه ار و سرسواا در در سور در منام دارمه اصرا منابع در منام در دامیران بازیر شاه از می اور در می در از در در می در از در and subspection of the sign of والنبي فوصالح بشرك وامااورا كرت الحالية رطر فديامن الرياسة اباره يحريتيه يكتفرا جريفام الماريز المراج الماريخ در کی میرفررالدین عذب بهادر البرر ویکی بنسهٔ عقرانا سے جلو ه طبور کا با ی افر یا عروفها إلى المرابع ال باطمغفرت مأبطح مح مما حراد كالعفرا ماسب ممراه وسمبات ونيه المراق ال 18, المراركي .

م^ل أنبااكبرار اخرار وينسي مربوس اح يرا ومورم فرمد إلن ومس مركوا دري فالصح ويزكر أبطاه أبيا ا بيل دور وفان المراجع سَائِر مِهِ وَهِ بِي بِيرِكُ بِي بِورِيَهَ الْحَرْدِ نِي نِنْ بِيرِكِي مِنَّا مِرُورِير مِلْ أبطيه يتدان في كالمنت فانون وكل يومواد فأرفال كالديوال الراك الز

ادری سط داملیکه کلری بوی فرل کندا نحف می وی سات مالیم تا بهاری کا عرفر ملا تمان به در کاو کمت می در اوا خام دخواه و کاه رفیا می کی مروم بند کندا ما حیا در اور مالیم می سے فرح زوزی زعبور دریا زیداکی منوح تک مجوا کری اور می مااتی بهادر کومسیاه میزی بندی مالیک اور عی رسته که کام ر ما ره ربه المرافي من مرب برواله ي مواج ي وروا من المرافي عاد كر بردار فا رائي خانج بولون المرافي المرافي الم المنها ه طوات من المسكر كام آبا با نجون مح والمحرار مرس برابار و منيت بربوا نجار بحار بحار بالمنافز المرافي المرافي و المحرار مرسي براب المرافي و المحرار بالمرافي و المحرار بالمرافي و المحرار بالمرافي و المرافي و المحرار بالمرافي و المحرار بالمرافي و المحرار بالمرافي و المرافي و المحرار بالمرافي و المحرار بالمرافي و المحرار بالمرافي و المرافي المرافي و المحرار بالمرافي و المرافي و المرفي و المرافي و المرفي و المرافي و المرافي و ا در الما در الما در الما الما الما الما المور ا اور سبی بری سندر کردری داسیط که با حی ورف م رونائیان و کلا بر باید بو در دو جدر سید یه اور از بری در از می در از می در از می منه و از المان و کلا دی منه و از المان و کلا دی منه و از المان و که با طبی از در از می در از ما توبان ارنجات بركوري سيد ورو لموبن رنج ا والدي منهون ا معدى به المالا والمراب المالا والمرب المراب المرا برنا بين كار من المرابي المرابي من المرابي من المرابي من المرابي المر

S. John Mario J. The way of the state of the sta المربول المراجع في المراهد المراجع الم The state of the s Straight Straight رم وآما و و لكم محدصلاتي بدريا 5 Strain Contract The Control of the State of the S. S.

فنوان سيانان للميساه المن سندرين تواد بستاره فيسك شجاعة فمال في لزمري كوننا بمرسوك جرار دالي أبإ براا در كركيرا إعن الأكبوري دربينر مواا ورسرمارج اللمب مارر الم من ال فور المراد المراد المراد المراد المراد المراد و المرافع والمراد والمرافع والمراد والم المعطيع لنبرد دارده را المرسان بالمويران بالميسر والتبني لأوخد دامات و المسيمير مل كونزر يسوك وكرغد بها دوركر الارائي مرز عدين في الركيم بيد طرن الرجينية منا كرمنج اورو أن عا في ديورًا لي ميرانو درسيطان ما ريند مي واورانا را ورا اورهنا من الفات الميان لي موريس من من ريند وراد ورانا را ورانا المراد ورانا المراد ورانا المراد ورانا المراد ورانا المرابية المان الم بهي دار دستود بالسيم سردارخان م كوسياري شمان عبيدار تبن سوسوار كامني مذكر المنجم ولتوارس وعراه راسه بهيواسكم زماا فعنا كرنه نظير وجرانا إن بربها ورايس خود داري المعيب لأول المراسية ومرسط ويحرش لي كي ورك ريستم كان كالركوديا اوروال المالودة حکام وکن سیک بالاركها بالررابير جذولوا بنه ما نغه كي بفال وكوراس وكرك على سوكرنه الحو ملاكرا ورويا المنابخ بالماد بم إدراده المزم! براوس موالورانكم حب بهي في اكواتيها وروبان الجوركون فيت بي وريدت ورغيك بين . رسه نِت كِيوز و فر فرور و الريس و ال كالم الم الميك المن الميك الميك الميك الميك الميك المواد و الم الميك والم المجار المال المرادل عمر زركم مقام مجفا الفريش سياير اور ديوس بها در نيرا در نيا الركالي برسي بجرال الوف يورد الموالدين في المبيد المهامان ودوا كريم البيذا برآيتر اس عدون خراب المنظر الجنف في المرجوميا بن بي واسط بعير الم المراخل المام الما إي سيح بني كدرائخا ورراه بريب بنا ساليه بن دار د لده سيخرر اجد مالا بي ادواسط ال الم في القرر في المريق (رخ والمنظمة اوردا ميذولول ما وي مي المداور اللك بها دربرعالم بي المجرز المزمن المرسية المرادون Till with the same of the same Livin Verilia Dur. · july85

فها كريم مادة وآا يوسمه المرة تحييب بن كبيوم مفاتح الروار ن کران بی تیار ۱۱ ورقری مرنج صوری این ار در پیشانیدی ا میداندگان می این از در این می از در این از در این از در می کرد کران بی تیار ۱۱ ورقری مرخ مرنج صوری این از در میشانیدی از می این از در این این از در این از در این از د وانها برحرم والإزاء وكحركم ر المريخ ريفان كوموران النيس براي ومورو مقد ومحد على الدين الوراد. والمريخ ريفان كومورو النيس براي ومورو ومقد ومحد عمود الفار الدين براور ا ر زن من الله المرية المرية المريم المرية المريم المرين المريم المري لمرالا وابها درمكم بدابهي لدره ومصل مكسان بمرابو بنسماخراذه مبار والددامة مركناط روغن كولزاكرون لياز بن عدر آدمي لون *بنكست* د مجر دج موجر خوده Letter Starting

راه جند لعاسم وسر مجار بارا وروس مرارسوار كي عب البن المون المرحمولي جوار منسكر المرعالي با در معاري بي البري وكرمانين شاعاليه المجارات بيوان يحاوراكرته باليفائل بروان المنسكونار جبوك درو سركوني بمراقع في إلى الما وعنفر بغرب ومند الاستخدار مورالا المستركة الورسي المترس متعافيون المجروا الدرام المريب كذري صورا مبط وصكر دوزا فرام معدوره الرقيم مراد عما كورت الارتي اورابنوا نجنسه محرون تم وقت النه بن مرعاله بها وتربهي س^{عا} الريضت من كويني والي بعد يك لارد كر Signal Jake. ود وسمع م وس كان بوا بن خود مر و مروفر ما نبي و قد و نحد فرا ميز كنيم بين كه دفت كان برانها دي و ارمع وج مناكاه حيكاري اكركي اردستير جابزي اوري سرار المارية الماري The state of the s The second The Land الور المراقع ا المراق المرازي المراق ا

ربن كركم بون وروك وكران وكالمرة والأون ریمه غالب کارن می که اورد پر طرفی کرچیکی موره دلیم بالرما اورد ریمه غالب کارن می که اورد پر طرفی کرچیکی موره دلیم بالرما اورد لادمون فالم و مح حنف لي إنه و كون بن بنيروبي لا آ وخالف كم كمنية ورح فل كرمبونخ وليم بالرح سے مست يضوفر ديا اور بازركاني اختيار كي اوركو التي احداث كريك بنا وادوشند باركير ذابي من موجو موجعيت اكرزي متين مري وه باغياف يلاكم اوركسي فى النار مواا ودكام وصلى ادي كرا حكويد نخسها و رجو فربها ي راح و من المنابع ا To Children States

مدين مها مسان كالمراكب اورزدس ارد سالوريج واسط Marin Maring and Marin

ي د کافدار اور محمد عامی اور نیاز ر و مسال رام جدون اورام کوندک اور امرکز ادة المخالكا ر چراه کی این مجامع شار در قبار نتقال غا ومشكارما ددوره ورن بنهان ا 7. 1.1. Je ₹.

اه وبكا بون الميات رع الله كي الدين براوالع المام بمالي در موضي كو فلع العرود المام عند عطا و الدر الموسوط على مما رئي المرس يح مرصا وصو و عجل موركوي كوي اورو الني الآن صلار سري على من المسيم و ما مردار ار می از متعن اله بار مرورز می جوامال ار می سیم بسرها فامل در در واز با جمام اد کا برای او به بعد د و مسکست سی دفت نبک موکره out of the land ركاركي بموجرار والركرا ولالسكا دفترسوه وبعلوه بركار وترارا واور دهاندر جويت رسة علا بها در کا تباما ترس کی سرفار کمینی با در سی ترکی رست بها دکار نیکار نیا رسول و داند کی مرکار او مرابها در کوسوا مردم با کام کی مربه کی جا منبی در دال و ۱۰ با منبط سرا در دار ایسان مردم خرد مردم ا ارة فه جوکر ما دام الحیات فارز نیاب ال در بیان دی منزصدر با رخار بها و رکی ستر میآ عالمها درميتره مقيق وحاول ميوي بحور القرين ومعاجرات يتميم في لفاوية بها دراورميزولنعقارعلني بها دريداسي يعشره اول دريدالا والمطالياره يحيير الماس صال مو هرود کرا او کوموس ماریخ اه منه ی البیای محرورالدسی بها در دو ورندسواد روسي فيرانهر مرطابها درنيسان حنب لكره نوار كالبيغ اكم كريم عض كوراني غوربرت ينه يدر أكياد رنف نفيس ردنق فرا مهاك سرا بيروالسم يوك المكر ملز البالبة المادروبان المرابية اركان داج ال دا إلى تسمير عن ما تمر والركان بها ورلا بي رصيك طوي مدكان \$:3'S;

(J4). ر مریم ندین کذرابین يرمي لا يراورمدوخ مامراده مداركت هرما والانبائن سيروازك مرعالما درميزوا ار رجاره بنیا بهدر کواماک دیے ماسط ط عفر لورلې لې منايي كرمه مرودوالده ل عدر کا عدر ک

والمرابادر منها كرصين في ترفي ابن موتات والكرافة ع المراس ويد فاصر و كار على باول كم فيرس بروساد و والم بالطنديم بنريب تؤرودنني أكومها درموضي المزارق حدهونا غربا بالن تأواني الفياسك عيه والمواسط رزعل كم ترجم في وأي وكورنجا وبها درك لتنفال غوائع موزة ف تنا بدمات بيس كال تحل در كفد بحريث انوام كا د ما كتية م كانوس أو سن ومن الدود ك مهدي بدي كذا وي من من مند نوروا منط لل خطر الواسطة قوا على الله على عبدات كرزي زفير و الوال الم الدورية د بداندار دین میرلان و خدر اگر جو مرسکری دفین عانمازی کویت و برت نویس و کمارای و فری سااور را ر العرب مره ك استواري متوحرال بهواسله رسي اموي اور حفرت إن كريم أربي زيادة الأصلي اوراب منيم الأكسنير الا سياحة ميكردوال بوي ميدانيك ويزاميرها بهادري فاغريش وكمروات

Media to the training إِدِ دَكِيانَ جِيمَا فَيَ بِالْمِينِ الْمِيمِةِ مِنْ الْمِيمِةِ مِنْ الْمِيمِةِ مِنْ الْمِيمِةِ مِنْ الْمِيمِةِ المُعْلِمِينَ الْمُعْلِمِينَ الْمُعْلِمِينَ الْمُعْلِمِينَ الْمُعْلِمِينَ الْمُعْلِمِينَ الْمُعْلِمِينَ الْمُع יונו מנופוננים بانين غرزي ربيح الكشاريا الربي ئے مدومت از میں بنے نے ارز دابالہ ای ا راوري بني النطف كيا ورفر دول ها مهادركوكروه راوري بني النطف كيا ورفر دول ها مهادركوكروه ماستار نخت اورج تمراكه بن على فاهرار الوال بے برکتے اس میں مار فرار دولا

عنی را ظرفیان روریگرمنانهٔ صافرارهٔ سوده صلایمران برای کان کارنمی ۱۰ مرسی بیزی از این اور اکبر در و مزرسی بیزی این درسی این درسی این درسی بیزی درسی بی درسی بی درسی بی درسی بی درسی بیزی درسی بیزی درسی بیزی درسی بیزی درس من نيادرك في نياك والمادرك المادرك الم ما خطری اور فرط محب مکنی دی انبیمنه کی کمالاً اورا. اعلا خطری اور فرط محب مکنی کی دی انبیمنه کی کمالاً اورا. ال مي مو بعدومني كي فرز دارمند محد فريدالدي بهادرة المحدوم والمراقط و كمني كرا الماسي من بعدومني كي فرز دارمند محد فريدالدي بهادرة المحدومين كي فرز دارمند محدوم المدين الماسية الماس ووسر الماروم عالى الدين دي كردي لرعظ المراار طوعا وفي المراس والمراس والمرس المراس والمرس المراس والمرس المراس والمرس المراس والمرس المرس المراس والمرس المرس مرا المارة المرادة ال اعطاد الرسط عائم تركي ما درصع الكري لمواردوسووا المع المين الورنبريك فور دور دور مربرها خرادة واسطح من الوارنب في المين المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المربع الم ا من سرا لا محدیث میردندی ادرجایی سنگ مرمی بهت خونه اطراف قریمی بارگیمی ادرجایی سنگ مرمی بهت خونه اطراف قریمی بارگیمی معاور المراب كردوازه كون في رونظر كرده المعاددة كالمواند ومي سراكي يورد المرابي من مي بريد فطور من المسير سامي المرابي وف بقال دار می مام از بینی کارهاه مراکبر علنجال از در ای مدرسی رُبِوْ عَلَيْهِ الْمُعْجِيْهِ الْمَادِرِطَارِتُواهِ مِنْ الْمِدِيْ الْمِدِينِ الْمُعْرِفِي الْمُعْرِفِينَ الْم وي من در الدر في من المادون المعارض المادون المعارض ال المرابع المراب יילים וועלים איני

ر افغار المرابع a 565

به إطلام ي ي كم قراح والانا مارتها ، وواسطاعان كريم را مرتبي مراوالها ا الددادة برام فالد مرر وارم اور اور وال ما دركو التم وارسوار وادروس والمحوارسات السي دوانه زهر واضح مو كم صيت الزري ليدكري سيارة واج قامره كي توج عزم الجزم سي في رمزادله مرعاليها دره اجوت كرك مي فوج فروزي از آسي اورسفيفي غرمت فيصدر موجو كمرتبد فيرزم سي الفراعي كالي عطائي سورين فرماه عمر فري في منود و م الحيات رون افر المده رسع اور من وطرف بزم والساطا ورتوب وكدهداي ورظوي عرص موصيا كمدى بواب^{ور} عني مهور عنظوالا مراار مطوعاه و ناسياً يتر موايك في لي كونكاح كرليه آيت يك انهين سرفينية والي سائم كراتية مطر السرلي لي يم الكراك بدا سوالعط الاوال

لم باره سيابه مين خود كومياري الى د لنو مى عايد هال بري مكام بلد أورا طبارا ط عافه توکردا دا ایمن می وفر ره نجالاً بر تنز که ایر اوراد ن ولی نه برو<u>ن کردایی م</u> ل والصن من من فران المردي مقد مستقال على ملوسطال مي ارتبع

بدر رفع زناراز برا راس نامان از در از در ارس فراس فراس و المان ادر ما مان ادر مردران من و ناراج ما المح ور نارها طب کرنت سرارون کی رئیم حد مراد بر کی حد مرد از ماری استان اور می این از مرد اکنهای این که کر الفاق مقابر کا نروا القصر کو کرسیا منعبر می انه حد او از در برد الفاق مقابر کرای کرد می انه حد او ا ر بسر مدرد و اما در ام الدر مهارسوم و الح فامره مم مرابط فراده مرابط فورا و ن بالبعن من مربط البوف عاد بلي بهي ي المحالة المربط و فرا فواعل بي برارم ورما بي التي واي ورم التي فروري والبيد عفر جوابي كم وجروري التي ي الم ما مذر المكوعاز م متمار مجني مو اتنار دارد فعا كيال على آوار دي ورصاخر و تياليا النفوي المار المرابي المعتمل وممن سيط بر ماري كيامت من ما خراده موضو قراخ و مي المحضر لكهوا ما تها كه مسجر الشير الا و الرابوني الماري الماري المعالم ما مورد المرابع المرا بها در سها مدر الله المرسوالي درسوالي در الما درس المراز الما مرس المرس المرس المرس المرس المرس المرس المرسولي المرسولي و مرا دا درسولي المرسولي و مرا دا درسولي المرسولي و مرا دا درسولي المرسولي المرسولي و مرا دا درسولی المرسولی المرسول البرها رباس شخواي بدريت بين رباكي نفاقاً كر اختلاف واردي فنانيه رسته با ما وزستار اللي في وول الماوجي المواقعين مواحق الفتر رفية رئية مركور ميلاندار بالمفاق المواقع الم

يموكن بالبوديك أحركا زابه ناكريما يحادرما بزاده كوك سدمحرالمز عان نيج البيون الراسي الويل إلى الورموع فلم قال اور غال وج كاه محمان دورون بي ليفر بركون إن بنف ورسر مرم بالاراكي به طار کران برای مهام از کرمین کرند یی زمت پر براغار بیان کی توار آمند یرختار و ما قر علی *کرخی رعاد کی او قریخ ک*ران

مرضي والمجي اعزالا وكالوطين وضين طازان مكرمينيا باحزرة بار کورواسط ای مای میلی صرف کرین او بلات کے جاکر سراللعرعا کی تنا پرصالحت کوکرسی کیا رص صلی فعاری اون رمضائ کو کلها کیا حضرت بدر الجامعظ الامراکو که بانی بالی رجائے تھے وا ابل بوما سكه كركيم ما رموين ما ة منه كوجه ليوا من ود كا او الله كي كرجود موين ربخ مرعالم مراوال عان بها دروا سيط در تي نيف امور بوا كوكيم تي زا حوية كركي بيره امذوز ملا زمسة سيميا ورام تا زاود دا دېمي مېښدن ټال کوي کاميار کچر کا کموچ س ونير ښولام النه روانيو رخون يوني کيک د وال بلدهٔ فرخنده منیا د موکر رون افرام نیاه و حربی می سراری ای و حق روز در بلدهٔ فرخنده منیا د موکر رون افرام نیاه و حربی می سراری و وقعی روز در مصلخام والركام احداله كوسي كرنسي ولازم وق دسافام الاسكام ووديده ورابا مراند كالصلك رسرتي فالمتعده بالخساني وراطه وبرايا فلا اسكايه به كدر جانا فرام وغبت العظم الامرائ مُتبت الوريمي ورما يكونيا بأكرتبه ريشه كركيم والمح كمصور كو فرقت تحفي المركم المالي وكمران رورد المرز فهامبن كاربر الزر عبة ودا مي لفين صلاح مي عالمها در كي عل ماري المولي اورد والع وارم الطنت كوج كوج دارا الم كونت كريم منسط بحرث مردم هو رقع نبی زال براعظ الامرا ایر نیزگری ترا در در دی اس ملی علوه طه ورکانیا با خاشر وارغوا با روال بورا فارصانیا اعنی ندیمان سا المراز المراز ي له ماري موسط اين بدروازيا كري كون

ילואים KZ

ربيندا ما من منا من المرابي ما رسيم عام المالي منفي الم الحوادي مي تي ترم ومنه ميني المريم ا ادربري بدنته رفي كورثه ورهان كزرمج عبيب بن رأبا ساده بمند بركر ارس طوسلال بُرغال عماه حال الزير من حينا طن بمريخ او راار مورزها . بينا و الني و البيجا كراغ از دالام لمبرر كما قرمومًا ه جوكر نخب نوابكا مرد كارمال فرم بردارتها مرحبير كم مستحور از ما ورسمين كم مراك. للمبرر كما قرمومًا ه جوكر نخب نوابكا مرد كارمال فرم بردارتها مرحبير كم مستحور از مو ورسمين كم مراك. صورت ربار المريك في منياً اونهايان كا درماراا وقعط د حدالوقيّا الرغيره مضوعًا نقاة النفحوان موالعربرامال مخبر وابوعره المرس برابع من مان المرس براب رتهی درسی فبال ورات بسی از رامنیم الماريخ الماري ومي تورنام فكرين درزد دير أطن س العنفان بولوز مركز ترابي الورافلار فالحال المعالى الرفار البخار لاجرد فرد البناء المرخ ورار فرار فرار فرار فرار فرار المراض مهد ابن الم منحت كم كوند جوالمرد كما ربح اوتي ا 1.37. 1.10 V Winds. Solving. الزير لاود لا و المراده و W. Sing Confe

طفق موي بند كان فد لاه د کورزه چه می در دامیط وا مُد دیمیک منیا م مین افغال مدکورین سیکمیشی افغال

يد روا في فطر شيارًاب و ي بحالا با واخير موكر لار در صلى را ورجر ل شيخ سرم بي اور شرخ بي موجد يد موا في فعام المراس وي بحالا با واخير المراد و معالي را ورجر ل شيخ سرم بي اور شرخ بي معا بعداللا خطرول بي بسر المري ل المريم مل حفرين م في الكرزي في ما موكر عيم المريد فيها در مكرت رهيط كري وقت رخصة لا دمور زميس بها درغه مصتوع فريك . هم تحفیر که اور هاران رو رو و لاکتاور مبو قایه کامیت بیست کی ایکا ت در توری فارز مک رمین موکه در در در کا ماری فاصله می رسی رمالد کرا ا میماری در مری بندسته ما رست رست خریم اواضی مومقا مد کور رست بار بورین ایسکاری در مری بندسته ما ب شریب رست خریم کا دا صفح مومقا مد کور رست بار بورین ارى فيم معلوسلفان كاسيا الزري في كراد با بران ورد مري الل بالي كم حين لي المارية الماري منط المناكر سلطان يرى كوكه و كور بنام بروان كي بني جهوط كرد اخل سريك رغزه رنبک انجسال وقال کی شعاران رمای عصه بن خرای که جرال کرم ہی جب سوایس رنبک انجسال وقال کی شعاران رمای عصه بین خرای که جرال کرم ہی جا رأسه مراربا رجا رمزار زرسوار كاه ويتس غيره كرندر مني سي داسيط كالأرد وأو البروي بمينا والمارية بر محدارا سبم غال خلفر نمرية غان اوراعتقا داللكيانوارسوار دويل المنازيل الم Single State of the State of th Windy Straight Marin State of the Jest del Transition of the state of the

ومرئا ريزعاد يالاوا ئر مير کوانستان خواديا ها م الاکاراء مي مين کونس ز سردر کی میت بنرای بویے فود د کا ایسے ابنی کی کوس کی را ، طور کی جم ئتدراني ل عطردا بدات الناكه تعاكرهاي كي مع حواده افاق عادارمية فربت مري نيف اورأبا مور ليور دوسيح سركده مذت برقوال مح أكر يطاووا كا ع عادى الأخركي لارد كورزه على الراد بحرل فيلنس ورمبطر حري عاسب بواكا مزمن وخدراد افاق ع كتف اور وشدراوي يستوريخ أداب محركي اي اورصا خراده في الم مرة فهارك ن من اردن کوراه فل محرم و مرتبه اللك عفرالا مريكه کرم من کرنے اوط دامارا المالية المالية

ادر وبان بصمع دارالرور ربا بنور تاسم يماكول اج مندي اور هما بندر اور و ما اور ماكيورا و اراكات صور وخده ماداور موريحا وراورتام بركات برقيط واروسارتها منه اللك عطم الامراء المداسي محدة وبكرينه في كمن ون والديدي بسام كومات كيم باديا فركانها الله خرالل اعفرالا مراعوا وعما جراوه مكذرا فبالصابون فالسكذرط ومركر علني بهادر ما تويث ردان كل يوسك اور مورشير وكري اورع على ورماي كم اطراف فله ورم كذه كرزول علاك اوري The Contract of the Contract o بت تعيد مرور رأزي كرة بركور مح فاصلي براور باس موية الدوله كورمات ونعيرا كريلنع الميونع يورس فحاركه بالعافية الكرزي فسرونها نهاخه برائ يو بهردة كنا بيطور له د بان خرای که لار و کورز صلاحر می تیجونت او رسزی بسین کرید طوری کی می می از می از باری خرزان ایران غرای که لار و کورز صلاحق می تیجونت او رسزی بسین کرید طوری کی می می ایران می ایران می خرزان اورت ميره المنظم برخ دائع بن بزار كي عيد اورها وبزار باري حال أسطرف فاركر جديم أور الع. والرك روه سول مقرر من المراده وبلاش وشط عافظ في المري بد ادور بس المراق المراد المراق المرا عَنْ مُراكِي كُرْبِي الدور جو واسط افد ور و كُرُ مُر مُرَدِ وَالْمِ الْمُرْبِي الْمُرْدِ وَالْمُرِي الْمُرْدِ وَالْمُرْدِ وَالْمُرْدُ وَالْمُرْدُولُ وَلَا مُرْدُولُ وَلَا مُرْدُولُولُ وَلَالِمُ الْمُرْدُولُ وَلَا اللَّهُ وَالْمُرْدُولُ وَلَا اللَّهُ وَالْمُرْدُولُ وَلَا مُرْدُولُولُ وَلَا اللَّهُ وَاللَّهُ وَاللَّهُ وَاللَّهُ وَلَا اللَّهُ وَلَا اللَّهُ وَاللَّهُ وَلَا اللَّهُ وَلَا اللَّهُ وَاللَّهُ وَلَا اللَّهُ وَلَالِمُ وَلِي اللَّهُ وَلَا لِمُؤْلِقُ وَلَا اللَّهُ وَلَا لِمُ اللَّهُ وَلَا اللَّهُ وَلَا اللَّهُ وَلِي اللَّهُ وَلِي اللَّهُ وَلِي اللَّهُ وَلَالِمُ اللَّهُ وَلَا اللَّهُ وَلَا اللَّهُ وَلَالِمُ اللَّهُ وَلِي اللَّهُ وَلَا اللَّهُ وَلِي اللَّالِي اللَّهُ وَلِي اللَّهُ وَلِي اللَّهُ وَلَا اللَّهُ وَلَا اللَّهُ وَلَاللَّهُ وَلَا لَاللَّهُ وَلَاللَّهُ وَلِي اللَّهُ وَلِي اللَّهُ وَلِي اللَّهُ وَلِي اللَّهُ وَلَالِمُ وَلَا اللَّهُ وَلَّهُ وَلَاللَّهُ وَلَا اللَّهُ وَلَا اللَّهُ وَلَالِمُ وَلَّهُ ولَاللَّهُ وَلَا لَا لَاللَّهُ وَلَا لَاللَّهُ وَلَا لَاللَّهُ وَلَّالِمُ لَلَّهُ وَلَا لَاللَّهُ وَلَا لَا لَاللَّهُ وَلَا لَاللَّهُ وَلَاللَّهُ وَلَا لَا لَا لَا لَاللَّهُ وَلَا لَاللَّهُ وَلَّهُ لِللَّهُ لِلللَّهُ وَلِي اللَّهُ لِلللَّهُ لِللللَّهُ لِللّهُ لِللَّاللَّهُ لِللَّاللَّهُ لِللللَّهُ لِلللَّهُ لِلللّهُ لِلّ

र्स्ट्रेड 160 ماناه كم لمغ كرماؤكم Mic ماطلال بر برگے دِن نبتا 16 ه و قد بالم حدود كا بالريخ! موقت بالم حدود كا بالريخ! 18/2 نور ₹. <u>ئ</u>.

اور مدر کاری موارهما رمور فلعین مدروسا مین از میدس على اور في المرابع الله الى تعاقب كم ما ما الله الله الما والما والما الله الما الموالة الا ما فوصحه بعد كون لعنى اور وكد كار مكور بسرك الرف فعر الطارا مي السطارات المراسطة وه عوم في سينا مقاومت كي رين و باكر كماره جوتها كدلارد كور زهم موصله علدي رودر والنعير بكاركه فالما علوكانها لحالاا ورمح لطراس كالمصور وكالعامر س این ندونته فله کراک داراها و بها در از در فتی فلوسدون کی میدالدوله کرراین وولاحظرة لطه بالاسكر أجرسي سياد ولاورا يميني بها ورمفي الما فهاولا مفام مرويضا كالتن روانه موكه الليالغار عي حبودلار دكور زص ملايو وروشري كرس موكرونين ارني شروي اسوف لار ورزم الميلي الموت بالمتع بتقلال المحري ا المي مقابي من كواداردري كالمترى وغره الرادي الوساد ومركي شدموكني درمعيت المرازرة و مراجعة فرار اختياركيا اور ما دريكا ويري اور لا الم ظارت مواس غيرات رمواد التي والمين ما وسينه كومازوسي جواما ن الرمسائي راللهي كهم مين كياس فرارها و تعيد اكر كمسي ار ماسية ما وسينه كومازوسي جواما ن الرمسائي راللهي كهم مين كياس فرارها و تعيد اكر كمسي ار ماسية The state of the s The season of th

فالتفائل

ملط بقرابالورادا والك جرارم مروديما والدين بها درم افعا كور مراهديما والدين بها درم افعا كور 56 62 ے طرفرایا اور کی برفرا فالے فرور ی رز فأغرضا بدفي حفرت القيناررة أدرايك دنين عطاجوا منمالا مراا وركل عاكبر وروالا وررسي المخ كرجه محالة برلاك روي مكر تتم فواز مني نابت رِياني مفرري اور داراله لادرا ما مالمال وراع إللا ويؤه المورش جها مدار الولدا ارد الم واقع 3/4/6/189

्रेडिक स्वामानी स्वामानी · Eleganizations لوافِعَ أَنْ الْبِي بِهَا وِلَى أورد، لِيْظُ بِهِيمَالُ عِمَالَهُ عَلَيْهِمُ الْهِيُ وْمَنِيا، لانسط عافري مقرنا رنسوفلوبل مث للكر منف زورآ ورخ اور ا منسلام المحداد الفيح خال المهادرلورليس كمنزلت الخرزي فيسرك بحداد الفيح عالما برا المراسلة للوعظة خطار لِلِياجا بِيَكِي كُومِ لَلْ أَوْرِيَةُ لِمِنْ أُولَاكِ لِمِينَّ هُولاكِ رَضِتَ عاملُ *كِلاَ* هود بهو اس ما مدر سند علي الما الدوله بها درج والسط احدّ ملسر مكن مل مورو تي ابت جر رخفم كا رى الماكر مدوران مال كِرْ

اور اركم الح الح سواد رمرار مرار رو و مع داست تلم التي اور بها درمحت البهرساند السرار الراد بك Stranding of the Strange of the Stra المينة مرز والمقية ادرقط تنبيه مالفنوق ماندبريج وفن أحافر طوت ماريك فواه فده اوفاجر كا المعالي المراب المراب المراب المراب المراب المرابي المرابي ما ديا والمات مي فلو محدا في تعظي مزاج يكردنى فرامو اورمى في اعدا كوارزم فراكراربا منا بازار كو مكرز وكاكبرا رَ مَن مَن مَن مِن الرَّام عَظِيبُ ن مُورِ وَضِيدِ آرَ مُن مُورِسْرِ فَالْمُ الْمُحْرِيدُ مِنْ الْمُورِيدُ وَمُ المراجعة الم يرور دؤيكات محاكا كرن يدام اوالوف بني اوي التي تماز ديك كريس والبهاخود مرر رونو كرك و حود و و المرابع و و الما كالما الديت ما كرخ و برق كالما جروج والما ألم ر مرانده الما يا يتي "راند و كراي اربده عيب افرابا جوند مالكره بهي قرمتنجي تهميا ر مرانده الما يا يتي الميث كرايح اورده عسب افرابا جوند مالكره بهي قرمتنجي تهي ان الله الله المراض الموسل الأه مكم المراكي منطف الموان نويس المحام المرابي علني أنها. الفيال دي غراص الارسل الأه مكم الأكرائي منطف المان المرابي علني أنها. ما ري مه كي يون كهي بهذا كي رست المدويد الغابس مين قط الديني اورعار خفان اورعا وبدالدين مكر رمير عوالفي تبديناكير جوالوس المع روانه كيانها مقوون أربابي سوع رايوالي م فارنع بهي ي كوا غذب مل . سرا و دفوا ه و تيخ لار و وا كامي بن تا چوكدمزاج ميوسلطان كانحوت ديوت دور كمبر نيد تهام بسيكي ښاره صلي كا مركوركو للا بخالجني وخرنة ارزماني ركهي سفيرات مذبورتيه وبان عاكر رئم فيال كاقاعيت البيريا العلوز المراجعة الما ورمار فوسي حقوق كي سانه بار بحرز مي بهاديك اطلاع دي وكر وطرساطا مروسي بهاور ون رابغه خرور ریمی مصالحت شدیمه مع ایل نیا براز ختیر خیال بینی نا اکریستور The state of the s 3" OV. O. W.

الداري موري الداري المرادر الدو الدو الدو الدو الدوري الد يا قابن وطالبرا مدش دور او برموالا تكوان الما كمرا و ديمة ويم بين وغان عرورا فركت ان کردار برا براز در ام کمرونیگر سوار دنه اند کام کوزرند کرم در بایت بلندونه این محرفیهٔ احداد در این کردار در از مرکزیگر سوار دنه اند کام کوزرند کرم در بایت بلندونه این ي. تغاموالد كامّار مير والم وي عطام الم الارم بتر تقريات من وفياف بن امرا كي اوريط بافت ملاكوت بين وونيادت الديك زنف فو المان كرياب ربغه في ميغه إدرا فلاق فويرك في صور اورعزت اذاى مذكا البح فايد كووضح كاوابيط

The state of the s روم محرم سالار الما المراس ال الفي فا بهادري كررتبقرض في العير واليموادر البيرين بن باع اللكوعظا خطا. امرالا واأدري رصع اور کاکی اور طبیع رضی در اور و خوارد و کی ورایک بیت ستای اور ایک فیسیمیستری در اور ایک Single State of the State of th روالم ورطافرون زدد مولی من که موانها سرفراز کا بهترین اس سرام نیدن ورطیوسلطاک الارتها وزنده برخورد و فرد موی فیوسلطانی قافیر بنیت براخ المی الموالام مکنس کی الموالام مکنس کی الم كِيارًا كُرُمِيْ مِلْفَان مِامِ مِلْ كَالْ اوْرَبِيلِي الْوَرِيْلِيلِي الْمُلْكِينِ الْمُلْكِينِ الْمُلْكِينِ كِيارًا كُرُمِيْ مِلْفَان مِامِ مِلْ كَالْ اوْرَبِيلِي الْوَرِينِيلِينِ الْمُلْكِينِ الْمُلْكِينِ الْمُلْكِينِ مواا درمررام نبدت بمحوارا الماكري ورن فرزي ترحفرت مينيندنيست ودياس ودرس عامري المراد الماري المراد ال لفرانت البواقي المسجر الدين رسع الله المرادة الموايان فرايان فرايان المارة الموايان الموادين ووافظ لدنبان فرذی هیوسط برد سی مده و مرحمة دن جار شده اور برد برد الدندان ا اول البخير فيل طاحطه عن لا بست مسترسي اورائزاني كه حالارت دوالامر مسر المال المراد ال المرابع المارية المرابع المارية المرابع المارية المرابع المارية المرابع المارية المرابع المراب المران المراز ال

Jatin . 1. 69: ره نعرد کا اوراً و بر هروار به علی فرایسے اور درخمن ایک ماکرا و مها حو Extillations

ترنف وأيوادر لودي المادر جدافران مي وعنر نزار سوار جواري واسطاعات يرموز كربط والمرار أبوين رموكا لمرجوزه وسحبور دساك أكرما يكي ورمفا سوي اندوين دافاعويلي وخذه نبيا اسي نورج آسو دي گرم نهوي نبي منسهوي اسا اخراراد ر تررز الرباڭ طفیفرل نیاط کا کیا کہ بعد مراجعت سواری مبارکتے فیص فاہر نیے می وہ فالحاقی لون مرزية حويه من المقاراني لاورني و كريني ارمن الرائس أرحب رخ عظم كن المريط التعمد والعلاكو جومها أما مع الماليكي المريض المريط الماليكي المريض الم وبان مقيم من مهي ومعود عما مركو به ورروز روز المعدال فال شعدز ن ورجو مكرمات تركيطال برانبال بمصور مح وافعين فلوركي رانب كرمي سباع الملك مد المحر اسياحال تفاريت ارز الماور اور آاج من داله في عالا نها كوسكم لكاكر بيج وباره كوفا مكي الوراح جوان اندر سكياه وطريس النسطيم دفعتا نظار نقرن ن كوطهمت مين عبال عباكا اوركام موسي برابراور مال وسي و بال مرني والوائح مالكات بردعار كاولزامول

الناربيني. المام المرابع المرابع المرابع المرابع د مالاجي مذت **ا**ورمود يا جيمو**ر** رو المرافع المراف يوارسي سواالح اكتر حميدار اور ماكير داجا بمحرداد خالها درقوم فيلم 1600

ونالم منوفي اور كخور عده انهام محالبت كيابنا اور بها فيوار في تكلف روار المروا الماد والماد الماد و ال نواور شهاري درات وعروسي اورايا فرعوت رباب محفول ورتمانتاي فاخور عام المسلم ويوروسي المراد ويوروسي المراد ويوروسي مال انجاد و ایک نهایت نوان از ایک نیال انجامی ایک نیال انگار و ایک نهایت ایک نواد ایک می نام ا سنة بارخان فلع^ل على معرفوا مرفيس كيالية أورطلفه المبياكوت وه ورخود بدو را من المرسل فلعرف المرفيس الكيالية أورطلفه المبياكوت وه ورخود بدو را من المرسل The state of the s الكردوكة طوي مراكك واخرية عدا البياعطوا عن بن والورم مراكك واخرية الملك الهادري بزرار كرخوابكاه مرجع رزمو الموروين والبيكو حرب المراد والكاري والموي عاوضات افزا درا دی بهادرمخت البهم وسرمصع عارت انهوراج میکاورلاط کا ورکرحوض رویس مريد ورفي المرافع والمرابع والمام وفع الدوله ورفط الدوكي مرواتها كرسوار المريد وردور والمرافع والمرابع والمام وفع الدوله ورفط الدوكي مرواتها كرسوار الرور مركور والمام المركان في المراوري المرا ارواریکے غایت کی نفار ورو کامیزآوازه موالورخیز فراین کی اسل برن بن بن از اور از موالورخیز فراین کی اسل برن بن ب ا الله المراريك وف الأرب المروزيوك اوروع ك المويد الخالم المروري حراب النرغيك خود عنا الله داريك وسر الأرب المروزيوك المرادع في المروزي المرادي المروزي المروزي المروزي المروزي المروزي المروزي الم عرب كونطرين طف فلوم كوركينعطف المحاور الله المترافي وركيا وروا الله المترافي والميا وروا الله الميان والميان و الله المعلق المالية المالية المالية ما المالية عالى وراور المعلق المالية المعلق المالية المعلق المالية المعلق ا القام كية الاردوز نوار مهي كرمنو حرفياً م الميك محد المعلق على المالية المالية المالية المالية المالية المالية بل المرابرة والمرابع المادراوررفعة اللودارورش الكيام الني مداري بي بنياور ناشاروسني وراي على فيره الماليم والمالية المالية المال ر الراد ال الله المالية ا N. Williams with a shift

مرمي بها دالذي بما درعت الليرا يا تائم بازور الكواحال الفالكيم مراه ركابية رِ جِ ابِن کئی لاک و وف اوسے دہڑہ میں گا ريابرفاع وعام كونو اوركياره موال كالمورة المعير كالورقام ونفاكو بالدفا كيساكل كمفلوق غره

الرسري عنبوات نازعت مفالف الفياري بني الدرسري عنبوات نازعت مفالف الفياري بني ن ارکیرد دری رکتار فرانی کور فریک ایندر ایک صور بات و کامه میمود کار رسیده و دری رکتار فرانی کور فریک ایندر ایک صور بات مِوَا إِسْ الْمُعَالَى مِي مِرْمَا عَلَى الْمُوارِ وَا وَيِكُونُ لِلْمُ الْمُؤْلِمُ وَالْمُومَا عَلَيْهِما عَل مِوَا إِسْ الْمُعَالِقَ فِي مِرْمَا عَلَى الْمُؤْلِمُ وَالْمُولِمِلُ الْمُؤْلِمُ وَالْمُؤْلِمُ وَالْمُؤْلِمُ و مع براه افتيارين ويكا دوك اورطاب العرفالي بنفي في والتي الم بنيوا الاط ورايج وعلك في اور ويون في المان المراه ويون المراه المراع المراه المراع المراه المراه المراه المراه المراه المراه المراه المراه المراع المراه المر ب ل بده برایس الای بدید نیاط نیاساور وومرار واراو ورومرار با و ه در الما الموالية الأحي المتحدث الما الموالية الموال مروران ورئه الموارك الرسود إلى برمالية مروران ورئه الموارك الرسي الرسود إلى برمالية الرزيادوران جي الماني الماني Land Hard Control of the Control of الميني المان كارتام كالميني والمياس والمياس والمياس الميني الميني والميني والميني والميني والميني والميني والميني مرد و مرد الريس الورا ورا مي الميار و الوراك الورا مون دروص و الدراور العدر في من المراد المار ا مورض مرادورد كا عالى بيون المراج عالى مواجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المار المراجع الم مرخون مار به ماروز مراوز مراو رندواده الدور والفارعلي الدور والفارعلي الدي على الدور والمالي المالية المالي المرابع المرا يراء المرابع ا Wind Profits Will and the in is all the oil park a Christon Ale Me and it is to be seen in Jist. Jij!



والابال جنبت كاسطف كوادر الم وزول متوصف وكام مرز رواس كاف المعرض المعرف الم ززر والمستركان المعرف والمرادل دول عقوا عام الما الموصلة المرادلة المر يدلا ط فطعة كم منوم فصوري محد و الماكي المراد الماكي المراد الماكي المراد الماكي المراد الماكي المراد الماكية المراد الم براه منه ي عاص و العالى مالدوم مرابط العالى و كوكدوم ي ميسر رواه منه ي عاص و العالى مالدوم مرابط على العالى و كالعالى العالى و العالى العالى العالى العالى العالى العالى ا ن رکید ناد کی دائی و موراف کی به کوروانه کا اوراک و کونند کی دراسی و موجد ناد کی دائی و موراف کی در به کوروانه کا اوراک و این در کونند کی دراسی و موجد م ما الله ما ا الله ما الله م مرابوالفيخ ماك و روصيون عم فاقلوم بين المرابوالفيخ ماك و المرابيات عم فاقلوم بين المرابوالفيخ ماك موالم ادملان بوم بروجه ددم ارس آن از استان ا وج بني حتى رئام مولي كفر مردم طرفين سده بي وروه و تنه بحت سرون و رازي الاروب الدور و الماله المولي و المولية الماله المولية ال المقراك المرابع المام ال والمادر في المادر ما دراك مان و مرادر المرادر والمرادر وا المال المرابع المرابع المال ال رامي. Tiles 29 12 بارد ل

نفرزین جوز وق افرمدان دم_شرکوذیبه وَقُ يُمُ الْكُورُهُ وَأَوْالْبِينَا وِقِي وَمِكُا وَفِرْمِيكُ الْمُصْرِيعِ مِنْ وَكِسْ وَالالله اورق دارد. بذجرتی والا کی من کوی سبفت مد در ایس کیار رسان کر کیم حیدالمابر آ ماغورتني جوافي اور مهازي والمارير كوكم والتي المالي و درورد ا الدربد ترول مبال داميط فاتج ناه فيفاق إدرتنا المواسطة تناه رفنا فيكم اداره وكأكورف سامالدنی و کلانیمان کو اینے کون بن سے رواز کر نیر ت ماجاده مسكروافال مراكر علمان ما دركوب دالدوله فعل وكوم خراج ابن دونرینهٔ اکر صفاه من کری کی می این فیخ هاه الدنجان که توی ادروه و ایر ایس میرود يناس ل مام وما بهادر أو رلية جاضا فيأيه ایرالا داکت بخک محد نزلیف فی بها در یی در حصور پیکر چه و بنا بهای بتر بوی برستاسه وي عِيمِكْ حِيرِاللهِ حِيرِهُمَا وَبِي كُلُواَبِ مَقِسَ فَقِيسَ مَوْمِ فَلُوزُ لَى مُونِ اوْرَصِكِم وَ

ادر ننجاه القدي مفيدار ولي في دوليك آيذ مفرم و باددان تايذين الحامار كالأنه قل المستحداد ولي في دوليك آيذ مفرم و باددان تايذين الما وصف بواتها وصف بيجاه با محمولة مبني انما بعض منتها بالرمض المرافع بي المرافع مدية وصع بتواتها وصف بيواتها وصف يجاه ما مكونه بينيا الما بعن كوفتها ي الريض الما وكان المري المريض Sold State of the ر الاب كرام دركوس فاصد ربت في مانت مهم واقع شكار كا مصرت المام ميس اللك مرد (والفيرط الله من نوبارموي تني درسط ردد بي فيراس ارجيدرورد النياسي المين المين المين المين المين المين المي محد (والفيرط بها در الله من نوبارموي تني درسط ردد بي نوبرام المين المين المين المين المين المين المين المين ال كامرض المات آي ورطوب تقال الم المحقام خاصف مبار الملك روزه مواأنها مكر مقل المام المراج الم ١٩٥٥ كاره مركا فرين ميرون مرائم اللكت الدوله نبغ حك محدوالغيرها والعراد وال عادا ني اخترج كامراني عني فرزنه سعا دت ميزنتم الأسمان تي بوالفخ محر فحوالدنبي السارتوك المراب ال بالنجوان سفر ولهوين محرم لاقالي روسجيا نو ہجرمین تبریب بینوروروریی فدو محدرت

البين في المسترام فيذوالما عدن إعكو كوالم وكوال فيرار ووادوت زاري خودت والكادولودي ويكر ما يومور اللي يروان كي واكا ما يومور اللي بديد كي واكا مطلكر ادرمع الدوله غلام سيد الدوجيع مل وليك فا واد فنك سرالكي كي أزوا ادرين والفي وكروعا مون طوائی تها ها مرکمات عرفته مخور و موندان مون طوائی تها ها مرکمات عرفته مخورتین والسم كوفوف كاورورا كضبت وكات Contraction of the second ونذوني بيرز رفعك سكال عال مذاد ومصول عي رضوداً The state of the s رادوال معرب مصديس كرلوا فعرنها فدا فدين بالكو الوجيل بالمتح رفقه وفته جميع تتعمل المياور كلي بن وخل كارموكرعبده فت داوالهامي رنيية بني تعويم رباب عهده برمنسه الالمي غلام شيلان بها درسحه شرفا اورخ ت مخديد فري بڑي او تاب او ثبائين عني كالتر علاو لمن موكن اور ميف كوست Total Control of the المن ميدالين آيئے اوران تا غرار دراما لدوسة To House the Constitution of the Constitution The Charles of the State of the The District of the State of th

من دري درختن عد للفط من فرالد در منصر يخامي در كوهيفه او شر الدوله هو الوالفي ها المنظم الموالفي ها المنظم الم و الدوله على الدولة على المركومية المنظم الم عن المارك كري درخن عد الفطر مان فرالدوله مصورة كها درك هذه الزرالدول الوالعي فا و عالم المورد في دريج من الدول مع الولاق في البور و الما الما المورد و الما المورد و المورد الله علام مرد بها در كي اك رورو موري علام كيد بها دروس المري الوراداكات ٔ جهات خصور مرض مرکز فلداد سائل کم الموسور منعانها کوشه کری احتیار کی ته یا ور معدوری فارالدوکیم ایم محضورتا يح تبي طغرالدوريان كركم موروس فيريك لهاحتى ففرالده مبا زاللك في عرضي دريا المراد فيلتم الريح اللم المراد المرام المراد المرام المراد المعربين المرابي المرا ادراك بارك ولين في اور روبارى دور تخل الراعط بال كا در افت و المنديد

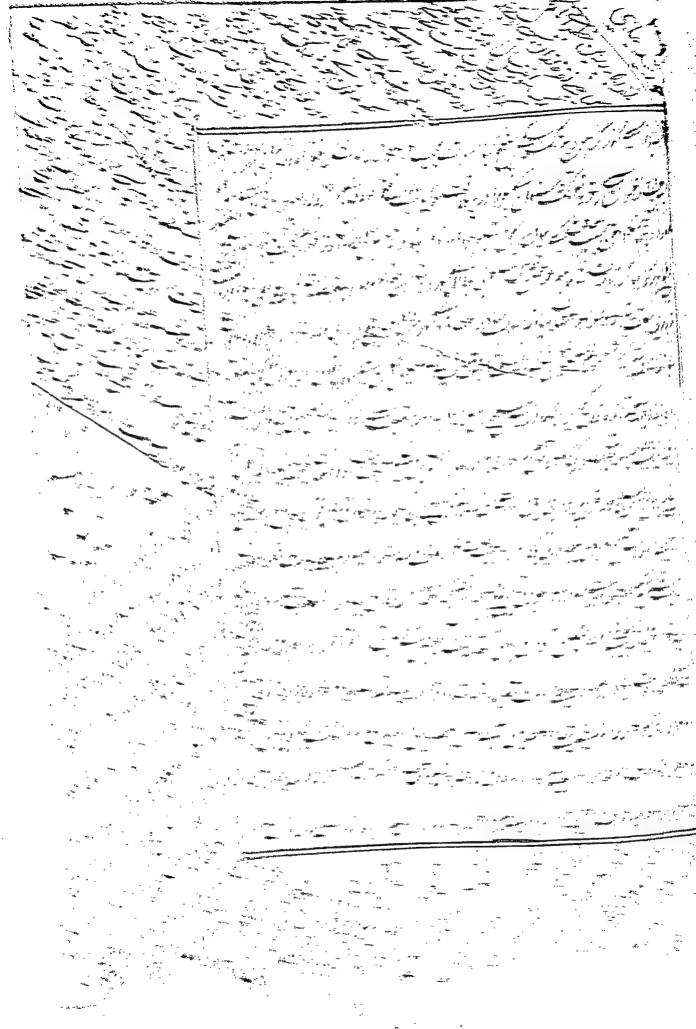
عواوالفتح فال بادركو تخينة زمكاداما بعامدات امعارد الأوساندورا بدتوج الع مفريب فصت وكففاذ اورجو كأمعر الاوله غلاز خالن فلو أوسي حافر سوك ا ناگروت برد فارالدد ایک حضور پارع فعی کی که حافر موا فدو کی ایک در این میان الدو ایک حضور پارع فعی کی که حافر موا فدو کی <u>غارم كرك</u> وائد و كورورنه فراوين خالخ يحف عاين كوردوز اوسافوا اورميا زوالكك اسعارها فرمين لكماتني بازی بازی بن خرم محداد الفيط بإدراد الرالد المراد وزفة بنيررت لصني وراراد علودها رادوجها اواداكي يديره أي زيرب كمية الأعلى وراين 190-Ci. Screen La Victoria Es Cilia , YOU'S

مان دوراد كرواس ما الفريط المان والمراق كرا و حدر المراق الله المراق ال ورن كي كيسنديد علم أصلى استر حوا كوري بدرات كالمدولة at Toler Clark Sur College Co در کا درسی را نوم او کرمبرسی عافی المركز در افراكم رئز فران م المسترين المركز و المراكز و المراكز و المركز و براو المورفاي كل بواوراله المورية ت بدانه ها دعالي الزال كردي الدور مران بندرا وعوف کی سوای ده مرد او کوکه امنی عراجی برگی تری ندی ادر کی این با بندرا وعوف کی موان ده مرد او کوکه امنی عراجی برگی تری ندولی وَمَنْ إِلاَ مَقْلال مُرْجِال مُارِعِي مَبُوسات كِي ول واغير في المُحالِج والمراغير في المُحالِج الم من الموران على عاد كا دورند كا على واسط ورجديما درنعمر في المعلى المعلى الدولة على مورد لكر الدولة الموري على الدولة الدولة المركز الدار المركز الم ورسي عنيا فتين نفر عن ونول فرا دورام الول فعد يور و برخط فالبريس من من عارى الله و الكريم من وافل لمدة مركور كروه وار الله من مرورة من من من المالايم المالايم الماليم الماليم والماليم والما indivite!

ما الرزاري الم ינוניטי رفي وستوت نے میرون تا کو اورم البي والالداده كالكرشروي واضال را Cingle Control ی رفت ان کردها حتی کرمارته مارتیه مرمون کرمامو . کمات Siege Contraction 100 E. S.

A STANDER OF THE STAND OF THE S Signification of the state of t Je de la Crop de la Cr م دوران المراه المراع المراه المراع المراه ا ور المعالية المعالم ال مة اور ورد المراسية رن بی ایم در الفروفاد افلاس شطر دول هی ما سرارارد. و شده دامین شرکه رو ب من المراجي ن ن در المراب المحادث المالية نني في ديو كرك اور ميو سول مول مول كرك المراد المال المراد المال المراد المال المراد المال المراد المال المراد المال المراد المراد المال المراد المرد افروزی و بر ان اور کری این اور کری این اور کری این اور این این اور اور کری این اور اور کری این اور ای والمراق اور الحالى شريع الموان المراق الماني من كالهدا والمزى هي الرياز والفلك من المواقع المري الم المري المراد المر مر المرابع المرابي المرابي الموراد الركي الانطاق المرابط ويوران المراط ف مسيحة م المرابي الموراد الركي المرابط المرابط ويوران المجاورة المحادث المحا من من المركم المراوكوال في ما اور أن المركم اور الن فركم المركم مان اردا امراولوان عيد ما اور ته الحريدة المراه المراه المراولوان عيد ما اور الما عي مدت المحالية على المراه و المراه و

250.1





The state of the s Se signatura de la companya de la co اور ظفر البرولمركو على محاصره بركو كاموا حارسوان فلي مي مشامن موكر به دنبي دائرية اولای رت کرکر بر فی قام مرکور کی طفرالدوله کو دارسط در بنی سوالوسط ای ترکی طوری ريكة بريار مغالب متي أن المريد الم المريد مارات المالية رس الدولم بها درابلدن ها فرمور تنها منه بن معنیت عرض در المدن ها فراه المراد المدن ها فراه المراد ا كَارِكِيْ وَقِينَا لَى بِيمُونِينَ مِوْالِمِيكِينَ مِوْالِمِيكِينَ الْمِيلِينَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُؤْمِنِينِينَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُؤْمِينِينَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُؤْمِينِينَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُعِلِينَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُؤْمِ ل قل كريد كريد و التي و جدا كرو يدر اليون بالركر ل بتوانيد كان على ممت عما بحر غرو شدني التي موجو بي دوسير در البيمية بمن روالير و الدوليم. ارت بی ارت در اور تام رفقا اور در این از البر و این مین تنهاعز نیز داداه میم را در ماکزدی للبعله كي مجال فرا أور في تهي المع الاول بالشريخ كياره نويسي بحريس إم ورسله المردو ورفع المرابات في وزال مور معت در دارا کو مرمی این از در ایک کی در دارا کی کار در دارا کو مرمی این در دارا کو مرمی این در دارا کو مرمی این شام منه کارگیری این از مرفیدی مردارا مذکور چاردان کرد. این شام کار در در بیان in the service of the اللي بالمرابعة بالمرابعة المرابعة المرا id by the state of the s Ship to be his beginned The second contraction of the second contrac Control of Control of

نذكان عاداسط فبدمود إمي دادما در غالمرسركو علاكريمام فتأكي وكمر للدوله كي وحرميكاس ومرمين فمرطالت تزانعال مده كم حقيمة ورسيرالدها جد جسور كي مسمح ليادة الخي المايمة ر بر زول جسلال زایا.

سوانه کم اسران جا مذکر تبارک بندراو صوا من وژگرای بهوات م جرجودی زمال کر کردهٔ از کرمینه دول کرمیررائی جارینجا کتے دیں م رکبا تہ ارمف برياكل أن هايزه أو هي تتم يوكرين أدابكر خاكاري او براكن أو براك و المارة والمعادة والتي ميده والم العراقة وكياء ومرى بدّر بلركيا وركن وقع كالميااس ين بن ودالفقا والدولة المراق ا Strange of the strang الماروة الرائع و الر Jan 19 mark of the control of the co م نبونین کا بازد بی دو آل از در این از بی دو آل این دو این از در این دو این این دو این در این دو این در این دو این در The state of the s The state of the s Sec. Comments of the second of The state of the s AND STATE OF THE PARTY OF THE P

طلق ويريكا موانها دوادا در كالكركم يكم بوأ. Wald William State of the State ين الم يكودا في بني لفة بي بندان ل كاكي الماردادك طاموا فاموفت والكسكر إي وكيل من لدوما لمدير ويوسكروه تسادد کمباند واد میم حقودیمی المدیکارا عاریکم چی ندگان عالی نی مود فرکز ایکی بذر ای اما فؤايات والبط كك مكم اه فري قوم الدين ابى جاب مؤكر بوم اوراد دبريس S. W. C. K.

الحكم حقور قبقه إياكيا اور فود بمرق ما تنه في و طعر ستروین مارکتاین داخل بلده مو اور برکیانی جان نی نیم کر فلعه مورفیا جاکت در است. و میرا جاکت بویسی ط الفرالدوله خطاعاً بيت كريكر مفرقه برايه اور دوبرارسوراد دبايي مراجي مراد كيئ اورا ينبوس المرايدي الاولى معبغان بني كونطل اور تصديكري الع بوراور راركي بوي اوراكيموين جاد الاول شراكاري المسرك الميحال مي و بعل اور سديد بين المرابية الميران الميكار الماس الرسمنه رسامه المرابع ا سن خوبی منسلم ورکواندر کیے اور سنامیر من این ایک ایک اور کی جار می اور کار این اور کار این ایک کیا منابع کی منظم اور کواندر کی اور کار این این کار کار این این کار دی این کار دی این کار دی این کار دی این کار کار محل دنتا بي تونرونا و دېرا د رېږي او يې اگرالسرات بد توپال فارچيا تنا. بي عن د او ايست محال د تنابي کونرونا و د کېرا د رېږي که د وي کا د د کونه پال فارچيا تنا. بي عن د راو کې بندت کورا جرام ایان خلا اور خد بیرنجاری کرم الدوله ی مجارا جرور کرد. ایرنجاری کارام میکارد کرد الدوله ی مجارات میکارد کرد The state of the s 10. April 10. 14000 will feel to

River division in the state of the A STATE OF THE PARTY OF THE PAR الإمادكما دون رد کر ة عوم مسيداكي ده. ي ما يا من مامره تغوير كركاع

. مرقدم میدهم کورور و در اور ما اور ما قات مناسب بیاوه کی حاصل کرتیه بهو^ی حیدال الرمعادة كي كبدورو دموكي الاكرمردان الزرنير كمه ورقيل هيال حيد علي فالمريم بيم مهرا دجاي أبدكا فأكمية فبول رعم بمرتبضت فراتهم تربح حررعينان كاجوز أبس كشدتها براجيب يرس يرجع بوادورا عات البي بي يسركن الدولم فيرمواج كو حضورادد مرك بديركرا ومرلا المردار المنع كالكردورا كوح عب جهراه تهي رض المهيكي يمن في معوج اور علي الط مور مفاط البريس : وَرَامَيَا إِن موين الس مِن بدر الله و إلى المريس المرق من رون الزيم كور المريس يدرعلى كااو تما كه التي توقي وقرص فاندكورك اظهار كي نواب مدوم موجه كو مذركر كروا لَرْكِهُ دِي اورضُ لَ مُركورتِهِ عا فرين الداره كياري الدوله واسطى اتعبال كروانه و ما الوثال خودالماس اور كلكي مسدرون كي اور مرصوع مع ماكر وار مداورد بند اورايك مري ا اور ایس مند اورایک نفوهم و فیفه کا در کرمان رضت اعلیت بعدد دول بهرا در و ۱ ليمقدم النبه فراوح يدعنن ن فرزه ون ادرا قرماؤن كولكر داسيط متفيا ليم عبويا كم الرا دام مي يم كالكه ادراكاون مزورو لنقدا وردومزارتها سوفياني ندركدراني ادر عبوره برارم بهايا جام كمنوا مِن مِمِت لودار مِن اور دورد ولا و فيل نظر الورمين لا اور دو ال فرق من حوفيه الرام بن ميت نودې دورې سر روس سر کورې نه بني يني سد کې نوم مي طرحين ايا اصفاع او ده مدور معاصره نودې کولا کا به و هر عان المحاسب اي الدووالا عام عال ما نه کورکونو څخت نه کان کان کې د و د ادا د بران الدوران مواح وقت عاني او رايب مين اگر آميتوين رفعان راه الکياره سواتيا سي ين او د ادا د بران الدوران مواح وقت عاني او رايب مين اگر آميتوين رفعان راه الکياره سواتيا سي ين او د الدوران الدوران الدوران الدوران مواح وقت عاني او رايب مين اگر آميتوين رفعان راه الکياره سواتيا سي ين او د الدوران الد boriet interest Viny Sing. dr. vin

Simple Service يع مطرباور غالدا دكيكم فام الكابر ثان مناقعه محد كروز كالنافه مريز بذبري والمجارة والمقتر المركز فنبي اللكك جنك بمشرق المالي الم بار نوولانده و موسم موکر قاضت کیا با و لی تبیاد دّولوندگر اولون تصریح تبیم ماکرهام و کا النوار وليكن والمالية بزركا بركندواذه واعف ولحقة الأوادكيسنام وأبك تجاع اللكرات خالم بخاج لاي^{ن م}ِن نباني کې چه د دو پرافتن رسان لا کرمه سورونان به کا فار و **کورن** نب رانسيک و کو علود النباكا مالم حوز المومة دائح ملقا ناركري يروب ن مرستكي ادرا فيل المستحرات ت رَبُّ محد عن المره إنحابه خرا كرامه ،أركا بسيط اور بدر دبيا بين إن عاركه إر دارا كزركا وبذكاء فيتعم يدوارف بباد وتنطيك بعيدارمنا لكير بالخرور والمقا والمارين بالمرتب التي دا كل مليخ نته يكي داخل خوار عام كي أنه و دول جرام عالى بي مود والدراري والتي ماليدود ستهدا د کی مزل کی دخک داری این کیم وحت سوی ادر بعد انعظام کوا أرغاوت كي يم من في أوصل كي اوركها قهر راو ا و موراوس حدد بالم كرور ورنه بريان بوااوروبان يم معدج فوكير كالي وايرات وبان وبورادينه مفوري وكراهد مدوع في فيان أي كل بهت البيم المريخ يم على إلى الأعداللة فلعب على إدرهوا مِنْ افارُ الحم وَاكر وُل ور ريضكن لِيّه بوي كوفل را مِنا الدروائ (G) it disorti

S. W. W. C. ننواه کې راجيے جاله کرمتبوکو سکی فاصدر جا از اعنينم جو در له تی بوسکي تها لولو و باني رکا کرکير جَنْدِ جند التني اورنها رئيستنروآ وزكاكرم كي قص كردكا رعاج الرح كيريين مهارا برتا وفي فتوري يكاراك كنية من وامان قراول كونية حرايا مراد خال كوده عهارات خاد د لي وك امام لل كام ماراً كامام والقير كرب اركانه الميكر البنارة م في الم الما والميا والم مسكوادرده فاطاور كالكوروني أوكبر اورتعيه فاطرحواه كاراده كالمركروليس مراقك كي بدرااورما دوي أن مروسفام كرما مذكركم عدا كي س بن مرتوس مانسك داراكما ميا Chi. و اورامن م حرك الدوسل موااور غلام طاب كوسطات الدوكة بزخاور ال اراً ورفای اور کل ویک کرمها و فرفه اور ویک و انتخاب کرمنی نزاری مفاوت المراد والمار المراز المراد المرد المرد المراد المر الى اورا مراقرر راورنيط ميزالدانه ميزاليك نول يرعالم بها درمت رتبي اوراه از يواريرارات مولات دكر المراد وخياكا دركم الدولة وكرمن عبيه والما كالمناوين النين مركم الم المراج ال المالك البركين دركاس ليستفال وابتن دن وقوفي وسيت مرسم عمار المالية المرابع المالية المرابع المالية المرابع المالية المرابع المالية المرابع المراب مولا إدري ميكن الودس ونبذاروي بيني يحي عدراما كوآبيه اورموكر عازم بدوارا ومورا ونواب عدوح فاطرع موكر صدرناك كم وه محاركا روام مي رنداراك ر الإدرائية المرادرائية المرادرائية رادر مالای دا و بن کستر این کستی کا بور نا کری برحد آدر مو و مین او بین كريك في دري إن ذكر الما وطب الركامي والواكل والآل مدوي و وا فرسو نبيد را الريسا منيوي

William Brillian Control

John State Strike The state of the s الموادر الما الما الما الما الموادر ا والمالي والمالية والماليم والمالية والم وللا على المفت بن رركوار خطر في في اور في المان المي برعالم المن الله والله والعبدي بساور اوركره ما يون فيزام افتياريا في المجمعية في ورضا المرادركره ما يون في ورضا المرادركره ما يون في المرادركر المرادركره ما يون في المرادركر ما يون في المرادركر المرادركر المرادركر المرادركر المرادركر المرادركر المرادركركر ا الله الله بن درفيل كرنيايا ورائيس عادة المانسا وقا دورايس ميري ورفعا مده بن درفيل كرنيايا ورائيسي عادة المانسان مراه من المراه و الم من المراه و المرا مراد المراد الم 163 على بيرور وراي كالم المراد وراسط المفار الرائف ومراد وركن تبدار والمائية المراد وركن تبدار والمائية والمراد وركن تبدار والمائية والمراد وركن تبدار والمائية والمراد والمائية والمائية والمائية والمراد والمائية والمراد والمائية والمراد والمائية والمراد والمائية والمراد والمائية والمائية والمائية والمائية والمراد والمائية والم الرك تدراد جا الم على موكل مغياني كالون برمني رك تدراد وال الدراس اللي الفرايان برانوار والاراد الوريان المريان المر الموى اور فيها فتبن علم أين الدركة مبدون المن فايت ي الريكا كالأم بادر في التين على الركان المراب المر المراد ال

Lien Stant indentification of Light stight اعداقي ورزيات UL

ر مرت عدد درناه مه ما فرافت: بين نما قران تغررفت و درال المرائد المرا مر مردان غنم كوند من المحدولية وم جرية بما على المراد المفركة والمجالية المراد المفركة المراد المورد المور م وبدميره وي واسعف وجن غينمي طوف كردارا لمفركم بوي وركوا معالك المسالة ب المالعين ألى منوه حداله المرحم في ناين عالم بادر كاتفراج في البرالمالك المراحة في البرالمالك المراحة في المراكك المراحة في المراحة في المراكك المراحة في المراحة من المراز وزوان وران المرااب كوروان المود والمرون المود والمرون المراد المراد المراد المراد المراد المراد والمرون المراد وزون المراد وزون المراد وزون المراد وزون المراد وزون المراد المراد وزون المراد وزو عارافي المرافي المرابعا ولي كركه افراع كوافي عوام كورض كاراليالطة المرابي المرابي المرابية ا

The state of the s Tering the Hinds بوقبل طفوا على بويط يقي فإد والم كفل أو موى بدجزد وزكر ولبيت بي الملك أوي الدواري صفاله وله مع بخك ادرور نظ م الماكل منها ما أي متويل علنصلاطك وأبيطا واللك صفياءا مومكوس كها أخوالا وتثنيا الكاره ميتنز بجرمين ساريكاروب محالات غم تيزيك بتما مرسوك شهركواوركيز ويالي ويتمير موي^{ار ا} ودبيا بردا ورطود وآبا اوره مرا EES مريا بيوراور فلحد يجار فورسه جاكور بالراور فالعداد رمضداراً بسيسي مواصع اور فلا عفي مايخ ا ً فا كرملغ كي اوركام بي فقط حدوله الوريقي صوبر بار اور جيف ربيا بورسوا اليه اوربي روا الك 201 · Josification 0,00 Kg r.

على المراجعة المراجع

المراجعة الم Marie Samme John Co. يكربنجا وخانجدوا وفي كمجدا يسلطنان كالعشهما ودنفام الملكآصفي واليسوج فم ما مجذود فيذادكم بهي وكرب حقف حال الأدليات البغير بي وادا وأسفوات والمتعاددة يس ذرب مدوح كال مادرك ادر دووي كي ركم كوروات مي اسين اراسم عال كالري The state of the s ي كرده حبيد كنير إدرتوكيا زند ترنوا يص استو تشار دروز ا نبالفاقا احبا Jan Market State مربيري الما فالرجع يجرمواه والما بوادر وأفرق وباداج فالك المراد ا بدال كمرض والاورور تتيك هارت والمدمني مي يتي حوق والت والمعرف الدر المدواقة والانطامة ركي وركادر كي وني يم وجواله ومن الم آي العال والفاريك روي بي السينية التي يونية الفات الموادية الفوات الموادية الفوات الموادية الموادية الموادية ا واسط فرص الدود اور بالله طهاد رهداني المحرس في محدر ارد إما راي ا بيده ورك دور المرض عارف أول المرك وقتك ول المثلاد المرض المرسية موظامان ادة الميلم أله كرروم وتناسم في أوكواي أولم في راعي صفار وأن الروالة وأن المن مند المراج والمعوام الدوم في الحيد الا منود الروم ميد الله الماحدة القصرة والمع أرج يروي ويفاتم والرجورة أو كومتني زما إهال غام المايس والمالي فأبه وزعافته الموجك والكرفوع تميز ما وتقورت والمن الراح الفريل ويكرا والمناكم بالاج مادوادرما فرى بونساكا فكرا وكرتم ريف مع كم

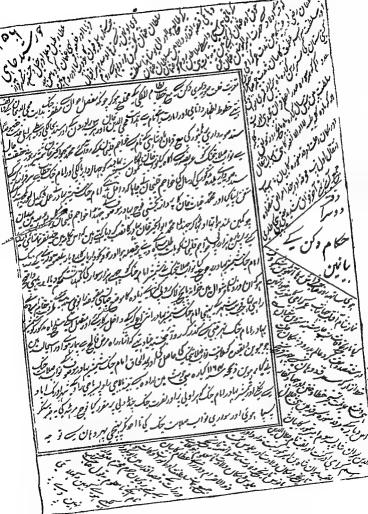
ولغرجن بما غيري وبن زاف المركة من أولا عن الم A TOUR SURVEY City Control of the C كاقة بطلط يدورون أتربيط ولالينا وزرب كان يخاب كالأوار من الكيركم دومه برنسك وين بيط يرا ورقا وليا مرز والاي ورووف لوالم ر جرزان يلز غرنه جوائ خوار وث بهوش مركز العذائبي وي كروان و و والاس و و والدين بأبرج باغنيه رئت را بمكنين ونوارزون ما الكاصفي فيلم متديم فتنام محدوكا به در کمراه نس رکی کوری و آرمی کریستان و این ارجه مراه میدرد کنی نیز نی میداد. المنزكم ازوراك كيك بمسكرك كالباط حقيق في المرك من في ألم كالما الركون ومع وي رست الركوم عمال من رمني المحيى رقب ا عظم را مولال وني سيكرمنا م جرين ني اور كات بريان مكرنان را له ريون زنف مالار معنی نیانی بنه و میوات کی کوئار مامرستم اور افریسی کا منوخ بولیا تو باجت ما مردخ ك على را رائ مسلى واس بالم رب ابنا من وامل فك كووخ روي نهب معلوم وسے كاستھے ليكن كو واسمنا سكر جب شخبيتن زويك

18 por paris in the The state of the s الدرارو 13% ب بغلب نفام الملك صفي ة إني يد فرج سوميني أور موريب كل فيضة الما الدواد فركول لمطنة اورمبره وحشرتن بهاد ادم زريخ قدركر دبا جابست بهي المرجع مومكي توجا إكريسي سيسفى ولا في Crope Con Tuoja Scario

والمرابع المرابع المرا The state of the s ر المراف و المراف المرابي المرابي المرابي و المرابي و المرابي الديب عام المرابي المراف و المرابي اران الماري المرام المرادي ا الماري المرابع المرابع المرابع المرابع المرادي المرادي المرادي المرادي المرادي المرادي المرادي المرادي المرادي مزرد کو در این مرکز دا مکویال و برای مرکز فولاک براد در مرحز این میکند. مزرد کمو در این مرکز دا مکویال و برای میکند و نامی این میکند و نامی این میکند این میکند این میکند این میکند این من المرافع المرافع عن منداع صور بن أوعل من المرافع ال عدرا في يد أنتقال يدرون فدرت عزامنا إليابي المستحديد والمراس عربين عمام الدوكمان العنف بكورمال والفال فروري كركي ف يا بيسائل بيت الدكوراي مو الموادا النفاع العوار برافعام على برا درك ممال مركم عليد أنه برائع الموطر مرفظام عليجاب بر مزار منا مرخ د کرواه و مارون را و نید ان است منا منا مرز کی مناح کی میا جرند اسوقت مرحبه کرواه حی ارواه و مارون را و نید ان ان مناح کی میا جرند ان مناح کی میا جرند المرتب المان م ما والمنظم علي ما زرج المناس الموجمة المركم ازدابر برامها ، الای ما درسط فیاش فراری با در اسط فیاش مرا در در اسط فیاش مرا در اسط فیاش مرا در اسط فیاش مرا در اسط فیاش مرا المالية المالي West Cong.

The Control of the Co AND PROPERTY The Art Was to be one وندفان باديورة وادرس باره سريت برخم ورنفام عذات 60 حيدرايا ويرآيت ورجا باكرتلوبير كالحالي ين صبيون الإيزارها كي ونري أي يا الم إن ويهيجا اورد منجا يديد للان كاكما تأم كيا آجيا Misting Tou الخيانية ا روستان مارستان Ed State Control of the Control of t مون زمونوی اورداسط رعرم واسكم جارتك تؤورور جارشار رقوبي نصر وين واراده Single The State of the State o وك الحديثقا لدكما ليم عددرد بهان آیئ را

لف دارالوب إنسكوا ب ١١١٤ كر وي بين ارمون ري موم الوام ي من رارسواري مقامد بالمام كسنية بالرواد مود يم فلرج بي فن ميم بين كروس كيم وه وردو نان به منها که اخر کار منه دایس دوسیر در داسیطی طلب کری ام حبات میسرد ناان به منها که اخر کار منه دایس دوسیر در داسیطی طلب کری ام حبات میسرد يد مي اميده به در تيم وروه كو تو اور المع المراح كرد الله الم المراح الم اسطف بريك مركوه فوج كويا من المعلى ولهان كاسويا ورين مكورين فرج San Colon Co واو زماك الرئيد الأنت عظم دي محد امفان كورخ كو الحام مي المالور الرفون بيد الحوالية المداري الميكي وت المحادث الرس كي ين مين المان المراداع المين المراداع المراداع المراداع المراداع المراداع الم المداري الميكي وت المحادث المرادات المراداع المراداع المراداع المراداع المراداع المراداع المراداع المراداع الم والهموركونوة مي اور فراسل عي في حداله اسرانا من برالا واخرور في الحافرات مِينًا وَسِلْ عِلَى اللَّهِ فَي إِنْ الرَّصِيكَ لِيكِارُم الرِنْ الْحَلِيمَ عِوْلِمُ مَعْلِمِ اللَّهِ فَي الْم مِينًا وَسِلْ عِلَى اللَّهِ فَي إِنْهِ الرَّصِيكَ لِيكِارُم الرِنْ الْحَلِيمَ عِوْلِمُ مَعْلِمِ اللَّهِ فَي ال عَالَ رَجُ وَرَرِيكِ جِنهُ مِا دِرِهِ عَلَيْهِ مِن اللَّهِ مِن مِيجَّةِ اخْرِر وَمِنْتَبِنَهُ عَلَيْكِ مِلْأِي يُالَ رَجُ وَرَرِيكِ جِنهُ مِا دِرِهِ عَلَيْهِ مِن اللَّهِ مِن مِيجَّةِ اخْرِر وَمِنْتَبِنَهُ عَلَيْكِ مِلْأِي مروم بوالعلم عداده عمد فير عبي المعلادة الم ماره سي بن نوبن ماريخ محره الحرام كي تبي ومت اله الموامد والمرام كرد والراددي المرسة داور بروي حدرانا سے برند و ممار تو اور الله مر فران ارتا می ورخل الم حالدوله ودرى دكن أنقال فروزتك حصر دالا على مولامقال مغربها درام جراسه موس رسطالانس بن مرض في اور تقوم الم البورس الانسال الم



مكن الرائع بيرمولات العدعافلا عاميم والطالمرن غيب يور قطور آيا يضيب الفاق الميتفارين ا يه التي التي التراكيم المراجي وأوجي في الويوا ما جائي كوراك في الروه التي المراك في المراك في المراك في المراك ال مرسه و و المراد الدنجان الفاط الراد الدنجا المراد را المراب مراس برادان فرائيس الياني قوم ان كماره سونفر نفي بوش لا ييسوافر المراب مراس برادان فرائيس الياني المان كماره سونفر نفي بوش لا ييسوافر ا دری کرزنده دستگر بین ماصل کلام معدف فوات بهیم کدده ناحی آبال عدم و اکداسط مية طوه المريك ويسود ورز الوريه بي واضح موكه مدايت مي الذي الموارك الموارك الموارك الموارك الموارك الموارك الموارك الموارك المريد الموارك الموارك المرارك الم ببصدت دمرس بينته راغب ط ف عوم معنوله مكه تهديب منطق از برتهے مدت عكوم ون نواصلا خیک کاریان نوار مرالها لک عفه الدوله صلائیک م پس ية من من مع النبي مع النبي المع المرائد المرسي مع برناه مع النبي المع الموارد المرسي مع برناه مع النبي المع المرادد المرسي المع المرادد المرسي المع المرسي المع المرسي المع المرسي المع المرسي المع المرسي ا محد شریفظان ورمیخل عنیمات مندایات بریمن بیم اور بعدت مطرز نین کرندی عدرالاگا ا رئيرُو بيه رآين اورندونب وما بخ فارغ مورننوه كرفول مجوور كومفتوج والسطير رادر لعاب المراد المالي المراد المالي المرادي الرفز المرود.

تركيبي برقوم وكؤره كومزا ولكرصف أيا توسي مهت ببا درخان اورد وسيسبكم رأيماد جركم علم وقريا ي بريس الر آدمي د دو او كه ارتم و در این از انگرین مدارت محرالدین سکه ایس ای که کا انکا تا م موکما ایک د اور کشار د ﴾ لِنْهُ مُواصِي بين وابت حي الدين كي تها مؤرة أبير علين لا يُن سينية جدر كر در ابت م الأسطيع وفام كاكوم ڭۇنىي مۇسكاكاڭ كۇنىزەكى ئۇكىيىڭىداد راداز ئەربا دۆسكىرىمە ئەجىن داخل مج بمجالور فال فالميم كام تام والورم بي واخير وكراس الواي اي ايحيم نی مرفظ م عین ان بها در *میک که ده بهی خوسفیر برا دمیدان جار ب*تر

ARE O'- 1 SARA LINE SAR SO (1) ر ما بران میر آخر دور این که در این میران می میاد از می میداد می میداد ار را معون میر آخر دور این که در کورنی سازی میران می این میران می میداد می میداد می میداد می میداد می میداد می ار را معون میر آخر دور این میران می می فا بنهادهٔ تا دیج روات ما ما است الم در ما تا مند در اور بر ما ورد می ا Control of the state of the sta با بيكروارية بدين بيرور فوانستادكه الم يرايين كالمراب بي المراب المرابي المرابي المرابي المرابية المرابية الم بالميكروارية بدين بيرور فوانستادكه المرابية الميانية بميروري بي المرابية المرابية المرابية المرابية المرابية ا ال رحم راج لل على المام من من المام من من المام موریکام روت میدی اعداد رفضان بینی به اور دورت بینی امری زند به اور دورت بینی امری زند به اور دورت به در در دور محرریکام روت میدی اعداد رفضان بینی به دارد دورت بینی امری زند به در در دورت بینی در در دورت به در در دورت به در مريد: ولد اكراديان كل صاميرت: زخ د ال دوايرت: والزمر ايد كاكل سارد: زعاجي مرخ ان فرور المراق الم المراق م الدنيمان كابيال مطفر العدائية والدنيمان فقط م الدنيمان كابيال مطفر العدائية المارية محل ورد ميد فعان المالك الم المرام ا المركام كالموال ورجه المركاب فل علني بهاد وارون فرز منفرت في نظر ميد برسلي وعام كارواني كي عليه والله المرام والمرابع المرابع المراب رده وادی برخان ملات کی دهاند میرکردیا برگاری کاریمانون علیور ميرها روي المراده المراد ا istorial signature.

ي مان دي أور صور من أو الأوراك في في النائد مور والمرسخة ري ۾ عي او اي خوال او کوٽن کي رضت ٿن او اي خاليان هؤي ما د کوسيروان ماءُ رخ تكراملام كومني اورقلد نفرتك جبخر كاجوابه تخذ ليدلكم بيره وتركم بالكركم والكرام المالية المركم ال ن ذاب مع ينه كال يؤن فعاتي ادوارت في مجور الطاقة بروين محرالحوام كالتلاالي وسطات ولنكرزور ے کم بالانعاق ابرکے و فیوانگا کرین روان ہو ونت موحو دہمنی نہا جوائی فوایسندہ کا فروش بردكها باوجود اليكادد بركي اداب علين أياويني والمع وجيدا الريخ رتياكه برخ عجلي بهجانا موكاد اسطيع وكهلاي وسينسكير أختين حاريات قد وأي راوروة يخشش اور بومنسنش الميمت عان اور ووخمض غواصي الماق بالمرام والمراع المروض كيا المقاق والمرام وعرار وفت روسية يؤكيه كوكف مدف تفكن إعلى فولاسيكا ووجا أيضر فرارو فدوخوال May De Joy II CHE TO THE TOTAL TO THE TOTA ٦, ١٠, ٠,٠٠٠ ورا المراجعة الم

The Control of the Co The Constitution of the Co مدوج معرف منه الم مندوسة المارة المروقة الموادقة المواد المراك الماري الموادية المراكزة المراكزة المراكزة المراكزة WO.S. W. The Control of the Co ي مير كونهي ايكوا هي وايم كوغايب كي او وهو دار را بنوري خواحرابي كوادر هي الوانجوعا كها دو حطا كونهي ايكوا هي وايم كوغايب كي او وهو دار را بنوري خواحرابي كوادر هي الوانجوعا كها دو حطا فراز كا أمار راه تعمد و شخطوا الركام المام ار این می الدینی کی به می مواز بهنوی برای عرضی مورث سر می اور که دایت می الدینی کی به می مواز بهنوی برای می مواد به این می اور که مررتيكا أكاتها خوسنا دكوينجاس ومين عداده ما بهادر طفرات بدريكي مان ويدا ما أو المان المراد ا مريق ميرين الماليون عليات كي تهي كم مفقط في مراته واعل كالحاجة ر از المركة الم الوالذي المرائع الورائوا ريا والمرائع الوائدة المورية الخروجة الخروجة المورية الديارة الموائدة الموائدة المرائع المرا منظر بهادر ومرير المبيان موراد وزاية عنها رادرا كالك بيا ده لا توجم مي المراد كالعام بياده لا توجم مي المراد ا منظر بهادر ومي مرير المبيان موراد وزاية عنها رادرا كالك بيا ده لا تنوجم مي المراد المالية ر سادار الروسي من مفرين الما موانام ويا في المنود وافيا بعروس المواليا رسي اللحروسي و المره و المراسلة المرابل الم عدما ونها ومدارت محالدي كورنده نظرندفرا باست كم دولتي المون عرض كم تعامد الرزوم المرابع بي المراب المرادي رِسْقَدر عَامِهُ مُرَا اللَّهِ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهِ اللَّلَّمِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ الللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ الللَّهِ اللَّهِ الللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ الللَّهِ الللَّهِ الللَّهِ الللَّهِ الللَّهِ الللَّهِ الللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ الللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ مح الوزي كي موفيت اورف وكام عارج كراسقدرنا بنه نه أبيك فتل كوان انها سوقت بهت الما الموست بينها المرابي و و المولود الديو المرابي و المرابي Sold Sing Single מייול איני איני in Single

لارقة اور دونتما راور برج الحااورانام صارت مزمررا) اورتبر برمولت يكرشك وكوئي بتحاد المبيعة فيرسنك كي مودون في وجوعدم فرمر الميتا الأيريز ويجرون فارسي المرام واركاتا وفرا البدام مخلعتن كبضاكر بمابد آصفيك بيؤسينا والمبراد والمسجع الميوسط جِ نَ كُنْ جِرِّ بِاركِيبِان دِينِتِ بِهِ آيِ زَسوْرَسِي مِنْفِينِ : نَهْارِه الْمُغْشَرُكُومِ بِالْبَدِهِ ر کی کرده و بیرفه لا پر برنست؛ شاکر بکرم نی در بن حرطه مینان داس زوکر شور و دوست منت مبركا بال ورن الله أمريك الديرة مرايدة يكه دو دن تك مفود غواد ب ادر جب غير ان سوار إن الله يمام كلام اهداد الأربي مراوار البرين جايدًالأخرى بنهيم وُنها رباطه أيان ويتكرون كما تي مُركي كرمدو وفان ماد The Children The Solitary County

مرا مردن مرفعاً ورسطال مولادول مع و المرا مردن مرفعاً ورسطال مولادول ر مر عرف و مرا منور المرار المراد ال فاربها در دو ترفيا مالدوا وحاب على بها در دو . المنافعة الم المارية الماري المرازل المرابل iv. g. المني المالية المالية

فكرروارخليا إكا مدحدو Photographic photos ادريه بالفح وكروقة انقال ووكفري أكب يرون كولازم بحرصني المقدور مرستون كربية يوان كرم كوج الوقا فافيكاريه اوابطم فنالأوبو والرمية والنتي كوجود زمرو كيتني فناركركم وكينم آول فدسن

The Mily Ly وافر الافلاقالالاقة With Spirit Reigner 11 1. Michigal Siries THE WAY الرواي المراجعة المرا زرزی کی دلوا دی اب جوع کونا سونین طوفسطار واضی کا سروازی کی دلوا دی اب جوع کونا سونین طوفسطار کی و الكردة مين بن عوم كوالم و الكردة مين محدولي والكردة الم وادواسط مفائد با نواكم كرد وبنيالد بزار سوار كاروار قوم ملي تها روائري آياه برار اور فی عظم نور اور نوشی ایران با اور می اولی ما برا در نعاف بعد فل این ادا در فی عظم نور اور نوشی که او که او کا در اور کا برا در نعاف بعد فل مرال على الموريد اورواد والواور المراكة والمراكة المراكة على المراكة والم دوردد و دورد و الماري و عرفاره م المحدود زران المريد الماره سي والم روز الوافحة بنيا و تبي أن الموالور الورائيل الموالور الم مرود در با مورکی سے و مدار کیلانہ نہ تغری خواج کی گیا گیا کا محدید کا بهادر الزرابي ميه والمرابي المرابي ا كره من من برخير رسم خررد كي ندوستان ورآمدا ما المالي كي بنجي الميطي كمالي أمراكم كره سيف مين جغير رسم خررد كي ندوستان ورآمدا ما المالي كي بنجي الرسيات من مرسين الردادة الم المراض والرسور راور فعان مه وعرف عند منا و محمد الما المحال البري الن مجمعه الم طن عاب الم المن الم المن المال الم المال الم ادر مغدرسوت اقرامدابا وكرات اوراكر عالك جنوبي بين بالتحط علم كالمراتها كمرقي بليه التي الد المنع المنابع المعالمة المنابع مقرباي تني ورجب بالم المسالم فيام كا دارك مرور ما ميور موا خراتها المارك واور ورباعما د المرمين وأند المراب الفائد وفردان بورروز باري زما د ني شروع کي براد ده مي حدرا الاکستانون الرول پور بروز بياري زما د ني شروع کي براد ده مي حدرا الاکستانون الرول ا عاد خر الرخر الدري (وطفار كان فاؤر الدري المراس الدري المراس الدري المراس الدري المراس الم على زيالة مين مقام كيانية مي اوراغ كالارسق اخرت بايان مو اوركترت بين زو عكار برايا. المرورة المحارض المراجعة المرا بالماري كالماولي المنافقة والمعادلة المالية المرابع المرابع المرابع المرابع

Margaret St. Spirit of his part of the spirit المجار لمفرق وأرابي المعادرة ارتون ما دون ما دون ما دون المعادم ال المِنْ الْمُنْ ركؤب عوكما إكوريان فل وارتي مراده كراب اجواد رمشروا وسركي البيكية ونفيع ادركرت الن وكول و عايد ز كب وك بي والله ما مزاده كو قد وراي وكركوالية المراس في المراس والمراس والمراس المراس بيئة ادراكي لينبيغة خارش بكات فاكم فافرار كوردائي داري وياد نفوه كرا فرا عاجراده توم عافر بو کال لیار اورالی سب فدیو نیر کرمیداد مفوطی مرفراز بیم فوایش The way have the state of التونسين كالادكل ت بنيه ونفيا في كيارتنا ديك مركز كريس شابلني فرفته مسيزا يل موي وُدكيتهم تغنين على المالي ورفكي كوالفوام فرا يقبق كتركيب بعيضة مكا أخاط عا كورة الجعارات واسيط فدمت وأشيما مرام كباري المرسقدال مذين كولاا والكرادة كرابان بني تمور كركي أولج بيروزي ارداكي الحلاع دي محدار الجرهان بها دركه متبرتوب فاستراع وبكواه مركار يسيمتر in the stand بخاكواس كرام مبيها كي دن تونين شيئة ركوركا با دردو سرارها فرميرا دروه كوايي انبط The Man Market بوكرميه طفر موم فردف كارجواكد أرمز كي كرميز الارائي المناسبين في اليس الأبيم أجما Constitution of the state of th المامين فواند كومسكونية لسرار كاموكه صفحاه لبركب يمياراه طبيع يوكن فاورك فيرجع State of the state واسطياجا كاكيودينا مقري ولون أبت بوانج زؤا كربين وطر كرجافان موالهم وطلي كوامفا بقدر باركم وفت تك وض كم يكدار أداعل كالبيم كوم وقدة كجد على كدار كا والمجت كواعلاكا فالورف كوموا كالموالسط فالكالكوا فاركوا والفت والمح والزروا كانت سخ بعا يارف كيزيج كنين كاماعه وويل موري وديف صالا يا بها ومزاليم المائح أي المائح - Higher belg aligners ני, שייני in the same

The state of the s Edition of the second ي و المريدة المريد المالي المريد ورايد Contraction of the Contraction o مادي الا واكرم المرتبط العالى السوت براه نواميم ملاق فرح تبيي اورم لوكر ميني وم الم Eight Signification of the كارته بنوالحاق كم عار مغركيواني فاط عاط كواني مطيري بيا يه بيوين جادالا دا كوارة تذررسواكر فرام كركم واسط مقابله كيه وارسي نواب متوسط فالورخوام فالمك Clarity Clark to Goods, براور مسل سكيفان اوربصم المدخان كويرانفا ريعي وسائت اور محمد الوانخيرخان دركو جونفار يع ان ان من خارج واسط كماك ما مورفه المخيل على مسوار مدا نين أين براي الله المالي المرايين المر غروعوى بدغ ولي فناب نقانا مرحك ورافيتاري علا ده برين فيها ن بهي المرحل أخري ا بن رسے بیجے آیا لیکن او خاک و حرد کیروور خم ترکید دیست الحرب آیئے تیے آیا کو مولیے سوئے ا اور سنابراور بیمن فلات برازاده لاو باونه دا زرك بالىك بني كي اسونت وك نواج مراب باني والح كمراك ومتوسو فال عامران من أرجا إنها كوفريتر سية المرح الميات والدين بي في أسكون على المعظم يزهر بهي الأي وابنه الي بينا وخاك الاكوافياس كورا وجرار وزواك علا المرابع إوران في المرابع المرا مع يي تني ن والديم في الي دوندر بي را الم والم الموم و دو بر درايسي والي كوسام ي يورين في ده دو نورين وين الارواك كال سرواس والبيكم في من من من من المعرفي ال ودين تنظاداكين رو نواري كواكثر السين التي عا فرور الرجهان مراع في مقرون فاكته عامزاد كي ظمدال بن ورك الأرك الأرك الأرك المن ورف مرون الاحطريك

Jonny J. ا گریز زیرد. (5)%;53 والمربع والمنظمة المرابع المرابع ۫؞ۼۘڵڔؖڣ؆ڽۜڵ؆ۛؠڮڵڔ ؙ؞ۼڵڔڮڒ؆ڛؙڵٷٵۺٷ ؙ وركع مواصباكه دفراو كنداا وإنبيل والباري أتخ الارتصفيدكا اخاذ درسكي العدي مفتل خطة بإنهاد أفياني في يرم الم كلها بر نىرخا ئۇرۇرچىغى يارنى مېكىم خان دۇرادۇلاردادۇلاردادۇلاردادۇلىران كاردىلىيى كىرىكى ئاردىلىيى كەردىلىيى كەردىلىي ئىرچىغا ئۇرۇردىيى صدره بهاي ويجاد بناه كم والكراس كالم الموثيان عما وكاف الازر البركين بيك وتباف دكاراكيا مّادرك بيكن بيكن ويسترقنا باربوري محرم متع الكوره وتربي المرياة وأريت مركما (ورفية سود بالمواجع في المواجعة الموسانية المراجعة ابيتنامط فالإماكية سينفي الماسي كالمركز فوقار يأفيادك ير او اي ما دركه وريت نيرك كواني ما يكومز الهركو الكرايرت وره فوا فا مزايه بلواز مر او اي ما بها دركه وريت نيرك كواني ما يكومز الهركو الكرايرت وره فوا فا مزاير بلواز ي مهر بنه نظيران المركزان في جودايط هر ما قابل فريستان مقرية المبيريكي م ي مهر بنه نظيران المركزان في جودايط هر ما قابل فريستان مقرية المبيروكي معند مديد بسنال بسرعنا كخرج بوآخ غنير اسكابهي يرتب اراده فراوين بصافرادهم بنين مي مطلعادو ميراك نبين بالميسوت دوي فراسطان كيارة كهاورة فان مواليه دوازيم مقام كوسم ارساعرات موجيع ما لجراي نور كوت سيمان الا دمين وملوم والادنياه كومت ي وزر كي الملاح كريزو الخياصل عاده در سروبد والبريد و بقيادير موالواليرفان يان دود كرسوبود والبريد و بقيادير موالواليرفان ي المراكب المراكب المرادة المرا - المرادة الم ٠٠٠ دوركي و ترتيم بن Je Ve Ve Care ر المحادث 1.

مع ما بن موردارنا در عياز اسكستريك من الكراور عمر الكراميري مع ما بدعا بها وموردارنا در عياز اسكستريك مندف كيرا ورسم الكراسي ن مرباینور کونفر خیا بازی اور دونین کی **حرمین داعی بروس کی**کی مقام اور کی نامقاور کی ماکردروزه ملی اورواستی مفاویس مواورد ایراده می ایراده ایراده می ایراده می ایراده می ایراده می ایراد رون میراد مراندر دما مل ركمة تريم اللي كما كم دليك وكمة كم داران غيري وعنداران عقر مران طعة مرار مط ر المراب تعلى المراب المراب به المراب به المراب المراب المراب المراب المرابي ك نوسيودداورماده ورق در ارعیتهار سركر سركر كريم خيالي اور فورا سولاكوسي فستطیم ر بازار و کاکم کا جرت نفوی لف کم مالی ارکی الارباط مانسادر موسورا تدنمو بهنون كوزخركي اوردوك ميزنان سي كاليريسين كهوما وراكيت بق مطلاجين بقيال بغيط وزرى اه لي وربه ومقور الجسن كم جها ركم ي والحياد افل سرم اورا المرابان المرابان منتا بدنواب را د بوکه و او خارش دارد داراسر درج او ربیرمندن اراده هم المريد الموقى المراق والم المراق المر و ما الم و و المار المرتب و صورود الم وزاين ما المارية ف و مطوع مطر منظر فالمنته ما ومود المحاوا خود المحارة والجاسين عفار مندنظ الوربيبية المجمع والأراق المرقد المراد مراحه فان مهاورًا وحامج عور واري دكن كي سراورميد الوالجز فان ما دركوتن ما خراد ورهم (3) (1) (1) (1) (1) (1) كاكر رواندت عبان أبا دكو بوت اورخ الدين محد حدركو جو داروغ فين ندتي مصر مرور اور من عرض کی بیرے متا زوج اور آخرا ورسے الا واض الی روسی مان الم Tipo or state of the Walter Bridge Control of the Control

لَ يَعْ بِينَ فِيلِ لِي مِنْ وَرُولُولُو متكام وتنسير بلإه وسي الجينس بن مبردا وكيكي ووت بكير كركي فل مافت

ما رسيم المعرب عا ديالا و مسالاكر و يونون فاريد وزار الما مع فنحا ورار الم مع فنحا ورار الم مع فنحا ورار المرسود ران بهای متازفرا بازنی مرحدها و کرنیت قراروا هی کرمیسائل رسم کاری می منال مازدن خصها ا اركي ما دف و كي كداكان رور مني فق المدي إي المعلى م إمار ويد هذه منه الماري ال يسترني صلاح ماره ي من الكربها مرسكا الراح كو الطرند والرعاز بالنا it GC is GC مهر بور کو کروه منام اور بخطا بنے صدائحیہ بنے این این ایک کیدوار انحافظ کا کار در الکافت مهر بور کو کروه منام اور بخطا بنے صدائحیہ بنے این این این کا کیدوار انحافظ کا کار در الکافت في ركب بي مدورك جفي والغرزي مرسم كي مورداه دالدوري المسلط ا من المنت من كيف من كون من الدين بهادر كوناب ا عنا دالدوله فرالدني كومتر ركباد ورسند صوبه داري كل دكن كي نام يسيم از رضائ المرسيم الم طرفير بي قوق الراسي من خطب غره رطفيل بي وارسي يا يا نها واموس كرسيم اليكا طليع بهي قوق والبي كم الي مركب خطابي عرف عرف عرف الميل بي وارسي يا يا نها واموس كرسيم اليكا م مع منادان على عنوي منواد بوار لكوه در الم ميسازم مجته نيا وكام ب مع منادان على بيط ي مزاد بوار لكوه در الم ميسازم مجته نيا وكام « فرروی که مها زرها نیدخود می ایرورد با بی ای احوالی ملع ایراند کالهی کلها مج فيرداني ركهي ورأي في غرر عابت المناوع ل والمرابع به الحيوين محرم الله وسينية بان رواي صور را المي كم حجت منا دسي جالوس مقامع عكرين مواكهتي ابن كم وقت منز وآوير فال ولا من كم ووتو فرز در ماروفان ميم من راول تب بيليان في فينر فضايكم مويد

رجند ہمراہی کیے فن جانباری ہیں کمی۔ دان کارنده بن مونی دیا اور کوی بال بوي احركارهار روم عالم على ا دورغان بهي با دف وسي *خيك يركونون*. باكزه رغبا واسط وزمت ملك مسيروكن سيحادا وروارا كلافه ياكا الدوله محرا مين خاريما

وقت مواري حك فرود ويسارد ايا كاتهاء خركي كمرح من كا به نا الروز كا وره من طوعات روس كالهركرزمان فارستي فراياك که ارس کا اورفار کا رسیم حکم ہو که ارس کا اورفاد کر ایس کا حکم ا موعود بنبي وقت فررها بعضائل أفيلمال الماسية الماكروني المركة والموالي والمي قديم جولوانت ۽ آي كيه تهي حلمه اور ٻيڪا ورڪ اروار براكي تمني رني فتيار كي دلا ورتي الله بهي كي بره با با حتى كه مِقْكُ بل بوزيكم با تي كيه بهوا روكون إن يا دائك يا بدي روا ورايك تهي ه مال مرال ور اورها رر وح كوم يك طرشا مرا الحاكال اور في تفاولا ي زيت واركي مري فواب التي رسيا عازبون فبالداده مذركاكي وكمه درت وبالمحوالة اليخه فان بها دركمها بسيساس جاسكم مج مل فيفل جوادر و فوز الدس وتمار اور فه کوغواصی ورموی خود فه فرایا کرما ما که وجود ایوالچرمان بهاد ربواور بله دواول من مذرفیاتی ا فادر بی حصور بذاه ن رسیمیت کی ا بهادري ليلس بيرسكي لينيكا سلته كم فتريها ري مع يسائير موي وشائجيراب بي عل ارتمايا ر فحاد نبر اول جبر من عزال برجب مراة الصفاا ورص ترك صفيرك كهنا بحك بنكام بنرور لاورعلي فال مردم إل في زبري الرب الرب الرب نوار مكر مرتب سے حرابا مفار كيے چون نبات لنعش پريت ن مرکئے رائم كئي آ دمي با ون تبات ما ا دروازه بل اور در اد و استا قايهي الحياره بالتي كم نتي اور تواب مترد دكم ولاور عليى ان كهو طري برسوار مع بيج رفقا يم حوكم اللَّهُ وَارْبِطُ أَمِينَ اوراس داروكير مان فواعي تن في وَارتِك بنوق م يرادرام اهمرت ومقل تالار تن سين في المولد نقاكا كالياس م في ولف برد بر محر بین (روازهاندر الروابل كان المرابع ال وروازه الم

ابن بان في المائين الراز المخافق الزين والمن والرو الوالى في ويان المان المان

الدسي اورال كاره سيره جرين الدياه ويرناه عالمي لواكنهو في زمر دي اسرمن فلنوا بواعایت و کم سرتس نوانکا رما ده مواا ور اعلیت عالمکراو را کی ما عظمتاه میمومس وار در اردها د ہی روکر جرما وت ملازت بها در رتباہ کی حاصل کی خل مدسوکت ان سے بیٹر آھے اور ساتہ اور ساتہ اور ساتہ مرارى منصف اور جريزار موارا ورحط ف ن ورائية المرازكم عور داري اوده كي اور فوعداري Transition of the state of the كى غاية قراع الحدام الكرام في ماريخ السي لفط خاندوا ابها وبن الكلا خطير الكي حكه واستبطا عالم كالمالط في مالع رشاه كي نبايا كارة مديات فراح الكوارة مي رشاعه اور توكري م غره كركر شاجي مبريجه منشندا فتدري ليكر كهركه واسط زيارات نحين راورهات برزار وكارتك جايا كيفي تبريخ جها رات ه وقد مر بين فرارات التين محوكرة غيرات بداراره كي دي العالبي غيال ريسي وامركوفيوا بغرايا كرميد ويرب جمدة المالحة كتلت خان بها در درك أكر الما ذرت كروائ وراحك مين فرج سرك زاحسين الطعب العدالي وزام على الميان المراهد الميان كالمراهد الميان كالمراهد الميان مهم بتن بهاي مين زيراك مدير نظام الماكمين مداوج مي على دونوخ د واضح مو كه وَرَصِيعُ مرادم فينجاد رزان يرموا فت والراك مركوموا في وهدا كم ارتب سلطت ورصوبه داري طاف واكات سرفراز كي جائجه داو دف بي كور المعار مان تها ياريك التي تصصور وركير البوري كه فان موعرف کی دات رئی تغرر کتے صوبہ دارا صدایا کورٹھا کی رورما زرفان کو کہ دو مفته قبار سکورٹی النين: روايان لوالگای نها موق نی کر مکر صور در آمید را ۱۱ می اور وراب ما سرر رب نوای صور در دری را نبور کی سے فرصاری کرانگی بیت کر مکر مضاری آمراری دور برارسوار نوای صور در دری را نبور کی سے فرصاری کرانگی بیت کر مکر مضاری آمراری دور برارسوار این در این و نازار نو به نام in the same of the 310 1 . S. V. V. V.

كانقرل يؤرمنبم ذونجع آكهوال مذكره وزئصفى ودراني دوركام بانبري و كابيل زنينزة آصفي ولفام الماكيا درطافيان المصابيخا برفرالدين آلي كما الثال لابت وزان بن مصح كافدانا م^م ن در در در در در این می مالک رئیم و در میار در این باستان الکامیرود به ایک دو ایک نیما با در در در در دان می می میالک رئیم و در میار در این می را سقال کامیرود به نیم ایک دو ایک تر ۱۹۱۷ کاروسها بنه محرمه را والحصی الوره فاتی تی مرکع با مرض او میکاور داد آیک پیرستان ا مولد زوط بيان الاعرابا برك تزور ي بركس رري نواب نوي مفال عليه ال دافعي. آخ جبير خابجهان كره وارد منديك مين دوالدتما عده وزع يدفال كره ليسيخ واقعي آخ جبير خابجهان كره وه وارد منديك مين ادوالدتما عده وزع يدفال كره ليسيخ ان رسالت با صلى مدعد واله المسلم المرادكات المردفار فالمارسال بالمصلى مدعد واله ·NL منتهي بالمتقال ورهد في فارك و وراه وروالي أوس فله كالندوم بواجرفذ بالركني بهركوس جدراً المهيم وأنشال فريكا مغي دمبادركا سداهدهان بها در برد دوخ را مفطرت جها با رسّان بين البيخ وللتواليسفي T. C. C. D. لها دري م دموس رسودلاحرف. پير خلا سيمين فليوغان باديكيسوار موسيا دوالي ره سول بير مدر عمداري ميريال كي المترقيريون ولنان كي اوراضا فدمواراك اوران م الجي كالكام ميران الكريك المترقيريون ولنان كي اوراضا فدمواراك اوران م الجي كالكام Nord Kind Silver Constitution of the The Control of the Co اله ديل ديده أن بي آيا! ولمن المنافقة

مما ررحان كاسيال مازرفان فتين فرخ بركم فليست مورداري ت زمار کرت بعیده پیروسی نود کا نوشیرنام وراد پیراغ موکهی نهی س ت که خطر ت زمار کرت بعیده پیروسی نود کا نوشیرنام وراد پیراغ موکهی نهی س ت دانه مایو كي يرعلي كرموى تب يه خان رفعو للوزاب لبي يكي رطرف الخري المحال إلى خرقة امرالامرا نفاريسي دكركي رواز وكردافل محسنه من ويوكفان كورنداكه الكات كي مرالا مرافيا فديس كي جوالي ي معوم كريم ما كريستديده كيا إورمق الرامط المستاموة رهاية اني ركه ارواب المعطاة ي معوم كريم ما كريستديده كيا إورمق الرامط المستاموة رهاية اني اركه ي ورب مسك المُنْ أَوْرِي الْمُنْ با درند کرد ولتوا بیخ فرزان محله او ابناه کی ساعقیت را بده کرا توسی دس رنس رون را مو مان وفت نه سیرراما بسیر خوک موکر اور کمک با برمان کی اور حصار کوافعاص مسیم سیم کم جي روز الين جي النه وي عود المان ال موقت نوابر موف يميي تحوية منصبغت نراري ورث ترارسوارا درخطا عا واللكي سير ركا الروم العرفان المالي المالي المالي المالي المالي المالية با بورکیے زانہ جب فر حرکیے سائٹ کے خالی ہوکیا در خنت وزارت کی سپر د نوالمیف جا کا بهوا وموسكم باوحو دانحا ومذنورك كهجرك كوثواممه فيحريك ساتهرتها والمرشرك وج کی حاری کی اور خفیہ سند کا حکم عموم واری کی مرین مهرا دن سی سے طا

إنّا دواه منفر عك حاد داني كابرالك ويدّ دوريا جو دو زود ے فان کاسال بینغ لوزيج عن مديها دي^ن ه باد^{ن ه با} ور وارجد رآ الكابواا وربدنا صل يختنس وركوستنس رابه فناداس فزاح كايتارم لأحسورين روائي اورناقي العشاكوا طراف وجوانه يمين كهك The State of the S · NOICH ربن بن

مرواز موین ارتساف عوجوایم کے طرف مرکس کا وہر ک داب قدر دا کے بی لاکر جور راکد نبوزاست می توجید تا کی نبدی الفتل ایجابی و ي رسي مرسلي و مرسنو کاکم پاري کو سي و مرسنو کاکم ا من مبوی کیر بی وزیمها اور فرا یا که بعد صحت کم بوالنیکها ور مال در سیل ک صحت بهي فنقاط عت برعالكيركي رضا مزبنهوا جديع عكم ميّد كرمنيًا بوااسوقت خان فرورج تقبيع بواورا كونيماس بواكركها اور جدروزين بموار كركيس الأكباره *بوارسے شریک ما* ژان بارٹ اسی کاکیال_ب کی رخصت کی اور آنج قطم کوجو لارتها جاکرچ

بواتها كاكرمذي ملطان كيتيت الطال يحوارات ليفاصله يكتب للطائب عصوات نوانا بتما فرناني كونانية نِدِ وِينَ إِن مِينَ مُنْهِرَ لِمُطَالِمُومُ مِورِهُ إِنَّ مِطْفَافِينِ وَوَجَّ نِدِ وِينَ إِن مِينَ مُنْهِمَ مُنْهِمِرِ لِمُطَالِمُومُ مِورِهُ إِنَّ مِطْفَافِينِ وَوَجَّ عقد مع منه تعريبه المانان واجتباقه م الومجده ل طب اوم واقدار بي حراعاته عقد ما تعريب المانان واجتباقه م الومجده ال براى مراج اومي لطان قلي فطب ويسلطان او استان خاري . رئيس الما موجه المري لطان قلي فطب ويسلطان الواستان خاري . من فرار دائي كيّا وربيه اليكوي عاكم اقليم آدر سنان سيري اور ميري ها با مياكه كرمداراً وقيام ايك على ولو الرابو الزوري ن اوالح مكم تا حوف كم آیت مشادروازه فعر كام كی اور فی حالیگری افردی كی مان اوالح مكم تا حوف كم آیت مشادروازه فعر كام كی اور فی حالیگری افردی كی اشفار كراوزير طيدب كالبهي كيا فقطافها سيجهدواني كيستركوار لي اورمور يكي عِارِ عامِیصِ دارمہِ کردسیارہ آدمیوں سے مفامل فیے نتا سکا ہوا یا وجود کیداس مفوقی فو مِيْ و دِولدْ صفت الله إون ارتا تها و كِمَّا تها كومِيِّ عِلْ جِنْ لَهِ اللَّهِ ليرفوا تاتها اورنوادكرنا تها ورجه كوزخ بنيما تها كوجلا ديا تهاصى

کي وزيراورها و شاه رو نوگرفتار سوي تعيين حيد روز اين رايا عاليکري خرر يوا طول كينجا دنيا موركية اقتصا*سيرا*ي وا ية الواكر كل جوام سيريج. حاسب كروة كرمين عا ي كدر مفيول اسكايه تها كرم ماس رزى كاكرية بين اركم انهوان سكندر من الرسم الي كاك في رواكرين الراب بهي كليوف مندميكارة المني الرسم الي كاك في رواكرين الراب بهي كليوف مندميكارة ر معت مقابدرته برق ارعف طائع المخابوس الماروراد المراده المراده المراده المراده المراده المراده الم ب واسط و نما لیم اموروایا اکر جروارد به ابوای می تفعال فرده کیا در مر يكن فرق غيث براده كاريا آخا رهدرا الوكيا أمرس شرفاول كي ليارده م . مندعضم موالیون کی برآی بوامحر فی مناب ماکسینت میوانب بیجان بای بو منابع مارعضم موالیون کی برآی بوامحر فی منابع می وتنزيف واس دراك جدال وقال كاشتنا موى مرخد كم ابل قل عند ربول کو بارتیا دی امتداد محاص می میک خوالافریم فیچوا مراحولال البيح وفزادك مانهرا وناءوس بأوعا كم دى ئى آخەد ي قىدىن الىرىسى الىرى ئەن ئىزىنى ئىلىن تىلىن بىلى دىلى ئىلىن بىلى ئىلىن بىلى ئىلى ئىلىن ئىلىن ئىلىن دىن ئى آخەد ي قىدىن ئىلىنى دىن ئىلىنى ئىلىنى ئىلىنى ئىلىن ئىلىن ئىلىن ئىلىن ئىلىن ئىلىن ئىلىن ئىلىن ئىلىن ئىلى والوروز بينوم كاكرد ومعول خبران مح تها كالمالات عاع لميذ جوا وتخاصك نظركر كم فدسم عالك كالداني به خطع بواح كر دبير ول ازال كان تقدير ؛ جون برول نيت او كانتر كنت بت

ورالمرخاب والميكار الميانية والمطالية الميالة المراجعة يرتفى ادرا وااوراكما كي كه وكردونهائي ميمارسرو فوسطين ونکی وزرانیا کا بدر خدروز کی وزرید ما اکراوٹ ایک فیات 13966 دناه كومات يرين تبوار كالباول كالدرون اورشرة الساسل كالمت لكو أ مدركية مي اسطاندان كا توكادون الم

عني اوربعيه الحيربين كراما م ارتعبن عن الانصالي عمية بالورمودة بوهي كدبا في بي بيت بها الها اورانيرت ركم أكيا تهامواس الميسيدي كتر بي كمريخ بي ومواتها خريج في محلى فعال المين له دس به معاليسهم بمرتبر كمرمه وانسي تط ال جنرك وقيم الى ما يخوال مون نهي واسطفدار دواي لطال عاد المستحد الماسي رورين واضير سركم سنطاعا والورماذل ورسيطا ورتبه واوقد رسن رنا كرعهد ميرك علما افوز لاورش برحدرانا مين فراسم أينيه اورب كالمين ورب ليرع كروفيتر المي مصنطورا ليف موكار المحدراب خانی نان نو کردن در زرست یافتکون سے ہی عالیما ہی ہول فری فقدار اور ماحیت اس سركارتها خدا وند نعمه يسيم منح ف موكرها زست حفرف جهان با دنیا ه ي اختيار کي وربرانح افي اليك لطان محا وزبكيري عالكيرك وحرالابناد يدروالافدرك حدرالمالا 心就说 بهاا كي خياب عطيم وي اورجد رايا تعرف اليدوري دوري كالي ببرنب كرس والما فيدور الكه لاكي ابني سلطال عداد مله د سال رولي جهزمت سائه خاصين تنه أو رسيه وكر صارمي دورهك مح بيني كالب ميزندكور في شكوا وسيست ومدوع اس فتوج سيك مرس برس المراه خلاب کو مدرس برین ای نام کے خلف کو برحد کا الاب کتی ہوائے Milia Chilia

ن زم آزویس و در آبغا زن در مربط ^{زان} واد ريسات داني او تع بيريدل والدر الغيرا كيسكي و الوس كي ين ديلي نهروساله الينه تناه جهال إرشاء كه داسيد وفيه غارجها ليروارا برور با بنور كوف و ومير - زوم مي اين زو كميا بداكا) اورا ظام زيلها ي مديديا وزع وكرمانه فراانه ورمحامراني كبروس اور دم ترمخبرف الدوائد ەرتىكى شاەلدان ئىم ئىتى كام بىي ئىمى سلطان مغرنى بعد مورسىكى فيرات كا إدرافت اولا توفير فيكر رواء إدان كوكي كنته بين كم مزود ربارين وجاسوال وريك ه حوال مخيث ه صفي بارتيا اسكي ما يرهاوس باطاوسيح كمرمت عيوا مزازه ميث مرفراز فرايا لكبابس كم فرمز كور لورجهول حاكمت فر رے دارا مفان حبررآ ایمیں بیشندا دس عالیس جرکے بر

ين حرالا بناء أسيك نبا بان ورسكا رفد كام اسكا فرويع كياكل رسی خراس دین سینی اور ده اتا م کونه بنی گرفتان ساله و در اور اطال از رسی خراس دین سینی اور ده اتا م کونه بنی گرفتان سالها و در اور اطال از لأن عداني ما يخ بهي بي ما قي روكي تها حووه عهد مين فا وفاري عالما ميمين الكيار و يحل الرجيوت انتهام کی با الحق که و مشجر بنسر بین که که که که که که که دا وروح افزائی سیم مطبوع فول ای لا محافظاً لي بهراوزني السرا كم مسجد برطان الدربان يرضو يمكم ماري وسادي براور بسواا سيكه قط فيفل زُكولانه مكيا ورعارت بني في كما در مكاتا مينا در بايدا ور وكاكير جار اررجانها ركير مخترعا وس لبرة على المراس المر باليريس كها وراكبيرسلطان عامه علوعقالي ورنعني كاتها اورنهايت في فليع ورثاء لبدائله تهاخياني وملائيك بالمب صرري توزوصف ن بنهان تده رشرم زبان وروع ن ا خرا ورشهاع با تدبيراور قران خوان تهجد کارز هماندا دس بنيل ان تر دبن نارنج ها دي ^{الاول} خرا ورشهاع با تدبيراور قران خوان تهجد کارز هماندا دس بنيل ان تر دبن نارنج ها دي الاول كوانتفال فرايبي عرسكي دفت أشغال كميج فيسن سوليك مهينه اليدن كي تنبي اور دسلطنت كي مِورِ اللهِ يَصْنِي مِنْ صِيدِ مِن اللهِ الريخ رمات: حَسْرَ مِن اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ الله المدفطي وكابيال سلطان عبدالمدفظي كوان روزدافها شریفیه اسکاکیاره رس با بخر مینیے کماره در کا تنامج دانتقال مطان محد فاقع علی علی است. شریفیه اسکاکیاره رس با بخر مینیے کماره ुंशंगांधर्ड.

ن و الدين ريفُّ الريوزونُ أ برويف ل يال وفاهم يوفي و مكل بهناف الموه تفاخر كوا الالا ف قاد من الكرام الله موالية والك المرير والدي ربيل المركم موف بواردا فقال في قادية بينة والكرام والكرة والك المرير والدي ربيل المركم موف بواردا فقال مر المرابع الم لا بوسيدار در بنشيس عن المورك العلمان فر والم المورك المورض الفارخ المورض الفارخ الم وبوالفرتاء عامراتي الرامة إلم والسط برسفر الزائية بيم ردانيكية والمفي موكر وسنبول 15 ا لات عادنا وفران وكه اران كي جودا سيط اداي روس ول مال فقر المالي ول مالي التي فتحي أي روبيت اني رواته ملا يكن كامرانها مشررهاك موسي ماميط الموال المسايكي واسطر بتغالث ٣ اوس يتنب غويوا كزين شرف يا ويتي شروك ميز وكروني واعلى بهارمجيت إورانفاف كاحت زباده كربيكم كمنو بطحيه ت مو الجيمراه ي

کینے مین نبج سا بخومی میں قر جوخو كم ياعت الوفر إ لمرضر كإربا ورمعنو نيكها أسيوا الماتي مكواول يبنه المافاكم عملا Cly. المالية كالبولهاا ورجمه يركونت قامي ننهي يؤل المالية على المالية المرادة ال بالتميح مكوكرمي كالتر تبدار چومتمان *چون مرکنی زگرستانه و درا*نه بنمال محبت مروعا بم نودستند بياة خودا إبارتوعا براستم ليورورنه فانه مردال رقبوته العبابون الردارة المراق مین مرفس که وی مواکرم راجين ايك ضعف كلي كر بيس مرجوامان عالم بقا كابرال Sie Contraction With the same of t والمرابع المراد والمراد والمرابط 4 dig

10 M مدويها ورفائقا داوروار تيفائين إرحام خاستدر زا مزين _ حوث عذ جركز أستركية مين مون خرج عارات منو العكرب كلهاكه فاربرهم كالماه معار زنيال ادكاكوراور كذركي نا مرود اس التم تسنير كي مروي ي فنوخ بيسلطائع باورسواكم بيدن مراه البيانية وقد مراه البيانية المراجعة ا المحالية المنافقة بكفارتج عن إدريح انونانان يًا وجرا في بركار من وكال سوكي كون اكر والط وروي ديمنرمان والتهف بجامان الحاضي كيفررواني وقت بإنه في ميكوا م يشيخ الكي منظ وبن مع طوايف والمراط رِرِجْ بِدا نِفُول روارْه كا وْدِكْر دو مَل عَلَى جَالِكُ بِي وَا وَمِي سُلِيدٍ كَيَا رَكِهُ مِرْفِيكُمْ بِالْمُعْتِ بنركة فانكرد بإلى دريج بيا بفت وكورة مويي المطال بن منجى الطال خفا بركو عنَّاق كووال صوَّاباكه نام سافره ل ورسول كوست بريركر دير البيس بوتيان دريا ريس سنوج جدورا وكرموكس واكدول وربسوا كحبجا ركروخ طاكرونو ويسابكم لوكر فبدأ المجع ليؤسمه وتبنا مام وثهاد ورشبت مويك فعل غوائع عرضد دربالي ميسيه بلحان وكرنسة المرقم نال سود *اکووننکاوت نیا اور غارسیے بنجا وز کر کیے فتل اختیا رکبا*

وما اورئا مواسكا بهاك غرفام برفاتسوم ي بن تحريج وسط طائليون عيم اورتقا باس طاوي رسة ىي ما قار كەلكەنىۋە مىنىرقىيا قائىسىلىك كۇجيار رىي ماقلىر كەلكەنىۋە مىنىرقىيا قائىسىلىك كۇجيار دارالتفا مدانات بي اليكي بين خرج مراكي سركاري مقررا با وربيدا نذاغ عارات الا له ا کم در کاه و د لا کر طولا عرف کواری سرار در عد قرار در کروسط لمان کتیم بن طاق سرقی دردازه دولتی نه کامقرسوااورطاد غربی در ي معام اورخيال ورککن محل ورد ادم که و متعام کيکے مداوراد کا نها برکتے۔ پيچريعام اورخيال ورککن محل ورد ادم کي و متعام کيکے مداوراد کا نها برکتے۔ أيار بتوادرا دراسيكي كرسلطال كوشوق عارتنا نهابدي محاكزاررو دمؤ

الم المالولو والمناورة NO WE الموالي المراجد ا بله و تراه من المراط ميث ه مرراه صفها في *كي كم* ما المي نو الاالورك ورسيجيل ومن لطي الوالم غيراد أسيم عادلت وبركم بجابو ركوروا نزيما واضح موكم فاحشه بهاكتي أبرعاش مورب كردياندا الميك طازم ركابيني اورده بلون اميك كاريكه وربار من آيا جل_وا

داران مرداران رکی افعال ورجی مغاوی کوستوای طابعی به رایخ ورفعها مراسم مرداران رکی افعال ورجی مغاوی کوستوای طابعی به رایخ ورفعها مراسم الطائبان مين ورشش ورست سي بن مي رمين مركي والدي نديكا مفتوح الوالم مريد المرابع ميرارس المرجع م بندي وفته كوستياء بساله المرعام وفع ت نهاليك كما رطاير آرارس المرجع م بندي وفته كوستياء بساله المرعام مورک با در اخر فرا نیک سرای ون کی دکت جدا کرکے رور دخو فیم الرا مجرمون با در اخر فرا نیک سرای ون کی دکت جدا کرکے رور دخو فیم الرا مراوركت من ولات الكي دفي وز دا ورقطاع الطابي عبدين اليجارة مواوركت من ولات الكي دفع سفافله ورفن كروزو بي تيه عائم ووم الرياطان عرفه ميسة سفافله ورفن كيروزو .

. جينظ عاد ننامٌ قا يرمقام بكا مؤاد ريط سيكما تي كاسانة بأو ربيط متناي دليا بيا ما والمستهار ولفته للديك شربار فرمض الهارس تتبت ويالمرفن المناسولار ميرتمون فرازدا بادق احركه ودأ برهيا يهتنيه وتركم الأوكم فرطر فليدي والمراطف أباجه وحديكا وربد يجايين واروي ميريسنى كا دارلامه م ما خاه ركيستيس كاريسان كالشكوم كورسيا و داريد مورم والمثلثة وسي سريين موا واكرني رسوم واو رسه ميكم اوته اورع بروسور معید میشید به الرجید رفظام نه ای عقد از در بهروس ارامیده فیصف میکدلا بین اردیکی الفام نا داور قدایش و مرد د فرا روا فاد برگیان بربرتر ادر سخت محا هروم که کارباکس قامه مرکور مسخیرها اوبلين عقودا بنا يفوار بلطنت كوبهرآين وافع بوكدامل فليركو ككنده كالبنداين أحدت برگذاره کا برنداراس مولی و الناس مسلط خان کرکر اور تیرب لیدار دا اور کای المدون العدكير ووكافين إ ودكافية الاركيت اوربانا رقورك وفرنس ورتسيجا وراما أور على يُخِلِنِهَا بِنْوالْمِيطِ بُواكُواسُوده بِرِعِيّا ورهد فوّمات بِمِسلطان بكيريه كح ديات ووكنا تراج ندري كود بقر نفرفين ليفالو تبكأو إلى يكو زلو وابينا ومسجدي بمرزائين يونفام تا كا انتقال مودا ور مرتضى نفامت ه :

مراد الدين ميرار المريم المراد المريم المراد المرا يرورس تيري المال المارية المارية المارية المارية المارية المارية المارية المراية المارية المراية المارية المراية الماروس تيرين المارية المراية م ركارام مكوت في افدار المراج في الورندوت وي وارداف كالموتوي طاف ريان فالم المراج المان روزون و ما ريان ما وعارات و فاتحولا بوريد طاف ريان فلام المراج المراد و المراد الم في زاع م تفي اورعاد اللك إيرار واسط فيرك نفام أو يا بما لما موسو حرفان ارد مرد مرد مرد مرد مرد مرد مرد المرد المردون مالك كروه مرورون ول الم تها در العراب فاكد العادم الموريد الم المارين العراب فالم المارين الم المارين الم المارين الم المارين المرابط الم المارين المرابط المر معد فلم مرا فيم المفيد عدول مودال العفي المالما بما المحاطود المرون ديده ورن كُواْتِها ورلاً كَانِ مُرْتِحَ رُورُ وَيُرِكُ لِلمُوكَ بِيمُ وَلَيْكُ لِلمُوكِ بِيمُ وَلِيَّالُهُ الْمُنْكِ ئة عند بنيا ولها ما اوروبي المسالط المنظم ال مراكب المرادة المنقال الميراكي بما يها بي قال وريدي عاما على بنواريسي على المراكب الم الم تيم او لمراضر فرف الورالين و الريكا موهن بناه كي امرية بيط فروسوا نها ليس كوف م نهوا ري لط بعيد فعط مي ماريج الموهن بناه كي امرية بيط فروسوا نهاليس وف م نهوا ري الط مراب ورف المراب المراب المراب والماليون والموارث المراب والماليون المراب والمراب والم والمسترود و العلمال والمراه والم والمراه والمراه والمراه والمراه والمراه والمراه والمراه والم وافعال ي بيرك دن ارمون اربي رجب رسور المن في بيوان أوم مرم الكاره ال سرك ون ارمون الحق الون مدولان التفريد المان المراد المان المراد المر 1/2000 627438 25 : - - 109

رائي برادادة مرير طايد يريك موكر بنط رني افياً ركزاً بون اور فلاني علا من علتے تیم اوروہ ال ا

ي روي اركاخ اتيل واندواري الى ي روي اركاخ اتيل واندواري الى رائل رابین قطی انبانا مرکه راج ایمویین قوا عدا و نا ان ولاستی رائل رابین قطیت انبانا مرکه راج ایمویین قوا عدا و نا ان ولاست نوبه يحانيكارتنا ووالكين عوق رسيط النا محرت بكرغافل بوكر سمنته تحق اور مرامالا وافواه باه احدابا وبدركوداسط مرت مكرسبي كالهاد درخط بين بهي اليك ام كوايني م يرمقدم ركها تهادر المعين في من على من وغرو كمسكورا درانه عاري، رعا دف هاور ۱۲ عیل عوان ه اور فاسم ریستی ایک ایک و قد سخبک مری جون علاما دف هاور ۱۲ عیل عوان ه اور فاسم ریستی ایک ایک و قد سخبک مری جون رمهٔ الا كفروضلات جها دكه يوبيت الكربي أي في في الابيئ اور نبى يُدائِج تورُكُرُ ب شار کا شیعه نها اور قروبی نیم بتدر کی خدمید مین سب نا مراهمی کیم اج كنده اور و بوركنده اور ما كالوركس توره اور و ما نده اوركما ب ادر كونه بهراورسوداك في عام على فاك ورناكنده منجسريت تتبيران م

سحيتهم لفت مي دِركِي مِويُ درمِرا علي فيرمالوكوي ي كارد كالماده در المالية وسيح تدمغوآما وردكو فيكه الوفي يصفغ فازال يسفينا فلىقطة

الراكس المفاقي واسط الما مريمه وردااكرتب م بغیرت تماکیز او در سین بریم موردانه عدم کوم او در سیطنت کیاره رسرا محمد در تماکیز او در سین بریم کوردانه عدم کوم او در سیطنت کیاره رسرا مر تربیه کا بعد آیے قایم تنام ایکا ہوا یہ بی آیا ایک بھے اور اور اور ان اور ان اور ان اور ان اور ان اور ان اور مرد قابلیم کا بعد آئے قایم تنام البیا ہوا یہ بی آیا ہوا ہوں ان اور ان اور ان اور ان ان اور ان اور ان اور ان ا بر در بوا ورار در کر خوارد سروس من اسکه فانی ورک بود ایج امیر رونا م بيبول بساورين الله دال المرازية د دونهي اولاري من اواده و تهاساطت بدر فارنبواا ورآمدرسوكام روار إدافيج بورامرريناني فاتمه طبقه ريديكا يجانين كونيهوالني كارميزرا عنيا مارك المراهد المراج ا محص قدامير ريد مركور ريون حرك اورده ماسك محص هاوت كي ناكوطونها كركيبها المراج المرادي المراد ا كميا اورمبزراعلى دا فل عدةُ مدر كرم كومت و مان كي بينه قبضا خبيار مين يا اور ايك تد ي برخوام نه وليجاما م عمر كذراني اور من البير كان اراسي لكناسي كي المركان البيري الماسي لكناسي كي الم عي ريناني ان الماني

بر المراض ال المراض المراورادكيرا ل نام بدار کم قلیه او در اور ف

Signal Constitution of the برا کرار واسطے قبیر سنها جو شرکه اس ملکت بن نوال علاقرا باا و هجت عدم فیکست میں باکورکہ واسطے قبیر سنها جو شرکه اس ملکت بن نوال علاقرا باا و هجت عدم فیکست میں درمیرکی نیامزا در هموا عظر سیابور رسیس کا که ایم معندالها مره وکنبولغ نیا براد (در ایس کا کی کورد مرحها رط ف سير رغم عره ندكريك مناع وقط كما تاكراناً مدّيوك ورحال مارو كي اوريط مېرانيانږد د اول پر کررانفه او د نفته و ۱۰۹۶ د سينيانو پر فاديمايو کا ايسي مندر مېرانيانږد د اول پر کررانفه او د نفته و د اوسي کندر كيمار الوردة ها ورسيا عن يهودرا يجافيد بي يسطي السلسلة عادل بن نقطاع كيمار الوردة ها ورسيا بالاوروم مطنت على منعده موي عبد اولاي عادل المي وسومي منوسال زارواي اور حو بالاوروم مطنت على منعده م ي عبد اولاي عادل الله عادل المي وسومي منوسال زارواي اور حو ير و عادًا بيان في الموري و الماري و الماري الله الماري الماري الماري الماري الماري المريم المريم المريم المريم مذكره عادًا بيراك بيانين في المريم و الماري الماري الماري المريم المريم المريم المريم المريم المريم المريم الم مرور ضرموكه وه ايام طفلي ايوال سيرا نونكا مرد درعاط نقر بي علا مات المجام يركووه بالرولانيان مهرون موكه وه ايام طفلي ايوال سيرا نونكا مو درعاط نقر بي علا مات المجام يركووه بالرولانيان مر المدونة المار أبار شداور فالميك الشي فالمرض الورث مدول مبدر والموقوم والمادودة المامولين المار شداور فالميك الشي فالمرض مقالول معدد وك مبدر وقوم والمارودة المامولين المولي مر ترك ملادات لا طين مركام البر ملطان عنده يكو قدير خطي عا والملكي باكر ف يرار كابود والماريم المهري الوين سير عبد لطال من من مرك قلاوه من كار دبير فرالكرك اوط، النيفام كالي علا والدمن عادت وكابيان علاوالعبن للكرمد وفيراو واللك يركي فارفام مردا ورففات مي اندراطلاق كركر فلعد لاوم كو مقولوت بالاورسام في و تعبّ بن فله المراري غدانيده فان أغدا و نه فان عنشري طرود آر سلاطير سيم يم تم الرو وسيب من فله المراري غدانيده فان أغيد او نه فان عنشري المرات سلاطير سيم يم تم المرا له ي واضح موكم من خوامركو معماع دان مي خواسماري كي حابي المحاصلة الماور. روی از برون از

وكرائ تباادرخاع ووكم ببيت عزيته كافها اور كمزكا يهتبانه جافيته وجوامهت على اورهبدمين بجبال كا مُرْجِ الدورِانِ كِي نباك داراري إيراكا دم فرمين باليوات حكوموكه والحركن د وسرا د دسرا

ليدمهم عمل بن لامحاسرا كوا ينه عذه منيسة كبقوم سيرايية بين غاطها را درس في كه دار مكرانهو كربت بهائ م غ الكي منه و كالكر سواندا كهزا زمين ن طرفي الحا بالأنزك ل كاسوانها ماركا كالبينة اورت بزاده كوم ا کی تنی تحیا یا گئے ہو کہ اس خور دیرسٹ سراد ، بہی ن فریمواا ورکن کھر ایک تنی تحیا یا گئے ہو کہ اس خور دیرسٹ سراد ، بہی ن فریمواا ورکن کھر يساد بالتواه ورخياء التي التي المراكم بيط الأكسرارية سراد بي التواه ورخياء التي التي المردد وم يط الداكس زارية س ون لاک بواتفال ملط لانساندادس مینبرین بولبوت سلطان محرعا دل ه كابيان سطان محدعادان برسياتوان برجها نوارتناه فيداسكو فرزند بولاتها خانجه ببيت ننا مرئ بنده ازالكس ومورم عالم: موسل يخ سي وريكي هجوم لا الاستحبيب من سينج التيمال كو بدرو دكيا مد کی تیر رنش *سلطان هجه* و عا داش وریاری داغیرموکرچندرمدن در مهایا ری^{رد رای} ماخ عاسق دموزق جومملك وترسح بيرسيسي نا مكر مسي دنيا ، مكر عصر بن ورايج المراكب الركسين الأركا لندق مرتركيه واورابدري ليني وربيا*س كه جولسي وسلطال على ولن ه كابيال* est Misel.

134. CS. بلكرجهان معربانه تخف يق لالا عفداردوام كادرسال آيا تهاوير الي المحاكم والمبين وطريك ووالط ومها دري

سوآ كمب فال وركتو رغاام كركه الماواد سي مسكسوكونه طالها سرفراز فرايا اود كما المعتدا بناجا له مزاج اس عدانیا ه کابغین مور زنباا ورا دام امهراینی حرکیب یک کرکیب می کاک کر دیاک امركم بوصنے كى بى على التى بىركى درا طب عين لاء تركيم معروف واا ورجيدا نيا كو فوزندا ما و شوال شرکه و سیسین سی مرکز *درا درخینه ایراسیم بن طهار محینه بیرا* نیان ا*کرکر به سینی بیرا* کا خطنه کی نتا دی طح مکامیے کی گئے ہیں کم سرکنت کومیٹی کر دیکن کی ہجرف فارسے ما ہر خلاسته عِولَتْ ازِي ما درجها زا دربوربين و غره جوطونت وربيم يرما فريني كما ايس الكيم كريا لَكُوسِينِ لَكِ دَبِرا سين بِينَ مَرْ وَمُولِكُ مَاتِ مِنْ السِّي جَالَورُكُ كُوتِ بْرَادِ كُوكُوا بِي أَرَاكِم برب بنجا دا خرم على من على إن على بنما نه بسب ولي المرسن الله المرسن الله المرسن الله المرسن الله المرسن الله ا مرب المناج والمرسن على المراسلة المراسلة المرسنة المرسنة المرسني الله المرسني الله المرسنة المرسنة المرسنة الم 100 m. 10 مغابخ فأمع سيتسهو كي طان سي أبك الألب م ضيع كا ورآبك ريخ والخاس ال ري مُرِّدُ الْمُرَالُ وَبَعْرِ الْمُرَالُ وَبَعْرِ الْمُرْدِينِ مِنْ يَرِيْدُ مِنْ يَرِيْدُ مِنْ يَرِيْدُ مِنْ يَرِيْدُ مِنْ مِنْ يَرِيْدُ مِنْ مِنْ يَرِيْدُ مِنْ مِنْ مِنْ م ماور بقيد حيات اللج إكبرتناه كاندوتماك دواراً ماتها ايرقت على على بلاني اورا مكوفت عبرالملك ت في ونونكام معنا إكريم اغراز والدام يست مراه ا وحليم على و محق وررايا روانه كياكا فِيرِ الْمِالِمَ الْمِنْ اورمعين الملك سنوزسي بورمان بهاكه بادت هاداكها ورسين ليه محفظ بدايا معارق كي سبك يكي يرين المعادر أيه ومرايا ومرايا قال كاب ما ن رية برئم ف موصو با وجود كي جمع عن حيده وكتباتها ليكر تراكبات بالجنار المالية المالي بهاا وران صبح الوجاور لميرالعدار كبطرف بإنها جباجل ستى بنجي و خواجر المرحال برية ئة نوبوزياً والمن أوران أو المران أوران أ باس آیئے تبے ایک انبی سے خدار آن کہ آب ہے کہ بی سوی اکرانیک جبری تبزیمیت نیف عين مروال كمهييموي ركهماتها الذنبة المكت ورنتي منتبكوس المصفر كوششه نوسب العور المرابة

بافقون سي مطال ملاكا كالقاماك والادرى اوروات والحي والمجارات بي دوري وا در منعه كرنيد كري تمان مبوا بامد حيد روز كيو ميف فالسكافه مروكي ومشك وسيمت الألفاق اراس قلف اوع ويك وامراي واكرم كروفا فك مراكل جريك م ان راجاد درا او کرنا کی مطابر در مقاد کیے تھے جرقت کرم ما رہادت استان جهان بزايخوالي كولم آخي بوارموج عان ضخوص في مان منطوط المراكم والوكوك والكافواد رامراج مكه ما زم اس عدالت باه كام كراعلدوم ڔڎڿ

انير بني لي لي لي م كوملي ريد كو ديا بها دوسري نظام نه هر بحري كو ادر نبيك انتقال دورس كالرفارا واض متضاده كابوا علام اطيار ندمك وعومت عليه نهي وكميا تهوا عكم كلم ارتكاكما لكها ببركم اسبيرتكم محكيم علاوطن موتيم ترميا وراوويه فروشو للياسي وركانين ندكرلير تهين آخر ها ٩ نوسينت مربطتي موارث بي كي ويوبرس كيس الوالمقطعة على عادلتاه كايبال الوالمفوعليا دن اغير محدكتورهاك أيمسكوس بيجا بورتيم بمنب رصت راسيم ما دلت سيم ا داخروراً علوس فرا إيهركرراس ونجوسيون رعتيا ركي نهي سنسهرين أكرابا و زهدا دسيحت ريسكن مودا ورا برنستهر مجران عبوس كيا تهاا يرقص نباكزنام اسكانا هبوركها واخير موكه على إن من المروخ المرارت كالانبه كي الاتهاكية بن كم تفيدا مير ورشيره كرورمون في مسكر بنوشر ب دنون بن كول وي هم ليرر وررعيت ريست رسي مم ماه ما ماكل ربا د هېوالورت مان د مرسي آدي ربرتين صفاح المصورا فتياري معهداحس بمسيح فادا يجورا وورتحان وركان الاورشوراب اوراد دني درد بارورا ورخد كولي ورسوالي مسي وتفيد متعت الينا در وابره ملك ومبدح بالكهاب كمسلطار فل عارما اور صالت وزلت ادره عظم حرب للهاتها ودهي اجعية وع فاليم تجرببك كي فاديك أربياور بن مع يو بها در فامرته وه درويرنا دا ورصوفي مشرا در وسس طبيح اور عاشق فراج تهاميته محبسي سالي سا

لاری ملادالاین و خناه و ای را رکو نصاور حال شاری دی و گورها) ئىسىتىن ماھو عا داتا ھ مت نورسوا ومنفر مار جردن کوئن عادات وبن المحيل واشاه جومد موعادات وك اورودانتها دام اي شرك كشراع دمقاليا المجير وسم شرنفام ش الابئو كاتعاق رمهوارا الطافا كمارنج موي تي وره

And the state of t ادر ونت برنوت کو و نوکومار کرخوانی خدایا ن ایج نش مین علا آمار ورای زمانها کرمیام الطرح اع وغر مرد كا مير واقع مواله مي منفدين بن ك نظر نهيراً يسير كوم Contract of the second of the To see the second ادرخطه نها موصيفه عالم مطابئ تاریخ فرنسها توسیکی واسط بنها و اسام آیا و د ابنه زمن نوي بيدانه مورشغول طرفعية وعنرت مواادراده ي الكرام كه تعن سالم المعن بالمسك منوصه طرف الميكم أو او دسم الدان لاري كالمقلم بداو ريك الوروروغاية الاسطادات كاتها ورتنا هرحهم بسكوفرزند بولاتها ارائي بنحوت تفلا اور فرار ودي قا ريميني فراي كو آدمي ن رايضت منها راندي افران و ناكم الموكمة الرين كوم ورويا أور من مكدان المراد من مكدان الم ہمراہ کو آئے ملا مراز دہ ہن ماہ برید کیا صرب منا تبارب ہی کمبراا موجب ماریا ہی رویو الماد المال كى لەئىخلادردارلىر كى الماقىلەت نېوااب لگېڭا كەلگەت خەرىمىم، رسواتها فوراغر<u>ت ئىرىمى</u> بمغان غيره كاموادنا رراه ميت برتيبا موالية تنبن دراءال بن كرخال كرم كالريا أورا المرابع المرا کرند لکا روغان لارینی ایکن دی و یک در کها که بین کرجنار کا زمین بنده سدها داری در اود ا بان کیا در در می روز کی خرید رست از مودا ورسته سر میکی جاره کا را با ندیل بیده کو بو المبادن بالم موني أو المبادن بالمبادل المبادل قلوا صدابا سدر كامير وارباى صاصركي وسيتي بين كم اسميرا ولتاه فلويس با فارنوان المرابع المعان فليوالم المرابع ولات باره ماک مون نفته رور ولارکین سیکی مشت و بلوا دیشا درار فایا که به داشن المجارة المرابع المراب اولا كرار بااورفله رامجوراور مركاكر سترس تفرفين الا كفريح تهاسب مفتوح كالور No Milianie Colymbia منقول بي كمنظ الورطيسيات بن اورطوي موافق أبئر بنت بهرمار والتي كريسك لي كيانتي Service of the servic

مانا تها أي المحاولي

مرج فرا روائمي بين بهيسه كي فلا برموا نهاارا در لطنت كاكيا ورعبه رسيم مع ور فرستونی میسام اور معفر کی م مينه مناغة ومنصورة واخيح مومريكا بوابها وبمدرج بت فلو تعرف الم ىتى ئىچەنخالۇڭچەنچە مەلىقە بىن كەكىپتېرىكىيە بىرا بورىڭ داڭپتەما بىرا بچوڭۇ لفط فا في كوشانتي كأما م إيا عا د إنناه كبامسم غربيا رجوبها ده ميت مهم كاكرا وافحاكت تيار معوالتانوكركرا ورسمائيج بنواما بوسط ولنياه سخاذا ورطم ببن مهرا ورشجا اوركية اورا ثواع اقب مين موفق فناخلانيس خوكية انهاعاء وفاح رفا فيديق اعادات مربوسفطادات م^{حار} ما إه اسمد المربهم كاتهام جراك يوسف دنساه آ بهادورم فوالوت المروكات كوسى فالمنص في كافرايا THE DESTRUCTION OF THE PARTY OF

ع والت وركمار كمه و وفائترا قبال فأيرا مركة إسكام المارين Si عادلنا يخا دلوا بالورمرس ٠ د. د. برزرى وابهررت رشاو THE CLASS A September 1 Y CHIE

عا باكر قلوت براده كورتي ونيا اور مان اور مارس كي امرليا عرفيا ومان كو كم ملال كالرك الدوق في الله كالمرا المار المار المار كالمرا المار كالمرا الماري المرا ال 0 50 عارميني ار وروز هر تقيي الله عرشاه كاميال مرتفى فا الم مروق مركوري مراآه كارادكي دوي وي رى كرسے بنى كدرام ورالتدارت كان J. M

q 14/8 برونه

st .

برادي ميد بي ي^{يا} رساطان كه بغدموه موني كه وف من مرتضى نفاخ اسكه الرساكين مرادي موني الم نور که بهی ساجه الهانکات مده کی رکزی مسلم کی میتر جا کر کرمنگی مسطره اورر في حضب آبراً نغام البيكمياط ن رحمة عاده كرمت اور قلوبر بنطه اور كمهام ميمادر ير إراسمت المكروه طفات فواره ويره رسي تهاكي وكون كوط في سفاركما ورفوج اكت كرمنيه لكلي ورعادات هاو رومايت ورغيرته يمني المجائه لكهم كرمنه فأتشح اهبوي سي محبو مسيما خالجواح وتحبر مزارسواس ما داخاه ميذروانه كما اورحمدي فايسالي ركان كوبانخ مرار جير زارسوا بنتاره كرقطت منبهي عضمان منوا ورافلا حرفق ف غره كوكمو تنوسي هم وكريم وعفيز زمال يدابني رقع بني موري في المارارين ننگ يمسار ده سي كال مي وركم ورسي رسوارم متنه ويصفون قاوحه الي بهوي وخذة كالنا استرص بردياا وزييو بحريبا كالوارك يذمهى لوكون كوفان فالمانح المطرض فاليكت توسي فله ين درايا اورادو ومرالوات أوجوة بحاسركم ويوارقعه وكياب دم كم لكاكرنور واليرتسي اورمس م فن سبح الرصوت تستير ان رور وكور مروس وتن كروور بازانهواى كوه كفير مروس واوسكم زاروا وكتي تير أوبن زمانيراك حاري نهادس ورسينام كالبوماندلي ليكاعا بيلطار بهوروا والفيرسوكر جارے ف برارہ اور روا برسرا ور در ایک رواز کے وفت کے اسکن بری الور موجندرور سکے کمی دوف سے کان آكرملاح فحكه بن باي اوربام صلح كاكبادل اسرترن عاقد الكاركيا بعده كحير وليسركا وا متعبر كيصيد مرتصى كي كروه زميت بافية سركارنظام شاميركاتها مسترفعا كواني عبوه طبوركا انزورورا

William Control of Control والمنافخ النابي حرتاه كار

له من دارت دین ازار می اس عصر بین نیرار با غربیت مها ورقعبه فریمت بلاکت ر به نورشه ما و شامی آن به اکونیا مد مخود در منیا به : حرب نورشه ما میران شاه کی و در فیز مرسم و کات يا رئي اسمال ومين رئات الجب نشر بسواع يا ال اسمال ومين رئال وجب نشرين يكافرة وتبرم نفاعا مناء بمرفروج مدى محاركا جوارا ن تفام تما وال ر برا مرسام کی اتبار شرکت به موسی میران می می کوشا عام روتی سیرا و و و رنبرانی مرصان سی از ایران موی قررتی نیم و اوالی کی مو عام روتی سیرایا و و و رنبرانی مرصا (ع) که اور آسی از ای موی قررتین نیم و اوالی کی مو فغاتى درينيانى رحاف يركك برد مرسياي امرار ان تا يجي سعيل موسي لانت اسمعير نفام ت ه كي دوسال دساخ سريان ته اه كاميان ريان المخيرين رين ما ورود في كاموا ورمد طويس ت له بنرار مین قامدر مکدنده می فرکلی ص او کویتے اخراج کا موکند جیوائی طرف کی ای کا اریک وکن کے دریا واقع نیم کی طبعہ زیااعذا کرکئے نام اسکا کہ لاکہ ما اور صبح بر کو آئی میں توعباس مونا رفايكن آخركا ويك عيادن في أي سب تدبير اليين توت كا اورال والموال تراف فراف فيراعات موااور آدمي تنا ميرة تنظر في كما أرب بني الله في الرغه كانبوكر مركز اعدال سے بهركم اور رق مو درك موك عطان صرفراتن مايل الرف سوالفي أورب بهال خولي وتب الله المرابع ا

ە *رىيدىك* تۈ_چس واڭىڭ كەمنى كەموزا خاك ئې كرفتار بوالەل كىكىدىنى رىتما كۈنسە كىلە في ي الفان بكرا مفدا عضا عدا كريم كوج و إلد مين ما بما للوا ديئ كيتي مي

مرصة الاسطيجوعاسي لتي روقت اكم ليتي لتي الإدريب وربيع بمرقم مبت فحمايي ساموا تظام تناسيم من من الله في مارشا و والتي بين من المي وعطا كوراسية وضع كى سكواوين ترى مرثوره اسلى رسيفور بيراد شاميع عفركى خابراتا موارنا بوارانا منكواكر ملا رؤ فلقت في الركت كوحنون برحل كريك الم أكا دواكي اوصلابني رسي بواكراب كيا كواقة المرام برياهل كي كماكه مرينه كمها الفاعون تنظام شافي كمها كه وتجير كارده مول ورقدت Billing Colin بختے فید کر تھ کے نمیر کتیا ہوائی ماں وزار عزیزی کر فلے داسے بیکے مور بھر کے در آبال عاكر فمار خاط كوروزيك موكرنا برنظام ساقي والدراج وركا عاكر المراس ومنا في الفركبرين الراجي باونان فحالي وياكلي من منه كرروانه والورد اغل قلومه نحورسول ين يراس مقيد كيانها والتحال كيسك شنهاده مراب سي عن ي بوليوكي بركمان موكرارا وم يحيفنه كاكي اورجراروا الكرور كمال بناخر دياته بموايا اواول تنففت بيرأ بين كميل اوركم بنج ماين كاديا وحرم وسنج والم عربے منفیرس کولی فاور بالا تیومین لی*پت کر آگر لگا* دی اور آروی وارہ جو کیا شد کر کے عیار کیا سكى زندى براور الكركي ويل علان عنه مين كي نهيا بري مركوراهوال براي لطلط יינייניין פור אינייניין حميا كواظهمول ويجيش مبراده وبالت بجركتلاا ورطوف أباكيم عاكروم ليااورم كيسلطات مسينيرواري المي يمزل عا كربورصلا بني التي وكمال لطنت بوانا نها أكر على مع اورمران ورسموني سے مرزاجان ي ايم عفرت و اورا جرور احدار راوان مصيقه طبيسلطان كوسركات فالعفولدي ووأ بقين بكي نبيرا ويمي كماروس

أربيان فأيكواركرا دني اوراعلي ومطوركما فابروكرام فاليكريها لإنفاق كبومع نفاق لروات الي اور كلي كومسارتهم وتيرتب يده تفى اور مده بدفع التكريك بوكر سيدر تفى نهرم بوا وربيدا نبرام

لموقع ويراله عرفيه كياتنا كل يحيحوا زمان ملكت مبت إكم فعومه أتوار ماير به اوا طعی کار کواورام دن نظام فی زار مطام شام تا م من اربغ الرسطي فاتح فالرارباي كن الكراداني يتفوكه وازم حباويلي تاداكونيس ادريه كلها بركمان وبورم تضاط كبيطاره النام برقبر لعبة أورة برسوا نهاجر محدم تضافا متاه بور خراو تسبق مكم في أعدا إلى بدر كاسوا بها كومران بحرات فاروقي المرسانيورا ورفايس كداول في الفالط مؤسي يناه دي تني فرصت اكر ديه زاده كوبران عاد المائط فرزري وراع داللك في فور كريم موار واز ما كبار كاي جن والى داروس من عاسا نه آنند مرار آدمي ماك بي سريك المنظم مي اور الأركبا لإلفام تناه كداونها وسيركفا مناه رأته بين جرستر مليا ور المنش حبابي والمبا بالورجي ية و و و المركد كها ت المين و أو روس المين المين الله المراك فلور و ما حيدا و رفط م برا نبود تر ملاسی اور نام الک خواکر د ما اورعا ندگی بهی گف جار د ما او جنگ خان مهی بدو و در الميناركون الكرام الكرام م طور بر دیکری ت^{یا}ی اور سطان تلاقهٔ نوسر با نویس حواجها

A State of the Sta A CONTRACTOR OF THE PARTY OF TH Signific Transition انعطاقة فطيشام وكرففا مثاب وتقاكره الحادبيان فر ت فاش در کرمروند که او در مراس بنی و لا ور یکان کنات سر جایزمان کی جوفرر

مِي تَرْورُونَ مِنْ لِيَدِي مِي آمادُروهُ كا عَدْ صِلْ لِيهِ مِنْ فَا مِنْ مَا مَلِكُدُرا وَعِمَالَ لِلْأَدِيّ مِي تَرُورُونَ لِي مِي آمادُروهُ كا عَدْ صِلْ لِيهِ مِنْ فَا مِنْ مَا مُعْ كَدْرًا وَعِمَالَ لِلْأَدِيِّ كنفابدورا يوسواروك والاكركبورية ماروكاتك فله كوفيح كرد كامقرال مرا المهوم كالمه ولي فعل سكالين عوامل الوالاكرسيدة كرا عالى وكاره كراميعا وكرفتم وكمهو وفوس ورعول كازدك ولاقط جاكنيغ وشريب تواكر داغل مواسول ريد وزاور سلاح مون بمكر لا بها داور المحرك كالركي كني من مكر درك بما و واره ب قلید بساری سروع می آی کم روندود در رادوب اورنفال دا بسی رای ای از را مید ملا بسیرار ورقبات عبدا بوا با وجود آین مانا مرزها کس میوانیا که انجاجا ر در در دنده کی و است تخسیاً بی سن رره کئی سوفت رک که بی نیز در دی اور کورها زین نیمون بخ دا دور بوران ما مه که ساح رسی می برسی کدروس کوارانها کورت ور این ایما شورا و روغافلی این بدر و روش بای بدوی و کوری و شری استار مرکز ایما شورا و روغافلی این بدر و روش بای بدوی استار ولنال المرابا المحراب والمرابع بجب الري و واندها كرفيدة كان المراموما زانداور والبياسي وي المرابع المراب برايكا فأكمكن ينتاد بالوبطام تباه توفق أبرا دو اكتانا دوفا كراتهي كالابابعد عبن الملك ورفات كرو وول مراكرات عادت كم تعييم اللك على على على المالك توماراكباده رنورفان زند ومحمله موااراتياس فرعى وكركم فله رمكنده كاجوفر معار نبدر King Continue جرائ بالم فيفين مان اور آي م براي غرور موكوار الكلام كونط هارت القيرار الرباح المرات المرات ويمتي تبييا در مقام أيدا ورا لانت بن أي ي تبرية بني نفام تناه ولان جاكر عمام و كما . : مرفیل از در این از ا الماري ال

فأسمادرة للطنسكا كالروبس الوا ادتابي رسي أعماطال أدركوته

كم افتيّار كي بتي ففات اور على رفغا فت مصر دوت ه بنتاه والماكف الرحي أي ويوكم مانه عن که عقد بازا ورآخر می نوسینی بن فوی اند که موز تعرفی رفعام ناه مین مانه عین که عقد بازا ورآخر می نوسی بنات این فوی اند که موز تعرفی رفعام ناه مین على المورند قلعون في الورك وسالتيم بن يلي ملي ملي الما ي في فدي الوروه ما الموروة الم سترمن دوسر عبى مى يې جا كو عوب ار دسې قطب كسمبر در به کے جامد يي ايات مان كوابنى كسدار دواصر على عادلت م اوربه ي اطاب اراسم عادل ، كوصالة كاحمر مرضى نظامنا ومهين بورت الم عدادت كومراك ما تسعدا كيدرك اورفاء سنون بوركه ا مذاع كا منيوين عاند كي ليكي مقدر ميدانفراع رسوع ف دسروكي ينيو ربادت ه اور علي ريسو الأ بلے ستِعالام رائے راز دسا ان جانے کدار کھنے مورکا ریسکری کی ندمی تقام بلے ستِعالام رائے۔ راز دسا ان جانے کدار کھنے مورکا ریسکری کی ندمی تقام راه مرکور بری شرمزار سوار خدالیا و مری هعب کیا آنجا تحریب موجوم کا سوافضاً این مرکز رسی شرمزار سوار خدالیا و مری هعبت کیا آنجا تحریب موجوم کا سوافضاً ف جاسب غرر رسن وروب حنست می کار بازی طفلانه کا کررا فرای مناسر إنها قفارالهي ايك في وركي والبي راوركما راين ان الميلي مناسرة بها كريس اور اتى فيرا مراه كوال روي فيها كم سونا من بونها كرا ورديا اورفيلها ل الم سكولكرزد كروسني كركه داروغها تركاته كاروبني كنا جناع تعجال المكالنا مناه نظام تاه جت سامكا كات نيره رجو اكرائي في برازك واوربعداس فتي عظم احد

كراكم والمجال ملاحم ولج الكارت م إناه يُغَيِّرِهِنَ نَطَامُ مِنَا مُعِمَّمَ مِنِي مُصْوِيهِ الْخُا دِرِسَةُ زُلِّا أَحْرَالِهِ. To programme to the state of th ما من أن إس ما يوركو بطايكة اوث وجد درندم الا والتكافوارجها كدوفه كل جالد يكويرة وحدكم وتي المراج الرام يكوكم منا يدوالمان ى تناه كِيْفِطِ لِحْبِاً رِي بِي المِيْلِ سُوحِ مِواا ورَبِينِ يتركو اوسن كي ورما ريكم مواط الوراد بالرين اورنفاج أه وفو زكوركم في الركز إلى الان الزااه وكركور للانتهار وكالله والمراد ادر سفار فا لوم و و السراس الر المحاسمة في الومانة الموجل بن من من من

المي معداد دواج بن قا دور موضع مازي كه دطن كا ما درا مدار ملن كا تما ما دالله تعرفين ولدهدا بده ما صبى تماسي كركم عازم تسوالمحيور كاسوعا والأكل مفاو كوكوران ويت وماروقي و ماكم و بالخات كي الماد د و ماكورو ما موروف كل بوسطال الم انعاق برركيم مغابل موسيد فبالمصطبح واللاكاد محذن ومنهرم مور فراد اختيارك ك اس حكين من من يخبر فن در رضم او رخام اورتام الرخامي اي را و فيضر كما كمر ما رمودار دره و فرسر مین من قلعه فند ای کار سرای و رسطا مبادر کرده ماط ت عابا که ده به مندور منع و معالی مرکز کی برا نبور دهای سی کوکید ت بي ما من كور المراب إما أما و كان از بين دخوا م ركسا بها جا كاستناف كي وارى ديكن ما يدها ما كوها ن بازي كي ما سواريون بمت ور سوا ور توریف ادر بزدورا ف کے مصفی کم بارت ا مذور ای مان ف والادنام تا مرفيك ناه في كل ولغداع لتعري المعارى بيراني و مرا وان ده اران کا بین آم موصوی نیدا فاسلمان طرانی اسمور تمره ال واسم

ناه بريء ل من من من جال مرك فاريا بيعسفون اوراداده الميح ومالكاكما مصفر شكك فاد فدرارنده ادران بقدون والمراد والمراد المراد المراد المراد والمراد والمراد والمراد المراد المر الفاع المام مكم ما مدّام فرائم أيكم والمراز وتوتر من الوسيم فالزاه ووال مجديا بارلومد أوكوك زندج جوج بي دروي

ما من من من من من من من من من المرائع من المرائع من المرائع من المرائع المرائ مرد المروت وه المرائي المرائي وربورت وربد المام في مربود عقال المربود المام المربي المربود المربي المربود الم رکه برنا جارم کردخت عام فرایس اور و اسیط امبار جرسم در می این اور خوابا این اور خوابا این اور این این اور این اور این اور این الوراس بالمارس و مدرس موسی به این این از این به این به این از این بهردو مینی کوه و در در موانا اسمان مهاری خوشی می انعیت ایکوسی مان از این از این از این از این از این از ای

نخادي وزون لارم كميني لاهلة تحريجم والدكما وأسمت تهت خطا اورالعاً. الترفيط حري بالما ورصر الفائس واحرجها إلى ذال كي طوندار ملك كاس الور واحرم كاما فأبهفا وكرخط فكنابي اوزنعك وكبارزاز والورخي تأوت ولطاد ایک بیرط ساطهٔ هم در در ده بی جری رفه به به خبرین رایک دیم اهر به خط رراحد نظام الملكحري Sie Constitution of the Co

ر من المراد الم فق ان بي بين ادا در الد فتح مركور كر ملط نه ميند كوكما الضيف اورا والسي الفيدي ويروس المرافع المرفع المرافع المرفع المرافع المرفع المرافع المرفع المرافع المرفع المرافع المراف خطبه توسوقه و دیا اسکار شهر می ایران اور در این که اکراب بو این مام مورکسهی جراب از ایران اسک دیا اسکار به به ا که که به نظر و با اسکار شهر اور و در اسط امتیار چرها که اور بی ران اس که زیا جرمزها می ایران از در در ایران اس که در ایران اسک در ایران ا Sul, was read by the se الاوراس با نیربن و کدایک برگیری به دیگر که و نان و با دس به روسر به این برین و کدایک برین به در این و با دس به نیرب و کدایک برین به دیگر که و نان و با در مرکه بالانها و علی این به در این به در این به در به در اور این به در ای

بال آمريقان كوي ابا م طفان نفط بر *رئیس کونید کریکر انگرس کجری کشا زا است* رئي أن و المرابي والمن برمض الريا ورنفاوا لخاري ورون بالمركبة لفظ بحريم وادكما وأسرسة تهشة فطآاوراك المرفة رابعات واحرمها را وال كى طودار ملك يط سوارز خواجه ما كافساما م و كرخطة فك بي او زهر المسكر في مرواز مواا ورجع نا وت موا T. Control of the State of the

الميكي بمثرة وندرين فرائح فانهاا مرسط المجال المنظمة المناسقة المناس ON SILE SELVE JOSEPH) · 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.00 10.0

رباد دِمِنَا کا امر دِمِنَا بِمِنَا بِهِ الْحِصَادِ وَاسِی بِی اُدِهِ لَا لَوَ لَوَ لَوَ مِرْمِدِنِی دِماکرمعہ اوروم و آبر دِمِرکِی اِمالی کے ذروق بِرِخ اکرکِ مِا اُبَادَ در دِمْرِ منوشته بُقد بنف المهركي دندي كالحرك من

ارز ما دل بواق مراج محذ و مدجهان كاتبا حتى كم و معيفه كان بها كرانيا بها مي ليني الميت عند و مدجهان كاتبا حتى كم و معيفه كان بها كرانيا بها مي ليني الميت المي بريات من ما بريانيا بريانيا بريانيا وراكما أميا بعض في بهروس المي بين بالمي المي بريانيا وراكما أميا بعض في بريانيا ورمعفه كا حقادية محكمة بالمراس مركموا و فالمح المي بالمي من المي بريانيا ورمعفه كا حقادية محكمة بالمي بهمد كريانيا ورمعفه كا حقادية محكمة بالمراس مركموا و فالمحلمة المين ا من برابر مل مراب الاستان المراب الإدار الما المباعدة المراب المباعدة والمرابط الما المراب المرابط الم مان و كا عاصل ولته المرسفريات بري ملط أو دربا الرا الأوطا المرسفري و وفيرا المرا المرا الأوطا المرسفري المرسفري و وسرا المرا المرا المرا المرا المرا المرا المرا المرا المرسفري المرسف رمر ب واحرره مورد روسه المراد و مورد المورد و المورد و المورد و المراد و المراد و المردد و المرد و المردد و ال المن المعلى المرابر في الما عنه أبير المعادر و بي ما الما بدر بي الما المور المرابر المرابي المورد المرابية ال ماک فقطی مین میدیگر اسرالط میکی کی اول عدید کی بیاد روسید صفیصه و به ره سر می از مسناسی بین قدم اقلیم عدم بین رکها وقت زعین جوف موشر آمانها کت زماند فلاس از ا مناسي مين قدم اقليم عدم مين ركها وقت زعين جوف موسّراه ما سامه - سي الله والمرار المرار الله والمرار الله والمرار الله والمرار الله والمرار الله والمرار المرار المرار المرار الله والمرار الله والمرار المرار المرار الله والمرار المرار الله والمرار المرار ا

م*ین دا فام ملک* فأعده اورآدرك ايان يا عي*ن شرف*اف بين كرز الاستاء كامراور وتبيهواكدنفام غا Ko تغربأ دول لطار محمرتانهم مطولا دمقرا اعفركه دوال موافع وفت كي أارزوال لي برجوي كو فك التجا رمحود كاون للخاط ادرغ في فوازكر مالغ رالا مراكداً دمي خدا د در بخزر II Vicional F. الوين المالية All Sylue out المريدة in State of the st Cycle William . 1000

ر عنه سیکے برنین نها کو کرفید کی اور دسیطیج سف ایا میطوش کھی ہے۔ کر زمان مطال کا کئی اولا تیج حفرت علالاند*ی نجار که قدیش رکی نهاطیبیا رز* که کا بهاهایدانی محرع<mark>فه ک</mark>اور درمیان ^و نوکیزیک مرى وفت كارزاست في ندسكمذر فان كوستونيز بالبيت فانه زمن اوهها كرزين يرحمارا بهرا. آمور و الله الراور الول الشيك كهدار التي الله المالي السيكارند ه تعاكرها رموزا دم تيا معيور يا اس فيج كيرماران مرور سيحوفله ويوركنده كاموارا كواسانين بوسفيا م كركيل علام ملل علا والأ كاستنها وهضني ركو فربس فلام كرسكه آما وه مورد شركا سواليس مول فاو وسرع فسيرع اوراو دسرمنوح موامعه كني جراسي صنحان كوفيا رموكآ باستحرابي نبركرولوا وباكرسني بعافر والااو رفيوكوطي طريح فيرك الاوردواس وادكمة فام تسترا يركوراني ب الحرم والولوا والمح عطاركال مروم أزارتنا قهام كي للوائير فيركان فداوتنا تنا كها به كوت السكاالوره عى بالمرتب ينبروا ماه رتابعض كبير مركم ومهار مولاتها عبرين عين المرا بعيدكا برمتوري كويراكي فيستراني سوانها كالأثري فلنسط الكري فرت وه الكارك ي يغوروسرا كي نن برجيم منه دن اطار الطام ما تمهي كا بيال نظام تا جهابي مايين و كوم في البن نظر رسانا الله رسالي مر المساحة مان آئی من ورد جها کسط قدینی سرا مرین مورث مواجه عبان کر وكول ونياج وركاني رورته على في وراجي طرح بيه كوانفوام ديتي تبيكام لعلآ

(9. و مرزول کی ایم 1/2 616 40 نيز Ţ Con Carlo Ca Children Children سركروسي كوارز دى مهرستو كربيد عي كرب كتيبي كم مكول موك قلوين مجموس الورايي Sir Car مين مواعيدن كرور الرماكاران هواما دمياه وسط وعاي الارويات بهري مواليان THE GOLD STATE OF THE PARTY OF مسيه العرب الطائح التقده و في فراديا يا أور البراؤ وعلاوالدين كي ننا دي **نعيرُ فا**ل عاكم يسيم ومرسطة Constitution of the state of th مي كا ورونها وي فرزند و ركوم يكرنس في الله والعالم اورانا و الدين و وركم estimate of the second الكووليت كالورطالك مجرور كونتر والالتعابين وكوريسون المهدى يتمان تذار سلطنة الحاره ربوع مني لمطال علاوالدين بمي كامال بر المال صور مهمني حلو الرا استراد وهجروان كرست متوماندا در الله ويتم ها كالميك الكومير سنفير مكرمسرونعال عجراما اسنه كيرب مفتران كرسم بغي موكات كتبي معان وأيوب منوجهموا اورت براه وبديسه سي زر وكوكت كتباك فراري وابد اييك بفوان عاكم البركير مطالحا وي كا المراد والموادون الموسو سلطال عم الدف فررام مركيك و وفي وبالراجر بعوة اوربو يقي داني بن فيطر لتي كي موارز الوالوال الحارات المراج كى زور كا والمرابي الماطيع جما كمركه و المحالة المرابي المرابي المرابي المرابي المرابي المرابي المرابي المراد ال عاكن م المرام والرائع العطول الله المي كريم أما وي مي رمواار اكبر وولت في عاريم Wildelings بدا ورورا عام ایما کرا موس نسیوماکت از بیمنی کرای داراند و الب از بیشتی رايان منه مرسكارا دنسقام كاك القديمت عدال قال روا مروات المسالة رامة و آمنی سرکرسطان موموف وال بی ت با دار اسفانوا کردید فرسیسروف سکه سیسی

والمج مركب والمع أن في وري وحط الناا وروزو ك ساري يرورون إلى كؤادرا ورواكو وهكام كورت وروكي بيري بري في المين والموادر والموا رونمي كالمسينونايا والزانبي بن تربي ويكييد بن أباء ك فل وروس بو الماستى وتوق ويكابن بدركورا جون بي ايك المدين كذام اسكام يتي أي اور منطان بعد عنوس كم عن أن ولد قرورت ، كوكمه وارت كا بيركو مقررفرا باادر جاريوس كمدرسطي

دراوسياره كام الدكاكها راتمو ويرس برعلات يختوا فصروال فانجوت الخوال في الما المورا الما المورا الما المورا الما المورا مبت مرزون المارزانورع تا نهام لاکے آدمی سامی البی المارور مافظ میرندین تا آبار الغیرع تا نهام لاکے آدمی سامی الم رئى تبااتعارىغىدىن ئوب جمانا دوخودى عربابىلى عربابىلى عرضى كلفر كانها بعضرونيك فروزيكيا النرعوم صوماً تعياورا صواحكمت طبعي ونظري بين مهاربه تهاي علاما مونيه The Control of the Co المعنود رنها مرفعة مين ون من ورستها رخبيت كردور كوميزر بدا ورف مراد المرفت ميم والمواجد المعامداور تحررا قلية للموسطول أي مي تريكا وريكا قرما أوركما تومدت والممين في مسكا المعامدا ورتحررا قلية للموسطول أي مي تريكا وركا وركما قرمدت ورائم في المريكا وركما قرمدت ورائم في المريكا وركما المان والمراب مين كالمنور الميان المان المان المان المراب 60 . منفعالددا ورولانا للغالبيسنرواري تنفل وربدا كأفراوال وركمار شعراطاعت كي وكم ميرفضال درا ورولانا للغالبيسنرواري تنفل وربدا كأفراوال وركمار شعراطا عنالي وكم المابون بار نامخار الرمفاريرك كيا مة غران فيصر في الميساء ووريدت كيونها المورد الماريد كيا مة غران فيصر في الميساء ووريدت كيونها الميون الماريد الماريد الماريد الماريد الماريد الماريد الماريد الماريد ا بمجيم والعرباري ري اورا وركوان وروا كي فيرزت مودي ورفيلورتام اوريم الناست وآي م يودا تاريخ ا ت فرزند مغروا و لكمااور و تصنب المعرف ما يم ساؤر مع المرباؤر مع المرباؤر مع المرباؤر مع المرباؤر مع المرباؤر مع اميروانه ورضي كالمسال بالكروسين عالمهام وشرار الميريد ورا معدس كالعلاق وتتمورين ولي تنسي كالبربورة وصال بين فرواج مردد ماركه بي مريد الميام كين اللي المقان بيض تين رام لعي كزرا بيض فابل ين كداه رستهای در المای از استان کار اروره همار محد کار بینور تکریب کی طردی بی رد و المرادي المري المر

د مجر برادار برصور المراكب و المراكب المراكبة و المراكبة والمراكبة و فأدباع فركى فتؤيرا فرأ المحدة بالمرازان والمرازان اوركوئ ونيتها بخابرا درده فرمل عمل بخاريج

الدين غوري بهي كوركس عظم خانوا و ترميميه كا تها وخيا كرد كاراسكا به في عال موكيت ايركم من بن من مغور کم این ایاز اکورا سیان منابع ما مغور کارونی عَماتُ الدين من كل مال إسلان فالدين ومن كالبدار عربن مداد اجهانیا فی مروش کے خاص کم بار سیست کو کو عاری کم باختیان معلالات ر برین میں اور عام و بی مربط النبساطان اسکام کو عالمیاً اب کی این ایس اور عام کو بی مربط النبساطان اسکام کو عالمیاً ئے کوڑا نمانفا چین نے سہ اختیا کا ہم ہنما کرا دنیا ہ کی دعو کی بدائے امید کو نیا دھ يركر الميداد الوازم مها راريج نجاة كومن محار مونيظ خابين حضور كي راني عرفيين مريضة ناه برعبهما تفلي ورطرس المام المراجع م ويدرا دراس الرمار ما معانك دي وي ورفات م ومون و ما فركت فرور اورمرك كوانفيا رواعوال مناصم مرمهموروا بملطف فالله ين كح و المارين الاين، علائم الدين كي: المراد المراد المراد المراد المراد

Think Total Light of the The state of the s المرافز الفرايق تتي يسواد منوي اوراً كمنظ للكر خدتير رواني إفتار فل مسؤوم لك عَلَى بِهِ اللَّهِ مِنْ يَهِ بَهِ خِدْلِكِ وَاللَّهِ المُعْدِونَ إِلَا لَهِاء كُمْ حَيْدُ وَاللَّهِ ث بیک جارقیمتی بهرتا تها درطرنشاه هوالهاس تخطفانه اختیار کریا بیکی عصار زای برتمانا وكهني وسرفيارها ذفا مشكوات والوركوبمج أكروال إسطا غدمكوابار بنجاكيا اورابعي محيلينون بقالون بالوريخيروارين فرقية فرنس نير مجرة بي سمطال فرت بوالودود وليطا ورعبركم يدرق الرور قصبونيل معلم تقرر كيني أاط مَرْضُ فِي لِمُنْ كَامَاكُ إِلَيْكُ عَمِينًا كُونِ مِنْ أُولِيَّ انطاعوال وبسارهم فواتا تهاكر إكف 688 ما مكونا ل يكري إلوار פימו לעל ופים بادلاین للورهان او ابا دیسے که هاکم.

الدين غوري المامي برنام كاكروه منصو كالت كاركمها زيا دورمد عاقل ورجها فدمة اعته زوال دورت میر انجی بواسوموانداری کارب امل داود و کارین ا انوسيج يراس خاف كالمساكسة خادارت مكزام كالرموكران وسيحان بث استقى كوم ورود شامهم في محملا ورتحت فرود رسمها كرمو ر وجرر ورا غام خام المعامل مشاه كي كرغم بيرا دركيد من الكالم بني والمرام في مام زنوي ور منوساركا وكاكمه بالمرحذكر واود وطوسيك الترايت كالمالكويسية كبهووان ابنامك اكذام المصوال كرمغرب لعامي رتباه كانها تخريج لورزغيب استنكري مبطم والكروث محرم نشعميا سى يۇمامىيىسىيەن ئارماز كەربىك سىرىن ئىبىلىقىلىراتىغام كىكىنچۇرسى كەم فرىكانچى كەدىدە د سى تنبغ اموا عليت سيكيك فإردن سلطال محمه ونسامهم كأمال علان عت ي سي جنوا في اسلطا وعلواديرك بورده ومنعول من فياسك روم رورانا كولهم مجاليا ر فرار کیا اور ماناعوری کو بواکر کر مطوی کال کار ما اور تا را ای کار ما مترت ناموهم کی کوین کام کرانا مركم بربات بب كومبار آم كي بوسلطت مرس كي فقرية أياا ورسندعالي محدوكما مداي ومتعفل ف ديوتها مفيكا اورمو دفان ورماركمان تنبولدار فيمم ودار ركبوا با واضيرموكم وألن ويرساتهاا وبطربت جهالكتها فأاور طبيح الجيموز دن بتي طرم تداد ايسي فردا زماريان عربي فصيرون نهاجب ننوح سوني متي خش متوا نها دورجب كروه بتما نهام كما ما تناكف و تركيا لى لى المار ورى عوت كبوز دكم بنواا ورمنسه على ماريكا لور اورمايت الى

ك: الدورة ادّع فام 6

الدين غوري فأحى برفارة كروه من وكالت كاركمن تها دورمد ما قل ورجها فده الميكماكم بعت زوال دورت مين المحيد بواسوموانها مين كاب الى واود و في من بي الم يروافي سيرير اسرخ به محاريد خودو و ميزام كار موكرانعاق بعام اور ميطاور يروافي موير اسرخ ب كارساً بنه خودو و متقال موافي فالمن كالما ورتحت فيذرش لاكرم وموسكم أيص فاستعلم والفيموكم ر در درا غام واسلاما منا منا می رخم سرا در کیمن منظم این و دار امریخمان دوگان منوساركا دكاكمها ما موند كرواد و وطوف كالترطاب كالمالكي الكالما الم جوال كم مفري الماضي بناه كانها كو الورز في السريكه كي مجمعة والكور و في المسيلة ب من الماري المراد المرد المراد المر تهدامور مكيب بالكافي جاردن باطال محمودتها ومنى مال طان موق بنهي سي جينوا في اسلطال على والدين بعدواد و التعمل من المعاروح روراً عالى المراجع المالية المراجع الم لومرواد کا اور ماناغیرے کو مواکر کر واقعہ نے کا است کا ریا اور ایا کا کہ بیر شورت ایسے کی کویٹی ا کومرواد کا اور مانائیورے کو مواکر کر واقعہ نے کا است کا ریا اور ایا کا کہ بیر شورت ایسے کی کویٹی ا مرك مرات بن الومبارات كي موسلط معرب كي فقورة أباد ورسندعالي محدوكا بدات و معطر ف دكاتما مفيدكما ورمو دفان ورمار فان نبولدار فالمودار ركوا ما دا في موكر سلطان في وران فرس سانداد وطربت جها کتابا اورطبی ای موردن تبی عرم شداد این فرار نداراد و ان فرس سانداد و طربت جها کتابا اورطبی این موردان تبی عرم شداد این می این این از در این این می مورد این این م ء ي فصير ولا بهاجب فنوم موني لهي عش موا نها ورجب كروة عجما نها مم كما ما تماليف سوا ي الم يعار دوري عور عور در منوا ورمنسه على عالت الوراورات اللي

الخرمجا مذرز فامكر

كالمنسل انها اورك فروى جميع ولاياسية مح صوف الله على على فأري كركي خطابي وبب م موموكوه باكرا ليمط كوالعَابِره رین اور در دا کیے یہ ما اتنا کرنے منار ٹانی فیانی بہر مہنے تنے اور فرار کہا جمہ یا محامرتا وممنى ال ساعات ميكري الروز خرتشا تهاا درا لای ارفیسروکا بیم ارکتها نها درجاد میا ادرجاد بدی کی کافط نتها برین المناه المائن الحاتنا اور اليقير كم عمد تطب وعب س والي بجا كربيدو اسطيفالم بن في الكير الميكي طرف بينيالي و و نبر كار كرمواكه سنيه رجال و بين كاموارت الموجنة كي أي النار ويطار والط فرية كونداس المعين اسكاجاك عما اوردن وفوجوج اورفل فالمكركم فرسط عيمان ميمان كابع لي بر منا و كيام الما ورجين جواصام ن طلاورجوار نفنيت ما برط المانها

Wide of the silve محا (ح كبلا ف معردف كارا ئا *اختيادي ت*با

للركم وترتحت فرنا برسي يه صورك ورحم فرالي كدسكما و بدارتك ماديل وجميع مرد فت بمرعام رسے کیتے ہی کہ و جوئن جانبانی سے مبساجا ہا د اتی ورسی سے اور اور اور مور بیند قصی مور در سال شا اسم کا لو دخطست کیکرب کرکیا ناراا در نحونت کو لازمه الت من کی بی بیا کروالیات کی مونني سكيا را برنوب أنبون برنيين بحواسي ورفي را زايه نوب بهنجي بحرابلة در کاه دبول مبی دروازه رمحتی میمول طار محسیقی کا نماکولهر دن طرف تعطم كمير باليطي تخذي كدو نغره كابنا بواتها سبت كرنا بعد مهيد بينهير كركمال شوكت وروكة ي بارعام ديناا وفياظير كي ادان كير خارت زما أبعدا كيسا ايكم لكه جها منه كروالد كى تنى حالط د و كم معطمه كم مسفر كاكيا صدرتريف اورد ويركو مردم معتركو نغرا ورفعها في كم وكل فافر فردة تهاس كالب والم الميك كركيم اهاس عففه مالي كروايي عبرالوم الربر الدون أمر المالية الإلاد المرابع المراب ناراه فدامير جرفسك وفره آخرت كاجمع كرسيجيث عينفرج وزيارت منداد سوالج ٠ مرين الحاري ما بان عالم ترين المرين المري ت روز کار سے بی آسی لين عوج كهيمراه أسيكے سوار سني موت رہے وفٹ مراجو بيم*كير بيكه ر* ا تنین ورزونه ا دربهج پرسیک نبیم کا بهرا ور خلعت خاصهٔ ور فرمان ما بی شامبی درکن کی سرفراز کیااور المعالمة المراجع المرا البارت خطيه اورسكم كي طوي فينف عليف عاسكي كما آيند ما طال عرارسية كو

اخانخاه نعان م ممات النائي المناكر ئەلىكى دىن كىس دىن مىنىسا ئەبس مىن الىقا، لىل بمخرخ حطب قبال ماريخ المريد مان معداد المختذميد وعفام كالماكن فيرتب المرادام ب كياا در منورا على ريته كوينين منيجا بنا كداد ني ترة يالور بييفي كيية ابن كرسلطان زا دي بهرام كوركي الن المين بل سفذوار كاسين وغونا يعوم رشاه بهمني كابيان ر سلطان علادالدين شمن كالخوى تيمني البيكي بهولول يكدون ميح بيكه وقت بما فق د اسلطان بزوستال مكر فانحه بيصرفارت كم فاره بوكم كم يعدل السركر كانتير البكر دارالحافظ Chi

چىدىن رمواتا ئى كوشى سى الانالىس يوسى كى مبوزدا مانتاه كورىغىي كالمجيد چىدىن رمواتا ئى كوشى ساستان ت ورنعن تا و المنها الم بي المرركها درسيم الناس والعالم الله ق مندكياد و خطه كوركم على يركم الم الله الماري علاوالدين عن خطاف تبراياده و مندكياد و خطه كوركم على يركم الم الله الماري علاوالدين عن خطاف تبراياده م المركم كا ما أي اسكاراً كليدين المركب الور المورا المورا المع التحرير الما أورا كود المطلقة للمراكب كوافعيا ركا ا اول آگر کلیرکه دین اصلی آنها ورونی بین خواج که نیمهای سند کویمنیا اور مبدهاوی سرامندا م ای ایران کے رائج و تعربی نیا اور ایک اور ایران کا اور خطاع تندیس اور ایکا اور خطاع تندیس و تا ایکا اور خطاع تندیس و تا ایکا اور خطاع تندیس و تا ایکا ایران کا کا ایران کا ایران کا ایران کا ایر عيرانا مفان في وظفر عبد بن كليكر كوشور بإس والدين من بعياكه عاص عبدي عنسر ادردارة ماكاب عض والديوا على وموليك درست ول وروامل عددالم ب ن ن المامند المرامند المرامية الول وراجيوت عمر عرف المناطقة عمد المناطقة المناسكة عرافة المناسكة الم ادرفندا ربی مطف اورماب بے کے مطبعہ ورمنقا دم وکئے اور کولاس کی بیا تبار مار مسر الما و كيا و رفاسه كا جوندر مي الها نيئي مربي الموري الورفر ما مي بين او كيا و رفاسه كا جوندر مي الها نيئي مربي الموري المان ورفي اورفرب ب نبر ار ریفی کا کموی میں کدوہ نر دیائے مہراد کا میونلی کے قرار ب نبر ار ریفیے کا کموی میں کدوہ نر دیائے مہراد کا میونلی کے قرار رئیانہارال رہے کی کیے وار ددکن ہوتہا علاوالدین کے ساکھ مالک محروسہ محت د رئیانہارال رہے کی کیے وار ددکن ہوتہا علاوالدین کے ساتھ صوص ما نو كي برنسير كيتي تنيج زران الأي ال والمام برامل دو اسكه موتي نهي والم براتهدي دورين سلاطين الام يحج فبول روزي ركام كو ما بس ايكي وي

فطي وادورا ده كاعلادالير جلي وكد مبرايا ادرا و فيري الها. بجابر بدرجه رابالنام جيعورون بن سيك على بنداري مأيين ل بين الشديعاي والفرورية

بمريبن ورس فريف بكاشكا براورآ غاز بدلاني موشا وبادشاه كايبانا لك ساز يغري ابم منه زره دن ورعبه علا الدين محدارت توراتب تغربات الميك برالي صالته الملايت طلاي مر ارن کی اینجانام کم اس کا سکے کر حیدانوطفر اے الدین محمد میا در و کا برخد کے اطراف کا کمو مرمه جا عابين وكزرون باور المسابق بسكنام معبدا مرمغي قبال مرا يك فرماز وايك Tigor Son اولادرام سے استمر کورکان کی ستراآ دمی مین سی منیس کراست سو آبدرا Chief Control of the كراني نتياه اوربيرون سيركه وهايك ميمو فرنه تهديلانت جدر كأف كي نا فرد يجتن ن المنتير السي بدر وكومنها كئه و النهن الم بن في رسيد ورميا دي را ندا نا مرالدین غزنوی سے مفت کواہال سلام کی قلیم ذاہن نقر سا اللہ ساکتیا کی برس فری به عزال مرزاله المرابي موسية اوربيهي عانا عائية كدرار آنهه والبيك نوسال قريك آنه واكتب التمسي المرابع فعورتم لبالم المرابع المرابع أبرار ورسترعت بين متير و قيفي مدر ه المسئر موسله بين نفط الن عرفي المراثية وتوجير بمرى عربين دوسرا دفتريا وتبايال وتركز في ورويا مكيط وراوروسية كما كان ورزوج المحفظ يرفي فالمحرف كالماية موت ورسي كالموكن م مدر و المرابع المرا بيّا ندبن عام بن صررتنج عليه الم ملكت مي كوالم كريكيني نام يضافر دكيا بولغ مخريعموا درستهو سانهاا ستام وجبيع الأق والبيات اور ر مٹر کر طاکر کے ایک اُن غینون قوم کیے اُ دمی نساسے مرایک کی مڑھو ڈین بيل طفات جدا كا نه وسعت للا مرفر تصويس راجو كن واوريج

و كورنهاديد والك عالمفوا راه عن برواي اداند والير كى روستيرىينې نىدۈردى ئا دىندوستان كا كاكىكىدۈردى ئا دانكارلوكې مسيمركا والمدار أكريكي مبادله مين غدع الغطرادرع الفني وراد وودا ورساكم بالأنورالا ضواهيه يملح وبواكر كميتية كافراءا ورمز وطرف ويبر ار و و الترب البحر من معان شرعه التراث عبر بدجهان سيحبر دوقيع وكألبين ولدمون تومن وبهادرادنتا كيحة وتستوث

The Mark the Control of the Control Gilles Silves of the The Cold Contract of the Contr Chillips de la constitución de l وب غود القاسطي كارهانه دُوهِ وسي به يوات كا زيد أن كوكم جال جاتن ما يسيخ عرصه ي The Contraction of the Contracti عهد ما دسم مد مين شاه مالم باوش مكر رشن شرا كيفيا كيدادة ارتيم سال فطرت كينت بناكي طاهم ب و فتین محداکبرتیا ه یکه نبطه این ولیودری عمیار سیمیا و رتبدارتحال مربروالا فدرسیالمها کوین Cincia Contraction of the Contra اربخه ما دى الله كى دورهم وترصيل باره سخرين برئيت سلطت رعبو فرا ليحاء دما ياد م علوس منت از ما معالا و الموارم المنه ما درا ما ما ما ما الله موال ميكو دمية ركزت بن اير المحالي * LOS SESTEMBLES عارة بارار وغربي ورود لاكميكم مي صول وربسي كليتي بين عهدان في بحر مول والكرا يدُكا بن رحضه كاي كه نها ورنفنه مرا دائما و بال رت مه بندمان محفول را برخريم ي مستسر تحديثة اكدوىد زاي چركوغازيد اكتركت بهنيائي خرجب كورز وغ الارداس رجيك ورقه مركور سيفارع وارد ديلي سوي اراده دات كاكيااوركرسيطاني أي اسلم كو ما بندي اوركيال والدوم بها مواد اومانو زمن من تهارك متعدد كورندي ماركا كذر الدرنطوية عي غيره عيثما و ملافت عنارس بالمراز ورا براز بالمراز بالمحرى الرانع كيموقوني لاحكم وكودد دومفيه كيرش بيحات آما سيراكرا الم كوسكية اورسخت برويا فيم كرمر كملكر عيشير اوررا بالوجو بوكرم وحبيت والعيام كاباكم أيت بيي سيكارين ليكود لايت كوكي بعدر وان ٢٠٠٤ مِنْ الْمِنْ الْم المُنْ الْمِنْ بويد ماردما بها درو وفي عرائلهار وسينيك بجريبين نهادة فرا ومدار من ولي عدوال اف بغاً بيد خور نعارق سي الكيميت رورزدن آزر ، فعاط سي مبغيث عا با كرمت مهرد^{م وه} نوب بان بالمراد، وأبري بربدان بأبا بخت مهين يو رسطت كوا وطبيا القدر مأوري ممتأر فراوين لا دكورزجوا فر لهوسي كما بها درم بان المربة والمنان المربة والنابي ين فالمندر المنابع ال بالفعاسكه ديته كورزي كاقبضه اختيار وبرسغ ركتي بين المحي آيئے الوالقد في البياتي وارد الط بي وَلِمَ الْبِيمِ فِي الْمِنْ الما بخرال الما بخوران

عاد وندري ילילינות موسي فيصرم للإبادت وطاحط

آكى دار بيمبشه فيها كرفي بن بنين كم مطلقاً كوي بينها بي نيست حرابيسي كم قوال جو ير في ورت الح بهاري زر كاف ليد و وعلى مايد و ري ريال فره اكر لا وحليا و ري بهي و ويتر في معلى والكاكرسندما برق على كالآلة ما فا وليكروه معدورتها ا منت اده وراسيم كوكه والحسرين ورغزر بدردالا فدرتها وراكز زوكري انهيت وركين أفرون المراق مسك طرف عمر ويحل الرب كها كواكونت يقيما ري ارتباه كرسي ووها بها منوا دينالورا كرديك كرمقديتا باوتا أويني عكروا حكام تمهارا سوعا يحرم كمروه والسكا عميهج والشمك معجهان أيح بريئه حتى الكوت بن ولك فاعدا يزيان والعربية واسطفهات يحقريج إجهاكي مضايقهم بالمفلط يتهار لينيركم مشتكي اورطاق بهي كرنيك تسهراوي في وبالن يكون رخصا بها دركو درما رسمي رورطلب واضح يوكر حرقت لاردها بها درا بمجر أكياادر ندربادت وكودي فرراسيم نداني كالتهري كرملاكي رميل وحيانها درمو مطرف كسي سيك نوي اورته منه ما خلان مهاد اركوت روكي عمر و سيكهار والله موا دار لا كرنست تخدي المركم لاردع بها در رئيس كر دو نوماز د كر كورية كالريش كوران وشاه مخت بيكو ي تحت بران ريو اورر ما وكا مروق وسفرري نتي ديكماكه درما ركات وعالى كركم مير ازدا على موف دروازه وعمل كدوروران مركة السروان في كرجها ن ياه في وعوست صحرت في ارة ده فرا ما الكوت الميا مي الموال عد كذا ال رما را ورم وم المرفت الرتب كواكها ما عادي الراوري افي بمنازاده

ولسغه كالجن امردحا الزعولمين فزرسدا بدخان كي درقل الم عافر درباره وكرمو وفمه لاروحيب بها دركا كداركسرك طرح بسة وَصَكِي كم امنين تمسا فاش كل سوف إنسا مستكر جديث اور شبكو محل ابن يروم وليس وفعافه كتاس بينه وكرامها كرانا بيثب ترجي حندكري انبين فريني تهين أروكم ارد ومبط تربه سوا الولاكر ولي البوارح لمتي بموقع فسيرجا تيكي بعدائي كاونا ولان كانهار يح كم قوال اورت كلي عنا

يه آما ومد المني كالمطالي يا والكول عني من إن سيكولي كوري وندي على بهادر توسيم كي تولي C. C. الجي وركي ميرص بها دارمدم توقولي ابني وتهما ليكر حيكي بياركيّ كوانما كها إنتوان حتى تدنشمية بوتفاركم : درنه بیجاز دل برهم تو تعقیر نود: اور کمرها کرد یا ن کان کرن کی توشی کردانتی می میزا الك م يركب و كشير كم عرف النام الما الما الما الما المراه الله المراه الما المراه المراع المراه المراع المراه ا نام فرا باحتی دون کے کورکیے لیوک میٹو کا باسیانوائے در دارہ فاریوا کا نیکرایا سیابول يار كراد و و و دول اور حواما ليرق بر كرية بير وسي بي بن والع من المط الم مير منها مه و مكم كالرشاه فو دراه من اور و اور المراح الم دیتے من فررا رسنے دہا درور و کے اور تھا۔ الی و تنی سے عرصکی اللہ ہر ہماراکو فضور بنير مزاج سنبراوم عالم وعالمياك مرزاعة السير وكردان بادلفط البيت برغارة اندنون أفسواله الأكي التبحث بيدو بال مّاسة فرا كمرنت المدينة بويست بجيره عا عا فرسو الم السين وربيا دبيكافيا لفوامات مفرايا جمارت زيوكي ورائره ف بدالمفايات مرده و بربت في در الألم ركهي على مرز التبتوسانين سوار موكاد له ركي والقي سوكه مريدن بهاد ميك المدسوك كال كريج الهربل آينا ورويال ي عالم سواركر واكر جاز مقصر وهوسي رواندكي اورورام بمنو فرارو اسط متعمركا كتيمير معذبيكاندر جنس بجهان الكيطامكي طي تي كن مهرويم خود يحود أيف ابني عني ربين و من كر من الركاره من ولا من الدر الده الم

افران اكرري ينراغام المين شبلاد إماا وربيمتا بنيه ليراد والبئاشل داف ان قديم سيك لله صفوري اسيد بسرماكو الي معدم وكي توفر كنست دركت دغرو ابن بديل أماشل بدكان وتسابيكي ورنكاه يرسيه مجاكوا Ji-Je رى ين ويكيكونين بالنهل ودرا

No Ell را کروز کا دکر پیرورال ما فط عبدالصرفیان کی طب اولزها دیود کی طرب دیکه کرک و با که ما فطری موقع عربه المبيب المريها يريار المبين عميم الرثام كررا عراب همريت المندوكومت وارأ اي م. فوت بره فاجتروا بالدلولابعه أكراً به : نا بريخير عبرت: درج مي نام الزري افرق دارنا بجما الماكا جونكه كلم الهواته سناا وربورزة كي تيري ورين إكتبي برك كهيك لدريش اوراد دعر خرا The South بذكانية أصفيا ولا في لمن عررت جهال و كي طلع وكرت مراد بسرقي بناس يروانه ورسي الزيرا مع**نونين خوا**ب وي واد ولا المريند مه را درزا ده اسكا ازما يا يُه وزارت رفاع مواسين ها يا ا ب بندره میر برس و با که اس منت بر دام فراند کو عنایه کی عربین است برای این مرات و کواسو کی حالی كاشانا الماره لمختل وين الضيران كزري ويكورش والكارش والتعالي وشاه كوراكيا أم فابم ركه كراه إلى وزات كو معرانياكي اورمنتي موروم ب كما كمام جالور اخراج كارغابها سطاري جبياكه ورات كور ر لي آدينا ني فنني ملاها فرميوك اورهو موت كداسوقت كارها بي الي التي البيرسني زيا حده ر مكيب نېمېزررولې پې مېوارېږمبلېم له آيئه کلانتين بيونکه به فرکيون سے ما دولتي ايا ريم^{ار} كي الملاجح ركيتي بيني جاناكه با دنياه بهت كليف بن بحباره لاكر روبي ال نيه طرف ي تعرر كريج بعدهمان أهيه جا يا كركيه الفاقه ولاردها. فيها ورجاليس تزاره ولوايل كي مواضح الماف ولي كم مي المراني الوسي الوسي الك فيكم الأكرا الكروه عافر دربار موكركو اغدا د منحط كروا ما كريم اور و و كميان لباش كي مع اكر افسر و نسكي د ليسط عيوسواري عار ماهوي The state of the s سرعيدين اور نوروز كو وكيل كو ربز بها دركا آن اورايك سوايك تر في 3.07 Pachinipage

ملاتا بار وسحطه بین داخل فل مللم بهادر *و وقت رسي*ه اوا ا في الكنف مراده كواد لا ديمور ساح دابیرا فرج روانه کي غام تا ت عالم المروث و رؤره تخت رام ځوې ين يوزيو الاورطرفه مديوه كالر טצעב بملاركم ونناه الأكيدا ونابيه زع مريه

بيني لداء ان الصارك نها كه المي تعصفي مواران مرت بقير الميكر واليكيم والوكان بتير ولمت سيضامراً عهدوينا رفا فدكا درب لاكا دنيا الومطابيخ اورد ابغ قبو المؤلات بيا الدركي بر ادنیا دیمیا سے کراطی مطاب کردیا نیز کید دار انے سنجی ارفیاحتیر سیجیا ہیں بھیدائی براہ اہا کی To design the second ر رضي نواا فران كرزي أما مارسو رُفِيت كي أنها ور المسيح ينفل كوس كوم واراكل فيه كواكر فليدالم ولوني مناليكم برزل فرايا ورمد افل منه صوم سركم شعول مود مكل مؤير مرضوك كييزما و هلها شروع أن تبض كل مور من مرائخ فالب جايل مها درية اوجر وقلت فوصي والسيط ايك كوشالي كي بالركل اور برطرح سيستيروآ و زمين غالبًا بزدي بادتيا وكيه كي كالموي اورمطه ندر فی کی بروالی کاره میجیا نوبن عبداندفائ شهیری اورادر بهی دمی ارکان صوری افدار برنخف فان كي حدكر كيم ضابط فال كوكه صاحب يوسط عت روبيول كانها اورا كرجم غفر إس كي حمع تما رنها سرالي كيروك مزاج اسكابي كني سي آكي ايرالامرا منبده البران عمر وان عدد ميماران مد رور الفقار الدوايخف ف كارسي السي الي كونشالي كي كم آخرماً عارم وكرامن مانخا كيتية بين كرها مومو ف في استيابي جنك كي كه بدينك بداي كدكهي التي الموي تهي مزارون آدمي ا مان بن اطان الموزية والرجوان الموزية والموزية الموزية الموزية الموزية الموزية الموزية الموزية الموزية الموزية مروتر بمدان من مُنِيج بتي يبرد فعيله جأن مرز ركوبتيمان يا يا امر دلام الميني غدرخوا بي آي قبول كا اورعفه تقصيراك بهت ونون تمع ه خدشكذ و رريا اوربين ايمالام اكواور على خف وليعال كوكه وه بسرسيد اميرالا مرام نها ديني مقرركر كيرمنهم السرسيد كي فوهداري سي المجمع المجار المعام موسيم المحام موسيم المحام _ قراز موا بعد جيدر وركيه علام فادرهان مياضابطرهان مطابطي

وبالضميت آلئهمي سيكم بحاج الدوكة فاجاريه STAN STANK ولأكم أركت تورد وبها كالزركهات وتح حربا عبر ربام به و کود و موجه میری ار و و زخانبار بسی توکر دان برکرفتون ما کا پایا و لیا يور حيان أورن مصار كيراوركون اللاكنا تعرفين بميساكا وشاء التي حيان يردو مصار كيراوركون اللاكنا تعرفين بميساكا وشاء مالية ودارد وفرالا من مواسية بواكه فقط مداده كادتيط إبنائه وخف والمارز وتوكيا حيااسكا قبضتما امنين ونونين سيخ ومورماه دفاوت جهال إكاكا كيسال وربذاكره علابارفنا وكومبد المولدي والميكسية وكلوكم سيل ملان كورا كريد بين الدكاما مين من الدوروطاطان الخلبة كالم الدارة وتاها والماكاكواورها بكرب ن اور سرالو قريط بركونون اسى ياارس مكي سدون كو وكما ويدن

سازین اربیک موکن خراکرر دین بن و ها تشایک و برولاکه به دارا درما ده می يذجوبها يميني بطري ليفارك نو وكوسل بن دون من طوكم يكي بريساً إما دو وتركيب مريكاً شنه كاي اورا الم مبالوطي ليابدو كالوضي كود يا كم يا ور رت كير فراته ما ويشال كوفرين تخ و فير وَرِي د رفعالا مو رميه التي قام يركز مكم زمال بي الي و كوسيكين الي المستنفي تما ا دره دليجا التي و Sur Sur سے کے حریث میں پرسیس اقبال ہ موھویا ورتهانوالد نیمان ما ہی ایر ختمند ہوجیجے ان عبال اس بيدايد الي كوجه في لفركي بني فعال كركوايه في الكركواية الميكريم التي الميكادي الميكادي الميكادي الميكادي الميكادي لا بورسي كالكل طفيكية مرجمت اخرتا وربدالي كي يحربيد كي يورانا اسكادسو ومح مب عارمة حداب الم يهواا وربيان ابني عاريا في رسيول بيام طرير رج الدور بنره على ردنجان مك المراديكا ويكا معاجان كزراط اف جوات من مك بخاله مكم سينلاماكر بيرهبوغان حريم محد وكرم بكا دويكا معاجان كزراط اف جوات من مك بخاله مكم سينلاماكر بيرهبوغان حريم محد صوبرداد اورنا المم شدابا دكاك تهاجي أن روزون عدد دمركورين الرواع الم ال وبال فردن مرد ماعرون قال کرم تها دور کشن مین میرموفر خالت بهی میر مخدی ماد الاکویت و تی کرمی مصفیات بالأرسون والمرازية مر فافن يهي نسباع الدوله الدوله الدوله المرائع في كرير البياني ويتن اليها وير مولاً ا فلردة رابيان ارطين الرابية مرر ريك والسط تسترع عطوا ما بتنه وسكاد كمه با دنيا ه كوسم اه ليكرت ترزار سوادا ور مقدر مدل فوج دور مات رسید و می الدین این آرینی میکن از و جماع می الدین این آرینی عظم سے و رسطے نفامد برداران اللیٹ میکروانہ ہوئیا نوین تاریخ عیا دیولاول فی سالی اللی اللهرين حاصية موي دريي بزراً دمي كما تكرا مام سيسروها م شهادة مو تكست ت اسام ينياي تفاب كرد كارك رستينون وف مشياع الدوله سي الكروك فراد المراجع ا Weight Williams الراوين دي

إن شرا و كان الواس في ما لكي لا عِنْدُ المهنِّ الديكي عمالاه وع بترجويه بعطيم البست نظرُ فأ مد ولك تبيالد اربي موا ورست على والدوارم فلويكركام يروزا دينكي سركرم نباناه عالم يتدايك لإنسبي والدوله كروه مرواجنا به ما رقباا در لیکسفلمدان *وصع دیجر رزاد کیا لیشن*ی آسیم دونون كارباد شايئ كركورون : الوسم بطياسورج إعاف با وورث بده كوندا حوال له مالم يكرد مني نبوال وراك الإيكي المع والتي كيرا الم بازشركيا نام مامان وينامي برقابض والورنجي البيدوه ومزرا جوارنجت ولياحكم تا درت دار الی کود در مها کرمیا دستاخین رکی بک یا برکسیشا همد دیج یکیه م

د کن کارکها تها خصص تنابیمهان کارکوارشک بی درینه فیلمانی نکیجهت ایواافیام یا د شایمی کیم The Sound of the service of the serv ماندي كي ني بيوي بني كالكور واينوا في كواً ورسونيه مقد القامن قفض مرشوال وفراسلطان To de la constant de Market State of the State of th الف بخولفا والدير! درياا و بر فدفر د كوس كا و مؤنا و بكينا ع دستون " و يا و فرم كواكرا بيغ Olan Moral Control of the Control of تعزير لاست فراب ورارائي اركن كوندند الارائي المرائي والمراد وبالاه ما واور التيبولا وال باورادر عراد مالاعي واوتركوا ربيها عدم سوتاراسيم فالاركي هيك ارومرار بندو فحي سيال Service de la constante de la بحرار برعم طرقار الميماد رواد والا في الأمرا وله يمار و المستنه فا ذكر و ليك بهائيل والنا دواد والرام عرض روار دست عنه که کوی نه محامه کار ملها را و خیامها دی سند مربنرار خرا ایا توسیسه مورید بران کاری می اوران إسلام فيه توجب عام المركع و فه السط كريا وربعد فسا ركر جرجم الاجم غيراور يَرْكِيرُوه منه مال كالله الله وله المالية والمالية والمالية والمواقية الموكرة المرام المراب ال ساطنت بدي و اسطے عالم سكرا ورورار اسمائيام سنسماع الدوله سكرا واملالا لائي نام يدخيب العواد سكر منوركيا ورخ الده الريكاكة بم فردا عوال نجت موجوفيان وعالم كالمحالي المريكية المرام والريون والمرام والم والمرام والمرام والمرام والم والمرام والم والم والمرام والمرام والمرام والمرام والمرام وال رادي كارنار كذف مذين عجي به كومؤول ومعبد كريكم مي تزين كي أيت المركار ممان المامين مواوث وعالم كوعيا واورعينم الماس وارائن فعدكو ولا تواور بحام العماري ارف ولا كرتم عاكرت عالم كودي ت بيال آواورا فاعتربيوا ورادلهول وقلعت فاخره و کر طوف و و واد آلیا که در صریحیا و رابه صبی میان کو با نیختیا اله رو ای سید اد کورین کوی خطار المرائدي ال المرابعة اور الما وفواعظ الما المراني في رسيرالدوار كاكم أكد آعدت الدالي بطران فارت والما

アングラングルグ بي بوي اورجوا برنقود كرانايه ا بؤادونك

اواد بالسهرود راكاتها انفاقاه ريام كم ما مرسي كرمد برصور عظالم كيدي عبو كريك جدوقة الكيملاتها كرمزك تربي أولي فالطفاندا باربيك والكراره وتتركن وتنا Call State of the بر جاوس كي تناه عالم الم تناه لقانيا كما ورا لمي ولافت ابدالي عجو دسيام متعاربيكروا The Contract of the Contract o فرايااور سعي والدواو بخيالد واركوبي صلاع اذرقلم النادر ورعفا بأوسط البفطو كالبيط Supplies in the same of the sa تفرت ازدي باله مهار سنونه في المحمد ارج اين جعيد الورماديا ويم ما فرير والمح والمرك مر بطن كيز موهوافع يوكريه في دنهايت المرولاد ريابغا خلام وركن أي كمايل وتبرا وي كمه عالم بن مير جيا أي عرف الما ي وماكر في ماكر بيا كم دورياً وس أره مرازكو 2110 عادالماك كواسط فالرنكريك أوجوعي مؤورك ليلايا ده دفلي فاكرا براك الراكوار كرام والسطح C. S. S. I SISTEMAN TO THE PROPERTY OF بر کیل *کاکه اگرم*ام و نزمان ہی ہوجہ ہو اکنت حرت کی دانت بن کرمیاز و ربوط پو کئے ہی کا نہا کم متروث كالفان رط ارف لاركه ما وجور كمه مكم طوف صفو الخليج في المي الموالي بادين كي ازرادته الجريج ببراور الكوف بهوصور بروغ هكرزيدار وكي ندوف وسلمي Strike the strike of the strik انفادا وتنامكي آخر كاربيرين كوارس كألوا كالورق اورتا وزيك يحاك كي كم فوع كالفير الكلا والقي مواكم ده بها كونترا دراه فارابن رجني موكرساه وبرعود ويحلي تختى كيدنياه في اوي كواي Contraction of the state of the . اطع کیا کرمید استی کی اور آب منظور و منصور می فی مرفوم نی تا ایدلی کو المنتفق المراز الفرارية المناوي المرادية يرغربها يكه عاداللك في سط على الراجي عاليك والي بسيك والدائر في م الدوله فائن أل المجاول المجا فالوكوبي بي ايت تواريك ماراتها وه بي بيان كالور كميب الدولها وركال فعامان ارت

افتي أكا تبيك قبول كإدراق مت كركة وفرار كوركيف كاحدو الإبركار المُنْ فَيْنِ الْمُنْ فِي بنوال المالية المِهِنَ أَبِي وَيُنْ وَالْمِينَ الْمُؤْمِنَ الْمُؤْمِنَ الْمُؤْمِنَ الْمُؤْمِنَ الْمُؤْمِنَ الْمُؤْمِنَ ومادم البرحريه و وشطع لاق الرعبل روسيك اراد فرواياح يار عي خال لي بورلاس ك

وك بنب ف بن معلمات رميض الأين والتفييم الألام التي الله التي الما التي الما التي الما التي الما التي الما التي برك البيطام بكريتيا درتام اقليم الرين الترفي الدووي عادمة كاتمام ديم (ن بن معيدالم) فلف قرالد بن استال والمن الدالي موداري الموري الم عِيَّالِ فِي هِنْ رَهِ مَنْ إِنْهَا مِنْ لِيَّالِمُ الْمُنْ الْمُنْ الْمُنْ الْمُنْ الْمُنْ الْمُنْ الْمُنْ الْ إعداللا فرنيرد ما في الا مورير ورائد كرك وري مي اللك القرارية الدالية الرى ومقرار مرورك ويكما ورعدر مدرور المزروط الكركس وي المام عورتي مفارض ني إي درب سفيال كارتر ارسي من وليحاث وليما والما الما والم " كتابيعا كي صرون وزارت إين الرياب الشام الدالي وين ويالولا مري ري الم المن قد ما رسيد و الرائية و الموارية المائية و المرائية الليبان الماسي عمرين المن المناسا وماكري المنهي الميكري الموالوري بزرف مي جواسكا فرزنه تها اع الدين كي بي بيدي را ورضي عالمي المانيان The Mande Market منجا ي بود المراف المرا الما يندنيك ونه كمال كالوزيدة والله المرك في المين الدروا الما ي بدوسال كالم عالمرافي ورعا والمكارر والتي والمناز والتي والمناز والتي والمالية

وعاد والكائت سورج ال ونتعنام الدور بفرالد ميماكم فيت زرآري فوقو بكا ابيها تبرا يكر عادام ول شرس من الطاقة في كالمنسلة وزارتكا عا دالملك عطاكيا اور دوبهك كميت وكوت اكواد دائج بالحاتيا صرالع رايضاً قاكمياً ع رامرة نهاملا*يئان كينير دا فيي*سو المتحواه والمستعادالمائك وربه فالمرمو

الا و كوسمياتها عايت فرالا و ر فدست كمشيكر كل و رخطا الميران مراسكا سادة خا بالمستر برنفرر سواا ورآخر عهدين محدثاه كم مدين بواني كي جونم الدوله بسر معددة يتى النوى دوكيرسال ورس سال الرياره سيامت بين حرشا وليد كَيْ عَنْ الْمُلْكِ وَقُوالدِينَ لَ عَنْ رَجَال مُحْرِثًا مِ مُحْرِثًا مِمُ صُورٌ وازًا كِمَا مِنْ المُسلِمُ مُكَ بِمُعَال وَلِمْ فَكَ المستعدا وموكانوفت وووا وتبتاهير اللكثة رمانه والمراسك مبان وكلوا ذالي الما غيمت عافر عاصل عارمحال تنواه الإملاكم عبارت الكوزا ورا أورا أورا أراب المات المات معريلك كيم موي والكرارة وني عربي الكرارة والمالك المالي فيندون كالكرك لا موريًّا يا معمر الكالم مع والديني وصورار و إنخابها رو موكا رفيس كلونار إردال كوم الخاك مظا آخور نعاق مرا الدازا ويبرمكا المراكورا وراب العاقلة على تا مقدما تومية كاررازير المرابع المراب كاراسير الدلك نافيار منفور بوكيت مركوبها كادر معنى عبداه طالع وبيام صد كا ذير كهني لندا كياني وَ الْحِ بَعْدِيلُ الْمُعْلِلُ الْمُعْلِلِ اللَّهِ الْمُعْلِلُ الْمُعْلِلُ اللَّهِ الْمُعْلِلُ الْمُعْلِلِ اللَّهِ الللَّهِ اللَّهِ اللَّالِي الللَّالِي اللَّهِ اللَّهِ الللَّمِي الللَّالِي اللَّهِ اللَّهِ اللل جهال أو وسطيم تقب الريمه ي معين الملك كال وارسة طاك حقيق الما طأفر واست الموا المنابع المناب بمت كركم الني طرف من باب اليهوري المحروك خطرة تحال الموقع ال قند ما ركم كه و مركز الوت المادم المائر الرابع قراريا باكن بالموجات مورادرمان عرقر وتيت ملاف الريك الكر مالكور الملالي المراس ال عَيْبُ عِنْ اللَّهِ وَقَدْتُ إِمِدُ وَرِمانِ وَزِراورا وَقَا وَكُمِّ نَقَاعُوا الرَّرِفَةِ رَفْعَ رَفْعَ مِيرِكِينَ حَاكِمًا وروم الكري من المات ادماى في بيانشام الدو والتيم الدّين فال إوار بجال يتي صوبراو داور المراباك صير سوي روروه هوخ الحام علالاكياره سيحيب

150 احرتاه كابيا داييت ، غ

Windly Control of the Circle Constitution of the Selection of the Contract of t Strate Contraction of the Contra مَعَ بِيكِ كِهِ وَلُولِهِ مِن مِينِيدِ لِيلانِ كَا مِرْسِجُ مِارُرِهِ إِنَّهِ الْمُولِمُ الْمُولِمُ الْمُوسِطارِ دَي كابل فيغيره يرتظفه ومضور وكرالالاكرارة يملق مين معينة غارتا خية كمكروومالارفوج وْلِيَسُونِ كَالَّهَا مَهِ صِنَّا بَيْهِا لَا وْقُونِيًّا وَلِيسَارًا حَدُهُ وَزِيدُ كُونِهِ حِمْمًا مُعْنِمُ كاتِما مَا فَوْجِ تأسي مازم سركارا ورنوني أرسكير أوركالم والدخشي وغراكومي اعما والدوله وزرالهالك Store Cescion Stores يك تداركم واسط فيه كررونه ك جن فرده دريا منبل رسنى ديدا تي كريم والحص منزالا سودرس زياره نتي لدبها ندسيه الابالااكردا غل بريد الور تبهر كركوفو باراح كالمسمراده يد مركز موافة فاعده بتدسكرا ورمورعا إكرمة فاسفر كالبيكر وسيني ف كدار منه كراور خذ و كهو د وأعسار كليس بدر موین رسیحالا و اسیداتها میوین کلف الدفال است ایکون امر فوم کوچا کی وقت الدفا المراز ا الي خيمين مازيده رهي بير كم ايك ولد نوبكا وفي ابدالي كم أثر لكا وركام الكاما ما ما ما الما بالبخ كوبورش عطيم علوه كرموي ودبها ورطفير كم مركم كارزار مواسف بان والكارات المون فرادر بن الارن المراد المورد المراد المرد المراد ال مير مند من الماليك و تهد الله الماليك و المدالي و المالي المرادون النكر من المنظر المورية والمتعرف المُ أَبِلُ وَمِيا وَ الْمِيارِ مِنْ إِلَيْهِ مِنْ الْمِيارِ مِنْ الْمِيارِ مِنْ أَلْمُ الْمِيارِ مِنْ ي دكها في دي منه ما عاد أو كالي فيمدان كارزار كوبية دي اورغي في نصاب الم المرابع من المرابع من المرابع وت نيكه موى دومسي دانتاه دراني لنهوع طرفتال و المكار محدث وفي طفري سكريت واسيء والفي موكريه غدمت وياماريها وخام كم طهوا ما المادور مرخ مرخ مرم المرا المائك أأردو فارتب فنقى لاك والم صفارك اور شنه دیج بالی روانه مین اورده بی سام ساملی و کر کوچ کوچ کری ا ٩٠٥ (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (

دي لف أخته درتناه نيرانكر ورهامول يرمحدهي 300

بركان طينه وغضابي علطا ومجارا والموصي امرالا مرائيكا صفي وبها در كولا مأن كاز ارتبا مر شوا وسفا و المرسلارين موارد كردا ملائ طرف الصفام دراً عدر دربان لکا رکیفایده کمیالی مفحاه بهادا عضی کمینای کی موافع الکر صورت بنیجا تو TO SERVICE مأ جاربار و فرتحت وان رسوار سوكرعازم نا رتباه كمان كامراا ورصواري و بال سمج ما رتباه بغ محدثنا كموعلى ضيد فين وزوارك كهلاما كركستانج المحيستورا حوم اورفيعكو ر ديكے اردم سے اجارین ورا من منے اللہ اللہ علیات جوجا ہے۔ مرحا الما کوها حادث اللہ : رفان للكر طرف وديك إورطها تُرتِيج طرقت تعرفي كالم مي لطفائع المارك جوا و تا ين الماكانها ويكر و اسطى لين في في الرواري مورثه ك اورس المري من الرك باد تاه مريم او دان ير دويا ارين ا . اراده منه براور کار مورد افل نیو که کنه آنه در از که دیجه کی بی سیر دک انفاقا توبال آن کی می رج صل السيدية كوما روحدين كي مؤير بنس خطيعيدا ضوكا مام بينا وثيا وكيد خام ما مي اوروي ه وغروك الراس رمون اريخ ضار كرد كا وقت عمر حوا فررت وا كياستهار ي فرح فرح احقال كم زعنب برن الرار بيكازد إم كم اورم كلي كوچ اور است معضر المعالم المرادة اورمازار مين قرارا وكرما قراب شونخاا فتياري ما منب يهيال المت ستخرل المستر ادب كيا د جو د بكرال وله نيان بن ادمي سے زياده ك سيوني اور تر زي السابق الم محوض في المرابع الم المحادر في المحروب الم على الصباح إرت بله خرا كطت أنا اور فران قتاعام كا دمال عزرني برگزیران الدن کری ارتیابی مرتب بازی الدن کری الدونی بی المراد ا 18

بسرلح ن الفكاهال كرفعاً دِمِين ح جرفوت بين صصاء الدوكي سبي ديلا مراسكي م كالردار بوكركم مديسك تورونداس بركانها وكالجرائية المريضة من مسيليدين والأفيف يكود ومالك دوكزورو إياديناه كوافي كركبيزا أيافقد لبناه وصطي كيكساك وفراا اورائع المحالجرات بدوركد و وزكرا برعد ننا كرونونكه المنا كرنباب نفكر تيريج دمن مده كرفيانه اصفياه بهادر كومخرال رئحارفوا إاسفياه بهادينه ولمان جازها ذمت يطيط كالكا علعواي اوروعالي يعال زمهم وكاكركم توسنها إبيهم ادر دبروغوناه كماتركا رواني بطيام كيادناه دقع بسلس مغرر تركيمه وإرمعين سوعب بفعا مهادركوع ثيبال مفسوط بِ آیئے تبیار خیال رہنصا مراقع واکیا جا ہا د شاہ نے مہتر فواانحا لازم حاکم اسپو مرتبہ ج ن ما مسي*ع فران* فرايا صلي نو مومكي نهي *بعدا كدور دوكم ما*ديد ية أصفى دبها دكر ميرًا واللين رسّاء كم واسط عان سكرك فريس است لكركم ناديناه مردانص ورند كوينج مستقال كودواندك شابراده جرينك آيا حدثا مجت روال جدا وركه مانع زوكات كاف فراد وبي لوك فرز د اندجاري وكمكر مراه مي بالكِ لِكِينَا ورْق مِنْدِ بَهِ فِي مرْوَرِشُ مِنْ عَبَال لِمَاكِي اورمعالغه فروا يا ورسندر رابر البيابهها وببركال مزام بي نوش كيدرضت كيابران اللكيف بوساكين

كيركها بيوسك ببخاونه كواكي معلوم مؤما بنفائب كوكا منواكرا بنيسين جضور مرسنجا أواحج سو كه نارت ه والاران كوبه منفورتها كه این متان جهان در این مسیح می مفافل ا دختا و ار الامرا كەرەلىنى كوئى بىچ ھولىكە كەرىنىن موجىتان كوئى دىسا ھايەن خىراد تا «كومونى بنى السرام رئيست في طنوير العفيل كي يج جنب افا غند في درنا وكو د نظر بوس في فندار وفي في مركي ارضمن بن ست خطوط مور أمو ورف أو كارا ورجواته ايكرمان واست سيح الرمان الم English String اد فاست کلیند. اورامل مکیه رص کرند من و رسترنا ده کذری که علاوه می باین را از کوک جربا مي ريا ني لا يرتبيا دروه تو كرها عوال اورفند با ركان مد ميسيم بسير على مرد ا عالى جوراً بسنه إبرناتها اخاركواكمي والجنط والدراو آصفياه بهادر كاسمحت تسيما ماكم ثنا وموض فيدا وخداكم مكاكا براياد دويان بالمت على بداق مفات وسودر د كردورنه كر حقيم مركور جدا تربا برایا و با سکید دار بند بری کرکیم کومارای کردی اسکاری دفت بیم کردیم کرد. المايخ المحق المايم الم ن ه موصوف سنبيايا در صورت و رقعه كي بان كي سنية مي ناورناه بخصي بن ايادور بركوث بالمرائدة والمراز المرزان والمارد رعار برايار يعوبان افاغنون كي ف رغ موكر مبلال آبا برآباد درحكم فعن عام كا دباب حراجا

تفرنبر بها يتسلك وداتعي سو رانیاریم اکارلام اصمام ادر نیج نریب بکیار او رام آنا داری الكاسلونحال ميدوكاصح والادراك كرمر فهرتماا درمعد وزس نساوله مزجاء وتأكا جنبه كرط نظي اللكاجات يتاره عاط مركز النفائه معاصل مفده كي لميد نبط في كله المراكمة لأخلا ومفي كي درزري مطار وراجامة مي و معادر لفام الدور فورا عرص فراندكو اين المصري وكن كا بجهاله كدرونه برب اوربدين وشاكرارة كاستهاب رى مَلْمَيْدِهِ مِن كِرَلَهُ الرواوي كِي شِيرَ بِيرَكُودَ كِيرَا الراحِيْنِ مِنْ الْمِنْ ولا من أادرو باق عبروت من كار يكرم وال باجيرا وكاكيك جوال كويسياح بدا وبي فريسكيوب الريضا بو كارتفاء كرا او كالطال وفعال كِي مِن مِن مِزْ أَنْ ارْتِ ، كِي وَلِي رِفِكَامِ اللَّهِ صَلَّى الْرَحِيمِ النَّرِيمِيلُ كِي مِنْ مِن إِنْ مِزْ أَنْ ارْتِ ، كِي وَلِي رِفِكَامِ اللَّهِ صَلَّى الرَّحِيمِيلُ النِّهِ عِيلَالْمِيمِيلُ ت ميل مير كالمص ميكوت جياله كومير م جور كرجي برعانا باكم کا ن دولت کی سوکت^ی کاطبه William Collins

بالباب كروة والمرم وكالدونند وبارك المرموة فاكركم مسترى ركوز ارتيكم بويد الواديك أرردي بدنطة والكبازري طب مورغا بم فعرار تابيكال خليصارت فاظر بالمورجوك كواكر قبر سرك تدويها نفام المربها ورك كاستون الميك مير الما المكالي وفت اكروي Contraction of the contraction o ميدائلي واقف موكربها فه ميني أوتواكن بيل الاكدم اداما كي وهد الى اور كارتي والمان المان والنهميا ماروق صورا حدرالا مناية مسميرو طوعماان خاكا كركم انكرم مة آول سوائف م المالين وربي ما و يورك على المراح مع ميرك على مرارها المراق والدو bill ادر فيقول تراسي ونظ موانف والمارمان وعرفي اور اليون مذرباركما في اورام الم المالي ال يطري من ورودنه كريموا في وغوالبالغ م صوبول روي بكيسكر بيني ورياجي المجتبرا مي المريدات المري بؤنتِ روك انبول موالانتيار نظام الأكرا وركم فراكست عامران محري كالمشكون عا المرابان أرابان المرابان المرابع . لمر الكالسوم مجانا احتيار كا حفراً فرمان رواتبر عادان م المري على وكري بنا وكوي في المكر واللك محوفيدية را كرك منه راس فوم كي المادة اور قط اللك شفه بهي المركو فيول كا نها لكن مخالفين في قط اللك فوماك كوميموم كما بدانقال فطاللك را درعبد اصدمان موقید ہے گالے کے اس عہم برا مورفرایا دیے در توامرد اللہ اللہ کارکاری ich white

خا دكم وعفارتفان الاركوشك بمادرتك الإمايين ت زان نا مكريدا مويا ورنسانيه وزرن اديفا ماللكبا دروكن تيئا ورماته بارنا كج يحم مه ديالاوكور الكرديوي بيدي الديية باره بنيش بجرمين مبدرت كامرزاني يك داري كورت كي نفام الماكم بعا دركو عي وإد

الم يجار المراجع المرا 1 - SAN STAN STAN CONFESS OF Ç ارت تهاسف دونو کوسی الورللی ما تی رئیمها کرصور یا دناه کیدلا با داخیر موکدیات میرست آنا است دونو کوسی الورللی ما تی رئیمها کرصور یا دناه کیدلا با داخیر موکدیات يرحمه يتياعال كاجوها فطريا ويتفقت الكهدن في برلا الوران الميتر رطامار المركة عادمانون عبار المورد الورد الماريم الي واركة ميدا أوا مورو و ماندا إلى كيان دمانون عبار المام الورد الماريم الي واركة ميدا أوا مورو و ماندا فيدر ويعصوالطنباك هينا فاغباركا إجاده ملاك مرار فتفاض تباسي مرفوف فأت فرار فرا كيسه المعربي م ما كوام المراح المراح والمراح ازه المعنى الروط مراجل كريما بترون و ركوراك مثر نبايت و الموارا مي وراد المعنى الموارات المعنى الموارات المعنى الم مراعظ الفام مي في الأور اليون والم المي والفاطعة الفام مي الما الموات الما الموات الما الموات الما الموات الما من المراعظ الفام مي في الأور اليون والمور الموات ال المعيب شفدمه كه و درا بر زغائل المام المعلى اور زاب بري كيني مين الكهاجا المحتفية المعلى المع عبيت مورب برالا مرالا ورقط الملك كوجاعت تورانيان سيمنا وعت ورميا تابي يد المواخوامول الموتي عا وتفدر كل ما يم عام في يم عام في يعلوه الموتي الحوالي الله المواتي الموا المرم بين كريم بين كريم ال من من المراد المرد المراد المراد المراد المر و وس اور الوجن عليه المالورجيك وبهرا بلغ و عدك السيد المينور ا عالي غالب المسلط الموريد دري المجمع المات القياص بلنجال المات ال الفي كاروسي نير سيح بسير بيد رقارموند عبدالعدفات اقدار مجدنا الالطة مهداا ور وسور سرت غركا ولوائ الكل الل مور ا ورا فعبار مام الهداما اوروان ع لنين في أول الأولال فت معی کا دوخ دو استار ایران مورسی ایان داده داده مورد در دوخ خارس در دادی رون آن از برابرا وري ان ايم برابرا

REIN'S والعراكي مطنع مواتباس

ري ورنصب تهم فراري ورقه عالب ميرالا مرائح عا معاكميا على فالبرايك عنوا في ارسی موروسی با دنیاسی موسید دریا جالسری رینیاسی الایسیمها که مرمینی اور استان الایسیمها که مرمینی اور استان ا اور می موروسی با دنیاسی موسید دریا جالسری رینیاسی الایسیمها که مرمینی ورد مر کوسکی تر داور مارا وزندی و اکوار کیا لیکر سوا میکر جیاره ندیکه استان با ول رغاور دیدگا رنم مصلوقة في بن باكراك ياف متوجه والبيت بي مصرف في النا المريكي ومون ري الركاره المحاين ملطان مرابيم علق في القدرنبيرة بها دره كوغي ايوالفي طهير ويجير السكاره المحاين ملطان مرابيم علق في القدرنبيرة بها دره كوغي ايوالفي الوالفي ئے مقرب کم سے تبدیل میں دوالور ہے دورا پر سکے رسالہ کی کمیدہ کا موار وقعدیم سوار ج را سري کار و دروا بيکه رکه کي ترين برو داف خه بيانسه دار دوا با جو بي کهدا . را سري کار و دروا بيکه رکهي شيا کوري بي مغالبة را د ه تها تحقیق می سه افررزات کی علیمن بن تری و کرمورا آرا تها نوکرموما ا نها و مغالبة را د ه تها تحقیق می سه افررزات کی علیمن بن تری و کرمورا آرا تها نوکرموما ا نها و بهت بن وزمرار واطارم مرار وطالعا كسيك اورويه بي تمناً قريب يمناً قرار يكن فارايي المرياني المريدة المري بخف او المخ الدين فالمح بني وم صلابتي المجنبي وم برعائج في مارم وَ آراً على والولاوا اورش برايك مرافق اليك وصله كم فيرس مروين وتجير سنه مادر كوفيد اللاك لمطال راسيم كمليكر يتحق الاركب الماكم ألم المركب الماكم تجل لموكانه سيع التعجلت بين مبسرايهم اه كيكر در سيطيمة البراور مقائد محتريا بمكنا بيها تجل لموكانه سيع والتعجبات الكلينة كالموكليم أيف أكوم والورفرا أباب كل طوف يديم وكي زول ومان بي كجير لوك كريد بير برمر مزل برع ق عرف قويج ا Kin Vost took ميد دن يا در زي اوس تبيان در معتبر نسير الرامي من كركيه متوقع تبييا در محدثنا عكه البرام يتي ميد دن ي اور ذي الوس تبيان در معتبر نسير الرمي مترج وارالخلافة كاتباقط اللك يزوروا برسيداد وكالاتناء كام مقاية كرار الور مية في ميفان عليمان اور سياطان اور سيد تحدثنا لي. سية في ميفان عليمان اور سيال المال الم

وع بوم كالمعرال والدو فرواسفال كالمت كردور را ما ذامد کیمیا بیمرمقاا درخاکر وصیاری کن داسیفی يهريه بعض وخذاريي رق مذاك أكم منفرت ويكم فيلان فلإرج نظ قبار مناه کی دوراتر بای طاری بر و مین مرار وار نفاسط وإدنياه وكن براوالانهاي يكالواز وادل دوخ كاري تركيه آيئ بين ايك يي بددى كي انه يست مرنوامي من صدر عليان كي تما كي ليكل م اسكا مُام بيوااس بيكا مدين تا مي رويد فيركوا مرالع والكراكم فكا ويؤانها وه اسكاكه ايك كرو وصيرين فيلاه بملاك لوت ليكي مبيت عوره كانها بعدر فير عذر سكر ضط با مناسي مين إلى عراس خال م اها وْ الْمَ آنْدِبُرَادِي مَعَ لِوَدَاتُهُ بَرُارِسُوا دِوكِسِينًا وَيَا يَنْدِعِنَا وَلِيمُ لَا بردايكي سوي ورصمعام اللاقبة لاكروس نعدان مولاد وفيت وزارت

Laure Contraction of the Contrac Shop of the state The Constant of the Constant o Credit Control of the مات الهيم ارسوات ملى لغلام اللكربيا وركيه سرميخ دافيج موكدال رورا دشاه اورار الامرامين Control of the Contro ا ورفط الما كجيدا ومذلك اكبركبا دميرت حبضراريكا عا لمعالي كيمينج بهت كناة تركر بم حميري ا المرجه التي المرجه النيا ومي منزار سوار قعد يم وحديد اوريت والحيل آت واور كي ريفتكي البراما Carried States ليكر واسطه وافعة نبطا م إلى كيها وركية ولع من الميم من من المي المراد الميم المراد الما المراد المراد المراد الم لمة وأن مي المراد ولالميك أب يا وتنايكر مؤلزاوة البيمان ألم كيرًا الرور والملي كالم Section of the second of the s بني تناراه جهابيشنه يكون حبتي الغيري كالمتاليكي بهريتي بريواني للسطيس مينا يم من تركوس نير توب مواشاس ان ريورنىڭ ئا . كوخېرين نياكرزعن م تان کوگر مواكه بطاتي اول كيكم وزما دو كرك إرتها ويك وروازه كال وكركم الكرينجي مرحدوط كاستري نوم كاجنعتا ميرسم فبرش عيري الع رجال بها ورانيان وم والما الم يم متعقبا المركا ومتولت اول مراه و فرخ المستراه اور ارا دیمه او مرکورا کاری و ورسے نمایان مواا در کا غذ الیس کا جاسیم بضمون محموان مان کی تنكابت كالتما غزيكا برجركه جوبدارما نع آسط لكن قفا وقدرني ولمير إمرالا والكرون فرقدوكو المرور والمراب المرور والمالم بهنیا چائیے حکم آرکی آنیکا دیا میرحدیر ہے دایا مجہ ددخرااور زدیک بالکی کیے سورعض کذرانی در رُما يُ حوال عرض كرما مواها، جومين ميرالا عرامنوجه كالحطوع ض كاموا كما ال منقال سيم تعريم فرس المرابي المراسة المؤاهر مرسيابني كبنجا اوترق فرصري عننية عائزب فكرباس مرحكه وراكه طرفت مقاير كماير الإنسان ويروم وروا ورفيروني Single Political States - امرائكي فرسيع كأم امركا غام موك عدالحبيل الزاح في مرتبه تغرب من أسية الماره وافرا كانتواده ألاي كيدي فترص لروزول با ال والدرز أو المرابي المراد ا

بوالقصالي بين شواكم عالم عليان مدر فقات مين متوارا و من اورا ما اور المرابع دا و د فال وترمیرها ن از محر خطیر تجشی و رفد د بنان بران درمینیها او لافاراق عارصيهم والأان دكراه ورأبكادا وبسيصوال فالك المنابع أبيا فيجاب والمناب خيا اللينك كووضي ن وبعه بناكرا لفام الكركيط درنيه بهيرا في رمنر في مجت كم Military Control عازي الدنيال دريط فرزه كوية مانه د كرم اولكا اودوروار مياه اورية فادر معدالدم وارانجان وركات اربيان وربيان في ال ورقاد دواه فالوتيما و فال وردام اور ديم اورداج فال دروكم بادر كوميز إدوبر برخر كركماتب يومون كما قال كرمين بِنْها فون وَرِر شَول كِيم مانته بعض معزِّدا و دائي مُنْفاه رِسْمِين قربا بإعام عاليا لِن بوجود کوا حوال دله دینانی ژائه کامعلوم تبا نزیخ باری در فروندی آنه ک*ریمانگ*ه: مرضوعه بالادارين وجود كمرقاع إسكا زخرات بحررته الكروميدم لا مكري ركم خفامخان كي النباسكان عامًا والورب درك يذنفام الماكم وركي ماتهد كالاه ودي ومشجاعة كم مرخود وانه ميدان عدم كامواسا ان اسكامية فس أداجيك بوكويرا داخو سركارها والماك وسأرتيف بيدام وشناؤكم اورامرالاراكو بوايان مج فاوج بير صدوها لدرالا واكوا ذرنسية ما موبون كاكر دكن بن بغير ين قرادر منى كدمباز مقان صوبه وأجدارا كا اور د لاور خال بغرار ميارزها

بير الم الم مع مع كو عكر ميك متوجه ومت الم وكوب المواه المية خرام إلا والوسني ورتا النكرا وتابئ ميت بهورموي ميرالا مراني دها ورعلنها مختبي اورداه بيهم الادم كالمسام الإ وه وصله در المراسيط و الميط الميا منا ما الكابعا و ركم اقعا الكابا و رتها زيد الريازية في الميور قاصر الميور و و فرق المهم اين اوراور فا صور دار لم يورا و عرضي في داردا ادر تها جوفت که و چوده کوس می ریانیور کی بنی نظام الما کها در نام و مقرمتی بایس دارد کو وسط روكية المصد ولا مبط كالما في ليط ومن بيامة كي والدوميني كي برورار مبينا الم تحد فال دوليم مسترا در كاك مكر كرم المراكي كاره براً دموا رسيم منتراكي ان ىيدال كايران بين أيالا درغيات فال مسردار فوج لفاع الكربيا درسي مقابر والم سادات المركز من موا قلاد لا درغلنی ان اور دونورم ان مَرَ بَرَ تَقَدَّيْرِ كَا سَوْ عِلَا ورا بِكُلْ بای دون دون ارد این ایل المعامرة الم سردار حرات نظام الماكبل روسكه آفت جانی نه بهرکس آواز نت دما وزن کی نیار میان مژا بها در منظمه می سینے سیساس جرکے ما دینا واور محمد المبین خال اورا ورا مرا باطن مین ور سر می اور دبیر مبدون به نهایت ریخ کذر ا بعد اسکه ما بگروین رمضان کو جربیک ز المراقع الماريك المرابع المراب لمعنبجان بهتجا امرالامرا كالحبر نزارسوارسيوا سطيمة مقابليكمتل فردايور براكرجري الطام اللاقر التي أن ده ورامون كوتية قلعه كيزين المجر طرف بي برما بنوركم منوح والمكيرة ما میرون فرار برای در ایران د ردرباً يون است كرسب الم مارش كيد بوربنا الك خرد ارسويله عالم عليان يك

مون ربزر ريكم كرويا وامف وكل انهاع يكراب بے على مرك ما وركني وق ين كريهني فا ومن معوم بي سين كران نوا موي بتي وروجار كفريسيا ، كي منسه رين كريي الراعقا دلويها . وتري ما بيان بن كرني تير اسع صديق من مليما كي لفاه الملاماد يرك است. البيديكي وكل مروك بذرت ويسط الرصو ياده مرم مدارد جا رصوول أبان وانبود وبسندكي تهاي يشمقركرين واجفلهم الميكيك وكالبسك يأمودك ررتها جرامين كي عرود للراح لكها حي كدوبت بهي المدون شرك كيا بوفايتوم مس جون شائيم شائي فرخسه امرالاوا ود تعبيداللك يذجو ابكو الدوكومك وكركو نفام اللكريج وربك نعوت بين بالوركلات المراب ربا ضرايك جربافا م اللك ر مربینی ادر ترکید و شیده و دنیا می کی بی و ما جسے مواین مان کی جمال است لذكي كوكاركن أيجه بنيه وانتك موكرمونف صلاح ومعاتك مادات ورتن خدا ورجي ت على للد كمكر جند الله اليكاعبندك ورود كالروا في عزم برالا واكم روانه كإا دركب مع مرحمة خال ورعبدالرصم خال ورعاتمان لوداو اغوالان فليما ورجده ميكم امه فرار موارسيه وسطها ديأ فأستشاك وهج تين

The District of the State of th 1-61-6-34-36-3 كارنطام الماكيا درنك نتي كم مفاور نصور اورامرالا درا ورفط للك مفوا ورمجبور في تفعيل اس اعماري به بركرنفي م الملكها مرفع و بحب وله خالها در و وقته بر فيد الدرجا سكر صوراك بالوي كي عنابت موي تهي وحود مكراسوف نظام الماكها در كونظ كرتم الحوار والموارران The Control of the Co يرب سنوته يكرن كاربني ناتيا بالناء والأفت دا دخام اسرنواج كوكوفروخا خاكت فته وف ترسريتها *کرے طرح اتن کي ذ*الي نهي درقبل کے وقينر فرخ سير مراجعين Sicher Constitution of the second of the sec علنجاري جوفتكم وكرستيم بهوي نهي مرحمة خاك فعودار ما مدوركا ورميط ملاقا كيير نهرا تراميا ولمير سيحي تهادسو في على كدانتها المسكاكرول تطعيم وارتوكو تعراد رقواجم فليما تورا في كوا كام ربترركر كيه رواكما وحمه فيكل نقلاب طنت ادركوه تانماندي ديكر سينيم بن فلوسكم ولني الميه واسيط اللاع كيم عضين كالأمان كم الكرار وأكميا الالراسط العرفي وكمت في مي مهار ي دانون جي نزدي المآينه ويرقور والمرابية والمرابية والمرابية مرحت حيث مايئ اورنفام الماكها وركوب الكها كوسركات فلوما مدوركا خواح فلني كبوب سيم الومر فالح فالي رنين مجيمة ما يول أكرارا و كرس اورتيعة انغمال في توبيس بفام المكرميّان ۶۰۰ می ایران و ایم ایران می ایران می ایران و دی عان ي فهانيري اورقد يركز قيفة بن خواجم فيني كيا ما كيم مرحت عال كورنا خوشيل ميلام اكر منبه حفودية المارين المرابع المارين المرابع المراب مونيكانتا اورنفا ماللك وركوني بت فارد الح وردلا وري ورتوسياسي خارم و في قف كماللي القيف فالمسالم والمرعد والمرك المرويم المرابع المرا فاكر اغوار واكوام تزند الناركيافس سيراورايك ن ام سي نفام الماكب ويكم مقدرين عذرانكر معنفرصيه الواسك جو قبصه مين جزئ إن ديته زمنيدار مكه تهامها ديرانكام الاكابيا در نيوحمة غال كوكروه فرجه كاكركدوده كي وحمت فايذ جاك انه رودا المراد ال نَانِهُ الْمُرْانِينِ الْمُرْانِينِ الْمُرْانِينِ الْمُرْانِينِ الْمُرْانِينِ الْمُرْانِينِ الْمُرْانِينِ الْمُرانِينِ الْمُرْانِينِ الْمُرانِينِ الْمُرْمِينِ الْمُرانِينِ الْمُرانِينِ الْمُرانِينِ الْمُرانِينِ الْمُرانِينِ الْمُرانِينِ ال

واورالا تتوكي مرزآدا وتركه دكاسواا وراقبانيا اوالفتح أعراله وجحرتناكم كاع إلى وخ سرك عاد مات زيد بين كوامه عِنْ الركز الرواد و المارة النسيسية والده اجداد وي بهنج كرميد عيوس فاافغيا ومطبع على فالموري وملامة المرافقة ېرت نى برىك ئىن دارا ورغيام الارغىل كى درآ دې فاح طواد رحارى كه اورا درمان ركابدا دواش وغروفرون سيعبدا لدخاك يبركام بربا دشاه كيسسند وسيدا ورانالفتي بِا رَتَا ، كِل ورتَام مُدِيَّ صُورِيا ورافتبار ديوال عام فَام كاسيدونْ بِمنْ عَلَى كيا واخ يركر عوزيا بهض والزوي برشياري كويكام بغروضا سديمي أالبي بدائيكه اتبست ينبرك ويزه امناكها نهاا ورسند وكصيد دن سكم یز درمینے کو انہین کوس رو کوس بدلي قداد بسراكية بهرالاكر دافواد دانني كركدا ورمل وعقد سيسك اورامورا اليادر كلي كياورغيب سيحتون كيادغ ليرنف عالكه إرشاه ملان بيرا ورفطه للك ابرالارا نحارج جابية كرياب كجركم دورس كم عرصابر مبر اراه ما دمت مير تعالي الموجع بساط ف حضيض و باريكم مل كي درما الزيفام بادرادرابرالا مراادر فله الملك كم رضيب الموافق آئي انجام : : Succition with

ر في الدوله كابيات رفيع الدولة بن في القدرا در في الدولة الموانفال باليكويد ورفال وركب على التي كريري دونون دار الهام الفريك بيرا وقا وكرا المراس ما ليا ور مكي بن عرف مي انسين و نوند كدر فيه الدولا كواسي غرفه ها صل موي مسكر فام مي قي صورًا مِنْ الله على كر قل الرام عن من الله عن قباا بني عائحت المطنب ما والدولية حيد لا من المحاكم بن المراكم والرام عن من الله عن المرام عن المرام عن المرام والمرام والمرام والمرام والمرام وا صروح كما امراا در واللك رفيه الدولد كويم الملكو فان مياور توين نفيا الديم المراجي الم فيازمغ وأركية براس ومترفليل ومن بههال عابدعال فيع الدوله كالباوم خدكرمارة نه بیج مداد ۱۱ یک و سنتی بی کو باش می بی فایده بواط مرفادی بیا ماک سدا وای آما رور في مرسم الدم قطلبك ورايرالا مراجات ما الدين وراخرسوال محمالت الدين كوليغيروا سيط للاً روش ل خراف عند الفرض إلى الما والكواري الهاروس الماروس الماروس الماروس الماروس الماروس الما كوليغيروا سيط للاً روش ل خراف الفرض الفرض الماروس الماروس الماروس الماروس الماروس الماروس الماروس الماروس الم براده مورار اطر والمفاف الموسوفي كوركم كالكروادين مرفول ما مأما كم وقت النقال ميده الدين محداد وزاك عالككم على عن المان المران الم من الم من المان الم من المان المان المان المران الم من المان الم

در دبری بیون فرید جوامی دری میکونتا ریش فرج سیکرافز بخار ترويسك والتا فيليق فاكريوه ما وتدول ال وترسير زمان وأبرياكلي والأفرس البؤرج الأني كي وانصار فاسلاك وه والتي يحريه والبرواقي ستن نياسي رولانتها ، اور مترقي وارتنا د ما نوان ونفارها آو بي مبرغه وكيا ارزيزا وراي كيا ستن نياسي رولانتها ، اور مترقي وارتنا د ما نوان ونفارها آون بي مبرغه وكيا ارزيزا وراي الله يدار بركون قالبلاك مع رفعاً لمينها والمقدّر والكاكم عامجا عد مين والماقة الله يدار بركون قالبلاك مع رفعاً لمينها والمقدّر والكاكم عامجاً عد مين والماقة وردازون به دیوان فاحن عام مکرمقررمین اورا وراراکیس اطاعی موافی مرفع بمتعددة يمل إدرا منعادة كوكهم علرضي ميركا فهاكال دلت ادرفواري فيدكرك ال درسة اسا ضد كاجيدون كي فالرجع موي دراتين عاملي عاصل والم بي ايت المي الموام المراجع المراجع المراني موكوفراج عام ميد ودو ببائران لأبهس انت بالكوقط الككسار مواجواسكا داخه بستاذان حوسيك بادنتاس كوبري كرديعه متعال بن بن انبين بم مضاعر برع بالعزود الإرجوكيت مزاده مرمونت ت طريم مول المانس مني كن ول سيمة يدون أكبون رحرفي مقال كيا ه

China Contraction of the second of t دلا در ابرسون که غلام مازز خارج نسر وسرادر غازی لدینجان ما انجا این استفال Constitution of the last به و رمتا زیر دی کئے اول علم من خراف فیسے لیاری الدنتی کی رور دا ہو" و دیمرائی کیا Grina de la como de la كيئرا ورساركان محد تسريم رخي موكر فرار انسارك ما زاركؤد اركاكر م تماكة حسليجا بي عدامه غان سے کہلانا کہ ازداع م کتر سواہ قرب ہے کہ قت عطر میرو کرمے رضا فال کیا ہے علامقدم En Contraction of the Contractio ایک وک چا و برسیسرا مدسوندین در کافتهار کی تنی ایا رمور نخر الدیک ان وقط المکیا C. C. T. Estivition فذا يمركون وليفيات اورعون كوليكره والمشرادرا كنيران بنيا وركيها وركيمه وركوره برتسرج ذر *کرکه حسوسکه* معدد نهر سرکوکهال پیرست*ی سی کن ایشان نب*ره زمان سے باسرالا و برزایو كمكه انربعية كموه فألبك وناركه بمي فبركماا ورفورا رفيع الدرعا ابن رفعه المعذر كوعلوس سلالمين نبد 'آوارت دیان کی درصوالس دامان کوش منتظرین عرکه رسیده پن بهنبی می کشینی مرخه مندار ما ما عامر بورا المراز أبي المروابيط مروا مَّا بِحَوْلِيكِ كَلِي لِهِ مِنْ لِي لِي إِنْ مِنْ مِنْ فَاعْدُوا وَلَى اللَّهِمَّا وَاصْدِ مُوْمِيدًا لِمُنْ السواحية عَلَمُ اللَّهِمُ اللَّهُمُ وظرنبين المراها والمارين المارين المار حرف الدكور بياول المنع وجيع ارتب برند ريكوم كوما و ما ريخ كانسا ركما بي وكم عدور ارتعامين بهرور فراك بن فرطير اخلاق معفد مقدم كم حدر وريك بعداي دان مين المارية المرابع المراب ہے گراکر راہی عالم اس سے سال موار ر تعقیریون روای*ت کر غ*رین کرنین ایک کورم دیا کیا جوما ون از الوائل المان المان المان المان الم ولازنم وبتيهي ونع ازامكا مواه ريم تكيف كم عالت زع مين كل تارينت تي مراد المراد والمراد المراد ال دورا درا کے ملامت نبن میں مادی کی بھی نے ان ایک رمان پر الاستے امرولا ہراار در درورا کے ملامت نبن میں مادی کی بھی نے ان ایک رمان پر الاستے امرولا ہراار در ا منعم المراب الرفع المراب ورو فطالمكاني برغرسناعكم دما كوتسه كمني كرجار كو فاريغ كردوميان كونديين وقت

لياكم فالويعي كرها اسكوند كرين فتنه رزحه ورسوحب و بولية فط الكك كي زبان عوام ير طاري كافهام مواليوان إتبه غارتنا وكاكين يردرازك امرامال والت رر تورین ورخوحول سے ایک یا

مروم مروم محكرمواكها ال حالجا يكرو مِي دوكهين على من الأي ادرايي بر مع بي<u>ن مراسي</u> كا مراسي المعام كولهنما وين كرمية عقد ومكف تهوي لو طهد ومين آ The Contraction of the Contracti نفاستام دكركي صوبوركي تكوغايت وكي قبال دار كانبوزوال رينهواتها اكره طاندكور بخرکینی و میرکمیاد رسیا کارزارنین کمال ^{و دا} کی پیشتر را دا کمی می اور تی عبار کینیم و میرکمیاد در میرا کارزارنین کمال ^{و دا} کی پیشتر برای کمی اور کی مر علنی اس سوئی ورداو دخان فغان راکها جب جرفت، بوئی در و دافی در ماریس سی میر علنی ان میروی و در داو دخان فغان راکها جب جرفت، بوئی در و دافی در ماریس سی مل كروسي، زناه كرنايان و اور فرف الله ال وكلير فوا الرك روازا مي ورضاجيا وافتداراراكها بإموعيد نعدف نيجواب عفكي كربهاي ندم كالمتهر بسيستن الموافأ الونابد ور کدی الا نفته فت قت در میاد زیاد در باده ها میر به طول موکیایها که اس فرخ را در کدی موالیه فتار فت نفر تطبلك كم اكرباعث صفائيًا مرئ اكرخود ما زنا وبهي الم تصفيد قد مرفد فركمه يان المدعول اور نعزوتدل مورا ملف كالموق نهوا مام كرما وناه كرية بني اسطورور كم متواتها Bills bill olis عِبات كروز رِعانها ما بسنه فاطره دناه مكه موتي تني رائي كنزاعنا راني عاكر مدووسيم كاتها وربيهي فسيري يأعى في و و فوجونا بير واسطى صافف كيكه وكه وكهدا بهم نبي النراوق آما جا ما اور ما ركامو فوف انها بار ياليه مازار ميكانواه متوت نملاين من ال ته نیر خیرے صورت بعالم کی سفور بر رہی اور بعد مراجع جب عنی ایک سفور کی سفور کی در انجابی سفورک جبی بات عالى بندوستانا اندرا در فامر فله ميكر كرا كر وزان شها اور نزراى آند فندات على يم المر والمواقع المراد والمراد و كيا ورفران جود او د فال افغان كو دماب دخل زينے حسن عليجان كيد سواندارورولاكا

18 ين دي دي بارمین پرکت وم بارمین پرکت وم ببحرمقنول مبوم أنشور 1927 20 3 12 140 जन्म प्रदेश हर्षम्यत्वा يني لا وم واداحدآباكا تهاع تهرسيح ومورجوي حكام حبان مطاع مدو أنظام المكايسا ور

٠ يا به

روانفقارها كوط قبل اور اسيدن كرسولهوين هوم ي تهي موالدين بري كه وه مليون هوا مي كيم مي زمال كرام كا مزه يوم الماد لا شكرات كي مناب و مرك الما المواد كالمراب Contract of the Contract of th ب ب ب به موالدین بی که وه فلدین بی ک دوافعه رفال کی ای کی دم سیایمد به که اوری یا کی بین می مال می برد از می کلیون به براوند که بید و با کی بین می مالایم کسیاد مده به دو بی در از در دار در برا در برا می کیدن می کرد از با کا کسیاد مده بید و با بی بین از با کا کسیاد مده بید و بای بین از با کا کسیاد مده بید و بای بین از با کا کسیاد مده بید و بای بین از با کا کسیاد مده بید و بای بین از با کا کسیاد مده بید و بای بین از بای بین از بالا کسیاد مده بین و بای بین از بالا کا کسیاد مده بین و بای بین از بالا کا کسیاد مده بین و بای بین از بالا کا کسیاد مده بین و بای بین بین می بین و بین بین می بین و بین بین می William Constitution of the Constitution of th سے حربی شارات بها در کی مذکر اور ترام مال سب ای صبط محارین بردا ورداری بنها جدکدداد Office State of the state of th وولفقارخاك تهاسكي بلاتي كأي في محرف الفقارغال ميراللوا بوك مغ الدين والمرابي في كارتها الدارده العادي والدين الدين الدين الدين المارك ركت الهامني بي العادية اختياري كيفيوس وه مدتها رسيم والإدراق درواني فرطيتم ماداكيا جلده مارسكال عالج نام العلى اراسها ما مار قود دانعها فان كيام اسكام آيا به مرزون: إنت م عربا و في الم المرتبي المرابي المرابي المرابي المرابي المرابع المراب الاستهوال والمروز الوالي المال والمالي والمالي والمالي عرب كم المعدفعا كى بى المرابطية كاداف وكران الما ورناق و قنان فرن المال الله المال من الما ورا ركان والمفال يوضت سينتي تبييا ورامد منتح كم غروعافيت سيدمكان من مذورا ورصرفات فقراا ور ولمات المالية ساكين رنعدن كريذ تيم بطيسال بعد عبوس كم حسين عليا ن وسيط والمراد المراد ا بميدام اميت كرالهورك كرمهة آخوفت سيد عالكيرك كردازام واربل توثيب واوا Haring Charles Glad تويني نه ي ع ده يورين كي تبير وأموا واجد تورسطت سه امرالامراك انديت كوسك إلا كي AND TO THE PROPERTY OF THE PARTY OF THE PART ابني فرخ مسيركو ديني قبول كا اوزا مان پاي پاخ دېج مسه ميروسې ايروس J. J. V. V. J. W. J. W. Til Live No. 2)

حول انبالا لله هجوا مین خال محتشی دوم فرار پائ دور منصر نزاری و د مزارمو دالور چین قلبی طرح از کرده بخراری تیم مفت زاری مراور خی لفا برواري دكن كي ما تيري وا

بها در موصرف فالتحو تف كريك مترفر فران موالدين ربي ا ورموالدين خ منفيريه ووالفقارفان البيوين ولقِعر عمالالا كياره سي علي من تهدارا دو فيهت فرخ للمسيطا ورسيطرسي ترارسوا ا درما ده ميتارسيم متو جرارا الأكامواا وروه حصيسموكذ د بینجا الله م اور شیام ما د آا ورفره میکه نه واست اینفران سیار وربه نیکا کنار ه جمیا رح د مورد وتقابلت رئامواحيه علنجان عنوفا ناربين ولارا طرفاري عرفها وكرايج اسئريها درا الخديمة اتي ترشفه كو مرز د وستانه لا ورخها لا درخها لارزخها يتجرم كرين كراا ورعبد الفي رازد إم اوركثرت فوج عالف كيرو وتهاكياكما عايا كوانجام اسكائل مولاكه وفي أوعت وإراد تمالطان أركي وسيط تة وسيكر ومهرك مكان مرتفيج ومهني المسهير مغزالدين تشكر عنبر كومغار حكيم محايم فألدين زمت ای نیت مجموع مصطیفی با بنون رزنانی سوار بوت دور کرمترمان کرار کارکست می و آنید فالمروسوالدين فاكريم تبن وسط فوسيكم فسركوبيني فيسكر في المسيم كالتي المسيم كالمانية ميه فليال كالحيار فقاعدا في قدم جوات كا قام كركيمت ميززني وين مي ويليكي وكلتأشفان جال ككركم إلى كمركب بمفرالدين ببنج خازمان ورصيله رام كه منتظ تعدد مازي فلكسكي تبيه قابو يأكر دخريه ادركام كموكل ستحان كاتام كياا ورجوجي دونوام إست يهررما بالزارا وه تومني يموسي المصيس فوج مذكر زافن ركي اورخود موالدين آخر وز نهاني عارين العالموري ميله كرراته اكبرآ باكان دوالفقارفان وح دمرتها رطرفي بجرم اعا وكي بهررت كم المان المرابين

المنكن ويمتنين فراكم والموارية وبادور فالميكسراج الدين عذلم يتنبيخ تيئن خباريدا واري كاي عسكريا ك فيخ الربسية بافهاندون كافاطرفواه ابني مارامي بيريايا كينتها ذخيره امد وزمواا ورصبن فليح فان بها ركزوا اس فضيئي سيع إالبس

5 ت عالی*ست مم*یار تو دوانیم موکد مرالدین بعد عکم بر و کرد ای فروز کی در و نامی ایک در کران کا بنیات ایک و در ایک کرد کران کا بنیات ایک و در ایک بازی م كي حدستي نياده وي فب كل رعبدا مدخان لي بها نيكو تب كوه ما الله الماتها الرابع بينه الماتي تَصْلِيمُ رَبِي بِيدِبِهِ مِنْ مَاهِ رَبِينَا مِنْ رِبَ مِبْرِيكِهِ مِنْ لِيَاكِمِ اللَّهِ مِنْ الْمِنْ الْمِ الْحَصْلِيمُ رَبِي بِيدِبِهِ مِنْ مِنْ رَبِينَا مِنْ رِبِينَا مِنْ رَبِيلِ مِنْ الْمِنْ الْمِنْ الْمِنْ الْمِ ا ورد ا ورد ا ورد ا ورد ا ورد ا در ا من وعد الرام ا من الما المن الما المن الما المن الما المن الما المن الما المناجلات باكر مبوسكا فرام كرا ور عبيد مل الن وف سير الداما يكر روابوا ورا عدر ما أن المبوسية بجربالي بالمغيل الأركز الأرام ووارا ، كاجوط و دار الرف المار المن المار المن المار و المار على المار المراب المراب و المراب المراب والمراب والمرا ا زُرُان زَارُهُ الْرِيْسُ الْرِيْسُ الْمِيْسُ الْمِيْسِ الْمِيْسُ الْمِيْسُ الْمِيْسُ الْمِيْسُ الْمِيْسُ الْمِيْسِ الْمِيْسِ الْمِيْسُ الْمِيْسُ الْمِيْسِ الْمِيْسُ الْمِيْسُ الْمِيْسِ الْمِيْسُ الْمِيْسِ الْمِيْسُ ر نوت خرج الساادر کرد اسطان ه ا در رسونه را در که نمورکها ا در توبیوفیعه الدا به می خود in on the land is in the انات كارغة برئت كبن مزالدين والربيع أناه وكردام محدما كومارة فغري عادمد بان Silve ررالداره کاکی ار عبدالنفاغان وری طرفت راجی جرینان کرآیب و کرداره مرار The city of party of the said ع د و المار بدل قرائب خار منع مبائني ل دفر المركم الداله كويدني عبدا وفال المريم كم المالية المورية المرابع المورية المرابع المراب el priviles. The state of the s المرابع المراب

الجين المجازية ابعالكا إدرتع كنور ۱۵٫۹۴۲۲۱۹۰۰ برغیاضی این نام ا الإنجابية فتحاضكم مل دخاجيد جوم كزه البرايل بارتيابي مسابقا هرمكي رفيه الفرزيية برايكه فانظ ره جاك بجامع أوراب كرور من قاعد والانتفاع أنجمان بالامواول استعجام بفنويه والورسيكم شابراده ادلاد دعفرتنا موفروز زكر فارفعال فيرسك مديناه أبدين إثيراب

ښاکوكسې دي ټوري سوالدين مينيون كوابك نه لري نوي اکوي مين كا اورده ما ني رز محاجي مينانيا بيراا ورمانيذ به ن او ميكر طرف اويكي روان _{ال} يريح تبن إني بن قرال لبنول يوكرة أرب والجراك برا برو الخارد م برستي بيع د كبا توليا اورآر اسماع كم عن لنان مع في عاري عن سبة ما والبديج جمانا و الركة بالمراز وفره مااردور بيناهم ابقاء وونقع كالانتهار واستعادا 在身份的外型有限的原则的的**设设**的 第一个一种原则是一个一种 المنفول فكر وأأولاه مركم بني كبيمهات أميذ ابني فومكم ليكرعلدمر دانه كما اس صعدمة بن يا ون نبات تما والرانا الميلية والمرابط المرابط المرا والمراد المراد ا مو الدين الغريبي العالم المراكزه اوررك التي يوي اورمو الدين بي زنالي عاربين مبته كراً لين ودانفقارى ل يم كهروسنجا بالدرنقاري في كيان كوين بينان ف د كيه يُنظِ ليك ووالفقارها المبير مال كالمرائخ رو إنداذ ون كوبلا كراكم الم الماكمة على الماكة الماكنة الماكندانية ندميز المران المران المراد ال في ألمه بالمال كرويد أبيا يومقد وري موريكا المؤن 'V!-

المرازية المارية المرازية المارية · Eligi برعوابه مهم كله كمااورها براعط نامك بندند معزدا احمدا والوكاره ولكما تخرين التركت وكما بوير محرم كركيك فالمنقاكا والمامع الت معرالدير بكلهمان مؤالين تحرجها ذات وبنغال رفنؤاس اوكانها كم وكفة رؤه فيص كانصطبور المركه وه كار فاتل تأبير تشطاه واقدار المام يق جلوس اور فكم في فيه نا دا تونكاه 616 ركبة تهاقابن وتنفوتكم أب عبر المراد المراد المراد المراد المراد المراد وفي المراجل المراد وفي المراجل المراد وفي المراجل المراد وفي الم يودد ومرادي دفير لقدراو توسيط فيرسان وكوكريري دو ووزيدما ت يب بيه تقلوك عطول مويكمة أكركاء اواناكابه ما مديد مع عن من رئيس الموادي المركوني في المركوني المرك م تقدر دوك وهنت على ويرواهي كيا بادرا فركوبهى وساطت مریک اور کواور و حفان را ورد رمیک اور کواور و حفان را ورد الماريان المالم

يريميني لأدمام دم بذل زميا در الم يكرم ديمها كرد و نوبت أسيحاريكا اورلببر عطنم سينا عظم شاه مبهوت موكيا ورزباده ز دلره و كرها أور بهوي المحررو زكدايكت ون التي تها مّا م رفقا استيكرا رخودا عظم فاه بهي خم كاري كو لبكاكم كرميهوت موا اسمبن وتر دلحال ا نِي يَجِمُ كُرَاعِطِ عَلَى كَالُورِ عَالِي بَا وَرَعَهُ وَكُوْنَارِ كُمُ مِعْ مِرْمُ كُورِ الْجَهِيا وَرَنَا وَكُ المين كمربها درنا وسربهاي كادبكر رويا اوربهت فاسف اور ما بي تبار برح كركبا كمال تنفقة كي حتى كذما دم ربيت و البيه فرزندو كي عرنيا درعزام سي مطلق العنال كما دوسر و دن فرت اعظم ناه كي نت كي نوكرون جوم كم اعبان ملك إجرارك ورت بيم باتفاق عبية المار خاريجة المركب دارية المركب الملك دارية ا و الفران المارية المرابية المربية السكاد والفقارة و ون المربية المر يجالك بها در هارو به بهرا كم الهين عليا ورخودا بني ما كيسي وكريم كم بيني يا تون يا بهرا د عرَّ ازگیا و رمغالبین بیم میله کو خرایا که ده پایته ذو اینقارهٔ ایبادر ا يككېولې بېرچندوزىكو ومەپىن محركانج نەختى فافرزندعالىككام كېدار نەڭ كاپراپېدار در كېدا مىلىكېرىكى بېرچندوزىكورە كېدا بالنفر كرارتها به خرستر تبريا عظ اورنصار سيون الكرفايده نهواآخر قرار و المراقية والمراقية والمر Take Market ادر دولتو مرف کی سے سط مصلی قاصد کر کامولا در دورکسیت میسی د بعضده از الکارت میں ا الرسيسي فرراط الشخروري بي في مرح مرد راز مي موي هي كامنجف كر جوان موه مرد الما دركم بي في مرح مرد راز مي موي هي كامنجف كر جوان موه مرد الما المرد المراد المرد ال

يع وهر ركن رتها بعدت كدر درا يوروني رموم كركما مراا دراراكيري عبهائ كسياتين راراع تحاروبرع بعضده وكالكرفة بإدر مديكر وكن كوج كادر لطاق بفاريك كرمون والمير فاركيك كرمنها اورنكاه وبالن جوركرا كيروآ ووقف الهارمين عاجوبن كاقى كى يونى وراي الله يادة عام آبى كه ايك نيوسانيون الته عطر^س مرأبهاريو برفوج اعتط فيكبرواوركا يسيحو كرتعا بل دركترت رد وخاست می*ن تباماراکیاا درمتما*قت والاعاويبي واء كيثيث مإكامواا عنطر يخام سيكيبية ارشاد كرياد ورعاري

ردام بوليا ورنامات موقله رو الدورة مركيا كسوية ما يخ في بالورور فاجهدراما كام اي در نفيمن ماه و نفيري و فرو و و در و نفير بالسير كوف فيرواللك ره موكوره و م ز الرامي في منارز عرك النيق و منته باديناه كي فريع كم فرفيغ يَّا تَعْسَدُ إِنَّا إِنِي كُورُو الْمُحَالِمِينَ الْفَافَا بَادِينَا الْمُعَنِّ عَمْدُانَا وَلِي الْمُعَافِّةِ مِنْ الْمُعْسِدُ إِنَّا إِنْ مِنْ الْمُحَالِمِينَ الْمُعَافِقَا بَادِينَا الْمُعْتِّ عَمْدُانَا وَلِي الْمُعْف ر ده مجانی اور کوت ایا معدی ای در کوری ای ای ده مجرف ایمام زر ضفر آمرد: بورد که بیم اعظم ورساره فالمحارث مفترع في الحال زيرة الوعدوم واره رام منان زر آمدابها فزار ورومتكل الرجري: في اريزات ر مذل اور نورنداور كبر الر على تعلق الموركة معتوي بعد المراور ال TEUIS . بيم الكركري أن فا رنج البال و المعقب الماري المرابي ا المالورك المراده والنماره ومن عبر التعليم والتعليم والتعليم والتعليم والتعليم والتعليم والتعليم التعليم التعليم المراد التعليم التعلي J. U المارية الماري الماري الموادية المرادة عالم بفائك موي الحرس القبل و فل لجنة ابضاآر كريه معظ وركان و منية ز Spring & معبون طدمه في در عرا في أي و بس المهامِن ن درايم ملات عالم The state of the s المن المراجع المراجع المال المراجع المراجع المال المراجع المال المراجع المال المراجع المال المراجع ا Wite Been and The State of the ور و كا بها الم المعام الما المعادة و و و و الما المرام المرابع المنظمة المرابع المراب CONTRACTOR OF THE PARTY OF THE The state of the s

White the state of ا بابر كذه كم سوية و ورفية أني مفر في والدولاء كوم كالدفيك أينيادوه بي مل أي بويئ وزكو الأويدي وخرم ي سائم وخالي المرية الوسي وفاركو في الأحراك الافتاري يذاكر ترظارت ما صوكي عكم تقريكي وألجه الاو ومدر إغريخا بوامر وارجدوا ويكوس غروا وموكواته إلى بلابخداد كسي و لل كول فريل ما زهي فرامن ع يحيم لكا اور د بعد و ملك ويجوارت واي كا كهريميه بهي وافع ومحراس فهم بدغازي عي اعظرتناه كيار بابن وتتريب ماز شرايح كما المرا زوراني سيوزنه واسك كمفار فيبرضه مدسكي بيوبها بمسكم اعلاج نوافي ورنان كام كها فاادركس ١ (بِمِتْ لِينَ قِي فِي فِينَ بَرَكِينِ مِبْتُ لِمُعَوْمِ بِ عَلَى إِلَى بِدِيمَ رِمِعَ مِعْلِ جَ بينغ من جائجية لأه آبنه ومن وكور مركام معد آنه مبينه كمناهره مااس عرصه مرمستهم آئين ادكئي دوك فلوسكما برأكوفاك أوجار وكرفضك ادركوسلي وفيرس وسي الميضية وفت وبنه ويالا كوادور بين بردوين نفسكو ديله اورمورها الانبيلين كبير اور فيروز كالم ببي دونورخ كما كمهائية نشارقام زج بوكياا وربادنا وكولي كنيف موسي لكن مزاج عالياة وا عليفياز ذكواك والمراس ولينيا فوعيين بب كخرام يداران الواسك فالمنفذج موا لمفت فال الخالس ليرام حماري فتح قدر كالدور ارك وكر بدون اوروت دونواز کم ال ب او المسکرنجنا بعیداد دسب اکس وس فردرولي Color وافوخ اما عالم كيرموينكا ورجامرا ورومية ألات اور طووف فادا ورنقوة فركتي بيراورهم كوسوا يتج تهاده ميي ضط مكررسواا ورحب فليركو لكنذكا فير موحيكا عاؤكم وفرضي مرتب

ويبن وراق مراد والبدر Charles Charle بكه خان حبان كو بلابيا اور قبل فسر العلم خوارا ده نهضت كم واسط تبخر حدرا الا مكسعادت السالول Children Contraction of the Cont ر الميات كو الهاكدا والماويد بي محركه ميراوي حدد بال بين كركيسرا بيكا زارم كرين شراريد الرايد الراجسي بقا فيات يكي ملفات الفعل طافر نبي رنقد مخيراعلى Charles Continued جواسر مع اواد توراد طالقين قرية اور تحريج بريك راين امان اريك ومرايي كالمت من التي كوكت بر Che Silving Silving مراني كريم بردادي كهاكم تم دوبر بن كونكه كهوب العدامة السرع صرب ورنفه بحو مراني كريم برداد وريا كهاكم تم دوبر بن كونكه كهوب العدامة السرع صربان رنفه بحو سنردكيا جا ديجاردر آبيك درسيان خيرينه كميان كي دامط عالم كرسيوسا وكا يسراه سنردكيا جا ديجاردر آبيك درسيان خيرينه كميان وكاليسراء اسر کی کیوات جواسری، اوسے روز حضور کا بعدد دنیر در کئی جیسے مطال و اس خانی جوالیا طرکهای ما دخان ما حرفهاسوکه یا کرمین نیزا و رها را دی نیجی انت میکوره دارسا کها دور ا طرکهای ما دخان ما حرفهاسوکه یا کرمین نیزا و رها را دی نیجی انت میکوره دارسا کها دور ا بنه بنقابغان كياسعاد تاكن كها وارز النبن كما عضير المعادرها مري فري المبين طول در این کدد روز در این سر این اختصار تحال به کهایم خی با تمهار سین برجر الحکمرا آن كريه كام كما به كوست التصيير مين كيا فوعا لم كرو وسطيست عبال فهار و معرف ي موكي اور اين مي تاريب كاري من تهاري تصركر ديمان وكي معد عالم عدر كو كي رساد ورفرانسية باكرته نفركا وزالم البر مرسرعة وناماغ فرعا المرقم زاري خواص والبرورا ودس والم موكر عالم المرفية من المعرب المركب و المراه ميك و ما الواسي ، خروش منطيعي عوجارم كالكهي كير بالعكر المسيح جورها در موار الوكيس ما وس محفر مبور فكر محاربيا اور جرو منرل رِ على كوكرة مريني وال ورب يج عاربها درو موشيح سيا بوريكه امور تسجر فلعم عِراكُم لَوْرُ أَبِيرُ رَافُ فَالْمَالُ الْمُ الرام مار مو أبر وهن المرابع المراب Tilis No.

ر کرده از در ازده المبرن البرارية المُنْ الْمِلْدِينَ مِنْ الْمِنْ الْمِ التأره الجراد رويزر أو أبرية ومويل ا لنه مبدرا بالسكة بن ورسبه وكزا، فلندستهم اوركهر كاكر ثم قبل أل Ewill Strike نىن ئى يىڭى دا بىرىخاددا ئەجىكى با دىلىي لايكىسى ئىقىدىرىنىدىن دونون ئىرىخ ئىدىكا دا بىرىخاددا ئەجىكى با دىلىي لايكىسى ئىقىدىرىنىدىل دونون ن بعضے سردار دن فی تام خرایا ن اپنی د د زیکے باعث ہے ہوجا کی طان الريج فلطام ري زاده فبارج ع كادر ميص بعداً لما أوسيط كوامور من زويك عالم كرك رداريا دشاه بدار جرفامه مر

را روا ومرافع شهر يخلا ورابك يهوي حداج ومعطى عالمها درخاه كوا بهی خونها درون میش کالکریج عمری ا ورفوج و کنیون کی بسیا موی شبحا و را مشر مشرک می داند. بهی خونها درون میش کالکریج عمری ا ورفوج و کنیون کی بسیا موی شبحا و را مشرک می داند. وفيره كيه عالاتها كرا ببكاه تماف برنكين فان جرايد نب كالزمرا سعة يؤف بناه بالأ فرمان دالا خان غفو لمنشر آخر خازا و اورفاجها ريكي آياب مجر دونو عواظ لومورمقد مين - اياب والا خان غفو لمنشر آخر خازا و اورفاجها مي آياب مجر و دنو عواظ لومورمقد مين ترفق ختبار کيم او را بولمسن فوچ کو کوشوش ان کريم کېرکوسو نبدوق مينا پذا ورپان منبات يقي منبې ناه زاره فاصد بها المستبل عبيسية خلوتين وراده يوالها كباكر فل وضيا وخنا وكي زار واس مئاب بنين جرية وسطح جكيك سواد مونا اورخا بنهان اكر هراو إفعول كرمين نوبهتر بنبرفج بنه ه برا دلی مین فت جانف نی کی اواکریجا طا وه مهسیرا کیر وزایک بل و د مرسے فی فا ويك الدرج مراكي الماآياكه خوان فاحد كاميرسي خوام يكر ردايس عق مبت ت بزاده کی متوکس مینی اور و اسیطے ادامہ کرنے معنو نسکے عکمیا قام دل ای بی ورشام کے وفت دكريج سردار والتي شامزادهسيه اب بنام كباكه كبي اطلي من غلى تنه بهريي ويكيا وار الفيريك ابنياني فرج سريك كرمقا لمدكرين جومرتسما عت بورفرسياكري وكهلاوين صكي هنبت إ در موفع نفيب يكي موكيف بزلوه منه قبول كنيا اور حضب رق رون د کری فلات نب مین جدراما کی دا ه لی جویت نرا ده دیا و با یفی المرابع بجاتيه ويركير المائم نفي قب الخامي بعداس فستوكيه برطن كرفيسي ما وفا مدارالمهام

hine post property المومن مع من المعرفة المرابع ا الود بقام برئين مانكون والم AND THE STEEL STORY OF THE PARTY OF THE PART

ت والله مساخر و سائل بن المواج و ده و که الفال علی کے وسط افی رنا أم كي النيستين ولاد المسكر والمتي ودا أجورا جا اوره بوركا تهاأنا راى الرمتمرويلي اونا في The Market of the Control of the Con مرات إدرة المركود الطبينية المحدوث من شازاره ما المحرك الماور المالور المالور المالور المالور المالور الم معلمانها سينيا م كالأثيس فرارسواري التكريك التكريكيا وفا ه كوج معلوم بوالمرايان معلمانها ساعيا م كالأثيب فرارسواري التكريكيا مراي كويلال مداسية بيان لوكول زال والمبن المرايم بني وراجار بوكمت از به واري راه لي ورصارنا و پنيجياه و و الم كوفاري اليكمنعد و وروسوس سوار بملادم موكر عازم ارائنا الرربوني طالصيكيها راسكا لحوفاني والكن سرته بمرتم مقط الم مقط ا للطرن كوكريان ركها كه اكرا يح لاكر و انق جاروس كم عين ورسواا كراوزود ووي مرسطا ورسوا ادمین در کران البار الب بادين أوالسية المالاه كوروار عند عا وكما عالمكيني فبول منوريه مقديم عطانها كدفا وهي أوراني معادة عمران فوارد الم مقط كوما مدرغف كليا ورموسي في فردا مجود إلى المروق موس سقط مك مراسية اور هج البركوكمال عزد نبال سيروانه باركاه اس ما از الما كا كيا واضح هو كويستار سقط مي مراسية اور هجه البركوكمال عزد نبال سي روانه باركاه اس ما از الما كيا واضح هو كويستار ن غن روس اصفها سکمینیا بادشاه واکیس سفیا ایکه آما اور جراد بی بیماریکا بهتر مراه و دایادهٔ وصرفان والمصار المع مقرري اورده اود مركم مواا ورصوف مني في الركام اما مربر و مواند المربي ين و مريد الله بالموالية المالي الموالية فلوكا وركون من أره فان أكم عدم والدن يسكدر ما ولى مكياد إلى

بنهازتگوه د وسرا شادار کشکوه کابری و حدد زاراد المنافق المنافقة المنافقة المنافقة بعدِّفان جَامِرُ و وَيَطَعَرُتُ لَا إِدِ وَإِلَى خِيرُوكَى خِصت المراجعة المراجعة أرا وروفية الوتيسياوت وراك كرزا كالاقبسة نام تنيداكي هارلاك بيئر خرار ربيجي بتي لارمهسين كديانه ووريد علطال كاتها كمودن ويرسنين فبراط كامها بذور سكيالس بزدرولي أنبي ج بتيرمال مع يست فان منان بعظم كي كويربا رمعنوج موالاد لممان مولا ورغلعه خالط م بهي مفتوح مولا وسيلمام وتفصرته كى موئي بنى كابل مرموا دكركما الإسكامة د كا مروط كله معام كابي أناكيني من أناب كرزنه صفي إسك جراً

عاقب شي كالكيانياو بالبيالها في مواكد شيط فينامه ورتبام يس طله ورانظ ما د کرنامه ورنام ہے وعد بعداز دواج میں و الفياروفي نواد المراسط مراد كركيك الرابات كرا وشاست مدانتي المناكم المرابات كرا وشاست مدانتي المناكم ت غِرْمِهِ مِا كُرِية فِعَرْمِوالا ورُواوْن بِسْرُطُ مُرُولِهُ مِنْرُ ي ورفيق وليك بياع كاموا منجاج إسلام دفتر كوانني سي جالد كا حسك راا وردير تربيح عزم ميكات مفا با توجي من موسود و ما كريك وي شار سنجائيكم معظ غان كه ازار فمرا ورجدوه وترانها خوف بان سروم فدما بسنديه وركا وركمني (زيئان اط افيهو .) وراق سروم غدما بسنديه وركا و ركمني (زيئان اط افيهو .) مود دبياوكي دولوس بويدين ابدا بارسي ماري زوهر كراصحت

المنبع المانية الزوس المار والمبادرة المبادرة المينودون بالمرمط أيا بمسكوز دورجهان مج موموز فناه اوركانييت عالمكوز ادرط فنا في رسال جوس كا دَّارِيا ادرمِيَالِي مَا يَرِي كَلُوْامِينَا الدَالْفُومِي عَ الدِينَ وَرُأَنِكُ الْمِرَادِمَا وَارْبِينَ ءُ وَنَفُنَا وَمِنْهِاللَّا وَمِنْ اللَّهِ وَمِنْ اللَّهِ إِنَّا اللَّهِ اللَّهُ اللّلْ اللَّهُ اللَّاللَّهُ اللَّهُ اللَّ ع بها المراسه على مغيبيكا بي بكن منه إلى العرب نها بسط أكدال المرام كالمبير كل ويوشك الله يحرك وميدار وباروي والمراجع لقار بالصِّن الأرغاد مِن مِن مردن وجود ورائكي ومع لِيُرس ما دونيل بروج يركنا وه يرك شهرا دربارا وييداني ديي كله علاينه و رفط أبابين بهنيا اوركو <mark>في د</mark> بن عادّ بيرواه پوره مركم كها به جندوز كها د ثنا ه يفه يخيا الساس الله فا و تركيا مین ایک ماز وافق فوای علاه برگیر کرنبت اتحاد کو رسب ملان اسیکا و تصویکی عميك فارسي فأكبال والمائخ ورارانده ولايارس بم لنترويس بوين ونجي كم مقول مراا ور لاش مرترسیسین ^{میا}دن که دفن مای

ياه يم تا نراده هم ما طاب كواكف مروا رو كران ام كر دفين تهي ورايد منه مركان المام كر دفين تهي ورايد منه مركان الم على ي در المرابع المر راز الماری می ایم میارو کے دروین وی بن وی بن ایک مورد رازی مولی ری وی می ایم ایک می ایم ایک می ایم ایک می ایم دارات کوه ب امیکر مارو کے دروین وی بن اور کاروی ایک می ر دېر و نيغيدار كوم تما جېزو جويد يې د نيځ و کونتري د څېرو کې د تاه نواز تا د نواز تا د نواز تا کې ي اسريك من متر تقديم والاوردان موه التي المراق ا كي اسريك من متر تقديم والاوردان موه المراق الم ريم مانشان كوكمال مي المان بيريسيم. افا تا ميها أيا د كاملو و وقت بارتسط السريم. و كم مانشان كوكمال مي المان بيريسيم. افا تا ميها المان د كاملو و وقت بارتسط السريم. أن زنه استع مارف با والمراب في من المراب والمروم الات المراب الوروفي ويدال اورابي المعنوا كي علوم مواكر شيخ المركزية كوي كم عبدركمة الأكاجة بسرايس كداور فعلمه اورلقب وتوف المركونية كة بالذون ين مفيخ وفروزي اور عليه اور بيودي مب الرج ب عيمتر عي النام ألار المعين الميادية المعالم المادية المو ميكة بالذون بن مفيخ وفروزي اور عليه اور بيودي مب الرج ب عيمتر عي النام ألار المعالم المادية المعالم المادية ا يساع مها منجال في رافيا ركيب في خويد بن مباركي مقربا ي موافق عرض مخرين كي روز كمت المجاد و المراد على المرا ما تهم اه نیره دور اور فری سے ای لیسی ایسی وسی دو نو کریسی بھی میداندای ت كي عند الله الله الله الله المراد ا اور دبس مزر كو اپنے تقدیم میں ویسے سول دو مینے سنراوں کی ان ان ا بالمرروز براجع المنت في المنت ومتازم تا تبالورك ي وهين محرول ع عادات ه كاروي نامر ماجي . الله ماجي The Hill was the

FLILL COLL dyll de مامر ولالضيام متعاع وكم مونفاه رعا أكم يكم مرا الأزنال واوتف كم ياوض بنى الميسية بلافرا وليون وجرايرن M. CX الم ره کا کارایک ئىرىتىيە ئىرىتىيە ئىنچەغ ئان دلىپلى مالە بالكم الالفيت التباع ومساج ع أماره T. Cu

سر مصر سکے تا دکام ہواا ور دارا کو ہ وت الطرق لمغارله المج عداس عرم مرم موم و طفوالات طبال ببلا ورالا بمورج بولمبيد جونهي ربيح الاواكود افل فارتيجها مين أور مون من انا في كوساطان ع كرخريسي كراكدا الريح بعد ي المرموني راكه باركوس فاصله برك سي تا مزاده وي ملا بيكه ابكه المحلط بي سقاروا رعالم مربى كوج متوارة كركي على أن وزندكا مهوا بمرامنيوين ارخ الواركا ون عرم زره مصم كمك افراح طرفير بكه ارآم بهوعا لم يراتي رسوا خوامين براد، هي على فران الم د در ارکوارا دسری اما د ه سرد و میگاسی او را و دست خ د بندافتر بيرخ دمرا وليميل ريان اورعالمكيموافق المستكي ركوركي خركاه عن اوتهدكريهر دان تي فاصديراً داسي وسراً ارا مواسل عاضام توليونه نفركسي الطاسي كي رومشرب والكوم (المي اليابي

وفيك تأثيكه وبكيمير كيماكه امر يتلفت اورفها ذوابكي مالكيرس وجرع بتويرع وتروير عظ جبذه كيابيديكي اغواسيت خرشا مكر ويرتئ صحاقا وبنبام بليدو فرفي ورنعا سيسيك وعيار البسيدها لي *بِبُرِيجِي* فَيْدُرُنِيكِي مْبِسرِكِ جَاكِمِهِ جَإِهِ خَلْكَ مِنْ مِهْرِانِ أَوْلِ زْدُه هِ وَسِطِ الْمَاقَ راد رَبُرِيسَ^مُ تغريب دلوكل وبعدفافل ونيكم مكاراماني رونوان نبخ در کار در در کار از این آن کو بهجوال ادر لاوسط اس مرتك مفركها آنية ارتج فنار كيراخ اعزا إدور بمقام كامير موزمه وفرو زيقين سنابنية مخوميمكم محمدا وراكتب عالم كبيرفه أيد اعلال فراك رفت افراراونك وكرسرفراري بيرار أكليل ومبيم كابر آلوكيه اطهوا ورواطيو الاسول اوليالاوشكرمبه يعد الرشبية ويليا وها ويُع بين مهر مبيها بي ليكولواز حشر سط وأعطفت عماا خانتفام مطسنه كيم عبوسن في به وتوف رمكيه اورس أورفعين لقب والاسبكاكما ووسيلم دن جمر أكاوان يميرخ بجيوين فنقين كودا بات المكرطل وروانيا كمارستارك والمداور وسينت مقبل رنداي شكت كما كاتبااور درسال بين مندالاس إل مزل بيعا فرمو كوفث كوارنش إلا درتش ومنطف فامراو وايك

تايمف والميارا ، رتاسي كي كريم سفو إناك واضح موكد مناو عالم كورتما كورتما كورتما نفري ما رستا بي كريم ربان طور خلاب كي بدسيدا وررف كدور فاطرسيد <u>ايز</u> كريم كام علنظ عهده مين ليوين البياكه الحالور اغلب كرت الفي كم طرف والتأكوه كمه تها اور اي يخ ال ابني بهت لكم تمار بز هر فالربا و شاه كي خلاف مقصو و ما المكرم مرود سوي اكر ه غله اور البيلااسكا دبكهك ظاهر مين مرارا واقيه بي رائي تنكر ليرافتيارها كل مزاري مركي اور طاق والاب خود بنجو دهجر سن اورا وتسابت معيل بهي استفت عالم كيرليا طاخا بكي هخوا أمتصه ومرام كا جاني اور تنان والتأكوه كا دبلي يتوفيل يم كرادا وه شامي ال و كا والأستال بلية الروري عويرات الروع المراهان وتساا برويرك الراهاس والاوراء المري المريك ليم رمنية. أما ليفي تأنيزه مي مقرما بني وردا غيوما ن ميراما كم وتبييط سرنجام والم ادر ركي يرجموك موفرا ما وزوانه ما والمراه المراكية المراكية والمالية المراكية المراكية مرة ربائي وزنفي فان ووره علاج باب كافر الاوزين نرار السرني اوفاعت فا مراور عريم مع ساہ و ورارید افعے انعام دیر دوسیر رضائ کو کوے کیا جوہوں کو میں تا ما می زل مهوي غرفرار دارات كوه كي تابيجهان إلى يدع فوق وسط بهيني سرايين فين واؤخش كم تورشدور سے مریب تها امدی وزری بیما کی اور الدو بی سید عالم کبر کی فام ملی ہے ، خال برین رکنا نہا کو سرر الرائی ندوستان کی جھیے ، دی کہا تہ حافت سے خرافیہ اورتام لوازم لطف كم اينياس كن نها ورعالم كرمصا وقيت ما كرد ارآ كزار تا تها

د بل کابرا دونین اس من بدفوار دارا كمحرم كوم والتساكي جيوارا ورانيب William Confort عُرُ الرَّيِّ مِي اللَّهِ الرَّمِرِ الرَّيِّ فِي مِادَ ا المالية المرابعة ا ومنستها والميكيم يحيينها وروره والمباركون اوردان يلاكم كا المعاملين المستنبان ون بين كا ومركة ورسنا ورجوا سرا بين كا در برا بي كار اين كا دار اسكر و تنا ه عدر فواسل عرضدا الي مدستن وا وباغ ورزل ومجم رورو المراأ وكيا بخزنط وبالإصافا بمرسا الوشيت اعدادتنا ملاطين نا أشيئه اوربارها إليان تغابا جوابين عشيكي وبلهآ يترتي كندا ونيلارز الي بيغام بهي مجاوة لته فوت النالك تمن ع وكل الماكم له أنو خامه ينا مرها به كا اوربهت اجريا م الله الم الكضيغ تمركاه الكامل والكيرانا بحباية بطرائ تخفه مراه صيفه أكورسك مهجا بها جوقت فاضافان اورسيريب الدموموف فيراكس كذرافا اورنام اسكافام ا وَيَكَ وَدِت جِر عَافِرِينِ مِهِكُونِهَا ولَ عِاكُرُ جِينِ خَرَضْ مِيكِ اورزيكِ وَيَ ألمسين مرده ملان كا د بااد رخو داد ركز ربين سيسيكر المسيسة بنيل سي وال . با پرموین کوارا ده ستو خافت اکبرایا کارایخ فرزنز استد کیکم مراد کم المال في آيكر رجا ديني برامركا ادرّابي ل كركين بي في كرمتنال ارخرام بروا وكرحو بيان وارسنكره كي زول جلال فرايا اورويان بينه كراضا في اورنا مرجع ابت

دن پایخ نمورگی را ه عرصه کمآیی و شیخ بسویمی تهی حکت کرنامی بخاکر توقف نین جایگر ر با جرار د مرسیم شرفی اسدن حاص فرفر می دوسیم داش فوین رمضان کی بنی دونوط Contraction of the Contraction o يرخ اربهة سوم براكه موافق عكم رنفارج نفار التمذ وغيره براكيه كطريس القصافرون بركي Casi Caller ردائي شروع موسي بها لكها بمكوا على ن طرب دارا كوه مم علابعد كرس عالم كركانس أووة غوشرشر کی مهیم او خوجگ سوی بها در وان نفی دا دمر دی اورمر داکی کی دی خودشرشر کی مهیم اورخوجگ ير رفي موسي حتى كه حود مرا دخت في رغم كاري الهايين جورت وارا ويما كما يعار في موسي حتى كه حود مرا دخت في رغم كاري الهايين جورت وارا ويما كما تهوي مين كي شخص ين وراور بارك الراب كيا و رام روي له ام را بتوريد ا و الرابط التي يم آيا اور و بالن ما ده هو کراسه مان مذهبو دج سيکه قطع سے اور اور اور یا دوری کوسکی دیکهد کربست نبندی اور جا کا که به زنده 1/3/25.16.19 ات آوپ ما داخل کروه مخلصان مو دید نیکن ایسے بها در کہین کرفنا رموتے ہیں خوکا مار اكياك فيروه في بهي في ي جارف في كوفي في الموادر كريب ميكة بي آخر قرار فرار برتبرا وارات كوومع فرز ذا ور تعضي فالدو كافعان غيز ان كتراميرا ورجرال عام ك فرنبع فريا المورس المتعالية وفت أكبراما ومين نبيكر البيميكان مين ترااورافراط

باح أعاله وإن يمح غرواه و كذركا ومرجب كرمية مضور كركم الما رٌ تب بینی مین فرج بکر شول و نشاجی با دنیا ه نیز دار آرهم بوالبورال الكريك

طرف عالم كمرا دربها متوير ومتصل دمرانبوركي الراكب كوس كخير فاصلت حمدان م CH. S. C. C. C. عالم كرك بسرط قارنا تها وسطيا تام عجب والمعام كي كدارا وه مراح كل نبين بمن و واسط عادت ایک جانامون کر توفیق فیق توفی کو چاہے کہ کارمیری الی فاصل Su Vanie Live In the Contract of the Contract دونهين قريدانغمال كيم عاصانهو كارام مركور كوفقت ردارا كوه كي مغرور تها اور ربودان دونهين قريدانغمال كيم عاصانه و كارام مركور كوفقت بردارا كوه كي مغرور تها اور ربودان بي ببره كير و عالمي سكن المركبية آما و يركا ركابهوا عالم كيرار و ورب يم معلى عرو كلم يني في دا عفر الريون ميكند و ساق ت موقت صير الحاسي وي ما ورو فيد فوري داوروي اور الم ي دي الرف الم يبيع كرنيه تيه يركه الفت كوشفراً و وكرني تيه اوجب مور نياني ده بي روكية بهراخش بعدبهت مارائيكم بنيت طفين يصير أرشتون كي منجي على جرصمري المجما ورس والرسي المحتماراردو ئے ہیں جو برین تو کو شاخت میں کا دروہ مہا کا لیٹا کی بیٹوسیا کو اپنی اقت سے منع کی ادرموضع ہے۔ کے ہیں واڑ جریف کو کا مناس کا اس کا ایک کی بیٹوسیا ہوا ہی ایک ایک کی بیٹوسیا کا ایک کا ایک کا ایک کا اور موضع ہ المرف علوار الما بيراني الما بيراني الم عنبير يم في قد و براه تها رباكر يما زالم ي جاست اداكي برشكر والن كالميالا عكم ادا والدكارا بهرمور فعام وبالتسبي ومراومخ كوندره فراد كشرفي عارا فيا ورا وربهت ويزين كميرب كما بمين بموان ديره وكنابي محركوا فله ينجرري بالخيرار والتي يتح اورا وراهم وأرافق في حوصله مروازي عاصل ويين محركوا فعا ينجر ريايا خيرار و الرعل يتو اورا وراهم وأروافق في حوصله مروازي عاصل ويين راس الم چ کرا کنتروز بر انها مر رشعان و صدود کوالمبار کو بینچ و بان داراست کو ه المرابع المراب يه والسطينع عبوروك ورنافي المياني البياني كذ إليان عبور يضط الرباس المراري والربي المرابع المبين المالية المالية المرابعة المراب ا Mrs. Joins Kin. 181

اليفارهم بالداورتع بشورق فروس كالأيام بالمنت بيستوادسيس ميزير موجا رعينيا ميرمون مختاج يكامث جهال إدرتاه مملك يندم بكلااه رفاليرمان بيابنو وبكواريد مورعالميكمه وتتأه كإسان والطغر فمي البن عزاد داوكبا علاأ عفرت وكوجراه ببير ليؤمونيكر لم خطأه وثاركَ لم يست كركا في سواا وومركز ولت كما تباروانه جواا ورمرا طین کیکو فیق اورنگ اناکیام حروقت جزائه میکزور سنانی سیک بهائ كواروبغام يسيم عادرتام جز دبادنياي امين بربداق كادانه وكم 0,16

ع من برجها فسله ها قامه والهج موكروسول كرفسية بايريس الصحيح مو مرآ در اوركم متيون منك مرم اورمنك موسي بين اورصى ري شامع كا صور مصلي ك بطوري استكريمات بے بنی مریکی عوض صوبی بیدند کے بیار اور جا اعلی زیم کلی و در کا براور جو فرند کر كاوروسامى برايح فري وكركاباره كالمربب اوتير كمركا ما فيدي يكام مرام ورسط CHANNING STANK تياري بين كتيري ن عديد را در قلعه كان أي انكر زيني في كينه بورا كان المسيط وه طرعان أورا فيفرا الكياكم الخ الأرف لك كزار بح تيمها وتا مي تهاكم وبين توتي اليخ ويح كي حذا كو بياري وا كى عايدال موئى مرجد كه مدا دا بن عي كى لكمن كجه فايده نهوااورنيا ده تليف جيد لكى خود مدو تحب دارات كوه ميكه كه كودلى يدانياكي تها مراحت كريكه دا خل قليرُ البرالا كام والورسزل مين شراده مروري الهات فرائي اوت براده مداراتها مكل سلطت كامواجب المرضم ايات نهراده سنبيء بخابل يان كران كيمازم اكبرايا كامولب وارانكوم بنا ن شكوه بيني كوليط مدافعت کیمامورکیا اورت نبرا ده مرا دنجت تب که او خطیه کورت مین ایندنام کاکیا ا ور عالم کیم يريب بالراراب ويوروبر وكرسية متوجه دارم مطت كالبهوكسين بهايكون كمي خاف جال مويذ لكي منطنت مطالم كاتهاده دمين الكرآخ كوبارتناه موجاني تذكره آيده مين مان كرنيين آويكا اوريا والميا قد وسرم تهر رس فتبار بين عالم كرسمه ربيه كوكسفيت كي بهي كي عا وكي او رجب ايا م زند كي ميكم سبري ببوكس ازبرس البرسزا في عالم كيرك قالوكرابا مين جبال فيدني كبيروين جب مابق کی بیرانگران از براز آن از از ایران در از براز آن براز آن از از از ایران در ایران

رد مرالک کے بنے ہی تھے اور دورہ اور کرمان بر مختر بیش ار د لوگ نه ما در مند که بر محرفه بیش کا و دابش از د لوگ نهما در منشرا الماردالان ويزارادي ارا و كري ارتاد و والدز ديك متا بزاريك واكرم براي كيفيوس النه بزره الجريب عاقم زه کا مورسراله که و چدرا باکسته آنه کوس برکرج کی جب کوس و کار مان بنام المانية من المحرين المراجع المانية المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع الم ے و کونیار کی قلب ورای بنی بیرای میک شیر من اور طلامجيد وريديان بإالته لسكاقبول والوكس بأكّة رواج دوموكاموا اوركة طلام يسيديان بإلته لسكاقبول والوكس بأكّة رواج دوموكاموا اوركة وازلنجعه كالليس تعاوز آن مين زماك كالمسيح دوسيسولا سخ سوهیم بن قبت بین به ولاک لا نبرار د ویکایین رنیم فیل زها ر ۱ د ۱ با ساز لارا و ورون با رازهم كرزايد اورشبن بن وزن شريك اس ادان ويد الميشر الميلا س بزار دویکا مسئاکندا نا اُداکندایک باک تباازت نرار دو بکا کریم اورس اسكامنك فجبع كالمرصح المكسسل وريا قوت ، زور سے تها اور بردا می اسی اسیمان ورصد الدروء

وإن يااوردوكا يت كاد الي خيجالكا دولا مجاس رو ونبالة ورين ووتارموي وركبسوس الأرع الدبري ميوللان ام برویل رویم که بسوار نفد کی کفت کا انتقا بر آل بواجه نفته غرا دومه رسواص فه عراتست وزر المحت عرون ال نية عارب ورفند ارر فوج عن اربيلي را بدال مال و والمراور المراده اور المراده المراده المراده المراده المراده الم ف ه نوا خان فرزند تولد موانا م المولودي مخد عظم كالراور آس لاکت ا مي الرياق بريان ميوس ورز الزوريون السين ككه و إنعنا الأنفروم كالبااتي. روي لاي بريان ميوس ورز الزوريون سرك و إنعنا الأنفروم كالبااتي مال عي كوروم بيرار رو ركا سيار كوروي المي الميكوه والله بتر رروالي أن كر المراد والمالية المالية المال ناد وص جونعد وست رولا بمنزم رويكانت المساول سوسبوا الم فالد مر الماكم و في رسو تو له كي كروته العدد وركي بكر رضا علم اركيه عوالاجها كمركي وروم ررنفا وبي اور سيرايك روايف

بالما أتعبه لأكشبيه سيحي أري اين خرج لموا فرفاء مجيسون بسع الاول الافركز كأ المركن أكتقيده واهم مزركع موري كوروشن الدوار شنيرا وانفضا كاسوانح درا المجام كومبيجا بردر و والنامية وجيب نظر تركيا مام كالم تغريفا بينكيت في در لدالي وفرز كاما درج كندا ع من تن ل ميلام كو كلم واكد كالوول بندوي كود دوا در او بني أيم متر تار و بداخة دكراماة اوركي ل فدوّند لمراوا نهيداوية وركي بادرا فيرين ل شهزادد اورأن بالموق فَدْ إِرْ رِجَارُ لَا يَانِ كُورُ وِيتِ تَكِيفِهِ إِنَّهَا مِنَ خِيجٍ سِ رُبِيتِ مِن مِينَ سِيَسِكِ عمامه وإ تؤادتنا وبذعبد دمين منصرت كاشارا دوكونيده بزار بينع فصر اره فرارسوار وتوسيه ست به مرفراً زایا در عدمته حوان کوت بزار د موهرفیک مونفی مرتبه یکی با زیا ده لبادرينم فال كواهل الفافه سيه سفيب ينجدري إنج مزارسوا رووسي بسيار وخيكا فرزمي فروز عبك فيطيرفان بها در تومع اص دان ويحيسب لم مرارى كالراجية مواد و مريسكتية ميريم ارنفات ميريم الحاج ماته موي جرميوي الرشيط وثناء كي سبيتيني دركي تبي افاسير مغتون تك افلارميام ا درمفان كركيسياخ ما فهرنها

is the start of th أج برويل رويكا كهاسوا ز نفذ كرك قمت في المعقمة غرا ودومه رسول فيدي والتوسيم روزبرا مستاعبوس المور عية عدين ورفد مر رفوج عيف الريم ي البدال قبال الوث الراده او ف ه زر خات فرزند تولد موانا م المولود كا محد عظر كما كا اور اس لاكم سے رولا بھی از رویکاسی آفسیوک سوسیوا ا الرسك عوا كاجر كزي وروم ارتفال في او المانكية المانية

مالم لي التيم الم فازري 1 ورب نظر فرق ما م كاري تعفر جفاه يركن ستري در لوالي عيى منائنان ميلاه وكومكم بهواكم مارويكي بلوي كود دواد عوراكم مي المي مترين ويدفقه وكردان التركي لاوقد أرما اختياد يكورك بنارا فبرين النسها دراد ركنب بذفو فنهار ببعاكراؤيان كبن وببت بخليفه ل تبايئن جوبيب سازيت بين مينيسك عاهره بإ

روياك مېرو توليك ورايب سو توله كاغيا ويند بوين ل برابع داندامنی خانا ک پيدار مين روياك مېرو توليكي ورايب مِنْ اللَّهُ اللَّا اللَّهُ اللَّا اللَّهُ اللَّهُ اللَّا اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللّ ن دي بزاد ، مراو تشري و فري و مراد فعا صفوي مقرب ي دراي لات او الميلام منعی میں سے دورا میں جار تقال صفی ما دارا کئی ہی ستونین اصور داری بنیا کی منعی میں سے دورا میں حضر تقال صفی ما دارا کئی ہی میں ستونین اصور داری بنیا کی قليم قاربها وروي وراوك كتابدين ونابدا ما ع معط ركهاأتها وين الأيرس الشي في دميالا داعلى درائن كى قالد ومفتوح مو ورعازي رمان الم واليوس الشي في دميالا داعلى ردائن كى قالد مراسفتوح مو ورعازي رمان ر زنیا د صفی کیر در و ترست بارس عیابی کیریسے نفانسر کم فیمیت ای مارست بارس روز نیا د صفی کیر در و ترست بارس عیابی کیریسے نفانسر کم فیمیت ای مارست بارس تهي روايرا اورواي المنظل في ولات المخ الوريد المال المرتبي والملك المرتبي ولا الملك علاوالدين يخ درية الماري ر فواج ملائيما طرف كي يومبون الحقارة المرتبة المسايون المك طرفدارال يريسي كما اور آبط انبي تون نتمور آبا دريث نياره ۽ اور افريكيون فرائي موند سيريسي كما اور آبط انبي تونون نتمور آبا دريث نياره ۽ اور افريكيون فرائي موند الرافائي بي مان بادر طفر حيا فيرالا مرعيم دا نخابي خوردا كا برآ فرين تحيين خاعر وعام كم مهوا ورجه أنكرين بياسامان زكبو كا قبضه انواج تسهرا و مكاليا الم المراز المرا ور فروس والاربتا ديداوراللها اللاص في نفي دي الفرهر خال كوكوه عاكم وبالنا تهاسر المون ال وعوف كركي

فواري بائ وركفوت بن نيث يأي إسآبر بادتا وا ور آی آب بی ی - طفوط حن دخل مالکا مان آفا يُدآيا

ے انور ور کو کرو ہ وال را اس کے حربت کا پہر تخت مرصہ ریونیا تیا رہوتہا علوم (ارسجاسوتير كن كاتراا ورعفر إطراسي ومحاولت بالميحركا مع سنكرا ورجيكم د اخل على محرف سنك ميوسم اورسيلان جهال في قله سولا يوركا تفترح کرد اور آی ل ملک کوکنده بین کرد و خطه نتا بنی کرد م کا مو در قلو دلید دارد فاندورا كي سي سيه فتح موا دسورال طالير نبراررو دلك كراجمه بين بيجير روضه كاليسجه المنان دواره دباره داراره داراره داراره دراره دباره دراره در يمارسوي كرا ريم الحي يمضع فيدرس مان تدسورت وجوان : اور اسي ل كغذاي تنابزا ده اوزكم في جب سيست الناد فا ان صفى ياسك كم سعلة وآت ت ه المعل فهران اران مكه تها جديون اربح ديجه ي لنظا وترفيل ليون ويادة الي اسكاية بيم عدو كومرمك عقد دورالكنيده: دورسي علفه غان كي جند سفيع نت يكن يترب عدا ورثيني بك بطربن سفارت كداران كورواندمواا يكت نيرمط ادرایک متارسه کاس مزارد و می بطان تحفه یکه لیک اور ای استراده مراوش يين الدوز صف فان اور جميع آمرًا عطام كويم ره ليكر ضيافت كها بي فوز رفائ كركيك white with the state of

به لا كان أنهاي الواقعي ولان خوريان كيرموانا دي غم بت ورسان ورااي جمائر وراا بن ها.

And the state of t عين عن مردي مين وشاه مهان برقت رواسي الميرية الميرية الميرية الميرية الميرية الميرية الميرية الميرية الميرية ا مع الميرية الم من تشريف فرانها مدين الفريخ را مجورت عازم منفر انعاف الرداء كا المن تشريف فرانها مدين الفريخ المرادة المرادة المرادة كالمرادة كالمرادة المرادة المرادة المرادة المرادة المرادة وميد المعنى واسط المقارس في رجلوس المكان بي وفت المراكي الم ع سن بار مات والم براته براته برات ما و مان الى برايد و بال ال ي بيانت سنيال نها الكياكي فراندي رون بن يجام عاري ري إيرانت سنيال نها الكياكي فراندي الكياكي في الكياكي الكياكي في الماكيالي الكياكي في الماكيالي الكيالي الماكي ع رجان و تاجال شنه وراول على داكد كوي الوجيد المارات عدد المنظر الواراس فعط كوراس الماراس فعط كوراس المعالي الماراس فعط كوراس المواراس فعط كوراس فعط كالمراس المواراس فعط كوراس فعلى المراس المواراس فعلى المراس المواراس فعلى المراس عن كالمراب المراب المرا الدركارت ومع ولوس بعرده والى جدروز كدسيرا الا عملي وكموامونون. العار تساس تراس في الدراور على اور ورويوس وت الما كالما المر ورويوس وت الما كالمراور على المر ورويوس وت الما كالم اوردف رصة فالخدم كلا ورايك دول عظم أشهاد ورمد تنا و فرمارت اوا المارة نعروف اورنوافل أمامه ل كانها اوركته با وضورته تها اورمو تعلى فن الماركالي بلك الطريخ فال حيونا بهاى الم علنان والغرائ ع إن كالمرك الماليات عمانتان وعمدافعي موطال المراد ت فرج كي لمرين وفي الطوس كي يا كي تاجا

جدالا بالناه كانورد اسآيا ملاك اوروفاد ا وجهار الحدثاه J. J. Walt

من رہزا وراکٹر اوصابین برک وانبازمردوں یہ بیٹورند اور کنٹریٹی طبیعت کی درو بني بيف بيضي انتعار اسبك اندان در در در كا بدر وروا ضي موكم ورميان جاكم اوتاه عاسرفر از وآارات فوانتي خواط تحصر وبدائنان وانكاديات أما عامارتها نها وسوب ما إعوبك فالمرده فالبحمال عوم مرابر لطب من رمحانيت آصفي كيكمالها دارا كوه اوركما رموين السلطان تباع اور ترموين ما المطابق عنه ورسي على بجى نكيسه بدرموس في فعدى كو محداوركب تولديا افاعلى مادة ماريخ وركب كالدادراز ويست المائية البين المراه ويتي مي الفيوك حما كمرا المرا دي المراكب برائ من و ورس الله في بوالا من جمائم ونت خبرا و كي كين ورزي اسويك مع أم بعد الكروا إو والم المعلى التي ووركم الما بعام المع والمعلى الكورك عام كم المعلى المعلى الكورك عام كالمعلى سهاكالا بكريسوم كا در وتوكية تحيورك مهركالي المالي المالية المالية المالية المالية المالية المالية المالية الم كريس المي عاريد المونها ملطا منوي على ودفلو كالركا كالرياساس معلوم آوري وريم الابام سيصنالي طف لا بتوروا فعيدي سي الرفط راوابال دمل سيم زائم العص وتسهاى موازم مفتوح كمانها موده دفنين وملكر كمعرة كوم على مطابق النب النبريج يكر وزور ورنسه فتي موابعد ما حطر كم بالك وزماج : الإسلام وألى ادار كي ماكرياكر بهان الكسيد عالى نما وي اور وأي موا منها دره حرم ملقت البحها سميته مور وغاية باوتناه كانها اور نورجهان عميي ساس الراد المراد و المراد

: WY! 10 تے اور ام اوتاهاور بكرزرن ورضي يوكه ورجهان عجم Mr. What we want ST. K. The state of the s Silving Silving S.S.

مَنْ مَا لِهِ مِنْ وَلِي عِلَى مِلْمَ عَلَى اللهِ وَكَارُا لِي مِنْ اللَّهِ اللَّهِ وَاللَّهِ وَاللَّهِ وَالْج استعالَ مَوْرُولِ عِلَيْ أَنْ مِلْمَ عَلَيْ عَلَى مِلْ وَكَارُا لِي مِنْ اللَّهِ وَاللَّهِ وَالْجَلَّا وَالْجَ God Constitution of the second برعنف على وقد تها فرايكا مركزا عندال سير افس با بالمرأن شفا د فراسم مو آخر كار بها كي ماري E STORY OF THE STO Sale Constitution of the C ي نيم رسند ارمور عارالاخرسالا دين يؤد جريبر مطاق ما وان عوس المرسوت الما ؛ مين دن مينية يجي يتي لم نفا كوارتمال كيا درة ارتي اسكاس يتي أغير بن مه وينكر بندائعياً : كفت ارئي فوت كبرنيد: ١ وربق بعبه وقاع ش شياني مسطنت الكون برق مني هيم من عرومون ما رئے ۱۰ بیان کی کی تنسیر دون جرا منبوع و مورن ما رئے ۱۰ بیان کی کی تنسیر دون جرا عد دارانحلاف السراما بين اوركت المن براوس فرا الما قبل ع رنور همان منو المنظمة المنظم واضى موكرسلطان خروام زرك بورها ككركا خيال سلطن كاسر مر ركم باتهااسوالي كبرند وقت رصابيم فرواية كالمشنزاد ومسيطيش وت بحطابيت ملالت كي نبين ركسا بحيسا كبرند وقت رصابيم سلطا بخرو منبااسكا عميح خوبي سي اركه ما بحقكم سيه خواره كوبو كي حيني عبني هيساه المجل جورتبراندي الأويان والح مَعَنْ أَنْهُونِ وَمِحْمُ وَمِدَان فَامْرُ رِامْارْكُو مِا لِيكِ الْكِرِآلِا الْمُرَادُهُ وَالْمَ كَل بالمجرفية وبلائل بورنع البادية يى فوصف بى بى فى كى كريت مرود فى دراي بىي كى كىك كانت تقدر بىر ناتى كى كىك كانت تقدر بىر ناتى كى موكنده ربيح فيدراآ وكوشنه دة سلطان خورم مخاطب وجهان ينه و المالي المالي المالية Carried State of the state of t

المارا الاها المراق التوزي البر خوارت المستهراده كي سؤارم يرجيده بودور بر مراق ورا المستورة المراق ورا المستورة المراق ورا المستورة المراق ورا مستورة المراق ورا مستورة المراق ورا مستورة المراق ورا مستورة المراق و كما ي روى المراق المراق المراق و كما ي روى المراق الم البار المعلوم المحالي المحالية المحالي (از المراه الاله) الدراي البرنية علاه كرم عي بيات صدت بررية . (و) المراه المراه و ويته رجينه نديم آوي إرس رئيم من مرئ وريافت كما جامير ليسب الميل المرادي المرادي المرادي ا للا كدراني اكريفه ماحظ كرمكم عي ئيات مذمت ايز دي براقراركيا اوركها كرف يداسس نهواالقعه إكرمعة فطهراه إكم واخل رائنور مواسناكه ابوالفضا غيربست امكن وكم ل^{ية -} ويزراور حتر . نوروز 16 داكيا اوروبان با درما ون بنه عرض كاركرها با در^{المج} الص اكبراه وتك دوست بسركوس عرب مويداودانتي ثب حفرين فولي برحيدود المين الوالعضل بهي جو خرفده منيت لزوم شكرا حد كرسيع جلابها و له آيا اور ما زست كي لمركه طاكم والخانر د رضتيار كإنها رخصت كيمي بنيئي أكنا عمل ميراه را حد فرا ورتام ولابت أغلم الماكك تشبير تبيية الوالفضاكي مفتوط تة المانيان كومنيني عبدالرهم والاشتيار الفض طرنسي كمريا ووما ورطام الماكم والتفام الماكئ فروتني اختياركر كمرحنوريس أوادرعا داب جاكهما وإ الكنظرة كامبي والفرنا زكيرا ورتحيفولا بقدارسا لرمي اكبرسطيح سيضاط حريجوسنا وأوكم أربان جوز كامطورت دارانحاف يحيطوفوا بعدحب دروز كددان ل بي

منار فاط مورسه مي في الماخط بنط فعال المائن الالبيم الورج المائن ب س بوس الماس ما يم بين موس نفس كا بير مهر البنج يا دنياه موافي آم آرا بالبندار المستحد المست رورس سام المراز المراج عنى المراز ال من مرد و في دايخ ل المراب و من المراب المرا بهال عاد در في دراجي على المراسط فها منا ما طاعت جهيرر و الماليات في المراسط اراكبا آخوالا مراوك دولت اكبري مظفر اور منصور سوست بهراده سر به رواقع إس بنوسكا اسواسط ابوالفضل كوبات ه في و مان سي روانه كيا بوجه بي الراب المان الموري ال الفصل توصد من من المراب من الورت من المراب ا

وجاما وردمير الى بين جومبراسكاموال الداكر إيون كي لأى بن اكم يت وبسابها خعاناتها كوموجي حيرت نفاره كيدان كابتزا بادشاه اكروزشا بنفا مالديس بتراكرسيم إنته بن لها در فريسه بالشكا يرزغريف فرا دولتما نه كالهاجوكمين الك الكرجها عكر تواكدر فها كان التن اوروز في في الم بمرورية عافرون إرامي كومبد كرفنا ركيك حافر كمااورك جرت بي تبي موي يا حي كرفار والأكا علد كرفتال وا وه ليف سركو يسط مواوراً بك بطرح كموني برسوار دار بلطت بي الردون مواجران بيا اسكا علاجي ما روز كي عرص بن دوخ ما خدا والم عبد اهد خال والي توران في عبد الموس خال مي الموران في عبد الموس خال مي الموران باي بني كير عن شايية جلوه ظهور كا نبايا اورسب بف نت علا الراث من باي بني كير عن شايية جلوه ظهور كا نبايا اورسب بف نت علا الراث من يكه اكذائين حكزامة الهاس شكر شبدين فره كبابك عقده السكاميانك د مرایک نئی اِت کا اِسْنی عاصا کل کا درسیان ندوس بان بهو دف پرمرایک نئی اِت کا اِسْنی عاصا کل کا درسیان ندوس بان بهو دف م سريح دين كامنعرض فهروي مراكبيرا في عاديثه بم وعره كيدباتها اسطور كداكدو سارافريركا ركاريرياورنا باسكانيب البي ركهاا ورجذيه يهي نظر كرتيه سيسكر معافر وداتها درب تهزايتها كدهر صعبر كي سنتكوفضلا دين سنى وسنسيعيد وونصار كي کے محل جارِ اوان می^{روو} رمني لمدة بري را بمرسبور اوراورتام مذاب اورشارت واسطة قعربا بإنهاأكرجهم مودين اورالبسين ساحة اور شاطره كرين أوجا دشاه رامة سفيفانه بانعصبا ببين كي سيرا ورعبا ركفار مراكم محك 60/36والاردوز جار مراز که ما د جا کولت معار نجا را ما کرنیا الغ بر دور د غره نشول س را مرب الما برا مرب الما که المرب الما که المرب الما که المرب الم انی راس بابت سیم ادر بر استریتی و و این که خدت بان نسیم کی کداس را بیزیا انی راس بابت سیم ادر بر استریتی وجوع کیاا و رجه افیامت ان رک کی قصیم کرمین انهی حبالار شعارت مخز در دیک قصیمه و کو ریکه عارت شاید ترت کو دارسده ایران و در ای اسکافی رکهالدو علیه و توسیستیزین لین سیم بی عفت رست جائی دیمهاران سیم الما افرین رسیم الاول می و و توسیستیزین لین سیم بی عفت رست جائی در کا واسیط می سیم از این المرزی بیدام المام اس مولود کا واسیط می سیم المرکهای اورجب بیدرا بسیک د و با و شاه مرا بی المرزی المرزی المرکهای اورجب بیدرا بسیک د و با و شاه مرا بی این بیا بیما کیما از این المرکهای اورجب بیدرا بیمانی از این بیمانی المرکه از این بیمانی المرکه این بیمانی بیمانی بیمانی المرکه این بیمانی بیم احرّ المرحيكا، وه ماريخ بي كيم المركهاك اورجب بعد باسب وه بارت و من وسن و در ولين و المراكم المراكم المركم الم المركم و الم

لفظاكا م تجسّرين بيكي إن دربرم خاخاني كو دارالا بن نے دواسے کرفتاری ف کے فر معلید ہے دواسے کرفتاری سنا ہے فو ن بن سید کام نام می میرا کریخور موجیکات کشدها طرحا معلی عرف سوید کام نام می میرا کریخور موجیکات کشدها طرحا 好多 مِانُكُورِ قِبِ لِيْنِ نِينِما وَلَّ كِي فِلْ أَلِي يز _{ال}رجولان كيام اقبل اكبر كا يا درتها دروازه قلغه مركور كالمجر ديبيجير جع عطاك ندرك فامدموكر مدت دوست بكو فرمسندك بس ندرسيوم وبن سيتي كويج فدتين وشاه ي حبوز كراجي الارثنا لطت قليم بدكي صابت ه جم ماه ي اولا دكاته بهجرع كميا فيح موسي رشط عرهم والبيح إبوز فيذار فبهال و مقا وسيح البزارة فيح بصنف شيخ الإالفض بن مبادك دا ورسيح تصي كي الرواورون كلبن اوركوند والداور فلع حتورا ورولا

ويم علف إضارك مدر وراط سركه وه بشخااور مده من كانها وبين كي بمجد كاحين أ عام كرك ارائهم فأرا ما سوف زول المام الميانون كي عام آوار إو فيرب بركم من عابول م والا أسر عمل الأراث بين وكل يكرنها خرجا ولا بلط سرة كروة Co Elfin اطومت ندلي كي قومي ا عان کے رہی وردور Col الماري المارية

تفايراد si;

كالهنك تصفاكم رايك وروكي كواكوا في هومين بهال وسي ت ركنية و ما در موسيد ما دينا د مين د ركانيان عر مما كورس ا عافي تها وعد المرفاد في الماكيك من ورفاد في واكر روج فيرفاه كي صورتر به باروسی سال کارنج اسکالفظ اخرسے اسلام فا برفیات مرنای ارفها او فیرون رام خور دو جون را زجها بدارالها: مافت ارتجاد را نسر مرفته منظوم التي بن منده ي من آييد سيكر دور وا مارس السيمان ديك افرس ااوركها كدوو المام ما و كال الام عام و تنام مرسوناه ما و الكافع الطبيك والاطاقة ور فيه ما كرزشاه كا في سواار كارت مور كريم ما الحال مواكو كوف و المن رسيل كراورطم كام ما ماري أله المال من كاليبي لل والمتع وديدر بها اور ديمان ن مرابور مع وخرنا و نائي ودا كا ويرتورما ووالح طعام توركياتها فاعده يرته أورز رجماناني بالمينون فاسر بين فين فين اوي نتي م نان وهبين هج بنرتام فالبالكما بكاكم قت المامن وماكن كواليار كانها كواركفولا و دار داس لده کاموکه اعزاز ایک سکرات منها دور آن تران محاط اس بوک مريا ترب زماني عاسوس كي طاحت كي فقرنا الوريد تورا عال را براوتا La Chillian in the مَنْ أَوْرُ الْبِيْرِا الْرَبِيْرِ الْمُرِدِ الْمُرْدِ الْمُرِدِ الْمُرْدِ الْمُرْدِيلِ الْمُرْدِ الْمُرْدِيلِ الْمُرْدِ لِلْمُرْدِ الْمُرْدِ لِلْمُرْدِ الْمُرْدِ الْمُرْدِ الْمُرْدِيلِ لِلْمُرِدِ الْمُرْدِيلِي الْمُرْدِيلِ لِلْمُرْدِ الْمُرْدِ الْمُرْدِيلِ لِلْمُرِدِ الْمُرْدِيلِ لِلْمُرْدِ الْمُرْدِيلِ لِلْمُرْدِ الْمُرْدِيلِ لِلْمُرْدِيلِ لِلْمُرْدِ الْمُرْدِيلِ لِلْمُرْدِيلِ لِلْمُرْدِ الْمُرْدِيلِ لِلْمُرْدِ الْمُرْدِيلِ لِلْمُرْدِيلِ لِلْمُرْدِ الْمُرْدِيلِ لِلْمُرْدِيلِ لِلْمُرْدِ لِلْمُرْدِ الْمُرْدِيلِ لِلْمُرْدِيلِي لِلْمُرْدِيلِ لِلْمُرْدِيلِيِ لِلْمُرْدِيلِ لِلْمُرْدِي لِلْمِيلِي لِلْمُرْدِيلِ لِلْمُرْدِيلِ لِلْمُرْدِي لِلْمُرْدِي لِلِ بالبالم المعالمة المع الكرابر فأورا بمارال

واركروا ورووتكم عادفان كيدوروك ران عدل كارا ربوي وزاامرا فيسرخد راره يقب لئه ويمناالها يت كراف يا تقام كي نهر براسي ف ده ج كيميت بي تني كو أكرمه

ر ملماانهی د نور بهریار مهانه مقال اورسا بوا ۲ ر اور فلوخ اختیار سریا اور فیرفته سه کوا*ب تنک که* آخرا اختار کی اوشرفان فلیشکران ساجه و بکرخوط کان علام کو اینے واسطے نما ہ مواذك اورآب كوكرواس فلهد يحيما كرسكم بهرالوروفت مراحب يحاز برايك فلونباكيا اورام اسكافلو سأسر كما بعده أكره مين أكريسم و وندى در عود و کای مدیت کرد طالع ندما دری کی بهریم ارسر نواع کاری سلطنت نذكا ببواجائي كدر ااورنا ومّت مراجت الجيمال عل فغانون كار اسجيه كمروض بالنهطقا حمده كمكفا اوروه فكريدا الراوز)

O SUID ويراديه بادر المنال كالمنبوط إلى الالام عنى عرود ره عامر استوكر وان مرحض الكري المراضية المحام الكريم ا و او معدوقا بعد ياكران المباكولك وقت ووكا في الوصي الم عدارة الولا مل المحراط المراج وفعا رساورا و ادربان اربها وربطامنه کی که ده ال ما ایما و تربیان beging but a be to be with the series in the عالى اور نقره اور نام استا تاى تورض بزرى كالما معرفات كله يح با ون بن ال

وُرغلبالمطال مراا وبلطال عورا واستلا نه بر انجز مرراا ورجها رد حراساً ما معلوم ا وطلال محروب ان رسما ميار تقرر كوركا كالم احدال وفرسوه رَفَايُهُ حِهِ الْحِيرِ مِنْ أَنْ مِبْوَانِ الْعِنْ وَالْهِي عَلَاحَةً لِنَا يُمْرِكُمُ الْمُرْكِمِينَ عَمْدُونَ فِي وَرَسِعَلِمُ عَلَيْهِا كِلَا فَعَنِي مِرْوَا بِيمَا لَهُمْ الْمِنْ يُعْمَدُونَ فِي وَرَسِعَلِمُ عَلَيْهِا كِلَا فَعَنِي مِرْوَا بِيمَا لِمِنْ الْمِنْوَانِينَا وروالي المصمعان والمرس برقاء كم تاروراوورا يراس اروا مبرويجا وروكه برزائد ورطوم ورارالنبري تفدحات المالم ن مهار ام رکهانها انعان سیماعلی ركمه جانت الترق إسرور تحديد مواكر أمج وررفاني من تصف كي اور اول الدكور وكداو ما

م و ما ما يكندا البين وبيا مِرَا ﴾ كَامُ الم مِنْ كُلِيَّةٍ فَيْسَنْ فِلْ مِلْقَال مِرْالْمِيْ مِنَا كُلِيرُ فَيْهَا رَ ادرآخووفدا عرطبي أتفاكع ومنانتقال وروز المورزا بنابرطال لاس روززاجدا زاورمنوجه عائم والعافز اورمايحال وردا كركاتها جو ميوين وي فع والدف فال وكال كروالى ترزير تاكر كرك مداند وا

وي رامان كرام عليه التي بديات ما كالمرافع والمرافع المرافع مَا ورواع مِنْ مِنْ مِنْ الْمِرْدِي كُرِيا مِنْ الْمِرْدِي كُرِيلِ مِنْ الْمُرْكِيدِينَ مِنْ الْمُرْكِيدِينَ م مَا ورواع مِنْ الْمِرْدِيدُ كُرِيا مِنْ الْمِرْدِيدُ كُرِيا مِنْ الْمُرْكِدِينَ مِنْ الْمِرْدِينَ مِنْ الْمُركِ ير مالاً و وقره و افراكره بير مواوجند رقط م رسال انتها ما بار الرسال المالية المراد المراد المراد المراد المرا ير مالاً او وقره و افراكره بير من المراد الم من فاطر مي موت الروه ما يو مرزا كوور في درت رند را در المراسيل ان و اکو فار معرا ورفتان عاکم کرکر دالیا شراه همروش و در دارای ای کرمات کامرامر را کو فارس مراورفتان عاکم کرکیر دالیا شهر و این مروش و در دارای مروش و در دارای این کرمات على الله الله من المراز ورسر المراز ورسر المراف الم آويجان راسية والفريس الرسانا موسواً كمرفس كيا والرفسا عوالا يرسورا كالم مراكم مراكم المراكم مراكم مراكم مراكم ا المنياوراكي وقت تعبار وتا المحاسلة بين رواج إلى المراك ويران ويران المرووسية المراق ا افرون عظاكي تما فعال ن مدن زماره متما عالماتها حتى مدت عمرا كي جبالخياس مرئ تجمدت ونياسي بت رقيل ي اورجي الرسي مينوايكا مرونين ين بان كاول في و و ما بول مارسولاس وركال ما من الماس في القد عرى الما المام الماس الماس في القد عرى الماس الماس الماس في الماس الماس الماس في الماس الم اي و مصطر موالور الي مصلي مها كرد و ركنت نهازني يادر خار الري برع في

بغينائي وراد بجرسي عابيا نوك لى ابىرتى كى ابىرتى ئاك نو*ت عابل* بعرفین ایزرا رنا وكاكبابيار مردابهيكا برسير فوعكو ر لخيا ورنجا دار بايذ م کرفيز کيا ليکن بهروه ملک

الدين مجدا يا وي كالوين الرياق اور ف مار با دن ه ندوشا رسی با اور غام با نی بر خاکر سکی ينين رور بهاما في كئيها سدوه بونك تقطيع واالبعد في الموالي ره جنائي عبولي مديني نام المرس طلال المرس تَيْنِ قَيْمِينِ اوْضِها وَمُراكِ وَمَا رُوامَانُ فُو فَ الْجُواحِدَادَ مِنْ عَمَارُبِنِ مُلكَ رُرا هين وربيض فعلة فيل بين جينياً معد بطناً صاحبة النام بيمور كور كان كي وراجي اليانا عرشين مرزايه كم و ه و نا ه تها ا مرجان كا جوخت كا ه و غانه كا مركاندن زونه نباني واسط نفرج يودك اسك لاثارة الغرسون أوجن ويردوي مطاني سيرفني تني عرستي مرزار آورنها كمرفعنا وه بل فون اورعارت كري و عربي هرزا كي منين رس يني عربي رهمت موابيد است كي ظرار الرس عو Silver.

لوجه وبارا زمر بهما تهااور ديات درارية ولأبيدان كاملادين فأنبط بمااورس * Ge - Les

بعرورني وي بكن الطيف والفرها قيفية بي وافتيء ممايا بيروشرع نريكا به الما والمرام المرام الم سرقي و يوز عوام المون عن الماري المراسي الماري المراسي فدودات ملي كالمراكر بي قبل مي مدين بهدون ي شوندن بر عالب الماليكرو مرانهاا وروم ملك شرفيكي كالمتبية وارواني بتداورد كردوان وكام الا رمرین ماینت منسطیر و فرور آر رسوانت را در میانیم بین مالمان ک سازم اجه می وراه و از ماینت منسط و فرور آر رسوانت را در میانیم بین مالمان ک سازم اجماعی و از میان المنه ما زاه كن غيرة اور الحامث ومارس المعنى على العن على الم المعنى المعنى مترتبا زايل اليجمنة عذارزان وجها ورمنورون توبهت دميل كما تبامنوو المياني اوروا مندابة بقياول مندستان بنموان المنوائع الكارفعول وعوت اللم فألم اور كا عام ما كرام ما و رور ما والله موند كرين ا على كفر فل مراد المتع ويدافل كاركار الموال المواقع المعادة كالمواعدة المواقعة

نلأطم . فانه کوالاکن دو



الوانجود بری اور ای رود ما مری اور ای رود ما والمفرق الرج فعيسا أكاه وكم ردبي رِدَايا ورق كِن عِلْمَ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ دين المارخ المتضاحتان الإ 180085

ما كار كولا و الكون و يو مراكوه و ي را ادر للان التي الما و الكون و ي را ادر للان التي الله و يو الكون و ي را ادر للان التي الله و ي ما ادر الله و الكون و ي ما ادر الله و الله و ي ما ادر الله و الل على ورام الماليان كازاره ورام الماليان كارام ورام كارام الما المالية ا بارز جوزن في المال であるというとうはいいできつはしくしばら العل يماراده والدين عرفان الماكاه ما ولد بها بالح والني فرزدي من المراجع وكني المرون قولي بري إلى المراق المرا مردر مربوغ كالمحرور ان كوفلودى ترجم من ترسي كالمحاريد ريا الواليد

1:03/102 ل الما ناوالدين تورز יטונים. ١, ری اور ایک برت در در خار ردبلي رأياا ورعام ين دول بن ودين موكما ورخ بربه جمانانكا فافق 13 STATION

Service Constitution of the Constitution of th خرفان كوكه و مداره و مروز من الا بروات الربالبورف كرابله الماكوات من من المدر عطام أنه المنت عطام أنه المنت ولي وللأ المنت ول المراب ولي المراب ولي المراب ولي المراب ولي المراب ولي المراب ولي المراب والمراب والم رب الريان ونداه او الفتري ما فرواله الفائل المائلة المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع الم ما عراله برسم المروافي المرافق والمراقة المراقة المراق الركادة الماري المرافي المرافي المرافي المرافي والبلطان المرافي المرا ما عرائد و ما درور فران المحار المرافي منه مرسيات عالى الموري على المرافي الم عِرابِن الْهِ الْعَلِيمَ الْمِنْ الْمِنْ وَمُورُوبِينَ وَلَيْرِيرُورِسِنَ مَنْ اللَّهِ الْمُؤْرِدِ وَمُورُوبِينَ وَلَيْرِيرُورِسِنَ مَنْ اللَّهِ الْمُؤْرِدِينَ الْمُؤْرِدِينَ وَلَيْ وَالْمِيرُورِسِنَ مَنْ اللَّهِ اللَّهُ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهُ اللَّ كاكرم مراك إخار كل المريدة عن الزرد وخور دبيب وكربر وقوا موالور تبيجه المكاليا الم مطان حرالدین می وفاه کوکفنوها بر بها به از برای می میت می دیاتی از در الماله دور از الماله دور از در الماله دور از در الماله در الماله دور الماله در الماله دور الما مطان المراسي وسرور الفران الفران و المراسي ورور المراسي و المراسي

de. الاطين بليا

The state of the s CHECIE ر دائم المر الدرس سال ما مع منواسروع كما ملطال سن والف والعلى على الدرس الدرس ما الله الله من المرائل الله المرائل ال والمر الدرس الدرس الدرس المرائل المرائ من كالمرادة المرادة ا مرا دونت پر سی کونیکی نهارودگیا دیجی و و فررنا و که دونسو پر سی کارونگی نهارودگیا دیجی و دونسو فررنا و که دونسو نه ایم کارکیدین ارسوار در طوف ای تیمی ماهای اور از ام کارکیدین ارسوار در طوف ایمی ماهای اور في يلطار كي موي جي فعائي كريت في المركورية الولاملك المالي الرواقي المرافع الصينيا المحاري والمحاري المامجين والفراد والمحاري الماميري والماميري والماميري والماميري والماميرين والماميري Contraction of the second من المالمان المراب الم مع من المعلى المراكم المعلى المراكم المعلى المراكم المعلى المراكم المراكم المراكم المعلى المراكم المعلى المراكم المعلى المراكم المعلى المراكم ورسطاعي موفائي وروته عني الموالي ما المحتاسي الموالي ما الما المحتاسي الموالي ا ارده ما دور مراد مراد و راس مراد ارد از کی فالحای و بنن اوس مار کی زارین المجرن الربار المحرك المتاوية

ب او وطوم ود مِنْ بَرْادٍهُ مُوخِالُ سلأفين ته بالن ہن 25403111

30104 ر کری مداکانه نفرر کا در است می اربار کا می کام این ا رک رکه مداکانه نفر کا در استی می این از سال می کام این ا Tele State of the را دام المعنى كا ورواع انسى في مواصل المراكب المعنى كا ورواع انسى في مواصل المراكب الم ونبروريا ماي ستي كالراس فالعداب المعالي النرمال ويراس المعالي المراس المعالي المراس المعالي المراس المعالي المراس المعالي المراس Marine Ma من بدراني رسنا المراجد كارتم بنه كارتي يا ماري الماري الارتيان الموادر المراجد المالية is the الموزي المرائد المعمول وفي والمان وفي دراي وفري المرائد المعمول وفي المرائد المان والمرائد المان والمرائد المان والمرائد المان Eichell. اورفصالیاورکونو آروغره موف غرااورعامه رعایا کانتیارکان موات الماس على دين المواجعة على الماس على دين المواجعة الماس الم المسلك من المراهد من المراد المرا سر الم قلورتير أبر وغررات وملاء فلا المعالمة الماليان الما العروان المراد والمقرس المان المعنى المراد المالية الم رعاد رجار معدل المعرف المراب المعرف المراب المعرف المراب المر أي تفيم ولكث الغراولي رباط من المساول الما وسومين عام سوفير سن المركب عام المركب الما المركب ا مرَّدُد فطب عالم وال شهرونه من المالي المحدث والعلى المحدث والعلى المحدث والمراس المحدث والعلى المحدث والعلى المحدث والعلى المحدث والمعدد المحدث والمعدد المحدث والمحدث وال مجتواب عالم كام والمران جناب كالميلا وَلَيْ الْمِينِي الْمُرْتِي الْمُرْتِي الْمُرْتِي الْمُرْتِي الْمُرْتِي الْمُرْتِي الْمُرْتِي الْمُرْتِي الْمُرْتِي الْمُرْتِينِ الْمُرِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِيلِ الْمُرْتِيلِ الْمُرْتِي الْمُرْتِي الْمُرْتِ الم بند فعالم المالي الرود الم أور

5/00 18/3 1,010 نول حكين فته وآسة مج يرمجوم الراوضي اكيروين عمرم كود دبت جائة كي خال كي طنة الميجيدوس بن ر بطالت فروزتياه كل عوادر بر كوما، يع جاكوكوكواددوكو.

ر المراد وم مراد فل مراد و المراد و ال م المارام بدورا ما المارام بدورا ما المارام بدورا ما المارام بدورام بالمارام بدورام بالمارام بدورام بالمارام بدورام بالمارام بدورام بدورام بالمارام بدورام الما الجراك برابري الجميعذا و ومرفارت ماطان والدربعدا عمره ولابت بان دوات فدف طب فالجري الماليا برل درم بين بحيط بيور الله المواقع كالفراع المواقع ا ال دورائ جابول وجهان با علف نبی ی بی اور سرا کمتواکروا المامل كأنفل كالأرنبرة و المالي المالية المال نادم مورس ما مولال و والناسي كاليا نفاوي و كرآ ادكان اكدوا مي كرا ادم مورس ما مولال و والناسي كاليا نفاوي و كرآ ادكان اكدوا مي كرا بكاكبراما دبيراور رويو وارالاما الأورشاني شائيمان ١٩ الماني في المانية الما وروان المراور ما ومن اور المان ورط الماره وس اور موبدا فلح (age) 61,55 المروارة القبلة ملا

ت موق دارا قا نین اور که برا که مولتا که ماند برا کام ج ر رفطه ونتا بین مهاره کیل کتب مباا درسنج ایسا نما که حاتم کی ناه

Colinary. المن كوروب ها فران كرا درا كرفان موروض كردول و المي كار الورا من مورب از باربار المائي مي مادون الماني بالماني بالمروز الماني بالمروز المرابي المروز وطور كروان مد كور من الفسلطان مداسي المعالى وعلوان وطور كروان مداسي المعالى وعلوان وطور كالمان والمعالى وعلوان والمعالى وال م وزر را دار و خاصه آم کار مواید نما می رنبا اعدا و آما اور علی می از اور خاصه آم کار مواید نما می در از دار در خاصه آم کار مواید نما کار کار مواید نما کار على ما وبلدوانها والمسار المروان لا الارمان إلى ون الروامي و عارف الم بالرقد من الله دوي وساله مواسط مرسكية وبالغراوق المح عبا ومين وسونة في والمادون المفرادر معوره والمان المعت في المادون المعت في المن المالية ا وَيُرَاوُ وَدَيَى-العضوي المراه و المعلى المالي الأدروج ليخ جريم جراماه م على المان الله المان ا الراد عبن بوان الراد مِنْ مِنْ وَمُوالِمَ الْمُعْمِدُ مِنْ مُنْ الْمُعْمِدُ مُنْ الْمُعْمِدُ مُنْ الْمُعْمِدُ مِنْ الْمُعْمِدُ الْم المراكب المراكبة رفعا قعال كارور وسرائي وسول المراس المساور وسرائي المراس ا إفير وتين موزع Cholisto Ilbe Chies Well Commender المرافي المرافي المرافي المرافي المرافي المرافي المرافية Missily 9, 1/N! اور جولی فاج نرداه المحالة المحالة

مكاء والريان رای 14 الماك فتكدارك ي حموا إلى المرمولا

واضي سركد ولهان نوجوان نها مقتصا سوارستي من ولي فعد مقاركم والبقدروراري رفرادلاس كوام ينجف رانا م بوالم نورس العالم يراك واضي كمماء وكوروازول اواكف عونا كوروز ركا إرطام ردا الكاسي اكسار الربر فاف به اوزنال علاقاً عارعفه مانور بوقتا كها حت لطال في مورادا ووريا إدارام! دركني إندوم سركم عارفه و في اوركم عال برا عدد والدين عندي عندي في وفوقة اغريب كاروس المراعي الرااورها زمول جواست محالفه أيحا للان والدين كي واربال واه ومربلطان الدين على كابيال معارين بورس العارة عماليان بي موردا المدا همويه ١١١١ عدال علم و بلطان الوالدين الخاط في بيفر قيد الدين رك م

انارين bil طاكن تعصلابال

Ships. يمتيه رمير تها ملطان تنوج اسطرف مواافنا رراه ملطان فغو لف كارقر غد كانها كم انائ فان را درا ده ملان كاتبرسي عمود إلى مجروج المفال مسلم المجارين والم المراسية ومكما سلطار مروه طاكم تترين أبالوري يرميم كالسريطان وجروسي ا فاقد مواا وروه ميونيون من كرام الواري ميوناكه جا كرام المراكية والسطاعي بدارًا وبريمي والسطاع ع وصر الموسني اور متي مطاري متوان العرام المرار المواقع المالية المواقع المرام المرام المرام المرام المرام الم فاركر دملي و واحت كما بداس فلي براوني مي زاح مي تسبوريا فيروم رجا حاكتر ترسن مرزمان صنبورك اس في طال تعرف ا من ارا ده قلعم في و كاكراه زبان مروم كار فرفيته اسر كارير ال مساكانها الوده منبرسين المد اورایک ایمی سری مکھان فی فتور ایکو پریازی ور کروان و رایک ایران اورایک ایمی سری مکھان فی فتور ایکو پریازی ورایک 7/1/1 روي موران مراك رفاري موي مطاب برميدي اورين من وعام مراد المام المام وم عورت المهمر التي يقيم المن موني منوم الما المن مع اور ويم عربة كم فرط غرب مرافق ضالط نبودول. البيمة تبن علا كاك والح اله قار حربی ۱ ورافعه مکاری اور کاغذ نیواری اور عال میمات رسیر لیفرای سط دار حربی ۱ ورافعه مکاری اور کاغذ نیواری اور عال میمات رسیر لیفرای سط برب نبخ نفام الدبن كوليا أو بيكيز ما نابين تقيم كالشعراس عصركه الميسوي تصلم To be the state of the state of

برحي المهودن كياسة الجاجرات بالرب ا بالبر و ملایق بود دو ترکیسال کونواکا و دا دالنهر پسیسرو آ دبلی بن اگر نهر کرمی و بْلْکَتْ بِنْ أَيَامُولْ بَهُمْ مِوااور لِتَصْ فِينَهُ فَيْ مِنْ اِنْسُكَ مِلْكِنَّ مِيصِرُ بِكِياهِ رَوْلِ لِبِاللَّهِ اللَّلِينِ اِنْسُكَ مِلْكِنَّ مِيصِرُ بِكِياهِ رَوْلِ لِبِاللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ نذفأ خطيرين ولأباكباادير

مرس غرر زنهاب مح کاموا کو کار مدار نبون کاموااور انه کر وصين محرولم كما فبلافرات ما مير تهااناره يه لاكياليا كون طريت كيم كالافتارالين كالحام كمرور دة تعسي لطاني آيادة ولطان وزنبرز كاكرسرى يصحيداكردالا علاوالدين فانكر فتره برجوا كالك العين بريروا ما اورا كوجروه ملطان يمني بي فتل اور فرالمان كالمان يمني بي فتل اور فرالمان كالمان كالم المذكار ينطن كرمان وسراك وبنطبين لناوريهي عانا علي كرالت المستقة المنتقضي فأتمان الطان وركوم ومن القارقة عظم المحروا ور و المراكم مواا ورا فعيا الديس وبوانه موكرف موعلاد الدير مرابكر اولار ملي مي را مون السكامت ي على والدين كالمالية المالية وال اوردا المطان الريس في الم يعد المراد



باره أوع إيك علاقه كوابك الكيواكيين مريخ عصمان يتراندكره فليون كبان من مطال ولالايد فلي تفاق سي ميع امريك بلط مؤالدين كيقيا كوادة بماكر سوا ن فهوسلطت کرمینچا جاسیان شهرا در عارعایا کورغب پایا الوس كرتف تصنيبها اوردارم الني كوصور كركها وطوير ت في وال يك بهراور فلونيا اعدات فوايا بعد جندروز ر فد الشام الراف واكن فعالم مين مهور مواآ دمي شهرك (3.7.), b,

لتأبين بنديستان مين وابي المرام المرابع يبن فيكن والطلب أي مواا تماود بواادرا ام زنوم في كم لاأت نعنا في البرشهمة سبيلين ج الفاجين لرزئ فالمأكوالهواكم غرور ورنگا بولا ورشرب دام اور ساج ورفعام و تیره ایناکیا آحواد مرسارت کی ورفعام

ومينه كيك بسلطان لم حراليدس كابيان بلطان لاستى كەكلاما ما دورداما آسوردر مال يا داورخوا: بروزها لِلْقِارْةِ كِيامِي! دغاهٔ وروز رِكا اطراف كاناوَ Cir. انتئاريا بالورتغريفه المي زبال برعاليميك جاري موي وربطان وحرفطان موحر فافت محمر وسعم سًا كريا چوفراي كال جود أو في زيري واسوا وفياه اورندرورو الي تام ع But Ble Wille و مرار می این بار این كالبعدة منوني ما عرائد ين كمه أو لا تربي السي كوي وارت التي تحت كانتهاا أق بور الرار عرفه المالي المالية المرايا والمرايان المرايد وووري تمياكمانيك عمو فلم بخسنكون و بي زا د شي نفرت مي رئيس خانزاد ركي كه نام اسلامي رين تهاسا تريم مسلف الي رس فوي الورورضي كرف الراده مادرم ما مراد افعاق ندره مواوروليتهد لطنه كالهاروروا كالمهيئ مغارك ماراكا ورابخر وبان بالأبان بيئة بن أور والمرس المرس الرارم كي على الدين حدى وراحد مفيد رازي المان بالمان بالمان المان الما Will siere Series Maria Maria

₹. (i) the state of t

سولا ہجریمر الحی خلفا ع سركا بغداده فلوروانط وقن كيا ما لكر كوفيلاتي رئيسي اوراكتراورت عبارت اوانات عانا تهادورهم مجرسا تهرعد النسكه زندكاني كي دورعا با دررايي You de بعيورت سعالمي بالرام طهري كدراا ورعا محرط في عرفانه لقا اتهائين مي سلطان رُكُر الديكي باك بينتے كي د كليم آئيسائيا م ملي اور البيكا كرتي تبي ليكر كونته الدنيري يفتضا الموناف بالمولان بالماتيكي نبول ت طهور السطار في رفيد بن الدين جود مركن الديث ه زكان كو مع ركس الدين يكو برا 1/3/8/8 والن كبا بعد جندروز سيوكو و و يؤويهن فوت بوكوا يام ملطنت منا ښرلي لي رضيه کاميا ل سلطان بي پي ر فيد ميني سلطان / کار الانقالي البسيفاليافت اللي وكبهم كرحين جاسات رمج فرمار كالرائب

history مأدم موكوطرف الكت النبل التمضي كدوم بي فرزنه بتاا در مكومت بعاد ن كي قبعه لقرفه ين الجيانبي روعية الم الرين الريمو فراد بالريج القابفراه رشفون يي كام ا بهٔ اوروبلی دیلی بن محاربر کیا لکن فتح نفیب نوی ا للائتخر الدين كاميان مسطائي الوبرب وز اورد وترسيراراكين غرويك 43

سلطان مور وسيكور محرت موسيح نييزين بالورسية اورحبا م اندكي مكه احرابي من الروا وتبري الطيفوال لا عندان عن الرياض والمحاري الماري باست بصفيح تسول كريش كهروثها نواسك كهلطال موسي الاق وركاتها وكوراك ي الريسان و قام كر ارزين طون ملطال ولانون وروادرون كولي عن ابذاريج أتبي وغليه مرتاع منهن موكر حسرا ولازاد أوتدهم كامراايام بالماسي عربي ادانجو فرأزو ويركيبدره ربيل طان قط البين كلميال بلظان الدبرا بكظا رزخريدة صلطائ شبية الديوع تهاا ورفات ندمون بالبندة عيفركه ي معقول مو ملطان الدرك والمقد الرلامور محتات كلمة وركم رسوال Linde و مو يو بر قال الما يون الرين الرين الرين الرين الرين الرين الرين المواد عِيْنِ جِينِ الرَّهِ الْمُرَامِينَ أَن كُلُّتُ مُنْ السَّلِمُ السَّلِمُ السَّلِمُ السَّلِمُ السَّلِمُ السَّلِم أدرنها سنج الكهول في على عور رفق بركانها النه الكون كالمرابع والأنها المرابع المراب بهتما فمهاارين كافوا نفركي فروز كرض تربلا فانهي واستط فط الدين كيهيجا اوفي خطاع طان سي في فياله بن يز بسروت من فيرل كريم ادات كركوكاته الكيانين مويتار منزية بالمان والمان كيف كيف كيف رساد المناف كالمولا الله في براميد كاه عدم اين ميري بامدت عكوت سي مير رس سيسي ملطف كي جاريس الوريدي عاما جا المسورة والدين الملي اوريسي عاراً ومي غلاموت ملطا مؤرلديو بالم المن المرابع ا بنغ بن اول ملكان ماج الدين أنقا اصطلامي حرون عجر ومورا ومؤاليك بر الرام المراب 5.00. المراجعة الم

للاطين ٧٠. الورمندراورجة إل وبعنانيدام G

مرون الني ماكوليكي خصوعاكر إوالاصنام بسيسومنا كيوبت ووسي في المرواق وافيري مود في اجرار منان ورلامور و في وي ال لام جب من في مراجعيل مليك ما يال كالرام وين لارما بموصل وكراات ولايت اكروبي وفي كيام في المان اور لطا مجروا زفر بفت و جال ظامري باز كانها اور شنها رفر دوي لوسي تحب مربط مرربيت لهركذرا بالنفال عافيت محمود كاروزيت ميون رسيم الاحراسية ء وفرزندار جمنداسكارت عن عازم اسطف بنوالكم وبعدا كرابنا اسكا امرارسوروش بم مقام الي موا دوباروار و نه موكروا وجوا غروی فی دی اورزقی بخررين كاموا كرخيدان فعدت بائ فقال معدمتهم كرنية في نصيرتنا كالمعادة كا بي اوضط بين عالك إن الن و يوران اور عارباً الاطبول و مارك امام زراع بين سي بيد ما ما ما المرام المان من إم فاه را در المراد المي المانية مين زوم اس رون ورول المنتي اوريش با دوا مصار كه بدروالا عدس زرك الميكم من المرائض في روز منرسية المقادين السنة الكرباط المسا من بعاناتي عن ماسي جيرين رورنه عالم ها ديكا سوا هيزان سراد تصيفها نظام الدين كنجوي كي اور كليله ومنه كالنف لانصري الميمين عبدات ساله فالمنه كي عيد المي الله خورة من بعرام فا ه جايوز كالما فو ما زواسي بوا The Marine State of the State o Service of the servic The state of the s الرين وي المرين المرين أو والرين

ملا لی جو كمرسلطا مين

ور مران رتا سے حمیر الرسط فنوع کا ہی شوف مواکمتے میں فرج کے فوتین الياآيا براتها كوائف كي ووكافير تعنولي كي عش مرارتهين اوس المر براركهربارية The state of the s اور خواندكت عى زا كت مالير بس كوت كالبدائي حل كوادلاد مني را را مِنْ على على وق ري كي بهاك طوع لف ورجحدي كي دوالدوامي وي را جعطیرات ربسرطک نربین که این خرفت سلطال مجمر درغزنوی صدیبها و کا کریج ایمخ آبا ساسوت فنوج عربي المجرات ورث من ورم رت ورحماو نين كلي اورا بني سرب الناسمال وكالمؤس والبطي الواعرون والبارس والم عاكم تيه ملطان ترراور صيال على مرئ اورسطان على اورصيال كي تعت Aloje W مرئ يرعل كالمام فالمراور بها فالمحافظ والمراك والموال والمراك والموال المريخ في في المرابع ف معاومه ضراعتني الى النام الماسي المتحالي ميد الركام وزايات تفارخاك المراق والمراق ووالما ار ولوسا فعلى المراسو من المرابي منه ولدن الوارزي با والرابي في والرابي الميفري المرابين الروا تعديد المركر والص محكر والم المواد والمركز والماسيخ المراز والمركز الماسيخ المراز والمركز الماسيخ المراز المركز ال من ومنسك على المرائع والمرائع المرائع المروم المراق ال اور ملا حد طمان محمعد اور کور مود اور غور بول وقت میر افران انبسال کاک ور ملا صرفهان مسوب من الدور ما روس من المراد و المرد و ال شكا بركروا روائي اللم كي داروا رموى خايد د كوراك كرنين آب الني في المرابع المراب المنان أن المان

تام المره اوربتر عاله اور مرسد اور دكر خور درب متعرف م مندوللة بالمرين وجمعا مرتباف وروز كالطن كيامولارس بدر وال تغبه الدكوكم بياني والدينام التي البران والبية عن وي كريك المال في

كيئي إدريه معاصري فيرما كالأكاور كوما مر فرزه تهيد كلمال جيد كاسال كليال جيدكلان ببرجونر لفالم اوسعاكة The state of the s وراصفا أركح مواتي يعين وفارم والأمار بالداريام في *وار وريس* بالوران أراك وكريامقاعة م Low ob old be have الرياد المرابع لِ فِي صَمَّيْنِ مِنْ كِي أَنَّهِ مَا قَالِهِ إِنَّا بِهَا قَالِهِ إِنَّهِ مِنْ لِي الْمِلْكِ أَمَّا لِي عَلَي الماريان المرادي المر الوش وزند مجفي موسي وريال دراالي وسريس ك ذاع رسي آولا الرعارة والمراقع المراقع المرا رام دونا ومسيدلار الحاتبا مقرف إي تحت قنوج كاموا مدت عكوت كي تتر i leibilde de la sur le ال اور سرمي جا ما جاست كربرام ميكووت من ساس جري من واسط وريا



المدان علية لتكريني وكوزرو زركا فسير مفسور في تنج إوران مع الزياا فراريغ الريغيره كوسيكر راعی بیان کی سیکے بیتے کودی اور اسکوسانیسر دلایت بوران مع مروادول المالما والفي وكالمتركز مكوت كي جرف الدا جدائية كاليال راجرير (الربط بن حي كربيا الرب كراندا درابه صروا سيط با ابك في فرور إلا الا س ورات بهنیا انها درای نیط جی اور در آرکمانها ه والمعطيم المالية المرادقة تتولط عيرتباتها للقيم ويركي وار Chal ا الال والما تداراج كالوقع المستاح والمثرن والرراجة بالمراني فالم المالين ل د المركز كاب ك داه في داليك كرد المان و موالمكر بندكان عدد بدار المار المعامل موردار المام مرا المرا إنالها اوروجب فركبا ميذاسكا غوسالها أكرجها كالمواقع كالمواقع والما المرابخ والمراج المراجع

Sold Control of the C الميكنيما ورمد عرب كي عارسور ركي تبي عبماراج كابيان مهار Jag Jag Lang عى ت موسية اوربهي أبا جابيع بالجه زام الم U.S. يا حمله و المبيل الم منهاري والموالي راوررآ فرورت الماران فرورا ولا بمركة ورا على مرتدان على مرتدان الم را جل ایر صمنابي البيك الادفان الارفان المرتبي بدأه بيرا يكرزانا بين عدرتا بالمات فووقية م كي كو و متر عرف في و زير لا تما آب لا در الله ا در كويستان جهار كندا و د كوندوارة في روبوش مواا ورابنین نون بن ویژی کیا مت کلوت کیا بندی پنترال لیک ا داج كابهان كام بواالت اودرك كا بوق سرات بمرسور جا ورسيكيا و الما بال سور في المحطيرون بيني فدتين بيم وتا رئم تا الم تاريخ ومن فيروروك كي مني اولا وكوس كي وم الورث كريك وأبر وهو كوشك بريدانيكا يااور آبيون طرف لران كي والجين التي التي كيابي كالميت ت جهارانيك

, . /3 pristration of the contraction o

الدال براه الما بور والمطن الماري الماري الماري الماري الماري المربي الماري الم الاوالي الرائية المرائية المساولي المرائية المساولي المرائية المر ئىسىلايىن غورى غىنىن سىجاڭرىكى قىدىمجار بەلپالىخ كارموضى راين دىنلەر يې با فران روابند کا مواند طفت رکی بینهورای بدره رس کئی جنبی بین ما ناچا بیم کرفت برا بینهورانی حکومت بنود ون کی ماکنند و مسان سی منقطع بو کرط و مسک لاطین کرمند مرکز ا ا وال کااوسکان العداقا له ظاهر مو که راج عبر شعبر الزر سرار می است. انوال کااوسکان العداقا له ظاهر مو که راج عبر شعبر ما ندست کررای به مورانگ منځوراج نرکي کيکه کاب منترجان بنو د ونيرې نسم وراجه رالمانو رنځ کهاېچا بس تن وا مخلفه الم منو دسیم چار مرار چارسی آند. بسی تاریخ در این از در مینا کرکر رویا ا در در این از از کرست براطنت را در دیمی بن ورد م کرا در یک در از در این از در می کرد می می کر ابدار مِرْتُ ترسِيح عم كالطبقات وقوم الصدركي جار بزارا كيجيا في ما يُرمِينًا فأرب راج گورول او را بزطوان کرچار مرارتین میستار المانج منیا درب

wision (Fill ودومالام لمجاركا إلى إسلام المرابع بامدرس دومینی کلیمیسی برم ریس کرباره مهنبی زا برمسیس دورمسس تیرین م مس بن انی جبس بس کیر مبنی و مورس بسيهان كمكرمده ومي المسيم بالبيريس كإره مبني الدوي شارع كارافي وكا برجراه وكخرا كرسي بجاس براكسسين أست واكدوك ساوي بان بن براجا بخيران كاجاناس كميار موال شعيداجه وبب كلاوس كيافزرون بباطي راج وسيتكوم بدودي وجوسين كيسكو لمبانيا ويالاياد وانتثاب أركم كميستان بفاع بنجال بطمع ميد طويد طنيك وأداد ويهس وراج ابحاكوم يجنل كي فلم البالبالب صل سيدا بينه و كري بنشي يوطف كي بيا وزير وموني ياجر أيل ولمني راجه بجين بس بن بن بريج تكريته

اورفواز وامان ندرب كوفراج وماكرتاتها جرافيال منماريك نواز دمي الكسيسة أنهار ورسي كار و حيني لوال شيمه مرر م وروش اور ریم در درشه خداندر شرکی میداندها از ای میم در یکی در کونے والیے دائی ائ كسي من فليل في مرك فلي يسيم في بالكها وملطن اللي مان بي في سين उद्गेष्ठ विश्व विष्य विश्व विष्य विश्व विष مرکویندر هم بن راهم روم و راستان پرکورا جربواا و رسیر بس ثبن بها خداری رسیما کان اوست مترص 1 1 Con Sin City of Control of Co المندكون مع ما نهل راح ديمي من الى نبالد صقت طال مع مهارم The sales والمولان المولان المان ا in Spring June 1 The state of the s

in Esre مقدم

راج دندمريابه وزارس مرته سلانت كونبيكراكاليس رس ميسي مني جهانبا في بيانغذام رس جه ما بهر اتبها ميشر رس حرجون المعربة باليش رست ميني راجا وي بس ميترس بالجصميين اجه انذماكا ون رسررا جررا جيال حمدين ريقلي واجريب مت يم الغربان قبعه مراتا با اور در آیرزوار کرم محکوم ایاکیانها کماغ د در در بیت نخست محکوم نماها رنبراتیا د أتحر كارسكونيا مي كيت عن تهوا ما لك لاسيء كماريت اليكوز ، كتلا غل يصفي ول ولي راج برك كن موا مواش الييسي وين الاور البدانين راكيابات ووسنه بدانفار داجرد نه برسيمة ما ما الموافع في من طالب بن سي دان أم من فرار دائي إ: رُوب عجمة بسنوكي تتعريبان ورنهاب كمطرني وزكرح صلكت جوكام رنيابان وارواوي نهمك المناوب المعادية مرا باستوال نشب افیون میسرون بهاره دوسه ۱۱ برین سی نیزور را مرکب کوکه عام مساو*ر کینے کر را* جرمون متر حرانا درسے دیاج و دار کیا بخت تها بوار انجوت مساور کینے کرسرے موغو الادالي وغلم أن المرابي و المرابي الم مهي والسيط رفوت كيمضوف لرامني كي حب تقالم فستين ^{كال}موار ، جرمكونت زرمكاه مرازا المتعلن الى مودامال حميا غيدراج كرماجيكم بانين راج كراجب بينك المالة ا بركندر بين بن راجه اندر كاكه ذكر اسكا و فيز سوم بن آويج بعد قتل كونت بركوبي المراب المناب ال قبضه اسكار با اورمهر و فيكمه امام زندكي سيكرانفرام بأنسفرا باد بي اورام أي الموزية المارية مري من المرابع A Selection of the sele و المرابع المر Chick the State of the state of

(ť) المرازع فالماران اخ بخوالم المرس المرس المرس المرس بم سنجے تھے راجہ دم کے سر دارا کاکٹ کا فرالادف الأنكداد ألما فأقوجا كز فابوسجه وقت كام اسكانا كاب اورار بنواده العيناهطو wing! راجن يبانين والبرس ومردن Sing Selie ارسره ومنيراج سبرسين جينس با راجادبت انبر رسركماره هبينه فقط فامل كام راجربا وسيقادب كمت لأ مین راج کینے جربام ا دہت رمین م ااور جربے در وز بنائی اور خور فرا زوا رزين المنافعة بديروائي براكيك مربس كيفائها ورزية فرويره وندبريفه موافق عارت قديمزي *نگرگاه اینی کیار دریان سیسان* ىمال تهدمني چۆتھاشع*ر اج*ردند سراور ايج

کیارہ مبینے ہیں بعد آوسوں براجربرہار حوالدمال نومینے آئے بعدراً اوتی بنے سوال اسلام مبینے ہیں بعدراً وسوال براجربرہار حوالدمال نومینے آئے بعدراً اوتی بنے سوال سال و منین کرد او منی از از او تی الادر اسال کرد و ندما این جوامه القررس منال و منین کرد و در او می الادر اسال کرد و ندما این جوامه القررس Election . ت كارني يون براياسي جوت موستهم عرضتري اصل كي أينه ار آنهي جرف رس افي عرف أغا زياط راج وينتر العبار كود السائد الشيئة المراسية المراس مِرَاهِ رَبِهِ وَالْوَرَ الْحَلِي الْوِلْ وَسِيمَ بِيانَى بِن رَا بِورَا إِن الْمِرْ الْحَرَابِ وَرَارِت اللّهِ اللّهُ اللّهِ اللّهِ اللّهِ اللّهِ اللّهِ اللّهِ اللّهِ اللّهُ اللّهِ اللّهُ اللّهُ اللّهِ اللّهِ اللّهُ الللّهُ اللّهُ اللّهُ اللّهُ اللّهُ اللّهُ اللّهُ اللّهُ اللّهُ و وسراشعبه راه رسر والورس كي اولا وسيك بيائين را روا به وزرت مررص بنغين سي المعلام مين المبيان عبي المبيدات ورية بوالرس عن المبين المبين الم الموديان في سن مين سيكي بدرج ورت البرس و دمين اب كبدراس في بيتر الأرامي المرام الربر وعمسا بغرب فالمين المحامد أنين الأبرا وميني الميك بدرة مراوي بأباليس لتأمين الكيدرة بدرة بدرا وت يجيس The second second والمرابع المرابع المرا المُورِ اللهِ المجرية والمراق المراق المراق

The Control of the State City Charles Charles بوسة اورجيشر موافئ عنقال مفر بيروج حيضري مت روانه بكنه لا موالميط كاروا ا وإندوا كي لا نفاق حهتررس وروره دس ومرتب ومرتب كي تنها تراسال روم حدثة تركه وحزير The decision of the second of مها بهار اوروار جاور حرور کند موا بسرارا اوروا بیسی بی ایسو کند سال موریسی بان ربحب بن بهمن البون بن الأربي بعدر ونيا كريغ مد شتر محاصكر اني فت ركيا وريد كت فوال ورمان في كارفاه رده المسائمة تروك عدل مورد بنهاا والتروسير رساا ورروزون الت فوال ورمان في كارفاه رده المسائمة تروك عدل ما ورز بنها اوالتروسير رساا ورروزون يهما أذكا بدويا كالماري أي الركانا وروه مرارت هذا كى المدرس ہے بہ ہم جانا جائے کر رہے گا سہ جا حکام دین منودی الیف کی سے سے لاکہ ب اور افرار المرا ورسول می الک و کار اورا فرا الله اورا فرا الله اورا The second من كورور ورفار وي أرائي كامر كوركيك وسيانا مع مدايا دركها را مسيمي في سازي CHL الفيئام الكي مبارتين أدبي والدرارا ين را بريك واواا در ورزانفاق كريم فاين كي كما بهمراجه اوجو وخوسالي به ا وربونس م فا عبر دایا و ضط ملطت وربندوب ملك على بن لا يا كسوكوبا را ضاف كانتها رعا يا در را بالسيك الايماركم الراس الماركون الموادرات اورم فأبي عرجند وتركيم معيط فولاب تسال علف كرشي كركي فرا روا بول كوويا ن سيم با فيدًا وبيداً بونا بوار في أور المعمول بعروا مطب<u>ع کیا اور ایخ می تا</u> م قبصر تعرف بی آب لا دار اطفیر بیت بور کویتا بعداس مهم سیم البيم ومين البين البين المراس عا با كذائقام السيم نون كاسا بوان السي كسير محدوث سرعة محصوفه والمون كورا كالما الو والمرابع المرابع المرا انهول الكراورت مدك مرب وانبرت انظهر رقاما أي الأساري العنائي المالية المالي

الإيراق المالين Sign Rich وبتاني يتاند دفنك إكر كلاابذ

نا مي شهريا و روس کي وروان کتيميرا ورجيتي و اطريو *جايجه و* نا ي تدريخ الديس زخت و وسايا يكه منسرام ر منبي شطح يا مدكور الكلس مير مرى الني المراكي ما مولى كوراكي اولا وكوراكي المسيما بدوالق اور الما الح بينية الميد متر ومرتبين دوراله يم بن الروكن تم ويوت وزما الكالى وال Circumstant Constitution of the Constitution o يو ما وري ما عورت اورو و مرزب ما فرا مياميز بي استكراسول يسطح نيي كند اري مون بدو ما وري ما عورت اورو و مرزب ما فرا مياميز بي مها آيا السول يسطح نيي كند اري مون ر تنه الله المالية المراه الموجود المرائد والمرائح المائح المائم عبر المركلان الله اوروره وين مهين يوروم رزا مراب مي بهيد وار داند بنا في المورد عبر البيركلان الله اوروره وين مهين يوروم رزا آئیں کر در مورین نے ما وری طالع ہے باتا اپ کی خید کیافاق اوروزا کے اکٹیرادی مجرمونم أي ما أي الموال علم كل ميل المرابع تنها عكراني كي آخر كاروف عهو دلينجا جد تشريط ليك علنه مري كمراج كالتي بي وطربي عقر في من بين الماوي عالات اسراقليم بنهن موي اور دجر دن اس مو كرمين اراي اور حدستر طائم مقل موا مفسالين جركيان مها بهارت بن وباس المرام وكرية ناسي سي نفع وقوم ير خالوا وافعت و مِلاً علم المرابر المرابي المرابية فنضى في رجد اسكار بال فاري بي الير الرسم ميم الهار المالي كرمها زبال في الم دِي كُركِيةٍ مِن اوربهارت لِرُامِي وسنا بي كراس لِرَامِي بَنِ آوم السِيحَكِيم بِي الْحِ مررانجا لاك بنالبر شاراور بعني كتي من مجاز لاك سايس استا من رانجا لاك بنالبر شاراور بعني كتي من مجاز لاك سايس استا الإلا المالي الموالية المالية كما الريم كالرمشنص ازانجله جاربها ي اوت فرق طرفداروسي عد

and the state of t دوم اقاله فلفسم فاقزعام قطحة ۣ ڮڵڒڎؙڒٷڔڵڔٵڮؙ؇ڟٙڗڹڴٳ ڝ كُنْ بِمْنِي وَقِلُكُ لِوْمِالَ إِلَى رُوْلِ بِرَالِكُ ت مدالاتي كني فيم وطررت مع وإلى الداخار ما الحافظ سرفقرآن بذمين والمكل وفنقرتا وكماميع تاارما للات اوراهي مازيكه وفريقا أغير كما وكالمدم اورناهم اسكاكه خرااي بعيامه يح يرشدال يتحاسب اورماده *ى كاناب ايك تقديد او دفين و فرنان ادر وكير دوركيا اخين إ*يا يركن كراكي دوفعو ين ورو . ريخ . .

0.6 رد والبلطنت كافعة غرشبنيزنت زيا جاء كيوان اركا ه زمينه طله Tight Single Conference of the Sun Enter فر رئيز نور صقر درلت نور ه مقدمان المائية مركب ما النصور على الاعدارسيان كا أي This contract of the second رحمت زرة أفبه جركا عرائه بمينسدرت فرمدون ملك مرضارف باكيفادا وبرسة The state of the s يسهمهان راسكندر فونبنروان عسرموركت ببيرا عاتم زمال يسمره درا حطابوش عطابا Chi Giran خلاق بردركم كم عراي وكن را فيها ربخ وهن زبر كانتها متعلم حضر روز من سرور مروارية منا China de la comparie ملطنة أمبهجان ياوآصغيا وزفاح المائنسة بتأميمه فوخذه عايان نظم أعرار لوبهاوإوروين Contraction of the second سنه باريكا والبشرخ روكيني سنان عدار سيكي جها نفي غربي بي تابيان من السيري بين بروجون بي غباريات مسية الأبيني في عله في بياسورا في رجيد در فالل جمان بين فك كرفيه فلك بمعدق لسيخ والمنجب يجب قايم بي تخت ارخ جرسهان The state of the s منت مربا ذان صدربر كرتي ربين جنبك جلوس عاكم وفحاكم يا بتي ربير جبان ا المرابع المراب وولت الميكم موحب عقل ولنسسة فرزن سكي براولا وسيت معمر اقليم بمإن المرابع المحاربة المرابع المرا فلدامه الكيورليطا ندوا فاض على لعالمبرن وحسائيم الحكام وربي خراجلا طرازع المالية المالي بالدا قبال فارس فنار دلاوري تيين مسلول عرصه بها دري سحاكيه مع عالي مم نوار عرب مناطرات الفيال مي تين مسلول عرصه بها دري سحاكيه مع عالي مم نوار عربي المور فأدني كالجرائي أن المالي أن المالي المرابع وان لوقه ولان الني مفر صورت كوست بخوطال سرديها بعد اربا ترفيز عطار خوارة بتنزيبار كارتان تؤندي بمستون بارتباءا رعمنا فأواس فالتجون ببأ آب in a standing the standing of فأوت واستطاله القالق الماك فيركد الداء بما وي عيد كوسيد العبنا ل إما ور بالبن المان * Kou 1649. 6.3.

132 M W. The state of the s Sorielis S The state of the s B. B. B. 不完 1) (c) ادر به المراد ا از براز المراز إدى اه عذائبا فدر وزج الحدمجيني تحريمصطفي صلاحة يسك اورثتي مُلْأَعَلِيْهِ وَعَلَىٰ لِمِ وَصَعِيدِ وَسَلَّمَا لَا شَقْفُولِي أَفِضًا وِالدُّهُومِ وَلَا أَدْ وَكُ فننسم كال دهرموا حتم وع بنان ربي بن الترميركي يسياضل و كاو كاو مومور بن برااي و مراب فالى أكروه سب برابع أما تعب والمخ شيع جن سأمره بندين وشاخرين عادم الطلب إيب النعوا علامانا مفان تين للحلفي بواس ترتهو رجان فك غفر احد و نوسل وُنت المار مسح البحري نوي مين بيح حد قط شاره و إن الوال إلان كر الذا علم الهدى على حفرت كما لَيَّا عَلَى اللَّهُ اللّ الذَهِمِ أَمُّرَعَ لَكُنَ عُمْ لِإِنْسَانِ مَكَالَ فَعَ عَلَا إِنسَانِ أَنْ مُسَعَلَى فَيْسَا The state of the s

The Carl in the state of th هوالي القبوم 3000 CS 510 9 C منسل كانعالى ولينكرون فلعط رسو الكربور صفحاه نظأم الملك يسرمج ي متا فالبيسس الامرا فتدار الملك فتدار الدوله بها ورخا البريس فالمجار المراجع Balifin Collins in the state of